بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ۝ الرحمن الرحيم ۝ مالك

شکر و سپاس و ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیان است روزی دهنده و مهربان پادشاه

يوم الدين ۝ اياك نعبد واياك نستعين ۝ اهدنا

روز جزا و حساب ترا پرستیم و از تو یاری میخواهیم ثابت بدار ما را

الصراط المستقيم ۝ صراط الذين انعمت عليهم

بر راه راست راه آنکسانی که نعمت کردی بر ایشان

غير المغضوب عليهم ولا الضالين ۝

جز خشم کرده شده بر ایشان و نه راه گمراهان

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ۝ ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين ۝

ای انا الله اعلم سر خدای که بیدانم این قرآنی است که هیچ شکی نیست در آن راه نمون است مر پرهیزکاران را

الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما

آنهایی که میگروند بنادیده و بپای میدارند نماز را و از آنچه

رزقناهم ينفقون ۝ والذين يؤمنون بما انزل

روزی کردیم ما ایشان را نفقت میکنند و آنهایی که میگروند بدانچه فرو فرستاده

اليك وما انزل من قبلك وبالاخرة هم يوقنون ۝

بتو و بدانچه فرو فرستاده شد پیش از تو و برای آخرت ایشان یقین شده

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
آن گروه بر راهی راستند از پروردگار خود و آن گروه ایشان رستگارانند بدرستی که آنها
كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
که کافر شدند یکسانست بر ایشان ای که بیم کنی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا نخواهند گروید
خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ
مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوائی ایشان و بر بینائیهای ایشان پوششی
وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ
و مر ایشانرا بود عذابی بزرگ و از مردمان کس هست که میگوید بگرویدیم بخدا و
الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ۝ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
آخرت و نیستند ایشان گروندگان فریب میدهند [illegible] خدایرا و آنها که گرویدند
وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
و نمی فریبند مگر تنهای خودرا و ایشان نمیدانند در دلهای ایشان بیماریست
فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝
پس بیفزود ایشانرا خدا بیماری و مر ایشانرا بود عذابی دردناک بدانچه بودند بدروغ داشتند
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ۝
و چون گوینده ایشانرا که تباهی مکنید در زمین گویند که ما کار باصلاح آورندگانیم
أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ
بدان بدرستی که ایشان ایشانند تباهی کنندگان و لیکن ایشان نمیدانند و چون گویند

لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ
مر ایشانرا که بگروید همچنانکه بگرویدند مردمان گویند ای بگرویم همچنانکه بگرویدند بیخردان
أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ
بدان بدرستی که ایشان ایشانند بیخردان و لیکن نمیدانند و چون برسند بآنها که
آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ
بگرویدند گویند بگرویدیم و چون خالی شوند با دیوان خویش گویند که ما با شماییم جز این که ما
مُسْتَهْزِئُونَ ۝ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ
استهزا آورندگانیم خدا جزای استهزا ایشان بدهد و در کشد ایشانرا تا در [illegible] خویش
يَعْمَهُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ
سرگشته شوند آن گروه آنها اند که خریدند گمراهی را ببدل راه راست پس سود
تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ
بازرگانی ایشان و نبودند ایشان راه یافتگان مثل ایشان چون مثل کسی است [illegible]
نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي
آتشرا و چون روشن شود آنچه پیرامون آنست ببرد خدا نور ایشانرا و بگذارد ایشانرا در
ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ۝ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝
تاریکیهای که نبینند کرانند گنگانند کورانند پس ایشان باز نیایند [illegible]
أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ
یا [illegible] باران که آید از آسمان [illegible] تاریکیهای و بانگ ابر و [illegible]

أصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت والله محيط
انگشتهای خودرا در گوشهای خود از ترس بانگ هایل و از ترس مرگ و خدای دانا است

بالكافرين ۝ يكاد البرق يخطف أبصارهم كلما
بحال کافران نزدیک بود که آتش در رباید بینائیهای ایشانرا هرگاه

أضاء لهم مشوا فيه وإذا أظلم عليهم قاموا ولو
که روشن شدی مرایشانرا رفتندی در آن وچون تاریک شدی بر ایشان بایستادندی واگر

شاء الله لذهب بسمعهم وأبصارهم إن الله على كل شيء
خواستی خدا هرآینه ببردی شنوائیهای ایشانرا و بینائیهای ایشانرا بدرستی که خدا بر همه چیزی

قدير ۝ يا أيها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم
توانا است ای مردمان پرستش کنید پروردگار خودرا آن خدای که آفرید شمارا

والذين من قبلكم لعلكم تتقون ۝ الذي جعل لكم
وآنهارا که پیش از شما بودند تا بود که شما بپرهیزید آن خدائی که بود گردانید برای شما

الأرض فراشا والسماء بناء وأنزل من السماء ماء فأخرج به
زمین را بمثابت فرشی و آسمانرا سقفی و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بدان

من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله أندادا وأنتم تعلمون
از میوه‌ها روزی مر شمارا پس مکنید مر خدارا همتایان و شما میدانید

وإن كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله
و اگر هستید شما در شکی از آنچه فرو فرستادیم ما بر بنده ما پس بیارید سورتی مانند آنرا

وادعوا شهداءكم من دون الله إن كنتم صادقين ۝
و بخوانید گواهان خودرا از جز خدا اگر هستید شما راست گویان

فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس
پس اگر نکنید و هرگز نکنید پس بپرهیزید از آتش آن آتشی که هیمه افروزه آن مردمان باشند

والحجارة أعدت للكافرين ۝ وبشر الذين آمنوا
و سنگها که گوگرد بیچاره ساخته شده برای کافران و بشارت ده آنهارا که بگرویدند

وعملوا الصالحات أن لهم جنات تجري من تحتها الأنهار
و کارهای نیکو کردند بانک مرایشانرا بوستانهائی که میرود از زیر آن جویها

كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا
هرگاه که روزی داده شوند از آن از میوه‌های روزی گویند اینست آنچه روزی داده شدیم

من قبل وأتوا به متشابها ولهم فيها أزواج مطهرة
از پیش و آورده شوند بدان مانند آن بهم و مرایشانرا بود در آنجا جفتانی پاکیزه

وهم فيها خالدون ۝ إن الله لا يستحيي أن يضرب مثلا
و ایشان در آنجا همیشه باشند بدرستی که خدا شرم نمی‌دارد که بزند مثل

ما بعوضة فما فوقها فأما الذين آمنوا فيعلمون أنه الحق
پشه را آنچه بالای آن بود یکی پس اما آنها که بگرویدند پس میدانند که آن حق است

من ربهم وأما الذين كفروا فيقولون ماذا أراد الله بهذا
از پروردگار ایشان واما آنها که کافر شدند پس میگویند چه خواست خدا بدین

مثلا يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به الا

مثل زدن گمراه کند بدان بسیاری را وراه نماید بدان بسیاری را و گمراه نشوند بدان مگر

الفاسقين • الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه

فاسقان آنهایی که باز می شکافند عهد خدا را از پس استوار شدن آن

ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون في الارض

و می برند آنچه فرمود خدا که بدان بپیوندند و تباهی میکنند در زمین

اولئك هم الخاسرون • كيف تكفرون بالله وكنتم امواتا

آن گروه ایشانند زیانکاران چگونه کافر میشوید بخدا و حال آنکه شما مرده گان بودید

فاحياكم ثم يميتكم ثم اليه ترجعون • هو الذي خلق

پس زنده گردانید شما را پس بمیراند شما را پس باجزاء او بازگردانیده شوید اوست آن خدایی که آفرید

لكم ما في الارض جميعا ثم استوى الى السماء فسواهن سبع

مر شما را آنچه در زمینست همه پس قصد کرد بآفریدن آسمانها پس آفرید آنها را هفت

سماوات وهو بكل شيء عليم • واذ قال ربك للملائكة اني

آسمانها و او بهمه چیزی داناست و چون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را که من

جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و

گرداننده ام در زمین خلیفه و پیشوا گفتند ای میکنی در آنجا آنکه تباهی کند در آنجا

يسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني

و ریزد خونها بناحق را و ما تسبیح میگوییم بستایش تو و بپاکی صفت میکنیم مر ترا گفت من

ثم يحييكم

پس زنده گرداند

اعلم ما لا تعلمون • وعلم آدم الاسماء كلها ثم عرضهم على

میدانم آنچه شما نمیدانید و در آموخت آدم اسماء را همه آن پس عرض کرد آن مسمیات را بر

الملائكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين •

فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این گروه اگر هستید شما راست گویان

قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم

گفتند پاک و منزهی تو نیست دانشی مارا مگر آنچه در آموختی تو مارا بدرستی که تویی دانای

الحكيم • قال يا آدم انبئهم باسمائهم فلما انباهم

محکم کار گفت خدا ای آدم بیاگاهان ایشانرا بنامهای ایشان پس چون آگاهانید ایشانرا

باسمائهم قال الم اقل لكم اني اعلم غيب السماوات و

بنامهای ایشان گفت نگفتم مر شمارا که من میدانم غیب آسمانها

الارض واعلم ما تبدون وما كنتم تكتمون • واذ قلنا

زمین را و میدانم آنچه آشکارا میکنید شما و آنچه شما باز می پوشیدند و چون گفتیم ما

للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابليس ابى واستكبر

مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که سر باز زد و گردنکشی کرد

وكان من الكافرين • وقلنا يا آدم اسكن انت وزوجك

و بود از جمله کافران و گفتیم ما ای آدم آرام گیر تو و زن تو

الجنة وكلا منها رغدا حيث شئتما ولا تقربا هذه

در بهشت و بخورید از آنجا نوش و گوارنده هر کجا که خواهید و نزدیک مشوید این

الشجرة فتكونا من الظالمين ● فازلهما الشيطان عنها فاخرجهما

درخت گندم روید پس باشید از جملهٔ ستمکاران پس وسوسه داد ایشان را دیو ازان پس بیرون آورد ایشان را

مما كانا فيه وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم

ازانچه بودند در آن و گفتیم ما پائین شوید بعضی شما مر بعضی را دشمن باشند و مر شما را بود

في الارض مستقر ومتاع الى حين ● فتلقى آدم من ربه

در زمین آرامگاهی و برخورداری تا هنگامی پس فرا گرفت آدم از پروردگار خود

كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم ● قلنا اهبطوا

سخنان پس بپذیرفت توبهٔ او بدرستی که او توبه پذیرنده مهربان گفتیم ما فرود آیید

منها جميعا فاما ياتينكم مني هدى فمن تبع هداي

ازان جنت همه پس هرگاه که آید بشما از من راه پس هرکه پیروی کند راه مرا

فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ● والذين كفروا وكذبوا

پس هیچ ترسی نبود بریشان ونه ایشان اندوهگین باشند وآنها که کافر شدند و دروغ داشتند

باياتنا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون ● يا بني

نشانهای ما را آن گروه اصحاب دوزخ اند ایشان در آنجا همیشه باشند ای فرزندان

اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واوفوا

یعقوب یاد کنید نعمت مرا آن نعمتی که کردم برشما ووفا کنید

بعهدي اوف بعهدكم واياي فارهبون ● وآمنوا بما

بعهد من تا وفا کنم بعهد شما وازمن ترسید وبگروید بدانچه

انزلت مصدقا لما معكم ولا تكونوا اول كافر به ولا

فرو فرستادم باور دارنده مرآنچه باشماست ومباشید اول کافر وناسپاس بدان و

تشتروا باياتي ثمنا قليلا واياي فاتقون ● ولا تلبسوا الحق

فرا مگیرید بنشانهای من بهای اندک وازمن بترسید ومپوشید حق را

بالباطل وتكتموا الحق وانتم تعلمون ● واقيموا الصلوة

بباطل وبازمی پوشانید حق را وشما میدانید وبپای دارید نماز را

حزب وآتوا الزكوة واركعوا مع الراكعين ● اتامرون الناس

وبدهید زکات را ورکوع کنید با رکوع کنندگان ای میفرمائید مردمان را

بالبر وتنسون انفسكم وانتم تتلون الكتاب افلا

بنیکوئی وفراموش میکنید تنهای خود را وشما میخوانید کتاب را ای پس

تعقلون ● واستعينوا بالصبر والصلوة وانها لكبيرة

استعمال عقل نمیکنید ویاری خواهید ازخدا بصبر کردن ونماز گزاردن وبدرستی که آن هر آینه بزرگ است

خمس الا على الخاشعين ● الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم و

مگر بر ترسکاران آنها که ایشان یقین دانند که باز رسند کانند بانزد پروردگار خود

انهم اليه راجعون ● يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي

وآنکه ایشان باجزاء او بازگشتگانند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت

التي انعمت عليكم واني فضلتكم على العالمين ●

آن نعمتی که کردم برشما وآنکه من افزونی نهادم شمارا برجهانیان زمان شما

واتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها شفاعة

وبترسيد ازآمدن روزی که بکار نیاید هیچ تنی از تنی چیزی و پذیرفته نشود ازان خواهش

ولا يؤخذ منها عدل ولا هم ينصرون ۝ وإذ نجيناكم

و فرا گرفته نشود ازان بدلی و نه ایشانرا یاری کنند و یادکن چون برهانیدیم ما شمارا

من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب يذبحون أبناءكم

از آل فرعون در می چشانیدند شمارا بدی عذاب میکشتند پسران شمارا

ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء من ربكم عظيم

و زنده میگذاشتند زنان شمارا و در آن تان آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ

وإذ فرقنا بكم البحر فأنجيناكم وأغرقنا آل فرعون وأنتم عشر

و چون بشکافتیم ما برای شما دریارا پس برهانیدیم ما شمارا و غرق کردیم آل فرعون را و شما

تنظرون ۝ وإذ واعدنا موسى أربعين ليلة ثم اتخذتم

می نگریستید و چون وعده دادیم موسی را چهل شب پس فرا گرفتید شما

العجل من بعده وأنتم ظالمون ۝ ثم عفونا عنكم

گوساله را بمعبودی از پس آن و شما ستمکاران بودید پس درگذشتیم ما از شما

من بعد ذلك لعلكم تشكرون ۝ وإذ آتينا موسى

از پس آن تا مگر بود که شما شکر کنید و چون بدادیم ما موسی را

الكتاب والفرقان لعلكم تهتدون ۝ وإذ قال موسى

توریه و کتاب فرق میان حق و باطل تا بود که شما راه یابید و چون گفت موسی

لقومه يا قوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل

مرقوم خودرا که ای قوم من بدرستی که شما ستم کردید بر تنهای خود بفرا گرفتن شما گوساله را بمعبودی

فتوبوا إلى بارئكم فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم

پس بازگردید با آفریدگار خویش پس بکشید تنهای خودرا آن تان بهتر بود مر شمارا

عند بارئكم فتاب عليكم إنه هو التواب الرحيم

نزدیک آفریدگار شما پس سهل کرد بر شما بدرستی که اوست توبه پذیرنده مهربان

وإذ قلتم يا موسى لن نؤمن لك حتى نرى الله جهرة فأخذتكم

و چون گفتید شما ای موسی هرگز باور نداریم مرترا تا باز نمائی مارا خدا بمعاینه آشکارا پس گرفت شمارا

خمس الصاعقة وأنتم تنظرون ۝ ثم بعثناكم من بعد

بانگی هائله و شما می نگریستید پس بزیستانیدیم ما شمارا از پس

موتكم لعلكم تشكرون ۝ وظللنا عليكم الغمام

مرگ شما تا بود که شما شکر کنید و سایه بان کردیم بر شما ابررا

وأنزلنا عليكم المن والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم

و فرو فرستادیم ما بر شما ترنگبین و مرغ بریان گفتیم ما بخورید از پاکیهای آنچه روزی کردیم ما شمارا

وما ظلمونا ولكن كانوا أنفسهم يظلمون ۝ وإذ قلنا

و ستم نکردند ما ایشانرا ولیکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند و چون گفتیم ما

ادخلوا هذه القرية فكلوا منها حيث شئتم رغدا

در روید اندر این دیه پس بخورید ازانجا هر کجا که خواهید شما خوش

وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطاياكم

و در روید از در دیه سجودکنندگان و بگویید فرو نه از ما بار گناه‌ها تا بیامرزیم مر شمارا گناهان شما

وسنزيد المحسنين ● فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي قيل

و زود بود که زیادت دهیم نیکوکاران را پس بدل کردند آنها که ستم کردند گفتاری جز آنچه گفته شد

لهم فانزلنا على الذين ظلموا رجزا من السماء بما كانوا

مر ایشان را پس فرو فرستادیم بر آنها که ستم کردند خواری از آسمان بسبب آنچه ایشان

يفسقون ● واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب

تباهی کردند و چون آب خواست موسی مر قوم خود را پس گفتیم ما بزن

بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل

عصای خود را بر سنگ پس روان شد از آن دوازده چشمه بدرستی که بدانست هر

اناس مشربهم كلوا واشربوا من رزق الله ولا تعثوا

گروهی آبشخور خود را گفتیم ما بخورید و بیاشامید از روزی خدا و مشتابید

في الارض مفسدين ● واذ قلتم يا موسى لن نصبر على طعام

در زمین تباهی کنندگان و چون گفتید شما ای موسی صبر نداریم بر یک طعام

واحد فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها و

تنها پس بخوان برای ما پروردگار خود را تا بیرون آورد برای ما از آنچه بیرویاند زمین از تره آن

قثائها وفومها وعدسها وبصلها قال اتستبدلون الذي

و خیار آن و سیر آن و نرسی آن و پیاز آن گفت ای بدل میکنید آنچه

عش

8

هو ادنى بالذي هو خير اهبطوا مصرا فان لكم ما سألتم

آن بدتر است بدانچه آن بهتر است برین پس بشهری که مر شمارا است آنچه خواهید شما

وضربت عليهم الذلة والمسكنة وباءو بغضب من الله

و نهاده شده بر ایشان خواری و درویشی و سزاوار شدند بخشمی از خدا

ذلك بانهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون

آن بسبب آن بود که ایشان بودند که کافر شدند بنشانهای خدا و میکشتند

النبيين بغير الحق ● ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ●

پیغامبران را بنا حق آن بسبب آن بود که ایشان عاصی شدند و بودند از حد در میگذشتند

ان الذين امنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من امن

بدرستی که آنها که بگرویدند و آنها که جهود شدند و ترسایان و از دین بدین شوندگان هر که بگروید

بالله واليوم الاخر وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا

بخدا و بروز آخرت و کارهای نیکو کرد پس ایشان را بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان

خوف عليهم ولا هم يحزنون ● واذ اخذنا ميثاقكم

و هیچ ترسی نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و یاد کن چون فرا گرفتیم عهد را از شما

ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم بقوة واذكروا

و برافراشتیم ما بالای سر شما کوه طور را گفتیم فرا گیرید آنچه بدادیم شما را بقوت و یاد کنید

ما فيه لعلكم تتقون ● ثم توليتم من بعد ذلك

آنچه در آنست تا بود که بپرهیزید پس بگشتید شما از پس آن

خمس

فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس اگر نه فضل خدا بودی بر شما و رحمت او سراینه می بودید شما از جمله زیانکاران

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ

و بدرستی که دانستید شما آنان را که از حد درگذشتند از شما در گرفتن ماهی در شنبه پس گفتیم ما ایشان را

كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا

باشید بوزنگان نومیدان از رحمت پس گردانیدیم ما آن را عقوبتی و عبرتی مر آنچه در پیش آن

وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ

و آنچه از پس آن بود و پندی بود پرهیزکاران را و چون گفت موسی مر قوم خود را که خدا

يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ

میفرماید شما را که بکشید ماده گاوی را گفتند ای موسی میگیری ما را استهزا گفت پناه میگیرم

بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا

بخدا که باشم از جمله نادانان گفتند برخوان برای ما پروردگار خود را تا روشن کند ما را

مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ

که چیست صفت آن گاو گفت که خدا میگوید که آن ماده گاویست نه پیر و نه جوان میانه این و آنست

فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ

پس بکنید آنچه ... گفتند برخوان برای ما پروردگار خود را تا روشن کند ما را که چیست صفت آن گاو

إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ

گفت خدا میگوید که آن ماده گاویست زرد زرد رنگ آن شاد کند نگرندگان را

عشر

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا

گفتند برخوان برای ما پروردگار خود را تا روشن کند ما را که چیست صفت آن گاو که گاو مانند شده است بر ما و بدرستی که ما

إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ

اگر خواهد خدا هر آینه راه یافتگان باشیم گفت که خدا میگوید که آن ماده گاویست نه رام کرده که برگرداند

الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ

زمین را و نه آنکه آب دهد کشت زار را ... از عیبهاست ... گفتند اکنون آوردی

بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ وَإِذْ قَتَلْتُمْ

حق را پس بکشتند آن را و نه نزدیک بود که بکنند و چون بکشتید شما

نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ فَقُلْنَا

تنی را پس با هم خصومت کردید در آن کار و خدا بیرون آورنده بود آنچه بودید شما که پنهان میداشتید پس گفتیم ما

اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ

بزنید آن شخص مقتول را به بعضی از آن بقره همچنین زنده کند خدا مردگان را و باز نماید شما را نشانهای

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

تا بود که شما دریابید پس سخت شدند دلهای شما از پس آن

فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ

پس آنها چون سنگها اند یا سخت تر به سختی و بدرستی که بعضی از سنگهاست که روان میشود

مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا

از آن جویها و بدرستی که از سنگها آنست که شکافته میشود پس بیرون آید از آن آب و بدرستی که از آن

نصف

لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۞ أَفَتَطْمَعُونَ

که از وی فرو افتد از ترس خدا و نیست خدا غافل از آنچه شما میکنید ای پس طمع دارید که

أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ

بگروند مر شمارا و بدرستی که هستند گروهی از ایشان می شنوند کلام خدا را

خمس

ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۞ وَإِذَا لَقُوا

پس بر میگردانیدند آنرا از پس آنچه دریافته بودند آنرا و ایشان میدانستند و چون برسند

الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ

بآنها که بگرویده اند گویند بگرویدیم ما و چون خالی شوند بعضی ایشان سوی بعضی گویند

بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۞

بآنچه برگشود خدا بر شما تا در خصومت افکنند شمارا بدان نزد پروردگار شما ای پس درنمی یابید

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۞ وَمِنْهُمْ

ای نمیدانستند که خدا میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا میکنند و از ایشان

أُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ۞

هستند نانویسندگان که نمیدانند کتاب را مگر آرزوهای و نیستند ایشان مگر گمان می برند

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِنْدِ

پس وای مر آنها را که می نویسند کتاب را بدستهای خود پس میگویند این از نزدیک

اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ

خداست تا فرا گیرند بدان بهای اندک پس وای مر ایشانرا از آنچه اندوختند دستهای ایشان

وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ۞ وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً

و وای مر ایشانرا از آنچه اندوختند و گفتند هرگز نرسد بما آتش مگر در روزهای شمرده شده

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى

بگو ای فرا گرفتید شما نزدیک خدا عهدی را پس هرگز خلاف نکند خدا عهد خودرا یا بگویید بر

عشر

اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۞ بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ

خدا آنچه نمیدانید آری هرکه اندوخت بدی و گرد درآید بدو گناه او پس آن گروه

أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۞ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

اصحاب آتش باشند ایشان در آنجا همیشه باشند و آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۞ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ

آن گروه اصحاب بهشتند ایشان در آنجا همیشه باشند و یاد کن چون فرا گرفتیم ما عهد را

بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ

از فرزندان یعقوب که مپرستید مگر خدا را و با مادر و پدر نیکوی کنید و با خداوندان خویشی

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ

و با یتیمان و بیچارگان و بگویید مردمان را بنیکوئی و بپای دارید نماز را

وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ

و بدهید زکات را پس برگشتید شما مگر اندکی از شما و شما روی گردانندگان بودید

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ

و چون فرا گرفتیم ما عهد را از شما که مریزید خونهای خود را و بیرون مکنید تنهای خود را

من ديارکم ثم اقررتم وانتم تشهدون ۝ ثم انتم هؤلاء تقتلون

از سراهای شما پس اقرار کردید شما و شما گواهی میدهید پس شمایید آن گروه میکشید

انفسکم وتخرجون فريقا منکم من ديارهم تظاهرون

تنهای یکدیگر را و بیرون میکنید گروهی را از شما از سراهای ایشان هم پشت میشوند

عليهم بالاثم والعدوان وان ياتوکم اسارى تفادوهم

بر ایشان ببزه و دشمنی و اگر آیند بشما در حالی که اسیر باشید باز میخرید ایشانرا

وهو محرم عليکم اخراجهم افتؤمنون ببعض الکتاب

وآن حرام است بر شما بیرون کردن ایشان ای پس میگروید ببعضی از کتاب

وتکفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلک منکم الا خزى

و کافر میشوید ببعضی پس نبود پاداشت آنکه کند آنرا از شما مگر رسوائی

فى الحيوة الدنيا ويوم القيمة يردون الى اشد العذاب وما الله

در زندگانی دنیا و در روز قیامت بازگردانیده شوید با سخت ترین عذابی و نیست خدا

بغافل عما تعملون ۝ اولئک الذين اشتروا الحيوة الدنيا بالاخرة خمس

غافل از آنچه شما میکنید آن گروه آنها اند که واگرفتند زندگانی دنیا را بدل آخرت

فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينصرون ۝ ولقد اتينا موسى

پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشانرا یاری کنند و بدرستی که بدادیم ما موسی را

الکتاب وقفينا من بعده بالرسل واتينا عيسى ابن مريم البينات وايدناه

توراة و در پی داشتیم ما از پس او رسولانرا و بدادیم ما عیسی پسر مریم را معجزات و نیرومند گردانیدیم او را

بروح القدس افکلما جاءکم رسول بما لا تهوى انفسکم استکبرتم

بجبرئیل پاک ای پس هرگاه که آمد بشما رسولی بدانچه نخواست تنهای شما گردنکشی کردید شما

ففريقا کذبتم وفريقا تقتلون ۝ وقالوا قلوبنا غلف بل

پس گروهی را بدروغ میداشتید شما و گروهی را میکشتید و گفتند دلهای ما در غلافی اند بلکه

لعنهم الله بکفرهم فقليلا ما يؤمنون ۝ ولما جاءهم کتاب

لعنت کرد ایشانرا خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی اند آنچه می گروند و چون آمد بدیشان کتابی

من عند الله مصدق لما معهم وکانوا من قبل يستفتحون

از نزد خدا راست دارنده مر آنچه با ایشان بود و بودند از پیش طلب فتح میکردند

على الذين کفروا فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنة الله على

بر آنها که کافر شدند پس چون آمد بدیشان آن شناختند کافر شدند بدو پس لعنت خدای باد بر

الکافرين ۝ بئسما اشتروا به انفسهم ان يکفروا بما انزل الله

کافران بدست آنچه خرید و فروخت کردند بدان تنهای خود را که کافر شدند بدانچه فرو فرستاد خدا

بغيا ان ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده فباءو بغضب على

از ستمی که فرو فرستد خدا از فضل خود بر آنکه خواهد از بندگان خود پس سزاوار شدند بخشمی

عشر غضب وللکافرين عذاب مهين ۝ واذا قيل لهم امنوا بما انزل

بر خشمی و مر کافرانرا بود عذابی خوار کننده و چون گویند مر ایشانرا که بگروید بدانچه فرو فرستاد

الله قالوا نؤمن بما انزل علينا ويکفرون بما وراءه وهو الحق مصدقا

خدا گویند بگرویم بدانچه فرو فرستاده شد بر ما و کافر شدند بدانچه جز آن بود و آن حقست راست دارنده

لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

آنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتید پیغمبران خدایرا از پیش اگر هستید شما مؤمنان

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ

و بدرستی که آمد شما را موسی با معجزات پس فرا گرفتید گوساله را بمعبودی از پس او

وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ

و شما ستمکاران بودید و چون فرا گرفتیم عهد شما را و برافراشتیم بالای شما کوه طور را

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَ

گرفتید آنچه بدادیم ما شما را از بقوت و بشنوید گفتند شنیدیم و فرمان نبردیم

أُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ

در دلهای ایشان پرستیدن گوساله بسبب کفر ایشان بگو بدست آنچه میفرماید شما را بدان ایمان شما

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ

اگر هستید شما مؤمنان بگو اگر باشد مر شما را سرای آخرت نزدیک خدا

خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

خالص از جز مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید شما راست گویان

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَ خمس

و آرزو نکنند آنرا هرگز بدانچه از پیش داشتند دستهای ایشان و خدا داناست بحال ستمکاران

لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ

و هر آینه یابی ایشانرا حریص ترین مردمان بر زندگانی و از آنها که انباز گرفتند آرزو کنند یکی از ایشان

لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ

اگر زندگانی داده شود هزار سال و نیست او رهنده از عذاب اگر زندگانی داده شود

وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ

و خدا بیناست بدانچه ایشان میکنند بگو هر که باشد دشمن مر جبریل را پس او فرود آورد آنرا

عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى

بر دل تو بفرمان خدا براست دارنده مر آنچه در پیش آمت و راه نمائی و بشارتیست

لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ

مر مؤمنانرا هر که باشد دشمن مر خدایرا و فرشتگان او را و رسولان او را و جبرئیلرا

وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ

و میکائیل را پس بدرستی که خدا دشمنست کافرانرا و بدرستی که فرو فرستادیم ما بتو نشانهای

بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا

روشن را و کافر نشوند بدان مگر فاسقان ای هرگاه که عهد بستند عهدی

عشر نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ

بینداخت آنرا گروهی از ایشان بلکه بیشترین ایشان نمیگروند و چون آمد بدیشان رسولی

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

از نزدیک خدا براست دارنده مر آنچه با ایشانست بینداخت گروهی از آنها که داده شدند کتاب

كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا

کتاب خدایرا واپس پشتهای خود گوییا که ایشان نمیدانند و پیروی کردند آنچه خوانند

الشياطين على ملك سليمن وما كفر سليمن ولكن الشياطين

دیوان بر پادشاهی سلیمان و ناسپاسی نمود سلیمان ولیکن دیوان

كفروا يعلمون الناس السحر وما انزل على الملكين ببابل هروت

کافر شدند که در می‌آموزانیدند مردمان را جادو و آنچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته در زمین بابل هاروت

وماروت وما يعلمان من احد حتى يقولا انما نحن فتنة

و ماروت نام و در نمی‌آموزانیدند هیچ کس را تا میگفتند که ما سبب آزمایشیم

فلا تكفر فيتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء وزوجه وما هم

پس ناسپاسی منمای در می‌آموختند ازان دو آنچه جدائی می‌افکند بدان میان مرد و زن او و نبودند ایشان

بضارين به من احد الا باذن الله ويتعلمون ما يضرهم ولا

زیان رسانیده بدان هیچ کس را مگر بفرمان خدا و در می‌آموختند آنچه زیان میکرد ایشان را و

ينفعهم ولقد علموا لمن اشتريه ما له في الاخرة من خلاق

سود نمی‌کرد ایشان را و بدرستی که دانستند که هر که اختیار کند آن را نبود مر او را در آخرت هیچ بهره

ولبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا يعلمون ولو انهم امنوا

و هر آینه بد است آنچه فروختند بدان تنهای خود را اگر ایشان بدانستندی و اگر ایشان ایمان آوردندی

واتقوا لمثوبة من عند الله خير لو كانوا يعلمون يايها الذين

و پرهیزیدندی هر آینه پاداشتی از نزدیک خدا بهتر بودی اگر ایشان بدانستندی ای آنها

امنوا لا تقولوا رعنا وقولوا انظرنا واسمعوا وللكافرين عذاب اليم

که گرویدید مگوئید لفظ راعنا و بگوئید بنگر بما و بشنوید و مر کافران را بود عذابی دردناک

ما يود الذين كفروا من اهل الكتاب ولا المشركين ان ينزل

آرزو نکنند آنها که کافر شدند از اهل کتاب و نه انبازآورندگان که فرو فرستاده شود

عليكم من خير من ربكم والله يختص برحمته من يشاء والله

بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما و خدا خاص گرداند برحمت خود آن را که خواهد و خدا

ذو الفضل العظيم ما ننسخ من اية او ننسها نات بخير منها

خداوند فضل بزرگست آنچه منسوخ کنیم از آیات قرآن [illegible] آوریم بهتر ازان

حزب خمس

او مثلها الم تعلم ان الله على كل شيء قدير الم تعلم ان الله

یا مانند آن آیا ندانستی تو که خدا بر همه چیزی تواناست ای نه دانستی تو که خدا

له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و نیست مر شما را از جز خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده

ام تريدون ان تسـٔلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل ومن يتبدل

یا میخواهید که درخواهید از رسول خود همچنانکه درخواسته شد از موسی از پیش و هر که بدل کند

الكفر بالايمان فقد ضل سواء السبيل ود كثير من اهل الكتاب

کفر را ببدل ایمان پس بدرستی که گم شده باشد از راه راست آرزو کردند بسیاری از اهل کتاب

لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم

که برگردانند شما را از پس ایمان شما از کفر و حسدی که از نزدیک تنهای ایشان بود

من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا واصفحوا حتى ياتي الله بامره

از پس آنچه روشن شد مر ایشان را حق پس درگذرید و روی فرو گردانید تا آورد خدا فرمان خود را

عشر

إن الله على كل شيء قدير ۝ وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة وما تقدموا
بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه فرا پیش دارید
لأنفسكم من خير تجدوه عند الله إن الله بما تعملون بصير ۝ وقالوا
برای تنهای خود از نیکی یابید آنرا نزدیک خدا بدرستی که خدا بدانچه شما میکنید بیناست و گفتند
لن يدخل الجنة إلا من كان هودا أو نصارى تلك أمانيهم قل هاتوا
در نرود در بهشت مگر آنکه باشد جهود یا ترسا آنست آرزوهای ایشان بگو بیاورید
برهانكم إن كنتم صادقين ۝ بلى من أسلم وجهه لله وهو محسن
حجت خود را اگر هستید شما راست گویان آری هر که خالص گرداند دین خود مر خدا را و او نیکوکار بود
فله أجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ وقالت
پس مر او را بود مزد او نزدیک پروردگار او و هیچ ترسی نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و گفتند
اليهود ليست النصارى على شيء وقالت النصارى ليست اليهود
جهودان نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان نیستند جهودان
على شيء وهم يتلون الكتاب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل
بر چیزی و ایشان میخوانند کتاب را همچنین گفتند آنها که نمیدانستند مانند
قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه
گفتار ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن
يختلفون ۝ ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه
اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را که یاد کنند در آنجا نام او را

خمس

وسعى في خرابها أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين ۝
و بشتافت در خرابی آن آن گروه نبود مر ایشان را که در روند در آنجا مگر ترسکاران
لهم في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم ۝ ولله المشرق و
مر ایشان را بود در دنیا رسوائی و مر ایشان را بود در آخرت عذابی بزرگ و مر خدا راست مشرق
المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله إن الله واسع عليم ۝ وقالوا اتخذ
و مغرب پس هر کجا که روی فرا کنید پس آنجاست قبله خدا بدرستی که خدا فراخ رحمت داناست و گفتند فرا گرفت
الله ولدا سبحانه بل له ما في السموات والأرض كل له قانتون ۝
خدا فرزندی پاک و منزه است او بلکه مر او راست آنچه در آسمانهاست و زمین همه مر او را فرمان بردارانند
بديع السموات والأرض وإذا قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ۝
اوست بدید آورنده آسمانها و زمین و چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مر آنرا که بباش پس بباشد
وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله أو تأتينا آية كذلك
و گفتند آنها که نمیدانستند چرا سخن نگوید با ما خدا یا چرا نیاید بما نشانی همچنین
قال الذين من قبلهم مثل قولهم تشابهت قلوبهم قد بينا الآيات
گفتند آنها که پیش از ایشان بودند مانند گفتار ایشان بهم مانند شد دلهای ایشان بدرستی که روشن کردیم نشانها
لقوم يوقنون ۝ إنا أرسلناك بالحق بشيرا ونذيرا ولا تسئل عن
برای گروهی که یقین شوند بدرستی که تو فرستادیم ما ترا بحق بشارت دهنده و بیم کننده و نپرسند از تو از
أصحاب الجحيم ۝ ولن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع
حال اصحاب دوزخ و خشنود نشوند از تو جهودان و نه ترسایان تا پیروی کنی تو

عشر

مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي

ملت ایشانرا بگو بدرستی که راه خدا آنست راه راست و اگر پیروی کنی تو مرادهای ایشانرا پس از آنچه

جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

آمد بتو از دانش نبود ترا از عذاب خدای هیچ دوستی و نه یاری کنی آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب

يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

میخوانند آنرا سزای خواندن آن آن گروه بگروند بدان و هر که کافر شود بدان پس آن گروه ایشان

الْخَاسِرُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي

زیانکارانند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا آن نعمتی که کردم بر شما و آنکه من

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا

افزونی نهادم شمارا بر جهانیان زمانه شما و بترسید از آمدن روزی که بنگزارد هیچ تنی از هیچ تنی چیزیرا

يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِذِ ابْتَلَىٰ

و قبول کرده نشود از آن تن بدلی و سود نکند آن تن را خواهشی و نه ایشانرا یاری کنند و یاد کن چون بیازمود

إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي

ابرهیم را پروردگار او بسخنانی چند پس تمام گردانید آنهارا گفت که من گردانیده ام ترا برای مردمان پیشوائی گفت و از فرزندان من

قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ۝ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا

گفت نرسد عهد من بستمکاران و یاد کن چون بگردیدیم ما خانه کعبه را جای بازگشتن برای مردمان و ایمنی و فرا گیرید

مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا

از مقام ابرهیم نمازگاهی و عهد بستیم ما با ابرهیم و اسمعیل که پاک دارید

خمس

بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

خانه مرا مر طواف کنندگانرا و مقیم شوندگانرا و رکوع کنندگان و سجود کنندگانرا و چون گفت ابرهیم ای پروردگار من

اجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ

گردان این شهر مکه را شهری ایمن و روزی ده کسان آنجارا از میوها هر که بگرود از ایشان بخدا

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ

و بروز آخرت گفت و هر که کافر شود پس برخورداری دهم اورا اندکی پس بیچاره گردانم اورا بعذاب آتش

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا

و بد جای بازگشت دوزخ و یاد کن چون بر افراشت ابرهیم بناهارا از خانه کعبه و اسمعیل نیز که ای پروردگار ما

تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ

بپذیر از ما که توئی شنوای دانا ای پروردگار ما و بکن مارا منقادان مر ترا

وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ

و از فرزندان ما نیز گروهی منقادان مر ترا و باز نما مارا عبادتجاهای ما و ببخش بر ما براستی که توئی

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

توبه پذیرنده مهربان ای پروردگار ما بفرست در میان ایشان رسولی را از جنس ایشان تا خواند بر ایشان

آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ

نشانهای ترا و در آموزد ایشانرا کتاب و حکمت و تزکیه نفس ایشان کند براستی که توئی غالب

الْحَكِيمُ ۝ وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ

محکم کار و کدام کس رغبت بگرداند از ملت ابرهیم مگر آنکه بیخرد شمرد تن خود را و بدرستی که برگزیدیم اورا

فِي الدُّنْيَا وَاِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ قَالَ اَسْلَمْتُ عشر

در دنیا و بهستی که او در آخرت هرآینه از جمله نیکوکاران بود چون گفت مر اورا پروردگار او که منقاد شو گفت منقاد شدم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَوَصّٰى بِهَا اِبْرٰهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ

مر پروردگار جهانیانرا و فرمود بدین دین ابرهیم پسران خودرا و یعقوب نیز که ای پسران من بدرستی که خدا

اصْطَفٰى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ اِلَّا وَاَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ

برگزید مر شمارا دین پس ممیرید مگر که شما منقادان باشید یا بودید شما حاضران

اِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ اِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي

چون حاضر آمد بیعقوب اسباب مرگ چون گفت مر پسران خودرا که چه پرستید پس از من

قَالُوا نَعْبُدُ اِلٰهَكَ وَاِلٰهَ اٰبَائِكَ اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ اِلٰهًا

گفتند خواهیم پرستید خدای ترا و خدای پدران ترا ابرهیم و اسمعیل و اسحق خدای

وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ تِلْكَ اُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ

بیکتای یگانه و ما اورا منقادانیم آن گروهیست که گذشتند مر آنهارا بود آنچه اندوختند و مر شمارا

مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا

آنچه اندوختید باشند و نپرسند از شما از آنچه ایشان کرده باشند و گفتند جهودان

كُونُوا هُودًا اَوْ نَصَارٰى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ

باشید جهود یا ترسا تا راه یابید بگو بلکه ملت ابرهیم را داریم مایل از باطل بحق و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ قُولُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ اِلٰى اِبْرٰهِيمَ خمس

از جمله انبازگیرندگان بگویید بگرویدیم ما بخدا و بدانچه فرو فرستاده شد بما و بدانچه فرو فرستاده شد بابرهیم

وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَا اُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَ

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان و آنچه داده شد موسی و عیسی را

مَا اُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

و آنچه داده شد پیغمبرانرا از پروردگار ایشان هیچ جدایی نیکنیم میان هیچ یکی از ایشان و ما مر اورا

مُسْلِمُونَ ۝ فَاِنْ اٰمَنُوا بِمِثْلِ مَا اٰمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَاِنْ

منقادانیم پس اگر بگروند بمانند آنچه بگرویدید شما بدان پس بدرستی که راه یافتند و اگر

تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ

برگردند پس بدرستی که ایشان در بدبختی اند پس زود کفایت کند از تو ایشانرا خدا و اوست شنوای

الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ اللّٰهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ

دانا ملازم باشید دین خدارا و کیست نیکوتر از خدا بدین و ما مر اورا

عَابِدُونَ ۝ قُلْ اَتُحَاجُّونَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا اَعْمَالُنَا

پرستندگانیم بگو ای خصومت میکنید با ما در خدا و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و مراست عملهای

وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ

و مر شماراست عملهای شما و ما مر اورا خالص کنندگانیم یا میگویید که

اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا

ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان بودند جهود

اَوْ نَصَارٰى قُلْ ءَاَنْتُمْ اَعْلَمُ اَمِ اللّٰهُ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً

یا ترسا بگو ای شما دانا ترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه بپوشاند گواهی

الجزء الثاني

عشر

عِنْدَهُ مِنَ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا
که نزد دیگران بود از خدا و نیست خدا غافل از آنچه شما میکنید آن گروهی که گذشتند مر ایشان راست
مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا
آنچه اندوخته باشند و مر شماراست آنچه اندوخته باشید و نپرسند از شما از آنچه
يَعْمَلُونَ ۝ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ
ایشان کرده باشند زود گویند بیخردان از مردمان چه برگردانید ایشان را از قبله ایشان
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
آن قبله که بودند بر آن بگو مر خدای راست مشرق و مغرب راه نماید آنرا که خواهد با
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
راه راست و همچنین بکردیم ما شما را گروهی میانه تا باشید
شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا
گواهان بر مردمان و باشد رسول بر شما گواه و نکردیم ما
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ
تحویل قبله را آنکه هستی تو بر آن مگر که تا جدا بازکنیم آنرا که پیروی کند رسول را از آنکه برگردید
عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ
بر مردو پای خود و بدرستی که هست آن مر آنرا بزرگ مگر بر آنها که راه نمود خدا و نبوده
اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ
خدا که ضایع کند ایمان شما را بدرستی که خدا بر مردمان مهربان رحمت کننده است بدرستی که می بینیم گردیدن

وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
روی خود را در آسمان پس قبله که بپسندی آنرا پس فراکن روی خود را سوی مسجد
الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا
الحرام و هر کجا که باشید شما پس فراکنید رویهای خود را سوی آن و بدرستی که آنها که
بداده شد ایشان را
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۝
کتاب هر آینه میدانند که آن حق است از پروردگار ایشان و نیست خدا غافل از آنچه شما میکنید
وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ
و اگر بیاوری آنها که داده شد ایشان را کتاب هر نشانی و معجزه پیروی نکنند قبله ترا و نیستی تو
بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ
پیروی کننده قبله ایشان را و نیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعضی را و اگر پیروی کنی تو
خمس
أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝
مرادهای باطل ایشان را از پس آنچه آمد بتو از دانش بدرستی که تو آنگه باشی از جمله ستمکاران
الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ
آنها که دادیم ما ایشان را کتاب میشناسند محمد را چنانکه میشناسند پسران خود را و بدرستی
فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ
که گروهی از ایشان هر آینه میپوشانند حق را و ایشان میدانند که حق از پروردگار تو است
فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
پس مباش از جمله شک کنندگان و هر گروهی را روی است آن روی بآن پیشی گیرید
بنیکیها

أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ● وَمِنْ حَيْثُ

هر کجا که باشید شما آورد شما را خدا همه باهم بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست واز هر کجا

خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ

که بیرون آیی تو پس فراکن روی خود را بسوی مسجد مکه و بدرستی که آن هر آینه حقست از پروردگار تو ونیست خدا

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ● وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ

غافل از آنچه شما میکنید واز هر کجا که بیرون آیی تو پس فراکن روی خود را سوی مسجد

الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ

مکه و هر کجا که باشید شما پس فراکنید رویهای خود را بسوی آن تا نباشد

لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي

مردمان را بر شما حجتی مگر آنها که ستم کردند از ایشان پس مترسید از ایشان و بترسید از من

وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ● كَمَا أَرْسَلْنَا　　　عشر

و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا بود که شما راه یابید همچنانکه بفرستادیم ما

فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ

در میان شما رسولی را از جنس شما تا خواند بر شما نشانهای ما را و تزکیه نفس شما کند و در آموزاند شما را

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ●

کتاب و حکمت و شرایع آن و در آموزاند شما را آنچه ندانستید شما

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را برحمت و شکر کنید مرا و کافر مشوید در من ای آنها که بگرویده اید

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ● وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ

یاری خواهید بصبر کردن و نماز گزاردن بدرستی که خدا با صابرانست و مگویید مر آنرا که کشته شدند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ● وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

در راه خدای مردگانند بلک زندگانند ولیکن شما نمیدانید و هر آینه می آزماییم شما را

بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ

بچیزی از ترس و گرسنگی و بکاهش از مالها و تنها و میوها

خمس　　　وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ● الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ

بشارت ده صابران را آنهایی که چون برسد بدیشان مصیبتی گویند که ما مر خدا راییم و ما با او

رَاجِعُونَ ● أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ

بازگردندگانیم آن گروه برایشان درودهاست از پروردگار ایشان و رحمتی و آن گروه ایشان

الْمُهْتَدُونَ ● إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ

راه یابندگانند بدرستی که صفا و مروه از نشانهای خدااند پس هر که خانه کعبه کند یا عمره کرد

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

پس بزه نبود بر او که طواف کند میان آن هر دو و هر که بطوع و رغبت خود کند نیکی پس بدرستی که خدا شکر پذیرنده و داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ

بدرستی که آنها که باز می پوشانند آنچه فرو فرستادیم از حجتها و راه از پس آنکه روشن کردیم آنرا

لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ ● إِلَّا

برای مردمان در کتاب آن گروه لعنت کرد ایشان را خدا و لعنت کردند ایشان را لعنت کنندگان مگر

عشر

الذين تابوا واصلحوا وبينوا فاولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم

آنها كه توبه كردند وكار باصلاح آوردند پيدا آن كرده سهل كنم برايشان ومنم توبه پذيرنده مهربان

ان الذين كفروا وماتوا وهم كفار اولئك عليهم لعنة الله

بدرستي كه آنها كه كافر شدند وبمردند وايشان كافران بودند آن گروه برايشان بود لعنت خدا

والملائكة والناس اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب

وفرشتگان ومردمان همه هميشه باشند در آن سبك كرده نشود از ايشان عذاب

ولا هم ينظرون والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم

ونه ايشان را زمان دهند وخداي شما يك خداست نيست خدايي مگر او بخشاينده مهربانست

ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار والفلك

بدرستي كه در آفريدن آسمانها وزمين ودر اختلاف شب وروز وكشتي

التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء

آن كشتي كه ميرود در دريا بدانچه سود كند مردمان را وآنچه فرو فرستاد خدا از آسمان از آبي

فاحيا به الارض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح

پس زنده كرد بدان زمين را پس از مرگ آن وبپراكند در آنجا از هر جنبنده ودر گردانيدن بادها

والسحاب المسخر بين السماء والارض لآيات لقوم يعقلون ومن

وابر رام كرده درميان آسمان وزمين هر آينه نشانهاست مر گروهي را كه استعمال عقل كنند واز

الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين

مردمان كس هست كه فرا ميگيرد از جز خدا همتايان را دوست ميدارند ايشان را همچون دوست داشتن خدا وآنها

خمس

آمنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله

كه بگرويده اند سخت ترند بدوستي مر خدا را واگر بديدي آنها كه ستم كردند چون ببينند عذاب را كه قوت مر خدا راست

جميعا وان الله شديد العذاب اذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين

همه وآنكه خدا سخت عقوبتست چون بيزار شوند آنها كه از آنها

اتبعوا ورأوا العذاب وتقطعت بهم الاسباب وقال الذين

وببينند عذاب را وبريده شود ميان ايشان اسباب وصلت وگويند آنها

اتبعوا لو ان لنا كرة فنتبرأ منهم كما تبرؤوا منا كذلك

اگر بودي مارا بازگشتني با دنيا پس بيزار شدمانی از ايشان همچنانكه بيزار شدند از ما همچنين

يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم وما هم بخارجين من النار

باز نمايد ايشان را خدا عملهاي ايشان اندوههاي برايشان ونباشند ايشان بيرون آيندگان از آتش

يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات

اي مردمان بخوريد از آنچه در زمينست حلال پاك وپيروي مكنيد گامهاي

الشيطان انه لكم عدو مبين انما يأمركم بالسوء والفحشاء

ديو را بدرستي كه او مر شمارا دشمني روشنست بدرستي كه ميفرمايد شمارا ببدي وناشايست

ان تقولوا على الله ما لا تعلمون واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا

وآنكه گوييد بر خدا آنچه ندانيد وچون گويند مر ايشانرا كه پيروي كنيد آنچه فرو فرستاد خداي گويند

بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعقلون شيئا

بلكه پيروي ميكنيم آنچه يافتيم بران پدران خودرا اي اگر بودند پدران ايشان اندرنيافتند چيزي را

عشر

وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً
و راه نیافتند و مثل آنها که کافر شدند همچون مثل آنکسیست که بانگ بر گوسفند زند بچیزی که نشنود ایشان نیز چنین خوانند

وَنِدَاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا
و ندائی ایشان کرانند گنگانند کورانند پس ایشان درنمی یابند ای آنها که گرویده اید بخورید

مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ
از پاکیهای آنچه روزی کردیم شمارا و شکر گویید خدایرا اگر هستید شما اورا می پرستید

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ
بدرستی که حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه آواز برداشته باشند بران بجز نام خدا

فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ
پس هر که بیچاره آید نه ستم کننده بر دیگری و نه از حد گذرنده پس نبود بزه برو بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست بدرستی

الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ
که آنها که بازمی پوشانند آنچه فرو فرستاد خدا از کتاب و فرا میگیرند بدان بهائی اندک آن گروه

مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
نمیخورند در شکمهای ایشان مگر آتش را و سخن نگوید با ایشان خدا در روز قیامت

وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ
و تزکیه نکند ایشان را و مر ایشانراست عذابی دردناک آن گروه آنانند که فرا گرفتند گمراهی را

خمس

بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ
ببدل راه را و عذاب را ببدل آمرزش پس چه شکیبا اند ایشان بر آتش آن بسبب آنست

حزب

اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ
خدا فرو فرستاد کتاب را بحق و بدرستی که آنها که اختلاف کردند در کتاب هر آینه در بدبختی اند

بَعِيدٍ ۝ لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
دور از حق نیست نیکوئی بانگ فرادارند رویهای خود فراپیش مشرق و مغرب

وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَ
ولیکن نیکوئی آنست که بگروید بخدا و بروز آخرت و بفرشتگان و بکتاب

النَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ
و پیغمبران و بداد مال را بر دوستی خداوندان خویشی و یتیمانرا و بیچارگانرا

وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ
و راهگذریانرا و خواهندگانرا و در معاونت بندگان تا که آزاد شوند و بپای داشت نمازرا و بداد زکات

وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
و وفا کنندگان بعهد خود چون عهد بستند و صبر کنندگان در بدحالی و سختحالی

وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ
و هنگام کارزار آن گروه آنها اند که راست گفتند و آن گروه ایشانند پرهیزکاران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ
ای آنها که بگرویده اید نوشته شد بر شما کارزار در حق کشتگان آزاد را بکشند [illegible]

بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ
ببدل بنده و ماده را ببدل ماده پس هر که عفو کرده از برادر خود چیزی پس بروی [illegible] بنیکوئی

وأداء إليه بإحسان ذلك تخفيف من ربكم ورحمة فمن اعتدى بعد

آرزو گزاردن سبک کردنی است از پروردگار شما و رحمتی پس هر که از حد در گذرد پس

ذلك فله عذاب أليم ۝ ولكم في القصاص حيوة يا أولي الألباب

ازان پس مر او را بود عذابی دردناک و مر شما راست در حق قتل مساوات زندگانی تمام ای خداوندان خردها

لعلكم تتقون ۝ كتب عليكم إذا حضر أحدكم الموت إن

تا بود که شما پرهیزید نوشته شد بر شما چون حاضر آید یکی از شما اسباب مرگ اگر

ترك خيرا الوصية للوالدين والأقربين بالمعروف حقا على المتقين ۝ عشر

بگذارد مالی را اندرز کردن مر مادر و پدر را و خویشاوندان را بنیکوئی واجب بود بر پرهیزکاران

فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه إن الله سميع

پس هر که بدل کند آنرا پس از آنچه شنود آنرا پس بیستی که بزه او بر آنها بود که بدل کردند آنرا بدرستی که خدا شنواست

عليم ۝ فمن خاف من موص جنفا أو إثما فأصلح بينهم فلا إثم عليه إن الله

دانا پس هر که داند از میلی یا بزه پس کار باصلاح آورد میان ایشان پس بزه نبود بروی بدرستی که خدا

غفور رحيم ۝ يا أيها الذين آمنوا كتب عليكم الصيام كما

آمرزگار مهربانست ای آنها که بگرویده اید واجب شد بر شما روزه داشتن همچنانکه

كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون ۝ أياما معدودات فمن

واجب شد بر آنها که پیش از شما بودند تا بود که شما پرهیزید در روزهای شمرده شده پس هر که

كان منكم مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر وعلى الذين يطيقونه

باشد از شما بیمار یا بر سر سفر پس عوض بباید از روزهای دیگر و بر آنها که طاقت روزه بدارند

فدية طعام مسكين فمن تطوع خيرا فهو خير له وأن تصوموا خير

دیتی بود طعام دادن بمسکینان پس هر که بطوع و رغبت خود کند نیکی پس آن بهتر بود او را و اگر روزه دارید بهتر

لكم إن كنتم تعلمون ۝ شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن

مر شما را اگر هستید شما میدانید ماه روزه آن ماهیست که فرو فرستاده شد در آن ماه قرآن

هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فمن شهد منكم

راه نمونی برای مردمان و حجتهای از راه راست و فارق میان حق و باطل پس هر که در حضر بود از شما

الشهر فليصمه ومن كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر

در آن ماه پس باید که روزه بدارد در آن ماه و هر که باشد بیمار یا بر سر سفر پس عوض بدارد از روزهای دیگر

يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة

میخواهد خدا بشما آسانی و نمیخواهد بشما دشواری و تا تمام کنید شمار را

خمس ولتكبروا الله على ما هداكم ولعلكم تشكرون ۝ وإذا

و تا بزرگی یاد کنید خدا را برآنچه راه نمود شما را و تا بود که شما شکر کنید و چون

سألك عبادي عني فإني قريب أجيب دعوة الداع إذا دعان

پرسند از تو بندگان من از من پس من نزدیکم پاسخ کنم خواندن خواننده را چون خواند مرا

فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون ۝ أحل لكم ليلة

پس باید که پاسخ کنند مرا و باید که بگروند بمن تا بود که ایشان راه صواب یابند حلال کرده شد مر شما را در شبهای

الصيام الرفث إلى نسائكم هن لباس لكم وأنتم لباس لهن علم الله

روزه صحبت داشتن با زنان خود ایشان پوششی اند مر شما را و شما پوششی اید مر ایشان را دانست خدا

أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم فالآن
که شما بودید که خیانت کردید باتنهای خود پس سهل بکرد بر شما و درگذشت از شما پس اکنون
باشروهن وابتغوا ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتى
مباشرت کنید با ایشان و بجویید آنچه نوشت خدا مر شمارا و بخورید و بیاشامید تا
يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم
روشن شود مر شمارا رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه از بامداد پس
أتموا الصيام إلى الليل ولا تباشروهن وأنتم عاكفون في المساجد
تمام بدارید روزه را تا بشب پس مباشرت مکنید با ایشان و شما معتکفان باشید در مسجدها
تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس
آنند حدهای خدا پس نزدیکی منمایید آنهارا همچنین روشن میکند خدا نشانهای خودرا برای مردمان
لعلهم يتقون ۝ ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل وتدلوا
تا بود که ایشان بپرهیزند و مخورید مالهای خودرا میان یکدیگر بباطل و میفکنید
بها إلى الحكام لتأكلوا فريقا من أموال الناس بالإثم وأنتم
آنرا باحاکمان تا بخورید گروهی از مالهای مردمان ببزه و شما
تعلمون ۝ يسألونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس والحج وليس
میدانید می پرسند از تو از حال ماههای نو بگو آن نشانهاست برای مردمان و حج کردن و نیست
البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها ولكن البر من اتقى وأتوا البيوت
نیکویی بآنکه بیایید بخانها از پشتهای آن ولیکن نیکویی آنراست که بپرهیزد و بیایید بخانها

الخيط الابيض النهار
الخيط الاسود الليل

من أبوابها واتقوا الله لعلكم تفلحون ۝ وقاتلوا في سبيل الله
از درهای آن و بترسید از خدا تا بود که شما رستگاری یابید و کارزار کنید در راه دین خدا
عشر
الذين يقاتلونكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين
با آنها که کارزار کردند با شما و از حد در مگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد از حد درگذرندگان را
واقتلوهم حيث ثقفتموهم وأخرجوهم من حيث أخرجوكم
و کارزار کنید با ایشان هرکجا که یابید ایشانرا و بیرون کنید ایشانرا از آنجا که بیرون کردند شمارا
والفتنة أشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتى
و شرک و کفر سخت تر بود از کارزار و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد الحرام تا
يقاتلوكم فيه فإن قاتلوكم فاقتلوهم كذلك
کارزار کنند با شما در آن پس اگر کارزار کنند با شما پس کارزار کنید با ایشان همچنین بود
جزاء الكافرين ۝ فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم ۝ وقاتلوهم
پاداشت کافران پس اگر بازایستند پس بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست و کارزار کنید با ایشان
حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله فإن انتهوا فلا عدوان إلا على
تا نباشد شرک و کفر و باشد دین مر خدارا پس اگر بازایستند پس هیچ دشمنی نیست مگر بر
الظالمين ۝ الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدى
ستمکاران ماه حرام بدل ماههای حرام بود و محرمات سر بسر پس هر که از حد درگذرد
عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا
بر شما پس از حد درگذرید بر او بمانند آنچه از حد درگذشته بود بر شما و بترسید از خدا و بدانید

خمس

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
که خدا با پرهیزکارانست و نفقه کنید در راه خدا و مینداخته خودرا بدستهای خود در تهلکه
وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ
و نیکوئی کنید بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکارانرا و تمام کنید حج و عمره را برای خدا پس اگر
أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ
پس آنچه آسان شود از قربان و متراشید سرهای خودرا تا برسد
الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ
قربان بمحل خود پس هر که باشد از شما بیمار یا بدو رنجی از سر او
فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ
پس بدل بود از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شده باشید شما پس هر که متمتع کرد بعمره
إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
بسوی حج پس آنچه آسان شود از قربان پس هر که نیابد پس روزه داشتن سه روز در حج
وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ
و هفت روز چون باز گشته باشید شما آنست ده روز تمام آن مر آن راست که نباشد اهل او
حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝
حاضران در مسجد الحرام و بترسید خدا و بدانید که خدا سخت عقوبتست
الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا
حج کردن در ماههای دانسته بود پس هر که تمام کرده اند دران ماهها حج کردن پس مجامعت نکند و تباهی کنند

جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
و خصومت نکند در حج و آنچه کنند از نیکی بداند آنرا خدا و توشه برگیرید که بهترین توشه پرهیزکاریست
وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا
و بترسید از من ای خداوندان خردها نبود بر شما بزه که بجوئید فضلی
مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ
از پروردگار خود پس چون باز گردید شما از عرفات پس یاد کنید خدارا نزد مزدلفه
الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ
و یاد کنید اورا همچنانکه راه نمود شمارا و اگر چه بودید از پیش آن هر آینه از جمله گمراهان
ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
پس باز گردید از آنجا که باز گشتند مردمان و آمرزش خواهید از خدا بدرستی که خدا آمرزگار
رَحِيمٌ ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
مهربانست پس چون گزارده باشید شما مناسک خودرا پس یاد کنید خدارا همچون یاد کردن شما
آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
پدرانرا یا سخت تر یاد کردن پس از مردمان کس هست که میگوید ای پروردگار ما بده مارا در دنیا
عشر
وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
و نبود مراورا در آخرت هیچ بهره و ازیشان کس هست که میگوید ای پروردگار ما بده مارا در دنیا
نصف
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
نیکوئی و در آخرت نیکوئی و بازدار از ما عذاب آتش را آن گروه مر ایشانراست

نصيب مما كسبوا والله سريع الحساب ۝ واذكروا الله في ايام معدودات

بهره از آنچه اندوخته باشند وخدا زود شمارست و یاد کنید خدا را در روزها شمرده شده

فمن تعجل في يومين فلا اثم عليه ومن تاخر فلا اثم عليه لمن اتقى

پس هر که پیش کرد در دو روز پس بزه نبود بر وی و هر که باز پس ایستد پس بزه نبود بر وی آن را که پرهیزد

واتقوا الله واعلموا انكم اليه تحشرون ۝ ومن الناس من يعجبك

و بترسید از خدا و بدانید که شما با خدا او حشر کرده شوید و از مردمان کسیست که شگفت آید ترا

قوله في الحيوة الدنيا ويشهد الله على ما في قلبه وهو الد الخصام

گفتار او در زندگانی دنیا و گواه بگیرد خدا را بر آنچه در دل اوست و او سخت خصومت

واذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها ويهلك الحرث والنسل والله

و چون برگشت بشتافت در زمین تا تباهی کند در آنجا و هلاک کند کشت را و زه و زاد را و خدا

لا يحب الفساد ۝ واذا قيل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه خمس

دوست ندارد تباهی کننده را و چون گویند او را بترس از خدا بگیرد او را حمیت جاهلیت به بزه پس بسنده است او را

جهنم ولبئس المهاد ۝ ومن الناس من يشري نفسه ابتغاء مرضات

دوزخ و هر آینه بد جایست آن و از مردمان کسیست که باز فروشد تن خود را از بهر جستن خشنودی

الله والله رءوف بالعباد ۝ يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة

خدا و خدا مهربانست بر بندگان ای آنها که بگرویده اید درروید در انقیاد و طاعت همه

ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين ۝ فان

و پیروی مکنید مرادهای دیو را بدرستی که او مر شما را دشمنی روشنست پس اگر

زللتم من بعد ما جاءتكم البينات فاعلموا ان الله عزيز حكيم

بلغزید شما از پس آنچه آمد بشما حجتها پس بدانید که خدا غالب محکم کارست

هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة و

ای هیچ چشم نمیدارند مگر که آید بدیشان عذاب خدای در سایهای از ابر و فرشتگان

نصف عشر قضي الامر والى الله ترجع الامور ۝ سل بني اسرائيل كم اتيناهم

و گزارده شود کار عذاب و با خدا است بازگشت کارها بپرس از فرزندان یعقوب چند دادیم مر ایشان را

من اية بينة ومن يبدل نعمة الله من بعد ما جاءته فان الله

از نشانهای روشن و هر که بدل کند نعمت خدا را از پس آنچه آمد بدو پس بدرستی که خدا

شديد العقاب ۝ زين للذين كفروا الحيوة الدنيا ويسخرون من الذين

سخت عقوبتست آراسته شد مر آنها را که کافر شدند زندگانی دنیا و استهزا میکنند از آنها که

امنوا والذين اتقوا فوقهم يوم القيمة والله يرزق من يشاء

گرویدند و آنها که پرهیزیدند بالای ایشان باشند در روز قیامت و خدا روزی دهد آن را که خواهد

بغير حساب ۝ كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين

بی شمار بودند مردمان بر یک دین پس بفرستاد خدا پیغمبران را بشارت دهنده

ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا

و بیم کننده را و فرو فرستاد با ایشان کتاب بحق تا حکم کند میان مردمان در آنچه اختلاف کردند

فيه وما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات

در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنها که بداده شد ایشان را آن از پس آنچه آمد بدیشان حجتها

بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ
از ستمی میان یکدیگر پس راه نمود خدا آنهارا که گرویدند مر آنچه اختلاف کردند دران از حق بفرمان او
وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۞ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا
وخدا راه نماید آنرا که خواهد بسوی راه راست یا که پنداشتید شما که در روید
الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُم مَّسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ
در بهشت ونیامد بشما مثل آنها که گذشتند پیش از شما برسید بدیشان بدحالی
وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ
و سختحالی و در جنبانیده شوند تا بگوید رسول و آنها که بگرویده بودند با او کی خواهد بود نصرت
اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ۞ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَا أَنفَقْتُم
خدا بدان بدرستی که نصرت خدا نزدیکست می پرسند که چه چیز نفقت کنند بگو آنچه نفقت کنید شما
مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ
از نیکی پس مر مادر و پدر را بود و خویشاوندانرا و یتیمانرا و بیچارگانرا و درراه گذریانرا
وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۞ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ خمسه
وآنچه کنید از نیکی پس بدرستی که خدا بدان داناست نوشته شده بر شما کارزار
وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ
وآن بکراهتست مر شمارا وشاید بود که کاره دارید چیزی را وآن بهتر بود مر شمارا
عَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
شاید بود که دوست دارید چیزی را وآن بد بود مر شمارا وخدا میداند وشما نمیدانید

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ
می پرسند از تو از حال ماههای حرام قتال کردن در آن بگو قتال کردن دران بزرگست وباز داشتن
عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ
از راه خدا وکافر شدن بدو واز مسجد مکه وبیرون کردن اهل آنرا ازان
أَكْبَرُ عِندَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ
بزرگترست نزدیک خدا وشرک وکفر بزرگترست از کارزار وهمیشه خواهند
يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا
که کارزار کنند باشما تا برگردانند شمارا از دین شما اگر توانایی داشته باشند
وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ
وهرکه برگردد از شما از دین خود پس بمیرد واو کافر بود پس آن گروه
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
باطل شده بود عملهای ایشان در دنیا ودر آخرت وآن گروه اصحاب آتش اند ایشان
فِيهَا خَالِدُونَ ۞ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي
در آنجا همیشه باشند بدرستی که آنها که بگرویدند وآنها که هجرت کردند وجهاد کردند در
سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
راه خدا آن گروه امید میدارند برحمت خدا وخدا آمرزگار مهربانست
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ
می پرسند از تو از خمر خوردن وقمار بگو در آن دو بزه بزرگست وسودها مردمانرا

وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ
وبزه آن مردو بزرگترست از سود آن بردو ومی پرسند از تو که چه چیز نفقت کنید بگو افزونی مال
كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا
همچنین روشن میکند خدا برشما نشانها تا بود که شما اندیشه کنید در آفرینش دنیا
وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِن
وآخرت ومی پرسند از تو از حال یتیمان بگو اصلاح حال ایشان بهتر بود واگر
تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَ
پس برادران شما اند وخدا میداند تباهی کننده را از باصلاح آورنده
لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ عشر
واگر خواستی خدا ... بدرستی که خدا غالب محکم کارست ونخواهید بزنان مشرکه را
حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا
تا بگروند وهر آینه پرستار مومنه بهتر بود از آزاد مشرکه واگرچه بشگفت آورد شما را وزن مدهید
الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
مردان بت پرست را تا ایمان آورند وهر آینه بنده مومن بهتر بود از آزاد مشرک واگرچه بشگفت آورد شما را
أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ
آن گروه میخوانند یکدیگر را بآتش وخدا میخواند ببهشت وآمرزش بفرمان خود
وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ وَيَسْأَلُونَكَ
و روشن میکند نشانهای خود را برای مردمان تا بود که ایشان پند گیرند ومی پرسند از تو

عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ
از حال زنان حیض دار بگو آن رنجیست پس باز ایستید از زنان در حالت حیض و فراز دیک ایشان مروید
يطّهّرن حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ
تا پاک شوند پس چون سر فرو شسته باشند پس بیایید بدیشان از آنجا که فرمود شما را خدا بدرستی
اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ
که خدا دوست دارد توبه کاران را و دوست دارد پاکان را زنان شما چون کشت زاری اند
لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
مر شما را پس در آیید بکشت زار خود از هر جا که خواهید شما و از پیش دارید مر تنهای خود را و بترسید از خدا
وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُّلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً
و بدانید که شما بازرسنده اید با خدای او و بشارت ده مومنان را و مکردانید خدای را حاجزی
لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
مرسوگندان خود را که نیکی کنید و پرهیزکاری نمایید و کار باصلاح آورید میان مردمان و خدا شنواست
عَلِيمٌ لَّا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم
و داناست فرا نگیرد شما را خدا بنا فرجام در سوگندان شما ولیکن فرا گیرد شما را
خمس بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ لِّلَّذِينَ
بانچه اندوختند دلهای شما و خدا آمرزگارست و بردبار مر آنان را
يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
که سوگند میخورند از زنان ایشان چشم دارند چهار ماه پس اگر باز آیند پس بدرستی که خدا آمرزگار

رحيم ۝ وان عزموا الطلاق فان الله سميع عليم ۝ والمطلقات
مهربانست واگر دل نهند بر طلاق پس بدرستی که خدا شنوا و داناست و زنان مطلقه
يتربصن بانفسهن ثلثة قروء ولا يحل لهن ان يكتمن ما
باید که چشم دارند بتنهای خویش سه پاکی یا سه حیض و حلال نیست مر ایشانرا که باز پوشند آنچه
خلق الله في ارحامهن ان كن يؤمن بالله واليوم الآخر و
آفرید خدا در رحمهای ایشان اگر ایمان دارند بخدا و بروز آخرت
بعولتهن احق بردهن في ذلك ان ارادوا اصلاحا ولهن مثل الذي
و شوهران ایشان سزاوارترند بردکردن ایشان در آن اگر خواهند کار باصلاح آوردن و مر ایشانرا بود مانند آنچه
عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجة والله عزيز حكيم
بر ایشان بود بنیکوئی و مردانرا بر زنان مرتبه و درجه است و خدا غالب محکم کارست
الطلاق مرتان فامساك بمعروف او تسريح باحسان ولا يحل
طلاق رجعی دو بار بود پس نگاه داشتنی بود بنیکوئی یا رها کردنی بود بنیکوئی و حلال نیست
لكم ان تأخذوا مما آتيتموهن شيئا الا ان يخافا الا يقيما
مر شمارا که فرا گیرید از آنچه بداده باشید ایشانرا چیزی مگر آنکه دانند که نگاه نتوانند داشت
حدود الله فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما
حدهای خدارا پس اگر ترسید شما که نگاه نتوانند داشت حدهای خدارا پس بزه نبود بر ایشان
فيما افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود
در آنچه باز خرد زن خودرا بدان اینست حدهای خدا پس درمگذرید از آن و هر که درگذرد از حدهای

الله فاولئك هم الظالمون ۝ فان طلقها فلا تحل له من بعد حتى حزب
خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران پس اگر طلاق دهد زن را شوهر پس حلال نبود او را از پس آن تا
تنكح زوجا غيره فان طلقها فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان
در نکاح در آورد شوهری را جز او پس اگر طلاق دهد او را شوهر دوم پس بزه نبود بر ایشان که مراجعت کنند اگر
ظنا ان يقيما حدود الله وتلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون ۝ عشر
دانند که بجای توانند آورد حدهای خدارا و آنست حدهای خدا روشن میکند آنرا برای گروهی که میدانند
واذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف
و چون طلاق دهید شما زنانرا پس برسند بمدت خود پس باید که بر پای دارید ایشانرا بنیکوئی
او سرحوهن بمعروف ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا ومن يفعل
یا رها کنید ایشانرا بنیکوئی و نگاه مدارید ایشانرا برای گزند رسانیدن تا از حد درگذرند و هر که کند
ذلك فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا آيات الله هزوا واذكروا
آن پس بدرستی که ستم کرده بود بر تن خود و فرا مگیرید نشانهای خدارا بافسوس و یاد کنید
نعمت الله عليكم وما انزل عليكم من الكتاب والحكمة
نعمت خدارا بر شما و آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و حکمت
يعظكم به واتقوا الله واعلموا ان الله بكل شيء عليم ۝ واذا
پند میدهد شمارا بدان و بترسید از خدا و بدانید که خدا بهمه چیزی داناست و چون
طلقتم النساء فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ينكحن ازواجهن
طلاق دهید شما زنانرا پس برسند بمدت خود پس باز مدارید ایشانرا بسبب حمیت جاهلیت از آنکه نکاح کنند با شوهران خود

إذا تراضوا بينهم بالمعروف ذلك يوعظ به من كان منكم يؤمن
چون راضی جسته باشید میان ایشان بنیکویی آنست که پند داده میشود بدان آنکه هست از شما ایمان دارد
بالله واليوم الآخر ذلكم أزكى لكم وأطهر والله يعلم وأنتم
بخدا و بروز آخرت آنان پاکیزه تر شمارا و پاکتر و خدا میداند و شما
لا تعلمون ۝ والوالدات يرضعن أولادهن حولين كاملين
نمیدانید و مادران باید که شیر دهند فرزندان خود را دو سال تمام
لمن أراد أن يتم الرضاعة وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن
آن را که خواهد که تمام کند شیر دادن را و بر پدر بود خورش ایشان و جامه پوشانیدن ایشان
بالمعروف لا تكلف نفس إلا وسعها لا تضار والدة بولدها
بنیکویی تکلیف نفرماییم هیچ تنی را مگر بقدر طاقت آن تن باید که گزند نرساند هیچ مادری شوهر را بسبب فرزند خود
ولا مولود له بولده وعلى الوارث مثل ذلك فإن أرادا فصالا عن تراض
و نه هیچ پدری مادر را بسبب فرزند خود و بر وارث بود مانند آن پس اگر خواهند از شیر باز کردن از خشنودی
منهما وتشاور فلا جناح عليهما وإن أردتم أن تسترضعوا
از ایشان و مشورت با اهل علم پس بزه نبود بر ایشان و اگر خواهید شما که از شیر باز گیرید
أولادكم فلا جناح عليكم إذا سلمتم ما آتيتم بالمعروف
فرزندان خود را پس بزه نبود بر شما چون تسلیم کنید شما آنچه بدهید شما بنیکویی
واتقوا الله واعلموا أن الله بما تعملون بصير ۝ والذين يتوفون منكم
و بترسید از خدا و بدانید که خدا بدانچه شما میکنید بیناست و آنها که بمیرند از شما

حزب

ويذرون أزواجا يتربصن بأنفسهن أربعة أشهر وعشرا فإذا
و بگذارند زنانی را باید که چشم دارند بتنهای خود چهار ماه و ده روز پس چون
بلغن أجلهن فلا جناح عليكم فيما فعلن في أنفسهن
برسند بمدت خود پس بزه نبود بر شما در آنچه کرده باشند در تنهای خود
بالمعروف والله بما تعملون خبير ۝ ولا جناح عليكم فيما
بنیکویی و خدا بدانچه شما میکنید آگاهست و بزه نبود بر شما در آنچه
عرضتم به من خطبة النساء أو أكننتم في أنفسكم
تعرض کنید شما بدان از کابین زنان یا باز پوشانند شما در تنهای خود
علم الله أنكم ستذكرونهن ولكن لا تواعدوهن سرا إلا
دانست خدا که شما زود بود که یاد آورید ایشان را ولیکن وعده مدهید ایشان را پنهانی مگر
أن تقولوا قولا معروفا ۝ ولا تعزموا عقدة النكاح حتى
آنکه گویید گفتاری نیکو و دل منهید بر عقد زناشویی تا
يبلغ الكتاب أجله واعلموا أن الله يعلم ما في أنفسكم فاحذروه
برسید بمدت عدت آن و بدانید که خدا میداند آنچه در تنهای شماست پس بترسید ازو
واعلموا أن الله غفور حليم ۝ لا جناح عليكم إن طلقتم النساء
و بدانید که خدا آمرزگار بردبارست بزه نبود بر شما اگر طلاق دهید شما زنان را
ما لم تمسوهن أو تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن على الموسع
مادام که نرسیده باشند بدیشان یا نه بریده باشند مر ایشان را مهری و بهره دهید زنان را آنچه منتفع شوند بر توانگر

خمس

قدره وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين
مقدار طاقت او و بر درویش بود مقدار طاقت او برخورداری بنیکوئی واجبی بر نیکوکاران
وان طلقتموهن من قبل ان تمسوهن وقد فرضتم لهن فريضة
واگر طلاق دهید ایشانرا از پیش آنک رسیده باشید بدیشان و باز بریده باشید وایشانرا تعیینی
فنصف ما فرضتم الا ان يعفون او يعفو الذي بيده عقدة
پس نیمه بود آنچه باز بریده باشید شما مگر آنک درگذرند ایشان یا درگذرد آنکسی که بدست اوست عقد
النكاح وان تعفوا اقرب للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم
زناشوهری واگر عفو کنید نزدیکتر بود بپرهیزکاری وفراموش مکنید فضل وافزونی میان یکدیگر
ان الله بما تعملون بصير حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى
بدرستی که خدا بدانچه میکنید بیناست مداومت نمائید بر نمازهای پنج گانه خاصه نماز پیشین ودیگر
وقوموا لله قانتين فان خفتم فرجالا او ركبانا فاذا امنتم
وبایستید مر خدایرا فرمان برداران پس اگر ترسید شما از دشمن پس پیاده گزارید یا سواره پس چون ایمن شدید
فاذكروا الله كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون والذين
پس یاد کنید خدایرا همچنانک درآموخت شمارا آنچه ندانستید شما وآنها
يتوفون منكم ويذرون ازواجا وصية لازواجهم متاعا
که بمیرند از شما ودست بگذارند زنانرا وصیت کردنی بود مر زنان خودرا برخورداری
الى الحول غير اخراج فان خرجن فلا جناح عليكم فيما فعلن
تا یکسال نه بیرون کردنی پس اگر بیرون روند پس بزه نبود بر شما در آنچه ایشان کرده باشند

عشر
في انفسهن من معروف والله عزيز حكيم وللمطلقات متاع
در تنهای خود از نیکوئی وخدا غالب محکم کارست ومر زنان طلاق داده را برخورداری
بالمعروف حقا على المتقين كذلك يبين الله لكم اياته
بنیکوئی واجبی بر پرهیزکاران همچنین روشن میکند خدا مر شمارا نشانهای خود
لعلكم تعقلون الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم
تا بود که شما دریابید ای نگرستی بدانها که بیرون آمدند از سرایهای خود وایشان
الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احياهم ان الله لذو
هزاران بودند از ترس مرگ پس گفت مرایشانرا خدا که بمیرید پس زنده کردانید ایشانرا بدرستی که خدا خداوند
فضل على الناس ولكن اكثر الناس لا يشكرون وقاتلوا
فضلست بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند وکارزار کنید
في سبيل الله واعلموا ان الله سميع عليم من ذا الذي يقرض الله
در راه خدا وبدانید که خدا شنوا داناست کیست آنکه قرض دهد خدایرا
قرضا حسنا فيضاعفه له اضعافا كثيرة والله يقبض
قرضی نیکو پس دوچندان کرداند مر اورا دوچندان کردانیدنی بسیار وخدا تنگ باز گیرد
خمس
ويبسط واليه ترجعون الم تر الى الملا من بني اسرائيل من بعد
وفراخ بگستراند وباجزاء او بازگردانیده شوند ای نگرستی باشراف از فرزندان یعقوب
موسى اذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله
موسی چون گفتند مر پیغمبری که مرایشانرا بود بفرست برای ما پادشاهی تا کارزار کنیم در راه خدا

قال هل عسيتم إن كتب عليكم القتال ألا تقاتلوا قالوا
گفت اي هيچ شايد بود كه شما اگر نوشته شود بر شما كارزار كه كارزار نكنيد گفتند
وما لنا ألا نقاتل في سبيل الله وقد أخرجنا من ديارنا وأبنائنا
و چيست مارا كه كارزار نكنيم در راه خدا و بدرستي كه بيرون كرده‌اند مارا از سراهاي ما و پسران ما
فلما كتب عليهم القتال تولوا إلا قليلا منهم والله عليم
پس چون نوشته شد بريشان كارزار بر گشتند مگر اندكي از ايشان و خدا داناست
بالظالمين ● وقال لهم نبيهم إن الله قد بعث لكم طالوت ملكا
بحال ستمكاران و گفت مر ايشانرا پيغمبر ايشان بدرستي كه خدا برانگيخت شمارا طالوت پادشاهي
قالوا أنى يكون له الملك علينا ونحن أحق بالملك منه ولم يؤت سعة
گفتند از كجا بود مر اورا پادشاهي بر ما و ما سزاوارتريم بپادشاهي ازو و بنداده‌اند اورا فراخي
من المال قال إن الله اصطفاه عليكم وزاده بسطة
از مال گفت بدرستي كه خدا برگزيد اورا بر شما و زيادت كرد اورا فراخي
في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله واسع
در دانش و تن و خدا بدهد پادشاهي خود آنرا كه خواهد و خدا فراخ رحمت
عليم ● وقال لهم نبيهم إن آية ملكه أن يأتيكم
داناست و گفت مر ايشانرا پيغمبر ايشان كه نشان پادشاهي او آنست كه آورد بشما
التابوت فيه سكينة من ربكم وبقية مما ترك آل موسى
تابوتي كه در آن بود آرامي از پروردگار شما و بازمانده از آنچه بگذاشتند آل موسى

۱۳۰

وآل هارون تحمله الملائكة إن في ذلك لآية لكم إن كنتم
و آل هارون برداشته آنرا فرشتگان بدرستي كه در آن هر آينه نشاني است مر شمارا اگر هستيد
مؤمنين ● فلما فصل طالوت بالجنود قال إن الله مبتليكم بنهر
مؤمنان پس چون جدا شد طالوت با لشكرهاي خود گفت بدرستي كه خدا آزماينده است شمارا بجوي
فمن شرب منه فليس مني ومن لم يطعمه فإنه مني إلا من اغترف
پس هر كه بياشامد از آن پس نيست از من و هر كه نخورد ازان پس او از منست مگر آنكه بكف بركيرد
غرفة بيده فشربوا منه إلا قليلا منهم فلما جاوزه هو والذين
يك كفي بدست خود پس آشاميدند ازان مگر اندكي از ايشان پس چون درگذشت ازو او و آنها
آمنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت وجنوده قال الذين
كه گرويده بودند باو گفتند نيست مارا طاقتي امروز بجالوت و لشكرهاي او گفتند آنها
يظنون أنهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت
كه يقين دانستند كه ايشان بازرسيدگانند بخدا كه بسا از گروهاي اندك كه غلبه كردند
فئة كثيرة بإذن الله والله مع الصابرين ● ولما برزوا لجالوت
بر گروهاي بسيار بفرمان خدا و خدا با صابرانست و چون [illegible] جالوت
وجنوده قالوا ربنا أفرغ علينا صبرا وثبت أقدامنا وانصرنا على
و لشكرهاي او گفتند اي پروردگار ما بريز بر ما صبري و ثابت بدار قدمهاي مارا و ياري ده مارا بر
عشر القوم الكافرين ● فهزموهم بإذن الله وقتل داود جالوت
گروه كافران پس بهزيمت كردند ايشانرا بفرمان خدا و بكشت داود جالوت

فآتاه الله الملك والحكمة وعلمه مما يشاء ولولا دفع الله الناس
وبداد اورا خدا پادشاهی وحکمت وآموخت اورا از آنچه خواست واگر نه دفع کردن خدای بودی مردمانرا
بعضهم ببعض لفسدت الأرض ولكن الله ذو فضل على العالمين
بعضی ایشان بعضی برا تباه شدی زمینها ولیکن خدا خداوند فضلست بر جهانیان
تلك آيات الله نتلوها عليك بالحق وإنك لمن المرسلين
آنست نشانهای خدا که میخوانیم آنرا بر تو بحق وبدرستی که تو از جمله رسولانی
تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله و
آنند رسولان که افزونی نهادیم بعضی ایشانرا بر بعضی از ایشان کس هست که سخن گفت با او خدا
رفع بعضهم درجات وآتينا عيسى ابن مريم البينات وأيدناه
وبرافراشت بعضی ایشانرا بمرتبه ومنزلت وبدادیم عیسی پسر مریم را معجزات ونیرومند کردانیدیم اورا
بروح القدس ولو شاء الله ما اقتتل الذين من بعدهم من بعد
بجبرئیل پاک مقدس واگر خواستی خدا کارزار نکردندی آنها که از پس ایشان بودند از پس
ما جاءتهم البينات ولكن اختلفوا فمنهم من آمن ومنهم
آنچه آمد بدیشان حجتها ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کس هست که بگروید وازایشان
من كفر ولو شاء الله ما اقتتلوا ولكن الله يفعل ما يريد
کس هست که کافر شد واگر خواستی خدا کارزار نکردندی ولیکن خدا بکند آنچه خواهد
يا أيها الذين آمنوا أنفقوا مما رزقناكم من قبل أن يأتي يوم
ای آنها که بگرویده اید نفقه کنید از آنچه روزی کردیم شمارا از پیش آنکه آید روزی

الجزء الثالث

لا بيع فيه ولا خلة ولا شفاعة والكافرون هم الظالمون
نه خرید وفروش بود در آن روز ونه دوستی ونه خواهشی وکافران ایشانند ستمکاران
الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السماوات
وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما بين أيديهم
وآنچه در زمینست کیست آنکه شفاعت کند نزدیک او مگر بفرمان او میداند آنچه در پیش ایشانست
وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع كرسيه
وآنچه از پس ایشان بود ودر نرسند بچیزی از دانش او بآنچه خواهد فراخ است کرسی او
السماوات والأرض ولا يؤوده حفظهما وهو العلي العظيم
آسمانها وزمین ودرنماند بنگهداشتن ایشان واوست افرشته بزرگوار
لا إكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله
سميع عليم الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات إلى النور
شنوای داناست خدا دوست آنهاست که بگرویدند بیرون آورد ایشانرا از تاریکیهای بنورایمان
والذين كفروا أولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور إلى الظلمات

خمس

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ

آن گروه اصحاب آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند ای نه نگریستی بآنکه حجت کرد

إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي

با ابراهیم در پروردگار او که بداد او را خدا پادشاهی چون گفت ابرهیم پروردگار من آنکه زنده میکند

وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ

و میراند گفت نمرود من نیز زنده کنم و بمیرانم گفت ابرهیم که خدا می آورد آفتاب را

مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

از مشرق پس بیار آنرا از مغرب پس حیران شد آنکه کافر بود و خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

گروه ستمکاران را یا همچون آنکه گذشت بر اهل دهی و آن افتاده بود بر سقفهای آن

قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ

گفت عزیر چگونه زنده کند این را خدا پس از مرگ آن پس بمیرانید او را خدا صد سال پس

بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ

برانگیخت او را گفت خدا چند درنگ کردی گفت عزیر درنگ کردم روزی یا بعضی از روز گفت جبرئیل بلکه درنگ کردی

مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَىٰ

صد سال پس بنگر بسوی خوردنی خود و آشامیدنی خود که نگشته است و بنگر بسوی

حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا

خر خود و تا بکنیم ترا نشانی برای مردمان و بنگر بسوی استخوانها که چگونه زنده میکنیم

ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

پس در می پوشانیم آنرا گوشت پس چون روشن شد او را گفت میدانم که خدا بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ

چیزی تواناست و چون گفت ابرهیم ای پروردگار من بنمای مرا که چگونه زنده میکنی مردگانرا گفت

أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً

ای نگرویده گفت آری ولیکن تا آرام گیرد دل من گفت پس فراگیر چهار

مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا

مرغ را [illegible] پس بکن بر سر هر کوهی از آنها پاره

عشر ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ

پس بر خوان آنهارا تا آیند بتو بشتاب و بدان که خدا غالب محکم کارست مثل آنها

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ

که نفقت میکنند مالهای خود را در راه خدا همچون دانه است که برویانید هفت

سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

خوشه را در هر خوشه صد دانه بود و خدا دو چندان کرده مر آنرا که خواهد

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و خدا فراخ رحمت داناست آنها که نفقت میکنند مالهای خود را در راه خدا

ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

پس در پی نمیدارند آنچه نفقت کردند منتی و نه رنج رسانیدنی مر ایشانرا بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۞ قول معروف ومغفرة

و هیچ ترسی نبود بریشان و نه ایشان اندوهگین باشند گفتاری نیکوئی و آمرزشی

خير من صدقة يتبعها أذى والله غني حليم ۞ يا أيها الذين

بهتر از صدقه که در پی آن بود رنجی و خدا بی نیازست و بردبار ای آنها

آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والأذى كالذي ينفق

که بگرویده اند باطل مکنید صدقهای خودرا بمنت نهادن و رنج رسانیدن همچون آنکسی که نفقت کند

ماله رئاء الناس ولا يؤمن بالله واليوم الآخر فمثله كمثل

مال خودرا بر و ریای مردمان و نگرود بخدا و نه بروز آخرت پس مثل او همچون مثل

صفوان عليه تراب فأصابه وابل فتركه صلدا لا يقدرون

سنگی سخت که بر آن بود خاکی پس برسد بدان بارانی پس بگذارد آنرا پاک از غبار توانائی ندارند

على شيء مما كسبوا والله لا يهدي القوم الكافرين ۞

بر چیزی از آنچه اندوخته باشند و خدا راه ننماید گروه کافرانرا

ومثل الذين ينفقون أموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا

و مثل آنها که نفقت میکنند مالهای خودرا از بهر جستن خشنودی خدا و ثابت گردانیدن باطلاق خاطر

من أنفسهم كمثل جنة بربوة أصابها وابل فآتت

از تنهای ایشان همچون مثل بستانی بود بزمینی بلند که برسد بدان بارانی بسیار آورد

أكلها ضعفين فإن لم يصبها وابل فطل والله بما تعملون

بار خودرا دوباره پس اگر نرسد بدان بارانی بزرگ قطره پس برسد بدان بارانی خورد قطره و خدا بآنچه میکنید

بصير ۞ أيود أحدكم أن تكون له جنة من نخيل وأعناب

بیناست ای آرزو میکند هیچ کس از شما که باشد مراو را بستانی از خرمابنان و انگورستانها

خمسه

تجري من تحتها الأنهار له فيها من كل الثمرات وأصابه

که رود از زیر درختهای آن جویها روان مراو را بود در آنجا از همه میوها و برسید بدو

الكبر وله ذرية ضعفاء فأصابها إعصار فيه نار فاحترقت

پیری و مراو را بود فرزندان بیچاره پس برسد بدو گردبادی که در آن بود آتشی پس بسوزد

كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون

همچنین روشن میکند خدا مر شمارا نشانها را تا بود که شما اندیشه کنید

يا أيها الذين آمنوا أنفقوا من طيبات ما كسبتم ومما

ای آنها که بگرویده اید نفقت کنید از پاکیهای آنچه اندوختید شما و از آنچه

أخرجنا لكم من الأرض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون

بیرون کردیم مر شمارا از زمین و قصد مکنید مال زشت پلید را که آنرا نفقت میکنید

ولستم بآخذيه إلا أن تغمضوا فيه واعلموا أن الله غني

و نیستید شما فراگیرنده آنرا که چشم فراپوشیده دارید و مسامحت نمائید در آن و بدانید که خدا بی نیاز

حميد ۞ الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء

ستوده است دیو وعده میدهد شمارا بدرویشی و میفرماید شمارا بناشایست

والله يعدكم مغفرة منه وفضلا والله واسع عليم

و خدا وعده میدهد شمارا بآمرزشی از قبل خود و افزونی و خدا فراخ رحمت داناست

يؤتى الحكمة من يشاء ومن يؤت الحكمة فقد أوتي خيرا كثيرا
بدهد حکمت آنرا که خواهد و هرکرا بدهد حکمت پس بدرستی که داده باشند اورا خیری بسیار
وما يذكر إلا أولو الألباب ۝ وما أنفقتم من نفقة أو نذرتم
و پند نگیرند مگر خداوندان خردها و آنچه نفقت کنید شما از نفقه یا نذر کنید شما
من نذر فإن الله يعلمه وما للظالمين من أنصار ۝ إن تبدوا عشر
از نذری پس بدرستی که خدا میداند آنرا و نبود مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده اگر آشکارا کنید
الصدقات فنعما هي وإن تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو
صدقات را پس نیکو چیزیست آن و اگر پنهان کنید آنرا و بدهید آنرا درویشانرا پس آن
خير لكم ويكفر عنكم من سيئاتكم والله بما
بهتر بود مر شمارا و باز پوشانیم از شما بدیهای شمارا و خدا بدانچه
تعملون خبير ۝ ليس عليك هداهم ولكن الله يهدي
شما میکنید آگاهست نیست بر تو راه نمودن ایشان ولیکن خدا راه نماید
من يشاء وما تنفقوا من خير فلأنفسكم وما تنفقون إلا
آنرا که خواهد و آنچه نفقت کنید از نیکی پس سود مر تنهای شمارا بود و نفقت نکنید مگر
ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خير يوف إليكم وأنتم
از بهر جستن رضای خدا و آنچه نفقت کنید از نیکی تمام بدهند بشما مزد آنرا و شمارا
لا تظلمون ۝ للفقراء الذين أحصروا في سبيل الله لا يستطيعون
ستم نکنند آن صدقات که گفتیم مر آنهارا بود که محبوس اند در راه خدا توانایی نداشته باشند

ضربا في الأرض يحسبهم الجاهل أغنياء من التعفف تعرفهم
رفتنی در زمین پندارد ایشانرا نادان توانگر از نگاه داشتن خود را در سوال شناسی تو ایشانرا
بسيماهم لا يسألون الناس إلحافا وما تنفقوا من خير
بسیمای ایشان نخواهند از مردمان بمبالغه والحاح و آنچه نفقت کنید از نیکی
حزب فإن الله به عليم ۝ الذين ينفقون أموالهم بالليل والنهار
پس خدا بدان داناست آنها که نفقت میکنند مالهای خود را بشب و روز
سرا وعلانية فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم
پنهان و آشکارا پس مر ایشانرا بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و هیچ ترسی نبود بر ایشان
حزب ولا هم يحزنون ۝ الذين يأكلون الربا لا يقومون إلا كما
و نه ایشان اندوهگین باشند آنها که میخورند مال ربارا بر نخیزند مگر همچون آنکه
يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بأنهم قالوا إنما
برخیزد آنکسی که سرگشته کرده بود اورا دیو از دیوانگی آن بسبب آنست که ایشان گفتند
البيع مثل الربا وأحل الله البيع وحرم الربا فمن جاءه موعظة
خرید و فروخت مانند رباست و حلال کرد خدا خرید و فروخت و حرام کرد ربارا هرکه آید بدو پندی
من ربه فانتهى فله ما سلف وأمره إلى الله ومن عاد فأولئك أصحاب
از پروردگار او پس باز ایستد پس مر اورا بود آنچه گذشت و کار او موکل باخداست و هرکه باز گردد پس آن گروه اصحاب
النار هم فيها خالدون ۝ يمحق الله الربا ويربي الصدقات
آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند زایل گرداند خدا ربارا و بیفزاید در صدقات

وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اَثِيمٍ • اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وخدا دوست ندارد ناسپاس بزه کار را بدرستی که آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند

وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا

وبپای داشتند نماز را وبدادند زکات را مرایشان را بود مزد ایشان نزدیک پروردگار ایشان

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ • يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ

وهیچ ترسی نبود برایشان ونه ایشان اندوهگین باشند ای آنها که بگرویده اید بترسید از خدا

وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ • فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا

وبگذارید آنچه مانده است از ربا اگر هستید شما مومنان پس اگر نکنید

فَاْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ اَمْوَالِكُمْ

پس دانا شوید به پیکاری وجنگی از خدا ورسول او واگر بازآیید شما پس مرشما راست اصل مالهای شما

لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ • وَاِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ

ستم نکنید شما ونه برشما ستم کنند واگر باشد خداوند تنگدستی پس وام خواه را مهلت دادن تا هنگام توانگری

وَاَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • وَاتَّقُوا يَوْمًا

واگر صدقه دهید بهتر بود مرشما را اگر هستید شما بدانید وبترسید از آن روزی

تُرْجَعُونَ فِيهِ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

که بازگردانیده شوید در آن روز با خدا پس تمام بدهند هر تنی را جزا آنچه اندوخته بود وایشان را ستم نکنند

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

ای آنها که بگرویده اید چون معاملت کنید شما که در آن دینی بود تا اجلی نام نهاده پس باز نویسید آن را

عشر

وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَاْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَكْتُبَ

وباید که باز نویسد میان شما نویسنده بعدل وداد وباید که سرباز نزند نویسنده که باز نویسد

كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهُ

همچنانک درآموخت او را خدا پس باید که باز نویسد وباید که تقریر کند آنک بروست دین وباید که بترسد از خدا که پروردگار او است

وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَاِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا اَوْ

وباز نکاهاند از آن چیزی پس اگر باشد آنک بروست وام جاهل بتفرق وبیهوده یا

ضَعِيفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيعُ اَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ

ضعیف یا توانائی ندارد که املا کند تقریر کند آنک متولی کار او بود بعدالت

اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ

وگواه برگیرند دو گواه از مردان شما پس اگر نباشند دو مرد

فَرَجُلٌ وَامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰهُمَا

پس مردی ودو زن آنک بپسندید از گواهان که اگر فراموش کند یکی از آن دو

فَتُذَكِّرَ اِحْدٰهُمَا الْاُخْرٰى وَلَا يَاْبَ الشُّهَدَاءُ اِذَا مَا دُعُوا وَلَا

یاد آورد یکی از آن دو آن دیگر را وباید که سرباز نزنند گواهان چون خوانند ایشان را

تَسْاَمُوا اَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا اَوْ كَبِيرًا اِلٰى اَجَلِهِ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ

وملول نشوید که نویسند آن دین را از کوچک ونه بزرگ تا اجل آن آن شما بعدالت تر

عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰى اَلَّا تَرْتَابُوا اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً

نزدیک خدا وراست تر بگواهی دادن ونزدیکتر بآنک در شک نیفتید شما مگر آنکه باشد بازرگانی که حاضر بود

تديرونها بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا اذا

که میگردانید آنرا میان یکدیگر دست بدست پس نبود بر شما بزه که باز پوشانید آنرا و گواه بر گیرید چون

تبايعتم ولا يضار كاتب ولا شهيد ۝ وان تفعلوا فانه فسوق

خرید و فروخت نمائید شما و نباید که گزند رسانید نویسنده را و نه گواه را و اگر کنید پس آن نافرمانیست

بكم واتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء عليم ۝

بشما و بترسید از خدا و در می آموزاند شما را خدا و خدا بهمه چیزی داناست

وان كنتم على سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة فان امن

و اگر باشید شما بر سر سفر و نیابید نویسنده را پس گروگانی بود فرا ستده پس اگر ایمن گرداند

بعضكم بعضا فليؤد الذي اؤتمن امانته وليتق الله ربه ولا

بعضی شما بعضی را پس باید که ادا کند آنک ایمن داشته شد امانت او را و باید که بترسد از خدا که پروردگار اوست

تكتموا الشهادة ومن يكتمها فانه اثم قلبه والله بما تعملون

و نه باز پوشید گواهی و هر که باز پوشد آنرا پس بزه مند بود دل او و خدا بدانچه می کنید

عليم ۝ لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم

داناست مر خدا راست آنچ در آسمانهاست و آنچ در زمینست و اگر آشکارا کنید آنچ در تنهای شماست

او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء

یا پنهان کنید آنرا حساب کند شما را بدان خدا پس بیامرزد مر آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد

والله على كل شيء قدير ۝ امن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون

و خدا بر همه چیزی تواناست بگروید پیغمبر بدانچه فرو فرستاده شده بود از پروردگار او و مؤمنان

كل امن بالله وملئكته وكتبه ورسله لانفرق بين احد

همه ایمان آوردند بخدا و بفرشتگان او و بکتابهای او و بپیغمبران او جدایی نکنیم میان هیچ یکی

من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير ۝ خمس

از رسولان او و گفتند شنیدیم ما و فرمان بردیم ما بیامرز ای پروردگار ما و با تست بازگشت

لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما

تکلیف نفرماید خدا هیچ تنی را مگر بقدر وسع طاقت آن تن مر آنرا بود آنچ اندوخته بود و بر وی بود وبال آنچ

اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا

اندوخته بود ای پروردگار ما فرا مگیر ما را اگر فراموش کاری کردیم یا خطا کردیم ای پروردگار ما

ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا

و منه بر ما باری گران همچنانک نهادی آنرا بر آنها که پیش از ما بودند ای پروردگار ما

ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا

و منه بر ما آنچ نیست طاقت ما را بدان و در گذر از ما و بیامرز ما را و رحمت کن بر ما

انت مولنا فانصرنا على القوم الكافرين ۝

توئی خداوند ما پس یاری ده ما را بر گروه کافران

سورة آل عمران مائتان آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

الٓمٓ ● اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ● نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

منم خدائی که میدانم معبود بسزا خداست نیست خدای مگر او زنده پاینده فرو فرستاد بر تو قرآن را بحق

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ ● مِنْ قَبْلُ هُدًى

براست دارنده مرآنچه در پیش آنست و فرو فرستاد توریة و انجیل را از پیش راه نمونی

لِلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ لَهُمْ

مردمان را و فرو فرستاد کتاب فاروق را بدرستی که آنها که کافر شدند بنشانهای خدا مر ایشانرا بود

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ● اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ

عذابی سخت و خدا پیروزمندست خداوند کینه کشیدن بدرستی که خدا پوشیده نیست برو

شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ ● هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ

چیزی نه در زمین و نه در آسمان اوست آن خدائی که صورت نگاشت شما را در رحمها

كَيْفَ يَشَآءُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ● هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ عَلَيْكَ

چنانکه خواست نیست خدائی مگر او خدای غالب محکم کار اوست آن خدائی که فرو فرستاد برتو

الْكِتَابَ مِنْهُ اٰيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتَابِ وَاُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ

قرآن را ازان هست نشانهای محکم که آنها اصل کتابند و دیگر بهم مانند

فَاَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ

پس اما آنها که در دلهای ایشان تیزی هست پس پیروی میکنند آنچه بهم مانندست ازان از بهر جستن فتنه

وَابْتِغَآءَ تَاْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيلَهُ اِلَّا اللّٰهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ

و از بهر جستن عدول از ظاهر بجهت مراد خود بی حجت و نمیدانند تاویل آنرا چنانک هست مگر خدا و استواران در علم

خمس

يَقُولُونَ اٰمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ ●

میگویند بگرویدیم ما بدان همه از نزد پروردگار ماست و پند نگیرند مگر خداوندان خردها

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را پس ازانک راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزدیک رحمتی

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ● رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ

بدرستی که توئی بخشاینده ای پروردگار ما بدرستی که تو جمع کننده مردمانی مر روزی را که هیچ شکی نیست دران

اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ● اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ

بدرستی که خدا خلاف نکند وعده را بدرستی که آنها که کافر شدند هرگز بکار نیاید ازیشان

اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا وَاُولٰٓئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ●

مالهای ایشان و نه فرزندان از عذاب خدا چیزی را و آن گروه ایشان هیمه افروزه آتش

كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا

خو و عادت ایشان همچون خو و عادت فرعونیانست و آنها که پیش ازیشان بود که بدروغ داشتند نشانهای ما را

فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللّٰهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ● قُلْ لِلَّذِينَ

پس بگرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبتست بگو مر آنهارا

كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ اِلٰى جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ● قَدْ كَانَ

که کافر شدند مغلوب شوید و حشر کرده شوید بسوی دوزخ و بد آرامگاهیست بدرستی که هست

لَكُمْ اٰيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَاُخْرٰى

مر شما را نشانی در حق دو گروه که بهم رسیدند گروهی کارزار میکنند در راه خدا و دیگر

عشر

كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ

كافران ميديدند مسلمانانرا دو مانند ايشان كافران ديدن بچشم خداى نيرو ميكند بنصرت خود آنرا كه خواهد

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

بدرستى كه در آن عبرتيست مر خداوندان بينايها را آراسته شد مردمانرا دوستى شهوتها

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ

از زنان و پسران و مالهاى بسيار گرد آورده از طلا و نقره

الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ

و اسپان نشان كرده و چهارپايانى و كشت و زرع آن برخوردارى زندگانى دنياست و خدا

عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا

نزديك اوست نيكو بازگشتن جاى بگو اى پيامبر آيا خبر كنم شما را ببهتر از اينها مر آنها كه پرهيزيدند

عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ

نزد پروردگار خود بستانها بود كه رود از زير درختان آن جويها روان هميشه باشند در آنجا

أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ الَّذِينَ نصف

و همجفتانى پاكيزه و خشنودى از خدا و خدا بيناست ببندگان آنها

يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

كه ميگويند اى پروردگار ما بدرستى كه ما بگرويديم پس بيامرز ما را گناهان ما و بازدار از ما عذاب آتش را

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ

صبر كنندگانند و راست گويان و نماز گزارندگان و نفقت كنندگان مال و آمرزش خواهندگان

بِالْأَسْحَارِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ

بسحرگاهان گواهى داد خدا كه نيست خدائى مگر او و فرشتگان و خداوندان دانش

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

ايستاده بعدالت نيست خدائى مگر او غالب محكم كارست بدرستى كه دين نزد خدا

الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا

اسلامست و اختلاف نكردند آنها كه داده شد ايشانرا كتاب مگر از پس آنچه

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

آمد بديشان دانش بستم ميان ايشان و كه كافر شود بنشانهاى خدا پس بدرستى كه خدا

سَرِيعُ الْحِسَابِ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ

زود شمارست پس اگر خصومت كنند با تو بگو خالص كردانيدم دين خود مر خدا را و آنرا

اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا

كه پيروى كرد مرا و بگو مر آنها را كه داده شد ايشانرا كتاب و آنان كه اهل كتاب نيند اى منقاد شديد شما پس اگر منقاد شوند

عشر فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

پس بدرستى كه راه يافته باشند و اگر برگردند پس بدرستى كه بر تو رسانيدن است و خدا بيناست ببندگان

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ

بدرستى كه آنها كه كافر شدند بنشانهاى خدا و ميكشتند پيغمبرانرا بناحق

وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ

و ميكشتند آنها را كه ميفرمودند بعدالت از مردمان پس بشارت ده ايشانرا

بعذاب أليم ۝ أولئك الذين حبطت أعمالهم في الدنيا والآخرة
بعذابی دردناک آن گروه آنها اند که باطل شد عملهای ایشان در دنیا و آخرت
وما لهم من ناصرين ۝ ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من الكتاب
و نبود ایشانرا هیچ یاری کننده ای نگریستی بذانها که بداده شد ایشانرا از کتاب
يدعون إلى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم
که خوانده شده اند باکتاب خدای تا حکم کند میان ایشان پس برگشتند گروهی از ایشان
وهم معرضون ۝ ذلك بأنهم قالوا لن تمسنا النار إلا أياما
و ایشان برگردندگانند آن بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز نرسد ما را آتش مگر در روزهای
معدودات وغرهم في دينهم ما كانوا يفترون ۝
شمرده شده و بفریفت ایشانرا در دین ایشان آنچه بودند بر می بافتند
فكيف إذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه ووفيت كل نفس
پس چگونه بود حال ایشان چون جمع آوریم ما ایشانرا در روزی که هیچ شکی نیست در آن و تمام بدهند هر تنی را جزاء
ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ قل اللهم مالك الملك تؤتي خمس
آنچه بدست آورده باشند و ایشانرا ستم نکنند بگو ای بار خدایا ای پادشاه پادشاهان بدهی
الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل
پادشاهی آنرا که خواهی و باز ستانی پادشاهی از آنکه خواهی و عزیز کنی آنرا که خواهی و ذلیل کنی
من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير ۝ تولج الليل في
آنرا که خواهی بید قدرت تست خیر بدرستی که تو بر همه چیزی توانائی در می آوری شب را در

النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت
بروز و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را
من الحي وترزق من تشاء بغير حساب ۝ لا يتخذ المؤمنون
از زنده و روزی می دهی آنرا که خواهی بی شمار نباید که فرا گیرند مؤمنان
الكافرين أولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك
کافرانرا بدوستان از جز مؤمنان و هر که کند آن
فليس من الله في شيء إلا أن تتقوا منهم تقاة ويحذركم الله
پس نبود از ثواب خدا در چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیز کردنی و می ترساند شما را خدا
نفسه وإلى الله المصير ۝ قل إن تخفوا ما في صدوركم أو تبدوه
از حلول غضب خود و با خداست بازگشت کارها بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه های شماست یا آشکارا کنید آنرا
يعلمه الله ويعلم ما في السماوات وما في الأرض والله على كل
داند آنرا خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و خدا بر همه
شيء قدير ۝ يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما
چیزی تواناست روزی که یابد هر تنی جزاء آنچه کرده بود از نیکی حاضر و آنچه
عملت من سوء تود لو أن بينها وبينه أمدا بعيدا ويحذركم الله
کرده بود از بدی آرزو کند که میان آن بدی و میان او غایتی دور بودی و می ترساند شما را خدا
عشر نفسه والله رءوف بالعباد ۝ قل إن كنتم تحبون الله
از عقوبت خود و خدا مهربانست ببندگان بگو اگر هستید شما دوست میدارید خدا را

فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم

پس پیروی کنید مرا دوست دارد شمارا خدا و بیامرزد شمارا گناهان شما وخدا آمرزگار مهربانست

قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين

بگو فرمان برید خدارا و رسول را پس اگر برگردید پس بدرستی که خدا دوست ندارد کافرانرا

ان الله اصطفى آدم ونوحا وآل ابرهيم وآل عمران على

بدرستی که خدا برگزید آدم و نوح را وآل ابراهیم را وآل عمرانرا بر

العالمين ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم اذ قالت

جهانیان زمانهٔ ایشان فرزندانی بعضی آنهارا از بعضی وخدا شنواست ودانا چون گفت

امرات عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل

زن عمران ای پروردگار من بدرستی که من نذر کردم مرترا آنچه در شکم منست آزاد پس قبول کن

مني انك انت السميع العليم فلما وضعتها قالت رب

از من بدرستی که تو شنونده دانای پس چون بار بنهاد مریم گفت ای پروردگار

اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى

بدرستی که من بار بنهادم ماده و خدا داناتر به آنچه بار بنهادم ونیست نرینه همچون ماده

واني سميتها مريم واني اعيذها بك وذريتها من الشيطان

و بدرستی که من نام نهادم اورا مریم و بدرستی که من پناه میدهم اورا بتو و فرزندان اورا از دیو

الرجيم فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا

رانده پس قبول کرد آنرا پروردگار او بپذیرفتنی نیکو و برویانید اورا رویانیدنی

حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب

نیکو و پاینده اورا گردانید زکریارا هرگاه که در آمدی برو زکریا در پیش محراب

وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو من

یافتی نزد او روزی گفتی ای مریم از کجا بود مرترا این گفتی آن از

عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب هنالك دعا زكريا

نزد خداست بدرستی که خدا روزی دهد آنرا که خواهد بی شمار آنجایگاه برخواند زکریا

ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء

پروردگار خودرا گفت ای پروردگار من ببخش مرا از نزدیک خود فرزندی پاک پاکیزه بدرستی که تو شنونده دعای

فنادته الملئكة وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك

پس برخواندند اورا فرشتگان واو ایستاده بود نماز میگزارد در پیش محراب که خدا بشارت میدهد ترا

بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحصورا ونبيا من

بیحیی براست دارنده بفرزندی از قدرت خدا ومهتری از قوم بود وبازدارنده خودرا و پیغمبری بود ازجمله

الصالحين قال رب انى يكون لي غلام وقد بلغني الكبر

نیکوکاران گفت ای پروردگار من از کجا بود مرا فرزندی وبدرستی که برسید بمن پیری

وامراتي عاقر قال كذلك الله يفعل ما يشاء قال رب اجعل لي

وزن من نازاینده است گفت جبرئیل همچنین است خدا بکند آنچه خواهد گفت ای پروردگار من بدید کن مرا

اية قال ايتك الا تكلم الناس ثلثة ايام الا رمزا واذكر

نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگوئی با مردمان سه روز مگر برمز و یاد کن

رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَٰئِكَةُ

پروردگار خودرا بسیار وتسبیح کن اول شبانگاه وبامداد وچون گفتند فرشتگان

يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

ای مریم بدرستی که خدا برگزید ترا وپاک گردانید ترا وبرگزید ترا بر زنان زمانه شما

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝

ای مریم فرمان بردار کار خودرا وسجود کن ورکوع کن با رکوع کنندگان

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ

آن از خبرهای غیبست که وحی میکنیم آنرا بتو ونبودی تو نزدیک ایشان چون می انداختند

أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ۝

قلمها خودرا که کدامین ایشان کفیل مریم باشد ونبودی تو نزدیک ایشان چون خصومت میکردند

إِذْ قَالَتِ الْمَلَٰئِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ

چون گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا بشارت میدهد ترا بفرزندی از قبل خود نام او

الْمَسِيحُ

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ وَيُكَلِّمُ

عیسی پسر مریم روشناس بود در دنیا ودر آخرت واز جمله نزدیکان بود وسخن گوید

النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ

با مردمان در گهواره ودر حالت کهولت واز جمله نیکوکاران بود گفت مریم ای پروردگار من از کجا بود

لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ

مرا فرزندی وحال آنکه نرسیده است بمن آدمی گفت همچنین است خدا بیافریند آنچه خواهد که بگذارد

أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

کاری را پس بدرستی که گوید مرآنرا که بباش پس بباشد ودر آموزاند اورا کتاب وحکمت

وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ

وتوراة وانجیل ورسول بود بفرزندان یعقوب که آورده ام شمارا معجزه

مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ

از پروردگار شما که من میسازم برای شما از گل همچون شکل مرغی پس در دمم در آن

فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ

پس باشد مرغی بفرمان خدا وتن درست گردانم نابینای مادرزادرا وپیس را وزنده کنم مردگانرا بفرمان

اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ

خدا وباگاهانم شمارا بآنچه میخورید وآنچه ذخیره می نهید در خانهای خود بدرستی

فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ

که در آن علامت نشانیست مر شمارا اگر هستید شما مؤمنان وبراست دارنده آنچه در پیش منست

مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ

از توراة وتا حلال کنم مر شمارا بعضی آنچه حرام کرده شد بر شما وآوردم شمارا نشانی

مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا

از پروردگار شما پس بترسید از خدا وفرمان برید مرا بدرستی که خدا پروردگار منست وشما پس بپرستید اورا این

صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ

راه راست پس چون دریافت عیسی از ایشان کفررا گفت کیست یاران من با دین خدا

قال الحواريون نحن انصار الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون ۝

گفتند یاران برگزیده او ما ییم یاران دین خدا بگرویدیم ما بخدا و گواه باش تو که ما منقادانیم

ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

ای پروردگار ما بگرویدیم بدانچه فرو فرستادی تو و پیروی کردیم ما رسول را پس باز نویس ما را با گواهی دهندگان

ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين ۝ اذ قال الله

و مکر ساختند و مکر ساخت خدا و خدا بهترین سازندگانست چون گفت خدا

يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي ومطهرك من الذين كفروا

ای عیسی بدرستی که منم ستاننده ام ترا و برافرازنده ام ترا با خود و پاک کننده ام ترا از آنها که کافر شدند

وجاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيامة ثم الي

و گردانندهٔ ام آنها را که پیروی کردند ترا بالای آنها که کافر شدند تا روز قیامت پس بمن است

مرجعكم فاحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون ۝

بازگشت شما پس حکم کنم میان شما در آنچه بودید شما در آن اختلاف میکردید

فاما الذين كفروا فاعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والاخرة وما

پس اما آنها که کافر شدند پس عذاب کنم ایشان را عذابی سخت در دنیا و آخرت و نبود

لهم من ناصرين ۝ واما الذين امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم

مرایشان را هیچ یاری کننده و اما آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس تمام بدهد ایشان را

اجورهم والله لا يحب الظالمين ۝ ذلك نتلوه عليك من الايات

مزدهای ایشان را و خدا دوست ندارد ستمکاران را آن خوانیم آنرا بر تو از نشانها

والذكر الحكيم ۝ ان مثل عيسى عند الله كمثل ادم

و پند و قرآن با حکمت بدرستی که مثل عیسی نزدیک خدا همچون مثل آدمست

خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون ۝ الحق من ربك فلا

آفریدش او را از خاک پس گفت مر آنرا که باش پس بود حق از پروردگارتست پس

تكن من الممترين ۝ فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

مباش از جملهٔ به شک شوندگان پس هر که خصومت کند با تو در آن از پس آنچه آمد ترا از دانش

فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم

پس بگو بیائید تا بخوانیم ما پسران خود را و شما پسران خود را و شما زنان خود را و ما زنان خود را

وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين

و ما تنهای خود و شما تنهای خود پس دعا کنیم پس بکنیم لعنت خدا را بر کاذبان

ان هذا لهو القصص الحق وما من اله الا الله وان الله لهو العزيز

بدرستی که آن مر اینست قصهای حق و نیست هیچ خدایی مگر خدا و بدرستی که خدا او است غالب

الحكيم ۝ فان تولوا فان الله عليم بالمفسدين ۝ قل يا اهل الكتاب

حکم کارست پس اگر برگردند پس بدرستی که خدا داناست بحال تباهی کنندگان بگو ای یهود و نصاری

تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا

بیائید بکلمهٔ توحید که یکسانست میان ما و میان شما تا که نپرستیم ما مگر خدا را

نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا

و انباز نخوانیم هیچ چیزی را و نگیرد بعضی از ما بعضی را خدایان از جز خدا پس اگر برگردند

فقولوا اشهدوا بانا مسلمون ۝ يا اهل الكتاب لم تحاجون في

پس بگویید که گواه باشید بآنکه ما منقادانیم ای یهود و نصاری چرا خصومت میکنید در حق

ابرهيم وما انزلت التورية والانجيل الا من بعده افلا

ابرهیم و فرو فرستاده نشد توریة و انجیل مگر از پس او ای پس

تعقلون ۝ ها انتم هؤلاء حاججتم فيما لكم به علم فلم تحاجون

درنمی یابید آگاه باشید شما این گروه خصومت میکنید شما درآنچه هست مرشمارا بدان دانشی پس چرا خصومت میکنید

فيما ليس لكم به علم والله يعلم وانتم لا تعلمون ۝ ما كان

درآنچه نیست مرشمارا بدان دانشی و خدا میداند و شما نمیدانید نبود

ابرهيم يهوديا ولا نصرانيا ولكن كان حنيفا مسلما وما

ابرهیم یهودی و نه ترسا ولیکن بود مائل از باطل بحق منقاد و

كان من المشركين ۝ ان اولى الناس بابرهيم للذين اتبعوه

نبود از بت پرستان بدرستی که سزاوارترین مردمان بابرهیم مرآنهااند که پیروی کردند اورا

وهذا النبي والذين امنوا والله ولي المؤمنين ۝ ودت طائفة من

و این پیغمبر و آنها که بگرویدند و خدا دوست مؤمنانست و آرزو کردند گروهی از

اهل الكتاب لو يضلونكم وما يضلون الا انفسهم وما

یهود و نصاری که گمراه کنند شمارا و گمراه نمیکنند مگر تنهای خودرا

يشعرون ۝ يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات الله وانتم تشهدون

و نمیدانند ای یهود و نصاری چرا کافر میشوید بنشانهای خدا و شما گواهی میدهید

يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتكتمون الحق وانتم

ای یهود و نصاری چرا می آمیزید حق را بباطل و بازمی پوشید حق را و شما

تعلمون ۝ وقالت طائفة من اهل الكتاب امنوا بالذي انزل على

میدانید و گفتند گروهی از اهل کتاب بگروید بآنچه فرو فرستاده شد

الذين امنوا وجه النهار واكفروا اخره لعلهم يرجعون

آنها که بگرویدند در اول روز و کافر شوید در آخر روز تا بود که ایشان بازگردند

ولا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم قل ان الهدى هدى الله ان يؤتى

و راست مدارید مگر آنرا که پیروی کرد دین شمارا بگو بدرستی که راه راه خداست بآنکه داده

احد مثل ما اوتيتم او يحاجوكم عند ربكم قل ان

هریکی را مانند آنچه داده اند شمارا یا خصومت کنند باشما نزدیک پروردگار شما بگو بدرستی

الفضل بيد الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم ۝ يختص

که فضل بدست قدرت خداست بدهد آنرا آنرا که خواهد و خدا فراخ رحمت داناست خاص گرداند

برحمته من يشاء والله ذو الفضل العظيم ۝ ومن اهل الكتاب

برحمت خود آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست و از اهل کتاب

من ان تامنه بقنطار يؤده اليك ومنهم من ان تامنه بدينار

کس هست که اگر امین گردانی اورا بخرواری ادا نماید آنرا بتو و ازیشان کس هست که اگر امین گردانی اورا بدیناری

لا يؤده اليك الا ما دمت عليه قائما ذلك بانهم قالوا ليس

نرساند آنرا بتو مگر که ایستاده باشی برو بتقاضا آن بسبب آنست که ایشان گفتند نیست

علينا في الأميين سبيل ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون

بر ما در کار آنک غیر کتابند راهی و میگویند بر خدا دروغ را و ایشان میدانند

بلى من أوفى بعهده واتقى فإن الله يحب المتقين إن الذين

آری هر که وفا کند بعهد خود و بپرهیزد پس بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا بدرستی که آنها

يشترون بعهد الله وأيمانهم ثمنا قليلا أولئك لا خلاق

که فرا میگیرند بعهد خدا و سوگندهای خود بهای اندک را آن گروه بهره نبود

لهم في الآخرة ولا يكلمهم الله ولا ينظر إليهم يوم القيامة

مر ایشانرا در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و ننگرد بدیشان در روز قیامت

ولا يزكيهم ولهم عذاب أليم وإن منهم لفريقا يلوون

و نزکیه تن ایشان نکند و مر ایشانراست عذاب دردناک و بدرستی که از ایشان گروهی می پیچانند

ألسنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب وما هو من الكتاب

زبانها خود را بکتاب تا پندارید آنرا که از کتابست و نبود آن از کتاب

ويقولون هو من عند الله وما هو من عند الله ويقولون على الله

و میگویند آن از نزدیک خداست و نبود آن از نزدیک خدا و میگویند بر خدا

الكذب وهم يعلمون ما كان لبشر أن يؤتيه الله

دروغ را و ایشان میدانند نسزد و نبود مر هیچ آدمیرا که بدهد او را خدا

الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول للناس كونوا عبادا لي من

کتاب و حکمت و پیغمبری پس گوید مردمانرا که باشید بندگان من از

دون الله ولكن كونوا ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب

جز خدا ولیکن بودند خداشناسان بدانچه شما در آموختید کتاب

وبما كنتم تدرسون ولا يأمركم أن تتخذوا الملائكة

و بدانچه شما درس میگوئید و نفرماید شمارا که فرا گیرید فرشتگانرا

والنبيين أربابا أيأمركم بالكفر بعد إذ أنتم مسلمون

و پیغمبرانرا بخدایان ای میفرماید شمارا بکفر پس آنکه شما منقادان باشید

وإذ أخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب وحكمة

و یاد کن چون فرا گرفت خدا عهد را از پیغمبران چون بدادم شمارا کتاب و حکمت

ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرنه

پس آمد بشما پیغمبری براست دارنده مرآنچه باشماست هرآینه بگروید بدو و یاری کنید اورا

قال أأقررتم وأخذتم على ذلكم إصري قالوا أقررنا قال

گفت اقرار کردید شما و فرا گرفتید بر آن عهد من گفتند اقرار کردیم گفت

فاشهدوا وأنا معكم من الشاهدين فمن تولى بعد ذلك

پس گواه باشید و من با شما از جمله گواهی دهندگانم پس هر که برگردد پس از آن

فأولئك هم الفاسقون أفغير دين الله يبغون وله أسلم

پس آن گروه ایشان فاسقانند ای پس بجز از دین خدا میجویند و مر او را منقاد شد

من في السماوات والأرض طوعا وكرها وإليه يرجعون

آنکه در آسمانهاست و زمین برغبت و بی رغبت و باو خواه باز گردانیده شوید

قل آمنا بالله وما انزل علينا وما انزل على ابرهيم واسمعيل واسحق و
بگو بگرویدیم ما بخدا وبدانچه فرو فرستاده شد برما وبدانچه فرو فرستاده شد بر ابرهیم واسمعیل واسحق
يعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى والنبيون من ربهم
ویعقوب ونوادگان وآنچه بداده شد موسی وعیسی را وپیغمبران را از پروردگار ایشان
لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون • ومن يبتغ غير
جدایی نیفکنیم میان هیچ یکی از ایشان وما مراورا منقادانیم وهرکه جوید جز
الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين
از اسلام دینی پس هرگز قبول نکنند ازو واو در آخرت از جملهٔ زیانکاران بود
كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم وشهدوا ان الرسول
چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند پس از ایمان خود وگواهی دادند که رسول
حق وجاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين • اولئك
حق است وآمد بدیشان معجزات وخدا راه ننماید گروه ستمکارانرا آن گروه
جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين
پاداشت ایشان آنست که بر ایشان بود لعنت خدا وفرشتگان ومردمان همه
خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون
همیشه باشند درآنجا سبک کرده نشود از ایشان عذاب ونه ایشانرا زمان دهند
الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم
مگر آنها که توبه کردند از پس آن وکار را باصلاح آوردند پس بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست

ان الذين كفروا بعد ايمانهم ثم ازدادوا كفرا لن تقبل
بدرستی که آنها که کافر شدند پس از ایمان خود پس زیادت کردند کفر را هرگز قبول کرده نشود
توبتهم واولئك هم الضالون • ان الذين كفروا وماتوا وهم
توبهٔ ایشان وآن گروه ایشانند گمراهان بدرستی که آنها که کافر شدند ومردند وایشان
كفار فلن يقبل من احدهم ملء الارض ذهبا ولو افتدى به
کافران بودند پس هرگز قبول کرده نشود از هیچ یکی از ایشان پری زمین طلا واگرچه خواهند که بوی باز خرند
اولئك لهم عذاب اليم وما لهم من ناصرين • لن تنالوا البر
آن گروه مر ایشانرا بود عذابی دردناک ونبود مر ایشانرا از هیچ یاری کننده هرگز نیابید نیکویی را
حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء فان الله به عليم
تا انفاق کنید از آنچه دوست میدارید وآنچه نفقه کنید از چیزی پس بدرستی که خدا بدان داناست
كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل
هر خوردنی بود حلال مر بنی اسرائیل را مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب
على نفسه من قبل ان تنزل التورىة قل فاتوا بالتورىة فاتلوها
بر تن خود از پیش آنکه فرو فرستاده شود توریة بگو پس بیارید توریة را پس برخوانید آنرا
ان كنتم صادقين • فمن افترى على الله الكذب من بعد ذلك
اگر هستید راست گویان پس هرکه بربافد بر خدا دروغ را از پس آن
فاولئك هم الظالمون • قل صدق الله فاتبعوا ملة ابرهيم حنيفا
پس آن گروه ایشانند ستمکاران بگو راست فرمود خدا پس پیروی کنید ملت ابرهیم مایل از باطل

الجزو ٤

وما كان من المشركين ۝ إن أول بيت وضع للناس للذي
و نبود او از انجمن بت پرستان بدرستی که اول خانه که بنا نهاده شد برای مردمان هر آینه آن خانه است که
ببكة مباركا وهدى للعالمين ۝ فيه آيات بينات
بمکه است خجسته و مبارک و راه نمونی مر جهانیان را در آن هست نشانهای روشن
مقام إبراهيم ومن دخله كان آمنا ولله على الناس حج
در مقام ابرهیم و هر که در آمد در آنجا باشد امین از آفات و مر خدای را بر مردمان زیارت کردن
البيت من استطاع إليه سبيلا ومن كفر فإن الله غني عن
خانه کعبه آنرا که توانایی داشته باشد باو راه و هر که کافر شود پس بدرستی که خدا بی نیازست از
العالمين ۝ قل يا أهل الكتاب لم تكفرون بآيات الله والله
جهانیان بگوی ای محمد ای یهود و نصاری چرا کافر میشوید بنشانهای خدا و خدا
شهيد على ما تعملون ۝ قل يا أهل الكتاب لم تصدون عن
گواهست بر آنچه شما میکنید بگو ای اهل کتاب چرا برمیگردانید مردمانرا از
سبيل الله من آمن تبغونها عوجا وأنتم شهداء وما الله بغافل
راه خدا آنرا که گرویده است میجویید آن راه را کجی و شما گواهید و نیست خدا غافل
عما تعملون ۝ يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا فريقا من الذين أوتوا
از آنچه شما میکنید ای آنها که بگرویده اید اگر فرمان برید گروهی را از آنها که بداده شد ایشانرا
الكتاب يردوكم بعد إيمانكم كافرين ۝ وكيف
کتاب برگردانند شما را پس از ایمان شما کافران و چگونه

تكفرون وأنتم تتلى عليكم آيات الله وفيكم رسوله ومن
کافر میشوید و شما آنید که میخوانند بر شما نشانهای خدارا و در میان شما رسول او ست و هر که
يعتصم بالله فقد هدي إلى صراط مستقيم ۝ يا أيها الذين
در آویزد بدین خدا پس بدرستی که راه یافته باشد بارای راست ای آنها
آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن إلا وأنتم مسلمون ۝ واعتصموا
که بگرویده اید بترسید از خدا بسزای پرهیزیدن او و ممیرید مگر که شما منقادان باشید و در آویزید
بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم
بدین خدای همه و متفرق مشوید و یاد کنید نعمت خدا را بر شما
إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته
چون بودید شما دشمنان هم پس الفت افکند میان دلهای شما پس گشتید شما بنعمت او
إخوانا وكنتم على شفا حفرة من النار فأنقذكم منها
برادران و بودید شما بر کناره گوی از آتش پس برهانید شما را از آن
كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون
همچنین روشن میکند خدا برای شما نشانهای خود تا بود که شما راه یابید
ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف
و باید که باشند از شما گروهی که خوانند بخیرات و فرمایند بنیکوی
وينهون عن المنكر وأولئك هم المفلحون ۝ ولا تكونوا
و باز زنند از ناشایست و آن گروه ایشانند رستگاران و مباشید

كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك

همچون آنها که متفرق شدند واختلاف کردند ازپس آنچه آمد بدیشان حجتها وآن گروه

لهم عذاب عظيم ۝ يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فأما الذين

مرایشانرا بود عذابی بزرگ یاد کن روزی که سفید باشند رویها وسیاه شوند رویها پس اما آنها

اسودت وجوههم أكفرتم بعد إيمانكم فذوقوا العذاب

که سیاه باشد رویهای ایشان گویند ایشانرا ای کافر شدید شما پس از ایمان شما پس درچشید عذاب را

بما كنتم تكفرون ۝ وأما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمت

بدانچه شما کافر شدید ۝ واما آنها که سفید باشد رویهای ایشانرا پس در رحمت

الله هم فيها خالدون ۝ تلك آيات الله نتلوها عليك

خدا باشند ایشان درآنجا همیشه باشند ۝ آینه نشانهای خدا که میخوانیم آنرا برتو

بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين ۝ ولله ما في السماوات

بحق ونیست خدا که خواهد ستم مر بندگان خودرا ۝ ومرخدا راست آنچه در آسمانهاست

وما في الأرض وإلى الله ترجع الأمور ۝ كنتم خير أمة أخرجت

وآنچه در زمینست وباخداست بازگشت کارها ۝ بودید شما بهترین امت بیرون آورده شده

للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون بالله

برای مردمان تا فرمایید بنیکوی وباز زنید از ناشایست وگروید بخدا

ولو آمن أهل الكتاب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون

واگر بگرویدی اهل کتاب مرآینه بودی بهتر مرایشانرا ازایشان هستند مؤمنان

وأكثرهم الفاسقون ۝ لن يضروكم إلا أذى وإن يقاتلوكم

وبیشترین ایشان فاسقانند هرگز زیان نتوانند رسانید شمارا مگر رنجی واگر بجنگند باشما

يولوكم الأدبار ثم لا ينصرون ۝ ضربت عليهم الذلة أينما

برگردانند ازشما پشتهارا پس یاری کرده نشوند ۝ لازم کرده شد برایشان خواری هرکجا

ثقفوا إلا بحبل من الله وحبل من الناس وباءو بغضب من الله

که یافت شوید مگر بریسمانی ازخدا ودر ریسمانی ازمردمان وسزاوار شدند بخشمی ازخدا

وضربت عليهم المسكنة ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات

وزده شد برایشان درویشی آن بسبب آنست که ایشان کافر شدند بنشانهای

الله ويقتلون الأنبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا

خدا ومیکشتند پیغمبرانرا بناحق آن بسبب آن بود که عاصی شدند وبودند

يعتدون ۝ ليسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آيات

ازحد درمیگذشتند ۝ نیستند یکسان ازاهل کتاب گروهی هستند ایستاده میخوانند نشانهای

الله آناء الليل وهم يسجدون ۝ يؤمنون بالله واليوم الآخر

خدارا بساعتهای شب وایشان سجده میکنند ۝ میگروند بخدا وبروز آخرت

ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويسارعون في

ومیفرمایند بنیکوی وباز میزنند ازناشایست ومی شتابند در

الخيرات وأولئك من الصالحين ۝ وما يفعلوا من خير فلن

نیکیها وآن گروه ازجمله نیکوکارانند ۝ وآنچه کنید ازنیکی پس هرگز

يكفروه والله عليم بالمتقين ۝ ان الذين كفروا لن تغني عنهم

منع نكنند از شما ثواب آنرا و خدا داناست بحال پرهیزکاران براستی که آنها که کافر شدند بکار نیاید ازیشان

اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك اصحاب النار

مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان از عذاب خدا وآن گروه اصحاب آتش اند

هم فيها خالدون ۝ مثل ما ينفقون في هذه الحيوة الدنيا

ایشان درانجا همیشه باشند مثل آنچه نفقت میکنند درین زندگانی دنیا

كمثل ريح فيها صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم

همچون بادی است که دران بود بادی سخت که برسید بکشت زرع گروهی که ستم کرده باشند برتنهای خود

فاهلكته وما ظلمهم الله ولكن انفسهم يظلمون ۝

پس هلاک کند آنرا وستم نکند ایشانرا خدا ولیکن بودند برتنهای خود ستم میکردند

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانة من دونكم لا يألونكم

ای آنها که بگرویده اند فرا مگیرید دوستی خالص از غیر ملت شما تقصیر نمیکنند در حق شما

خبالا ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما

فساد در وآرزو کردند در مشقت افکندن شما بدرستی که روشن شد دشمنی از دهنهای ایشان وآنچه

تخفي صدورهم اكبر قد بينا لكم الايات ان كنتم

پنهان میکند سینهای ایشان بزرگترست بدرستی که روشن کردیم برای شما نشانهارا اگر هستید شما

تعقلون ۝ ها انتم اولاء تحبونهم ولا يحبونكم

درمی یابید آگه باشید شما این گروه دوست میدارید ایشانرا وایشان دوست نمیدارند شمارا

وتؤمنون بالكتاب كله واذا لقوكم قالوا امنا واذا

و بمیگروید بکتاب همه آن وچون برسند بشما گویند بگرویدیم ما وچون

خلوا عضوا عليكم الانامل من الغيظ قل موتوا بغيظكم

خالی شوند گزند بر شما سر انگشتانرا از خشم بگو بمیرید بسبب خشم خود

ان الله عليم بذات الصدور ۝ ان تمسسكم حسنة

بدرستی که خدا داناست بیراز سینها اگر برسد بشما نیکوئی

تسؤهم وان تصبكم سيئة يفرحوا بها وان

برنجاند ایشانرا واگر برسد بشما بدی شاد شوند بدان واگر

تصبروا وتتقوا لا يضركم كيدهم شيئا ان

صبر کنید و پرهیزید زیانی نتواند کرد شمارا کید ایشانرا چیزی بدرستی

الله بما يعملون محيط ۝ واذ غدوت من اهلك تبوئ

که خدا بدانچه ایشان میکنند داناست ویاد کن چون در بامداد فرود آوردی اهل خود را در حرب احد فرود آوردی

المؤمنين مقاعد للقتال والله سميع عليم ۝ اذ همت

مؤمنانرا در مواضع ایستادن برای کارزار وخدا شنواست ودانا چون قصد کردند

طائفتان منكم ان تفشلا والله وليهما وعلى الله

دو گروه از شما که بددلی نمایند وخدا دوست ایشانست وبر خدا

فليتوكل المؤمنون ۝ ولقد نصركم الله ببدر وانتم

باید که توکل کنند مؤمنان وبدرستی که یاری کرد شمارا خدا در روز بدر وشما

أذلة فاتقوا الله لعلكم تشكرون ۝ إذ تقول للمؤمنين
ضعیفان بودید در عدد پس بترسید از خدا تا بود که شما شکر کنید چون میگفتی مر مؤمنانرا

ألن يكفيكم أن يمدكم ربكم بثلثة آلاف من الملئكة
ای کفایت نیست شمارا که مدد کند شمارا پروردگار شما بسه هزار از فرشتگان

منزلين ۝ بلى إن تصبروا وتتقوا ويأتوكم من
فرود آمدگان آری اگر صبر کنید و پرهیز کنید شما و آیند بشما از

فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة آلاف من
گرما ساعت ایشان آن ساعت مدد کند شمارا پروردگار شما به پنج هزار از

الملئكة مسومين ۝ وما جعله الله إلا بشرى لكم
فرشتگان نشان کردگان و نگردانید آنرا خدا مگر بشارتی مر شمارا

ولتطمئن قلوبكم به وما النصر إلا من عند الله العزيز
و تا آرام گیرند دلهای شما بدان و نیست نصرت مگر از نزد خدای غالب

الحكيم ۝ ليقطع طرفا من الذين كفروا أو يكبتهم فينقلبوا
محکم کار تا ببرد گروهی را از آنها که کافر شدند یا ذلیل کند ایشانرا پس گردند

خائبين ۝ ليس لك من الأمر شيء أو يتوب عليهم أو يعذبهم
نومیدان نیست مر ترا از کار چیزی یا رحمت کند بر ایشان یا عذاب کند ایشانرا

فإنهم ظالمون ۝ ولله ما في السموات وما في الأرض يغفر
پس بدرستی که ایشان ستمکارانند و مر خدایراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست بیامرزد

لمن يشاء ويعذب من يشاء والله غفور رحيم ۝ يا أيها الذين
مر آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد و خدا آمرزگار مهربانست ای آنها

آمنوا لا تأكلوا الربوا أضعافا مضاعفة واتقوا الله لعلكم
که گرویده اید مخورید مال ربارا افزونی افزون کرده و بترسید از خدا تا بود که شما

تفلحون ۝ واتقوا النار التي أعدت للكافرين ۝ وأطيعوا
رستگاری یابید و بترسید از آتش آن آتشی که مهیا کرده اند برای کافران و فرمان برید

حزب الله والرسول لعلكم ترحمون ۝ وسارعوا إلى مغفرة
از خدا و رسول تا بود که شما رحمت کرده شوید و بشتابید بآمرزشی

من ربكم وجنة عرضها السموات والأرض أعدت
از پروردگار خود و بهشتی که پهنای آن چون آسمانها و زمین بود مهیا کرده

للمتقين ۝ الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين
برای پرهیزکاران آنها که نفقه میکنند در سختحالی و بدحالی و فرو خورندگان

الغيظ والعافين عن الناس والله يحب المحسنين ۝ والذين
خشم را و درگذرندگان از مردمانرا و خدا دوست دارد نیکوکارانرا و آنها

إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله
که چون کردند ناشایستی یا ستم کنند بر تنهای خود یاد کنند خدایرا

فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب إلا الله ولم يصروا
پس آمرزش خواستند مر گناهان خودرا و کیست که آمرزش خواهد گناهانرا مگر خدا و مصر نشوند

على ما فعلوا وهم يعلمون • اولئك جزاؤهم مغفرة من
بر آنچه کردند وایشان میدانند آن گروه پاداشت ایشان آمرزشی بود از
ربهم وجنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ونعم
پروردگار ایشان و بوستانهای که رود از زیر آن جویهاروان همیشه باشند در آنجا و نیکو بود
اجر العاملين • قد خلت من قبلكم سنن فسيروا في الارض
مزد کارکنندگان بدرستی که گذشتند پیش از شما گروهان پس بروید در زمین
فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين • هذا
پس بنگرید که چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان این قرآن
بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين • ولا تهنوا ولا
بیانی است مردمانرا و راه نمونی و پندی مر پرهیزکارانرا و سست مشوید
تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين • ان يمسسكم
و اندوه مخورید و شمایید افراشته تر اگر هستید شما مؤمنان اگر برسد بشما
قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلك الايام نداولها بين
خستگی پس بدرستی که برسید آن گروه کفار را خستگی مانند آن و آن روزها ظفر و غلبه میگردانیم آنرا میان
الناس وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم شهداء
مردمان و تا جدا بازکند خدا آنهارا که بگرویدند و فراگیرد از شما گواهانرا
والله لا يحب الظالمين • وليمحص الله الذين امنوا ويمحق الكافرين
و خدا دوست ندارد ستمکارانرا و تا خدا جدا بازکند آنهارا که بگرویدند و نیست گرداند کافرانرا

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا
یا که پنداشتید شما که در روید در بهشت و جدا بازنکند خدا آنهارا که جهاد کردند
منكم ويعلم الصابرين • ولقد كنتم تمنون الموت
از شما و نداند صابرانرا و بدرستی که بودید شما آرزو کردند مرگ را
من قبل ان تلقوه فقد رايتموه وانتم تنظرون • وما
از پیش اگر ترسید و ببینید آنرا پس بدرستی برسید و ببینید آنرا و شما می نگریستید و نیست
محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل
محمد مگر رسول بدرستی که گذشتند از پیش او رسولان ای پس اگر بمیرد یا کشته شود
انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله
برگردید شما برپاشنهای خود و هرکه برگردد برسر دو پاشنه خود پس زیانی نتواند کرد مر خدارا
شيئا وسيجزي الله الشاكرين • وما كان لنفس ان تموت
چیزی و زود پاداشت دهد خدا شکرکنندگانرا و نسزد مر هیچ که بمیرد
الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها
مگر بفرمان خدا نامه وقت بدید کرده و هرکه خواهد ثواب دنیارا بدهیم اورا از آن
ومن يرد ثواب الاخرة نؤته منها وسنجزي الشاكرين و
و هرکه خواهد ثواب آخرترا بدهیم اورا از آن و زود پاداشت دهیم شکرکنندگانرا
كاين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم في
و بسا از پیغمبران که کارزار کردند با او گروهان بسیار پس بددلی ننمودند مر آنچه برسید بایشان در

سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله يحب الصابرين

راه خدا و ضعیف حال نشدند و فروتنی ننمودند و خدا دوست دارد صابرانرا

وما كان قولهم إلا أن قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا وإسرافنا

و نبود گفتار ایشان مگر آنکه گفتند ای پروردگار ما بیامرز مارا گناهان ما و گزافکاری ما

في أمرنا وثبت أقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين

در کار ما و ثابت بدار قدمهای مارا و یاری ده مارا بر گروه کافران

٥ فآتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الآخرة والله يحب

پس بداد ایشانرا خدا ثواب دنیا و نیکویی ثواب آخرت و خدا دوست دارد

المحسنين يا أيها الذين آمنوا إن تطيعوا الذين كفروا

نیکوکارانرا ای آنها که بگرویدهاید اگر فرمان برید آنهارا که کافر شدند

يردوكم على أعقابكم فتنقلبوا خاسرين بل

برگردانند شمارا بر پاشنههای خود پس گردید زیانکاران بلکه

الله مولاكم وهو خير الناصرين سنلقي في

خدا یار و خداوند شما و او بهترین یاری کنندگان زود اندازیم ما در

قلوب الذين كفروا الرعب بما أشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا

دلهای آنها که کافر شدند ترس بدانچه انباز آوردند بخدا آنچه فرو نفرستاد بدان حجتی

ومأواهم النار وبئس مثوى الظالمين ولقد

و جایگاه ایشان آتش بود و بد مرجعیست جای ظالمان و بدرستی

صدقكم الله وعده إذ تحسونهم بإذنه حتى إذا فشلتم

که راست کرد شمارا خدا وعده خود چون میکشتید ایشانرا بفرمان او تا وقتیکه بد دل شدید شما

وتنازعتم في الأمر وعصيتم من بعد ما أراكم ما تحبون منكم

و خصومت کردید شما در فرمان و نافرمانی کردید شما از پس آنچه بنمود شمارا آنچه دوست میداشتید از شما

من يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم

کس هست که میخواهد دنیارا و از شما کس هست که میخواهد آخرت را پس برگردانید شمارا از ایشان

ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على

تا آزمایش نماید شمارا و بدرستی که درگذشت از شما و خدا خداوند فضلیست بر

المؤمنين إذ تصعدون ولا تلوون على أحد والرسول

مؤمنان چون دور در میرفتید شما برای گریختن در زمین و ملتفت نمیشدید بهیچ یکی و رسول

يدعوكم في أخراكم فأثابكم غما بغم لكيلا

میخواند شمارا در جماعت بازپسینان پس پاداش داد شمارا غمی بغمی تا

تحزنوا على ما فاتكم ولا ما أصابكم والله خبير بما

اندوهگین نشوید بر آنچه فوت شد از شما و نه آنچه برسید بشما و خدا آگاهست بآنچه

تعملون ثم أنزل عليكم من بعد الغم أمنة نعاسا

شما میکنید پس فرو فرستاد بر شما از پس غم ایمنی خوابی

يغشى طائفة منكم وطائفة قد أهمتهم أنفسهم يظنون

می آمد بگروهی از شما و گروهی که منافقان بودند اندوهگین کرده بود ایشانرا نفسهای ایشان گمان بردند

بالله غير الحق ظن الجاهلية يقولون هل لنا من الأمر من شيء قل
بخدا بجز حق همچون گمان بردن اهل جاهلیت میگویند ای هیچ هست مارا از فرمان هیچ چیزی بگو
إن الأمر كله لله يخفون في أنفسهم ما لا يبدون لك يقولون
بدرستی که فرمان همه آن مر خدا راست پنهان میکنند در تنهای خود آنچه آشکارا نکنند مر ترا میگویند
لو كان لنا من الأمر شيء ما قتلنا هاهنا قل لو كنتم في بيوتكم
اگر بودی مارا از کار و فرمان هیچ چیزی کشته نشدمانی اینجایگاه بگو اگر شما می بودید در خانهای خود
لبرز الذين كتب عليهم القتل إلى مضاجعهم وليبتلي الله
هرآینه بیرون آمدندی آنها که نوشته شد بریشان کارزار بکشتن بآن موضع که قتل ایشان مقدر شده بود و تا صورت آزمایش نماید خدا
ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم والله عليم
آنچه در سینهای شماست و تا پاک کند آنچه در دلهای شماست و خدا داناست
بذات الصدور • إن الذين تولوا منكم يوم التقى
باسرار سینهاست بدرستی که آنها برگشتند از شما در روز بهم رسیدن
الجمعان إنما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا ولقد
دو لشکر بدرستی که برگشتن داشت ایشان را دیو ببعضی آنچه اندوختند و بدرستی
عفا الله عنهم إن الله غفور حليم • يا أيها الذين آمنوا
که درگذشت خدا از ایشان بدرستی که خدا آمرزگار بردبار است ای آنها که بگرویده اید
لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا لإخوانهم إذا ضربوا في الأرض
مباشید همچون آنها که کافر شدند و گفتند مر برادران خود را چون برفتند در زمین

أو كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا وما قتلوا ليجعل
یا بودندی قاصدان دشمنان دین اگر بودندی نزدیک ما نمردندی و کشته نشدندی تا بکند
الله ذلك حسرة في قلوبهم والله يحيي ويميت والله بما
خدا آنرا سبب اندوهی در دلهای ایشان و خدا زنده کند و بمیراند و خدا بدانچه
تعملون بصير • ولئن قتلتم في سبيل الله أو متم
شما میکنید بیناست و هرآینه اگر کشته شوید شما در راه خدا یا بمیرید شما
لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون • ولئن متم
آمرزش از زشتی بود از خدا و رحمت او بهتر از آنچه جمع میکنند و هرآینه اگر بمیرید شما
أو قتلتم لإلى الله تحشرون • فبما رحمة من الله لنت
یا کشته شوید شما هرآینه باخدا است حشر شما پس بسبب رحمتی از خدا است که نرم خوی آمدی تو
لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك
بریشان و اگر بودی تو درشت خوی سخت دل هرآینه پراکنده شدندی از پیرامون تو
فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الأمر
پس درگذر از ایشان و آمرزش خواه مر ایشان را و مشورت کن با ایشان در کارها
فإذا عزمت فتوكل على الله إن الله يحب المتوكلين • إن
پس چون عزیمت جای کنی پس توکل کن بر خدا بدرستی که خدا دوست دارد توکل کنندگان را اگر
ينصركم الله فلا غالب لكم وإن يخذلكم فمن ذا الذي
یاری کند شمارا خدا پس غلبه کننده نیست مر شمارا و اگر خوار گرداند شمارا پس کیست آنکه

ينصركم من بعده وعلى الله فليتوكل المؤمنون ۝ وما كان
كه يارى كند شما را از پس آن و بر خدا بايد كه توكل كنند مؤمنان روا نبود
لنبي أن يغل ومن يغلل يأت بما غل يوم القيامة ثم
مر پيغمبرى را كه خيانت كند و هر كه خيانت كند بيايد بدانچه خيانت كرده بود در روز قيامت پس
توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ أفمن
تمام بدهند هر تنى را جزاء آنچه كرده بود و ايشان را ستم نكنند اى پس آنكه
اتبع رضوان الله كمن باء بسخط من الله ومأواه جهنم
پيروى كرد خشنودى خدا را همچون آنكس بود كه سزاوار گشته بود بخشم از خدا و جايگاه او دوزخ بود
وبئس المصير ۝ هم درجات عند الله والله بصير بما
و بد مرجعيست آن ايشان بمنزلت درجات اند نزد خدا و خدا بيناست بدانچه
يعملون ۝ لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم نصف
ايشان ميكنند بدرستيكه منت نهاد خدا بر مؤمنان چون برستاد در ميان ايشان
رسولا من أنفسهم يتلو عليهم آياته ويزكيهم
رسولى را از جنس ايشان تا خواند بر ايشان نشانهاى او را و تزكيه دهد ايشان را
ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل
و در آموزاند ايشان را كتاب و حكمت و اگرچه بودند از پيش
لفي ضلال مبين ۝ أولما أصابتكم مصيبة قد أصبتم
هر آينه در گمراهى روشن اى اگر برسيد بشما مصيبتى بدرستى كه برسيد شما

مثليها قلتم أنى هذا قل هو من عند أنفسكم إن الله
دو چندان آن گفتيد شما از كجا بود اين بگو اين از نزديك تنهاى شماست بدرستى كه خدا
على كل شيء قدير ۝ وما أصابكم يوم التقى الجمعان
بر همه چيزى تواناست و آنچه برسيد بشما اندر روز هم رسيدن دو لشكر
فبإذن الله وليعلم المؤمنين وليعلم الذين نافقوا
پس بخواست خداى بود و تا جدا باز كند مؤمنان را و تا جدا باز كند آنها را كه نفاق ورزيدند
وقيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله أو ادفعوا قالوا
و گفته شد مر ايشان را بيائيد كارزار كنيد در راه خدا يا دفع كنيد خصمان را از خود گفتند
لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم للكفر يومئذ
اگر دانستيمى كارزار را هر آينه پيروى كردمانى شما را ايشان بكفر آن روز
أقرب منهم للإيمان يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم
نزديكتر بودند از ايشان بايمان ميگويند بدهنهاى خود آنچه نيست در دلهاى ايشان
والله أعلم بما يكتمون ۝ الذين قالوا لإخوانهم وقعدوا
و خدا داناتر بدانچه باز مى پوشانيد آنها كه گفتند برادران خود را و حال آنكه قاعد شده از قتال
لو أطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن أنفسكم الموت إن كنتم
اگر فرمان بردندى ما را كشته نشدندى بگو پس باز داريد از تنهاى خود مرگ را اگر هستيد شما
صادقين ۝ ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا
راست گويان و مپندار آنها را كه كشته شدند در راه خدا مردگان

بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما اتيهم الله من فضله
بلکه زندگانند نزد پروردگار خود روزی میخورند شادانند بدانچه بداد ایشانرا خدا از فضل خود
ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف
و شاد میشوند بآنها که نرسیده اند بدیشان از پس ایشان آنکه هیچ ترسی نبود
عليهم ولا هم يحزنون يستبشرون بنعمة من الله
بریشان و نه ایشان اندوهگین باشند شادانند بنعمتی از خدا
وفضل وان الله لا يضيع اجر المؤمنين الذين استجابوا لله
و فضلی ازو و آنکه خدا ضایع نکند مزد مومنانرا آنها که پاسخ کردند مر خدارا
والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذين احسنوا منهم
و پیغمبررا از پس آنچه برسید بدیشان خستگی مر آنهارا که نیکوئی کردند از ایشان
واتقوا اجر عظيم الذين قال لهم الناس ان الناس
و پرهیز کردند مزدی بزرگ بود آنها که گفتند مر ایشانرا مردمان بدرستی که مردمان مشرک
قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا
بدرستی که جمع شده اند مر شمارا پس بترسید از ایشان پس بیفزود ایشانرا یقینی و گفتند
حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله
بسنده است مارا خدا و نیکو کارسازیست پس بازگشتند بنعمتی از خدا
وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل
و فضلی که نرسید بدیشان بدی و پیروی کردند خشنودی خدارا و خدا خداوند فضلی

عظيم انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون
بزرگست بدرستی که آن آن دیوست می ترساند دوستان خودرا پس مترسید از ایشان و بترسید از من
ان كنتم مؤمنين ولا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم
اگر هستید شما مومنان و اندوهگین مکناد ترا آنها که میشتابند در کفر بدرستی که ایشان
لن يضروا الله شيئا يريد الله الا يجعل لهم حظا في الاخرة و
زیانی نتوانند کرد خدارا چیزی میخواهد خدا که بدید نکند مر ایشانرا بهره در آخرت
لهم عذاب عظيم ان الذين اشتروا الكفر بالايمان لن يضروا
و مر ایشانرا بود عذابی بزرگ بدرستی که آنها که واخریدند کفررا بدل ایمان هرگز زیانی نتوانند کرد
الله شيئا ولهم عذاب اليم ولا يحسبن الذين كفروا انما
خدارا چیزی و مر ایشانرا بود عذابی دردناک و مپندارند آنها که کافر شدند که ما
نملي لهم خير لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم
مهلت میدهیم مر ایشانرا بهترست مر تنهای ایشانرا بدرستی که ما مهلت میدهیم ایشانرا تا بیفزایند گناه و مر ایشانرا
عذاب مهين ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم
عذابی خوار کننده نخواست خدا تا بگذارد مومنانرا بر آنچه شما
عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما كان الله ليطلعكم
بر آنید تا جدا باز کند پلیدرا از پاک و خدا مطلع کرداننده شمارا
على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء فامنوا
بر غیب و لیکن خدا برگزیند از پیغمبران خود آنرا که خواهد پس بگروید

بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم اجر عظيم ولا يحسبن

بخدا و رسولان او و اگر بگروید و بپرهیزید پس مر شما را بود مزدی بزرگ و مپندارند

الذين يبخلون بما آتاهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر

آنها که بخیلی میکنند بدانچه عطا داد ایشانرا خدا از فضل خود که آن بهتر بود مرایشانرا بلکه آن بتر است

لهم سيطوقون ما بخلوا به يوم القيمة ولله ميراث

مرایشانرا زود طوق کردن ایشان کنند بدانچه بخیلی کردند بدان در روز قیامت و مر خدایرا میراث

السموات والارض والله بما تعملون خبير لقد سمع الله قول

آسمانها و زمین و خدا بدانچه شما میکنید آگاهست بدرستی که شنود خدا گفتار

الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم

آنها که گفتند که خدا درویش است و ما توانگریم زود باز نویسیم آنچه گفتند و کشتن ایشان

الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ذلك بما قدمت

پیغمبرانرا بناحق و گوییم ایشانرا در چشید عذاب آتش سوزانرا آن بسبب آنچه پیش کرد

ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد الذين قالوا ان الله

دستهای شما و آنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگانرا آنها که گفتند که خدا

عهد الينا الا نؤمن لرسول حتى يأتينا بقربان تأكله

عهد بست با ما که براست ندانیم هیچ رسولیرا تا آورد بما قربانی را که خورد اورا

النار قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم

آتش بگو بدرستی که آمدند بشما رسولان پیش از من بمعجزات و بدانچه شما گفتید

فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين فان كذبوك فقد

پس چرا میکشتید ایشانرا اگر هستید شما راست گویان پس اگر بدروغ دارند ترا پس بدرستی

كذب رسل من قبلك جاءوا بالبينات والزبر والكتاب

که بدروغ داشتند رسولانرا که پیش از تو بودند آمدند بحجتها و بکتابها و بکتاب

المنير كل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجوركم

روشن هر تنی چشنده مرگست و بدرستی که تمام بدهند مزدهای شما را

يوم القيمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز

در روز قیامت پس هر که دور کرده شود از آتش و در آورده شود در بهشت پس رستگاری یافت

وما الحيوة الدنيا الا متاع الغرور لتبلون في اموالكم

و نیست زندگانی دنیا مگر برخورداری فریفت هر اینه بیازمایند شمارا در مالهای شما

وانفسكم ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم

و تنهای شما و هر اینه بشنوید شما از آنها که داده شد ایشانرا کتاب پیش از شما

ومن الذين اشركوا اذى كثيرا وان تصبروا وتتقوا

و از آنها که انباز آوردند رنجی بسیار و اگر صبر کنید و بپرهیزید

فان ذلك من عزم الامور واذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا

پس آن از کارهای قویست و یاد کن چون فرا گرفت خدا عهد را از آنها که داده شد

الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه فنبذوه وراء

ایشانرا کتاب تا روشن کنید آنرا برای مردمان و باز نپوشانید آنرا پس افکندند آنرا واپس

ظهورهم واشتروا به ثمنا قليلا فبئس ما يشترون ۝ لا تحسبن
پشتهای خود و فراگرفتند بدان بهای اندک پس بدست که خریدند آنرا مپندار
الذين يفرحون بما أتوا ويحبون أن يحمدوا بما لم يفعلوا
آنهارا که شاد شوند بدانچه بدادند ایشانرا و دوست داشتند که بستایش ایشان کنند بدانچه نکردند
فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب أليم ۝
پس مپندار ایشانرا رستگار از عذاب و مر ایشانرا بود عذابی دردناک
ولله ملك السموات والأرض والله على كل شيء قدير ۝
و مر خدایرا پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیزی تواناست
إن في خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار
براستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در اختلاف شب و روز
لآيات لأولي الألباب ۝ الذين يذكرون الله قياما وقعودا
نشانهاست خردمندان خرد دارا آنها که یاد میکنند خدارا در حال ایستاده و در حال نشسته
وعلى جنوبهم ويتفكرون في خلق السموات والأرض
و بر پهلوها خسبیده و اندیشه کنند در آفرینش آسمانها و زمین گویند
ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك فقنا عذاب النار
ای پروردگار ما نیافریدی تو این را باطل پاک منزهی تو پس بازدار از ما عذاب آتش را
ربنا إنك من تدخل النار فقد أخزيته وما للظالمين من
ای پروردگار ما براستی که تو آنکه در آوری او را در آتش پس رسوا کرداننده باشی اورا و نبود مر ستمکاران را ناصر

أنصار ۝ ربنا إننا سمعنا مناديا ينادي للإيمان أن آمنوا
یاری کننده ای پروردگار ما براستی که شنیدیم خواننده را که میخواند بایمان که بگروید
بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا
بپروردگار خود پس بگرویدیم ای پروردگار ما پس بیامرز مارا گناهان ما و بازپوشان از ما بدیهای مارا
وتوفنا مع الأبرار ۝ ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك
و بمیران مارا با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده مارا آنچه وعده میدی مارا بر زبان پیغمبران خود
ولا تخزنا يوم القيامة إنك لا تخلف الميعاد ۝ فاستجاب
و رسوا مکن مارا در روز قیامت براستی که تو خلاف نکنی وعده را پس اجابت داد
لهم ربهم أني لا أضيع عمل عامل منكم من ذكر أو أنثى
مر ایشانرا پروردگار ایشان که من ضایع نکنم کار هیچ کارکننده از شما از نرینه یا مادینه
بعضكم من بعض فالذين هاجروا وأخرجوا من ديارهم
بعضی شمارا از بعضی پس آنها که هجرت کردند و بیرون کردند ایشانرا از سراهای ایشان
وأوذوا في سبيلي وقاتلوا وقتلوا لأكفرن عنهم سيئاتهم
و رنجانیده شدند در راه من و کارزار کردند و کشته شدند هرآینه بازپوشانم از ایشان بدیهای ایشانرا
ولأدخلنهم جنات تجري من تحتها الأنهار ثوابا من
و هرآینه درآورم ایشانرا در بستانهایی که رود از زیر درختها آن جویها روان پاداشتی از
عند الله والله عنده حسن الثواب ۝ لا يغرنك تقلب الذين كفروا
نزد خدا و خدا نزدیک اوست نیکوئی پاداش مغرور نکند ترا گردیدن آنها که کافر شدند

في البلاد متاع قليل ثم ماويهم جهنم وبئس المهاد
در شهرها این برخورداری دنیا اندکست پس جایگاه ایشان دوزخ بود وبد مرجعیست آن
لكن الذين اتقوا ربهم لهم جنات تجري من تحتها الانهار
لیکن آنها که بپرهیزید از محارم پروردگار خود مر ایشان را بود بستانهای که رود از زیر آن جویها روان
خالدين فيها نزلا من عند الله وما عند الله خير للابرار
همیشه باشند در آنجا معدی از نزد خدا وآنچه نزد خداست بهتر مر نیکوکاران را
وان من اهل الكتاب لمن يؤمن بالله وما انزل اليكم وما
وبدرستی که از اهل کتاب مر ایه کسیست که بگرود بخدا وبدانچه فرو فرستاده شد بشما وبدانچه
انزل اليهم خاشعين لله لا يشترون بايات الله ثمنا قليلا
فرو فرستاده شد بدیشان خاضعانند مر خدا را فرا نگیرند بنشانهای خدا بهای اندک را
اولئك لهم اجرهم عند ربهم ان الله سريع الحساب
آن گروه مر ایشان را بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان بدرستی که خدا زود شمارست
يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم
ای آنها که بگرویدید صبر نمایید بر تکالیف شرعیه وغلبه نمایید بر کفار ومحافظت ثغور بر رباط خیل وبترسید از خدا تا بود که شما
تفلحون
رستگاری یابید

سورة النساء مائة وست وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

حزب

يا ايها الناس اتقوا ربكم الذي خلقكم من نفس واحدة
ای مردمان بترسید از پروردگار خود آن خدایی که آفرید شما را از یک تن که آدمست
وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء
وآفرید ازان تن زن اورا وبپراکند ازان دو مردان بسیار را وزنان را
واتقوا الله الذي تساءلون به والارحام ان الله كان عليكم
وبترسید از خدا آن خدایی که درمیخواهید ازو وبترسید از قطع رحمها بدرستی که خدا هست بر شما
رقيبا واتوا اليتامى اموالهم ولا تتبدلوا الخبيث بالطيب
نگهبان وبدهید یتیمان را مالهای ایشان وبدل مکنید پلید را بپاک
ولا تاكلوا اموالهم الى اموالكم انه كان حوبا كبيرا
ومخورید مالهای ایشان را بامالهای شما بدرستی که آن هست گناهی بزرگ
وان خفتم الا تقسطوا في اليتامى فانكحوا ما طاب لكم من النساء
واگر بترسید شما که عدالت نتوانید کرد در حق یتیمان پس بنکاح در آورید آنچه خوش آید مر شما را از زنان
مثنى وثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما
دو دو وسه سه وچهار چهار پس اگر بترسید شما که عدالت نگاه نتوانید پس یکی بخواهید
ملكت ايمانكم ذلك ادنى الا تعولوا واتوا النساء صدقاتهن
قادر باشید دستهای شما آن نزدیکتر تا میل جور نکنید وبدهید زنان را مهرهای ایشان
نحلة فان طبن لكم عن شيء منه نفسا فكلوه هنيئا
عطایی از خدا پس اگر ببخشند مر شما را چیزی ازان مهر از روی نفس پس بخورید آنرا گوارنده

مريئا ۝ ولا تؤتوا السفهاء اموالكم التي جعل الله لكم

ونمدهید بیخردانرا مالهای شما آن مالی که کرداینده خدا مرشمارا ٥

قياما وارزقوهم فيها واكسوهم وقولوا لهم قولا

سبب زیستنی وخورش دهید ایشانرا در آن وکسوه پوشانید ایشانرا وبگوئید مرایشانرا گفتاری

معروفا ۝ وابتلوا اليتامى حتى اذا بلغوا النكاح فان

نیکو وبیازمائید یتیمانرا تا چون برسند بحد بلوغ پس اگر

آنستم منهم رشدا فادفعوا اليهم اموالهم ولا تاكلوها

ببینید شما از ایشان صوابی پس بپایید بدیشان مالهای ایشانرا ومخورید آنرا

اسرافا وبدارا ان يكبروا ومن كان غنيا فليستعفف

باسراف وشتاب نماینده که بزرگ شوند وهرکه باشد توانگر پس باید که پرهیزکاری نماید

ومن كان فقيرا فلياكل بالمعروف فاذا دفعتم

وهرکه باشد درویش پس باید که بخورد بنیکوئی پس چون دهید شما

اليهم اموالهم فاشهدوا عليهم ۝ وكفى

بدیشان مالهای ایشانرا پس گواه برگیرید بر ایشان

عليهم وكفى بالله حسيبا ۝ للرجال نصيب مما ترك

وبسنده است خدا حساب کننده ٤ مردانرا بود بهره ازآنچه بگذاشته باشند

الوالدان والاقربون وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون

مادر وپدر وخویشاوندان

وللنساء نصيب مما ترك الوالدان والاقربون مما قل منه او

ومرزنانرا بهره بود ازآنچه بگذاشته باشند مادر وپدر وخویشاوندان ازانچه کم است ازان یا

كثر نصيبا مفروضا ۝ واذا حضر القسمة اولوا القربى

بیشتر بهره بازبریده وچون حاضر آیند درقسمت ترکه خداوندان خویشی

واليتامى والمساكين فارزقوهم منه وقولوا لهم قولا

ویتیمان وبیچارگان پس روزی دهید ایشانرا ازان وبگوئید مرایشانرا گفتاری

معروفا ۝ وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية

نیکو وبایدکه بترسند آنها کداگر بگذارند از پس ایشان فرزندانی

ضعافا خافوا عليهم فليتقوا الله وليقولوا قولا سديدا ۝

ضعیف را ترسند بر ایشان پس باید که بترسند از خدا وباید که بگویند گفتاری باصواب

ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلما انما ياكلون في

بدرستی که آنها که میخورند مالهای یتیمانرا بظلم بدرستی که میخورند در

بطونهم نارا وسيصلون سعيرا ۝ يوصيكم الله في

شکمهای خود آتش را وزود در روند در آتش افروخته میفرماید شمارا خدا درحق

اولادكم للذكر مثل حظ الانثيين فان كن نساء

فرزندان شما مرنرینه را بود مانند بهره دوماده پس اگر باشند زنان

فوق اثنتين فلهن ثلثا ما ترك وان كانت واحدة

بالای دو پس مرایشانرا بود چهاردانگ آنچه بگذاشته میت واگر باشد یکی

فلها النصف ولأبويه لكل واحد منهما السدس مما ترك
پس مر او را بود نیمه و مر مادر و پدر او را بود مر هر یکی را بود از ایشان شش یک از آنچه بگذاشته بود میت
إن كان له ولد فإن لم يكن له ولد وورثه أبواه فلأمه
اگر باشد مر او را فرزندی پس اگر نباشد مر او را فرزندی و میراث برند ازو پدر و مادر او پس مر مادر او را
الثلث فإن كان له إخوة فلأمه السدس من بعد وصية
سه یک مال پس اگر باشد مر او را خواهری پس مادر او را بود شش یک از پس فرموده
يوصي بها أو دين آباؤكم وأبناؤكم لا تدرون
که فرموده شده بدان یا دینی پدران شما و پسران شما نمیدانند که میراث یابند
أيهم أقرب لكم نفعا فريضة من الله إن الله كان
که کدامین از ایشان نزدیکترست مر شما را به سودی فریضه از خدا به راستی که خدا هست
عليما حكيما ۝ ولكم نصف ما ترك أزواجكم إن
دانای محکم کار و مر شما را بود نیمه آنچه بگذاشته بود میت جفتان شما اگر
لم يكن لهن ولد فإن كان لهن ولد فلكم الربع
نباشد مر ایشان را فرزندی پس اگر باشد مر ایشان را فرزندی پس مر شما را بود چهار یک
مما تركن من بعد وصية يوصين بها أو دين ولهن
از آنچه بگذاشته باشند از پس فرموده که فرموده بدان یا وامی و مر ایشان را بود
الربع مما تركتم إن لم يكن لكم ولد فإن كان لكم ولد
چهار یک از آنچه بگذاشته باشید شما اگر نباشد مر شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی

فلهن الثمن مما تركتم من بعد وصية توصون بها
پس مر ایشان را بود هشت یک از آنچه بگذاشته باشید شما از پس فرموده که فرموده باشند بدان
أو دين وإن كان رجل يورث كلالة أو امرأة وله
یا وامی و اگر باشد مردی که میراث برند آنکه او را فرزند و پدر نبود یا زنی و مر او را بود
أخ أو أخت فلكل واحد منهما السدس فإن كانوا أكثر
برادری یا خواهری پس مر هر یکی را بود از آن هر دو شش یک پس اگر باشند بیشتر
من ذلك فهم شركاء في الثلث من بعد وصية يوصى
از آن پس ایشان انبازانند در ثلث مال علی السویه از پس فرموده که فرموده شد
بها أو دين غير مضار وصية من الله والله عليم حليم ۝
بدان یا وامی نه زیان رساننده فرموده از نزد خدا و خدا داناست و بردبار
تلك حدود الله ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري
آن مواضع امر و نهی خداست و هر که فرمان برد خدا را و رسول او را در آورد او را در بوستانهایی که رود
من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك الفوز
از زیر درختهای آن جویها روان همیشه باشند در آنجا و آن است رستگاری
العظيم ۝ ومن يعص الله ورسوله ويتعد حدوده يدخله نارا
بزرگ و هر که نافرمانی کند خدا را و رسول او را و در گذرد از حدهای او در آورد او را آتش
خالدا فيها وله عذاب مهين ۝ واللاتي يأتين الفاحشة
همیشه بود در آن و مر او را بود عذابی خوار کننده و آن زنانی که آیند بناشایست

مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ

از زنان شما پس گواه برگیرید بر ایشان چهار گواه از شما پس اگر

شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ

گواهی دهند پس نگاه دارید ایشانرا در خانها تا آنگاه که جان بستاند ایشانرا مرگ

أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ۝ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِهَا مِنْكُمْ

یا بدیلاکند خدا مر ایشانرا راهی وآن دو مرد که آیند بکارهای بد از شما

فَآذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ

پس برنجانید ایشانرا پس اگر باز آیند وکار باصلاح آورند پس برگردید از ایشان بدرستی که خدا هست

تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ

توبه پذیرنده مهربان بدرستی که قبول توبه بر خداست مر آنهارا که کردند بدی بنادانی

ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ

پس باز آمدند از نزدیکی پس آن گروه سهل کند خدا بر ایشان وهست خدا

عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ

دانای محکم کار ونیست قبول توبه مر آنهارا که کردند بدیهارا

حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ

تا چون حاضر آید یکی از ایشان اسباب مرگ گوید که من توبه کردم اکنون ونه آنهارا

يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

که میرند وایشان کافر بودند آن گروه بیچاردیم ما برای ایشان عذابی دردناک

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا

ای آنها که بگرویده اید حلال نیست مر شمارا که بمیراث گیرید زنانرا بکراهت

وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ

ونگذارند مرسانید ایشانرا تا ببرید بعض آنچه بداده اید ایشانرا مگر که آیند

بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ

بناشایستی روشن وزندگانی کنید با ایشان بنیکویی پس اگر

كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ

نخواهید ایشانرا پس شاید بود که بکراهیت دارند چیزی را وبکند خدا در آن

خَيْرًا كَثِيرًا ۝ وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ

خیری بسیار واگر خواهید شما بدل کردن زنی بجایگاه

زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ

زنی وبداده باشید ایشانرا یکی از ایشانرا مهری پس فرا مگیرید از آن

شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝ وَكَيْفَ

چیزی ای فرا میگیرید آنرا بتزویر وبزه روشن وچگونه

تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ

فرا میگیرید آنرا وبدرستی که رسیده اند بعضی شما ببعضی کنایتست از مضاجعت وفرا گرفته باشند آن زنان

مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ

از شما عهدی از سخت قوی ومتوانید خواست آنچه خواسته باشند پدران شما

مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ
از زنان مگر آنچه از پیش گذشت بدرستی که آن هست ناشایستی و بزه و بد

سَبِيلًا ۝ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَ
راهی حرام کرده شد بر شما که بخواهید مادران شما و دختران شما

أَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
و خواهران شما و عمهای شما و خالهای شما و دختران

الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ
برادر و دختران خواهر و مادران شما آن زنانی که شیر داده باشند شما را

وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ
و خواهرانی که با هم شیر خورده باشید شما و مادران زنان شما و دختران زنان شما

اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ
آن زنانی که در خانهای شمااند از زنان شما آن زنانی که دخول کرده باشید

بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ
بدیشان پس اگر دخول نکرده باشید شما بدیشان پس بزه نبود بر شما

حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ
و زنان پسران شما آنها که از صلبهای شمااند و آنک جمع آرید میان

الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا
دو خواهر مگر که یکی پیشتر مرده باشد بدرستی که خدا آمرزنده و مهربانست

الجزو ٥

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ
و زنان آزاد که در صدد عفت باشند از زنان مگر آنچه قادر باشند دستهای شما نوشت

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا
خدا بر شما و حلال کرد در شما را آنچه جز آنست آنان آنست که بجوئید

بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ
مالهای خویش را زن کننده‌گان نه زناکننده‌گان پس آنچه استمتاع کردید شما بدان از ایشان

فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ
پس بدهید ایشان را مهرهای ایشان حال آنکه واجبست و بزه نبود بر شما در آنچه راضی شوید شما بدان

مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ
از پس تعیین مهر بدرستی که خدا هست دانای محکم کار و هر که توانائی ندارد

مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ
از شما فزونی در مال که بخواهد زنان آزاد مؤمنه را پس از آنچه قادر باشند

أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ
دستهای شما از کنیزکان شما مؤمنه و خدا داناست بایمان شما

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ
بعضی شما را از بعضی پس بخواهید ایشان را بفرمان خواجه ایشان و بدهید ایشان را

أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ
مهرهای ایشان را بنیکوئی زن کننده‌گان نه زناکننده‌گان و نه فراگیرنده‌گان

أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ
دوستان نهانی پس چون پاک کردند پس اگر آیند بناشایستی پس بر ایشان بود نیمهٔ
مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ
آنچه بر زنان آزاد بود از عذاب آن مر آن را که ترسید از زنا از شما و اگر
تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ
صبر کنید بهتر بود مر شما را و خدا آمرزگار مهربانست میخواهد خدا تا روشن کند مر شما را
وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ
و راه نماید شما را طریقهای آنها که پیش از شما بودند و سهل کند بر شما و خدا
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ
دانای محکم کارست و خدا میخواهد که سهل کند بر شما و میخواهند آنها
يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ۝ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ
که پیروی کردند آرزوها را که میل کنید میلی بزرگ میخواهد خدا که
يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
سبک کند از شما و آفریده شده است آدمی ضعیف ناصبر ای آنها
آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
که بگرویده اید مخورید مالهای خود را میان یکدیگر بباطل مگر آنکه باشد
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ
بازرگانی از سر خشنودی و مکشید تنهای یکدیگر را بدرستی

اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا
که خدا هست بشما مهربان و هر که بکند آن از سر دشمنی و ستم
فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ إِنْ
پس زود در آوریم او را در آتش و هست آن بر خدا آسان اگر
تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
دوری گزینید از گناهان بزرگ آنچه نهی کرده شده اید از آن باز پوشانیم از شما بدیهای شما را
وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ۝ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ
و در آوریم شما را در رحمت خود در آوردنی نیکو و آرزو مکنید آنچه افزونی نهاد خدا
بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا
بدان بعضی از شما را بر بعضی مردان را بود بهره از آنچه اندوخته باشند
وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ
و زنان را بود بهره از آنچه اندوخته باشند و در خواهید از خدا از فضل او
إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ
بدرستی که خدا هست بهمه چیزی دانا و مر هر گروی را گردانیدیم ما وارثان
مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ
از آن مال
از آنچه بگذاشته باشند مادر و پدر و خویشاوندان و آنها که عقد بست با ایشان دستهای شما
فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
پس بدهید ایشانرا بهرهٔ ایشان بدرستی که خدا هست بر همه چیزی گواه و حاضر

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما

مردان نگاهبان ایستادگان‌اند بر زنان بدانچه افزونی نهاد خدا بعضی ایشان را بر بعضی و بدانچه

انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما

نفقت کردند از مالها خود پس زنان نیک مطیع شوهران خود اند نگهدارنده عورتها خود را در حالت غیبت ایشان

حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن

بدانچه نگهداشت خدا و آن زنانی که ترسانید نافرمانی ایشان را پس پند دهید ایشان را و دوری گزینید از ایشان

في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن

در خوابگاهها و بزنید ایشان را پس اگر فرمان برند پس مجوئید بر ایشان

سبيلا ان الله كان عليا كبيرا • وان خفتم شقاق

راهی به درستی که خدا هست برتر بزرگوار و اگر دانید شما خلاف

بينهما فابعثوا حكما من اهله وحكما من اهلها

در میان ایشان پس برانگیزید حاکمی متوسط از اهل مرد و حاکمی از اهل آن زن

ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان عليما

اگر خواهند کار به صلاح آوردن ناموافقت بدید آورد خدا میان ایشان به درستی که خدا هست دانا

خبيرا • واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين

آگاه و بپرستید خدا را و انباز فرا مدارید بدو چیزی و با مادر و پدر خود

احسانا وبذي القربى واليتامى والمساكين والجار

نیکوئی کنید و با خداوندان خویشی و یتیمان و بیچارگان و با همسایه

ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل

نزدیک و با همسایه دور و با یار و مصاحب و با راهگذریان

وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب من كان مختالا

و آنچه قادر باشند دستهای شما به درستی که خدا دوست ندارد آنرا که باشد خرامنده

فخورا • الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل ويكتمون

نازنده آنها که بخیلی میکنند و میفرمایند مردمان را به بخیلی و بازمی‌پوشانند

ما آتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين عذابا مهينا

آنچه بداد ایشان را خدا از فضل خود و بسیجیدیم برای کافران عذابی خوار کننده

والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا

و آنها که نفقت میکنند مالهای خود را به روی و ریا مردمان و نمی‌گروند به خدا و نه

باليوم الآخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا •

بروز آخرت و هر که باشد دیو او را یار همنشین پس بد است یار

وماذا عليهم لو آمنوا بالله واليوم الآخر وانفقوا مما رزقهم

وچه زیان بودی بر ایشان اگر بگرویدندی به خدا و به روز آخرت و نفقت کردندی از آنچه روزی کرد ایشان را

الله وكان الله بهم عليما • ان الله لا يظلم مثقال ذرة

خدا و هست خدا بدیشان دانا به درستی که خدا ستم نکند هم سنگ مورچه

وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا عظيما

و اگر باشد هم سنگ مثقال ذره نیکوئی دو چندان گرداند آنرا و بدهد از نزدیک خود مزدی بزرگ

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

پس چگونه بود حال ایشان چون آوریم از گروهی گواهی را و آوریم ما ترا بر این گروه گواه

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ

آن روز آرزو کنند آنها که کافر شدند و نافرمانی کنند رسول را کاشکی راست کردندی بدیشان زمین را

وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا

و باز نتوانند پوشید خدا را سخنی ای آنها که گرویدید فراز مکنید

الصَّلَاةَ وَأَنتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا

بنماز و شما مستان باشید تا دانید آنچه میگویید و نه در حالت جنابت

إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِن كُنتُم مَّرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ

مگر گذرنده راه باشید تا غسل کنید و اگر باشید شما بیمار یا بر سفر

أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا

یا آید یکی از شما بقضاء حاجتی یا بسایید شما زنان نامحرم را پس نیابید

مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ

آب را پس تیمم کنید بخاکی پاک پس مسح کنید بروبهای خود و دستهای خود بدرستی

اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا • أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ

که خدا هست درگذرنده آمرزگار ای ننگریستی بدانها که بدادیشان بهره از

الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ

کتاب میخرند گمراهی را و میخواهند که گمراه کنید راه را

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ

و خدا داناترست بدشمنان شما و بس است خدا دوست و بس است خدا

نَصِيرًا • مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَ

یاری کردن از آنها بگردانند سخن را از جایگاه آن

يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا

و میگویند شنیدیم ما و فرمان برداشتیم و بشنو جز آنکه ناشنوده بود و مراقب ما باش بپیچانیدن

بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا

زبانهای خود و طعنه زدن در دین و اگر آنکه ایشان گفتندی شنیدیم و فرمان بردیم

وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ

و بشنو و بنگر بما هر آینه بودی بهتر مرایشان را و راست تر و لیکن لعنت کرد ایشان را

اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا

خدا بسبب کفر ایشان پس نگروند مگر اندکی ای آنها که داده شد

الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن

کتاب بگروید بدانچه فرو فرستادیم ما براست دارنده آنچه با شماست از پیش آنکه

نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا

محو کردانیم روبها را پس بازگردانیم آنرا بر قفاهای آن یا لعنت کنیم ایشانرا چنانکه

لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا • إِنَّ اللَّهَ

لعنت کردیم ما اصحاب شنبه را و هست فرمان خدا کرده شده بدرستی که خدا

لا يغفر أن يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك
نیامرزد آنرا که انباز آوارد بدو و بیامرزد آنچه جز آنست مرآنرا که خواهد و هرکه انباز آورد
بالله فقد افترى إثما عظيما ● ألم تر إلى الذين يزكون
بخدا پس بستی که بر بافته بود بزه بزرگ ای ننگرستی بدانها که تزکیه
أنفسهم بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون فتيلا ● انظر
تنهای خود کردند بلکه خدا پاک کرد آنرا که خواهد و ستم کرده نشوند مقدار کوابستهٔ خرما بنگر
كيف يفترون على الله الكذب وكفى به إثما مبينا
که چگونه بر می بافند بر خدا دروغ را و بس است آن بزه روشن
ألم تر إلى الذين أوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت
ای ننگرستی بدانها که بداده شد ایشانرا بهره از کتاب می گروند به بتان جبت
والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء أهدى من
وطاغوت و میگویند مرآنها را که کافر شدند این گروه راه یافته ترند از
الذين آمنوا سبيلا ● أولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله
آنها که بگرویدند براه آن گروه آنانند که لعنت کرد ایشانرا خدا و هرکه لعنت کند اورا خدای
فلن تجد له نصيرا ● أم لهم نصيب من الملك فإذا لا يؤتون
پس هرگز نیابی او را یاری کننده یا مرایشانراست بهره از پادشاهی پس آنگه بندادندی
الناس نقيرا ● أم يحسدون الناس على ما آتاهم الله من فضله
مردمانرا مقدار کوابسته خرما یا حسد می برند مردمانرا بر آنچه بداد ایشانرا خدا از فضل خود

فقد آتينا آل إبراهيم الكتاب والحكمة وآتيناهم ملكا
پس بدرستی که بدادیم ما یوسف و داود و سلیمانرا کتاب و حکمت و بدادیم ما ایشانرا پادشاهی
عظيما ● فمنهم من آمن به ومنهم من صد عنه وكفى
بزرگ پس از ایشان کس هست که بگروید بدان و از ایشان کس هست که برگشت ازان و بس است
بجهنم سعيرا ● إن الذين كفروا بآياتنا سوف نصليهم
دوزخ با آتش افروخته بدرستی که آنها که کافر شدند بنشانهای ما زود درآوریم ما ایشانرا
حزب
نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها
در آتش هرگاه که سوخته و پخته شود پوستهای ایشانرا بدل کنیم ما ایشانرا پوستهای جز آن
ليذوقوا العذاب إن الله كان عزيزا حكيما ● والذين
تا درچشند عذاب را بدرستی که خداست غالب محکم کار و آنها که
آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من
بگرویدند و کارهای نیکو کردند زود درآوریم ما ایشانرا در بستانهای که رود از
تحتها الأنهار خالدين فيها أبدا لهم فيها أزواج مطهرة
زیر درختهای آن جویها روان جاوید باشند درآنجا همیشه مر ایشانرا بود درآنجا همجفتان پاکیزه
وندخلهم ظلا ظليلا ● إن الله يأمركم أن تؤدوا الأمانات
و درآوریم ایشانرا در سایهٔ بکشیده بدرستی که خدا میفرماید شمارا که بازدهید امانتهارا
إلى أهلها وإذا حكمتم بين الناس أن تحكموا بالعدل
با اهل آن و چون حکم کنید شما میان مردمان حکم کنید بعدالت

إن الله نعما يعظكم به إن الله كان سميعا بصيرا •
بدرستی که خدا نیکو پند میدهد شمارا بدان بدرستی که خدا هست شنوای بینا
يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم
ای آنها که بگرویده اید فرمان برید خدای را و فرمان برید پیغمبر را و خداوندان فرمان را از شما
فإن تنازعتم في شيء فردوه إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون
پس اگر خلاف کنید شمارا در چیزی پس بازگردانید آنرا باخدا و بارسول اگر هستید شما ایمان دارید
بالله واليوم الآخر ذلك خير وأحسن تأويلا • ألم تر إلى الذين
بخدا و بروز آخرت آن بهتر و نیکوتر بعاقبت ای ننگریستی بدانها
يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك يريدون
که دعوی کردند که ایشان که بگرویده اند بدانچه فرو فرستاده شد بتو و بدانچه فرو فرستاده شد پیش از تو میخواهند
أن يتحاكموا إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به
که حکومت برند بسوی کعب الاشرف یهودی و بدرستی که فرموده شدند که کافر شوند بدو
ويريد الشيطان أن يضلهم ضلالا بعيدا • وإذا قيل
و میخواهد دیو که گمراه کند ایشانرا گمراهی دور از حق و چون گویند
لهم تعالوا إلى ما أنزل الله وإلى الرسول رأيت المنافقين
مرایشانرا بیایید بدانچه فرو فرستاد خدا و برسول ببینی تو منافقان
يصدون عنك صدودا • فكيف إذا أصابتهم مصيبة
برگردند از تو برگردندنی پس چگونه بود حال ایشان چون برسد بدیشان مصیبتی

بما قدمت أيديهم ثم جاءوك يحلفون بالله إن أردنا إلا
بدانچه فراپیش داشتند دستهای ایشان پس آیند بتو سوگند خورند بخدا که نخواستیم ما مگر
إحسانا وتوفيقا • أولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم
نیکویی و یاری و موافقت آن گروه آنهااند که میداند خدا آنچه در دلهای ایشانست
فأعرض عنهم وعظهم وقل لهم في أنفسهم قولا
پس برگرد از ایشان و پند ده ایشانرا و بگو مرایشانرا در تنهای ایشان گفتاری
بليغا • وما أرسلنا من رسول إلا ليطاع بإذن الله ولو أنهم
رسا و نفرستادیم ما هیچ رسولی را مگر که فرمان برند اورا بفرمان خدا و اگر آنک ایشان
إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر
چون ستم کردند بر تنهای خود آمدندی بتو پس آمرزش خواستندی از خدا و آمرزش خواستی
لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما • فلا وربك لا يؤمنون
مرایشانرا رسول هر آینه یافتندی خدای را توبه پذیرنده مهربان پس بحق پروردگار تو که نمی گروند
حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في أنفسهم
تا حاکم سازند ترا در آنچه خلاف افتاد میان ایشان پس نیابند در تنهای خود
حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما • ولو أنا كتبنا عليهم
تنگی از آنچه حکم کرده باشی تو و گردن نهند ترا گردن نهادنی و اگر ما نوشتمانی بر ایشان
أن اقتلوا أنفسكم أو اخرجوا من دياركم ما فعلوه
که بکشید تنهای خودرا یا برون آیید از سراهای خود نکردندی آنرا

إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا

مگر اندکی از ایشان . واگر ایشان بکردندی آنچه پند داده شدند بدان مر آنرا بودی بهتر

لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا • وَإِذًا لَآتَيْنَاهُمْ مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا

مر ایشانرا وسخت تر بثبات • وآنگه مر آنرا دادیمی ایشانرا از نزدیک ما مزدی

عَظِيمًا • وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا • وَمَنْ يُطِعِ

بزرگ • وراه نمودمانی ایشانرا براه راست • وهرکه فرمان برد

اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

خدایرا ورسول را پس آن گروه با آنها اند که نعمت کرده بود خدا بریشان از پیغمبران

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ

وراست گویان وگواهان ونیکوکاران وچه نیکو اند آن گروه

رَفِيقًا • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا

بیاری وهمراهی • ای آنها که بگرویده اید فرا گیرید سلاح خود را پس بیرون روید

ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا • وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ

گروه گروه یا بیرون روید همه باهم • وبدرستی که از شما کس هست که بازمیدارد پس اگر

أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ

برسد بشما مصیبتی گوید بدرستی که نعمت کرد خدای برمن چون نبودم

مَعَهُمْ شَهِيدًا • وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ

باایشان حاضر • واگر برسد بشما فضلی از خدا مر آنرا گویند

ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا

كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ

گویا که نبود میان شما ومیان او دوستی ای کاشکی من بودمی باایشان

فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا • فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ

پس رستگاری یافتمی رستگاری بزرگ • پس باید که کارزار کنند در راه خدا آنها

يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

که میخرند زندگانی دنیا را ببدل آخرت • وهرکه کارزار کند در راه خدا

فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا • وَمَا لَكُمْ

پس کشته شود یا غالب آید پس زود بدهیم اورا مزدی بزرگ • وچیست مر شمارا

لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ

که کارزار نمیکنید در راه خدا ودر خلاص ضعیفان نمیکوشید از مردان

وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ

وزنان وکودکان آنها که میگویند ای پروردگارما بیرون آر مارا ازین

الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ

دیه که ستمکارانند اهل آن • وبکن مارا از نزدیک خود دوستی وبدیه کن

لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا • الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ

مارا از نزدیک خود یاری کنی • آنها که بگرویدند کارزار میکنند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

خدا • وآنها که کافر شدند کارزار میکنند در راه بتان • پس کارزار کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا
با دوستان دیو پرستی بکنید دیو باشد ضعیف و سست
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَ
ای ننگرستی بآنها که گفته شد مر ایشانرا که باز دارید دستهای خودرا و بپای دارید نمازرا
آتُوا الزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ
و بدهید زکات را چون نوشته شد بریشان کارزار آنگه گروهی ازیشان می ترسیدند
النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ
از مردمان همچون ترسیدن از خدا یا سخت تر ترسیدن و گفتند ای پروردگار ما چرا
كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ
نوشتی بر ما کارزار را چرا تاخیر نکردی مارا تا اجلی نزدیک بگو
مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ
این بهره خورداری دنیا اندکست و آخرت بهتر مر آنرا که بپرهیزد و ستم کرده نشوند
فَتِيلًا ۝ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي
هرکجا که باشید دریابد شمارا مرگ واگرچه باشید شما در
بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ
کوشکهای بلند سخت کرده و اگر برسد بدیشان نیکوئی گویند این از
عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ
نزد خداست و اگر برسد بدیشان بدی گویند این از نزد تست

قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
بگو همه از نزدیک خداست پس چیست این قوم را که نه نزدیکست که دریابند
حَدِيثًا ۝ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ
سخن را آنچه برسید بتو از نیکوئی پس از خداست و آنچه برسید بتو از
سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ
بدیها پس از تن تست و بفرستادیم ماترا برای مردمان برسالت و بسنده است
بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ
بخدا بگواهی و دانا هرکه فرمان برد رسول پس براستی که فرمان برده خدای را و هرکه برگردد
فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۝ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا
پس نفرستادیم ماترا بریشان نگهبان اعمال و میگویند کار ما فرمان بردنست پس چون
بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ
بیرون آیند از نزدیک تو بشب کار میسازند گروهی ازیشان جز آنچه تو گفتی
وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
و خدا باز می نویسد آنچه بشب می سازند پس برگرد ازیشان و توکل کن بر خدا
وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ
و بسنده است خدا بکارسازی کارها ای پس اندیشه نکردند درین قرآن
وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا
واگر بودی این قرآن از نزدیک غیر خدای هرآینه بیافتندی در آن اختلاف

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ
و چون آید بدیشان فرمانی از ایمنی یا ترس آشکارا کنند آنرا و اگر باز گردانیدندی آنرا بارسول

وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا
و با خداوندان فرمان از ایشان هر آینه دانستندی آنرا آنها که بیرون می آورند آنرا از ایشان و اگر نه

فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا
فضل خدا بودی بر شما و رحمت او هر آینه پیروی میکردید شما دیو را مگر

قَلِيلًا ۝ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ
اندکی پس کارزار کن در راه خدا تکلیف نه نمایند مگر بنفس تو و حریص کن

الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ
مؤمنانرا بر قتال شاید بود که خدا باز دارد کارزار از آنها که کافر شدند و خدا سخت تر

بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ۝ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً
بکارزار و سخت تر بعقوبت کردن هر که شفاعت کند شفاعتی نیکو

يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ
باشد مر او را بهره از آن و هر که شفاعت کند شفاعتی بد باشد

لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا
مر او را بهره از آن و هست خدا بر همه چیزی توانا

وَإِذَا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ
و چون سلام کنند بر شما سلامی پس جواب باز دهید نیکوتر از آن یا رد کنید همانرا بدرستی که خدا

نصف

كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ
هست بر همه چیزی شمار کننده معبود بحق نیست جز او هر آینه جمع کند شما را تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا
روز قیامت هیچ شکی نیست در آن و کیست راستگوتر از خدا بسخن و گفتار

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا
پس چیست مر شما را که در حق منافقان بدو گروه میشوید و خدا نگونسار گردانید ایشانرا بآنچه

كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ
اندوختند ای میخواهید که راه نمایید آنرا که گمراه گردانید او را خدا و هر که گمراه گرداند او را خدا

فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ۝ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا
پس نیابی مر او را راه آرزو کردند که کافر شوید شما همچنانکه کافر شدند

فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا
پس باشید یکسان پس فرا مگیرید از ایشان دوستان تا هجرت کنند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
در راه خدا پس اگر برگردند پس بگیرید ایشانرا و بکشید ایشانرا هر جا

وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ إِلَّا
که یابید ایشانرا و فرا مگیرید از ایشان دوستان و نه یاری گر مگر

الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ
آنها که پیوندند بگروهی که میان شما و میان ایشان عهدی بود یا آیند بشما

حصرت صدورهم ان يقاتلوكم او يقاتلوا قومهم و

حال آنکه تنگ شده بود سینهای که کارزار کنند باشما یا کارزار کنند باگروه خود

لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم

اگر خواستی خدا مسلط کردانیدی ایشانرا بر شما پس کارزار کردندی باشما پس اگر بایکسوی شوند از شما

فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم

پس کارزار نکنند باشما و اندازند بشما صلح را پس نکرد خدا مرشمارا

عليهم سبيلا ۝ ستجدون آخرين يريدون ان يأمنوكم

بر ایشان راهی زود باشد که بیابید دیگر آنرا که خواهند که ایمن شوند از شما

ويأمنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها

و ایمن شوند از قوم خویش هرگاه که بازگردانیده شوند سوی فتنه هلاک کرده شوند در آن

فان لم يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا

پس اگر جدا نشوند از شما و اندازند بشما صلح را و باز ندارند

ايديهم فخذوهم واقتلوهم حيث ثقفتموهم

دستهای خود را پس بگیرید ایشانرا و بکشید ایشانرا هرجا که بیابید ایشانرا

واولئكم جعلنا لكم عليهم سلطانا مبينا ۝

و آن گروه هستند کردیم مرشمارا بر ایشان حجتی روشن

وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطأ ومن قتل

و نبود هیچ مؤمنی را که بکشد مؤمنی را مگر بخطا و سهو و هرکه بکشد

مؤمنا خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى اهله

مؤمنی را بخطا نه بقصد پس واجب بود بروی آزاد کردن بنده مؤمن و دیتی وا سپرده به اهل مقتول

الا ان يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم وهو

مگر که صدقه کنند پس اگر باشد از قومی که دشمن باشند مرشمارا و او

مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة وان كان من قوم بينكم

مؤمن بود پس واجب بود آزاد کردن بنده مؤمن و اگر باشد از قومی که میان شما

وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله وتحرير رقبة

و میان ایشان عهدی بود پس دیتی بود سپرده با اهل مقتول و آزاد کردن بنده

مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله

مؤمن پس هرکه نیابد پس بر وی بود دوماه پیاپی روزه توبه پذیرفتنی از خدا

وكان الله عليما حكيما ۝ ومن يقتل مؤمنا متعمدا

و هست خدا دانای محکم کار و هرکه بکشد مؤمنی را بعمد

فجزاؤه جهنم خالدا فيها وغضب الله عليه ولعنه و

پس پاداش او دوزخ بود همیشه باشد در آنجا و خشم خدای بر او بود و لعنت او

اعد له عذابا عظيما ۝ يا ايها الذين آمنوا اذا ضربتم في

و بجا داده بود برای او عذابی بزرگ ای آنها که بگرویدید چون بروید شما در

سبيل الله فتبينوا ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست

راه دین خدا پس بدانید و مگویید مرآنرا که طلب کرد از شما صلح را نیستی

مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ
مؤمن همی جوید کالای زندگانی دنیا را پس نزد خدا است غنیمتهای بسیار
كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ
همچنین بودید شما از پیش پس منت نهاد خدا بر شما پس بدانید مومن را از کافر بدرستی
اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ
که خدا هست بدانچه شما میکنید آگاه یکسان نباشند نشینندگان از قتال
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ
از مؤمنان جز خداوندان بیماری علت و جهاد کنندگان در راه خدای
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ
بمالهای خود و تنهای خود افزونی نهاد خدا جهاد کنندگان را بمالهای خود و
أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ
تنهای خود بر نشینندگان بمرتبه و منزلت و همه را وعده داد خدا
الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا
بهشت و افزونی نهاد خدا جهاد کنندگان را بر نشینندگان مزدی
عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ
بزرگ بمرتبه و منزلت از قبل خود و آمرزشی و رحمتی و هست خدا
غَفُورًا رَحِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلٰئِكَةُ ظَالِمِي
آمرزگار مهربان است بدرستی که آنها که جان بستانند ایشان را فرشتگان در حالتی که ستمکاران بودند

أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي
بر تنهای خود گویند در چه بودید شما گویند بودیم ما ضعیف داشتگان در
الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا
زمین گویند ای نبود زمین خدا فراخ پس هجرت کنید
فِيهَا فَأُولٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا
در آنجا پس آن گروه جایگاه ایشان دوزخ بود و بد بازگشتیست مگر
الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا
ضعیف داشتگان از مردان و زنان و کودکان
يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولٰئِكَ
که توانائی ندارند چاره و نمیابند راه پس آن گروه
عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا
شاید بود که خدا درگذرد از ایشان و هست خدا درگذرنده و آمرزگار
وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا
و هر که هجرت کند در راه خدا یابد در زمین غنیمتهای بسیار
وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ
و فراخی و هر که بیرون آید از خانه خود هجرت کننده با خدا و رسول او پس
يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ
دریابد او را مرگ پس بدرستی که واقع شده بود مزد او بر خدا و هست خدا

غفورا رحيما ۝ وإذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح
آمرزگار مهربان وچون بروید شما در زمین پس نبود برشما بزه
أن تقصروا من الصلوة إن خفتم أن يفتنكم الذين كفروا
که بقصر گزارید نماز را اگر ترسید شما که بفتنت افکنند شمارا آنها که کافر شده
إن الكافرين كانوا لكم عدوا مبينا ۝ وإذا كنت فيهم
بدرستی که کافران باشند مرشمارا دشمنی روشن وچون باشی تو درمیان ایشان
فأقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك
پس بپای دار مرایشان را نماز پس باید که بایستند گروهی از ایشان که با تو اند
وليأخذوا أسلحتهم فإذا سجدوا فليكونوا من
و باید که فراگیرند سلاحهای خود را پس چون سجده کرده باشند پس باید که باشند از
ورائكم ولتأت طائفة أخرى لم يصلوا فليصلوا
پس شما و باید که آیند گروهی دیگر که نماز نگزارده باشند پس باید که نماز گزارند
معك وليأخذوا حذرهم وأسلحتهم ود الذين
با تو و باید که فراگیرند پرهیز خویش را و سلاحهای خود را و آرزو کردند
كفروا لو تغفلون عن أسلحتكم وأمتعتكم
که کافر شدند که اگر غافل شوید شما از سلاحها خود و کالاهای خود ٥
فيميلون عليكم ميلة واحدة ولا جناح عليكم
پس حمله برند بر شما یک حمله بردنی و بزه نبود بر شما

إن كان بكم أذى من مطر أو كنتم مرضى أن تضعوا أسلحتكم
اگر باشد بشما رنجی از باران یا باشید شما بیماران که بنهید سلاحهای خود را
وخذوا حذركم إن الله أعد للكافرين عذابا مهينا ۝
و فرا گیرید پرهیز خود را بدرستی که خدا بیچاره ساخت برای کافران عذابی خوار کننده
فإذا قضيتم الصلوة فاذكروا الله قياما وقعودا وعلى
پس چون بگزارده باشید شما نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر
جنوبكم فإذا اطمأننتم فأقيموا الصلوة إن الصلوة
پهلوهای خود پس چون آرام گرفته باشید شما پس بپای دارید نماز را بدرستی که نماز
كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ۝ ولا تهنوا في ابتغاء
هست بر مؤمنان فریضه وقت بدید کرده و سستی مکنید در جستن
القوم إن تكونوا تألمون فإنهم يألمون كما تألمون
گروه کافران اگر باشید دردرسیدگان پس ایشان نیز دررسیده میشوند همچنانک دررسانیده میشوند
وترجون من الله ما لا يرجون وكان الله عليما حكيما ۝
و امید میدارند از خدا آنچه امید نمیدارند و هست خدا دانای محکم کار
إنا أنزلنا إليك الكتاب بالحق لتحكم بين الناس
بدرستی که فرو فرستادیم ما بتو قرآنرا بحق تا حکم کنی میان مردمان
بما أراك الله ولا تكن للخائنين خصيما واستغفر الله
بدانچه بازنمود ترا خدا و مباش مر خیانت کنندگان را خصومت کننده و آمرزش خواه از خدا

إن الله كان غفورا رحيما ۝ ولا تجادل عن الذين يختانون

بدرستی که خدا هست آمرزگار مهربان وخصومت مکن با آنها که خیانت میکنند

أنفسهم إن الله لا يحب من كان خوانا أثيما ۝

بر تنهای خود بدرستی که خدا دوست ندارد آنرا که باشد خیانت کننده بزهکار

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله وهو معهم

پنهان میشوند از مردمان وپنهان نتوانند شد از خدا واو با ایشانست

إذ يبيتون ما لا يرضى من القول وكان الله بما يعملون

چون بشب میسازند آنچه نپسندد خدا از گفتار وهست خدا بدانچه ایشان میکنند

محيطا ۝ ها أنتم هؤلاء جادلتم عنهم في الحيوة

دانا آگاهید شما این مردم که خصومت کنید شما از برای ایشان در زندگانی

الدنيا فمن يجادل الله عنهم يوم القيمة أم من يكون

دنیا پس که خصومت کند با خدا از ایشان در روز قیامت یا باشد

عليهم وكيلا ۝ ومن يعمل سوءا أو يظلم نفسه

بر ایشان نگهبان وهرکه کند بدی یا ستم کند بر تن خود

ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحيما ۝ ومن يكسب

پس آمرزش خواهد از خدا یابد خدا را آمرزگار مهربان وهرکه اندوزد

إثما فإنما يكسبه على نفسه وكان الله عليما حكيما

بزه پس بدرستی که زیان اندوختن او بر تن او بود وهست خدا دانای محکم کار

ومن يكسب خطيئة أو إثما ثم يرم به بريئا فقد احتمل

وهرکه اندوزد گناهی یا بزه پس اندازد آنرا به بیگناهی پس بدرستی که برداشته

بهتانا وإثما مبينا ۝ ولولا فضل الله عليك ورحمته

بهتانی یا بزه روشن واگر نه فضل خدای بودی بر تو ورحمت او بود

لهمت طائفة منهم أن يضلوك وما يضلون إلا

هرآینه قصد کردندی گروهی از ایشان که گمراه گردانند ترا وگمراه نتوانند کرد مگر

أنفسهم وما يضرونك من شيء وأنزل الله عليك

تنهای خودرا وزیانی نتوانند رسانید ترا هیچ چیزی وفرو فرستاد خدا بر تو

الكتاب والحكمة وعلمك ما لم تكن تعلم و

قرآنرا وحکمت وشرایع آنرا ودرآموخت ترا آنچه ندانستی تو و

حزب كان فضل الله عليك عظيما ۝ لا خير في كثير

هست فضل خدای بر تو بزرگ نیست هیچ خیری در بسیاری

من نجويهم إلا من أمر بصدقة أو معروف أو إصلاح

از رازگفتن ایشان مگر آنکه فرمود بصدقه دادن یا نیکوئی یا کار صلاح دادن

بين الناس ومن يفعل ذلك ابتغاء مرضات الله

درمیان مردمان وهرکه کند آنرا از بهر جستن خشنودی خدا

فسوف نؤتيه أجرا عظيما ۝ ومن يشاقق الرسول من

پس زود بدهیم اورا مزدی بزرگ وهرکه خلاف کند با رسول از

بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ

پس آنچه روشن شد مر اورا راه و پیروی کند جز راه مؤمنان را بازگذاریم او را

مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ

بآنچه اختیار کرد و درآوریم او را در دوزخ و بد بازگشتیست بدرستی که خدا نیامرزد آنرا که

يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ

انباز آرد بخدا و بیامرزد آنچه جز آنست مر آنرا که خواهد و هر که انباز آرد بخدا پس بتحقیق

ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَ

گمراه شده بود گمراهی دور از حق نمیخوانند از جز او مگر بتانرا

إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ۝ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ

نمیخوانند مگر دیوی سرکش را که لعنت کرد او را خدای و گفت فرا گیرم

مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۝ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ

از بندگان تو بهره بریده و گمراه کنم ایشانرا و آرزو دهم ایشانرا

وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ

و فرمایم ایشانرا که ببرند گوشهای چهارپایانرا و فرمایم ایشانرا تا تغییر دهند

خَلْقَ اللَّهِ ۝ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ

آفرینش خدایرا و هر که فرا گیرد دیو را بدوست از جز خدای

فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا ۝ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا

پس بدرستی که زیانکار آمده بود زیانکاری روشن وعده میدهد ایشانرا و آرزو میدهد ایشانرا

يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ

وعده نمیدهد ایشانرا دیو مگر فریب آن گروه جایگاه ایشان دوزخ بود و نیابند

عَنْهَا مَحِيصًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ

از آنجا پناهگاهی و آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند زود درآوریم ایشانرا

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ وَعْدَ اللَّهِ

در بستانهای که رود از زیر آن جویها همیشه باشند در آنجا جاوید وعده خدا

حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ۝ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ

حقست و کیست راستگوتر از خدا بگفتار نیست بآرزوهای شما و نه بآرزوی

أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ

اهل کتاب هر که کند بدی پاداش داده شود بدان و نیابد مر اورا از

دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ

جز خدای دوستی و نه یاری کننده و هر که کند از کارهای نیکو

مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

از مردینه یا مادینه و او مؤمن بود پس آن گروه در روند در بهشت

وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ۝ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ

و ستم کرده نشوند مقدار گوی که در پشت خرماست و کیست نیکوتر بدین از آنکه خالص و منقاد کرد روی خویش

لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ

مر خدای را و او نیکوکار بود و پیروی کرده بود ملت ابرهیم را مایل از باطل بحق و فرا گرفت خدا ابرهیم را

خليلا ۝ ولله ما في السموات وما في الأرض وكان الله بكل

دوست و مر خدای راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و هست خدا بهمه

شيء محيطا ۝ ويستفتونك في النساء قل الله يفتيكم

چیزی دانا و فتوی میخواهند از تو در حق زنان بگو خدا فتوی میدهد شمارا

فيهن وما يتلى عليكم في الكتاب في يتامى النساء

در حق ایشان و آنچه خوانده شد بر شما در کتاب در حق یتیمان زنان

اللاتي لا تؤتونهن ما كتب لهن وترغبون أن تنكحوهن

آن زنانی که نمیدهید ایشانرا آنچه نوشته شد مر ایشانرا و رغبت میکنید که بخواهید ایشانرا

والمستضعفين من الولدان وأن تقوموا لليتامى

و ضعیف داشتگان از کودکان و آنکه بایستید در حق یتیمان

بالقسط وما تفعلوا من خير فإن الله كان به عليما

بعدل و داد و آنچه کنید شما از نیکی پس بدرستی که خدا هست بدان دانا

وإن امرأة خافت من بعلها نشوزا أو إعراضا فلا جناح عليهما

و اگر زنی داند از شوهر خود از ناسازگاری یا روی گردانیدنی پس نیست بزه برایشان

أن يصلحا بينهما صلحا والصلح خير وأحضرت الأنفس

که صلح انجامند میان ایشان صلح و صلح بهتر بود و حاضر کرده اند بتنها

الشح وإن تحسنوا وتتقوا فإن الله كان بما تعملون

بخیلی و اگر نیکوی کنید و بپرهیزید پس بدرستی که خدا هست بدانچه شما میکنید

خبيرا ۝ ولن تستطيعوا أن تعدلوا بين النساء ولو حرصتم

آگاه و اگر توانائی ندارند که عدالت کنید میان زنان و اگرچه حریص باشید شما براستی

فلا تميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقة وإن تصلحوا

پس میل مکنید هر میل کردنی پس بگذارید اورا که نه باشوی بود و نه بی شوی بود و اگر صلح کنید

وتتقوا فإن الله كان غفورا رحيما ۝ وإن يتفرقا

و بپرهیزید پس بدرستی که خدا هست آمرزگار مهربان و اگر از هم جدا شوند

يغن الله كلا من سعته وكان الله واسعا حكيما

توانگر گرداند خدا هر یکی را از رحمت خود و هست خدا فراخ رحمت محکم کار

ولله ما في السموات وما في الأرض ولقد وصينا الذين

و مر خدای راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و بدرستی که فرمودیم آنهارا

أوتوا الكتاب من قبلكم وإياكم أن اتقوا الله وإن

که بداده شد ایشانرا کتاب پیش از شما و شمارا نیز که بترسید از خدا و اگر

تكفروا فإن لله ما في السموات وما في الأرض وكان

کافر شوید پس بدرستی که مر خدای راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و هست

الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات وما في الأرض

خدا بی نیاز ستوده و مر خدای راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست

وكفى بالله وكيلا ۝ إن يشأ يذهبكم أيها الناس

و بس است خدا بکار سازی اگر خواهد ببرد شمارا ای مردمان

وياتِ باخرين وكان الله على ذلك قديرا ۝ من
و آورد دیگرانرا و هست خدا بر آن توانا هر که
كان يريد ثواب الدنيا فعند الله ثواب الدنيا والآخرة و
خواهد ثواب دنیارا پس نزد خداست ثواب دنیا و آخرت
كان الله سميعا بصيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا كونوا
و هست خدا شنوای بینا ای آنها که بگرویده اید باشید
قوامين بالقسط شهداء لله ولو على انفسكم او الوالدين
ایستادگان بعدالت گواهان مر خدایرا و اگرچه باشد آن گواهی بر تنهای خود یا پدر و مادر شما
والاقربين ان يكن غنيا او فقيرا فالله اولى بهما
و خویشاوندان اگر باشد توانگر یا درویش پس خدا سزاوارتر بدیشان
فلا تتبعوا الهوى ان تعدلوا وان تلووا او تعرضوا فان الله
پس پیروی مکنید مراد خودرا که عدالت نکنید و اگر بپیچانید زبانها خودرا از گواهی دادن یا برگردید پس خدا
كان بما تعملون خبيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا آمنوا بالله ورسوله
هست بآنچه شما میکنید آگاه ای آنها که بگرویده اید بگروید بخدا و رسول او
والكتاب الذي نزل على رسوله والكتاب الذي انزل من قبل
و کتاب آن کتابی که فرو فرستاد بر رسول خود و کتاب آن کتابی که فرو فرستاد از پیش
ومن يكفر بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم
و هر که کافر شود بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و رسولان او و بروز

الآخر فقد ضل ضلالا بعيدا ۝ ان الذين آمنوا ثم كفروا
آخرت پس بدرستی که گمره شده بود گمراهی دور از حق بدرستی که آنها که بگرویدند پس کافر شدند
ثم آمنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر
پس بگرویدند بمحمد پس کافر شدند پس بزیادت کردند کفررا هرگز خدا نیامرزد
لهم ولا ليهديهم سبيلا ۝ بشر المنافقين بان لهم
مر ایشانرا و راه ننماید ایشانرا براه بشارت ده منافقان به آنکه باشد مر ایشانرا
عذابا اليما ۝ الذين يتخذون الكافرين اولياء من دون
عذابی دردناک آنها که فرا گرفتند کافرانرا بدوستان از جز
المؤمنين ايبتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعا
مؤمنان ای میجویند از نزدیک ایشان حرمت و عزت پس عزت خدایراست همه
وقد نزل عليكم في الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر
و بدرستی که فرو فرستاد بر شما در کتاب که چون بشنوید نشانهای خدا که کافر میشوند
بها ويستهزا بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا في
بدان و استهزا میدارند بدان پس منشینید با ایشان تا شروع کنند در
حديث غيره انكم اذا مثلهم ان الله جامع المنافقين
سخنی جز آن بدرستی که شما آنگاه مانند ایشان باشید بدرستی که خدا جمع کننده منافقان
والكافرين في جهنم جميعا ۝ الذين يتربصون بكم فان كان
و کافران در دوزخ همه را آنها که چشم میدارند بدی بشما پس اگر باشد

لكم فتح من الله قالوا ألم نكن معكم وإن كان للكافرين
مر شمارا فتحی از خدا گویند ای نبودیم با شما واگر باشد مر کافرانرا
نصيب قالوا ألم نستحوذ عليكم ونمنعكم من المؤمنين
بهره گویند ای نه غلبه کردیم بر شما وباز داشتیم شمارا از مؤمنان
فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله للكافرين
پس خدا حکم کند میان شما روز قیامت وهرگز نکند خدا مر کافرانرا
على المؤمنين سبيلا إن المنافقين يخادعون الله وهو
بر مؤمنان راهی بدرستی که منافقان میپندارند که فریب میدهند خدایرا وحال آنکه او
خادعهم وإذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراؤون
فریبنده ایشانست وچون برخیزند بنماز برخیزند کاهلان بروی ریا
الناس ولا يذكرون الله إلا قليلا مذبذبين
مردمان ویاد نکنند خدایرا مگر اندکی مترددانند
بين ذلك لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء ومن يضلل الله
میان کفر واسلام نه با کافرانند ظاهرا ونه با مؤمنانند باطنا وهرکه گمراه کند اورا خدا
فلن تجد له سبيلا يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين
پس هرگز نیابی اورا راهی ای آنها که گرویده اید فرا مگیرید کافرانرا
أولياء من دون المؤمنين أتريدون أن تجعلوا لله عليكم
بدوستان از جز مؤمنان ای میخواهید که بکنید مر خدایرا بر شما

سلطانا مبينا إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار
حجتی روشن بدرستی که منافقان در درکه زیرین باشند از آتش
ولن تجد لهم نصيرا إلا الذين تابوا وأصلحوا واعتصموا
وهرگز نیابی مرایشانرا یاریگری مگر آنها که توبه کردند وکار باصلاح آوردند ودر آویختند
بالله وأخلصوا دينهم لله فأولئك مع المؤمنين وسوف
بدین خدا وخالص گردانیدند دین خود مر خدایرا پس آن گروه با مؤمنان باشند وزود
يؤت الله المؤمنين أجرا عظيما ما يفعل الله بعذابكم إن
بدهد خدا مؤمنانرا مزدی بزرگ چه کند خدا عذاب کردن شمارا اگر
الجزو ٦
شكرتم وآمنتم وكان الله شاكرا عليما لا يحب
شکر کنید شما وبگروید شما وهست خدا شکرپذیرنده دانا دوست ندارد
الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم وكان الله سميعا
خدا آواز برداشتن بلغو را ببدی از گفتار مگر از آنکس که ستم کشیده بود وهست خدا شنوای
عليما إن تبدوا خيرا أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإن
دانا اگر آشکارا کنید نیکی یا پنهان کنید آنرا یا درگذرید از بدی پس بدرستی
الله كان عفوا قديرا إن الذين يكفرون بالله ورسله و
که خدا هست درگذرنده توانا بدرستی که آنها که کافر شدند بخدا ودر رسولان او
يريدون أن يفرقوا بين الله ورسله ويقولون نؤمن
ومیخواهند که جدائی افگنند میان خدا ورسولان او ومیگویند ایمان آریم

بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَٰلِكَ سَبِيلًا ۝

ببعضی . وکافر شیم ببعضی ومیخواهند که فراگیرند میان کفر واسلام واسطه

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا

آن گروه ایشان کافرانند حقا وبیجادیم ما برای کافران عذابی

مُهِينًا ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ

خوارکننده وآنها که بگرویدند بخدا ورسولان او وجدائی نفگندند میان

أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ

هیچ یکی ازیشان آن گروه زود بدهیم ایشانرا مزدهای ایشان

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ

وهست خدا آمرزکار مهربانست درمیخواهند ازتو اهل کتاب

أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ

که فرود آوری بریشان نامه از آسمان پس بدرستی که درخواستند ازموسی

أَكْبَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ

بزرگتر ازان پس گفتند بنمای مارا خدا بمعاینه پس بگرفت ایشانرا

الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ

صاعقه بسبب ستم ایشان پس فراگرفتند گوساله را بمعبودی ازپس آنچه آمد بدیشان

الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَٰلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُبِينًا

معجزات پس درگذشتیم ما ازان وبدادیم ما موسی را حجتی روشن

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ

وبرافراشتیم ما بالای سرشما کوه طور را بسبب عهد ایشان وگفتیم ما مرایشانرا دردرآیید ازدر دیه

سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ

سجود کنندگان وگفتیم ما مرایشانرا ازحد درمگذرید درگرفتن ماهی در روز شنبه وفراگرفتیم ما ازیشان

مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ

عهدی استوار پس بسبب شکستن ایشان عهد را وکافرشدن ایشان بنشانهای

اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ

خدا وکشتن ایشان پیغمبرانرا بناحق وگفتار ایشان که دلهای ما درغلافی اند

بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ وَ

بلکه مهر نهاد خدا برآنها بسبب کفر ایشان پس نگروید مگر اندکی

بِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ۝ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا

بسبب کفر ایشان وگفتار ایشان بر مریم بهتانی بزرگ وگفتار ایشان که

قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا

بکشتیم ما مسیح عیسی را پسر مریم رسول خدا وحال آنکه نکشتند اورا

صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ

بردار نکردند اورا ولکن مانند شد مرایشانرا وبدرستی که آنها که اختلاف کردند دران

لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ

هرآینه در شکی اند ازان که نیست مرایشانرا بدان هیچ دانش مگر پیروی کردن گمانی ونکشتند اورا

يقينا بل رفعه الله اليه وكان الله عزيزا حكيما ۝ و
بيقين بلك برافراشت اورا خدا بادرگاه وهست خدا غالب محكم كار
ان من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة
ونيست كسى از اهل كتاب مگر كه بگرويد بدو پيش از مرگ او ودر روز قيامت
يكون عليهم شهيدا ۝ فبظلم من الذين هادوا حرمنا
باشد برايشان گواه پس بسبب ستمى از آنها كه جهود شدند حرام كرديم ما
عليهم طيبات احلت لهم وبصدهم عن سبيل الله
برايشان پاكيهائى كه حلال گردانيده شد مرايشانرا وبسبب برگشتن ايشان از راه خدا
كثيرا واخذهم الربوا وقد نهوا عنه واكلهم
بسيارى وفراگرفتن ايشان مال ربارا وبدرستى كه نهى كرده شدند ازان وخوردن ايشان
اموال الناس بالباطل واعتدنا للكافرين منهم عذابا
مالهاى مردمانرا بباطل وبيجاره ديم ما براى كافران از ايشان عذابى
اليما ۝ لكن الراسخون فى العلم منهم والمؤمنون
دردناك ليكن استواران در علم از ايشان ومؤمنان
يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك والمقيمين
بگرويد بدانچه فرو فرستاده شد بتو وبدانچه فرو فرستاده شد پيش از تو وبپاى دارندگان
الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون بالله واليوم الاخر ط
نمازرا وبدهندگان زكاترا وبگروندگان بخدا وبروز آخرت

اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما ۝ انا اوحينا اليك كما
آن گروه زود بدهيم ايشانرا مزدى بزرگ بدرستى كه ما وحى كرديم بتو همچنانك
اوحينا الى نوح والنبيين من بعده واوحينا الى ابرهيم
وحى كرديم ما بنوح وپيغمبران كه پس از وبودند ووحى كرديم ما بابرهيم
واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى وايوب و
واسمعيل واسحق ويعقوب ونوادگان وعيسى وايوب و
يونس وهرون وسليمن واتينا داود زبورا ۝ ورسلا
يونس وهارون وسليمان وبداديم ما داودرا كتاب زبور ورسولانى
قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم عليك
كه قصهٔ ايشان خوانديم برتو از پيش ورسولانى كه قصهٔ ايشان برتو نخوانديم
وكلم الله موسى تكليما ۝ رسلا مبشرين ومنذرين
وسخن گفت خدا با موسى سخن كردنى رسولانرا بشارت دهنده وبيم كننده
لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله
تا نباشد مردمانرا بر خدا حجتى بعد از فرستادن رسولان وهست خدا
عزيزا حكيما ۝ لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه
غالب محكم كار ليكن خدا گواهى ميدهد بدانچه فرو فرستاده بتو فرو فرستاد آنرا بمعلومى خود
والملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ ان الذين
وفرشتگان نيز گواهى ميدهند وبس است خدا بگواهى بدرستى كه آنها

كفروا وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ● إن

که کافر شدند و برگشتند از راه خدا بدرستی که گمراه شدند گمراهی دور از حق بدرستی

الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم

که آنها که کافر شدند و ستم کردند هرگز نباشد خدا که بیامرزد ایشان را و راه نماید ایشان را

طريقا ● إلا طريق جهنم خالدين فيها أبدا وكان ذلك

بآن راهی مگر راه دوزخ جاوید باشند آنجا همیشه و هست آن

على الله يسيرا ● يا أيها الناس قد جاءكم الرسول بالحق

بر خدا آسان ای مردمان بدرستی که آمد بشما رسولی بحق

من ربكم فآمنوا خيرا لكم وإن تكفروا فإن لله ما في

از پروردگار شما پس بگروید که بهتر بود مر شما را و اگر کافر شوند پس بدرستی که مر خدا راست آنچه در

السماوات والأرض وكان الله عليما حكيما ● يا أهل الكتاب

آسمانها است و زمین و هست خدا دانای محکم ای یهود و نصاری

لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله إلا الحق إنما المسيح

غلو مکنید و از حد در مگذرید در دین شما و مگویید بر خدا مگر حق را بدرستی که

عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته ألقاها إلى مريم وروح

عیسی پسر مریم رسول خداست و قدرت او انداخت آن کلمه را بسوی مریم و نفسی است

منه فآمنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلاثة انتهوا خيرا

از خدا پس بگروید بخدا و رسولان او و مگویید که خدا سه است باز ایستید که بهتر بود

لكم إنما الله إله واحد سبحانه أن يكون له ولد له ما في

مر شما را بدرستی که خدا یکیست پاک و منزه است او که باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه در

السماوات وما في الأرض وكفى بالله وكيلا ● لن يستنكف

آسمانها است و آنچه در زمینست و بس است خدا یکارسازی ننگ ندارد

المسيح أن يكون عبدا لله ولا الملائكة المقربون ومن

عیسی که باشد بنده مر خدا را و نه فرشتگان نزدیک و هر که

يستنكف عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم إليه

ننگ دارد از پرستیدن او و گردنکشی کند پس حشر کند ایشان را بنزد خود

جميعا ● فأما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم

همه را پس اما آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس تمام بدهد ایشان

أجورهم ويزيدهم من فضله وأما الذين استنكفوا

مزدهای ایشان و بیفزاید ایشان را از فضل خود و اما آنها که ننگ داشتند

واستكبروا فيعذبهم عذابا أليما ولا يجدون لهم

و گردنکشی کردند پس عذاب کند ایشان را عذابی دردناک و نیابند مر ایشان را

من دون الله وليا ولا نصيرا ● يا أيها الناس قد جاءكم

از جز خدا نه دوستی و نه یاری کننده ای مردمان بدرستی که آمد بشما

برهان من ربكم وأنزلنا إليكم نورا مبينا ● فأما الذين

حجتی از پروردگار شما و فرو فرستادیم بشما قرآنی بار روشن پس اما آنها

ظاهر الاعجاز

امنوا بالله واعتصموا به فسيدخلهم في رحمة منه وفضل

که بگرویدند بخدا و چنگ درزدند بدین محمد پس زود درآورد ایشان را در رحمتی از قبل خود و افزونی

ويهديهم اليه صراطا مستقيما ۝ يستفتونك قل الله

و راه نماید ایشان را با خود با راه راست فتوی می پرسند از تو بگو خدا

يفتيكم في الكلالة ان امرؤ هلك ليس له ولد وله

فتوی میدهد شما را در حق میتی که او را نه مادر باشد و نه پدر و نه فرزند اگر مردی بمیرد و نبود مر او را فرزندی و مر او را بود

اخت فلها نصف ما ترك وهو يرثها ان لم يكن لها ولد

خواهری پس مر خواهر را بود نیمه آنچه بگذاشته باشد میت و آن برادر میراث برد از آن خواهر اگر نباشد مر او را فرزندی

فان كانتا اثنتين فلهما الثلثان مما ترك وان

پس اگر باشند دو خواهر پس مر ایشان را بود چهار دانگ از آنچه بگذاشته بود میت و اگر

كانوا اخوة رجالا ونساء فللذكر مثل حظ الانثيين

باشند برادران و خواهران مردانی و زنانی پس مر نرینه را بود مانند بهره دو مادینه

يبين الله لكم ان تضلوا والله بكل شيء عليم

روشن بکند خدا مر شما را تا گمره نشوید و خدا بهمه چیزی داناست

سورة المائدة مائة وعشرون آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها الذين امنوا اوفوا بالعقود ۝ احلت لكم بهيمة

ای آنهائی که بگرویده اید وفا کنید بعهدهای از واجب تکالیف حلال کرده شد مر شما را بهایمی که

الانعام الا ما يتلى عليكم غير محلي الصيد وانتم

از چهارپایانند مگر آنچه خوانده شد بر شما جز حلال دارندگان صید را و شما

حرم ان الله يحكم ما يريد ۝ يا ايها الذين امنوا لا تحلوا

در حالت احرام باشید بدرستی که خدا حکم کند آنچه خواهد ای آنها که بگرویده اید حلال مدارید

شعائر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدي ولا القلائد ولا

مناسک حج را که فرموده است خدا و نه ماههای حرام را و نه قربان را و نه قربانیها که قلاده نشان کرده باشید

امين البيت الحرام يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا واذا

و نه قصد کنندگان خانه حرم کعبه را حال آنکه میجویند فضلی از پروردگار خود و خشنودی و چون

حللتم فاصطادوا ولا يجرمنكم شنان قوم ان صدوكم

حلال شده باشید از احرام ... و باید که کسب نکند شما را دشمنی قومی که برگردانیدند

عن المسجد الحرام ان تعتدوا وتعاونوا على البر والتقوى

از مسجد الحرام که از حد در گذرید و یاری نمائید یکدیگر را بر نیکوئی و پرهیزکاری

ولا تعاونوا على الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شديد

و یاری یکدیگر منمائید بر بزه و دشمنی و بترسید از خدا بدرستی که خدا سخت

العقاب ۝ حرمت عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير

عقوبتست حرام کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک

وَمَآ أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَ
وآنچه آواز برداشته باشند بجز نام خدای یزدان وخبه شده نیز وبچوب کشته واز بالا بزیر افتاده بمرده
النَّطِيحَةُ وَمَآ أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى
وبزخم سرو مرده وآنچه خورده باشند ددگان ازان مگر آنچه ذبحش دریابید شما وآنچه کشته باشند بر
النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ اَلْيَوْمَ يَئِسَ
سنگی که منصوبست حوالی کعبه وآنک طلب قسمت می کنید بطریق تفأل به تیرهای مخصوص آن شان خروج از طاعتست امروز نومید شدند
الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ اَلْيَوْمَ
آنها که کافر شدند از دین شما پس مترسید از ایشان وبترسید از من امروز
أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ
تمام گردانیدم مر شما را دین شما وتمام گردانیدم بر شما نعمت خودرا وخشنود شدم
لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ
مر شما را بدین اسلام پس هرکه بیچاره کند او را در غایت جوع جز میل کننده بمزه
فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ
پس بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست می پرسند از تو که چه چیز حلالست مر ایشانرا بگو حلالست
لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ
مر شما را پاکیها وآنچه در آموزانیده باشید شما از سباع شکاری که تأدیب کرده باشند آنهارا در آموزانیده باشید ایشانرا
مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللّٰهُ فَكُلُوا مِمَّآ أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ
از آنچه در آموخت شمارا خدا پس بخورید از آنچه نگاه دارید از جوارح برای شما وباد کنید نام خدا را

عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۞ اَلْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ
بر آن وبترسید از خدا بدرستی که خدا زود شمارست امروز حلال کرده شد مر شما را
الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ
پاکیها وطعام آنها که بداده شد ایشانرا کتاب حلالست مر شمارا وطعام شما
حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ
حلالست مر ایشانرا وعفایف حلالند مر شما را از زنان پاکدامن وعفایف از آنها
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَآ آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ
که بداده شد ایشانرا کتاب پیش از شما چون بداده باشید ایشانرا مهرهای ای
مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ
مستوران جز زناکنندگان ونه فراگیرندگان دوستان نهان از زنان وهرکه
يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ
کافر شود بایمان آوردن پس بدرستی که باطل شده بود عمل او واو در آخرت از جمله
الْخَاسِرِينَ ۞ يَآ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلٰوةِ فَاغْسِلُوا
زیانکاران بود ای آنها که بگرویده اید چون بایستید شما بنماز پس بشوئید
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
رویهای خودرا ودستهای خودرا تا بارشنه ومسح کشید سرهای خودرا
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ
وبشوئید پایهای خودرا تا بکعبین واگر باشید شما جنب پس پاک سازید خودرا واگر باشید شما

مرضى او على سفر او جاء احد منكم من الغائط او لامستم
بیمار یا بر سفر یا آید یکی از شما بقضا حاجتی یا دست بسائید شما
النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا
بزنان نامحرم پس نیابید آب پس تیمم کنید بخاکی پاک پس مسح کشید
بوجوهكم وايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم
رویهای خودرا و دستهای خودرا ازان نمیخواهد خدا تا بکند برشما
من حرج ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته
هیچ تنگی ولیکن میخواهد تا پاک گرداند شمارا و تا تمام کند نعمت خودرا
عليكم لعلكم تشكرون • واذكروا نعمت الله
برشما تا بود که شما شکر کنید و یاد کنید نعمت خدارا
عليكم وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا
برشما و عهد اورا آن عهدی که معاهده فرمود با شما بدان چون گفتید شما شنیدیم
واطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور • يا ايها
و فرمان بردیم و بترسید از خدا بدرستی که خدا داناست باسرار سینها ای
الذين امنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم
آنها که بگرویده اید باشید قیام نمایندگان در کارها خدارا گواهان بعدالت و برمدارد شمارا
شنئان قوم على ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا
بغض بعضی مشرکان برآنکه عدالت نکنند عدالت کنید که آن نزدیکتر بپرهیزکاری و بترسید

الله ان الله خبير بما تعملون • وعد الله الذين امنوا و
از خدا بدرستی که خدا آگاهست بدانچه شما میکنید وعده داد خدا آنهارا که بگرویدند
عملوا الصالحات لهم مغفرة واجر عظيم • والذين كفروا
و کارهای نیکو کردند مرایشانرا بود آمرزشی و مزدی بزرگ و آنها که کافر شدند
وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم • يا ايها الذين
و بدروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه اصحاب دوزخند ای آنها
امنوا اذكروا نعمت الله عليكم اذ هم قوم ان
که بگرویده اید یاد کنید نعمت خدارا برشما چون قصد کردند گروهی
يبسطوا اليكم ايديهم فكف ايديهم عنكم واتقوا
که فراخ بگسترانند بشما دستهای خودرا پس بازداشت دستهای ایشانرا از شما و بترسید
الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون • ولقد اخذ الله ميثاق
از خدا و بر خدا باید که توکل کنند مؤمنان و بدرستی که فرا گرفت خدا عهد را
بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر نقيبا وقال الله اني معكم
از فرزندان یعقوب و برانگیختیم از ایشان دوازده پیشوا را و گفت خدا که من با شمام
لئن اقمتم الصلوة واتيتم الزكوة وامنتم برسلي وعزرتموهم
هرآینه اگر برپای دارید شما نماز را و بدهید شما زکات را و بگروید برسولان من و حرمت دارید ایشانرا
واقرضتم الله قرضا حسنا لاكفرن عنكم سيئاتكم
و قرض دهید شما خدارا قرضی نیکو که عمل صالح کنید هرآینه باز پوشانم از شما بدیهای شمارا

وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ

ودرآرم شما را در بوستانهایی که رود از زیر آن جویهاروانها پس کافر شود پس

ذَٰلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ

ازان از شما پس بدرستی که گمراه شده بود از راستی راه پس بسبب شکستن ایشان عهد را

لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ

لعنت کردیم ایشانرا و گردانیدیم ما دلهای ایشانرا سخت میگردانند سخن را از

مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ

جایگاه آن و فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بدان و همیشه مطلع میشوی بر

خَائِنَةٍ مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ

خیانتی از ایشان پس درگذر از ایشان و روی بگردان بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکارانرا

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا

و از آنها که گفتند که ما ترسایانیم فرا گرفتیم ما عهد را از ایشان پس فراموش کردند بهره از آنچه

ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ

پند داده شدند بدان پس انداختیم ما میان ایشان دشمنی و خشم تا روز

الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

قیامت و زود بیاگاهاند ایشانرا خدا بآنچه ایشان می ساختند

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا

ای اهل کتاب بدرستی که آمد بشما رسول ما تا روشن کند مر شما را بسیاری

مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ

از آنچه بودید شما پنهان میکردید از کتاب و درگذرد از بسیاری بدرستی

جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ۝ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

که آید بشما از خدا نور قرآن یا محمد و کتابی ظاهرالاعجاز راه می نماید بدان خدا آنرا

اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

که پیروی کرد خشنودی او را براههای سلامت و بیرون آورد ایشانرا از تاریکیهای کفر بنور

النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لَقَدْ

ایمان بفرمان خود و راه نماید ایشانرا باراه راست بدرستی

كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ

که کافر شدند آنها که گفتند که خدا عیسی است پسر مریم بگو که کیست که قادر باشد

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَ

از خواست خدا چیزی را اگر خواهد که هلاک کند عیسی پسر مریم را و مادر او را

مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و آنکه در زمینند همه و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

و آنچه میان آن هر دو است می آفریند آنچه خواهد و خدا بر همه چیزی تواناست

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ

و گفتند جهودان و ترسایان ما پسران خدائیم و دوستان او بگو

فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء
پس چرا عذاب کند شمارا بسبب گناهان شما بلکه شما آدمیانی اید از آنکه آفرید بیامرزد مرآنرا که خواهد
ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما
وعذاب کند آنرا که خواهد ومر خدا راست پادشاهی آسمانها وزمین وآنچه میان آن هردوست
واليه المصير • يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين
وبا اوست بازگشت ای یهود ونصاری بدرستی که آمد بشما رسولی از ما تا روشن کند
لكم على فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا
مر شمارا بر انقطاعی از رسولان تا نگویید که نیامد بما هیچ بشارت دهنده ونه
نذير فقد جاءكم بشير ونذير والله على كل شيء قدير •
بیم کننده پس بدرستی که آمد بشما بشارت دهنده وبیم کننده وخدا بر همه چیزی تواناست
واذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم
وچون گفت موسی مر قوم خودرا ای قوم من یاد کنید نعمت خدارا بر شما
اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم ملوكا وآتاكم ما لم يؤت
چون پدید کرد در میان شما پیغمبرانرا وگردانید شمارا پادشاهان وبداد شمارا آنچه نداد
احدا من العالمين • يا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله
هیچ یکی را از عالمیان ای قوم من در روید در زمین مقدس شام آن زمینی که نوشت خدا
لكم ولا ترتدوا على ادباركم فتنقلبوا خاسرين •
مر شمارا وبر مگردید بر پی پایهای خود پس گردید زیانکاران

قالوا يا موسى ان فيها قوما جبارين • وانا لن ندخلها حتى
گفتند ای موسی بدرستی که درمیان اینها گروهی هستند گردنکشان وبدرستی که در نرویم ما درآنجا تا
يخرجوا منها فان يخرجوا منها فانا داخلون • قال رجلان
بیرون روند ایشان از آنجا پس اگر بیرون روند از آنجا پس ما در روندگان باشیم گفتند دو مرد
من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب
از آنها که می ترسیدند که نعمت کرده بود خدای بر ایشان در روید بر ایشان بموافقت با موسی از در دیه
فاذا دخلتموه فانكم غالبون • وعلى الله فتوكلوا ان
پس چون در روید شما درآنجا پس شما غالبان باشید وبر خدا توکل کنید اگر
كنتم مؤمنين • قالوا يا موسى انا لن ندخلها ابدا ما داموا
هستید شما مؤمنان گفتند ای موسی بدرستی که در نرویم ما درآنجا هرگز مادام که ایشان
فيها فاذهب انت وربك فقاتلا انا ههنا قاعدون •
درآنجا باشند پس برو تو وبرادر تو پس کارزار کنید که ما اینجا که نشینندگانیم
قال رب اني لا املك الا نفسي واخي فافرق بيننا وبين
گفت موسی ای پروردگار من بدرستی که من قادر نیستم مگر بر تن خود وبرادر خود پس جدایی افکن میان ما ومیان
القوم الفاسقين • قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة
گروه فاسقان گفت خدا که آن زمین حرام شد بر ایشان چهل سال
يتيهون في الارض فلا تأس على القوم الفاسقين • واتل
حیران باشند در بیابان آن زمین پس اندوه مخور بر گروه فاسقان وبرخوان

عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ

بر ایشان خبر دو پسر آدم بحق چون نزدیک کردانیدند قربانی را پس پذیرفته شد از یکی ازان مردو

يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

وقبول کرده نشد ازان دیگر گفت قابیل هابیل را که هر آینه بکشم ترا گفت هابیل که قبول کند خدا از پرهیزکاران

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ نصف

هر آینه اگر فراخ بکشایی بمن دست خودرا تا بکشی مرا نیستم من فراخ بکشاینده دست خودرا بتو

لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي

تا بکشم ترا بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست بدرستی که میخواهم که بازگردی تو بزه من

وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

وبزه خود پس باشی از جمله اصحاب آتش وآنست پاداشت ستمکاران

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس فرمان بردار شد مراورا نفس اماره او بکشتن برادر او پس بکشت اورا پس گشت از جمله زیانکاران

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ

پس فرستاد خدا کلاغی را که میکند زمین را تا بازنماید اورا که چگونه دفن کند کالبد

أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ

برادر خودرا گفت ای وای برمن ای عاجز شدم که باشم مانند این کلاغ

فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ

پس باز پوشانم کالبد برادر خودرا پس گشت از جمله پشیمانان از بهر آن

كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ

فرض کردیم ما بر بنی اسرائیل که شان آنست که هر که بکشد تنی را بی آنکه بکشته بود غیری را یا تباهی کند

فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا

در زمین پس همچنان بود که بکشته بود مردمان را همه وهر که نجات دهد از کشتن تنی را پس همچنان بود

أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ

که زنده داشته بود مردمانرا همه وبدرستی که آمدند بدیشان رسولان ما بحجتها

ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ۝ إِنَّمَا

پس بدرستی که بسیاری ازیشان پس ازان در زمین هر آینه گزافکاران اند بدرستی که

جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

پاداشت آنها که محاربت میکنند با خدا ورسول او وبشتابند در زمین

فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ

بتباهی آنست که بکشند ایشانرا یا بردار شان کنند یا ببرند دستهای ایشان وپایهای ایشانرا

مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ

از خلاف یکدیگر یا برانند ایشانرا از زمین آنست مرایشانرا رسوایی در دنیا ومرایشانرا بود

فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا

در آخرت عذابی بزرگ مگر آنها که توبه کردند از پیش آنکه توانایی یابید

عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا

بر ایشان پس بدانید که خدا آمرزگار مهربانست ای آنها که بگرویده اید بترسید

اللّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝

از خدا و بجویید با درگاه او وسیلتی و جهاد کنید در راه او تا بود که شما رستگاری یابید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا

بیستی که آنها که کافر شدند اگر بودی مرایشان را آنچه در زمین است همه و مانند آن با آن تا باز خرند

بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بدان خود را از عذاب روز قیامت پذیرفته نشود از ایشان و مرایشان را بود عذابی دردناک

يُرِيدُونَ أَن يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُم بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ

خواهند که بیرون آیند از آتش و نباشند ایشان بیرون آینده گان از آنجا و مرایشان را بود

عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً

عذابی جاوید و مرد دزد و زن دزد پس ببرید دستهای ایشان را پاداشت

بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَن تَابَ مِن

بآنچه ایشان اندوختند عقوبتی از نزد خدا و خدا آمرزگار [illegible] پس هر که توبه کند از

بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

پس ستم کردن او و کار باصلاح آورد پس خدا سهل کند برو بیستی که خدا آمرزگار مهربان

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ

ای ندانستی تو که خدا مراورا است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند آنرا که خواهد

يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ

و بیامرزد آنرا که خواهد و خدا بر همه چیزی تواناست ای رسول

لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ

اندوهگین مکناد ترا آنها که می شتابند در کفر از آنها که گفتند که بگرویدیم ما بدهنهای خود

وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ

و نگرویده بدلهای خود و از آنها که جهود شده شنونده گانند دروغ را

سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِن بَعْدِ

شنونده گانند مرگروهی دیگر را که نیایند بمجلس تو از دشمنی می گردانند سخن را از پس

مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَّمْ تُؤْتَوْهُ

موضع آن میگویند اگر بدهند شما را این کلام محرف پس قبول کنید آنرا و اگر نداده شود آنرا

فَاحْذَرُوا وَمَن يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَن تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

پس بپرهیزید و هر که خواهد خدا گمراهی و عذاب او را پس قادر نباشی مراورا از عذاب خدا چیزی

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَن يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

آن گروه آنهااند که نخواست خدا که پاک گرداند دلهای ایشان را مرایشان را بود در دنیا رسوائی

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ

و مرایشان را بود در آخرت عذابی بزرگ شنونده گانند دروغ را خورنده گانند

لِلسُّحْتِ فَإِن جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِن

حرام را پس اگر آیند بتو پس حکم کن میان ایشان یا برگرد از ایشان و اگر

تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم

برگردی از ایشان پس زیانی نتوانند کرد ترا چیزی و اگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان

بِالْقِسْطِ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ

بعدالت براستی که خدا دوست دارد عادلانرا وچگونه حکم میکرداننه ترا کهایمان بتو ندارند

وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ

ونزدیک ایشانست توریة درآن هست حکم خدا پس برگشتند از پس

ذٰلِكَ وَمَا أُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرٰىةَ فِيهَا هُدًى

آن ونیستند آن گروه مؤمنان براستی که ما فرستادیم ما توریة را درآن هست راهی

وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ

وروشنائی حکم بکنند بدان پیغمبران آنها که منقاد شدند مرآنهارا که جهود شدند

الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ وَكَانُوا

وخداشناسان ودانشمندان بدانچه طلب نگاه داشت کرده بودند از کتاب خدا وبودند

عَلَيْهِ شُهَدَآءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي

بران گواهان پس مترسید از مردمان وبترسید از من وازمگیرید بنشانهای من

ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰٓئِكَ

بهائی اندک را وهرکه حکم نکند بدانچه فرو فرستاد خدا پس آن گروه

هُمُ الْكَافِرُونَ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَآ أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ

ایشانند کافران وفرض کردیم ما بر یهودان در توریة که بکشید تن را بعوض تن

وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ

وچشم را ببدل چشم وبینی را ببدل بینی وگوش را ببدل گوش ودندانرا

بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ

ببدل دندان وجراحتها برابر پس هرکه تصدق کند بدان قصاص پس آن کفارتی بود مراورا

وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ وَقَفَّيْنَا

وهرکه حکم نکند بدانچه فرو فرستاد خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران ودرپی داشتیم ما

عَلٰىٓ آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ

بر اثرهای ایشان عیسی پسر مریم را براست دارنده مرآنچه در پیش آنست از توریة

وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

وبدادیم ما اورا انجیل درآن هست راهی وروشنائی وبراست دارنده مرآنچه درپیش آن بوده

مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ

از توریة وراهی وپندی بود مرپرهیزکارانرا وباید که حکم کنند اهل

الْإِنْجِيلِ بِمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَآ أَنْزَلَ اللّٰهُ فَأُولٰٓئِكَ

انجیل بدانچه فرو فرستاد خدای درآن وهرکه حکم نکند بدانچه فرو فرستاد خدا پس آن گروه

هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَآ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ

ایشانند فاسقان وفرو فرستادیم ما بتو قرآنرا بحق براست دارنده مرآنچه

يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ أَنْزَلَ

درپیش آنست از کتابها وحال آنکه شاهدست برو پس حکم کن میان ایشان بدانچه فرو فرستاد

اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ عَمَّا جَآءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا

ازخدا وپیروی مکن مرادهای ایشانرا ازانچه آمد بتو از حق مرهرکروی را بکردیم ما

منكم شرعة ومنهاجا ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة و
از شما آدينى دينى وراى روشن واگر خواستى خدا برانه گردانيدى شمارا يک گروه بر يک دين
لكن ليبلوكم فيما اتيكم فاستبقوا الخيرات الى الله
وليكن مى آزمايد شمارا در آنچه بداد شمارا پس پيشى گيريد بايكديگر بخيرات وبحسنات باخداست
مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون
بازگشت شما همه پس بياگاهاند شمارا بدآنچه شما در آن اختلاف كرده باشيد
وان احكم بينهم بما انزل الله ولا تتبع اهواءهم واحذرهم
وآنكه حكم كن ميان ايشان بدآنچه فروفرستاد خدا و پيروى مكن مرادهاى ايشانرا وحذر كن از ايشان
ان يفتنوك عن بعض ما انزل الله اليك فان تولوا فاعلم انما يريد
كه مايل بگردانند ترا از بعضى آنچه فروفرستاد خدا بتو پس اگر برگردند پس بدان كه ميخواهد
الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم وان كثيرا من الناس لفاسقون
خدا كه برساند بديشان بسبب بعضى گناهان ايشان و بدرستى كه بسيارى از مردمان هرآئنه فاسقانند
افحكم الجاهلية يبغون ومن احسن من الله حكما لقوم
اى پس حكم اهل جاهليت ميجويند وكيست نيكوتر از خدا از روى حكم مر گروهى را
يوقنون • يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى
كه يقين شوند اى آنها كه بگرويده ايد فرا مگيريد جهودانرا و ترسايانرا
حزب
اولياء بعضهم اولياء بعض ومن يتولهم منكم فانه منهم
بدوستان بعضى ايشان دوستان بعضى اند وهركه دوستى كند با ايشان از شما پس او از ايشان بود

ان الله لا يهدى القوم الظالمين • فترى الذين فى قلوبهم مرض
بدرستى كه خدا راه ننمايد گروه ستمكارانرا پس بينى آنهارا كه در دلهاى ايشان بيمارى شک ونفاق
يسارعون فيهم يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة فعسى الله ان
بزودى رغبت ميكنند در دوستى ايشان ميگويند مى ترسيم كه برسد بما حادثه پس شايد بود كه خدا
يأتى بالفتح او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم
آورد دليشان فتح را يا فرمانرا از نزد خود پس گشتند بر آنچه پنهان داشته بودند در تنهاى خود
نادمين • ويقول الذين امنوا اهؤلاء الذين اقسموا بالله جهد
پشيمانان وميگويند آنها كه بگرويدند اى اين گروه آنهااند كه سوگند خوردند بخدا سوگندان
ايمانهم انهم لمعكم حبطت اعمالهم فاصبحوا خاسرين
مغلظ ايشان بدرستى كه ايشان باشمااند باطل شد عملهاى ايشان پس گشتند زيانكاران
يا ايها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتى الله
اى آنها كه بگرويده ايد هركه برگردد از شما از دين خود پس زود آورد خدا
بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين
گروهى را كه دوست دارد ايشانرا و دوست دارند اورا فروتنان بر مؤمنان دشوارگيرندگان بر كافران
يجاهدون فى سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله
[illegible] ملامت كننده آنست فضل خدا
يؤتيه من يشاء والله واسع عليم • انما وليكم الله ورسوله
بدهد آنرا آنرا كه خواهد وخدا فراخ رحمت داناست بدرستى كه دوست شما خداست و رسول او

وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

وآنها که بگرویدند آنهااند که بپای میدارند نمازرا ومیدهند زکاترا وایشان دران حالت رکوع کنندگانند

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

وهرکه دوستی کند با خدا ورسول او وآنها که بگرویدند پس بدرستی که گروه خدا ایشانند غالبان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوًا

ای آنها که بگرویده اید فرا مگیرید آنهارا که فرا گرفتند دین شمارا باستهزا

وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ

وببازی از آنها که بداده شد ایشانرا کتاب پیش از شما وکافرانرا ٥

أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى

بدوستان وبترسید از خدا اگر هستید شما مؤمنان وچون خوانند شمارا

الصَّلٰوةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

بنماز فرامیگیرند آنرا باستهزا وببازی آن بسبب آنست که ایشان گروهی که درنمی یابند

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللّٰهِ

بگو ای یهود ونصاری هیچ عیب میکنید از ما مگر آنکه بگرویدیم ما بخدا

وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

وبآنچه فرو فرستاده شد بما وبدانچه فرو فرستاده شد از پیش وآنکه بیشترین شما فاسقانند

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللّٰهِ مَنْ لَعَنَهُ اللّٰهُ

بگو ای بیاگاهانم شمارا ببدتر از آنان که پاداش داده شوید نزد خدا آنست که لعنت کرد اورا خدا

وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ

وخشم گرفت برو وبدید گردانید از ایشان بوزنگانرا وخوکانرا وپرستیدن ایشان

الطَّاغُوتَ أُولٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

بتانرا آن گروه بدترند بجایگاه وگمراه‌تر از راستی راه

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ

وچون آیند بشما گویند بگرویدیم ما وبدرستی که درآمدند بکفر وایشان بدرستی

خَرَجُوا بِهِ وَاللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ وَتَرَى كَثِيرًا

که بیرون رفتند بدان وخدا داناتر بدانچه ایشان بازی پوشانند وبینی تو بسیاری را

مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ

از ایشان می شتابند در بزه ودشمنی وخوردن ایشان حرام را هرآینه بدست

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ

آنچه ایشان میکنند چرا نهی نکردند ایشانرا خداشناسان ودانشمندان از

قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

گفتار ایشان بزه را وخوردن ایشان حرام را هرآینه بدست آنچه ایشان میسازند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا

وگفتند جهودان ید قدرت خدا ممنوعست از افاضت رزق بسته باد دستهای ایشان باکردن ولعنت کرده شدند بدانچه گفتند

بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا

بلکه دو دست قدرت او گشاده است بافاضت نفقت کند چنانکه خواهد وهرآینه زیاده کند بسیاری را از ایشان آنچه

أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ
فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو از ستم و ناسپاسی و انداختیم ما میان ایشان دشمنی و
الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ
خشم تا روز قیامت هرگاه که خواهند که برافروزند آتشی را برای کارزار بنشاند آنرا خدا
وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَوْ أَنَّ
و می شتابند در زمین بتباهی و خدا دوست ندارد تباهی کنندگانرا و اگر آنکه
أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ
اهل کتاب بگرویدی و بپرهیزیدی هرآینه بازپوشانیدمی از ایشان بدیهای ایشانرا و هرآینه درآوردمی ایشانرا
جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِم
در بهشتهای با نعمت و اگر آنکه ایشان بپای داشتندی احکام توریة و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بدیشان
مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِم مِّنْهُمْ أُمَّةٌ
از پروردگار ایشان هرآینه خوردندی از بالای ایشان و از زیر پایهای ایشان از ایشان هست گروهی
مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
میانه نگه دارنده و بسیاری از ایشان بدست آنچه کار میکنند ای پیغمبر
بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
برسان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو و اگر نکنی پس نرسانیده رسالتهای اورا و خدا
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ قُلْ يَا أَهْلَ
نگه دارد ترا از مردمان بدرستی که خدا راه ننماید گروه کافرانرا بگو ای اهل

الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَمَا أُنزِلَ
کتاب نیستید شما بر چیزی تا بپای دارید احکام توریة را و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد
إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ
بشما از پروردگار شما و هرآینه بیفزاید بسیاری را از ایشان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو
طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا
از دشمنی و ناسپاسی پس اندوه مخور بر گروه کافران بدرستی که آنها که بگرویدند
وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
و آنها که جهود شدند و از دین بیرون شوندگان و ترسایان هرکه بگروید بخدا و بروز آخرت
وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ لَقَدْ
و کارهای نیکو کند پس هیچ ترسی نبود بریشان و نه ایشان اندوهگین باشند بدرستی
أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ
که فرا گرفتیم ما عهد را از فرزندان یعقوب و بفرستادیم ما بدیشان رسولانرا هرگاه که آمدی بدیشان
رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا
رسولی بآنچه نخواهد تنهای ایشان گروهی را دروغ داشتند و گروهی را
يَقْتُلُونَ ۝ وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ
میکشتند و پنداشتند که نباشد امتحان و ازمایش پس کور شدند و کر شدند پس [illegible] خدا
عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ
بریشان پس کور شدند و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا [illegible]

لقد كفر الذين قالوا إن الله هو المسيح ابن مريم وقال المسيح يا

ای بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند که خدا عیسی است پسر مریم و گفت عیسی ای

بني إسرائيل اعبدوا الله ربي وربكم إنه من يشرك بالله

بنی اسرائیل بپرستید خدا را که پروردگار منست و شما بدرستی که هر که انباز قرار دارد بخدا

فقد حرم الله عليه الجنة ومأواه النار وما للظالمين من

پس بدرستی که حرام گردانید خدا برو بهشت را و جایگاه او آتش بود و نبود مر ستمکاران را هیچ

أنصار • لقد كفر الذين قالوا إن الله ثالث ثلاثة وما من إله إلا إله

یاری کننده بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند که خدا سیم سه خداست و نیست هیچ خدایی مگر

واحد وإن لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا منهم

خدای یکتای یگانه و اگر باز نایستید از آنچه میگویند هر آینه برسد بآنها که کافر شدند از ایشان

عذاب أليم • أفلا يتوبون إلى الله ويستغفرونه والله غفور

عذابی دردناک ای پس باز نیایند بدرگاه خدا و آمرزش خواهند ازو و خدا آمرزگار

رحيم • ما المسيح ابن مريم إلا رسول قد خلت من قبله

مهربانست نیست عیسی پسر مریم مگر رسولی بدرستی که گذشته شدند پیش ازو

الرسل وأمه صديقة كانا يأكلان الطعام انظر

رسولان و مادر او راست گوی بود بودند هر دو میخوردند طعام را ببنگر

كيف نبين لهم الآيات ثم انظر أنى يؤفكون • قل

که چگونه روشن میکنیم مر ایشان را نشانها را پس بنگر که چگونه برگردانیده میشوند از حق بگو

أتعبدون من دون الله ما لا يملك لكم ضرا ولا نفعا والله هو السميع

ای می پرستید از جز خدای آنچه نه سود کند مر شما را و نه زیان دهد و خدا اوست شنوا

العليم • قل يا أهل الكتاب لا تغلوا في دينكم غير

و دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دین شما از حد اعتدال

الحق ولا تتبعوا أهواء قوم قد ضلوا من قبل وأضلوا كثيرا

بناحق و پیروی مکنید مرادهای گروهی را که گمراه شدند از پیش و گمراه گردانیدند بسیاری را

وضلوا عن سواء السبيل • لعن الذين كفروا من بني إسرائيل

و گمراه شدند از راستی راه بلعنت کرده شدند آنها که کافر شدند از بنی اسرائیل

على لسان داود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون

بر زبان داود در زبور و عیسی پسر مریم آن بسبب آنست که ایشان عاصی شدند و بودند از حد درگذشتگان

كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا يفعلون

بودند باز نمی ایستادند از ناشایستی که میکردند آنرا هر آینه بدست آنچه ایشان میکنند

ترى كثيرا منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت لهم

می بینی تو بسیاری را از ایشان که دوستی میکنند با آنها که کافر شدند هر آینه بدست آنچه فرا پیش داشت مر ایشان را

أنفسهم أن سخط الله عليهم وفي العذاب هم خالدون

تنهای ایشان که خشم خدای باد بر ایشان و در عذاب ایشان همیشه باشند

ولو كانوا يؤمنون بالله والنبي وما أنزل إليه ما اتخذوهم

و اگر ایشان بگرویدندی بخدا و به پیغمبر و بآنچه فرو فرستاده شد بدو فرا نگرفتندی ایشان

أولياء ولكن كثيرا منهم فاسقون • لتجدن أشد الناس
بدوستان ولیکن بیشترین ازیشان فاسقانند هرآینه یابی سختترین مردمانرا
عداوة للذين آمنوا اليهود والذين أشركوا ولتجدن
بدشمنی مرآنهارا که بگرویده‌اند جهودان وآنهارا که بت پرستند وهرآینه یابی
أقربهم مودة للذين آمنوا الذين قالوا إنا نصارى ذلك
نزدیکترین ایشانرا بدوستی مرآنهارا که بگرویده‌اند وآنهارا که گفتند که ما ترسایانیم آن قرب بودن
بأن منهم قسيسين ورهبانا وأنهم لا يستكبرون
بسبب آنست که ازیشان بودند علما وزهاد وآنکه ایشان گردنکشی نکردند
وإذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع الجزو ٧
وچون شنوند آنچه فرو فرستاده شد برسول بینی تو چشمهای ایشانرا که میرود اشک ازان
مما عرفوا من الحق يقولون ربنا آمنا فاكتبنا مع الشاهدين
ازانچه شناختند آنرا از سخن حق میگویند ای پروردگار ما بگرویدیم پس بازنویس مارا با گواهی دهندگان
وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع أن يدخلنا
وچیست مارا که نمی گرویم بخدا وبدانچه آمد بما از سخن حق وطمع داریم که دراورد مارا
ربنا مع القوم الصالحين • فأثابهم الله بما قالوا جنات تجري
پروردگار ما با زمرهٔ گروه نیکوکاران پس پاداشت داد ایشانرا خدا بدآنچه گفتند ببستانهائی که میرود
من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك جزاء المحسنين
از زیر آن جویها همیشه باشند درانجا وآنست پاداشت نیکوکاران

والذين كفروا وكذبوا بآياتنا أولئك أصحاب الجحيم • يا أيها الذين
وآنها که کافر شدند وبدروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه اصحاب دوزخند ای آنها
آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب
که بگرویده‌اید حرام مدارید پاکیها آنچه حلال کرد خدا مرشمارا واز حد درمگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد
المعتدين • وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا واتقوا الله
از حد درگذرندگانرا وبخورید ازآنچه روزی کرد شمارا خدا حلال پاک وبترسید ازخدا
الذي أنتم به مؤمنون • لا يؤاخذكم الله باللغو في أيمانكم و
آن خدائی که شما بدو بگرویده‌اید فرا نگیرد شمارا خدا بنافرجام درحق سوگندان شما
لكن يؤاخذكم بما عقدتم الأيمان فكفارته إطعام
ولیکن فراگیرد شمارا بدانچه استوار گردانیده‌اید بقصد ونیت پس کفارت آن طعام دادن
عشرة مساكين من أوسط ما تطعمون أهليكم أو كسوتهم
بده بیچاره بود از طعامهای میانه که میخورید اهل خودرا یا جامه پوشانید ایشانرا
أو تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام ثلاثة أيام ذلك كفارة
یا آزاد کردن بنده بود پس هرکه نیابد پس بود روزه داشتن سه روز آنست کفارت
أيمانكم إذا حلفتم واحفظوا أيمانكم كذلك يبين
سوگندان شما چون سوگند خوردید شما ومحافظت نمائید سوگندان خودرا همچنین روشن میکند
الله لكم آياته لعلكم تشكرون • يا أيها الذين آمنوا إنما الخمر
خدا مرشمارا نشانهای خود تا بود که شما شکر کنید ای آنها که بگرویده‌اید بدرستی که شراب

وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ

و قمار و آن چوبها که بر آن نشان میکنند و تیرهای قمار که بدان فال میگیرند پلید است از کار دیو است پس دور شوید از آن

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ

تا بود که شما رستگاری یابید بدرستی که میخواهد دیو که واقع شود میان شما دشمنی

وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

و خشم در خمر خوردن و قمار باختن و باز دارد شما را از یاد کرد خدا

وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

و از نماز پس ای هیچ شما باز ایستنده اید از آنها و فرمان برید خدا را و فرمان برید

الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ

پیغمبر را و بترسید از و پس اگر برگردید شما پس بدانید که بر رسول ما رسانیدن

الْمُبِينُ ۝ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا

روشن نیست بر آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند بزه در آنچه

طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا

تناول کردند پیش از تحریم خمر و قمار چون بپرهیزیدند از شرک و بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس بپرهیزیدند و بگرویدند

ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پس بپرهیزیدند از ستم بر خلق و نیکویی کردند و خدا دوست دارد نیکوکاران را ای آنها که بگرویدید

لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ

هر آینه بیازماید شما را خدا بچیزی از صید که دریابند آن را دستهای شما و نیزه‌های شما

لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

تا جدا باز کند خدا آن را که بترسد از و بناپیدا پس هر که در گذرد از حد پس از آن پس مر او را بود عذابی

أَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ

دردناک ای آنها که بگرویده اید مکشید صید را و شما در حالت احرام باشید و هر که بکشد آن را

مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ

از شما بعمدا پس بر او بود پاداشت مانند آنچه بکشته بود از چهارپایان حکم کند بدان بدل

ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ

دو خداوند عدالت از شما قربانی رسنده بکعبه یا کفارتی بود طعام دادن

مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا

بیچیزان را یا بدل آن طعام روزه داشتن تا بچشد عقوبت کار خود را عفو فرمود

اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو

خدا از آنچه گذشت و هر که باز گردد پس کینه باز خواهد خدا از و و خدا ارجمند است خداوند

انْتِقَامٍ ۝ أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ

کینه کشیدن حلال کرده شد مر شما را صید دریا و خوردنی آن برخورداری مر شما را

وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا

و مر روندگان را و حرام کرده شد بر شما صید بیابان مادام که شما در حال احرام باشید و بترسید

اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ

از خدا آن خدایی که بسوی او حشر کرده شوند گردانید خدا خانه کعبه را خانه حرام

قيٰما للناس والشهر الحرام والهدى والقلائد ذلك لتعلموا

انتعاشی برای مردمان در امور دین و دنیا و ماههای حرام و قربان را و خاصه آنها که بقلاده نشان کرده باشند آن بهر آنست که

ان الله يعلم ما في السموات وما في الارض وان الله بكل شيء

بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و آنکه خدا بهمه چیزی

عليم ۝ اعلموا ان الله شديد العقاب وان الله غفور

داناست بدانید که خدا سخت عقوبتست و آنکه خدا آمرزکار

رحيم ۝ ما على الرسول الا البلاغ والله يعلم ما تبدون وما

مهربانست نیست بر رسول مگر رسانیدن پیغام و خدا میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه

تكتمون ۝ قل لا يستوي الخبيث والطيب ولو اعجبك

باز می پوشند بگو یکسان نیست حرام و حلال و اگرچه بشگفت آورد ترا

كثرة الخبيث فاتقوا الله يا اولي الالباب لعلكم تفلحون ۝

بسیاری از حرام پس بترسید از خدا ای خداوندان خردها تا بود که شما رستگاری یابید

يا ايها الذين امنوا لا تسئلوا عن اشياء ان تبد لكم تسؤكم

ای آنها که بگرویده اید مپرسید از چیزهایی که اگر آشکارا کنند شمارا برنج آورد شمارا

وان تسئلوا عنها حين ينزل القران تبد لكم عفا الله

و اگر درخواسید از آن هنگامی که فرو فرستاده شد قرآن یعنی در حیات رسول آشکارا کرده شود شمارا درگذشت خدا

عنها والله غفور حليم ۝ قد سألها قوم من قبلكم ثم اصبحوا

از آن و خدا آمرزکار مهربانست بدرستی که پرسیدند آنرا گروهی که پیش از شما بودند پس گشتند

بها كافرين ۝ ما جعل الله من بحيرة ولا سائبة ولا وصيلة

بدان کافران بدید نکرد خدا تحریم هیچ ناقه و نه هیچ ناقه بجهت چرا گذاشته

ولا حام ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

و نه هیچ فحلی که از صلب او ده نتاج حاصل آمده و لیکن آنها که کافر شدند بر می بافند بر خدا دروغ را

واكثرهم لا يعقلون ۝ واذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل

و بیشترین ایشان نمیدانند و چون گویند مرایشانرا بیایید بآنچه فرو فرستاد

الله والى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه اباءنا اولو كان

خدا و برسول گویند پسندیده است مارا آنچه یافتیم ما بران پدران خود را ای اگر بودند

اباؤهم لا يعلمون شيئا ولا يهتدون ۝ يا ايها الذين امنوا

پدران ایشان ندانستید چیزی را و راه نیافتند ایشان نیز چنین خواهند بود ای آنها که بگرویده اید

عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم الى

بر شما باد اصلاح حال خود که زیان نتواند رسانید شمارا آنکه گمراه شد چون راه یافته باشید شما با

الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ يا ايها

خدا است بازگشت شما همه پس آگاه گرداند شمارا بآنچه شما کرده باشید ای

الذين امنوا شهادة بينكم اذا حضر احدكم الموت

آنها که بگرویده اید بر شما باد گواهی میان شما چون حاضر آید یکی از شما اسباب مرگ

حين الوصية اثنان ذوا عدل منكم او اخران من غيركم

هنگام وصیت کردن دو خداوند عدل از شما یا دو دیگر جز از شما که اقارب میت باشند

إِنْ أَنتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُم مُّصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا

اگر شما سفر کنید در زمین پس رسد بشما مصیبتی از مرگ بازدارید آن دو کس را

مِن بَعْدِ الصَّلَوٰةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ

از پس نماز دیگر که اجتماع مردمست پس سوگند خورند بخدا که اگر بشک شوید شما نخریم بدان

ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا

بهائی را واگر چه باشد خداوند خویشی و بازنپوشیم گواهی خدا را بدرستی که ما آنگه

لَّمِنَ الْآثِمِينَ ۝ فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ

از بزهکاران باشیم پس اگر مطلع شوند بر آن دو که سزاوار گشتند بزه را پس دو کس دیگر گواهی دهند

مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ

بجای ایشان از آنها که سزاوار شده باشند بر ایشان اولیان اقارب میت پس سوگند خورند بخدا

لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِن شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ۝

که براینه گواهی ما سزاوارترست از گواهی آن دو و از عدالت تجاوز ننمودیم که ما آنگه از جمله ستمکاران باشیم

ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ

آنچه گفتیم از رد شهادت نزدیکترست که آیند بگواهی بر آن وجه که باید یا ترسند که رد کند

أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

سوگندهای دیگر پس سوگندان ایشان و بترسید از خدا و بشنوید و خدا راه ننماید گروه

الْفَاسِقِينَ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ

فاسقان را روزی که جمع کند خدا رسولان را پس گوید چه چیز پاسخ کردید شما

قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ

گویند نیست دانش مارا بدرستی که توئی داننده غیبها چون گفت خدا ای عیسی پسر

مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ

مریم یاد کن نعمت مرا بر تو و بر مادر تو چون نیرومند گردانیدم ترا بجبرئیل

الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ

پاک سخن میگفتی با مردمان در گهواره و در حالت کهولت بی تفاوت و چون در آموختم ترا

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ

کتاب و حکمت و توریة و انجیل و چون میساختی تو از گل

كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَ

همچون شکل مرغ بفرمان من پس در میدمیدی در آن پس می بود مرغی بفرمان من و

تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَ

و بهی میکردی نابینای مادر زاد را و پیس را بفرمان من و چون بیرون می آوردی مردگان را از گور بفرمان من و

إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ

چون بازداشتم شر جهودان بنی اسرائیل را از تو چون آمدی بدیشان بحجتها

فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ وَإِذْ أَوْحَيْتُ

پس گفتند آنها که کافر شدند از ایشان نیست این مگر جادوئی روشن و چون وحی فرستادم

إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا

بسوی این یاران تو که بگروید بمن و برسول من گفتند بگرویدیم و گواه باش که ما

حزب

مسلمون ۝ إذ قال الحواريون يا عيسى ابن مريم هل يستطيع ربك
مسلمانانیم چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم ای توانائی دارد پروردگار تو
أن ينزل علينا مائدة من السماء قال اتقوا الله إن كنتم
که فرو فرستد بر ما خوانی آراسته از آسمان گفت بترسید از خدا اگر هستید شما
مؤمنين ۝ قالوا نريد أن نأكل منها وتطمئن قلوبنا و
گروندگان گفتند میخواهیم که بخوریم از آن و آرام گیرند دلهای ما
نعلم أن قد صدقتنا ونكون عليها من الشاهدين
و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر آن از جمله گواهی دهندگان
قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا أنزل علينا مائدة من السماء
گفت عیسی پسر مریم ای بار خدایا ای پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی از آسمان
تكون لنا عيدا لأولنا وآخرنا وآية منك وارزقنا وأنت
تا باشد ما را چون عیدی مر اولینان ما را و آخرینان ما را و نشانی بود از تو و روزی ده ما را و توئی
خير الرازقين ۝ قال الله إني منزلها عليكم فمن يكفر بعد
بهترین روزی دهندگان گفت خدا بدرستیکه من فرو فرستنده ام آن را بر شما پس هر که کافر شود پس از آن
منكم فإني أعذبه عذابا لا أعذبه أحدا من العالمين ۝ وإذ
از شما پس من عذاب کنم او را عذابی که عذاب نکرده باشم بدان هیچ یکی را از جهانیان و چون
قال الله يا عيسى ابن مريم أنت قلت للناس اتخذوني وأمي
گوید خدا ای عیسی پسر مریم ای تو گفتی مر مردمان را که فرا گیرید مرا و مادر مرا

إلهين من دون الله قال سبحانك ما يكون لي أن أقول ما ليس لي
دو خدایان از جز خدا بمعبودی گوید پاک و منزهی تو نیست مرا که گویم آنچه نیست مرا
بحق إن كنت قلته فقد علمته تعلم ما في نفسي ولا أعلم
سزاوار اگر گفته ام آن را پس بدرستی که بدانی تو آن را میدانی تو آنچه در ضمیر منست و نمیدانم
ما في نفسك إنك أنت علام الغيوب ۝ ما قلت لهم إلا ما
آنچه معلوم ذات تست بدرستی که توئی داننده غیبها نگفتم مر ایشان را مگر آنچه
أمرتني به أن اعبدوا الله ربي وربكم وكنت عليهم
فرمودی مرا بدان که بپرستید خدا را که پروردگار منست و شما و بودم بر ایشان
شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم
گواه مادام که در میان ایشان بودم پس چون بمیرانیدی مرا بودی تو نگهبان بر ایشان
وأنت على كل شيء شهيد ۝ إن تعذبهم فإنهم عبادك و
و تو بر همه چیزی حاضر و دانائی اگر عذاب کنی ایشان را پس بدرستی که ایشان بندگان تواند
إن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم ۝ قال الله هذا يوم
و اگر بیامرزی مر ایشان را پس بدرستی که توئی غالب محکم کار گوید خدا اینست روزی
ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجري من تحتها الأنهار
که سود کند راستان را راست گویی ایشان مر ایشان راست بوستانهای که میرود از زیر آن جویها
خالدين فيها أبدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز
جاوید باشند در آنجا همیشه خشنود بود خدا از ایشان و خشنود باشند از او آنست رستگاری

العظيم ۝ لله ملك السموات والأرض وما فيهن وهو على كل
بزرگ مر خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر همه

شيء قدير
چیزی تواناست

سورة الانعام مائة وخمس وستون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای روزی دهنده مهربان

الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات
شکر وسپاس مر خدای را آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین را و پدید کرد تاریکیها

والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون ۝ هو الذي خلقكم
و روشنایی را پس آنها که کافر شدند به پروردگار خود برابری میکنند اوست آن خدایی که آفرید شمارا

من طين ثم قضى أجلا وأجل مسمى عنده ثم أنتم تمترون
از گل پس حکم کرد وقت موت را و اجلی نام نهاده را نزد خود پس شما بشک میشوید

وهو الله في السموات وفي الأرض يعلم سركم وجهركم
واوست خدا در آسمانها و در زمین میداند پنهان شمارا و آشکارای شمارا

ويعلم ما تكسبون ۝ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا
و میداند آنچه میکنید شما و نیامد بدیشان هیچ نشانی از نشانهای پروردگار خود مگر

كانوا عنها معرضين ۝ فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف
که بودند از آن برگردندگان پس بدرستی که دروغ داشتند قرآن را چون آمد بدیشان پس زود

فواصلها

يأتيهم أنباء ما كانوا به يستهزئون ۝ ألم يروا كم أهلكنا
آید بدیشان خبرهای آنچه ایشان بدان استهزا میکردند ای ندیدند که چند هلاک کردیم

من قبلهم من قرن مكناهم في الأرض ما لم نمكن لكم
پیش از ایشان از گروهانی که تمکین داده بودیم ایشانرا در زمین آنچه تمکین ندادیم مر شمارا

وأرسلنا السماء عليهم مدرارا وجعلنا الأنهار تجري
و فرستادیم ما ابر آسمان برایشان باران ریزان و پدید کردیم جویهارا که میرود

من تحتهم فأهلكناهم بذنوبهم وأنشأنا من بعدهم
از زیر پای ایشان پس هلاک کردیم ما ایشانرا بسبب گناهان ایشان و آفریدیم از پس ایشان

قرنا آخرين ۝ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه
گروهانی دیگر را واگر فرستادیمانی بر تو کتابی در کاغذی پس بپرماسندی آنرا

بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين ۝ وقالوا لولا
بدستهای خود تا بگفتندی آنها که کافر شدند نیست این مگر جادویی روشن و گفتند چرا

أنزل عليه ملك ولو أنزلنا ملكا لقضي الأمر ثم لا
فرو فرستاده نشد برو فرشته واگر فرو فرستادمانی فرشته را هرآینه گزارده شدی کار هلاک ایشان پس

ينظرون ۝ ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا وللبسنا
زمان داده نشدندی اگر گردانیدمانی اورا فرشته هرآینه گردانیدمانی اورا بصورت مردی و درپوشانیدیمانی

عليهم ما يلبسون ۝ ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق
برایشان آنچه ایشان در می پوشند و بدرستی که استهزا کرده شد برسولانی که پیش از تو بودند پس
مشتبه میکنند برخود

بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون ○ قل سيروا في
بآنها كه استهزا داشتند ايشان آنچه بودند بدان استهزا ميكردند بگو برويد در
الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين ○ قل
زمين پس بنگريد كه چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان بگو
لمن ما في السموات والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم
كراست آنچه در آسمانهاست و زمين بگو مر خداى راست واجب گردانيد بر ذات پاك خود رحمت را كه جمع كند شما را
الى يوم القيمة لا ريب فيه الذين خسروا انفسهم فهم
در روز قيامت هيچ شكى نيست در آن آنها كه زيانكار آمدند بر تنهاى خود پس ايشان
لا يؤمنون ○ وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع
نمى گروند و مر اوراست آنچه آرام گرفت در شب و روز و او شنواى
العليم ○ قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض وهو
داناست بگو آيا بجز خدا فراگيرم دوستى كه آفريننده آسمانهاست و زمين و او
يطعم ولا يطعم قل انى امرت ان اكون اول من اسلم ولا تكونن
طعام دهد و طعام ندهند اورا بگو بدرستى كه فرموده اند مرا كه باشم اول آنكه منقاد شد و مباش
من المشركين ○ قل انى اخاف ان عصيت ربى عذاب يوم
از جمله انباز آرندگان بگو بدرستى كه من مى ترسم اگر عاصى شوم پروردگار خود از عذاب روزى
عظيم ○ من يصرف عنه يومئذ فقد رحمه وذلك الفوز
بزرگ هركه مصروف شود از او عذاب آن روز پس بدرستى كه رحمت كرده شد اورا و آنست رستگارى

المبين ○ وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان
روشن و اگر برساند بتو خدا زيانى پس بردارنده نبود مرآنرا مگر او و اگر
يمسسك بخير فهو على كل شيء قدير ○ وهو القاهر فوق
برساند بتو خيرى پس او بر همه چيزى تواناست و اوست قهر كننده بالاى
عباده وهو الحكيم الخبير ○ قل اى شيء اكبر شهادة قل الله
بندگان خود و اوست محكم كار آگاه بگو كدام چيز بزرگترست از گواهى دادن بگو خدا
شهيد بيني وبينكم واوحي الى هذا القران لانذركم
گواهست ميان من و ميان شما و وحى كرده شد بمن اين قرآن تا بيم كنم شما را
به ومن بلغ ائنكم لتشهدون ان مع الله الهة اخرى قل
بدو و آنرا كه برسد تا روز قيامت اى شما هرآينه گواهى ميدهيد كه با خدا خدايان ديگرست بگو
لا اشهد قل انما هو اله واحد وانني برىء مما تشركون
گواهى نميدهم بگو بدرستى كه او يكى خداست و بدرستى كه من بيزارم از آنچه انباز ميگيريد بدو
الذين اتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم الذين
آنها كه بداديم ايشانرا كتاب بشناسند همچنانكه مى شناسند پسران خود را آنها كه
خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون ○ ومن اظلم ممن افترى
زيانكار آمدند برتنهاى خود پس ايشان نمى گروند و كيست ستمكارتر از آنكه بربافت
على الله
بر خداى
كذبا او كذب بايته انه لا يفلح الظلمون ○ ويوم نحشرهم
دروغ را يا دروغ داشت نشانهاى اورا بدرستى كه رستگارى نيابند ستمكاران و روزى كه حشر كنيم ايشانرا

جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ
همه • پس گوییم مر آنهارا که انباز فرا داشتند که کجا شدند انبازان شما آنها که بودید شما
تَزْعُمُونَ • ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا
دعوی میکردید • پس نبود آزمایش ایشان مگر آنک گفتند بحق خدا که پروردگار ماست نبودیم
مُشْرِكِينَ • انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ
انباز فرادارندگان • بنگر که چگونه دروغ بستند بر تنهای خود وگم شود از ایشان
مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ • وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا
آنچه ایشان بر بافته باشند • وازیشان کس هست که گوش باز نهد بتو • وگردانیدیم
عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ
بر دلهای ایشان پوششی که درنیابند آنرا • ودر گوشهای ایشان گرانی است واگر
يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ
ببینند هر نشانی نگروند بدان تا چون آیند بتو خصومت کنند با تو میگویند آنها
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ • وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ
که کافر شدند نیست این مگر افسانهای پیشینیان • وایشان باز میدارند مردم را از متابعت رسول
وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ
وخود نیز دور میشوند ازو • وهلاک نمیکنند مگر تنهای خودرا • وایشان نمیدانند
وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ
واگر ببینی که چون بازداشته شوند بر آتش پس گویند ای کاشکی ما را باز میگردانیدندی بدنیا وبدروغ نداشتمانی

بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ • بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا
بنشانهای پروردگار ما وبودمانی از جملهٔ مؤمنان • بلک ظاهر شود مرایشانرا آنچه ایشان
يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ
پنهان داشته باشند ازپیش • واگر بازگردانیده شدندی مرآینه عود کردندی مر آنچه نهی کرده شدند ازان • وبدرستی که ایشان
لَكَاذِبُونَ • وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ
مرآینه دروغ گویانند • وگفتند نیست این مگر زندگانی ما در دنیا ونباشیم ما عذاب کردگان
وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى
واگر ببینی تو که چون بازداشته شوید بر جزاء پروردگار خود گوید خدا ای نیست این بحق • گویند آری
وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ • قَدْ خَسِرَ
بحق پروردگار ما گوید خدا پس در چشید عذاب بسبب آنچه شما کافر شدید • بدرستی که زیانکار آمدند
الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّى إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً
آنها که بدروغ داشتند • بازرسیدن با خدا تا چون آید بدیشان قیامت ناگاه
قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
گویند ای اندوها بر ما بر آنچه تقصیر کردیم ما در دنیا • وایشان بردارند بار گناهان خودرا
عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ • وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ
بر پشتهای خود • بدان که بدست آنچه برمیدارند • ونیست زندگانی دنیا مگر بازی
وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
وافزونی • ومرآینه سرای آخرت بهتر مرآنهارا که پرهیزند • ای پس استعمال عقل نمیکنید

قد نعلم انه ليحزنك الذى يقولون فانهم لا يكذبونك ولكن
بدرستی که میدانیم که اندوهگین میکرداند ترا آنچه میگویند پس بدرستی که ایشان بدروغ نمیدارند ترا ولیکن
الظالمين بايات الله يجحدون • ولقد كذبت رسل من
ستمکاران بنشانهای خدا انکار میکنند ودرستی که بدروغ داشتند رسولان را که
قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا حتى اتيهم نصرنا و
پیش از تو بودند پس صبر کردند بر آنچه بدروغ داشته شدند ورنجانیده شدند تا آمد بدیشان نصرت ما
لا مبدل لكلمات الله ولقد جاءك من نبإى المرسلين •
ونیست بدل کننده مر سخنان خدا را وبدرستی که آمد بتو از خبر رسولان
وان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغى
واگر بزرگ است بر تو برگردیدن ایشان از دین توحید وحی پس اگر توانائی داری تو که بجوئی
نفقا فى الارض او سلما فى السماء فتاتيهم باية ولو شاء الله
فرو شدنی در زمین یا نردبانی که برآئی در آسمان پس آوری بدیشان معجزه واگر خواستی خدا
لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين • انما
هر آینه جمع کردی ایشان را بر راه راست پس مباش [illegible] از نادانان بدرستی
يستجيب الذين يسمعون والموتى يبعثهم الله ثم اليه
که پاسخ کنند وبگروند بتو آنها را که می شنوند بسمع قبول ومردگان را برانگیزانند ایشان را خدا پس بجزای او
يرجعون • وقالوا لولا نزل عليه اية من ربه قل ان الله قادر
بازگردانیده شوند وگفتند چرا فرو فرستاده اند بروی نشانی از پروردگار او بگو بدرستی که خدا توانا

ما

على ان ينزل اية ولكن اكثرهم لا يعلمون • وما من دابة فى
بر آنکه فرو فرستد نشانی • ولیکن بیشترین ایشان نمیدانند ونیست هیچ جنبنده در
الارض ولا طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم ما فرطنا فى
زمین ونه پرنده که پرد بهر دو بال خود مگر که گروهانی اند مانند شما اهمال نکردیم ما در
الكتاب من شىء ثم الى ربهم يحشرون • والذين كذبوا باياتنا
قرآن تا در لوح هیچ چیزی پس با پروردگار ایشان حشر کرده شوند وآنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را
صم وبكم فى الظلمات من يشإ الله يضلله ومن يشا يجعله
ایشان کرانند گنگانند در تاریکیهای اند آن را که خواهد خدا گمراه کند او را وآن را که خواهد بکند او را
على صراط مستقيم • قل ارايتكم ان اتيكم عذاب الله
بر راه راست بگو ای چون ببینید شما اگر آید بشما عذاب خدا
او اتتكم الساعة اغير الله تدعون ان كنتم صادقين •
یا آید شما قیامت ای بجز از خدا میخوانند اگر هستید شما راست گویان
بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون
بلکه او را برخوانید پس بردارد آنچه برخوانند آن را با خود اگر خواهد وفراموش کنید
ما تشركون • ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فاخذناهم
آنچه انباز فرا میدارند بدو وبدرستی که بفرستادیم بگروهانی که پیش از تو بودند پس گرفتیم
بالباساء والضراء لعلهم يتضرعون • فلولا اذ جاءهم باسنا
ببد حالی وسخت حالی تا بود که ایشان زاری کنند پس اگر نه چون آمد بدیشان عذاب

تضرعوا ولكن قست قلوبهم وزين لهم الشيطان
زاری نکردند ولیکن سخت شد دلهای ایشان و بیاراست مر ایشانرا دیو
ما كانوا يعملون فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم
آنچه کرده باشند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بدان بگشودیم بر ایشان
أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا أخذناهم بغتة فإذا هم
درهای همه چیزی تا چون شاد شدند بدانچه بداده ایشانرا بگرفتیم ما ایشانرا ناگاه پس آنگه ایشان
مبلسون فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب
نومیدان بودند پس بریده باد اصل و نسل گروه آنها که ستم کردند و شکر و سپاس مر خدا را که پروردگار
العالمين قل أرأيتم إن أخذ الله سمعكم وأبصاركم و
جهانیانست بگو ای چون بینید شما اگر فرا گیرد خدا شنوائی شما و بینائیهای شما
ختم على قلوبكم من إله غير الله يأتيكم به انظر كيف
و مهر نهد بر دلهای شما کیست خدائی جز خدا که آورد شما را آنرا بنگر که چگونه
نصرف الآيات ثم هم يصدفون قل أرأيتكم إن أتاكم
هویدا همی کنیم نشانها را پس آنگه ایشان بر گردیده میشوند بگو ای چون بینید شما اگر آید بشما
عذاب الله بغتة أو جهرة هل يهلك إلا القوم الظالمون و
عذاب خدا ناگاه یا آشکارا ای هیچ هلاک کرده نشوند مگر گروه ستمکاران
ما نرسل المرسلين إلا مبشرين ومنذرين فمن آمن وأصلح فلا خوف
و نفرستیم ما رسولانرا مگر بشارت کننده و بیم کننده پس هر که بگروید و کار باصلاح آورد پس ترسی نبود

عليهم ولا هم يحزنون والذين كذبوا بآياتنا يمسهم
بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را برسد ایشانرا
العذاب بما كانوا يفسقون قل لا أقول لكم عندي
عذاب بدانچه ایشان تباهی کردند بگو نمیگویم مر شما را که نزد منست
خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول لكم إني ملك إن أتبع
خزینهای خدا و نمیگویم که میدانم غیب را و نمیگویم مر شما را که من فرشته ام پیروی نمیکنم
إلا ما يوحى إلي قل هل يستوي الأعمى والبصير أفلا
مگر آنچه وحی کرده میشود بمن بگو ای هیچ یکسان باشد نابینا و بینا ای پس
تتفكرون وأنذر به الذين يخافون أن يحشروا إلى ربهم
اندیشه نمیکنید و بیم کن بدین قرآن آنها را که می ترسند که حشر کرده شوند با پروردگار خود
ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع لعلهم يتقون ولا تطرد
نیست مر ایشانرا از جز او دوستی و نه شفاعت کنی تا بود که ایشان بپرهیزند و مران
الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه
آنها را که میخوانند پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای او را
ما عليك من حسابهم من شيء وما من حسابك عليهم من شيء
نیست بر تو از حساب ایشان هیچ چیزی و نیست از حساب تو بر ایشان هیچ چیزی
فتطردهم فتكون من الظالمين وكذلك فتنا بعضهم ببعض
پس اگر برانی ایشانرا پس باشی از ستمکاران و همچنین آزمودیم ما بعضی ایشان را ببعضی

لِيَقُولُوا أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۞
تا گویند آیا این گروهند که منت نهاد خدا برایشان از میان ما آیا نیست خدا داناتر بشکر کنندگان
وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ
و چون آیند بتو آنها که میگروند بنشانهای ما پس بگو سلام باد بر شما واجب کردانید پروردگار شما
عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ
بر ذات پاک خود رحمت را بانکه هر که کند از شما بدی را بنادانی پس
تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ
باز آید از پس آن و کار باصلاح آورد پس او آمرزگار مهربانست و همچنین هویدا میکنیم
الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۞ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ
نشانها را و تا روشن شود راه مومنان از کافران بگو که نهی کرده اند مرا که پرستم آنها را
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا
که میخوانید از جز خدا بگو پیروی نمیکنم مرادهای شما را بدرستی که گمراه شده باشم آنگه و نباشم
مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۞ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي
از راه یافتگان بگو بدرستی که من بر حجتی ام از پروردگار خود و بدروغ داشتید شما آنرا نیست نزد من
مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ
آنچه بشتاب میخواهید آنرا نیست حکم مگر خدا را حکم کند بحق و او بهترین
الْفَاصِلِينَ ۞ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي
حکم کنندگانست بگو اگر بودی نزدیک من آنچه بشتاب میخواهید آنرا هر آینه گزارده شدی کار میان

وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ۞ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
و میان شما و خدا داناتر بحال ستمکارانست و نزد اوست کلیدهای غیب نداند آنرا
إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا
مگر او و میداند آنچه در خشکی و تری است و نیفتد هیچ برگی از درختی مگر بمعلومی او
حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۞
و نه دانهٔ در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی مگر که در لوح المحفوظ ثبتست
وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ
و اوست آن خدائی که جان بستاند شما را بشب و میداند آنچه می اندوزید بروز
ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ
پس برانگیزند شما را دران تا بگزارد کاری را تا اجلی نام نهاده پس با اوست بازگشت شما پس
يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ
باگاهاند شما را بدانچه شما کرده باشید و اوست قهر کننده بالای بندگان خود
يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ
و میفرستند بر شما نگهبانان تا چون آید یکی از شما اسباب مرگ جان بستانند او را
رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ۞ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ
رسولان ما و ایشان تقصیر نکنند پس بازگردانیده شوند باخدا که دوست ایشانست بحق بدان که او راست حکم
وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۞ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ
و او زود شمارترین شمار کنندگانست بگو خدا برهاند شما را از آن و از هر اندوهی

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
بگو کیست که برهاند شما را از تاریکیهای بیابان و دریا میخوانید او را بزاری و پنهانی اگر برهاند ما را از این هر آینه باشیم از سپاس داران

ثم انتم تشركون ۝ قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابا من
پس شما انباز فرا میدارید بگو او تواناست بر آنکه برانگیزد بر شما عذابی از
فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعا ويذيق
بالای شما یا از زیر پایهای شما یا بیامیزد شمارا گروهان مختلف و در چشاند
بعضكم بأس بعض انظر كيف نصرف الآيات لعلهم
بعضی شمارا عذاب بعضی بنگر که چگونه هویدا میکنیم نشانها تا بود که ایشان
يفقهون ۝ وكذب به قومك وهو الحق قل لست عليكم
دریابند و دروغ داشتند آنرا قوم تو و آن حق است بگو نیستم من بر شما
بوكيل ۝ لكل نبإ مستقر وسوف تعلمون ۝ واذا رأيت
کارساز هر خبری را آرامگاهیست و زود بدانید و چون ببینی تو
الذين يخوضون في آياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث
آنهارا که شروع میکنند در نشانهای ما پس برگرد از ایشان تا شروع کنند در سخنی
غيره واما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع
جز آن و اگر از یاد تو ببرد دیو پس منشین پس از پند دادن با
القوم الظالمين ۝ وما على الذين يتقون من حسابهم من شيء
گروه ستمکاران و نیست بر آنها که پرهیزند از حساب ایشان هیچ چیزی
ولكن ذكرى لعلهم يتقون ۝ وذر الذين اتخذوا دينهم
ولیکن پندیست تا بود که ایشان بپرهیزند و بگذار آنهارا که فرا گرفتند دین خودرا

لعبا ولهوا وغرتهم الحياة الدنيا وذكر به ان تبسل نفس
بازی و نافرجام و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا و پند ده بدین قرآن که در گرو کرده شود تنی
بما كسبت ليس لها من دون الله ولي ولا شفيع وان تعدل
بدانچه اندوخته بود نبود مرآنرا از جز خدا نه دوستی و نه شفیعی و اگر فدا دهد
كل عدل لا يؤخذ منها اولئك الذين ابسلوا بما كسبوا
هر فدادادنی فرا گرفته نشود از آن تن آن گروه آنهااند که در گرو کرده شدند بدانچه اندوختند
لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا يكفرون ۝ قل
مرایشانرا بود آشامیدنی از آب گرم و عذابی دردناک بسبب آنچه ایشان کافر میشدند بگو
اندعو من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا ونرد على اعقابنا بعد
ای برخوانیم از جز خدا آنچه نه سود کند مارا و نه زیان کند مارا و بازگردانیده شویم بر پی پایهای پس
اذ هدانا الله كالذي استهوته الشياطين في الارض حيران
از آنچه راه نمود مارا خدا همچون آنکسی که بیراه کردانیده باشند اورا دیوان در زمین حیران و متحیر
له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل ان هدى الله هو الهدى و
مرا ورا است اصحابی که میخوانند اورا باراه که بیا با ما بگو بدرستی که راه خدا آنست راه راست
امرنا لنسلم لرب العالمين ۝ وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي
و فرموده اند مارا تا مخلص و منقاد شویم مر پروردگار جهانرا و آنکه بپای دارید نماز را و بترسید از او و اوست آن خدایی
اليه تحشرون ۝ وهو الذي خلق السموات والارض بالحق ويوم
که بنزدیک او حشر کرده شوید و اوست آن خدایی که بیافرید آسمانها و زمین را براستی و روزی

حزب

يقول كن فيكون ۝ قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور
گوید بباش پس بباشد گفتار او حق است و مر او راست پادشاهی روزی که دردمند در صور
عالم الغيب والشهادة وهو الحكيم الخبير ۝ وإذ قال إبرهيم
او است داننده نا پیدا و پیدا و او است محکم کار آگاه و چون گفت ابراهیم
لأبيه آزر أتتخذ أصناما آلهة إني أراك وقومك في ضلال
مر پدر خود را آزر آیا فرا میگیری بتان را خدایان بدرستی که من میبینم ترا و قوم ترا در گمراهی
مبين ۝ وكذلك نري إبرهيم ملكوت السموات والأرض
روشن و همچنین باز نمودیم ما ابراهیم را عجائب آسمانها و زمین
وليكون من الموقنين ۝ فلما جن عليه الليل رأى كوكبا
و تا باشد از جمله بیقین دارندگان پس چون درآمد برو شب دید ستاره را
قال هذا ربي فلما أفل قال لا أحب الآفلين ۝ فلما رأى القمر بازغا
گفت اینست پروردگار من پس چون فرو شد گفت دوست ندارم فرو شوندگان را پس چون دید ماه را برآمده
قال هذا ربي فلما أفل قال لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم
گفت اینست پروردگار من پس چون فرو شد گفت اگر راه ننماید مرا پروردگار من هرآینه باشم از گروه
الضالين ۝ فلما رأى الشمس بازغة قال هذا ربي هذا أكبر فلما
گمراهان پس چون دید آفتاب برآمده گفت اینست پروردگار من این بزرگتر است پس چون
أفلت قال يا قوم إني بريء مما تشركون ۝ إني وجهت وجهي
فرو شد گفت ای قوم من بدرستی که من بیزارم از آنکه انباز میآرید بدرستی که من خالص گردانیدم دین خود

للذي فطر السموات والأرض حنيفا وما أنا من المشركين ۝
مر آن خدای را که آفرید آسمانها و زمین را مایل از باطل بحق و نیستم از جمله انباز آرندگان
وحاجه قومه قال أتحاجوني في الله وقد هدان ولا أخاف
و خصومت کردند با او قوم او گفت آیا خصومت میکنید با من در حق خدا و بدرستی که راه نمود مرا و نمی ترسم
ما تشركون به إلا أن يشاء ربي شيئا وسع ربي كل شيء
از آنچه انباز و اسباب میآرید بدو مگر آنکه خواهد پروردگار من چیزی را فراخ رسیده است پروردگار من همه چیزی را
علما أفلا تتذكرون ۝ وكيف أخاف ما أشركتم ولا
بدانش ای پس پند نمیگیرید و چگونه ترسم از آنچه انباز فرا داشتید شما
تخافون أنكم أشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا
و نمی ترسید که شما انباز فرا داشتید بخدا آنچه فرو نفرستاده است بران بر شما هیچ حجتی
فأي الفريقين أحق بالأمن إن كنتم تعلمون ۝ الذين آمنوا
پس کدام یک از دو گروه سزاوارترند بایمنی اگر هستید شما میدانید آنها که بگرویدند
ولم يلبسوا إيمانهم بظلم أولئك لهم الأمن وهم مهتدون
و نیامیختند ایمان خود را بستم آن گروه مر ایشان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند
وتلك حجتنا آتيناها إبرهيم على قومه نرفع درجات من نشاء
و آن حجتهای ما که بدادیم ما آنرا با ابراهیم بر قوم او بر افرازیم هر که خواهیم بمنزلت
إن ربك حكيم عليم ۝ ووهبنا له إسحق ويعقوب كلا
بدرستی که پروردگار تو محکم کار داناست و بخشیدیم ما مر او را اسحق و اسحق را یعقوب همه را

هدينا ونوحا هدينا من قبل ومن ذريته داود وسليمن

راه نمودیم ما ونوح را راه نمودیم ما از پیش واز فرزندان او داود وسلیمان

وايوب ويوسف وموسى وهرون وكذلك نجزى

وایوب ویوسف وموسی وهارون را وهمچنین پاداشت دهیم

المحسنين • وزكريا ويحيى وعيسى والياس كل

نیکوکارانرا وزکریا ویحیی وعیسی والیاس ما همه بودند

من الصالحين • واسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا

از جمله نیکوکاران واسمعیل والیسع ویونس ولوط همه را

فضلنا على العالمين • ومن ابائهم وذرياتهم واخوانهم

افزونی نهادیم ما برجهانیان واز پدران ایشان وفرزندان ایشان وبرادران ایشان

واجتبيناهم وهديناهم الى صراط مستقيم •

وبرگزیدیم ما ایشانرا وراه نمودیم ما ایشانرا باراهی راست

ذلك هدى الله يهدى به من يشاء من عباده ولو اشركوا

آنست راه خدا راه نماید بدان آنرا که خواهد از بندگان خود واگر انباز آوردند

لحبط عنهم ما كانوا يعملون • اولئك الذين اتيناهم

هرآینه باطل کم شود ازیشان آنچه ایشان کرده باشند آن گروه آنهااند که بدادیم ما ایشانرا

الكتاب والحكم والنبوة فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا

کتاب وحکمت وپیغمبری پس اگر کافر شوند بدان این گروه پس بدرستی که موکل کردانیم ما

بها قوما ليسوا بها بكافرين • اولئك الذين هدى الله

بدان گروهی را که نیستند بدان کافران آن گروه انهااند که راه نمود ایشانرا خدای

فبهديهم اقتده قل لا اسئلكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى

پس براه ایشان اقتدا کن بگوای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست آن مگر پندی

للعالمين • وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر

مر جهانیانرا ونشناختند خدارا سزای شناختن او چون گفتند فرونفرستاد خدا بر هیچ آدمی

من شىء قل من انزل الكتاب الذى جاء به موسى نورا وهدى

هیچ چیزی بگو که فرو فرستاد کتاب آن کتابی که آمد بدان موسی نوری وراهنمونی

للناس تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا و

مردمانرا میکنید آنرا کاغذپارهای آشکارا میکنید وپنهان میکنید بسیاری را

علمتم ما لم تعلموا انتم ولا اباؤكم قل الله ثم ذرهم

ودرآموختید شمارا آنچه ندانستید شما ونه پدران شما بگو خدا پس بگذار ایشانرا

فى خوضهم يلعبون • وهذا كتاب انزلناه مبارك مصدق

تا در شروع خویش بازی میکنند واین قرآنیست که فرو فرستادیم ما آنرا خجسته براست دارنده

الذى بين يديه ولتنذر ام القرى ومن حولها والذين يؤمنون

آنچه در پیش آن بوده وتا بیم کنی تو اهل مکه را وآنکه پیرامون آنند وآنها که بگروند

بالاخرة يؤمنون به وهم على صلوتهم يحافظون •

بآخرت بگروند کاینند بدان وایشان برنمازهای خویش مداومت نمایندگاینند

ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او قال اوحي الي ولم يوح اليه
وکیست ستمکارتر ازانکه بربافت برخدا دروغ را تا گفت که وحی کرده میشود ووحی کرده نشده بود بدو
شيء ومن قال سانزل مثل ما انزل الله ولو ترى اذ الظالمون في
چیزی وانکه گفت زود فرود آورم مانند آنچه فرو فرستاد خدا واگر ببینی تو که چون ستمکاران در
غمرات الموت والملائكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم
سختی جان کندن باشند وفرشتگان فراخ بگشاینده باشند دستهای خودرا که بیرون کنید جانرا از تنهای خود
اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير
گویند ایشانرا امروز پاداشت داده شوند بعذابی خوار کننده بدانچه شما میگفتید برخدا نه
الحق وكنتم عن آياته تستكبرون ۝ ولقد جئتمونا فرادى
بحق وبودید شما از نشانهای او گردنکشان وبدرستی که آمدید بما تنها
كما خلقناكم اول مرة وتركتم ما خولناكم وراء
همچنانک آفریدیم ما شمارا اول بار وگذاشتید شما آنچه بدادیم ما شمارا واپس
ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم
پشتهای شما ونمی بینیم ما باشما شفیعان شمارا آنها که دعوی کردید شما
انهم فيكم شركاء لقد تقطع بينكم وضل عنكم
که ایشان درمیان شما انبازانند بدرستی که بریده شود میان شما وصلت اسباب وگم شود از شما
ما كنتم تزعمون ۝ ان الله فالق الحب والنوى يخرج الحي
آنچه شما دعوی میکردید بدرستی که خدا شکافنده دانه است وپسته خرما بیرون آرد زنده را

من الميت ومخرج الميت من الحي ذلكم الله فانى تؤفكون
از مرده وبیرون آورنده مرده است از زنده آنست خداست ازکجا بردانده میشوید ازحق
فالق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا
اوست شکافنده صبح وگردانید شب را آرامی وآفتاب وماه که بحساب میروند
ذلك تقدير العزيز العليم ۝ وهو الذي جعل لكم النجوم
آنست تقدیر خدای غالب دانا واوست آن خدائی که گردانید براشما ستارگان
لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآيات
تا راه می برید بدانها در تاریکیهای بیابان ودریا بدرستی که هویدا بکنیم نشانهارا
لقوم يعلمون ۝ وهو الذي انشاكم من نفس واحدة
برای گروهی که بدانند واوست آن خدائی که آفرید شمارا ازیک تن
فمستقر ومستودع قد فصلنا الآيات لقوم يفقهون
پس آرامگاه داد وبرخورداری داد بدرستی که هویدا میکنیم ما نشانهارا برای گروهی که دریابند
وهو الذي انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات كل شيء
واوست آن خدائی که فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم ما بدان رسته هر چیزی
فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا ومن
پس بیرون آوردیم ما ازان سبزی وبیرون آوردیم ما ازان دانه برهم نشانده واز
النخل من طلعها قنوان دانية وجنات من اعناب والزيتون
خرمابنان از خوشه آن نزدیک متناول وبستانهای از انگور وزیتون

وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ

و درختهای انار بهم مانده و نه بهم مانده نگرید بمیوه آن چون میوه دار شوند و خوشه آن

إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ • وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

بدرستی که در آنستان هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند و بدید کردند مر خدا را انبازانی

الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ

از پری و حال آنکه آفرید ایشان را و بدروغ برباقتند مر او را پسران و دختران بی دانشی پاکی و منزه است او

وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ • بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ

و از برتر شد از آنچه صفت میکنند او نو آفریننده است آسمانها و زمین از کجا بود

لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ

مر او را فرزندی و حال آنکه نبوده مر او را زنی و آفرید همه چیزی را و او

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بهمه چیزی داناست آنستان خداست پروردگار شما نیست خدائی مگر او

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ •

آفریدگار همه چیزی پس بپرستید او را و او بر همه چیزی نگاهدار است

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

در نیابد او را بینائیها و او در یابد بینائیها را و او باریک بین

الْخَبِيرُ • قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

آگاه است بدرستی که آمد شما را سبب بینائی از پروردگار شما پس هر که دیده ور شود پس سود مر تن او را بود و هر که

عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ • وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ

کور دل شود پس زیان بر آن تن بود و نیستم من بر شما نگهبان اعمال و همچنین میگردانیم

الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ •

نشانها را و تا نگویند که درس کردی تو و تا روشن کنیم مر آن را مر گروهی را که دانند

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ

پیروی کن آنچه وحی کرده میشود بتو از پروردگار تو نیست خدائی مگر او و برگرد از

الْمُشْرِكِينَ • وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ

بت پرستان و اگر خواستی خدا انباز فرا ننداشتندی و نکردانیدیم ما ترا

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ • وَلَا تَسُبُّوا

بر ایشان حافظ اعمال و نیستی تو بر ایشان کارزان و کارگزار و دشنام مدهید

الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

آنها را که میخوانند از جز خدای پس دشنام دهند خدا را بدشمنی بی دانش

كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ

همچنین بیاراستیم ما مر هر گروهی را عمل ایشان پس با پروردگار ایشان بود بازگشت ایشان

فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ

پس بیاگاهاند ایشان را بدانچه ایشان کردند و سوگند خوردند بخدا سوگندان مغلظ ایشان

لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا

که هر آینه اگر آید بدیشان نشانی هر آینه بگروند بدان بگو بدرستی که نشانها نزدیک خداست

الجزو ٨

يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ● وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ

ده دانا گرداند شمارا که آن معجزات چون آید بنی گروند و بگردانیم دلهای ایشانرا

وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ

و بینائیهای ایشانرا همچنانک نگرویدند بدان اول بار و بگذاریم ایشانرا تا در گمراهی خود

يَعْمَهُونَ ● وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ

سرگشته شوند و اگر آنک فرو فرستادمانی بدیشان فرشتگانرا و سخن گفتندی با ایشان

الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا

مردگان و گرد آوردیمی بر ایشان هر چیزیرا روی باروی نبودندی که بگروندی

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ● وَ

مگر آنرا که خواسته بود خدا ولیکن بیشترین ایشان نادانند و

كَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ

همچنین بدید کردیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از دیوان آدمی

الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ

و پری که می اندازند بعضی ایشان سوی بعضی آراسته داشتنی گفتار بجهت فریب و اگر خواستی

رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ● وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ

پروردگار تو نکردندی آنرا پس بگذار ایشانرا و آنچه بر می بافند و تا مایل کنند بدان

أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ

دلهای آنها که نمی گروند باخرت و تا راضی شوند و تا کسب کنند آنچه ایشان

مُقْتَرِفُونَ ● أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ

اندوزنده کانند ای پس بجز از خدا جویم حکم را و اوست آن خدای که فرو فرستاد بشما

الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ

کتابی را هویدا کرده و آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب بیدانند

أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ● وَتَمَّتْ

که آن فرو فرستاده شده است از پروردگار تو بحق پس مباش از جمله بشک شوندگان و تمام شد

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ

سخن پروردگار تو براستی و عدالت بدل کننده نیست مر سخنان او و اوست شنوای

الْعَلِيمُ ● وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ

دانا و اگر فرمان بری بیشتری را از آنک در زمینند برگردانند ترا از

سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ●

راه خدای پس روی نمیکنند مگر گمانی را و نیستند ایشان مگر دروغ بر بافند

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

براستی که پروردگار تو او داناترست بانک گمره شد از راه او و او داناترست براه یابندگان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ

پس بخورید از آنچه یاد کرده باشند نام خدارا بر آن اگر هستید شما بنشانهای او

مُؤْمِنِينَ ● وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ

گروندگان و چیست مر شمارا که نخورید از آنچه یاد کرده اند نام خدا را بر آن

وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ
ودیوبیستی که آن برانند خروج از طاعت که دیوان ودوستی برانند در دل میدهند بدوستان خود تا خصومت کنند با شما
وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ۞ أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا
واگر فرمان برید ایشانرا بدرستی که شما اهل شرک باشید ای آنک هست کافر دل
فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ
پس زنده دل کنیم ما اورا وبدیدکنیم ما راورا روشنائی بتیز که رود ونیز کند بدان در میان مردمان همچون مثل آن بود
فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ
که در تاریکیها بود که نبود بیرون آینده ازان همچنین آراسته شد مر کافرانرا
مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ
جزاء آنچه ایشان میکردند وهمچنین بکردیم ما که در مکه ونیا بجرمنه در هر دهی
أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ
بزرگترین ایشانرا کافران تا مکر فعلی نمایند در آنجا ومکر نمیسازند مگر بتنهای خود
وَمَا يَشْعُرُونَ ۞ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ
و ایشان نمیدانستند وچون آید بدیشان نشانی گویند بر آیت نداریم تا آورند بما مانند
مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۘ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ
آنچه بدادند رسولان خدای را خدا داناترست بر کجا که خواهد بکند رسالات خود را زود برسد
الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا
آنهارا که گناه کردند وکافر شدند خواری از نزد خدا وعذابی سخت بانچه ایشان

يَمْكُرُونَ ۞ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ
مکر ساختند پس هر کرا که خواهد خدا گمراه نماید اورا برگشاید سینهٔ اورا با سلام
وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا
وهرکرا که خواهد که گمراه کند اورا بکند سینهٔ اورا تنگ تنگ گوییا که
يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ
بر خواهد شدن در آسمان همچنین بکند خدا پلیدی و بی توفیقی را بر آنها
لَا يُؤْمِنُونَ ۞ وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا
که نمی گروند واینست راه پروردگار تو راست بدرستی که هویدا کردیم ما آیتها
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۞ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ
نشانهارا برای گروهی که پند گیرند مر ایشانراست بهشت دار السلام نزد پروردگار ایشان
وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ
واو دوست ویار ایشان بدانچه ایشان کرده باشند و روزی که حشر کنیم ایشانرا
جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ
همه گوییم ای گروه پری بدرستی که بسیار تبع حاصل کردید شما از آدمیان وگویند دوستان ایشان
مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي
از آدمیان ای پروردگار ما برخورداری گرفتند بعضی از ما ببعضی وبرسیدیم ما بوعده بآن وعده
أَجَّلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ
که معین فرمودی مارا گوید خدا آتش جایگاه شماست همیشه باشند در آنجا مگر آنچه خواسته بود خدای

إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ • وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا

براستی که پروردگار تو محکم کار داناست و همچنین مسلط گردانیم بعضی ظالمان را بر بعضی

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ • يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ

بدانچه ایشان اندوخته باشند ای گروه پری و آدمی ای نیامدند بشما رسولانی

مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا

از شما تا قصه خوانند بر شما نشانهای مرا و بیم کنند شمارا بباز رسیدن شما بدین روز گفتند

شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ

گواهی میدهیم ما بر تنهای ما و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا و گواهی دهند بر

أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ • ذَٰلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ

تنهای خود که ایشان بودند کافران • آنک گفتیم آنست که نیست پروردگار تو

مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ • وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا

هلاک کننده اهل دیهها را بستم و اهل آن غافلان باشند و هر گروهی را درجاتی و درکاتی بود از آنچه

عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ • وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ

ایشان کرده باشند و نیست پروردگار تو غافل از آنچه ایشان میکنند و پروردگار تو بی نیازست خداوند رحمت

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا

اگر خواهد ببرد شمارا و خلیفتی بگذارد از پس شما آنرا که خواهد همچنانک

أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ • إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا

آفرید شمارا از گروهی فرزندان دیگران براستی که آنچه وعده میدهند شمارا هر آینه آینده است

أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ • قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ

شما ایشان که از حساب فوت شوید بگوی ای قوم من کار کنید بر خو و عادت خود براستی که من کار کننده ام پس زود

تَعْلَمُونَ • مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

بدانید که کیست که او راست عاقبت سرای آخرت براستی که رستگاری نیابند ستمکاران

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا

و بدید کردند مر خدای را از آنچه آفرید از کشت زرع و چهارپایان بهره پس گفتند این

لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ

مر خدای راست بدعوی ایشان و این مر انبازان ماراست پس آنچه بود مر انبازان ایشان را

فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ

پس نمیرسید بخدا و آنچه بود مر خدای را پس آن میرسید بانبازان ایشان

سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ • وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بدست آنچه ایشان حکم میکنند و همچنین بیاراست مر بسیاری را از بت پرستان

قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ

بکشتن فرزندان ایشان تا بگذ زنده در گور کنند انبازان ایشان بتانرا تا برگردانند ایشانرا و تا مشتبه گردانید بر ایشان

دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

دین خودرا و اگر خواستی خدا نکردندی آنرا پس بگذار ایشانرا و آنچه بر می بافند

وَقَالُوا هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ

و گفتند این چهارپایان و کشت زرع باز داشته شده اند ازین طعام نخورد آنرا مگر آنرا که خواهیم بدعوی ایشان

وانعام حرمت ظهورها وانعام لا يذكرون اسم الله
وچهارپایانی که حرام کرده‌اند پشتهاء آنها را وچهارپایانی که یاد نکرده باشند نام خدا را
عليها افتراء عليه سيجزيهم بما كانوا يفترون •
بر آنها دروغ بربافتنی بر حکم خدا زود پاداشت دهد ایشان را بدانچه ایشان بربافته باشند
وقالوا ما في بطون هذه الانعام خالصة لذكورنا ومحرم
وگفتند آنچه در شکمهای این چهارپایانست خالص مر پسران ماراست وحرامست
على ازواجنا وان يكن ميتة فهم فيه شركاء سيجزيهم
بر همجفتان ما واگر چه باشد مردار پس ایشان در آن انبازانند زود پاداش دهد ایشان را
وصفهم انه حكيم عليم • قد خسر الذين قتلوا
بوصف کردن ایشان بدرستی که او محکم کار داناست بدرستی که زیانکار اند آنها که بکشتند
اولادهم سفها بغير علم وحرموا ما رزقهم الله افتراء
فرزندان خود را از نادانی بی دانشی وحرام داشتند آنچه روزی کرده بود ایشان را خدا دروغ بربافتنی
على الله قد ضلوا وما كانوا مهتدين • وهو الذي انشا
بر خدا بدرستی که گمراه شدند ونبودند راه یافتگان واوست آن خدایی که بابتدا بیافرید
جنات معروشات وغير معروشات والنخل والزرع مختلفا
بستانی سقف بدید کرده از چوب وبر زمین افتاده برگ وبار آن وخرماستانها وکشت زرعها مختلف
اكله والزيتون والرمان متشابها وغير متشابه كلوا
خورش آن ودرخت زیتون وانار بهم ماننده ونه بهم ماننده گفتیم بخورید

من ثمره اذا اثمر واتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا انه لا يحب
از میوه آن چون بمیوه دار شوند وبدهید حق آن را روز درودن آن واسراف مکنید بدرستی که او دوست ندارد
المسرفين • ومن الانعام حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله ولا
گزاف کاران را واز چهارپایان آنچه بار را شاید وآنچه ذبح را شاید گفتیم بخورید از آنچه روزی کرد شمارا خدا
تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين • ثمانية
وپیروی مکنید مرادهای دیو را بدرستی که او مر شمارا دشمنی روشنست هشت
ازواج من الضان اثنين ومن المعز اثنين قل الذكرين
صنف از میش دو واز بز دو بگو ای دو نرینه را
حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام الانثيين نبئوني
حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه گرد در آمده است برو رحمهای دو مادینه بیاگاهانید مرا
بعلم ان كنتم صادقين • ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين
بدانشی اگر هستید شما راست گویان واز شتر دو واز گاو دو
قل الذكرين حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام
بگو ای دو نرینه را حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه گرد در آمده است برو رحمهای
الانثيين ام كنتم شهداء اذ وصاكم الله بهذا فمن
دو مادینه یا بودید شما گواهان چون فرمود شمارا خدا بدین پس کیست
اظلم ممن افترى على الله كذبا ليضل الناس بغير علم
ستمکارتر از آنکه بربافت بر خدا دروغ را تا گمراه کند مردمان را بی دانشی

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • قُلْ لَا أَجِدُ فِيمَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا
به راستی که خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را بگو نمی یابم در آنچه وحی کرده میشود بمن حرام کرده
عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ
بر خورشی که خورند آنرا مگر که باشد مردار یا خونی ریخته یا گوشتی
خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ
خوک بود پس براستی که آن نجس است یا خروج از طاعت که آواز برداشته باشند بجز نام خدای بران پس هر که بناچار آرند
غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ • وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا
و نه ستم کننده بود و نه از حد در گذرنده پس براستی که پروردگار تو آمرزگار مهربانست و بر آنها که جهود شدند
حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
حرام کردیم ما هر حیوانی خداوند ناخن را دیگری و از گاو و گوسفند حرام کردیم ما بریشان
شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ
پیهای آنها مگر آنچه برداشته باشند پشتهای آنها یا چربی رودهای آنها یا آنچه بهم آمیخته باشد با استخوان
ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ • فَإِنْ كَذَّبُوكَ
آن پاداشت دادیم ما ایشانرا بسبب ستم کردن و براستی که ما هر آینه راست گوایم پس اگر بدروغ دارند ترا
فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ
پس بگو پروردگار شما خداوند رحمت فراخست و رد کرده نشود عذاب او از گروه
الْمُجْرِمِينَ • سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا
کافران زود گویند آنها که انباز فرا داشتند اگر خواستی خدا انباز فرا نداشتمانی ما

وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ
و نه پدران ما و حرام نداشتمانی هیچ چیزی همچنین بدروغ داشتند آنها
مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ
که پیش از ایشان بودند تا در چشیدند عذاب ما را بگو اگر هست نزدیک شما هیچ دانشی
فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ •
پس بیرون آورید آنرا برای ما پیروی نمیکنید مگر گمان بردنی و نیستید شما مگر دروغ برمی بافید
قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ •
بگو پس مر خدا راست حجتهای تمام رسنده پس اگر خواستی هر آینه راه نمودی شما را همه
قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا
بگو بیاورید گواهان خود را آنها که گواهی دهند که خدا حرام کرد این را
فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ
پس اگر گواهی دهند پس گواهی مده با ایشان و پس روی مکن مرادهای آنها را
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ
که بدروغ داشتند نشانهای ما را و آنها که نمی گروند بسرای آخرت و ایشان به پروردگار خود
يَعْدِلُونَ • قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا
برابری میکنند بگو بیایید تا بر خوانم آنچه حرام کرد پروردگار شما بر شما آنکه
تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
انباز فرا ندارید بخدا چیزی و با مادر و پدر نیکوی کنید و مکشید فرزندان خود را

مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
از ترس درویشی ما روزی میدهیم شما را و ایشانرا و فرا نزدیک مروید ناشایست را آنچه ظاهرست
مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ
ازان و آنچه پنهانست و مکشید تن را آن تنی که حرام کرد خدا مگر بحق
ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا
آنتان فرمود شما را بدان تابود که شما دریابید و فرا نزدیک مروید مال یتیم مگر
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ
بطریقتی که آن نیکوترست تا برسد بغایت قوت خود و تمام کنید کیله و ترازو را
بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا
بعدالت تکلیف نفرمایم هیچ تنی را مگر بقدر وسع طاقت آن تن و چون گویید شما پس عدالت کنید
وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ
واگرچه باشد خداوند خویشی و بعهد خدا وفا کنید آنتان فرمود شما را بدان
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ
تابود که شما پند گیرید و آنکه این راه من راستست پس پیروی کنید او را
وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ
و پیروی مکنید راهها را پس پراکنده شوید شما از راه او آنتان فرمود شما را
بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي
بدان تابود که شما بپرهیزید پس بدادیم ما موسی را کتاب تمامی بر آنچه

أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ
که آن نیکوترست و هویدا کردنی مر هر چیزی را و راهی و رحمتی بود تابود که ایشان بباز دیدن با پروردگار خود
يُؤْمِنُونَ ۝ وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ
بگروند و این قرآنست که فرو فرستادیم ما آنرا خجسته پس پیروی کنید آنرا و بترسید تا مگر بود که شما
تُرْحَمُونَ ۝ أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَ
رحمت کرده شوید تا نگویید برای عدم ارادت که فرو فرستاده شد کتاب بر دو گروه پیش از ما
إِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ
و بودیم که ما از درس کردن ایشان هر آینه غافلان یا نگویید که اگر فرو فرستاده شدی بر ما کتاب
لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى
هر آینه بودی ما راه یابنده تر از ایشان پس بدرستی که آمد بشما حجتی از پروردگار شما و راه راست
وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا
و رحمتی پس کیست ستمکارتر از آنکه بدروغ داشت نشانهای خدا را و برگشت ازان
سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا
زود پاداشت دهیم آنهارا که برگشتند از نشانهای ما بدی عذاب بدانچه ایشان
يَصْدِفُونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ
برگشتند ای هیچ چشم نمیدارند مگر که آید بدیشان فرشتگان یا آید
رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ
فرمان پروردگار تو یا آید بعضی نشانهای پروردگار تو روزی که آید بعضی نشانها

ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت

پروردگار تو سود ... هیچ تنی را ایمان آن تن که نگرویده بود از پیش ...

في ايمانها خيرا قل انتظروا انا منتظرون ۝ ان الذين فرقوا

در ایمان خود نیکی بگو چشم دارید ... که ما نیز چشم دارندگانیم ...

دينهم وكانوا شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى

دین خود را ... گروهان نیستی تو از کار ایشان در چیزی ... کار ایشان ...

الله ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون ۝ من جاء بالحسنة

با خدا است پس بیاگاهاند ایشان را بدانچه ... کرده باشند هر که آید به نیکوئی

فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الا مثلها

پس او را بود ده چندان آن و هر که آید به بدی پس پاداشت داده نشود مگر همانند آن

وهم لا يظلمون ۝ قل انني هدىني ربي الى صراط مستقيم

و ایشان ستم نکنند بگو ... پروردگار من به راهی راست

دينا قيما ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين

دینی باعتدال ... ملت ابرهیم است ... و نبود او از جمله انبازگیرندگان

قل ان صلوتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين

بگو بدرستی که نماز من و قربان من و زیست من و مرگ من مر خدای را که پروردگار جهانیانست

لا شريك له وبذلك امرت وانا اول المسلمين ۝ قل اغير الله

هیچ انبازی نیست ... و بدین فرمود ... و من اول مسلمانانم بگو ای ... از خدا

ابغي ربا وهو رب كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها

جویم پروردگاری را و اوست پروردگار همه چیزی ... هیچ تنی مگر ...

ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم

و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را پس با پروردگار شماست بازگشت شما پس بیاگاهاند

بما كنتم فيه تختلفون ۝ وهو الذي جعلكم خلائف الارض

بدانچه شما در آن اختلاف میکردید و اوست آن خدائی که گردانید شما را جانشینان در زمین

ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم في ما اتاكم

و برداشت بعض شما را بالای بعضی ... تا آزمایش کند شما را ...

ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم

بدرستی که پروردگار تو زود عقوبتست و بدرستیکه او آمرزگار مهربانست

سورة الاعراف مائتان وست ايات مكية

فواصلها ...

بسم الله الرحمن الرحيم

المص ۝ كتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك حرج منه

... این قرآنی که فرو فرستاده شد ... در سینه تو تنگی از آن

لتنذر به وذكرى للمؤمنين ۝ اتبعوا ما انزل اليكم من

تا بیم کنی ... و پندی بود مر مؤمنان را ... آنچه فرو فرستاده شد بشما از

نصف

رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَكَمْ

پروردگار شما و پیروی مکنید از جز او دوستانی را اندکی اند آنچه پند میگیرند و بسا

مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۝

از اهل دیهها که هلاک کردیم ما آنها را پس آمد بدانها عذاب ما حال آنکه در شب بود یا ایشان در آن حال خفته بودند در نیمروز

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا

پس نبود خواندن ایشان چون آمد بدیشان عذاب ما مگر آنکه گفتند بدرستی که بودیم ما

ظَالِمِينَ ۝ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ۝

ستمکاران پس هر آینه باز پرسیم از آنها که فرستاده شد بدیشان و هر آینه باز پرسیم از رسولان

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ۝ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ

قصه کنیم ما بر ایشان بدانستن و نباشند از ما و جدا غایبان و ترازو و جزا اعمال آن روز

الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ

راست پس هرکه گران آید ترازوی طاعت او پس آن گروه ایشانند رستگاران و هرکه

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا

سبک آید ترازوی طاعت او پس آن گروه آنها اند که زیانکار آمدند بر تنهای خود بدانچه

بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۝ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا

بنشانهای ما ستم میکنند و بدرستی که تمکین دادیم ما شما را در زمین و پدید کردیم ما

لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ

مر شما را در آنجا سبب معاشی اندکی اند آنچه شکر میکنند و بدرستی که آفریدیم ما شما را

ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا

پس صورت بنگاشتیم ما شما را پس گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر

إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ

ابلیس که نبود از جمله سجودکنندگان گفت چه منع کرد ترا که سجده نکردی

إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۝

چون فرمودم ترا گفت که من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ

گفت خدا که بدر رو از بهشت پس نبود مر ترا که گردنکشی کنی در آنجا پس بیرون رو از رحمت من که تو

مِنَ الصَّاغِرِينَ ۝ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝

از جمله خوارانی گفت زمان ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند گفت خدا که تو از زمان دادگان

قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ

گفت ابلیس که بسبب آنچه گمراه گردانیدی مرا هر آینه بنشینم مر ایشان را بر راه راست پس

لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ

هر آینه درآیم بدیشان از پیش ایشان و از پس ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان

وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا

و نیابی تو بیشترین ایشان را شاکران گفت خدا بیرون رو از آنجا نکوهیده رانده دور از رحمت

لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ

هر آینه هرکه پیروی کند ترا از ایشان هر آینه پر کنم دوزخ را از شما همه وای آدم آرام گیر

أنت وزوجك الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة

تو وزن تو در بهشت پس بخورید از آنجا در کجا که میخواهید شما و نزدیک مروید این درخت گندم را

فتكونا من الظالمين • فوسوس لهما الشيطان ليبدي لهما ما ووري

پس باشید از جمله ستمکاران پس وسوسه داد ایشان را دیو تا ظاهر شود مر ایشان را آنچه پنهان بود

عنهما من سوآتهما وقال ما نهاكما ربكما عن هذه الشجرة

از ایشان از عورات ایشان و گفت نهی نکرد شما را پروردگار شما ازین درخت

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخالدين • وقاسمهما

مگر آنکه باشید دو فرشته یا باشید از جمله باقی ماندگان و سوگند خورد ایشان را

إني لكما لمن الناصحين • فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

که من مر شما را از جمله نصیحت کنندگانم پس دلالت کرد ایشان را به فریفتن پس چون درچشیدند از آن درخت

بدت لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق

ظاهر شد مر ایشان را عورتهای ایشان و در ایستادند میدوسانیدند بر خود از برگ درخت

الجنة وناداهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجرة

بهشت و برخواند ایشان را پروردگار ایشان که ای نهی نکردم شما را از خوردن این درخت

وأقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين • قالا ربنا ظلمنا أنفسنا

و نگفتم مر شما را که دیو مر شما را دشمنی پوشیده است گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم ما بر تنهای خود

وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين •

اگر نبیامرزی ما را و رحمت نکنی بر ما هر آینه باشیم از جمله زیانکاران

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الأرض مستقر

گفت خدا پائین بروید بعضی شما مر بعضی را دشمنان باشند و مر شما را بود در زمین آرامگاهیست

ومتاع إلى حين • قال فيها تحيون وفيها تموتون ومنها

و برخورداری تا هنگامی گفت خدا در آنجا زیید و در آنجا بمیرید و از آنجا

تخرجون • يا بني آدم قد أنزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم

بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم بدرستی که فرو فرستادیم ما بر شما پوششی که بپوشاند عورتهای شما را

وريشا ولباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله

و جامهای سلامت و پوشش پرهیزکاری آن بهتر بود آن از نشانهای خداست

لعلهم يذكرون • يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان كما أخرج

تا بود که ایشان پند گیرند ای فرزندان آدم نفریفت مفکناد شما را دیو همچنانکه بیرون آورد

أبويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما

پدر و مادر شما را از بهشت برکند از ایشان پوشش ایشان را تا باز نموده شد ایشان را عورتهای ایشان

إنه يراكم هو وقبيله من حيث لا ترونهم إنا جعلنا الشياطين

بدرستی که او می بیند شما را او و لشکر او از آنجا که نمی بینید ایشان را بدرستی که بکردیم ما دیوان را

أولياء للذين لا يؤمنون • وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا

دوستان مر آنها را که نمی گروند و چون کنند ناشایستی گویند که یافتیم ما

عليها آباءنا والله أمرنا بها قل إن الله لا يأمر بالفحشاء

بر آن پدران خود را و خدا فرمود ما را بدان بگو بدرستی که خدا نفرماید بناشایست

أَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا

ای میگوییـد بر خدا آنچه نمیدانید بگو فرمود پروردگار من بعدالت وراست بدارید

وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ

روهای خودرا نزدیک هر مسجدی وبرخوانید اورا خالص کنندکان مراورا دین همچنانک با تبدا بیافرید شمارا

تَعُودُونَ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمُ

باز آیید دیگرباره گروهی را راه نمود وگروهی واجب شد بریشان گمراهی بدرستی که ایشان

اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

فراگرفتند دیوانرا دوستان از جز خدا و پنداشتند که ایشان

مُهْتَدُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

راه یافتکانند ای فرزندان آدم فراگیرید زینت خودرا نزدیک هر مسجدی

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ قُلْ مَنْ

و بخورید وبیاشامید ونه بیرون ازاندازه گزاف مکنید که خدا دوست ندارد گزاف کارانرا بگو که

حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ

حرام کرد زینت خدایرا آن زینتی که بیرون آورد بندکان خودرا و پاکیهای از روزی بگو

هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَٰلِكَ

آن مرانهاراست که بگرویدند در زندکانی دنیا خالص در روز قیامت همچنین

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا

سوبیدا میکنیم نشانهارا برای گروهی که بدانند بگو بدرستی که حرام کرد پروردگار من ناشایستهارا آنچه

ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا

ظاهرست ازان وآنچه پنهانست وبزه وستم را بناحق وآنک انباز آورید

بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ

بخدا آنچه فرونفرستاد بدان هیچ حجتی وآنک کویید بر خدا آنچه ندانید و مر هر کروهی را

أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

وعده ایست پس چون آید وعده ایشان بازپس نایستند ساعتی ونه واپیش روند

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي

ای فرزندان آدم آیند بشما رسولانی از جنس شما تا قصه کنند بر شما نشانهای مرا

فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ

پس هرکه بپرهیزد وکار باصلاح آورد پس هیچ ترسی نبود بریشان ونه ایشان اندوهگن باشند وآنانک

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ

که بدروغ داشتند نشانهای مارا وگردنکشی کردند ازان آن کروه اصحاب آتشند ایشان

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ

دران همیشه باشند پس کیست ستمکارتر ازانک بربافت بر خدا دروغی را یا بدروغ داشت

بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ

نشانهای اورا آن کروه برسد بدیشان بهره ایشان از کتاب تاچون آمد بدیشان

رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ

رسولان ما جان بستانند ایشانرا کویند کجا شدند آنها که میخواندید از جز خدا

قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كافرين
گويند گم شدند از ما و گواهی دهند بر تنهای خود که ايشان بودند کافران
قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس في النار
گويد خدا در رويد در ميان گروهانی که گذشتند پيش از شما از پری و آدمی در آتش
كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا فيها
هرگاه که در روند گروهی بلعنت کنند بر ديگران تا چون رسند بيکديگر در آنجا
جميعا قالت اخريهم لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا فاتهم عذابا
همه گويند باز پسينيان ايشان مر اوليان ايشان را ای پروردگار ما اين گروهند که گمراه گردانيدند ما را پس بده ايشان را عذابی
ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون وقالت
دو چندان از آتش گويد خدا همه را دو چند است وليکن نميدانيد شما و گويند
اوليهم لاخريهم فما كان لكم علينا من فضل فذوقوا
اوليان ايشان مر آخرينان ايشان را پس نبود مر شما را بر ما هيچ فضيلتی پس در چشيد
العذاب بما كنتم تكسبون ان الذين كذبوا باياتنا
عذاب بدانچه شما گردنکشی کرديد بدرستی آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را
واستكبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا يدخلون
و گردنکشی کردند از آن گشوده نشود مر ايشان را درهای آسمان و در نروند
الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك نجزي
در بهشت تا در رود شتر در سوراخ سوزن و همچنين پاداشت دهيم

المجرمين لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش وكذلك نجزي
کافران را ايشان را بود از دوزخ بستری و از بالای ايشان پوششهای و همچنين پاداشت دهيم
الظالمين والذين امنوا وعملوا الصالحات لا نكلف نفسا
ستمکاران را و آنها که بگرويدند و کارهای نيکو کردند تکليف نفرمائيم هيچ تنی را
الا وسعها اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون
مگر بقدر وسع و طاقت آن تن آن گروه اصحاب بهشت اند ايشان در آنجا هميشه باشند
ونزعنا ما في صدورهم من غل تجري من تحتهم الانهار و
و بر کنيم ما آنچه در سينهای ايشانست از کينه رود از زير ايشان جويها روان
قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا
و گويند شکر و سپاس مر خدا را آن خدايی که راه نمود ما را بدين و نبوديم ما که راه يابيم اگر نه
ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم
آنکه راه می نمود ما را خدا بدرستی که آمدند رسولان پروردگار ما بحق و بر خوانند که آن شما را
الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون ونادى اصحاب الجنة
بهشتست بميراث بر گيريد آنرا بدانچه شما کرديد و بر خوانند اصحاب بهشت
اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم
اصحاب آتش را که يافتيم ما آنچه وعده داد ما را پروردگار ما بحق پس آيا هيچ يافتيد شما
ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم
آنچه وعده داد پروردگار شما بحق گويند آری پس آواز دهد آواز دهنده ميان ايشان

أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا
كه لعنت خدای باد بر ستمكاران آنها كه بر گشتند از راه دين خدا وجستند آن را
عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ۝ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى
كژی وايشان بسرای آخرت كافران بودند وميان ايشان پرده بود وبر
الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
اعراف مردان باشند كه شناسند همه را بسيمای ايشان وبرخوانند اصحاب بهشت را
أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ۝ وَإِذَا
كه سلام باد بر شما در نروند در آنجا وايشان طمع دارند وچون
صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ
بگردانيده شود بينائيهای ايشان فرا سوی اصحاب آتش گويند ای پروردگار ما مگردان ما را با
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ
گروه ستمكاران وبرخوانند اصحاب اعراف مردانی را كه شناسند ايشان را
بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ
بسيمای ايشان گويند چه بكار آمد از شما جمع كردن شما وآنچه بوديد شما گردنكشی كرديد
أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ
ای اين گروه آنها اند كه سوگند خورديد شما كه نرسد ايشان را خدا برحمتی در رويد در بهشت
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ
هيچ ترسی نبود بر شما ونه شما اندوهگين باشيد وبرخوانند اصحاب آتش

أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا
اصحاب بهشت را كه بريزيد بر ما از آب يا از آنچه روزی كرد شما را خدا گويند
إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا
كه خدا حرام كرد آن هر دو را بر كافران آنها كه فرا گرفتند دين خود را بازی
وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا
وناز وخام وبفريفت ايشان را زندگانی دنيا پس امروز فراموش كنيم ايشان را در دوزخ همچنانك فراموش كردند
لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ وَلَقَدْ
بازرسيدن ايشان بدين روز وآنچه بودند نشانهای ما انكار ميكردند وبدرستی
جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ
آورديم ايشان را كتابی سويدا كرديم آنرا بر دانش راه نماينده وبخشايش گروهی را
يُؤْمِنُونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ
كه بگروند ای هيچ چشم نميدارند مگر بعاقبت آن روزی كه آيد عاقبت آن گويند
الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ
آنها كه فراموش كردند آنرا از پيش بدرستی كه آمدند رسولان پروردگار ما بحق ايا هست ما را از
شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ
شفيعان كه شفاعت كنند ما را يا باز گردانند ما را بدنيا تا كاركنيم جز آنچه بوديم ما ميكرديم بدرستی
خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ
كه زيانكار آمدند بتنهای خود وگم شود از ايشان آنچه ايشان بر بافته باشند بدرستی كه پروردگار شما

الله

الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
آن خدايي كه آفريد آسمانها و زمين را در شش روز پس مستولي و غالب شد بر عرش
يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
در مي پوشاند شب را بروز و بعكس طالب ميگردد شتابان و آفتاب و ماه و ستارگان رام كرده
بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا
بفرمان خود بدان كه مر او راست آفرينش و فرمان بزرگوارست خدا كه پروردگار جهانيانست بخوانيد
ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في
پروردگار خود را بزاري و پنهاني بدرستي كه او دوست ندارد از حد گذرندگان را و تباهي مكنيد در
الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله
زمين پس از اصلاح آن و بخوانيد او را از ترس و طمع داران بدرستي كه رحمت خدا
قريب من المحسنين وهو الذي يرسل الرياح بشرا بين يدي
نزديكست به نيكوكاران و اوست آن خدايي كه ميفرستد بادها را بشارت دهنده پيش از
رحمته حتى اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد ميت فانزلنا
رحمت خود تا چون بردارند آن بادها ابرهاي گران بار را برانيم آن را بزميني مرده پس فرو فرستيم
به الماء فاخرجنا به من كل الثمرات كذلك نخرج الموتى لعلكم
بدان آب پس بيرون آوريم بدان از همه ميوه ها همچنين بيرون آوريم مردگان را تا بود كه شما
تذكرون والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه والذي
پند گيريد و زمين پاك بيرون مي آيد گياه آن بفرمان پروردگار او و آنكه

خبث لا يخرج الا نكدا كذلك نصرف الايات لقوم يشكرون
كه پليدست بيرون نمي آورد مگر آنچه در آن چيزي باشد همچنين هويدا ميكنيم نشانها را براي گروهي كه شكر كنند
لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من
بدرستي كه فرستاديم ما نوح را بسوي قوم او پس گفت اي قوم من بپرستيد خدا را نيست مر شما را
اله غيره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم قال الملا
هيچ خدايي جز او بدرستي كه من مي ترسم بر شما از عذاب روزي بزرگ گفتند اشراف
من قومه انا لنريك في ضلال مبين قال يا قوم ليس بي ضلالة
از قوم او بدرستي كه ما هر آينه مي بينيم ترا در گمراهي روشن گفت اي قوم من نيست بمن گمراهي
ولكني رسول من رب العالمين ابلغكم رسالات ربي
ولكن من رسولم از پروردگار جهانيان ميرسانم شما را رسالتهاي پروردگار خود
وانصح لكم واعلم من الله ما لا تعلمون اوعجبتم ان جاءكم
و نصيحت ميكنم شما را و ميدانم از خدا آنچه شما نميدانيد اي شگفت آمد شما را كه آمد شما را
ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا
پندي از پروردگار شما بر مردي از جنس شما تا بيم كند شما را و بپرهيزيد
ولعلكم ترحمون فكذبوه فانجيناه والذين معه في
و تا بود كه شما رحمت كرده شويد پس دروغ داشتند او را پس برهانيديم او را و آنها را كه با او بودند در
الفلك واغرقنا الذين كذبوا باياتنا انهم كانوا قوما
كشتي و غرق كرديم مر آنها را كه دروغ داشتند نشانهاي ما را بدرستي كه ايشان بودند گروهي

عمين ۝ وإلى عاد أخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم

کوردلان و بسوی عاد فرستادیم برادرشان هود را گفت ای قوم من بپرستید خدای را نیست مر شما را

من إله غيره أفلا تتقون ۝ قال الملأ الذين كفروا من قومه إنا

هیچ خدای جز او ای پس نمی پرهیزید گفتند اشراف آنها که کافر شدند از قوم او که ما

لنراك في سفاهة وإنا لنظنك من الكاذبين ۝ قال يا قوم ليس بي

می بینیم ترا در بیخردی و بدرستی که ما ترا گمان میبریم از جمله دروغگویان گفت ای قوم من نیست بمن

سفاهة ولكني رسول من رب العالمين ۝ أبلغكم

بیخردی ولیکن من رسولم از پروردگار جهانیان میرسانم شمارا

رسالات ربي وأنا لكم ناصح أمين ۝ أوعجبتم أن جاءكم

رسالتهای پروردگار خود را و من مر شمارا ناصحی با امانتم ای شگفت آمد شما را که آمد بشما

ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم واذكروا إذ

پندی از پروردگار شما بر مردی از جنس شما تا بیم کند شمارا و یاد کنید چون

جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح وزادكم في الخلق

گردانید شمارا گماشتگان از پس گروه نوح و بزیادت کرد شمارا در آفرینش

بسطة فاذكروا آلاء الله لعلكم تفلحون ۝ قالوا

فراخی پس یاد کنید نعمتهای خدا را تا بود که شما رستگاری یابید گفتند

أجئتنا لنعبد الله وحده ونذر ما كان يعبد آباؤنا

ای آمدی بما تا بپرستیم خدای را یگانه و بگذاریم آنچه بودند می پرستیدند پدران ما

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين ۝ قال قد وقع عليكم من ربكم

پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از جمله راست گویان گفت بدرستی که واقع شد بر شما از پروردگار شما

رجس وغضب أتجادلونني في أسماء سميتموها أنتم و

خواری و خشمی ای خصومت میکنید با من در نامهای که نام نهاده اید آنرا شما

آباؤكم ما نزل الله بها من سلطان فانتظروا إني معكم

و پدران شما آنچه فرو نفرستاد خدا بدان هیچ حجتی پس چشم دارید که من با شما

من المنتظرين ۝ فأنجيناه والذين معه برحمة منا وقطعنا

از جمله چشم دارندگانم پس برهانیدیم هود را و آنها را که با او بودند برحمتی از ما و ببریدیم

دابر الذين كذبوا بآياتنا وما كانوا مؤمنين ۝ وإلى ثمود

اصل و نسل آنها که دروغ داشتند نشانهای ما را و نبودند مؤمنان و بسوی ثمود فرستادیم

أخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

برادر ایشانرا صالح گفت ای قوم من بپرستید خدای را نیست مر شمارا هیچ خدای جز او

قد جاءتكم بينة من ربكم هذه ناقة الله لكم آية

بدرستی که آوردم بشما معجزه از پروردگار شما این ناقه از خدا مر شمارا نشانی

فذروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم

پس بگذارید آنرا تا بخورد در زمین خدا و مرسانید آنرا بدی پس بگیرد شمارا

عذاب أليم ۝ واذكروا إذ جعلكم خلفاء من بعد

عذابی دردناک و یاد کنید چون بکرد شمارا گماشتگان از پس

عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ
قوم هود و جای داد شمارا در زمین تا فرا میگیرید از زمین هامون آن کوشکهای و می تراشید
الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
از کوهها خانهای پس یاد کنید نعمتهای خدا را و مشتابید در زمین تباهی کنندگان
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ الجزو ٩
گفتند اشراف آنها که گردنکشی کردند از قوم او مر آنها را که ضعیفان بودند مر آنرا که
آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا
گرویده بود از ایشان ای میدانید که صالح فرستاده ایست از پروردگار او گفتند که ما
بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي
بدانچه فرستاده اند او را بان گرویدگانیم گفتند آنها که گردنکشی میکردند که ما بدانچه
آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَ
گرویده اید شما بدان کافرانیم پس کشتند آن ناقه را و درگذشتند از فرمان پروردگار خود
قَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَأَخَذَتْهُمُ
وگفتند ای صالح بیار بما آنچه وعده میدهی مارا اگر هستی از جمله رسولان پس بگرفت ایشانرا
الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ
زلزله پس گشتند در سراهای خود مردگان پس برگشت از ایشان وگفت
يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ
ای قوم من بدرستی که رسانیدم شمارا رسالتهای پروردگار خود ونصیحت کردم شمارا ولیکن دوست نمیدارید

النَّاصِحِينَ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا
نصیحت کنندگانرا و یاد کن لوط را چون گفت مر قوم خود را ای می آیید بناشایستی که پیشی نگرفت شمارا بدان
مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ
هیچ یکی از جهانیان ای شما هر آینه می آیید بمردان بشهوت از غیر
النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا
زنان بلکه شما گروهی گزاف کارانید و نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند
أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ فَأَنْجَيْنَاهُ
بیرون کنید ایشانرا از دیه شما بدرستی که ایشان مردمانند که پاکی میجویند پس برهانیدیم ما او را
وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا
و کسان او را مگر زن او را که بود از جمله هالکان و بارانیدیم ما بر ایشان بارانی
فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا
پس بنگر که چگونه بود عاقبت کافران و بفرستادیم بقوم مدین برادر ایشانرا شعیب
قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ
گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شمارا هیچ خدایی جز او بدرستی که آوردم شمارا معجزه
مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا
از پروردگار شما پس تمام کنید کیله و ترازو را و بازمکاهانید مردمانرا چیزهای ایشان
تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
و تباهی مکنید در زمین پس از اصلاح آن آنتان بهتر بود مر شمارا اگر هستید شما

مؤمنين ۝ ولا تقعدوا بكل صراط توعدون وتصدون عن

مؤمنان ونه نشینید بهر سر راهی در آن حال کی ترسانید و بر میگردانید مردمان از

سبيل الله من آمن به وتبغونها عوجا واذكروا إذ كنتم قليلا

راه خدای آنرا کی بگروید بوی ومیجوئید آن راه را کژی و یاد کنید چون بودید شما اندکی

فكثركم وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين ۝ و

پس بسیار کرد شمارا و بنگرید که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان

إن كان طائفة منكم آمنوا بالذي أرسلت به وطائفة

و اگر هستی گروهی از شما که بگرویده بودند بدانچه بفرستاده شدم بدان و گروهی

لم يؤمنوا فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين

که نگرویدند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما واو بهترین حکم کنندگانست

قال الملأ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك يا شعيب

گفتند اشراف آنها که گردنکشی کردند از قوم او که بیرون کنیم ترا ای شعیب

والذين آمنوا معك من قريتنا أو لتعودن في ملتنا قال أولو كنا

وآنهارا که بگرویده اند باتو از دیه ما یا درآیید تا و آنهارا در دین خود گفت شعیب ای واگرچه باشیم ما

كارهين ۝ قد افترينا على الله كذبا إن عدنا في ملتكم بعد

کارهان بدرستی که برباقیم باشیم ما بر خدا دروغ را اگر درآییم ما در دین شما پس

إذ نجانا الله منها وما يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله

آنچه برهانید مارا خدا ازان ونباشد مارا که درآییم درآن مگر که خواهد خدا

الجزء ٩

ربنا وسع ربنا كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح بيننا و

که پروردگار ماست فراخ برسید پروردگار ما بهمه چیزی بدانش بخدا توکل ما ای پروردگار ما حکم کن میان ما

بين قومنا بالحق وأنت خير الفاتحين ۝ وقال الملأ الذين كفروا

و میان قوم ما بحق و توی بهترین حکم کنندگان و گفتند اشراف آنها که کافر شدند

من قومه لئن اتبعتم شعيبا إنكم إذا لخاسرون ۝ فأخذتهم

از قوم او براینه اگر پیروی کنید شما شعیب را آنگاه شما زیانکارانید پس بگرفت ایشانرا

الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين ۝ الذين كذبوا شعيبا

زلزله پس گشتند در سرایهای خود مردگان آنها که بدروغ داشتند شعیب را

كأن لم يغنوا فيها الذين كذبوا شعيبا كانوا هم الخاسرين ۝

گوئیا که نبودند در آنجا آنها که بدروغ داشتند شعیب را بودند ایشان زیانکاران

فتولى عنهم وقال يا قوم لقد أبلغتكم رسالات ربي و

پس برگشت از ایشان و گفت ای قوم من بدرستی که رسانیدم شمارا رسالتهای پروردگار خود

نصحت لكم فكيف آسى على قوم كافرين ۝ وما أرسلنا في

و نصیحت کردم مر شمارا پس چگونه اندوه خورم بر گروه کافران و نفرستادیم ما در

قرية من نبي إلا أخذنا أهلها بالبأساء والضراء لعلهم يضرعون ۝

هیچ دیهی هیچ پیغمبری را مگر گرفتیم اهل آنرا بدحالی و سخت حالی تا بود که ایشان زاری کنند

ثم بدلنا مكان السيئة الحسنة حتى عفوا وقالوا قد مس

پس بدل کردیم ما بجایگاه بدی نیکوئی تا در گذشتند و گفتند که بدرستی

آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝
پدران ما سختی حالی و بدحالی پس بگرفتیم ما ایشانرا ناگاه و ایشان ندانند
وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
واگر آنکه اهل دیهها بگرویدی و بپرهیزیدی هرآینه برگشودمانی برایشان برکتهای
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
از آسمان و زمین ولیکن بدروغ داشتند پس بگرفتیم ما ایشانرا بدانچه ایشان
يَكْسِبُونَ ۝ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ
اندوختند ای پس ایمن شدند اهل دیهها که آید بدیشان عذاب ما بشب وایشان
نَائِمُونَ ۝ أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ
خفتگان باشند ای ایمن شدند اهل دیهها که آید بدیشان عذاب ما بچاشتگاه وایشان
يَلْعَبُونَ ۝ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
درحالت بازی باشند ای پس ایمن شدند از جزای خدا پس نباید که ایمن شوند از شناختن خدا مگر گروه
الْخَاسِرُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا
زیانکاران ای راه ننمود مرآنهارا که میراث برگرفتند زمین را از پس اهل آن
أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
اگر خواستیمانی برسیدمانی بدیشان بسبب گناهان ایشان و مهر نهادمانی بر دلهای ایشان پس ایشان
لَا يَسْمَعُونَ ۝ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
نشنودندی آن دیهای مذکوره که قصه بیکوییم برتو از خبرهای آنها و بدرستی که آمدند بدیشان

رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ
پیغمبران ایشان بحجتها پس نزدیک نبود که بگروند بدانچه بدروغ داشتند از پیش
كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ۝ وَمَا وَجَدْنَا
همچنین مهر نهد خدا بر دلهای کافران و نیافتیم ما
لِأَكْثَرِهِم مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ۝
مر بیشترین ایشانرا هیچ عهدی و بدرستی که یافتیم ما بیشترین ایشانرا هرآینه فاسقان
ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا
پس بفرستادیم ما از پس ایشان موسی را بنشانهای ما بسوی فرعون و اشراف او پس ستم کردند
بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَقَالَ
بدان پس بنگر که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان و گفت
مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَّا أَقُولَ
موسی ای فرعون بدرستی که من رسولم از پروردگار جهان سزاوارست بآنکه نگویم
عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُم بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ
بر خدا مگر حق و صواب را بدرستی که آوردم بشما معجزه از پروردگار شما پس بفرست با من
بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ
بنی اسرائیل را گفت اگر هستی تو آورده معجزه پس بیار آنرا اگر هستی تو از راستگویان
فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ
پس بینداخت عصای خود را پس آنگاه آن اژدهای بود روشن و بکشید دست خود را پس ناگاه آن سفید بود
از گریبان خود

لِلنَّاظِرِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ

مرنکرندکانرا کفتند اشراف از قوم فرعون بدرستی که این مرد جادوئی داناست میخواهد

أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ

که بیرون کند شمارا از زمین شما پس چه میفرمایید کفتند نکاه دار اورا و برادر اورا

وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

و بفرست در شهرها جمع کنندکان تا آورند بتو هر جادوئی دانارا

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

و آمدند جادوان بفرعون کفتند ای هیچ باشد مارا مزدی اکر باشیم ما غالبان

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ

کفت آری و بدرستی که شما از جملهٔ نزدیکان باشید کفتند ای موسی یا تو بیندازی

إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ

ویا ما باشیم اندازندکان کفت بیندازید پس چون انداختند جادوئی کردند بچشمهای مردمان

وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ

و بترسانیدند ایشانرا و آمدند بجادوئی بزرک و وحی کردیم بموسی که بینداز

عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ

عصای خودرا پس آنکه آن فروبرد آنچه ایشان بربافته بودند پس واقع شد حق و باطل شد

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

آنچه ایشان کرده بودند پس مغلوب شدند آنجایکاه وکشتند خواران

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۝ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ رَبِّ مُوسَىٰ

و بروی درافتادند جادوان بسجود کردن کفتند بکرویدیم ما بپروردکار جهانیان پروردکار موسی

وَهَارُونَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَٰذَا

وهارون کفت فرعون بکرویدید شما بدو پیش از آنکه فرمایم مر شمارا بدرستی که این

لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ

مراینه جادوئیست که جادو ساختند آنرا در شهرها تا بیرون کنید شما ازان اهل آن پس زود

تَعْلَمُونَ ۝ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ

بدانید مراینه ببرم دستهای شمارا و پایهای شمارا از خلاف یکدیکر پس

لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝ وَمَا تَنْقِمُ

مراینه بردار کنم شمارا همه کفتند که ما با پروردکار خود کردندکانیم و زشت نمیداری

مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا

از ما مکر آنکه بکرویدیم بنشانهای پروردکارما چون آمد بما ای پروردکارما بریز برما صبری و بمیران مارا

مُسْلِمِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ

منقادان وکفتند اشراف از قوم فرعون ای نمیکذارید موسی و قوم اورا

لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ

تا تباهی کنند در زمین و بکذارد ترا و خدایان تو کفت زود بکشیم پسران ایشانرا

وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۝ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

و زنده بکذاریم زنان ایشانرا و ما بالای ایشان قاهرانیم کفت موسی مر قوم خودرا

استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده

یاری خواهند از خدا و صبر کنید بدرستی که زمین مر خدا راست بمیراث بدهد آنرا که خواهد از بندگان خود

والعاقبة للمتقين • قالوا اوذينا من قبل ان تأتينا ومن بعد

و عاقبت کار مر پرهیزکاران را بود گفتند رنجانیده شدیم ما از پیش آنکه آیی بما و از پس

ما جئتنا قال عسى ربكم ان يهلك عدوكم ويستخلفكم في

آنچه آمدی بما گفت شاید بود که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفتی بگذارد شما را در

الارض فينظر كيف تعملون • ولقد اخذنا آل فرعون بالسنين

زمین پس بنگرد که چگونه میکنید و بدرستی که بگرفتیم ما آل فرعون را بقحطها

ونقص من الثمرات لعلهم يذكرون • فاذا جاءتهم الحسنة

و بازکم کردن از میوها تا بود که ایشان پند گیرند پس چون آمد بایشان نیکویی

قالوا لنا هذه وان تصبهم سيئة يطيروا بموسى ومن معه

گفتند مارا است این و اگر برسد بدیشان بدی فال بد گیرند بموسی و آنکه با او بودند

الا انما طائرهم عند الله ولكن اكثرهم لا يعلمون • وقالوا

بدان که فال بد ایشان نزد خداست ولیکن بیشترین ایشان نمیدانند و گفتند

مهما تأتنا به من آية لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين •

هرگاه که آوری بما بدان از نشانی تا جادویی کنی ما بدان پس نیستیم ما ترا گروندگان

فارسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم

پس فرستادیم ما بر ایشان باران غالب و ملخ و شپش و وزغها و خون را

آيات مفصلات فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين • ولما

نشانهای جدا کرده پس گردنکشی کردند و بودند گروهی کافران و چون

وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك

واقع شد بر ایشان عذاب گفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگار خود را بدانچه عهد کرد نزدیک تو

لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك بني

اگر برداری تو از ما عذاب را ایمان آریم بتو و بفرستیم با تو بنی

اسرائيل • فلما كشفنا عنهم الرجز الى اجل هم بالغوه اذا هم

اسرائیل را پس چون برداشتیم ما از ایشان عذاب تا اجلی که ایشان رسنده اند بدان آنگاه ایشان

ينكثون • فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليم بانهم كذبوا

شکستند عهد را پس کینه بازخواستیم ما از ایشان پس غرق کردیم ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان دروغ داشتند

بآياتنا وكانوا عنها غافلين • واورثنا القوم الذين كانوا

نشانهای ما را و بودند از آن غافلان و بمیراث برگزیدیم گروه آنهارا که بودند

يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التي باركنا

ضعیف داشتگان مر مشرقهای زمین و مغربهای آن آن زمینی که برکت کردیم ما

فيها وتمت كلمت ربك الحسنى على بني اسرائيل بما صبروا ودمرنا

در آنجا و تمام شد سخن نیکوی پروردگار تو بهلاک اعدا بر بنی اسرائیل بدانچه صبر کردند و هلاک کردیم

ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا يعرشون • وجاوزنا

آنچه بود میساخت فرعون و قوم او و آنچه بودند سقف بر میکردند و بگذرانیدیم ما

از چوب بوستانها

ببني اسرائيل البحر فاتوا على قوم يعكفون على اصنام لهم قالوا
بنی اسرائیل را از دریا پس آمدند بر گروهی که مقیم بودند بر تابی که مر ایشانرا بود گفتند
يا موسى اجعل لنا الها كما لهم آلهة قال انكم قوم
ای موسی بدیکن برای ما خدایی همچنانکه مر ایشانراست خدایانی گفت که شما گروهی
تجهلون ۞ ان هؤلاء متبر ما هم فيه وباطل ما كانوا
جاهلانید هستی کاین گروه عابدان هلاک کرده شود آنچه ایشان درانند وباطلست آنچه ایشان
يعملون ۞ قال اغير الله ابغيكم الها وهو فضلكم على
میکنند گفت موسی ای بجز از خدا جویم شما را خدایی واو فضیلت نهاد شما را بر
العالمين ۞ واذ انجيناكم من آل فرعون يسومونكم سوء العذاب
جهانیان زمانه شما وچون رهانیدیم ما شما را از آل فرعون در میچشانیدند شما را بدی عذاب
يقتلون ابناءكم ويستحيون نساءكم وفي ذلكم بلاء
میکشتند پسران شما را وزنده همی گذاشتند زنان شما را ودرایشان آزمایشی بود
من ربكم عظيم ۞ وواعدنا موسى ثلثين ليلة واتممناها
از پروردگار شما بزرگ ووعده دادیم ما موسی را سی شب وتمام گردانیدیم ما آنرا
بعشر فتم ميقات ربه اربعين ليلة وقال موسى لاخيه
بده دیگر پس تمام شد میقات پروردگار او بچهل شب وگفت موسی مر برادر خودرا
هرون اخلفني في قومي واصلح ولا تتبع سبيل المفسدين
هارون خلیفتی کن مرا در میان قوم من وکار با صلاح آور وپیروی مکن راه تباهی کنندگانرا

ولما جاء موسى لميقاتنا وكلمه ربه قال رب ارني انظر
وچون آمد موسی برای وقت تعیین کرده ما وسخن گفت با او پروردگار او گفت ای پروردگار من بنمای بمن خودرا تا بنگرم
اليك قال لن تراني ولكن انظر الى الجبل فان استقر مكانه
بتو گفت هرگز نبینی مرا ولیکن بنگر بسوی کوه پس اگر آرام گیرد بجای خود
فسوف تراني فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا وخر موسى
پس زود ببینی مرا پس چون بتافت نور پروردگار او بر کوه گردانید آنرا خورد وبیفتاد موسی
صعقا فلما افاق قال سبحانك تبت اليك وانا اول المؤمنين
بیهوش شده پس چون بهوش آمد گفت پاکی ومنزهی تو بازآمدم با تو ومن اول گروندگانم
قال يا موسى اني اصطفيتك على الناس برسالاتي وبكلامي
گفت ای موسی بدرستی که من برگزیدم ترا بر مردمان برسالتهای خود وبسخنان خود
فخذ ما آتيتك وكن من الشاكرين ۞ وكتبنا له في
پس فراگیر آنچه بدادم ترا وباش از جمله شکرگزارندگان ونوشتیم ما برای او در
الالواح من كل شيء موعظة وتفصيلا لكل شيء فخذها بقوة
تختها از همه چیزی پندی که بدان محتاج بودند وهویدا کردن مر هر چیزی را پس فراگیر آنرا بقوت
وامر قومك ياخذوا باحسنها ساريكم دار الفاسقين
وبفرما قوم خودرا تا فراگیرند نیکوتر آنرا زود باز نمایم شما را سرای فاسقان
ساصرف عن آياتي الذين يتكبرون في الارض بغير الحق وان يروا كل آية
زود بگردانم از نشانهای خودرا آنانها که گردنکشی کردند در زمین بناحق واگر ببینند هر نشانی

لا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ
بنگروند بدان واگر ببینند راه صواب را فرا نگیرند آنرا براه واگر ببینند راه
الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا
گمراهی را فرا گیرند آنرا براه آن بسبب آنست که ایشان بدروغ داشتند نشانهای ما را و بودند
عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
ازان غافلان وآنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را و باز رسیدن باخرت
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
باطل شود عملهای ایشان ای هیچ پاداشت داده نشوید مگر بدانچه ایشان کرده باشید
وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا
و فرا گرفتند قوم موسی از پس او از زیور ایشان گوساله بهیچ تنی که
لَهُ خُوَارٌ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا
مر او را بود بانگی ای ندیدند که او سخن نمیکرد با ایشان و راه نمی نمود ایشانرا بار بهیچ
اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝ وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا
فرا گرفتند آنرا و بودند ستمکاران و چون افتاد دستهای ایشان در پشتهای ایشان و دیدند
أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ
و دانستند که ایشان گمراه شدند گفتند هرآینه اگر رحمت نکند بر ما پروردگار ما و بیامرزد ما را هرآینه باشیم
مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ
از جمله زیانکاران و چون بازگشت موسی سوی قوم خود خشمناک اندوهگین گفت

بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَ
بد خلیفتی کردی مرا پس از من ای شتاب کردید شما در فرمان پروردگار خود و انداخت تختها را
أَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي
و فرا گرفت سر برادر خود را میکشید با سوی خود گفت ای پسر مادر من هر آینه که قوم ضعیف شمردند مرا
وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ
و نزدیک بود که بکشیدند مرا پس شاد مکردان بمن دشمنان مرا و مگردان مرا با گروه
الظَّالِمِينَ ۝ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ
ستمکاران گفت ای پروردگار من بیامرز مرا و برادر مرا و در آور ما را در رحمت خود و توی
أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ
رحمت کننده ترین رحمت کنندگان بدرستی که آنها که فرا گرفتند گوساله را بمعبودی زود برساند بدیشان خشمی
مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ
از پروردگار ایشان و خواری در زندگانی دنیا و همچنین پاداشت دهیم بربافندگانرا
وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ
و آنها که کردند بدیها را پس بازآمدند از پس آن و بگرویدند بدرستی که پروردگار تو از
بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ
پس آن هرآینه آمرزگار مهربانست و چون ساکن شد از موسی خشم بگرفت تختها را
وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ۝ وَاخْتَارَ
و در نوشته آن بود راهی و رحمتی مر آنها را که ایشان پروردگار خود ترسکاری نمایند و برگزید

مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ
موسی از قوم خود هفتاد مرد را برای میقات ما پس چون بگرفت ایشانرا زلزله گفت ای پروردگار من
لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِيَّايَ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ
اگر خواستی هلاک کردی ایشانرا از پیش و مرا نیز ای هلاک میکنی ما بدانچه کردند بیخردان
مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ
از ما نیست این مگر از آزمایش تو گمراه کنی بدان آنرا که خواهی و راه نمائی آنرا که خواهی توی
وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ وَاكْتُبْ لَنَا
خداوند ما پس بیامرز ما را و رحمت کن بما و توئی بهترین آمرزندگان و باز نویس ما را
فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي
درین جهان نیکوئی و در آخرت بدرستی که باز آمدیم ما بتو گفت خدا عذاب من
أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا
برسانم بدان آنرا که خواهم و رحمت من فراخ برسیده است بهمه چیزی پس زود باز نویسم آنرا
لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ
برای آنها که بپرهیزند و بدهند زکات را و آنها که ایشان بنشانهای ما بگروندگانند
الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا
آنها که پیروی کردند رسول را پیغمبر ناخواننده را آن پیغمبری که می یابند نعت وصفت اورا نوشته
عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ
نزد ایشان در توراة و انجیل میفرماید ایشانرا بنیکوئی و باز میدارد ایشانرا

عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ
از ناشایست و حلال کند مر ایشانرا پاکیها و حرام کند بر ایشان حرام و پلیدیها را و بنهد
عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا
از ایشان بارگران ایشانرا و بندها آن بندهائی که بود بر ایشان پس آنها که بگروید
بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ
بدو و حرمت داشتند اورا و یاری کردند دین اورا و پیروی کردند نور قرآنرا آنک فرو فرستاده شد با او آن گروه ایشانند
الْمُفْلِحُونَ • قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا
رستگاران بگو ای مردمان بدرستی که من رسول خدا ام بشما همه
الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا
آن خدائی که مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده کند و بمیراند پس بگروید
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ
بخدا و رسول او پیغمبر ناخواننده آنک بگروید بخدا و سخنان او
وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ • وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ
و پیروی کنید اورا تا بود که شما راه یابید و از قوم موسی گروهی بودند که راه میبردند
بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ • وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا
بحق و بدو داد کنندگان بودند و جدا کرده بودیم ما ایشانرا دوازده قبیله و فرق بودند نوادگان یعقوب
وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ
و وحی کردیم ما بموسی چون آب خواستند ازو قوم او که بزن عصای خود را

الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ

بر سنگ پس بزد پس روان شد از آن دوازده چشمه بدرستی که بدانست هر گروه مردم آبشخور خود را

وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا

و سایه بان کردیم ما بر ایشان ابر را و فرو فرستادیم ما بر ایشان ترنگبین و مرغ بریان را گفتیم ما بخورید

مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ

از پاکیها آنچه روزی کردیم ما شما را و ستم نکردیم ما ولیکن بودند بر تنهای خود

يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا

ستم میکردند و چون گفته شد مر ایشان را که ساکن شوید درین ده پس بخورید از آنجا

حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ

هر کجا که خواهید شما و بگوئید فرو نه از ما بار گناه ما و در روید از در ده سجود کنندگان تا بیامرزیم مر شما را

خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ

گناهان شما زود بزیادت کنیم مزد نیکوکاران را پس بدل کردند آنها که ستم کردند از ایشان

قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا

گفتاری جز آنچه گفته شد مر ایشان را پس بفرستادیم ما بر ایشان خواری از آسمان بسبب آنچه

كَانُوا يَظْلِمُونَ ۝ وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ

ایشان ستم میکردند و بپرس از ایشان از حال شهرهائی که بودند ایشان نزدیک دریا مغرب

إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ

چون از حد در گذشتند در گرفتن ماهی در شنبه چون می آمدند بدیشان ماهیان ایشان روزی که شنبه میکردند

شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا

حال آنکه ظاهر بودند بر روی آب و روزی که شنبه نبود نمی آمدند بدیشان همچنین آزمودیم ما ایشان را بدانچه

يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ

خروج از طاعت نمودند و چون گفتند گروهی از ایشان چرا پند میدهید گروهی را که خدا هلاک کننده ایشانست

أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ

یا عذاب کننده ایشانست عذابی سخت گفتند موعظت ما اعتذاریست بسوی پروردگار شما و تا بود که ایشان

يَتَّقُونَ ۝ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ

بپرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بدان برهانیدیم ما آنها را که نهی کردند از بدی

وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ فَلَمَّا

و گرفتیم ما آنها را که ستم کردند بعذابی بد بدانچه ایشان تباهی کردند پس چون

عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝ وَإِذْ تَأَذَّنَ

در گذشتند از آنچه نهی کرده شدند از آن گفتیم ما مر ایشان را بوزنگان زیانکاران و چون فرمان داد

رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

پروردگار تو که هر آینه بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی که تکلیف کند ایشان را ببدی عذاب

إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي

بدرستی که پروردگار تو هر آینه زود عقوبتست و او آمرزگار مهربانست و متفرق گردانیدیم ما ایشان را

الْأَرْضِ أُمَمًا مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ

در زمین گروهانی از ایشان هستند نیکوکاران و از ایشان هستند جز آن و آزمودیم ما ایشان را بنیکوئیها

نصف

والسيئات لعلهم يرجعون • فخلف من بعدهم خلف ورثوا

و بدیها تا بود ایشان باز گردند پس باقی ماند بجای ایشان از پس ایشان بازماندگانی که بمیراث

الكتاب يأخذون عرض هذا الأدنى ويقولون سيغفر لنا و

برگرفتند کتاب را می‌گیرند بطریق رشوت حطام این جهان را و میگویند زود بیامرزد ما را

إن يأتهم عرض مثله يأخذوه ألم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب

و اگر آید بدیشان حطامی مانند آن فراگیرند آن را ای فرا نگرفت بر ایشان عهدی از کتاب

أن لا يقولوا على الله إلا الحق ودرسوا ما فيه والدار الآخرة خير

تا بانگ نگویند بر خدا مگر حق و صواب را و خواندند و گویند آنچه در آنست و سرای آخرت بهتر

للذين يتقون أفلا تعقلون • والذين يمسكون بالكتاب

مر آنها را که پرهیزند ای پس استعمال عقل نمیکنید و آنها که تمسک نمودند بکتاب توریة

وأقاموا الصلوة إنا لا نضيع أجر المصلحين • وإذ نتقنا الجبل

و بپای داشتند نماز را بدرستی که ما ضایع نکنیم مزد نیکوکاران را و چون از جای بر داشتیم ما کوه را

فوقهم كأنه ظلة وظنوا أنه واقع بهم خذوا ما آتيناكم

که بالای ایشانست گوئیا که آن سایبانی بود و گمان بردند که آن واقع شدنی است بر ایشان گفتیم ما فراگیرید آنچه بدادیم ما شما را

بقوة واذكروا ما فيه لعلكم تتقون • وإذ أخذ

بقوت و یاد کنید آنچه در آنست مگر بود که شما بپرهیزید و یاد کن چون فراگرفت

ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على

پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان و از فرزندان ایشان نیز و گواه گردانید ایشان را

أنفسهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى شهدنا أن تقولوا

بر تنهای ایشان ای نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی میدهیم ما تا نگوئید

يوم القيمة إنا كنا عن هذا غافلين • أو تقولوا إنما أشرك

روز قیامت که بودیم ما از آن غافلان تا نگوئید که انباز داشتند

آباؤنا من قبل وكنا ذرية من بعدهم أفتهلكنا بما

پدران ما از پیش و بودیم ما فرزندانی از پس ایشان ای پس هلاک میکنی ما را بدانچه

فعل المبطلون • وكذلك نفصل الآيات ولعلهم يرجعون

کردند باطل کاران و همچنین روشن میکنیم نشانها را تا بود که ایشان باز گردند

واتل عليهم نبأ الذي آتيناه آياتنا فانسلخ منها فأتبعه

و برخوان بر ایشان خبر آنکه بدادیم ما او را نشانهای ما پس عاری شد بعمل از آن پس در رسید بدو

الشيطان فكان من الغاوين • ولو شئنا لرفعناه بها

دیو پس بود از جمله گمراهان و اگر خواستمانی رتبه برافراشتیمی او را بسبب آن آیات

ولكنه أخلد إلى الأرض واتبع هويه فمثله كمثل الكلب

ولیکن او میل کرد بسوی زمین و پیروی کرد مراد و آرزوی نفس را پس مثل او همچون مثل سگست

إن تحمل عليه يلهث أو تتركه يلهث ذلك مثل القوم

اگر حمله بری زبان از دهن برون کند یا اگر بگذاری او را زبان از دهن برون کند آنست مثل گروه

الذين كذبوا بآياتنا فاقصص القصص لعلهم يتفكرون

آنها که دروغ داشتند نشانهای ما را پس برخوان قصه‌ها را تا بود که ایشان اندیشه کنند

ساء مثلاً القوم الذين كذبوا بآياتنا وأنفسهم كانوا
بدست مثل گروه آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما و بر تنهای خود ایشان
يظلمون • من يهدي الله فهو المهتدي ومن يضلل فأولئك
ستم میکردند هر که راه نماید اورا خدای پس او راه یابنده بود و هر کرا گمراه کند پس آن گروه
هم الخاسرون • ولقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجن والإنس
ایشان زیانکارانند و بدرستی که آفریدیم ما مر دوزخ را بسیاری از پری و آدمی
لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم أعين لا يبصرون بها ولهم
مر ایشانراست دلهای که در نمی یابند بدان و مر ایشانراست چشمهای که نمی بینند بدان و مر ایشانراست
آذان لا يسمعون بها أولئك كالأنعام بل هم أضل أولئك
گوشهای که نمی شنوند بدان آن گروه همچون چهارپایانند بلک ایشان گمره ترند آن گروه
هم الغافلون • ولله الأسماء الحسنى فادعوه بها وذروا
ایشان غافلانند و مر خدایراست نامهای نیکو پس خوانند اورا بدان و بگذارند
الذين يلحدون في أسمائه سيجزون ما كانوا يعملون •
آنهارا که انکار میکنند در نامهای او زود پاداشت داده شوند بدآنچه ایشان کردند
وممن خلقنا أمة يهدون بالحق وبه يعدلون • والذين
و ازانکه آفریدیم ما گروهی هستند که راه می برند بحق و بدو کردند کاتند و آنها
كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون •
که بدروغ داشتند نشانهای مارا زود بگیریم ما ایشانرا ازانجا که نمیدانستند

وأملي لهم إن كيدي متين • أولم يتفكروا ما بصاحبهم من
و مهلت دادم مر ایشانرا بدرستی که کید من محکم است ای اندیشه نکردند که نیست بصاحب ایشان هیچ
جنة إن هو إلا نذير مبين • أولم ينظروا في ملكوت السموات
دیوانگی نیست او مگر بیم کننده روشن ای ننگریستند در عجایب قدرتها آسمانها
والأرض وما خلق الله من شيء وأن عسى أن يكون قد اقترب
و زمین و آنچه آفرید خدا از چیزی و آنکه شاید بود که نزدیک بود
أجلهم فبأي حديث بعده يؤمنون • من يضلل الله فلا
اجل ایشان پس بکدامین سخن بعد ازین قرآن می گروند هر کرا گمراه کند خدا پس
هادي له ويذرهم في طغيانهم يعمهون • يسألونك
راه نماینده نبود مر اورا و بگذارد ایشانرا تا در گمراهی خود سرگشته میشوند می پرسند از تو
عن الساعة أيان مرساها قل إنما علمها عند ربي لا يجليها
از قیامت که کی خواهد بود اثبات آن بگو بدرستی که علم آن نزد پروردگار منست ظاهر نکند آنرا
لوقتها إلا هو ثقلت في السموات والأرض لا تأتيكم إلا بغتة
در وقت آن مگر او دشوارست معرفت آن وقت در آسمانها و زمین نیاید بشما مگر ناگاه
يسألونك كأنك حفي عنها قل إنما علمها عند الله و
می پرسند از تو گویا که دانایی ازان مبالغت میکنند بگو بدرستی که علم آن نزد خداست
لكن أكثر الناس لا يعلمون • قل لا أملك لنفسي نفعا
و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند بگو قادر نیستم مر تن خود را سودی

وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ
و نه زیانی مگر آنچه خواست خدا و اگر بودمی دانستمی غیب را هر آینه بسیار کردمی از
الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
نیکیها و خیرات و نرسیدی بمن بدی نیستم من مگر بیم کننده و بشارت دهنده مر گروهی را که می گروند
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا
اوست آن خدایی که آفرید شما را از یک تن که آدمست و بیافرید ازان تن زن اورا
لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ
تا آرام گیرد بدو پس چون نزدیکی کرد با حوا آدم برداشت باری سبک پس آمد و شد کرد
بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ
آن زن بسبب او پس چون گران بار شد بخواندند خدا را که پروردگار ایشان بود که اگر دهی ما را فرزندی نیکو ما هر آینه باشیم
مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا
از جمله شکر کنندگان پس چون بداد ایشان را فرزندی نیکو پدید کردند مر او را انبازان در آنچه
آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَيُشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا
بداد ایشان را پس بزرگوارست خدا از آنچه انباز می آرند ای انباز می آرند بدو آنچه نتواند آفرید چیزی را
وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ
و ایشان را آفریده اند و توانائی نداشتند مر ایشان را یاری کردنی و نه تنهای خود را
يَنْصُرُونَ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ
تواند کرد و اگر خوانی ایشان را باره پیروی نکنند شما را یکسانست بر شما

أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
ای اگر خوانید ایشان را یا شما خاموش باشید بدرستی که آنان که میخوانید از جز خدای
عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
بندگانی اند مانند شما پس بخوانید ایشان را پس باید که پاسخ کنند مر شما را اگر هستید شما
صَادِقِينَ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ
راست گویان ای مر ایشان راست پایها که میروند بدان یا مر ایشان راست دستهایی که سخت گیرند
بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا
بدان یا مر ایشان راست چشمهایی که بینند بدان یا مر ایشان راست گوشهایی که می شنوند بدان
قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنْظِرُونِ إِنَّ
بگو بخوانید انبازان خود را پس کید سازید بمن پس زمان مدهید مرا بدرستی
وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَالَّذِينَ
که دوست من خداست آن خدایی که فرو فرستاد کتاب را و او دوست نیکوکارانست و آنها که
تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ
میخوانند از جز او میتوانایی ندارند یاری کردن شما را و نه تنهای خود را
يَنْصُرُونَ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ
یاری توانند کرد و اگر برخوانی ایشان را باره نشنوند و بینی ایشان را که می نگرند
إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ
بسوی تو و ایشان نبینند فراگیر عفو را و بفرما بنیکویی و برگرد

عن الجاهلين • وإما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله
از نادانان واگر برسد بتو از دیو وسوسه پس پناه گیر بخدا
إنه سميع عليم • إن الذين اتقوا إذا مسهم طائف من الشيطان
بدرستی که او شنوای داناست بدرستی که آنها که پرهیزیدند چون برسد بدیشان گروهی از دیوان
تذكروا فإذا هم مبصرون • وإخوانهم يمدونهم في
یاد کنند پس آنگه ایشان بینند راه طریق صواب را و برادران ایشان درکشند ایشان را در
الغي ثم لا يقصرون • وإذا لم تأتهم بآية قالوا لولا اجتبيتها
گمراهی پس هیچ نقصان نمیکنند از اغواء ایشان وچون نیاوری تو بدیشان معجزه که ملتمس ایشانست گویند چرا از نزد خود نیاوردی آنرا
قل إنما أتبع ما يوحى إلي من ربي هذا بصائر من ربكم وهدى
بگو که پیروی میکنم آنچه وحی کرده میشود بمن از پروردگار من این قرآن سبب بینائی دلهاست از پروردگار شما وراستی
ورحمة لقوم يؤمنون • وإذا قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا
ورحمتی مر قومی را که بگروند وچون خوانده شود قرآن پس گوش باز دارید بدان وخاموش باشید
لعلكم ترحمون • واذكر ربك في نفسك تضرعا وخيفة
تا بود که شما رحمت کرده شوید ویاد کن پروردگار خودرا در تن خود بزاری کردن وترسان
ودون الجهر من القول بالغدو والآصال ولا تكن من
وجز آشکارا از گفتار ببامداد وشبانگاه ومباش از جمله
الغافلين • إن الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته
غافلان بدرستی که آنها که نزد پروردگار تواند گردنکشی نمیکنند از پرستیدن او

سجده ... / سجدت للرحمن وآمنت بالرحمن / فاغفر لي يا رحمن

سجده

ويسبحونه وله يسجدون
وتسبیح میکنند اورا ومر اورا سجده میکنند

سورة الأنفال خمس وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يسألونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول فاتقوا الله
می پرسند از تو از حال غنیمتها بگو غنیمتها مر خدا راست ومر رسول را پس بترسید از خدا
وأصلحوا ذات بينكم وأطيعوا الله ورسوله إن كنتم
وکار باصلاح آورید میان شما بیکدیگر وفرمان برید خدا را ورسول اورا اگر هستید شما
مؤمنين • إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم
مؤمنان بدرستی که مؤمنان آنهااند که چون یاد کنند خدارا بترسد دلهای ایشان
وإذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا وعلى ربهم يتوكلون
وچون خوانند بریشان نشانهای او زیادت شود ایشانرا یقینی ... بر پروردگار خود توکل کنند
الذين يقيمون الصلاة ومما رزقناهم ينفقون
آنها که بپای میدارند نماز را وازآنچه روزی کردیم ما ایشانرا نفقت میکنند
أولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة
آن گروه ایشان مؤمنانند حقا مرایشانراست منزلتهای نزدیک پروردگار ایشان وآمرزشی
ورزق كريم • كما أخرجك ربك من بيتك بالحق وإن فريقا
وروزی نیکو همچنانکه بیرون آورد ترا پروردگار تو از خانه تو بمدینه براستی وبدرستی که گروهی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ • يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ

از مؤمنان برا اینه نخواستند کاشد خصومت میکنند باتو در سخن حق پس ازانچه روشن شد

كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ • وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ

گویا کرایشانرا رانند بسوی مرگ وایشان می نگریستند باسباب مرگ وچون وعده داد شمارا خدا

إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ

یکی از دو گروه کرآن یک طایفه مرشمارا خواهد بود وآرزو کردند کرآن خداوند

الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ

سلاحی باشد مرشمارا ومیخواهد خدا که درست گرداند حق را بسخنان خود وببرد

دَابِرَ الْكَافِرِينَ • لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ •

اصل ونسل کافرانرا تا ثابت گرداند صواب را وباطل گرداند بت را واگرچه کاره دارند کافران

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ

چون فریاد رسی میخواستند از پروردگار خود پس پاسخ کرد مرشمارا که من مدد کننده ام شمارا بهزار

مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ • وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَلِتَطْمَئِنَّ

از فرشتگان از پی یکدیگر درآیندگان ونکرد آنرا خدا مگر از بهر بشارتی وتا آرام گیرند

بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ •

بدان دلهای شما ونیست نصرت مگر از نزدیک خدا بدرستی که خدا غالب محکم کارست

إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

چون میرسانید بشما خواب اندک را ایمنی از قبل خود وفرو میفرستاد برشما از آسمان

مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ

آبی را تا پاک گرداند شمارا بدان وببرد از شما پلیدی وخواری دیورا وتا محکم گرداند

عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ • إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ

بر دلهای شما وثابت بدارد بدان قدمهارا چون وحی کرد پروردگار تو بفرشتگان

أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا

که من باشمام پس ثابت بدارید آنهارا که بگرویدند زود اندازم در دلهای آنها که کافر شدند

الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ • ذَلِكَ

ترس را پس بزنید بالای گردنهارا وبزنید ازیشان هر سر اصبعی آن

بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ

بسبب آنست که ایشان خلاف کردند با خدا ورسول او وهرکه خلاف کند با خدا ورسول او پس بدرستی که خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ • ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ

سخت عقوبتست آن عذاب شماراست پس بچشید آنرا وآنکه مر کافرانرا عذاب

النَّارِ • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا

آتش بود ای آنها که بگرویده اید چون برسید شما بدانها که کافر شدند درحالی که انبوه باشند پس

تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ • وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ

برمگردانید ازیشان پشتهارا وهرکه برگرداند ازیشان آنروز پشتهای خودرا مگر درحالی که بر عزیمت فرا نماینده بود

از برای کارزار — بطریق فریب

أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ

یا التجا نماینده بگروه مسلمانان پس بازگشته بود بخشمی از خدا وجایگاه او دوزخ بود

وبئس المصير ۞ فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت

و بد بازگشتنیست دوزخ پس نکشتید شما ایشانرا ولیکن خدا بکشت ایشانرا و نینداختی تو سنگریزه

إذ رميت ولكن الله رمى وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا

چون انداختی ولیکن خدا انداخت و تا بیازماید مومنانرا از قبل خود آزمودن نیکو

إن الله سميع عليم ۞ ذلكم وأن الله موهن كيد الكافرين ۞

بدرستی که خدا شنوای داناست آنست آنست که خدا سست کننده است کید کافرانرا

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وإن تنتهوا فهو خير لكم

اگر طلب فتح کردید ای کفار پس بدرستی که آمد بشما فتح و اگر باز ایستید پس آن بهتر بود مر شمارا

وإن تعودوا نعد ولن تغني عنكم فئتكم شيئا ولو كثرت

و اگر باز گردید بعداوت رسول باز گردیم بنصرت او و بنگزیرامند از شما گروهان شما چیزی و اگرچه باشند بسیار

وأن الله مع المؤمنين ۞ يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله ورسوله ولا

و آنکه خدا با مومنانست ای آنها که بگرویده اید فرمان برید خدا را و رسول او را

تولوا عنه وأنتم تسمعون ۞ ولا تكونوا كالذين قالوا سمعنا

و برمگردید از او و شما می شنوید مواعظ قرآنرا و مباشید همچون آنها که گفتند شنودیم ما

وهم لا يسمعون ۞ إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين

و ایشان نشنودند بدرستی که بدترین جنبندگان نزد خدا کرانند گنگانند آنها اند

لا يعقلون ۞ ولو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم ولو أسمعهم

که استعمال عقل نمیکنند و اگر دانستی خدا در ایشان نیکی هر آینه شنوا گردانیدی ایشانرا و اگر شنوا گردانیدی ایشانرا

لتولوا وهم معرضون ۞ يا أيها الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول إذا

هر آینه برگردیدندی و ایشان برگردندگانند ای آنها که بگرویده اید پاسخ کنید فرمان خدا را و رسول را چون

دعاكم لما يحييكم واعلموا أن الله يحول بين المرء وقلبه وأنه إليه

خواند شمارا سوی آنچه بحیات ابدی زنده گرداند شمارا و بدانید که خدا میان مرد و دل او و آنکه با خدا

تحشرون ۞ واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة

حشر کرده میشوید و بترسید از بلائی که نرسد اگر برسد بدانها که ستم کردند از شما خاصه

واعلموا أن الله شديد العقاب ۞ واذكروا إذ أنتم قليل مستضعفون

و بدانید که خدا سخت عقوبتست و یاد کنید چون اندکی بودند ضعیف داشتگان

في الأرض تخافون أن يتخطفكم الناس فآواكم وأيدكم بنصره

در زمین می ترسیدند که در ربایند شمارا مردمان دشمن پس جای داد شمارا و نیرومند کرد شمارا بنصرت خود

ورزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون ۞ يا أيها الذين آمنوا

و روزی داد شمارا از پاکیها تا بود که شما شکر کنید ای آنها که بگرویده اید

لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم وأنتم تعلمون ۞ واعلموا

خیانت مکنید با خدا و رسول و خیانت مکنید با امانتهای خود و شما میدانید و بدانید

أنما أموالكم وأولادكم فتنة وأن الله عنده أجر عظيم ۞

که مالهای شما و فرزندان شما سبب آزمایش اند و آنکه خدا نزدیک اوست مزدی بزرگ

يا أيها الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم

ای آنها که بگرویده اید اگر بترسید از خدا بکند مر شمارا نصرتی و فرقی و باز پوشاند از شما

سيئاتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم • وإذ يمكر بك

بديهاى شمارا ويامرزد مرشمارا وخدا خداوند فضل بزرگست وچون مكر ميساختند بتو

الذين كفروا ليثبتوك أو يقتلوك أو يخرجوك ويمكرون ويمكر

آنها كه كافر شدند تا حبس كنند ترا يا بكشند ترا يا بيرون كنند ترا از مكه ومكر ميساختند درنهان وساخت

الله والله خير الماكرين • وإذا تتلى عليهم آياتنا قالوا قد

خدا جزاء وخدا بهترين مكركنندگانست وچون خوانده شود بريشان نشانهاى ما گويند

سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أساطير الأولين •

شنيديم ما اگر خواستيمانى برآينه گفتمانى مانند اين نيست اين مگر افسانهاى پيشينيان

وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا

وچون گفتند اى بار خدايا اگر هست اين قرآن يا محمد بحق از نزديك تو پس بباران برما

حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم • وما كان الله ليعذبهم

سنگباراني از آسمان يا بيار بما عذابى دردناك ونخواست خدا كه عذاب كند ايشانرا

وأنت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون •

وتو درميان ايشان باشى ونبود خدا عذاب كننده ايشانرا اگر ايشان آمرزش خواهند

وما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما

وچرا مرايشانرا عذاب نكند خداى وايشان برميگردانند مردمانرا از مسجد الحرام ونبودند

كانوا أولياءه إن أولياؤه إلا المتقون ولكن أكثرهم

دوستان او نيستند دوستان او مگر پرهيزكاران وليكن بيشترين ايشان

لا يعلمون • وما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء وتصدية

نميدانند ونبود نماز ايشان نزد خانه كعبه مگر صفير وتصفيق

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون • إن الذين كفروا

پس درچشيد عذابرا بدانچه شما كافر شديد بدرستى كه آنها كه كافر شدند

ينفقون أموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم

نفقت ميكنند مالهاى خودرا تا برگردانند مردمانرا از راه خدا پس زود نفقت كنند آنرا پس

تكون عليهم حسرة ثم يغلبون • والذين كفروا إلى جهنم

باشد بريشان سبب اندوهى پس غلبه كرده شوند وآنها كه كافر شدند بسوى دوزخ

يحشرون • ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه

حشر كرده شوند تا جدا باز كند خدا پليدرا از پاك وبكند پليدرا كه گذارد بعضى آنرا

على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم أولئك هم الخاسرون •

بر بعضى پس بهم برنشاند آنرا همه پس بكند همه را در دوزخ آن گروه ايشانند زيانكاران

قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وإن يعودوا فقد

بگو مرآنهارا كه كافر شدند اگر باز ايستند از كفر بيامرزد مرايشانرا آنچه از پيش گذشت واگر باز بكفر روند پس بدرستى

مضت سنت الأولين • وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين

كه گذشت طريقت پيشينيان وكارزار كنيد با ايشان تا نباشد شرك وكفر وباشد دين

كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير • وإن تولوا فاعلموا

همه آن مرخدايرا پس اگر باز ايستند پس بدرستى كه خدا بدانچه ايشان ميكنند بيناست واگر برگردند پس بدانيد

أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ
که خداست خداوند شما نیکو خداوندیست و نیکو یاری کننده و بدانید آنچه غنیمت کردید شما
مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ
از چیزی پس خدای راست پنج یک آن و پیغمبر را و مر خداوندان خویشی را و یتیمانرا و مسکینانرا
وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ
و راه گذریانرا اگر هستید شما ایمان دارید بخدا و بدانچه فرو فرستادیم ما بر بنده ما محمد در روز
الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
که فرق میان حق و باطل در روز بهم رسیدند دو لشکر و خدا بر همه چیزی تواناست
إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ
چون شما بکناره وادی بودید نزدیک مدینه و ایشان بودند بکناره دور تر و شترسواران
أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَٰكِنْ لِيَقْضِيَ
که بالشکر بودند زیر تر بودند از شما و اگر وعده میکردید شما هر آینه خلاف میکردید شما در وعده و لیکن بگزارد
اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۝ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ
خدا کاری را که باشد کرده شده تا هلاک کند آنرا که هلاک شد بعد دیدن از حجت روشن و زنده گرداند
مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ
آنرا که زنده بشد بیقین اسلام و بدرستی که خدا هر آینه شنواست و داناست چون نمود ایشانرا خدا
فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ
در خواب تو اندکی و اگر باز نمودی ایشانرا بسیاری هر آینه بددل میشدید شما و هر آینه منازعت میکردید

[illegible] ربع

فِي الْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ
در کار قتال و لیکن خدا سالم گردانید شمارا بدرستی که او داناست باسرار سینهها و چون باز نمود ایشانرا
إِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ
چون بهم رسیدید در چشمهای شما اندکی و اندک گردانید شمارا در چشمهای ایشان تا بگزارد خدا
أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۝ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
کاری را که باشد کرده شده و با خداست بازگشت کارها ای آنها که بگرویدهاید چون
لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝
بهم رسید شما بگروهی از دشمن پس ثابت باشید و یاد کنید خدا را بسیاری تا بود که شما رستگاری یابید
وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ
و فرمان برید خدا را و رسول او را و خصومت مکنید پس بددل شوید و دولت شما زایل شود
وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ
و صبر کنید بدرستی که خدا با صابرانست و مباشید همچون آنها که بیرون آمدند از
دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا
سراهای خود کاهلان و بروی ریا مردمان و بر گشتند از راه دین خدا و خدا بدانچه
يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ
ایشان میکنند داناست و چون بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشان و گفت غلبه کننده نیست
لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ
مر شمارا امروز از مردمان و بدرستی که من پناه شمام پس چون بهم رسیدند دو لشکر برگشت

عَلٰی عَقِبَیْهِ وَقَالَ اِنِّی بَرِیٓءٌ مِّنْکُمْ اِنِّیٓ اَرٰی مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّیٓ اَخَافُ اللّٰهَ

بر دو پی پای خود وگفت که من بیزارم از شما بدرستیکه من میبینم آنچه نمی‌بینید بدرستیکه من میترسم از خدا

وَاللّٰهُ شَدِیدُ الْعِقَابِ ● اِذْ یَقُولُ الْمُنٰفِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

وخدا سخت عقوبت چون گفتند منافقان وآنها که در دلهای ایشان بیماری

غَرَّ هٰٓؤُلَآءِ دِینُهُمْ وَمَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ ●

فریفته است اینگروه را دین ایشان وهر که توکل کند بر خدا پس بدرستیکه خدا غالب محکم کارست

وَلَوْ تَرٰٓی اِذْ یَتَوَفَّی الَّذِینَ کَفَرُوا الْمَلٰٓئِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ

واگر ببینی که چون جان بستانند آنها را که کافر شدند فرشتگان زنند بر رویهای ایشان

اَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ ● ذٰلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ اَیْدِیکُمْ وَ

وپشتهای ایشان وگویند ایشان را بچشید عذاب سوزان را آن بسبب آنچیزیست که فرا پیش داشتند دستهای شما

اَنَّ اللّٰهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِیدِ ● کَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِنْ

وآنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را همچون خو وعادت فرعونیان وآنها که

قَبْلِهِمْ کَفَرُوا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ اِنَّ

پیش از ایشان بودند کافر شدند بنشانهای خدا پس بگرفت ایشان را خدا بسبب گناهان ایشان بدرستی

اللّٰهَ قَوِیٌّ شَدِیدُ الْعِقَابِ ● ذٰلِکَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّرًا نِّعْمَةً اَنْعَمَهَا

که خدا نیرومند است وسخت عقوبت آن بسبب آنست که خدا تغییر کننده نیست نعمتی را که نعمت کرده بود آنرا

عَلٰی قَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ ● کَدَاْبِ

بر گروهی تا تغییر دهند آنچه بتنهای ایشان بود وآنکه خدا شنواست ودانا خو وعادت ایشان

اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کَذَّبُوا بِاٰیٰتِ رَبِّهِمْ فَاَهْلَکْنٰهُمْ

همچون خو وعادت فرعونیان وآنها که پیش از ایشان بودند که دروغ داشتند نشانهای پروردگار خود را پس هلاک کردیم ایشان را

بِذُنُوبِهِمْ وَاَغْرَقْنَآ اٰلَ فِرْعَوْنَ وَکُلٌّ کَانُوا ظٰلِمِینَ ● اِنَّ

بسبب گناهان ایشان وغرق کردیم فرعونیان را وهمه بودند ستمکاران بدرستیکه

شَرَّ الدَّوَآبِّ عِنْدَ اللّٰهِ الَّذِینَ کَفَرُوا فَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ ● اَلَّذِینَ عٰهَدْتَّ

که بدترین جنبندگان نزدیک خدا آنهااند که کافر شدند پس ایشان نمی‌گروند آنها که عهد بستند با تو

مِنْهُمْ ثُمَّ یَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِی کُلِّ مَرَّةٍ وَّهُمْ لَا یَتَّقُونَ

از ایشان پس بشکستند عهد خود را در هر باری وایشان نمی‌پرهیزند

فَاِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِی الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ

پس اگر یابی ایشان را در کارزار پس پراکنده کن بایشان آنها که از پس ایشانند تا بود که ایشان پند گیرند

وَاِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِیَانَةً فَانْبِذْ اِلَیْهِمْ عَلٰی سَوَآءٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ

واگر ترسی تو از گروهی خیانتی پس ... بدرستیکه خدا دوست ندارد

الْخَآئِنِینَ ● وَلَا یَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا سَبَقُوا اِنَّهُمْ لَا یُعْجِزُونَ ● وَ

خیانت کنندگان را ومپندار آنها را که کافر شدند پیشی گرفتند بدرستیکه ایشان عاجز کنندگان نه

اَعِدُّوا لَهُمْ مَّا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَّمِنْ رِّبَاطِ الْخَیْلِ تُرْهِبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ

وآماده سازید برای ایشان آنچه توانایی دارید شما از قوت واز ... تا بترسانید دشمن خدا

وَعَدُوَّکُمْ وَاٰخَرِینَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ اللّٰهُ یَعْلَمُهُمْ

ودشمنان خود را ودیگران از جز ایشان که نمیدانید ایشان را خدای میداند ایشان را

وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

و آنچه نفقت کنید از چیزی در راه خدا تمام بدهند بشما مزد آنرا و شمارا ستم نکنند

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

واگر میل کنند بصلح پس میل کن بصلح کردن و توکل کن بر خدا بدرستی که او شنوای

الْعَلِيمُ ۝ وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي

داناست واگر خواهند که فریب دهند ترا پس بدرستی که بسنده است ترا خدا اوست آن خدای

أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي

که نیرومند گردانید ترا بنصرت خود و بمومنان و الفت افکند میان دلهای ایشان اگر نفقت کردندی آنچه در

الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ

زمین است همه الفت نتوانستندی افکندن میان دلهای ایشان ولیکن خدا الفت افکند میان ایشان بدرستی که او

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

غالب محکم کارست ای پیغمبر بسنده است ترا خدا و آنکه پیروی کرد ترا از مومنان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ

ای پیغمبر حریص کردان مومنانرا بر کارزار اگر باشند از شما بیست مرد

صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ

صابر غلبه کنند بر دویست و اگر باشند از شما صد مرد غلبه کنند بر دو هزار از آنها

كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۝ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَ

که کافر شدند بسبب آنکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند اکنون سبک کرد خدا از شما

عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ

دانست که در میان شما ضعیفان هستند پس اگر باشد از شما صد مرد غلبه کنند بر دویست

وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ۝

و اگر باشد از شما هزار غلبه کنند بر دو هزار بفرمان خدا و خدا با صابرانست

مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ

نبود مر پیغمبر را که باشند او را اسیران تا ... در زمین میخواهید

عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ لَّوْلَا كِتَابٌ

کالای دنیا را و خدا میخواهد آخرت را و خدا غالب محکم کارست اگر نه کتابی بودی

مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ

از خدا پیشی گرفتی هرآینه برسیدی بشما در آنچه فرا گرفتید شما عذابی بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید شما

حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل

حلال پاک و بترسید از خدا بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست ای پیغمبر بگو

لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا

مرآنرا که در دستهای شماست از اسیران اگر داند خدا در دلهای شما نیکی

يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَإِن يُرِيدُوا

بدهد شمارا بهتر از آنچه فرا گرفته شد از شما و بیامرزد شمارا و خدا آمرزگار مهربانست و اگر خواهند

خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

که خیانت کنند با تو پس بدرستی که خیانت کردند با خدا از پیش پس ... و خدا داناست و محکم کار

إن الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل
بدرستی که آنها که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند بمالهای خود وتنهای خود در راه
الله والذين آووا ونصروا أولئك بعضهم أولياء بعض والذين
خدا وآنها که جای دادند ویاری کردند آن گروه بعضی ایشان دوستان بعضی اند وآنها که
آمنوا ولم يهاجروا ما لكم من ولايتهم من شيء حتى يهاجروا
گرویدند وهجرت نکردند نبود مر شمارا از ولایت ایشان هیچ چیزی تا هجرت کنند
وإن استنصروكم في الدين فعليكم النصر إلا على قوم بينكم
واگر یاری خواهند شمارا در دین پس بر شما باد یاری کردن مگر بر گروهی که میان شما
وبينهم ميثاق والله بما تعملون بصير والذين كفروا بعضهم
ومیان ایشان عهدی بود وخدا بدانچه شما میکنید بیناست وآنها که کافر شدند بعضی ایشان
أولياء بعض إلا تفعلوه تكن فتنة في الأرض وفساد كبير
دوستان بعضی اند مگر نکنید آنرا باشد آزمایشی در زمین وتباهی بزرگ
والذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله والذين آووا
وآنها که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه خدا وآنها
ونصروا أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق كريم
ویاری کردند ورا آن گروه ایشان مؤمنانند حقا مرایشانرا بود آمرزش وروزی نیکو
والذين آمنوا من بعد وهاجروا وجاهدوا معكم فأولئك
وآنها که بگرویدند از پس فتح وهجرت کردند وجهاد کردند با شما پس آن گروه

منكم وأولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتاب الله إن الله
از شما وخداوندان رحمها بعضی ایشان سزاوارترند ببعضی در کتاب خدا بدرستی که خدا

سورة التوبة مدنية | بكل شيء عليم | مائة وعشرون وتسع آيات
بهمه چیزی داناست

براءة من الله ورسوله إلى الذين عاهدتم من المشركين فسيحوا
این سوره بیزاریست از خدا ورسول او بدانها که عهد بستند با شما از بت پرستان پس بروید
في الأرض أربعة أشهر واعلموا أنكم غير معجزي الله وأن الله مخزي
در زمین چهار ماه وبدانید که شما نه عاجز کنندگانید خدارا وآنکه خدا رسوا کننده
الكافرين وأذان من الله ورسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر
کافرانست واین اعلامیست از خدا ورسول او بمردمان در روز حج بزرگ
أن الله بريء من المشركين ورسوله فإن تبتم فهو خير لكم
آنکه خدا بیزارست از بت پرستان ورسول او نیز پس اگر برگردید شما پس آن بهتر بود مر شمارا
وإن توليتم فاعلموا أنكم غير معجزي الله وبشر الذين كفروا
واگر برگردید شما پس بدانید که شما نه عاجز کنندگانید خدارا وبشارت ده آنهارا که کافر شدند
بعذاب أليم إلا الذين عاهدتم من المشركين ثم لم ينقصوكم
بعذابی دردناک مگر آنها که عهد بستند با شما از بت پرستان پس با شما کم نکردند
شيئا ولم يظاهروا عليكم أحدا فأتموا إليهم عهدهم إلى
چیزی وهم پشتی نکردانیدند بر شما هیچ کسی را پس تمام کنید ایشانرا عهد ایشان

مدتهم ان الله يحب المتقين • فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين

مدت ایشان بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا پس چون بگذرد ماههای حرام پس بکشید بت پرستانرا

حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل

هر کجا که یابید ایشانرا و بگیرید ایشانرا و بنشینید مرایشانرا بهر سر

مرصد فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فخلوا سبيلهم

راهی پس اگر بازآیند و بپای دارند نمازرا و بدهند زکاترا پس رها کنید از راه ایشان

ان الله غفور رحيم • وان احد من المشركين استجارك

بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست و اگر یکی از بت پرستان زنهار خواهد از تو

فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مامنه ذلك بانهم قوم

پس زنهار ده ویرا تا بشنود سخن خدا را پس ... آن بسبب آنست که ایشان گروهی

لا يعلمون • كيف يكون للمشركين عهد عند الله و

نمیدانند چگونه بود مربت پرستانرا عهدی نزدیک خدا

عند رسوله الا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا

و نزد رسول او مگر آنها که عهد بستند با شما نزدیک مسجد مکه

لكم فاستقيموا لهم ان الله يحب المتقين • كيف وان

بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا چگونه و اگر

يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم

غلبه یابند برشما ... در میان شما ... خشنود میکنند شمارا بدهنهای خود

وتابى قلوبهم واكثرهم فاسقون • اشتروا بايات الله

وسر باز زنند دلهای ایشان وبیشترین ایشان فاسقانند خریدند بنشانهای خدا

ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا يعملون

بهای اندک را پس برگشتند از راه او بدرستی که بدست آنچه ایشان میکنند

لا يرقبون في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون • فان تابوا

نگاه نمیدارند در حق هیچ مومنی دوستی ونه زنهاری و آن گروه ایشانند از حد در گذرندگان پس اگر توبه کنند

واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل

و بپای دارند نمازرا و بدهند زکاترا پس برادران شمااند در دین و بیان میکنیم

الايات لقوم يعلمون • وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم

نشانها را برای گروهی که بدانند واگر باز شکافند عهدرا از پس عهدی کرده

وطعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم

وطعنه زنند در دین شما پس کارزار کنید با پیشوایان کفر بدرستی که ایشان نیست ایمان مرایشانرا

لعلهم ينتهون • الا تقاتلون قوما نكثوا ايمانهم وهموا

تا بود که ایشان بازایستند چرا کارزار نمیکنید با گروهی که شکستند عهد خودرا و قصد کردند

باخراج الرسول وهم بدءوكم اول مرة اتخشونهم فالله

به بیرون کردن رسول و ایشان ابتدا کردند بشما اول بار ای می ترسید از ایشان پس خدا

احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين • قاتلوهم يعذبهم الله

سزاوارتر که بترسید ازو اگر هستید شما مومنان کارزار کنید با ایشان تا عذاب کند ایشانرا خدا

بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ
بدستهای شما ورسوا کند ایشانرا ویاری کند شمارا بریشان وشفا دهد سینهای گروه
مُؤْمِنِينَ ۝ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللّٰهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ
مؤمنانرا وببرد خشم را از دلها وسهل کند خدا برآنکه خواهد وخدا داناست
حَكِيمٌ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ
ومحکم کار یا نه که پنداشتید شما که ترک کرده شوید وهنوز جدا باز نکند خدا آنهارا که جهاد کردند از شما
وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّٰهُ
ونفرا گرفتند از جز خدا ونه رسول اورا ونه مؤمنانرا پناه گاهی وخدا
خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ
آگاهست بدانچه شما میکنید نبود مربت پرستانرا که عمارت کنند مسجدهای
اللّٰهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
خدارا گواهی دهندگان بر تنهای خود بکفر آن گروه باطل شد عملهای ایشان
وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ۝ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ
ودر آتش ایشان همیشه باشند بدرستی که عمارت کنند مسجدهای خدارا آنکه بگروید بخدا
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلٰوةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللّٰهَ فَعَسَى
وبروز آخرت وبپای داشت نمازرا وبداد زکوةرا ونترسید مگر از خدا پس شاید بود
أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ
که آن گروه باشند از راه یافتگان ای میکنید شما کلید داشتن حجها وعمارت کردن

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ
مسجد مکه را همچون آنکس که بگروید بخدا وبروز آخرت وجهاد کرد در راه
اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ
خدا یکسان نیستند نزد خدا وخدا راه ننماید گروه ستمکارانرا آنها
آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه خدا بمالهای خود وتنهای خود
أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝ يُبَشِّرُهُمْ
بزرگترند بمرتبه ومنزلت نزد خدا وآن گروه ایشان رستگارانند بشارت میدهد ایشانرا
رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ
پروردگار ایشان برحمتی از قبل خود وخشنودی وبستانهایی که مرایشانرا بود درآنجا نعمتهای جاویدانه
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
همیشه باشند درآنجا جاوید بدرستی که خدا نزدیک اوست مزدی بزرگ ای آنها که بگرویده اید
لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى
فرا مگیرید پدران خودرا وبرادران خودرا بدوستان اگر ایشان دوست تر دارند کفررا بر
الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ قُلْ إِنْ
ایمان وهرکه دوستی کند با ایشان از شما پس آن گروه ایشان ستمکاران باشند بگو اگر
كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ
باشند پدران شما وپسران شما وبرادران شما وزنان شما واهل قبیله شما

وأموال اقترفتموها وتجارة تخشون كسادها ومساكن ترضونها
ومالهای که می اندوزند آنرا و بازرگانی که می ترسند از کسادی آن و مسکنهای که پسندید آنرا
أحب إليكم من الله ورسوله وجهاد في سبيله فتربصوا حتى
دوست تر بشما از خدا و رسول او و جهاد کردن در راه او پس چشم دارید تا
يأتي الله بأمره والله لا يهدي القوم الفاسقين • لقد نصركم
آورد خدا فرمان خودرا و خدا راه نماید گروه فاسقانرا بدرستی که یاری کرد شمارا
الله في مواطن كثيرة ويوم حنين إذ أعجبتكم كثرتكم فلم
خدا در جایهای بسیار و در روز حنین چون بشگفت آورد شمارا بسیاری شما پس
تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الأرض بما رحبت ثم
بکار نیامد از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین بدان فراخی که بود پس
وليتم مدبرين • ثم أنزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين و
برگشتید شما پشت برکنندگان پس فرو فرستاد خدا آرام خودرا بر رسول خود و بر مؤمنان
أنزل جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء الكافرين
و فرو فرستاد لشکرهای که ندیدید آنرا و عذاب کرد آنهارا که کافر شدند و آنست پاداشت کافران
ثم يتوب الله من بعد ذلك على من يشاء والله غفور رحيم
پس سهل کند خدا از پس آن بر آنکه خواهد و خدا آمرزگار مهربانست
يا أيها الذين آمنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام
ای آنها که بگرویده اید بدرستی که بت پرستان نجس اند پس نباید که فراز دیک مسجد الحرام روند

بعد عامهم هذا وإن خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله
پس ازین سال و اگر ترسید شما از درویشی پس زود توانگر گرداند شمارا خدا از فضل خود
إن شاء إن الله عليم حكيم • قاتلوا الذين لا يؤمنون بالله ولا باليوم
اگر خواهد بدرستی که خدا داناست و محکم کار کارزار کنید با آنها که نمی گروند بخدا و نه بروز
الآخر ولا يحرمون ما حرم الله ورسوله ولا يدينون دين الحق من
آخرت و حرام نداشتند آنچه حرام کرده است خدا و رسول او و دین حق از
الذين أوتوا الكتاب حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صاغرون
آنها که بداده شد ایشانرا کتاب تا بدهند جزیه را از دست و ایشان خوار باشند
وقالت اليهود عزير ابن الله وقالت النصارى المسيح ابن الله
و گفتند جهودان عزیر پسر خداست و گفتند ترسایان عیسی پسر خداست
ذلك قولهم بأفواههم يضاهئون قول الذين كفروا من قبل
آنست گفتار ایشان بدهنهای ایشان مانند میکنند گفتار آنها که کافر شدند از پیش
قاتلهم الله أنى يؤفكون • اتخذوا أحبارهم ورهبانهم
بکشاد ایشانرا خدا چگونه برگردانیده میشوند فرا گرفتند دانشمندان خود و رهبانان خودرا
أربابا من دون الله والمسيح ابن مريم وما أمروا إلا ليعبدوا إلها
خدایان از جز خدا و عیسی پسر مریم را و نفرمودند مگر که بپرستند مگر یک خدای
واحدا لا إله إلا هو سبحانه عما يشركون • يريدون أن
یگانه را نیست خدای مگر او پاکی و منزه است او از آنچه انباز میگیرند میخواهند که

يطفئوا نور الله بأفواههم ويأبى الله إلا أن يتم نوره ولو كره
بنشانند نور خدا را بدهنهای خود ونخواست خدا که تمام گرداند نور خود را واگرچه کاره دارند
الكافرون • هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق
کافران اوست آن خدائی که بفرستاد رسول خود را براه راست ودین بحق
ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون • يا أيها الذين
تا غالب گرداند دین اسلام را بر همه دینها واگرچه کاره دارند بت پرستان ای آنها
آمنوا إن كثيرا من الأحبار والرهبان ليأكلون أموال
که بگرویده اید بدرستی که بسیاری از دانشمندان وزاهدان هرائنه میخورند مالهای
الناس بالباطل ويصدون عن سبيل الله والذين يكنزون
مردمان را بباطل وبر میگردانند مردمان را از راه خدا وآنها که گنج می نهند
الذهب والفضة ولا ينفقونها في سبيل الله فبشرهم
طلا ونقره را ونفقت نکنند آنرا در راه خدا پس بشارت ده ایشانرا
بعذاب أليم • يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى بها
بعذابی دردناک روزی که تابانند آنرا در آتش دوزخ پس گرم کنند بدان
جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما كنزتم لأنفسكم
پیشانیهای ایشانرا وپهلوهای ایشانرا وپشتهای ایشانرا که اینست آنچه گنج می نهادید شما برای تنهای خود
فذوقوا ما كنتم تكنزون • إن عدة الشهور عند الله اثنا
پس در چشید آنچه شما گنج می نهادید بدرستی که شمار ماهها نزدیک خدا دوازده

عشر شهرا في كتاب الله يوم خلق السماوات والأرض منها
دوازده ماهست در کتاب خدا روزی که آفرید آسمانها وزمین را از آنها
أربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن أنفسكم وقاتلوا
چهار ماه حرامست آنست دین راست پس ستم مکنید در آن ماهها بر تنهای خود وکارزار کنید
المشركين كافة كما يقاتلونكم كافة واعلموا أن الله
با بت پرستان همه همچنانکه کارزار کردند با شما همه وبدانید که خدا
مع المتقين • إنما النسيء زيادة في الكفر يضل به الذين كفروا
با پرهیزکارانست بدرستی که در آن ماهها زیاده کردند کفر را گمراه کرده شدند بدان آنها که کافر شدند
يحلونه عاما ويحرمونه عاما ليواطئوا عدة ما حرم الله فيحلوا
حلال میدارند آنرا سالی وحرام میدارند آنرا سالی تا راست دارند شمار آنچه حرام کرد خدا پس حلال داشتند
ما حرم الله زين لهم سوء أعمالهم والله لا يهدي القوم
آنچه حرام کرد خدا آراسته شد مر ایشانرا بدی عملهای ایشان وخدا راه ننماید گروه
الكافرين • يا أيها الذين آمنوا ما لكم إذا قيل لكم انفروا في
کافرانرا ای آنها که بگرویده اید چیست مر شمارا چون گویند مر شمارا که بیرون روید در
سبيل الله اثاقلتم إلى الأرض أرضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة
راه خدا گرانی کنید شما در زمین ای خشنود شدید شما بزندگانی دنیا از آخرت
فما متاع الحياة الدنيا في الآخرة إلا قليل • إلا تنفروا يعذبكم
پس نیست برخورداری زندگانی دنیا در جنب آخرت مگر اندکی اگر بیرون نروید عذاب کند شمارا

عذابا أليما ويستبدل قوما غيركم ولا تضروه شيئا والله على

عذابی دردناک وبدل کند گروهی را بجز از شما وزیانی نتوانند رسانیدن او را چیزی وخدا بر

كل شيء قدير • إلا تنصروه فقد نصره الله إذ أخرجه الذين كفروا

همه چیزی توانا است اگر یاری نکنید محمد را پس بدرستی که یاری کرد او را خدا چون بیرون آورد او را آنانکه کافر شدند

ثاني اثنين إذ هما في الغار إذ يقول لصاحبه لا تحزن إن الله

در حالتی که دوم تن بود چون آن هر دو در غار بودند چون گفت محمد یار و مصاحب خود را که اندوه مخور که خدا

معنا فأنزل الله سكينته عليه وأيده بجنود لم تروها و

با ما است پس فرو فرستاد خدا آرام خود را بر او و نیرومند گردانید او را بلشکرهایی که نمی دیدید آنها را

جعل كلمة الذين كفروا السفلى وكلمة الله هي

و گردانید سخن آنها که کافر شدند زیرتر و سخن وحکم خدا آنست

العليا والله عزيز حكيم • انفروا خفافا وثقالا و

بلندتر و افزونتر وخدا غالب محکم کار است بیرون روید اگر سبک بار باشید یا گران بار

جاهدوا بأموالكم وأنفسكم في سبيل الله ذلكم خير

وجهاد کنید بمالهای خود وتنهای خود در راه خدا آن بهتر است

لكم إن كنتم تعلمون • لو كان عرضا قريبا وسفرا

مر شما را اگر هستید شما میدانید اگر باشد کالای نزدیک وسفری

قاصدا لاتبعوك ولكن بعدت عليهم الشقة وسيحلفون

دور میانه پیروی کنندی ترا ولیکن چه دور است بر ایشان این سفر و زود بسوگند خورند

بالله لو استطعنا لخرجنا معكم يهلكون أنفسهم والله

بخدا که اگر توانائی داشتمانی هر آینه بیرون آمدمانی با شما هلاک میکنند تنهای خود را وخدا

يعلم إنهم لكاذبون • عفا الله عنك لم أذنت لهم

میداند که ایشان هر آینه دروغ زنانند درگذشت خدا از تو چرا دستوری میدهی ایشان را

حتى يتبين لك الذين صدقوا وتعلم الكاذبين

تا روشن شود ترا آنها که راست گفتند وجدا باز کنی دروغ گویان را

لا يستأذنك الذين يؤمنون بالله واليوم الآخر أن يجاهدوا

دستوری نمیخواهند از تو آنها که ایمان آورند بخدا وبروز آخرت که جهاد کنند

بأموالهم وأنفسهم والله عليم بالمتقين • إنما يستأذنك

بمالهای خود وتنهای خود وخدا دانا است بحال پرهیزکاران پرستی که دستوری خواهند از تو

الذين لا يؤمنون بالله واليوم الآخر وارتابت قلوبهم فهم في

آنها که نمی گروند بخدا وبروز آخرت وبشک شدند دلهای ایشان پس ایشان

ريبهم يترددون • ولو أرادوا الخروج لأعدوا له عدة ولكن

شک خود متردد اند واگر خواستندی بیرون شدن هر آینه ساختندی مر او را ساز ولیکن

كره الله انبعاثهم فثبطهم وقيل اقعدوا مع القاعدين

نخواست خدا برانگیختن ایشان را پس باز داشت ایشان را وگفته شد بنشینید با نشینندگان

لو خرجوا فيكم ما زادوكم إلا خبالا ولأوضعوا خلالكم

اگر بیرون آمدندی در میان شما نیفزودندی شما را مگر ... در میان شما

يبغونكم الفتنة وفيكم سماعون لهم والله عليم بالظالمين
میجویند شمارا فتنه ودرمیان شما هستند جاسوسان مرایشانرا وخدا داناست بحال ستمکاران
لقد ابتغوا الفتنة من قبل وقلبوا لك الامور حتى جاء الحق
بدرستی که جستند آن فتنه را ازپیش وبگردانند زمان ترا تا آمد حق
وظهر امر الله وهم كارهون ومنهم من يقول ائذن لي ولا
وظاهر شد فرمان خدا وایشان نخواهنده کانند وازیشان کس هست که میکوید دستوری ده مرا
تفتني الا في الفتنة سقطوا وان جهنم لمحيطة بالكافرين
وبفتنت میفکن مرا بدان که درفتنه افتاده شدند وبدرستی که دوزخ فرا گیرد درآینده است بکافران
ان تصبك حسنة تسؤهم وان تصبك مصيبة يقولوا قد
اگر برسد بتو نیکوئی برنجانند ایشانرا واگر برسد بتو مصیبتی گویند بدرستی
اخذنا امرنا من قبل ويتولوا وهم فرحون قل لن يصيبنا الا
که فرا گرفتیم ما کار خودرا ازپیش وبرگردند وایشان شادان میشوند بگو هرگز نرسد بما مگر
ما كتب الله لنا هو مولانا وعلى الله فليتوكل المؤمنون
آنچه نوشت خدا مارا اوست خداوند ما وبر خدا باید که توکل کنند مؤمنان
قل هل تربصون بنا الا احدى الحسنيين ونحن نتربص بكم ان
بگو ای هیچ چشم میدارید بما مگر یکی از دو چیز وما چشم میداریم بشما که
يصيبكم الله بعذاب من عنده او بايدينا فتربصوا انا معكم
برساند بشما خدا عذاب را از نزد خود یا بدستهای ما پس چشم دارید که ما با شما

متربصون قل انفقوا طوعا او كرها لن يتقبل منكم انكم
چشم دارندگانیم بگو انفقت کنید برغبت یا بی رغبت هرگز قبول کرده نشود از شما بدرستی که شما
كنتم قوما فاسقين وما منعهم ان تقبل منهم نفقاتهم
هستید گروهی فاسقان ومنع نکرد ایشانرا که قبول کرده شود از ایشان نفقهای ایشان
الا انهم كفروا بالله وبرسوله ولا ياتون الصلوة الا وهم
مگر آنکه ایشان کافر شدند بخدا وبرسول او ونیایند بنماز مگر که ایشان
كسالى ولا ينفقون الا وهم كارهون فلا تعجبك اموالهم
کاهلان بودند ونفقت نکردند مگر که ایشان نخواهندگان بودند پس بشگفت میاورد ترا مالهای ایشان
ولا اولادهم انما يريد الله ليعذبهم بها في الحيوة الدنيا
ونه فرزندان ایشان بدرستی که میخواهد خدا تا بیامرزد ایشانرا بدان در زندگانی دنیا
وتزهق انفسهم وهم كافرون ويحلفون بالله انهم
وبیرون کند تنهای ایشانرا وایشان کافران بودند وسوگند خوردند بخدا که ایشان
لمنكم وما هم منكم ولكنهم قوم يفرقون
هرآینه از شمااند ونیستند ایشان از شما ولیکن ایشان گروهی فرق کنندگانند
لو يجدون ملجا او مغارات او مدخلا لولوا اليه وهم يجمحون
اگر یابند پناه گاهی یا درغارهائی یا شکافهائی هرآینه برگردند بدان وایشان شتابانند
ومنهم من يلمزك في الصدقات فان اعطوا منها رضوا وان لم
وازیشان کس هست که عیب میکند ترا در صدقه دادن پس اگر عطا داده شوند ازان خشنود شوند واگر

يعطوا منها اذا هم يسخطون ۝ ولو انهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله
عطا داده شوند ازان آنگه ایشان خشمگین باشند واگر ایشان خشنود شدندی بانچه بداد ایشانرا خدا و رسول او
وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله ورسوله انا الى الله
وگفتندی بسنده است مارا خدا زود بدهد ما را خدا از فضل خود و رسول او بدرستی که ما با خدا
راغبون ۝ انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملين عليها
رغبت کنندگانیم بدرستی که صدقها مر درویشانرا بود و بیچارگانرا و کارکنندگانرا بر آن
والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والغارمين وفي سبيل الله
و دلهای ایشان و در احوال بندگان و خودرا بازخریدگان و در راه خدای
وابن السبيل فريضة من الله والله عليم حكيم ۝ ومنهم
و راه گذریانرا واجبی از نزد خدا و خدا داناست و محکم کار و از ایشان
الذين يؤذون النبي ويقولون هو اذن قل اذن خير لكم
آنها که میرنجانند پیغمبررا و میگویند که او اذنست بگو اذن بهتر مرشما را
يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين ورحمة للذين آمنوا منكم و
که بگرویده بخدا و گرویده مر مومنانرا و رحمتی بود مرآنها را که بگرویدند از شما
الذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم ۝ يحلفون بالله
آنها که میرنجانند رسول خدارا مرایشانرا بود عذابی دردناک سوگند میخورند بخدا
لكم ليرضوكم والله ورسوله احق ان يرضوه ان كانوا
مرشما را تا خشنود کنند شمارا و خدا و رسول او سزاوارتر که خشنود کنند اورا اگر هستند

مؤمنين ۝ الم يعلموا انه من يحادد الله ورسوله فان له نار
مومنان آیا ندانستند که هرکه خصومت کند با خدا و رسول او پس آنست که او را بود آتش
حزب
جهنم خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۝ يحذر المنافقون ان تنزل
دوزخ همیشه بود در آنجا آنست رسوائی بزرگ می ترسند منافقان که فرو فرستاده شود
عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزئوا ان
بریشان سورتی که بیاگاهاند ایشانرا بانچه در دلهای ایشان بود بگو استهزا میکنید بدرستی
الله مخرج ما تحذرون ۝ ولئن سألتهم ليقولن انما كنا
که خدا بیرون آورنده است آنچه ازان می ترسید و اگر بپرسی تو از ایشان هرآینه گویند بدرستی که بودیم ما
نخوض ونلعب قل ابالله وآياته ورسوله كنتم تستهزئون
شروع میکردیم و بازی میکردیم بگو ای بخدا و نشانهای او و رسول او بودید شما استهزا دارندگان
لا تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة
عذر مخواهید بدرستی که کافر شدید پس از ایمان شما اگر درگذریم از گروهی
منكم نعذب طائفة بانهم كانوا مجرمين ۝ المنافقون
از شما عذاب کنیم گروهی را بسبب آنکه ایشان بودند کافران مردان منافق
والمنافقات بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف
و زنان منافقه بعضی ایشان از بعضی میفرمایند بناشایست و بازمیدارند از نیکوئی
ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنافقين هم الفاسقون
و باز میدارند دستهای خودرا فراموش کردند خدایرا پس فراموش کرد ایشانرا بدرستی که منافقان ایشان فاسقانند

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ
وعده داد خدا مردان منافق را وزنان منافقه را وکافرانرا آتش دوزخ همیشه باشند
فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ كَالَّذِينَ
درآنجا آن بسنده بود ایشانرا و لعنت کرد ایشانرا خدای و مرایشانرا بود عذابی جاودانه همچون آنانکه
مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا
که پیش از شما بودند بودند سخت تر از شما بقوت و بیشتر بمالها و فرزندان
فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ
پس برخورداری گرفتند بهرهٔ خود پس برخورداری گرفتید شما بهرهٔ خود همچنانکه برخورداری گرفتند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولٰئِكَ
آنها که از پیش شما بودند بهرهٔ خود و درحدیث شدید شما همچون آنها که درشروع شدند آن گروه
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
باطل شد عملهای ایشان در دنیا و در آخرت وآن گروه ایشانند زیانکاران
أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
ای نیامد بدیشان خبر آنها که پیش از ایشان بودند چون قوم نوح و قوم هود و قوم صالح و قوم
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
ابرهیم و اصحاب شعیب و اهل شهرها پیش آمدند بدیشان رسولان ایشان
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
بمعجزات پس نخواست خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند بر تنهای خود

يَظْلِمُونَ • وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
ستم میکردند و مردان مومن وزنان مومنه بعضی ایشان دوستان بعضی اند میفرمایند
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ
بنیکوئی و باز میزنند از ناشایست و بپای میدارند نمازرا و میدهند
الزَّكٰوةَ وَيُطِيعُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ أُولٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ
زکاترا و فرمان برند خدارا و رسول اورا آن گروه زود رحمت کند ایشانرا خدا بدرستی که خدا
عَزِيزٌ حَكِيمٌ • وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
غالب محکم کارست وعده داد خدا مردان مومن وزنان مومنه را در بستانهائیکه میرود از
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ
زیر آن جویها همیشه باشند درآنجا و مسکنهای پسندیده در بستانهای
عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ أَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ • يَا أَيُّهَا
اقامت و خشنودی از خدا بزرگتر آنست آن رستگاری بزرگ ای
النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوٰهُمْ
پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان و درشتخوی باش برایشان و جایگاه ایشان
جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ • يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ
دوزخ بود و بد بازگشتیست دوزخ سوگند خورند بخدا آنچه گفتند و بدرستی که گفتند کلمهٔ
الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا
کفررا وکافر شدند پس از اسلام خود وقصه کردند بآنچه نرسیدند بدان و ننگ نداشتند

إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ
مگر آنکه توانگر گردانید ایشانرا خدا و پیغمبر او از فضل خود پس اگر توبه کنند باشد بهتر مر ایشانرا
وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
و اگر برگردند عذاب کند ایشانرا خدا عذابی دردناک در دنیا و در آخرت و نبود مر ایشانرا
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا
در زمین هیچ دوستی و نه یاری کنی و ازیشان کس است که عهد کرد با خدا که هر آینه اگر بدهد مارا
مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَلَمَّا آتَاهُمْ
از فضل خود هر آینه صدقه بدهیم و هر آینه باشیم از جمله نیکوکاران پس چون بداد ایشانرا
مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ فَأَعْقَبَهُمْ
از فضل خود بخیلی کردند بدان و برگشتند و ایشان برگردندگانند پس در پی ایشان گذاشت
نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ
نفاق در دلهای ایشان تا روزی که رسند بدان بدانچه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند
وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ
و بدانچه ایشان بدروغ داشتند ای ندانستند که خدا میداند پنهان ایشان
وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
و رازهای ایشان و آنکه خدا دانای غیبهاست آنها که طعنه میزنند زبان بر دارندگان از
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
مؤمنان در صدقه دادن و آنها که نمی یابند مگر جهد خویش را

فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
پس مسخرگی میکنند از ایشان خدا جزا استهزاء ایشان بدهاد و مر ایشانراست عذابی دردناک
اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ
آمرزش خواه مر ایشانرا یا آمرزش مخواه مر ایشانرا اگر آمرزش خواهی مر ایشانرا هفتاد
مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
بار پس هرگز نخواهد آمرزید خدای مر ایشانرا آن بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
و خدا راه ننماید گروه فاسقانرا شاد شدند بازپس گذاشتگان بنشستن جای ایشان
خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
خلاف امر رسول خدا و کاره داشتند که جهاد کنند بمالهای خود و تنهای خود
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا
در راه خدا و گفتند بیرون مروید در گرما بگو آتش دوزخ سخت‌تر گرمی
لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا
اگر ایشان بدانند پس باید که بخندند اندکی و باید که بگریند بسیار
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ
پاداشتی بدانچه ایشان اندوخته باشند پس اگر بازگرداند ترا خدا با گروهی از ایشان
فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا
پس دستوری میخواهند از تو مر بیرون شدن پس بگو بیرون نیایید با من هرگز و هرگز کارزار نکنید با من دشمنی

إنكم رضيتم بالقعود أول مرة فاقعدوا مع الخالفين ۝
بدرستی که خشنود شدید شما بنشستن اول بار پس بنشینید با پس کذاشتکان
ولا تصل على أحد منهم مات أبدا ولا تقم على قبره إنهم كفروا بالله
و نماز مکذار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرد هرکز و مایست بر سر قبر او بدرستی که ایشان که کافر شدند بخدا
ورسوله وماتوا وهم فاسقون ۝ ولا تعجبك أموالهم و
و رسول او و بمردند و ایشان فاسقان بودند و بشکفت میاورد ترا مالهای ایشان
أولادهم إنما يريد الله أن يعذبهم بها في الدنيا وتزهق
و فرزندان ایشان بدرستی که میخواهد خدا که عذاب کند ایشانرا بدان در دنیا و بیرون شود
أنفسهم وهم كافرون ۝ وإذا أنزلت سورة أن آمنوا
تنهای ایشانرا و ایشان کافران بودند و چون فرو فرستاده شود سورتی که بکروید
بالله وجاهدوا مع رسوله استأذنك أولو الطول منهم و
بخدا و جهاد کنید با رسول او دستوری خواهند از تو خداوندان فرمان از ایشان
قالوا ذرنا نكن مع القاعدين ۝ رضوا بأن يكونوا مع
و کفتند بکذارید ما را تا باشیم با نشستکان خشنود شدند بانک باشند با
الخوالف وطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون ۝ لكن الرسول
پس کذاشتکان و مهر نهاد بر دلهای ایشان پس ایشان در نمی یابند لیکن پیغمبر
والذين آمنوا معه جاهدوا بأموالهم وأنفسهم وأولئك
و آنها که بکرویدند با او جهاد کردند بمالهای خود و تنهای خود و آن کروه

لهم الخيرات وأولئك هم المفلحون ۝ أعد الله لهم جنات
مر ایشانرا بود نیکوییها و آن کروه ایشانند رستکاران بیمارد خدای برای ایشان بستانهایی
تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم ۝
که رود از زیر آن جویها همیشه باشند در آنجا و آنست رستکاری بزرک
وجاء المعذرون ليؤذن لهم وقعد الذين كذبوا الله و
من الأعراب
از عربان
و آمدند عذرخواهان تا دستوری دهند مر ایشانرا و بنشستند آنها که بدروغ داشتند خدا را
رسوله سيصيب الذين كفروا منهم عذاب أليم ۝ ليس
و رسول او را زود برسد آنها را که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک نیست
على الضعفاء ولا على المرضى ولا على الذين لا يجدون ما ينفقون
بر ضعیفان و نه بر بیماران و نه بر آنها که نیابند آنچه نفقت کنند
حرج إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل والله
بزه در برفتن بجهاد چون نیک خواهند خدا را و رسول او را نبود بر نیکوکاران هیچ راه بزه و خدا
غفور رحيم ۝ ولا على الذين إذا ما أتوك لتحملهم قلت لا أجد
آمرزکار مهربانست و نه بر آنها که چون آیند بتو تا برنشانی ایشانرا برکویی تو نمی یابم
ما أحملكم عليه تولوا وأعينهم تفيض من الدمع حزنا ألا
آنچه برنشانم شما را بر آن برکردند و چشمهای ایشان اشک ریزد از اندوه تا
يجدوا ما ينفقون ۝ إنما السبيل على الذين يستأذنونك وهم
نیابند آنچه نفقت کنند بدرستی که راه بزه بر آنهاست که دستوری میخواهند از تو و ایشان

أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
توانگران بود خشنود شدند بآنکه باشند با پس گذاشتگان و مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان پس ایشان
لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ
نمیدانند عذر خواهند از شما چون باز گشته باشید شما بدیشان بگو
لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ
عذر مخواهید که باور نداریم مر شمارا بدرستی که روشن کرده ما را خدا از خبرهای شما
سَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ
و زود باز نماید خدا عملهای شمارا و رسول او پس باز گردانیده شوید سوی جزا دانندهٔ ناپیدا
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ سَيَحْلِفُونَ
و پیدا پس بیاگاهاند شمارا بدانچه شما کرده باشید زود سوگند خورند
بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا
بخدا مر شمارا چون بازگردیده باشید شما بدیشان تا برگردید از ایشان پس برگردید
عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا
از ایشان بدرستی که ایشان پلیداند و جایگاه ایشان دوزخست پاداشتی بدانچه ایشان
يَكْسِبُونَ ۝ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا
اندوخته باشند سوگند خورند مر شمارا تا خشنود شوید از ایشان پس اگر خشنود شوید شما
عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ الْأَعْرَابُ
از ایشان پس بدرستی که خدا خشنود نیست از گروه فاسقان اهل بادیه

أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
سخت ترند بکفر و نفاق و سزاوارترند بآنک ندانند حدهای آنچه فرو فرستاد خدا
عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ
بر رسول خود و خدا داناست محکم کار و از اهل بادیه کس هست که فرا میگیرد
مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ
آنچه نفقت میکند تاوانی و چشم میدارد بشما حادثهای روزگار بر ایشان باد حادثهٔ بد
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
و خدا شنواست دانا و از اهل بادیه کس هست که میگرود بخدا و بروز آخرت
وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا
و فرا میگیرد آنچه نفقت میکند نزدیکی جستنی نزد خدا و صلوات دادن پیغمبر بدان که آن
قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
نزدیکیست مر ایشانرا زود درآورد ایشانرا خدا در رحمت خود بدرستی که خدا آمرزگار
رَحِيمٌ ۝ وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ
مهربانست و پیشی گیرندگان و اولینان از مکیان و مدنیان
الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
آنها که پیروی کردند ایشانرا بنیکوئی خشنود بود خدا از ایشان و خشنود باشند از او
وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
و بسیجید برای ایشان بستانهای که رود از زیر آن جویها روان جاوید باشند در آنجا همیشه

ذلك الفوز العظيم ۝ وممن حولكم من الأعراب منافقون ومن أهل

آنست رستگاری بزرگ واز آنکه پیرامون شمااند از اهل بادیه منافقانند واز اهل

المدينة مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم

مدینه باز کردیده بر نفاق نمیدانی تو ایشانرا ما میدانیم ایشانرا زود عذاب کنیم ایشانرا

مرتين ثم يردون إلى عذاب عظيم ۝ وآخرون اعترفوا بذنوبهم

دو باره پس باز گردانیده شوند با عذابی بزرگ و دیگران که معترف شدند بگناهان خود

خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله أن يتوب عليهم إن

مخلوط ساختند کاری نیکو و دیگر بدرا شاید بود که خدا سهل کند بریشان بدرستی

الله غفور رحيم ۝ خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكيهم

که خدا آمرزکار مهربانست فراگیر از مالهای ایشان صدقه تا پاک گردانی ایشانرا و تزکیه فرمائی ایشانرا

بها وصل عليهم إن صلوتك سكن لهم والله سميع عليم

بدان و دعا کن بریشان بدرستی که دعای تو آرامیست مر ایشانرا وخدا شنواست دانا

ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده ويأخذ الصدقات

آیا ندانستند که خدا او قبول کند توبه را از بندگان خود و فراگیرد صدقهارا

وأن الله هو التواب الرحيم ۝ وقل اعملوا فسيرى الله عملكم

و آنکه خدا اوست توبه پذیرنده مهربان و بگو کار کنید پس زود بنماید خدا عمل شمارا

ورسوله والمؤمنون وستردون إلى عالم الغيب والشهادة

و رسول او و مؤمنان و زود باز گردانیده شوید با داننده ناپیدا و پیدا

فينبئكم بما كنتم تعملون ۝ وآخرون مرجون لأمر الله إما

پس آگاه کند شمارا بدانچه شما کرده باشید و دیگران که امید دارند فرمان خدارا یا

يعذبهم وإما يتوب عليهم والله عليم حكيم ۝ والذين

عذاب کند ایشانرا و یا سهل کند بریشان و خدا داناست محکم کار و آنها

اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين و

که فرا گرفتند نمازگاهی و از کفر و جدای افکندن میان مؤمنان

إرصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن إن أردنا

و آنرا که محاربت کرد با خدا و رسول او از پیش و هرآینه سوگند خورند که نخواستیم ما

إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكاذبون ۝ لا تقم فيه

مگر نیکوئی و خدا گواهی میدهد که ایشان هرآینه دروغ زنانند بر نخیزی در آن

أبدا لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه فيه

هرگز هرآینه مسجدی که اساس نهاده شد بر پرهیزکاری از اول روز سزاوارتر که بایستی در آن در آن

رجال يحبون أن يتطهروا والله يحب المطهرين ۝ أفمن أسس

مردانی که دوست میدارند که پاک شوند و پاکی جویند و خدا دوست دارد پاکانرا ای پس آنکه اساس نهاد

بنيانه على تقوى من الله ورضوان خير أم من أسس بنيانه على

بنای کار خودرا بر پرهیزکاری از خدا و خشنودی بهتر یا آنکه اساس نهاد بنای کار خودرا بر

شفا جرف هار فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم

… پس … در آتش دوزخ و خدا راه ننماید گروه

الظالمين • لا يزال بنيانهم الذي بنوا ريبة في قلوبهم إلا أن تقطع

ستمکارانرا همیشه در دلهای ایشان مگر آنک ببرند

قلوبهم والله عليم حكيم • إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم

دلهای ایشانرا وخدا داناست ومحکم کار بدرستی که خدا فراگرفت وبخرید از مؤمنان تنهای ایشانرا

وأموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون

ومالهای ایشانرا بآنک باشد مر ایشانرا بهشت کارزار میکنند در راه خدا پس میکشند

ويقتلون وعدا عليه حقا في التوراة والإنجيل والقرآن

وکشته میشوند وعده دادن بر آن حقست در توریة وانجیل وقرآن هست

ومن أوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

وهرکه وفا کند بعهد خود از خدا پس شادی کنید بخرید وفروخت شما آنک خرید وفروخت نمودید بآن

وذلك هو الفوز العظيم • التائبون العابدون الحامدون

وآن آنست رستگاری بزرگ توبه کاران پرستندگان حمد گویان

السائحون الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف

روزه داران رکوع کنندگان سجود کنندگان فرمایندگان بنیکوی

والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين

وبازدارندگان از ناشایست ونگه دارندگان مرحدهای خدایرا وبشارت ده مؤمنانرا

ما كان للنبي والذين آمنوا أن يستغفروا للمشركين ولو

روا نبود مر پیغمبر را وآنهارا که بگرویدند که آمرزش خواهند مر بت پرستانرا واگرچه

كانوا أولي قربى من بعد ما تبين لهم أنهم أصحاب الجحيم • وما

باشند خداوندان خویشی از پس آنچ روشن شد مرایشانرا که ایشان اصحاب دوزخند و

كان استغفار إبراهيم لأبيه إلا عن موعدة وعدها إياه

نبود آمرزش خواستن ابرهیم پدر خودرا مگر از سر وعده که وعده بیداد اورا

فلما تبين له أنه عدو لله تبرأ منه إن إبراهيم لأواه حليم • وما

پس چون روشن شد مر اورا که او دشمن خداست بیزار شد ازو بدرستی که ابرهیم بزاری نالنده وبردبار بود

كان الله ليضل قوما بعد إذ هداهم حتى يبين لهم

ونخواست خدا که گمراه کند گروهی را پس از آنک راه نمود ایشانرا تا روشن شد مرایشانرا

ما يتقون إن الله بكل شيء عليم • إن الله له ملك السموات

که از چه چیز بپرهیزند بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست بدرستی که خدا مراورا پادشاهی آسمانها

والأرض يحيي ويميت وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

وزمین زنده کند وبمیراند ونبود مرشمارا از جز خدا هیچ دوستی ونه یاری کننده

لقد تاب الله على النبي والمهاجرين والأنصار الذين اتبعوه في ساعة

بدرستی که بپذیرفت خدا بر پیغمبر ومهاجران وانصاریان آنها که پیروی کردند اورا در ساعت

العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب

دشواری از پس آنچ نزدیک بود که میل کنند دلهای گروهی از ایشان پس بپذیرفت

عليهم إنه بهم رؤوف رحيم • وعلى الثلاثة الذين خلفوا حتى

بریشان بدرستی که او بدیشان مهربان رحمت کننده است

إذا ضاقت عليهم الأرض بما رحبت وضاقت عليهم أنفسهم

چون تنگ شد بریشان زمین بدان فراخی که بود وتنگ شد بریشان تنهای ایشان

وظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه ثم تاب عليهم ليتوبوا إن الله

ودانند که پناه گاهی نیست از خدا مگر بدرگاه او پس سهل کند بریشان تا باز آیند بدرستی که خدا

هو التواب الرحيم ● يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع

اوست توبه پذیرنده مهربان ای آنها که ایمان آورده اید بترسید از خدا وباشید با

الصادقين ● ما كان لأهل المدينة ومن حولهم من الأعراب

راست گویان صدق دهنده نبود مر اهل مدینه را وآنکه پیرامون ایشان از اهل بادیه

أن يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه

که خلاف نمایند از فرمان رسول خدا ونه آنکه رغبت بکردند بتنهای خود از بهر تن او

ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في

آن بسبب آنست که نرسید بدیشان تشنگی ونه رنجی ونه تشویشی در

سبيل الله ولا يطئون موطئا يغيظ الكفار ولا ينالون من

راه خدا … که بخشم آورد کافرانرا ونیل نکردند از

عدو نيلا إلا كتب لهم به عمل صالح إن الله

دشمنی هیچ نیلی کردنی مگر که نوشته شد مر ایشانرا بدان کاری نیکو بدرستی که خدا

لا يضيع أجر المحسنين ● ولا ينفقون نفقة صغيرة

ضایع نکند مزد نیکوکارانرا ونفقت نکردند نه نفقت کردنی کوچک

ولا كبيرة ولا يقطعون واديا إلا كتب لهم ليجزيهم الله

ونه بزرگ ونه بریدند وادی مگر که نوشته شد مر ایشانرا تا پاداشت دهد ایشانرا خدا

أحسن ما كانوا يعملون ● وما كان المؤمنون

نیکوتر آنچه ایشان کرده باشند ونبودند مؤمنان

لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم

که بیرون روند همه پس اگر چرا بیرون نشدند از هر گروهی از ایشان

طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا

طایفه تا فقیه شوند در دین وتا بیم کنند قوم خود را چون

رجعوا إليهم لعلهم يحذرون ● قاتلوا الذين

یا ایها الذین آمنوا

باز گردیدند بدیشان تا بود که ایشان پرهیزند کارزار کنید با آنها

حزب

يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظة واعلموا

که نزدیک اند شمارا از کافران وباید که یابند درمیان شما درشتی وبدانید

أن الله مع المتقين ● وإذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول

که خدا با پرهیزکارانست وچون فرو فرستاده شود سورتی پس از ایشان کسی هست که گوید

أيكم زادته هذه إيمانا فأما الذين آمنوا فزادتهم إيمانا

کدامیست شمارا بزیادت کرد … یقینی پس اما آنها که بگرویده اند پس زیادت شد ایشانرا یقینی

وهم يستبشرون ● وأما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم

وایشان شادی میکنند واما آنها که در دلهای ایشان بیماری شک ونفاق … ایشانرا

رجسا الی رجسهم وماتوا وهم کافرون ۝ اولا یرون انهم

پلیدی با پلیدی ایشان و بمردند و ایشان کافران بودند ای نمی بینند که ایشان

یفتنون فی کل عام مرة او مرتین ثم لا یتوبون ولا هم

بفتنه انگنده میشوند در هر سالی یکبار یا دو بار پس توبه نمیکنند و نه ایشان

یذکرون ۝ واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الی بعض

پند میگیرند و چون فرو فرستاده شود سورتی نگرند بعضی ایشان بسوی بعضی

هل یراکم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

ای هیچ می بیند شما را هیچ یکی پس برگردیدند برگرداند خدا دلهای ایشان را

بانهم قوم لا یفقهون ۝ لقد جاءکم رسول من انفسکم

بسبب آنکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند بدرستی که آمد بشما رسولی از تنهای شما

عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف

بروی دشوارست برو حریص است بر شما باایمانان مهربانست

رحیم ۝ فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت

و رحیم دل پس اگر برگردند پس بگو بسنده است مرا خدا نیست خدایی مگر او برو توکل کردم

وهو رب العرش العظیم

سورة یونس علیه السلام

و اوست پروردگار عرش بزرگوار

بسم الله الرحمن الرحیم

الر ۚ تلک آیات الکتاب الحکیم ۝ اکان للناس عجبا ان اوحینا

منم خدای که می بینم این نشانهای قرآنی با حکمت است ای هست مردمانرا عجب که وحی کردیم

الی رجل منهم ان انذر الناس وبشر الذین آمنوا ان لهم

بمردی از جنس ایشان که بیم کن مردمانرا و بشارت ده آنهارا که بگرویدند که مر ایشانرا بود

قدم صدق عند ربهم ۗ قال الکافرون ان هذا لساحر مبین

نزد پروردگار ایشان گفتند کافران بدرستی که این مرد جادوی روشنست

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام

بدرستی که پروردگار شما خداست آن خدایی که آفرید آسمانها را و زمین در شش روز

ثم استوی علی العرش یدبر الامر ما من شفیع الا من بعد اذنه

پس غالب شد بر عرش می اندازد کارها را نیست هیچ شفیعی مگر از پس فرمان او

ذلکم الله ربکم فاعبدوه افلا تذکرون ۝ الیه

آنستان خداست پروردگار شما پس پرستید اورا ای پس پند نمی گیرید بااوست

مرجعکم جمیعا وعد الله حقا انه یبدؤا الخلق ثم

بازگشت شما همه وعده خدا حق است بدرستی که او ابتدا میکند آفرینش را پس

یعیده لیجزی الذین آمنوا وعملوا الصالحات بالقسط

باز آورد آنرا تا پاداش دهد آنهارا که بگرویدند و کردند کارهای نیک بعدل و داد

والذین کفروا لهم شراب من حمیم وعذاب الیم بما کانوا

و آنها که کافر شدند مر ایشانرا بود آشامیدنی از آب گرم و عذابی دردناک بسبب آنچه ایشان

يكفرون • هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا

کافر شده اند اوست آن خدایی که کردانید آفتاب را با روشنایی وماه را بمثابت نوری

وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب • ما خلق الله

واندازه کردیم ما آنرا منزلهایی تا بدانید شمار سالهارا وحساب را نیافرید خدا

ذلك الا بالحق يفصل الآيات لقوم يعلمون • ان في اختلاف

آنرا مگر بحق هویدا میکنیم نشانهارا برای گروهی که بدانند بدرستی که در اختلاف

الليل والنهار وما خلق الله في السموات والارض

شب وروز وآنچه آفرید خدا در آسمانها وزمین

لآيات لقوم يتقون • ان الذين لا يرجون لقاءنا ورضوا

هرآینه نشانهاست مرگروهی را که بپرهیزند بدرستی که آنها که امید نمیدارند بباز رسیدن بما وخشنود شدند

بالحيوة الدنيا واطمانوا بها والذين هم عن آياتنا

بزندگانی دنیا وآرام گرفتند بدان وآنها که ایشان از نشانهای ما

غافلون • اولئك ماويهم النار بما كانوا يكسبون

غافلانند آن گروه جایگاه ایشان آتش بود بدانچه ایشان اندوختند

ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم

بدرستی که آنهای که ایمان آوردند وکردند کارهای نیک راه نماید ایشانرا پروردگار ایشان

بايمانهم تجري من تحتهم الانهار في جنات النعيم •

بسبب ایمان ایشان ببستانهایی که رود از زیر آنها جویها در بهشتها وبستانهای پرنعمت

دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام

خواندن ایشان در آنجا سبحانک اللهم بود وتحیت ایشان در آنجا سلام بود بریکدیگر

وآخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين • ولو يعجل الله

ودیگر خواندن ایشان آن بود که سپاس مر خدا راست که پروردگار جهانیانست واگر بشتافتی خدا

للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم

مر دمانرا ببدیت همچون بشتاب خواستن ایشان نیکی را هرآینه گزارده شدی ایشانرا اجل ایشان

فنذر الذين لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون • واذا

پس بگذاریم ما آنهارا که امید نمیدارند بباز رسیدن بما تا در گمراهی خود سرگشته شوند وچون

مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما

برسید آدمی زیانی برخواند مارا درحالتی که بر پهلوها افتاده باشند یا نشسته یا ایستاده پس چون

كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه

برداریم ما ازو زیان اورا بگذرد گوییا که نخوانده است مارا بزیانی که رسیده است بدو

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون • ولقد اهلكنا

همچنین آراسته شد مرگزافکارانرا آنچه ایشان میکردند وبدرستی که هلاک کردیم ما

القرون من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم

گروهانی را که پیش از شما بودند چون ستم کردند وآمدند بدیشان رسولان ایشان

بالبينات وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي القوم المجرمين •

بمعجزات پس نگرویدند همچنین پاداشت دهیم گروه کافرانرا

ثم جعلناكم خلائف في الأرض من بعدهم لننظر كيف

پس بکردیم ما شما را کاشتنکان در زمین از پس ایشان تا بنکریم که چه

تعملون ۝ وإذا تتلى عليهم آياتنا بينات قال الذين

میکنید وچون خوانند بریشان نشانهای ما را روشن کویند آنها

لا يرجون لقاءنا ائت بقرآن غير هذا أو بدله قل ما يكون لي

که امید ندارند بدیدار ما بیار قرانی را جز این یا بدل کن آنرا بکو نیست مرا

أن أبدله من تلقاء نفسي إن أتبع إلا ما يوحى إلي إني أخاف

که بدل کنم آنرا از نزد خود واز مر خود پیروی نمیکنم مکر آنچه وحی کرده میشود بمن بدرستی که من میترسم

إن عصيت ربي عذاب يوم عظيم ۝ قل لو شاء الله ما تلوته

اکر عاصی شوم در فرمان پروردکار خود از عذاب روزی بزرک بکو اکر خواستی خدا نخواندمی آنرا

عليكم ولا أدراكم به فقد لبثت فيكم عمرا

برشما ونداینستمانی آنرا پس بهستی که درنک کردم در میان شما مدت از عمر

من قبله أفلا تعقلون ۝ فمن أظلم ممن افترى على الله

پیش ازین ای پس استعمال عقل نمیکنید وکیست ستمکارتر از انک بر بافت بر خدا

كذبا أو كذب بآياته إنه لا يفلح المجرمون ۝ و

دروغ را یا بدروغ داشت نشانهای اورا بدرستی که رستکاری نیابند کافران و

يعبدون من دون الله ما لا يضرهم ولا ينفعهم و

می پرستند از جز خدا آنچه نه زیانی کند ایشانرا ونه سودی کند ایشانرا

يقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل أتنبئون الله بما لا يعلم

میکویند اینها شفیعان ما اند نزد خدا بکو ای می اکاه اید خدا را بآنچه نداند

في السموات ولا في الأرض سبحانه وتعالى عما يشركون ۝

در آسمانها ونه در زمین پاک و منزه است او و افراشته است او از آنچه انباز وا میدارند بوی

وما كان الناس إلا أمة واحدة فاختلفوا ولولا كلمة

ونبودند مردمان مکر یک کروه بریک دین پس اختلاف کردند واکر نه سخنی بودی

سبقت من ربك لقضي بينهم فيما فيه يختلفون ۝

سابق کرفته از پروردکار تو هر آینه کزارده شدی کار میان ایشان در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند

ويقولون لولا أنزل عليه آية من ربه فقل إنما الغيب لله

ومیکویند چرا فرو نفرستاده بر او نشانی از پروردکار او پس بکو که علم غیب مر خدا را است

فانتظروا إني معكم من المنتظرين ۝ وإذا أذقنا الناس

پس چشم دارید که من با شما از جمله چشم دارندکانم وچون در چشانیم ما آدمی را

رحمة من بعد ضراء مستهم إذا لهم مكر في آياتنا

رحمتی از پس زیانی که رسیده بود بدیشان انکه حال ایشان بود مکر ساختن در نشانهای ما

قل الله أسرع مكرا إن رسلنا يكتبون ما تمكرون ۝ هو

بکو خدا زودتر است بمکر ساختن بدرستی که رسولان ما باز می نویسند آنچه مکر میسازید شما او

الذي يسيركم في البر والبحر حتى إذا كنتم في الفلك

آن خدایی که روان کرداند شما را در خشکی و تری تا چون باشید شما در کشتی

بهم بريح طيبة وفرحوا بها جاءتها ريح عاصف وجاءهم
ودر كشتي بريشان بادي خوش وشاد شوند بدان آيد بدان بادي سخت جهنده وآيد بديشان
الموج من كل مكان وظنوا انهم احيط بهم دعوا الله مخلصين
موج از هر جاني ودانند كه ايشانرا در ايشان درپايند وهلاك ميكنند برخوانند خدا را خالص كنندگان
له الدين لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين • فلما
مراورا دين كه اگر برهاني مارا ازاين مرتبه باشيم ازجمله شكر كنندگان پس چون
انجاهم اذا هم يبغون في الارض بغير الحق يا ايها الناس انما بغيكم
برهاند ايشانرا انگه ايشان جويند در زمين ناحق كردن اي مردمان بدرستي كه ستم كردن شما
على انفسكم متاع الحيوة الدنيا ثم الينا مرجعكم فننبئكم
بر تنهاي شماست اين برخورداري زندگاني دنياست پس باماست بازگشت شما پس آگاه گردانيم شمارا
بما كنتم تعملون • انما مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه
بدانچه شما كرده باشيد بدرستي كه مثل زندگاني دنيا همچون آبي است كه فرو فرستاديم آنرا
من السماء فاختلط به نبات الارض مما ياكل الناس والانعام
از آسمان پس مختلط شد بدان گياه رستني زمين ازانچه ميخورند مردمان وچهارپايان
حتى اذا اخذت الارض زخرفها وازينت وظن اهلها انهم
تا چون فراگيرد زمين آرايش خودرا ودرجنبد وگمان برند اهل آن كه ايشان
قادرون عليها اتيها امرنا ليلا او نهارا فجعلناها حصيدا
توانا باشند برآن آيد بدانجا فرمان ما بشب يا بروز پس گردانيديم ما آنرا درووده

كان لم تغن بالامس كذلك نفصل الايات لقوم يتفكرون •
گوئيا كه درنگ نكردي تو اي روز همچنين هويدا ميكنيم نشانهارا براي گروهي كه انديشه ميكنند
والله يدعوا الى دار السلام ويهدي من يشاء الى صراط
وخدا ميخواند بهشت دار السلام وراه مينمايد آنرا كه خواهد باراه
مستقيم • للذين احسنوا الحسنى وزيادة ولا يرهق
راست مرآنهارا كه نيكوئي كردند پاداشت بهشت بود وزياده ديدار نيز ونرسيد
وجوههم قتر ولا ذلة اولئك اصحاب الجنة هم فيها
بروبهاي ايشان گردي ونه خواري آن گروه اصحاب بهشتند ايشان درانجا
خالدون • والذين كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها و
هميشه باشند آنها كه ناكردند بديهارا وپاداشت بدي بود بمانند آن
ترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم كانما اغشيت
ورسيد بديشان خواري نبود مرايشانرا از خدا هيچ نگهدارنده كوئيا كه پوشانيده بود
وجوههم قطعا من الليل مظلما اولئك اصحاب النار هم
روبهاي ايشان پاره از شب تاريك آن گروه اصحاب آتشند ايشان
فيها خالدون • ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين
درآنجا هميشه باشند وروزي كه جمع كنيم ايشانرا همه پس گوئيم مرآنهارا
اشركوا مكانكم انتم وشركاؤكم فزيلنا بينهم
كه انبازان دادشتند بجاي شما وانبازان شما پس زايل كردانيديم ما ميان ايشان

وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون ۝ فكفى
و گویند انبازان ایشان نبودید شما که مارا می پرستیدید پس کفایت
بالله شهيدا بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغافلين ۝
خدا گواه میانه ما و میانه شما بدرستی که بودیم ما از پرستیدن شما هر آینه غافلانیم
هنالك تبلو كل نفس ما أسلفت وردوا إلى الله مولاهم
آنجایگاه آزموده شود هر تنی بدانچه اندوخته بود و رد کرده شوند باز جا بخدا که خداوند ایشانست
الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ قل من يرزقكم
حق و گم شد از ایشان آنچه بودند بر بافته بگو کیست که روزی دهد شمارا
من السماء والأرض أمن يملك السمع والأبصار ومن يخرج
از آسمان و زمین یا کیست که قادر باشد شنوائی و بینائی را و کیست که بیرون آورد
الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون
زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده و کیست که اندازه فرماید پس زود باشد که گویند
الله فقل أفلا تتقون ۝ فذلكم الله ربكم الحق فماذا بعد
که خدا پس بگو ای پس نمی پرهیزید پس آنست خدای پروردگار شما حق پس چه بود پس
الحق إلا الضلال فأنى تصرفون ۝ كذلك حقت كلمة ربك
از حق مگر گمراهی پس از کجا برگردانیده میشوید از حق همچنین واجب شد سخن پروردگار تو
على الذين فسقوا أنهم لا يؤمنون ۝ قل هل من شركائكم
بر آنهائی که تباهی کردند بدانک ایشان نمی گروند بگو ای هیچ هست از انبازان شما

نصف

من يبدأ الخلق ثم يعيده قل الله يبدأ الخلق ثم يعيده
آنکه بابتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا بگو خدا بابتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا
فأنى تؤفكون ۝ قل هل من شركائكم من يهدي إلى الحق
پس از کجا برگردانیده میشوید از حق بگو ای هیچ هست از انبازان شما آنکه راه نماید بحق
قل الله يهدي للحق أفمن يهدي إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدي
بگو خدا راه نماید بحق ای پس آنکه راه نماید بحق سزاوارتر که پیروی کنند اورا یا آنکه راه نتواند نمود
إلا أن يهدى فما لكم كيف تحكمون ۝ وما يتبع أكثرهم
مگر که راه نمایند اورا پس چیست مر شمارا چگونه حکم میکنید و پیروی نمیکنند بیشترین ایشان
إلا ظنا إن الظن لا يغني من الحق شيئا إن الله عليم بما يفعلون ۝
مگر گمانی را بدرستی که گمان بنگزیراند از حق چیزی را بدرستی که خدا داناست بدانچه ایشان میکنند
وما كان هذا القرآن أن يفترى من دون الله ولكن تصديق
و نیست این قرآن که بربافته باشند آنرا از جز خدای ولیکن باور داشتن
الذي بين يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ۝
آنچه هست که در پیش آن بوده و هویدا کردن کتاب هیچ شکی نیست درآن که از پروردگار جهانیان
أم يقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم
یا میگویند که بربافتست آنرا محمد بگو پس بیاورید سوره مانند آن و برخوانید آنرا که توانائی دارید شما
من دون الله إن كنتم صادقين ۝ بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه
از جز خدای اگر هستید شما راست گوی بلکه دروغ داشتند بدانچه نرسیدند بدانش آن

يأتهم تأويله كذلك كذب الذين من قبلهم فانظر كيف
وندانند بديشان تاويل آن همچنين بدروغ داشتند آنها كه پيش ازيشان بودند پس بنگر
كان عاقبة الظالمين • ومنهم من يؤمن به ومنهم من لا يؤمن به و
بود عاقبت ستمكاران وازيشان كيست كه مى گرود بدان وازيشان كيست كه نمى گرود بدان
ربك اعلم بالمفسدين • وان كذبوك فقل لي عملي ولكم
پروردگار تو داناترست بحال تباهى كنندگان و اگر بدروغ دارند ترا پس بگو مراست عمل من و شماراست
عملكم انتم بريئون مما اعمل وانا بريء مما تعملون •
عمل شما شما بيزاريد ازآنچه ما مى كنيم و من بيزارم ازآنچه شما مى كنيد
ومنهم من يستمعون اليك افانت تسمع الصم ولو كانوا
وازيشان كيست كه گوش بازمى دارد بتو اى پس تو بتوانى شنوانيدن كرانرا و اگرچه ايشان
لا يعقلون • ومنهم من ينظر اليك افانت تهدي العمي
درنيابند وازيشان كيست كه مى نگرد بتو اى پس تو راه توانى نمودن كورانرا
ولو كانوا لا يبصرون • ان الله لا يظلم الناس شيئا ولكن
و اگرچه ايشان نه بينند بدرستى كه خدا ستم نكند بر مردمان چيزى وليكن
الناس انفسهم يظلمون • ويوم يحشرهم كان لم يلبثوا
مردمان بر نفسهاى خود ستم مى كنند و روزى كه جمع كنيم ايشانرا گوئيا كه درنگ نكرده باشند
الا ساعة من النهار يتعارفون بينهم قد خسر الذين كذبوا
مگر ساعتى از روز شناسند يكديگر را ميان خويش بدرستى كه زيان كار شدند آنها كه

بلقاء الله وما كانوا مهتدين • واما نرينك بعض الذي نعدهم
بباز رسيدن با خدا و نبودند راه يافتگان و اگر باز نماييم ترا بعضى آنچه وعده ميدهيم ايشانرا
او نتوفينك فالينا مرجعهم ثم الله شهيد على ما يفعلون • و
يا جان بستانيم ترا پس بماست بازگشت ايشان پس خدا گواست برآنچه ايشان ميكنند
لكل امة رسول فاذا جاء رسولهم قضي بينهم بالقسط وهم
و هر گروهى را رسولى را بود پس چون آمد رسول ايشان حكم كرده شد ميان ايشان بعدالت وايشانرا
لا يظلمون • ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين •
ستم نكردند و ميگويند كه كى خواهد بود اين وعده اگر هستيد شما راست گويان
قل لا املك لنفسي ضرا ولا نفعا الا ما شاء الله لكل امة اجل
بگو قادر نيستم مر تن خود را نه زيانى و نه سودى مگر آنچه خواسته بود خدا مر هر گروهى را اجلى است
اذا جاء اجلهم فلا يستاخرون ساعة ولا يستقدمون •
چون آمد اجل ايشان پس باز پس نايستند ساعتى و نه فراپيش توانند رفت
قل ارايتم ان اتاكم عذابه بياتا او نهارا ماذا يستعجل
بگو اى چون ببينيد شما اگر آيد بشما عذاب او بشب يا بروز چه چيز را بشتاب ميخواهند
منه المجرمون • اثم اذا ما وقع امنتم به الان وقد كنتم به
ازان كافران اى پس چون واقع شود آن عذاب بگرويد شما بدان اكنون و بدرستى كه شما آنرا
تستعجلون • ثم قيل للذين ظلموا ذوقوا عذاب الخلد ٥
بشتاب ميخواستيد پس گفته شود مر آنهارا كه ستم كردند در چشيد عذاب هميشه را

هل تجزون إلا بما كنتم تكسبون ۝ ويستنبئونك أحق هو
ای پیچ پاداشت داده نشوید مگر بدانچه شما اندوخته باشید ومی پرسند ازتو ای حقست آن
قل إي وربي إنه لحق وما أنتم بمعجزين ۝ ولو أن لكل نفس ظلمت
بگو ای وبحق پروردگار من بدرستی که آن حقست ونباشید شما فوت شونده از عذاب خدا واگر آنکه بودی هر تنی را که ستم کرد
ما في الأرض لافتدت به وأسروا الندامة لما رأوا العذاب
آنچه در زمینست وخود را خواستندی که بازخرند خود را بدان وظاهر کنند پشیمانی را چون ببینند عذاب را
وقضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝ ألا إن لله ما في
وحکم کرده شد میان ایشان بعدالت وایشان را ستم نکنند بدانکه مر خدا راست آنچه در
السماوات والأرض ألا إن وعد الله حق ولكن أكثرهم
آسمانها و زمین است بدان بدرستی که وعده خدا حقست ولیکن بیشتر ایشان
لا يعلمون ۝ هو يحيي ويميت وإليه ترجعون ۝ يا أيها الناس
نمی دانند او زنده کند و بمیراند وبا جزای او باز گردانیده شوید ای مردمان
قد جاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور و
بدرستی که آمد بشما پندی از پروردگار شما وشفائی مر آنچه در سینهاست
هدى ورحمة للمؤمنين ۝ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك
وراهی ورحمتی بود مر مومنان را بگو بفضل خداست وبرحمت او پس بدانست
فليفرحوا هو خير مما يجمعون ۝ قل أرأيتم ما أنزل الله لكم
پس باید که شاد شوند آن بهتر از آنچه جمع میکنند بگو ای می بینید شما آنچه فرو فرستاد مر شما را

من رزق فجعلتم منه حراما وحلالا قل آلله أذن لكم أم على الله تفترون
از روزی [illegible] از آن نماید حرام وحلال بگو ای خدا دستوری داد شما را یا بر خدا بر می بافید دروغ را
وما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم
یا بر سندا یری بمیه دروغ وچیست گمان آنها که بر می بافند بر خدا دروغ را در روز
القيامة إن الله لذو فضل على الناس ولكن أكثرهم لا يشكرون
قیامت بدرستی که خدا خداوند فضلست بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نمیکنند
وما تكون في شأن وما تتلو منه من قرآن ولا تعملون من عمل إلا
ونباشی تو در هیچ کاری ونخوانی از آن از قرآن ونکنی تو هیچ عملی مگر
كنا عليكم شهودا إذ تفيضون فيه وما يعزب عن ربك من
که باشیم ما بر شما گواهان چون شروع کنید در آن وغایب نشود از پروردگار تو هیچ
مثقال ذرة في الأرض ولا في السماء ولا أصغر من ذلك ولا
هم سنگ مورچه در زمین ونه در آسمان ونه کوچکتر از آن ونه
أكبر إلا في كتاب مبين ۝ ألا إن أولياء الله لا خوف عليهم
بزرگتر مگر که در لوح روشنست بدان که دوستان خدا نه هیچ ترسی بود بر ایشان
ولا هم يحزنون ۝ الذين آمنوا وكانوا يتقون ۝ لهم البشرى
ونه ایشان اندوهگین باشند آنها که بگرویدند وبودند پرهیزکاران مر ایشان را بود بشارتی
في الحياة الدنيا وفي الآخرة لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز
در زندگانی دنیا ودر آخرت بدل کننده نیست مر سخنهای خدا را آنست آن رستگاری

العظيم ۝ ولا يحزنك قولهم ان العزة لله جميعا هو السميع العليم

بزرگ و اندوهگین مکناد ترا گفتار ایشان بدرستی که عزت مر خدا راست همه اوست شنوا و دانا

الا ان لله من في السموات ومن في الارض وما يتبع الذين يدعون

بدان بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و پیروی نمیکنند آنها که میخوانند

من دون الله شركاء ان يتبعون الا الظن وان هم الا يخرصون

از جز خدای انبازانی را پیروی نمیکنند مگر گمانی را و نیستند ایشان مگر دروغ گویندگان

هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا

اوست آن خدایی که بیافرید برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را سبب بینایی

ان في ذلك لايات لقوم يسمعون ۝ قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه

بدرستی که در آن نشانهاست مر گروهی را که بشنوند گفتند فرا گرفته است خدا فرزندی پاک و منزه است او

هو الغني له ما في السموات وما في الارض ان عندكم من

اوست بی نیاز مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است نیست نزد شما هیچ

سلطان بهذا اتقولون على الله ما لا تعلمون ۝ قل ان الذين

حجتی بدین ای میگویید بر خدا آنچه نمیدانید بگو بدرستی که آنها

يفترون على الله الكذب لا يفلحون ۝ متاع في

که بر می بافند بر خدا دروغ را رستگار نباشند این برخورداری دنیا

الدنيا ثم الينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما

اندکست پس با ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت بدانچه

حزب

كانوا يكفرون ۝ واتل عليهم نبا نوح اذ قال لقومه يا قوم ان كان

ایشان کافر شدند و برخوان بر ایشان خبر نوح چون گفت مر قوم خود را ای قوم اگر هست

كبر عليكم مقامي وتذكيري بايات الله فعلى الله

بزرگ بر شما مقام من و پند دادن من به نشانهای خدا پس بر خدا

توكلت فاجمعوا امركم وشركاءكم ثم لا يكن

توکل کردم پس جمع شوید در کار خود و انبازان داشتن شما پس نباشد

امركم عليكم غمة ثم اقضوا الي ولا تنظرون

کار شما بر شما پوشیده پس حکم کنید بمن و زمان مدهید مرا

فان توليتم فما سالتكم من اجر ان اجري الا على الله

پس اگر برگردید شما پس نمیخواهم شما را بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا

وامرت ان اكون من المسلمين ۝ فكذبوه فنجيناه

و فرموده اند مرا که باشم از جمله منقادان پس بدروغ داشتند او را

ومن معه في الفلك وجعلناهم خلائف واغرقنا الذين

و آنرا که با او بودند در کشتی و گردانیدیم ما ایشان را کماشتگان و غرق کردیم ما آنها

كذبوا باياتنا فانظر كيف كان عاقبة المنذرين

که بدروغ داشتند نشانهای ما را پس بنگر که چگونه بود عاقبت بیم کرده شدگان

ثم بعثنا من بعده رسلا الى قومهم فجاءوهم بالبينات

پس بفرستادیم ما از پس ایشان رسولی بسوی قوم ایشان پس آمدند بدیشان بمعجزات

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على

پس نبودند که بگروند بآنچه بدروغ داشتند آنرا از پیش همچنین مهر نهیم بر

قلوب المعتدين ۞ ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون إلى

دلهای از حد درگذرندگان پس فرستادیم ما از پس ایشان موسی و هارونرا بسوی

فرعون وملائه بآياتنا فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ۞

فرعون و اشراف او بنشانهای ما پس گردنکشی کردند و بودند گروهی کافران

فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا إن هذا لسحر مبين ۞ قال

پس چون آمد بدیشان حق از نزدیک ما گفتند بدرستی که این هر آینه جادویی روشنست گفت

موسى أتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا ولا يفلح الساحرون

موسی ای میگوید مر حق را چون آمد بشما ای جادوییست این و رستگاری نیابند جادوان

قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا وتكون لكما

گفتند ای آمدی با تا برگردانی مارا از آنچه یافتیم برآن پدران خودرا و باشد مر شمارا

الكبرياء في الأرض وما نحن لكما بمؤمنين ۞ وقال فرعون

بزرگی در زمین و نیستیم ما مر شمارا بگروندگان و گفت فرعون

ائتوني بكل ساحر عليم ۞ فلما جاء السحرة قال لهم موسى ألقوا

بیاورید بمن هر جادویی دانارا پس چون آمدند جادوان گفت مر ایشانرا موسی بیفگنید

ما أنتم ملقون ۞ فلما ألقوا قال موسى ما جئتم به السحر إن الله

آنچه شما اندازنده اید پس چون بیفگندند گفت موسی آنچه آوردید بآن جادوییست بدرستی که خدا

سيبطله إن الله لا يصلح عمل المفسدين ۞ ويحق الله الحق

زود باطل کند آنرا بدرستی که خدا باصلاح نیاورد کار تباهی کنندگانرا و درست گرداند خدا حق را

بكلماته ولو كره المجرمون ۞ فما آمن لموسى إلا ذرية من قومه

بسخنان خود و اگر چه کاره دارند کافران پس نگرویدند بموسی مگر فرزندانی از قوم او

على خوف من فرعون وملائهم أن يفتنهم وإن فرعون

بر ترسی از فرعون و اشراف ایشان که بفتنه افگند ایشانرا و بدرستی که فرعون

لعال في الأرض وإنه لمن المسرفين ۞ وقال موسى يا قوم إن

بلند است در زمین و بدرستی که او از جمله گزاف کاران بود و گفت موسی ای گروه من اگر

كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا إن كنتم مسلمين ۞

هستید شما ایمان دارید بخدا پس برو توکل کنید اگر هستید شما منقادان

فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمين ۞

پس گفتند بر خدا توکل کردیم ای پروردگار ما مگردان مارا سبب آزمایش مر گروهی ستمکارانرا

ونجنا برحمتك من القوم الكافرين ۞ وأوحينا إلى موسى وأخيه

و برهان مارا برحمت خود از گروه کافران و وحی کردیم ما بموسی و برادر او

أن تبوءا لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة وأقيموا

که جای دهید مر قوم خودرا در شهر مصر خانهای و بکنید جایهای خودرا نمازگاهی و بپای دارید

الصلوة وبشر المؤمنين ۞ وقال موسى ربنا إنك آتيت فرعون

نماز را و بشارت ده مؤمنانرا و گفت موسی ای پروردگار ما بدرستی که بدادی تو فرعون

وملأه زينة وأموالا في الحيوة الدنيا ربنا ليضلوا عن سبيلك
و اشراف اورا زینتی و مالهائی در زندگانی دنیا ای پروردگار ما تا برگردانند مردمانرا از راه تو
ربنا اطمس على أموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا
ای پروردگار ما محو کن مالهای ایشانرا و مهر نه بر دلهای ایشان پس نگروند
حتى يروا العذاب الأليم ۝ قال قد أجيبت دعوتكما فاستقيما
تا ببینند عذاب دردناک گفت خدا بدرستی که پاسخ گردانیدیم خواندن شمارا پس راست بایستید
ولا تتبعان سبيل الذين لا يعلمون ۝ وجاوزنا ببني إسرائيل
و پیروی مکن راه آنهارا که نمیدانند و بگذرانیدیم ما بنی اسرائیل را
البحر فأتبعهم فرعون وجنوده بغيا وعدوا حتى إذا
از دریا پس از پی ایشان ایستاد فرعون و لشکرهای او از ستم و دشمنی تا چون
أدركه الغرق قال آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت به
دریافت اورا غرق شدن گفت ایمان آوردم بدانکه نیست خدائی مگر آن خدا که بگرویدند بدو
بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين ۝ آلآن وقد عصيت قبل و
بنی اسرائیل و من از جمله منقادانم گفت جبریل اکنون بگروی و بدرستی که عاصی شدی از پیش
كنت من المفسدين ۝ فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن
و بودی از جمله تباهی کنندگان پس امروز برهانیم ترا تا باشد مر آنرا که
خلفك آية وإن كثيرا من الناس عن آياتنا لغافلون
پس از تو بود نشانی و بدرستی که بسیاری از مردمان از نشانهای ما هر آینه غافلانند

ولقد بوأنا بني إسرائيل مبوأ صدق ورزقناهم من الطيبات
و بدرستی که جای دادیم ما بنی اسرائیل را جای خوب و روزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها
فما اختلفوا حتى جاءهم العلم إن ربك يقضي بينهم يوم القيمة
پس اختلاف نکردند تا آمد بدیشان دانش بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت
فيما كانوا فيه يختلفون ۝ فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك
در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند پس اگر هستی تو در شکی از آنچه فرو فرستادیم ما بتو
فسئل الذين يقرءون الكتاب من قبلك لقد جاءك الحق من
پس بپرس از آنها که میخوانند [illegible] را پیش از تو بدرستی که آمد بتو حق از
ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا تكونن من الذين كذبوا
پروردگار تو پس مباش از جمله بشک شوندگان و مباشید از آنها که بدروغ داشتند
بآيات الله فتكون من الخاسرين ۝ إن الذين حقت عليهم كلمة
نشانهای خدارا پس باشی از جمله زیانکاران بدرستی که واجب شد بر ایشان سخن
ربك لا يؤمنون ۝ ولو جاءتهم كل آية حتى يروا العذاب
پروردگار تو نمی گروند و اگر آوری بدیشان هر نشانی تا ببینند عذاب
الأليم ۝ فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها إلا قوم يونس
دردناک پس نبودند اهل دهی که بگرویدند که سود دهنده بود ایمان آنها مگر قوم یونس
لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في الحيوة الدنيا ومتعناهم
چون بگرویدند برداشتیم ما از ایشان عذاب رسوائی را در زندگانی دنیا و برخورداری دادیم ما ایشانرا

إلى حين ۝ ولو شاء ربك لآمن من في الأرض كلهم جميعا أفأنت
تا هنگامی واگر خواستی پروردگار تو هرآینه بگرویدی آنکه در زمینند همه ایشان مجموع همه ای پس تو

تكره الناس حتى يكونوا مؤمنين ۝ وما كان لنفس أن تؤمن
باکراه بر توانی داشت مردمانرا که باشند مؤمنان ونبود هیچ تنی را که بگرود

إلا بإذن الله ويجعل الرجس على الذين لا يعقلون ۝ قل انظروا
مگر بفرمان وخواست خدا وبکنیم پلیدی را بر آنها که استعمال عقل نمیکنند بگو چشم دارید

ماذا في السماوات والأرض وما تغني الآيات والنذر عن قوم لا
که چه چیز در آسمانهاست وزمین وچه بکار آیند نشانها وبیم کنندگان از قومی

يؤمنون ۝ فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم
که نمی گروند پس ای هیچ چشم نمی دارند مگر مانند عقوبتهای آنها که گذشتند پیش از ایشان

قل فانتظروا إني معكم من المنتظرين ۝ ثم ننجي رسلنا
بگو پس چشم دارید بدرستی که من از جمله چشم دارندگانم پس برهانیم ما رسولان خود را

والذين آمنوا كذلك حقا علينا ننج المؤمنين ۝ قل يا أيها
وآنها را که بگرویدند همچنین واجب بود بر ما برهانیدن مؤمنان بگو ای

الناس إن كنتم في شك من ديني فلا أعبد الذين تعبدون
مردمان اگر هستید شما در شکی از دین من پس نمی پرستم آنچیزی را که می پرستید شما

من دون الله ولكن أعبد الله الذي يتوفاكم وأمرت أن أكون
از جز خدا ولیکن می پرستم خدائی را که جان بستاند شما را وفرموده اند مرا که باشم

من المؤمنين ۝ وأن أقم وجهك للدين حنيفا ولا تكونن من
از مؤمنان وآنکه راست دار روی خود را در دین اسلام را مائل از باطل بحق ومباش از جمله

المشركين ۝ ولا تدع من دون الله ما لا ينفعك ولا يضرك فإن
بت پرستان ومخوان از جز خدای آنچه نه سود کند ترا ونه زیان تواند رسانید ترا پس اگر

فعلت فإنك إذا من الظالمين ۝ وإن يمسسك الله بضر فلا كاشف
بکنی تو پس بدرستی که تو آنگه از ستمکاران باشی واگر برساند بتو خدای زیانی پس بردارنده نبود

له إلا هو وإن يردك بخير فلا راد لفضله يصيب به من يشاء من
مر آنرا مگر او واگر خواهد بتو نیکوئی پس رد کننده نبود مر فضل او را بهره دهد آن آنرا که خواهد از

عباده وهو الغفور الرحيم ۝ قل يا أيها الناس قد جاءكم الحق
بندگان خود واوست آمرزگار مهربان بگو ای مردمان بدرستی که آمد بشما حق

من ربكم فمن اهتدى فإنما يهتدي لنفسه ومن ضل
از پروردگار شما پس هر که راه یابد پس بدرستی که سود راه یافتن مر تن او را بود وهر که گمراه شود

فإنما يضل عليها وما أنا عليكم بوكيل ۝ واتبع ما يوحى
پس بدرستی که زیان گمراهی بر تن او بود ونیستم من بر شما کارساز وپیروی کن آنچه وحی کرده میشود

إليك واصبر حتى يحكم الله وهو خير الحاكمين ۝
بتو وصبر کن تا حکم کند خدا واو بهترین حکم کنندگانست

سورة هود عليه السلام [illegible] وعشرون [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب احكمت اياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير ان
این کتابیست که محکم کرده شد نشانهای آن پس سوده کرده شده است از نزد خدای محکم کار آگاه آنکه
لا تعبدوا الا الله انني لكم منه نذير وبشير وان
پرستید مگر خدا را بدرستی که من مر شمارا از قبل خود بیم کننده ام و بشارت دهنده و آنکه
استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا
آمرزش خواهید از پروردگار شما پس باز آیید باو تا برخورداری دهد شمارا برخورداری
حسنا الى اجل مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله
نیکو تا اجلی نام نهاده و بدهد هر خداوند فضل را فضل او
وان تولوا فاني اخاف عليكم عذاب يوم كبير الى الله
واگر برگردید پس بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ با خداست
مرجعكم وهو على كل شيء قدير الا انهم يثنون
بازگشت شما و او بر همه چیز توانا است بدان که ایشان
صدورهم ليستخفوا منه الا حين يستغشون
سینهای ایشان تا پنهان دارند از آن بدانکه وقتی که بر سر در میکشند
ثيابهم يعلم ما يسرون وما يعلنون انه عليم
جامهای خود را میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا میکنند بدرستی که او داناست

الجزء ١٢

بذات الصدور وما من دابة في الارض الا على الله رزقها
به آنچه در سینها و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او
ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب
و میداند آرامگاه آنرا و جایگاه آنها را همه در لوح المحفوظ
مبين وهو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام
روشن است و اوست آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز
وكان عرشه على الماء ليبلوكم ايكم احسن عملا
و بود عرش او بر سر آب تا بیازماید شمارا که کدامید از شما نیکوتر بعمل
ولئن قلت انكم مبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا
و هر آینه اگر گویی تو که شما برانگیختگان باشید پس از مرگ هر آینه گویند آنها که کافر شدند
ان هذا الا سحر مبين ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة
نیست این مگر سحری روشن و هر آینه اگر بازپس داریم از ایشان عذاب را تا مدتی
معدودة ليقولن ما يحبسه الا يوم يأتيهم ليس مصروفا
شمرده شده هر آینه گویند که چه چیز باز داشت او را بدان که روزی که آید بایشان نبود بگردانیده شده
عنهم وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ولئن
از ایشان و برسید بایشان وبال آنچه ایشان بدان استهزا داشتند و هر آینه اگر
اذقنا الانسان منا رحمة ثم نزعناها منه انه ليئوس كفور
در چشانیم ما آدمی را از قبل خود رحمتی پس برکنیم آنرا از او بدرستی که او نومید ناسپاس است

ولئن اذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيئات عني

و اگر بچشانیم ما او را نعمتی پس از زیانی که رسیده بود بدو هر آینه میگوید برفت بدیها از من

انه لفرح فخور ۝ الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك

بدرستی که او شادان و فخر نماینده بود مگر که آنها که صبر کردند و کردند کارهای نیک آن گروه

لهم مغفرة واجر كبير ۝ فلعلك تارك بعض ما يوحى

مر ایشان را بود آمرزشی و مزدی بزرگ پس مگر تو ترک کننده بعضی آنچه وحی کرده میشود

اليك وضائق به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز

بتو و تنگ می آید بدان سینه تو تا نگویند چرا فرو فرستاده نبود گنجی

او جاء معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ۝

یا چرا نیامد با او فرشته بدرستی که تو بیم کننده ای و خدا بر همه چیزی کارساز است

ام يقولون افتريه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات

یا میگویند ... بگو پس بیاورید ... بربافته

وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين ۝

آنرا که توانائی داشته باشید شما از جز خدا اگر هستید شما راستگویان

فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا

پس اگر پاسخ نکنند مر شما را پس بدانید که آنچه فرو فرستاده شده است بعلم خداست و آنکه نیست خدای مگر

هو فهل انتم مسلمون ۝ من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها

او پس آیا هیچ منقاد میشوید هر که میخواهد زندگانی دنیا را و آرایش او را

نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون ۝

تمام بدهیم ایشان را عملهای ایشان را در آنجا و ایشان در آنجا عملشان باز نکاهانند

اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا

آن گروه آنها اند که نبود مر ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شود آنچه ایشان ساخته باشند

فيها وباطل ما كانوا يعملون ۝ افمن كان على بينة من

در آنجا و باطل بود آنچه ایشان کرده باشند ای پس آنکه باشد بر حجتی از

ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى اماما

پروردگار خود و خواند آنرا گواهی دهنده از او و از پیش او بود کتاب موسی پیشوائی

ورحمة اولئك يؤمنون به ومن يكفر به من الاحزاب

و رحمتی آن گروه ایمان آورند بدان و هر که کافر شود بدان از گروهان

فالنار موعده فلا تك في مرية منه انه الحق من ربك ولكن

پس آتش بود جایگاه او پس مباش در شکی از آن بدرستی که آن حقست از پروردگار تو و لیکن

اكثر الناس لا يؤمنون ۝ ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا

بیشترین مردمان ایمان نمی آورند و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافت بر خدا دروغی

اولئك يعرضون على ربهم ويقول الاشهاد هؤلاء الذين

آن گروه عرضه کرده شوند بر خداوند پروردگار خود و گویند گواهان این گروه آنها اند

كذبوا على ربهم الا لعنة الله على الظالمين ۝ الذين

که دروغ بستند بر پروردگار خود بدان بدرستی که لعنت خدا باد بر ستمکاران آنها

يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة
گروگرشتند از راه خدا وجستند آن راه را کژی وایشان باخرت
هم كافرون • أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض وما كان
ایشان کافرانند آن گروه نباشند عاجز کنندگان در زمین ونباشد
لهم من دون الله من أولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا
مر ایشان را از جز خدا هیچ دوستانی دوچند کرده شود مر ایشان را عذاب نباشند
يستطيعون السمع وما كانوا يبصرون • أولئك الذين
که توانایی داشته باشند شنودن را ونباشند که ببینند آن گروه آنهااند
خسروا أنفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون •
که زیانکار آمدند بر تنهای خود وگم شود از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند
لا جرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون • إن الذين آمنوا
حق که ایشان در آخرت ایشانند زیان کاران بدرستی که آنها که ایمان آوردند
وعملوا الصالحات وأخبتوا إلى ربهم أولئك أصحاب الجنة هم
وکردند کارهای [illegible] بسوی پروردگار خود آن گروه اصحاب بهشتند ایشان
فيها خالدون • مثل الفريقين كالأعمى والأصم و
در آنجا همیشه باشند مثل دو گروه همچون نابینا [illegible]
البصير والسميع هل يستويان مثلا أفلا تذكرون • ولقد
وبینا وشنوا ای یکسان باشند مثل ای پس پند نمی گیرید وبدرستی

أرسلنا نوحا إلى قومه إني لكم نذير مبين • أن لا تعبدوا إلا الله
فرستادیم ما نوح را بسوی قوم او بدرستی که من مر شما را بیم کننده روشنم بانکه مپرستید مگر خدا را
إني أخاف عليكم عذاب يوم أليم • فقال الملأ الذين كفروا
بدرستی که من میترسم بر شما عذاب روز دردناک پس گفتند اشراف آنها که کافر بودند
من قومه ما نراك إلا بشرا مثلنا وما نراك اتبعك إلا الذين
از گروه او نمی بینیم ترا مگر آدمی مانند ما ونمی بینیم ترا که پیروی میکنند ترا مگر آنها
هم أراذلنا بادي الرأي وما نرى لكم علينا من فضل بل
که ایشان ارذال اند بادیه نشینان ونمی بینیم مر شما را بر ما هیچ فضیلتی بلکه
نظنكم كاذبين • قال يا قوم أرأيتم إن كنت على بينة
بگمان می بریم شما را دروغ گویان گفت نوح ای قوم من آیا چه بینید شما اگر باشم من بر حجتی
من ربي وآتاني رحمة من عنده فعميت عليكم أنلزمكموها
از پروردگار خود وبداد مرا رحمتی از نزد خود پس پوشیده بود آن بر شما ای الزام توانم کرد شما را آن
وأنتم لها كارهون • ويا قوم لا أسألكم عليه مالا
وشما مر آنرا نخواهندگانید وای گروه من نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ زری
إن أجري إلا على الله وما أنا بطارد الذين آمنوا إنهم ملاقوا ربهم
نیست مزد من مگر بر خدا ونیستم من راننده آنهایی را که ایمان آوردند بدرستی که ایشان بیننده اند با پروردگار خود
ولكني أراكم قوما تجهلون • ويا قوم من ينصرني من الله إن طردتهم
ولیکن من می بینم شما را گروهی نادانان وای قوم کیست که یاری دهد مرا از عذاب خدا اگر طرد کنم ایشان را

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِى خَزَآئِنُ ٱللَّهِ وَلَآ أَعْلَمُ
ای پس پند نمیگیرید ونمیگویم مر شما را که نزد من است خزینهای خدا ونمیگویم که من میدانم
ٱلْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ إِنِّى مَلَكٌ وَلَآ أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِىٓ أَعْيُنُكُمْ لَن
علم غیب را ونمیگویم مر شما را که فرشته ام ونمیگویم مر آنهارا که خوار دارد چشمهای شما که
يُؤْتِيَهُمُ ٱللَّهُ خَيْرًا ٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِىٓ أَنفُسِهِمْ إِنِّىٓ إِذًا لَّمِنَ
ندهد ایشانرا خدا خیری خدا داناترست بدانچه در تنهای ایشانست بدرستی که من آنگه از جمله
ٱلظَّٰلِمِينَ ۝ قَالُوا۟ يَٰنُوحُ قَدْ جَٰدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَٰلَنَا فَأْتِنَا
ستمکاران باشم گفتند ای نوح بدرستی که خصومت کردی با ما پس بسیار کردی با ما خصومت را پس بیار بما
بِمَا تَعِدُنَآ إِن كُنتَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ ٱللَّهُ
آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی تو از جمله راست گویان گفت بدرستی که آورد بشما آنرا خدا
إِن شَآءَ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ۝ وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِىٓ إِنْ أَرَدتُّ أَنْ
اگر خواهد ونباشید شما عاجز کنندگان وسود نکند شما را نصیحت من اگر خواهم که
أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ ٱللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ
نصیحت کنم شما را اگر خدا خواهد که بیراه کند شما را اوست پروردگار شما وبا جزای او
تُرْجَعُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ قُلْ إِنِ ٱفْتَرَيْتُهُۥ فَعَلَىَّ إِجْرَامِى
وبا جزای او بازگردانیده شوید یا میگویند بر بافته است آنرا محمد بگو اگر بر بافته باشم آنرا پس بر منست جرم من
وَأَنَا۠ بَرِىٓءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ۝ وَأُوحِىَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُۥ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ
و من بیزارم از آنچه گناه میکنید و وحی کرده شد بنوح که نخواهند گروید از قوم تو

إِلَّا مَن قَدْ ءَامَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا۟ يَفْعَلُونَ ۝ وَٱصْنَعِ ٱلْفُلْكَ
مگر آنکه از پیش بگروید پس اندوه مخور بدانچه ایشان کردند وبساز کشتی را
بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَٰطِبْنِى فِى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ۝
بنگهداشت ما وبگفته داشت ما وسخن ما در حق آنها که ایشان غرقه شدگانند
وَيَصْنَعُ ٱلْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِۦ سَخِرُوا۟ مِنْهُ قَالَ
ومیساخت کشتی را وهرگاه که میگذشتند برو اشراف از قوم او استهزا میکردند ازو گفت نوح
إِن تَسْخَرُوا۟ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ۝ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
اگر استهزا میکنید از ما پس ما نیز استهزا داریم بشما همچنانکه شما استهزا میدارید پس زود بدانید
مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ
که کیست که آید بدو عذابی که رسوا کند او را وفرود آید برو عذاب جاوید تا چون آمد
أَمْرُنَا وَفَارَ ٱلتَّنُّورُ قُلْنَا ٱحْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ ٱثْنَيْنِ
فرمان ما وبرجوشید تنور گفتیم در نشان درآنجا از هر چیزی دو صنف
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ ٱلْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ ۚ وَمَآ ءَامَنَ مَعَهُۥٓ إِلَّا
وکسان خود را مگر آن کسی که پیش گرفت برو گفتار وعید وآنرا که بگرویده است ونگرویده بودند با او مگر
قَلِيلٌ ۝ وَقَالَ ٱرْكَبُوا۟ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْر۪ىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ ۚ إِنَّ رَبِّى
اندکی وگفت برنشینید درآنجا بنام خداست نگهداشتن آن وروان شدن آن بدرستی که پروردگار من
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَهِىَ تَجْرِى بِهِمْ فِى مَوْجٍ كَٱلْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ
هرآینه آمرزنده است ومهربان وآن کشتی میبرد ایشانرا در موجی همچون کوهها وبرخواند نوح

ابنه وكان في معزل يا بني اركب معنا ولا تكن مع الكافرين

پسر خودرا وبود او در جای دور که ای پسرک من درنشین با ما ومباش با کافران

قال ساوي الى جبل يعصمني من الماء قال لا عاصم اليوم من امر

گفت کنعان زود پناه دهم با کوهی که نگه دارد مرا از آب گفت نوح نگه دارنده نبود امروز از فرمان

الله الا من رحم وحال بينهما الموج فكان من المغرقين و

خدا مگر آنرا که رحمت کرده بود وحایل شد میان ایشان موج آب پس بود از جمله غرق شدگان

قيل يا ارض ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر

وگفته شد ای زمین فرو بر آب خودرا وای آسمان باز ایست وفرو برده شد آب وگذارده شد کار

واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين ونادى

وراست بایستاد آب بر کنار کوه جودی وگفته شد دوری وهلاکت باد مر گروه ستمکارانرا وبر خواند

نوح ربه فقال رب ان ابني من اهلي وان وعدك الحق وانت

نوح پروردگار خودرا پس گفت ای پروردگار من بدرستی که پسر من از اهل منست وبدرستی که وعدهٔ تو حقست وتوئی

احكم الحاكمين قال يا نوح انه ليس من اهلك انه عمل

حکم کننده ترین حاکمان گفت خدا ای نوح که او نیست از کسان تو که عمل وکار او

غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به علم اني اعظك ان تكون

نه نیکوست پس مخواه از من آنچه نیست مرترا بدان دانش بدرستی که من پند میدهم ترا که نباشی

من الجاهلين قال رب اني اعوذ بك ان اسئلك ما ليس لي به

از جملهٔ جاهلان گفت نوح ای پروردگار من پناه میگیرم بتو که درخواهم از تو آنچه نیست مرا بدان

علم والا تغفر لي وترحمني اكن من الخاسرين قيل

هیچ دانشی واگر نیامرزی مرا ورحمت نکنی بر من باشم از جملهٔ زیانکاران گفته شد

يا نوح اهبط بسلام منا وبركات عليك وعلى امم ممن

ای نوح فرود آی بسلامتی از ما وبرکتهائی بر تو وبر گروهانی از آنکه

معك وامم سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب اليم تلك

با تواند وگروهانی زود برخورداری دهیم ایشانرا پس رسد بدیشان از ما عذابی دردناک آن

من انباء الغيب نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت ولا قومك

از خبرهای غیبست که وحی میکنیم آنرا بتو نبودی تو که دانی آنرا نه تو ونه قوم تو

من قبل هذا فاصبر ان العاقبة للمتقين والى عاد اخاهم

از پیش این پس صبر کن که عاقبت کار مر پرهیزکارانرا بود وفرستادیم بقوم عاد برادر ایشانرا

هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا

هود گفت ای قوم بپرستید خدایرا که نیست مرشمارا هیچ خدای جز او نیستید شما مگر

مفترون يا قوم لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي

دروغ برمی بافید ای قوم نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی

فطرني افلا تعقلون ويا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا

که بنو آفرید مرا ای پس استعمال عقل نمیکنید وای قوم آمرزش بازآئید

اليه يرسل السماء عليكم مدرارا ويزدكم قوة الى قوتكم

بدرگاه او تا باران ریزانرا قوتی با قوت شما

وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ ۝ قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا

و بر مگردید شما کافران ۝ گفتند ای هود نیاوردی تو بما بحجتی و نیستیم

نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَقُولُ

ما ترک کنندگان خدایان خودرا از گفتار تو و نیستیم ما مر ترا گرویدگان نمیگوییم

إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي

مگر که از خود برفته بعضی خدایان ما را ببدی گفت که من گواه میگردانم خدا را و گواه باشید که من

بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ۝ مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ

بیزارم از آنچه انباز فرا میدارید ۝ از خداو پس کید سازید بمن همه پس

لَا تُنْظِرُونِ ۝ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ

زمان مدهید مرا ۝ بدرستی که توکل کردم بر خداست که پروردگار منست و پروردگار شما نیست هیچ

دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝

جنبنده مگر که او فراگیرنده است او را موی پیشانی او بدرستی که پروردگار من بر راه راستست

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ

پس اگر برگردید پس بدرستی که رسانیدم آنچه فرستاده شده ام بدان بشما و خلیفتی بگارد

رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ

پروردگار من گروهی را جز از شما و مضرت نرسانند او را چیزی بدرستی که پروردگار من بر همه

شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

چیزی نگاهبانست ۝ و چون آمد فرمان ما برهانیدیم ما هود را و آنها که بگرویده بودند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا

برحمتی از ما و برهانیدیم ما ایشان را از عذابی درشت ۝ و آینده قوم هود که انکار کردند

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

بنشانهای پروردگار خود و عاصی شدند در رسولان خود و پیروی کردند فرمان هر گردنکش ستیهنده

وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا

و در پی داشته شدند در این دنیا بلعنتی و در روز قیامت بدان که قوم هود

كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ۝ وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ

کافر شدند در پروردگار خود بدان که دوری و هلاک باد قوم هود را ۝ و بفرستادیم بقوم ثمود برادر ایشان را

صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ

صالح گفت ای قوم من پرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی جز از او او

أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ

بیافرید شما را از زمین و زندگانی داد شما را در آن پس آمرزش خواهید از او

ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ۝ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ

پس بازآیید بدرگاه او بدرستی که پروردگار نزدیکست باجابت خواننده ۝ گفتند ای صالح بدرستی که بودی

فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَٰذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي

در میان ما امیدوار پیش ازین ای نهی میکنی ما را که بپرستیم آنچه میپرستیدند پدران ما و بدرستی که ما هر آینه

شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ

در شکیم از آنچه میخوانید ما را بدان بشک افکننده ۝ گفت ای قوم آیا چه بینید شما اگر باشم بر حجتی

مِنْ رَبِّي وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا

از پروردگار خود و بداده بود مرا از قبل خود رحمتی پس کیست که یاری کند مرا از عذاب خدا اگر نافرمانی کنم او را پس

تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ ۝ وَيَا قَوْمِ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةً

نه زیادت نشوانند مرا جز زیانکاری وای قوم من این ناقهٔ خداست مر شما را معجزه

فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ

پس بگذارید آنرا تا بچرد در زمین خدا و مرسانید آنرا بدی پس فرا گیرد شما را

عَذَابٌ قَرِيبٌ ۝ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ

عذابی نزدیک پس بکشتند آنرا پس گفت برخورداری گیرید در سرایهای خود

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ۝ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا

سه روز آنست وعدهٔ جز بدروغ داشته پس چون آمد فرمان ما برهانیدیم ما

صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ

صالح را و آنهارا که بگرویده بودند با او برحمتی از ما و از رسوائی آن روز بدرستی

رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا

که پروردگار تو اوست نیرومند غالب و فرا گرفت آنهارا که ستم کردند بانگ هایل پس گشتند

فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا

در سرایهای خود مردگان گوئیا که درنگ نکرده بودند در آنجا بدانکه قوم صالح کافر شدن

رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِثَمُودَ ۝ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ

در پروردگار خود بدان که دوری و هلاکت باد قوم صالح را و بدرستی که آمدند ملائکه ما به ابراهیم ببشارت

قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ

گفتند سلام باد گفت لوط سلام بر شما باد پس درنگ نکرد که آورد گوساله بریان پس چون دید

أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ

دستهای ایشان را که بدو نمی رسید بیگانه دانست ایشان را و در دل خود گذاشت از ایشان ترسی گفتند مترس

إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ ۝ وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا

بدرستی که ما فرستاده شده ایم بقوم لوط و زن او ایستاده بود بخندید پس بشارت دادیم او را

بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ۝ قَالَتْ يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا

باسحق و از پس اسحق بیعقوب گفت ای وای بر من آیا بزایم و حال آنکه من

عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ۝ قَالُوا أَتَعْجَبِينَ

پیره زنم و این شوهر من پیر است بدرستی که این هر آینه چیزی عجبست گفتند آیا عجب میداری

مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ

از فرمان خدا رحمت خدا و برکت او بر شما ای اهل بیت خلیل بدرستی که او ستوده

مَجِيدٌ ۝ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا

بزرگوارست پس چون برفت از ابراهیم ترس و آمد بدو بشارت خصومت کرد با ما

فِي قَوْمِ لُوطٍ ۝ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ۝ يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ

در حق قوم لوط بدرستی که ابراهیم بردبار بود آه کننده بازگشت آینده ای ابراهیم برگرد

عَنْ هَٰذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

از این بدرستی که آمد فرمان پروردگار تو و بدرستی که آینده است بدیشان عذابی جز رد کرده

ولما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم ذرعا وقال هذا يوم

وچون آمدند رسولان ما بلوط بد آمد ایشانرا و … وگفت این روزیست

عصيب ۝ وجاءه قومه يهرعون اليه ومن قبل كانوا يعملون السيئات

دشوارست وآمدند نزد قوم او … وازپیش بودند میکردند بدیهارا

قال يا قوم هؤلاء بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا تخزون في ضيفي

گفت ای قوم من این گروه دختران منند پاکیزه ترند شمارا پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا درمیان مهمانان من

اليس منكم رجل رشيد ۝ قالوا لقد علمت ما لنا في بناتك من

ای نیست از شما مردی باصواب گفتند بدرستی که دانی تو که نیست مارا در دختران تو هیچ

حق وانك لتعلم ما نريد ۝ قال لو ان لي بكم قوة او آوي الى ركن

حق و بدرستی که تو میدانی آنچه میخواهیم گفت لوط ای کاشکی بودی مرا بشما قوتی یا پناه گرفتمی جای

شديد ۝ قالوا يا لوط انا رسل ربك لن يصلوا اليك فاسر

سخت محکم گفتند ای لوط بدرستی که ما رسولان پروردگار توایم نرسند بتو پس ببر

باهلك بقطع من الليل ولا يلتفت منكم احد الا امراتك انه

کسان خودرا بپاره از شب و باید که بازپس ننگرد از شما هیچ یکی مگر زن تو که بدو

مصيبها ما اصابهم ان موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب ۝

رسنده است آنچه رسنده است بدیشان بدرستی که وعده ایشان صبحست ای نیست صبح نزدیک

فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من

پس چون آمد فرمان ما گردانیدیم ما زبر آنرا زیر آن و بباراندیم ما برایشان سنگها ای از

سجيل منضود ۝ مسومة عند ربك وما هي من الظالمين ببعيد ۝ و

سنگ گل … نشان کرده نزد پروردگار تو ونبود آن از ستمکاران دور و …

الى مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره

بقوم شعیب برادر ایشانرا شعیب گفت ای قوم من بپرستید خدایرا نیست شمارا هیچ خدائی جز او

ولا تنقصوا المكيال والميزان اني اريكم بخير واني اخاف

و باز مکاهانید کیله و ترازورا بدرستی که من بینم شمارا … و بدرستی که من میترسم

عليكم عذاب يوم محيط ۝ ويا قوم اوفوا المكيال والميزان

بر شما از عذاب روزی گرداننده دشوار وای قوم من تمام کنید کیله و ترازو و

بالقسط ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تعثوا في الارض

بعدالت و باز مکاهانید مردمانرا چیزهای ایشان و مشتابید در زمین

مفسدين ۝ بقيت الله خير لكم ان كنتم مؤمنين وما

تباهی کنندگان این باقی … بهتر شمارا اگر هستید شما مؤمنان ونیم

انا عليكم بحفيظ ۝ قالوا يا شعيب اصلاتك تامرك ان

من بر شما نگهبان اعمال گفتند ای شعیب ای نمازهای تو میفرماید ترا که

نترك ما يعبد آباؤنا او ان نفعل في اموالنا ما نشاء انك

ترک کنیم ما آنچه می‌پرستیدند پدران ما یا که کنیم ما در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو

لانت الحليم الرشيد ۝ قال يا قوم ارايتم ان كنت على بينة

… تویی بردبار باصواب گفت ای قوم من ای چون بینید شما اگر باشم بر حجتی

نصف

مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى

از پروردگار خود و روزی داد مرا از قبل خود روزی نیکو و نمیخواهم که مخالفت کنم شمارا

مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي

بدانچه نهی کرده شدم ازان نمیخواهم مگر کار باصلاح آوردن آنچه توانای داشته باشم و نیست اعتماد من

إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ • وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ

مگر بخدا بر او توکل کردم و با درگاه او باز آمدم و ای قوم بر مدارد شمارا

شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ

خلاف من که برسید بشما حادثه مانند آنچه برسید بقوم نوح یا بقوم هود

أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ • وَاسْتَغْفِرُوا

یا بقوم صالح و نبودند قوم لوط از شما دور و آمرزش خواهید

رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ • قَالُوا يَا شُعَيْبُ

از پروردگار خود پس باز آیید با درگاه او براستی که پروردگار من مهربانست دوستدار مطیعان گفتند ای شعیب

مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا

در نمی یابیم بسیاری از آنچه میگوئی تو و براستی که ما می بینیم ترا در میان خود ضعیف

وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ • قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي

و اگر نه حرمت اهل قبیله تو بودی هرآینه بسنگ میزدیم ترا و نیستی تو بر ما عزیز و ارجمند گفت ای قوم من آیا اهل قبیله من

أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا

عزیزترند بر شما از فرمان خدا و فرا گرفتید شما آنرا واپس پشتهای خود براستی که پروردگار من بدانچه

تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ • وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ

شما میکنید بیناو داناست و ای قوم من کار کنید بر خو و عادت خود براستی که من کار کننده ام زود

تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا

بدانید که کیست که آید بدو عذابی که خوار و رسوا کند او را و کیست که او دروغ گویاست و چشم دارید

إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ • وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

براستی که من با شما چشم دارنده ام و چون آمد فرمان ما برهانیدیم ما شعیب را و آنهارا که بگرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ

برحمتی از ما و فرا گرفت آنهارا که ستم کردند بانگی پس گشتند در سرایهای خود

جَاثِمِينَ • كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ

مردکان گویا که درنگ نکردند در آنجا بدان که دوری و هلاکت باد مر قوم شعیب را همچنانکه هلاک شدند

ثَمُودُ • وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ • إِلَى فِرْعَوْنَ

قوم صالح و براستی که فرستادیم ما موسی را بنشانهای ما و بحجتی روشن بسوی فرعون

وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ • يَقْدُمُ قَوْمَهُ

و اشراف او پس پیروی کردند فرمان فرعون و نبود فرمان فرعون بصواب پیش ایستد قوم خود را

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ • وَأُتْبِعُوا فِي

در روز قیامت پس در آورد ایشانرا در آتش و بد [illegible] و در پی داشته شدند در

هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ • ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ

این دنیا لعنتی و در روز قیامت نیز بد آن از خبرهای

الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ۞ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن

اهل شهرها است که قصه میکنیم آنرا بر تو بعضی از آن ایستاده است و بعضی اثر نیست و ستم نکردیم ما ایشانرا ولیکن

ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِن

ستم کردند بر تنهای خود پس نگزرانیدند از ایشان خدایان ایشان آنهای که میخواندند از

دُونِ اللَّهِ مِن شَيْءٍ لَّمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

جز خدا هیچ چیزی چون آمد فرمان پروردگار تو و نیفزودند ایشانرا جز تخسیری

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ

و همچنین بود گرفتن پروردگار تو چون بگیرد اهل دیهها را و آنها ستمکار بوده باشند بدرستی

أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۞ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ

که گرفتن او دردناک و سخت بود بدرستی که در آن هر آینه نشانیست آنرا که ترسید از عذاب

الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ۞

آخرت آن روزیست که جمع کرده شوند در آن روز مردمان و آنست روزی که حاضر شوند خلایق

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ۞ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ

و تاخیر نکنیم آنرا مگر از بهر اجلی شمرده آن روزی که آید سخن نگوید هیچ تنی

إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي

مگر بفرمان او پس از ایشان بدبخت بود و نیکبخت بود پس اما آنهای که بدبخت باشند پس در

النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

آتش باشند مر ایشانرا بود در آنجا نالشی و بانگی چون بانگ خر همیشه باشند در آنجا مادام که باشند

السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۞ فَلَا تَكُ فِي

آسمانها و زمین مگر آنچه خواسته بود پروردگار تو بخششی جز منت نهاده پس مباش در

مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُم

شکی از آنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر همچنانک می پرستیدند پدران ایشان

مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ ۞ وَلَقَدْ

از پیش و بدرستی که ما هر آینه تمام دهندهایم ایشانرا بهرهٔ ایشان جز باز کاهانیده شده و بدرستی

آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ

بدادیم موسی را کتاب توریة پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بودی پیشی گرفته

مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ۞ وَإِنَّ

از پروردگار تو هر آینه گزارده شدی کار میان ایشان و بدرستی که ایشان در شکی اند از آن بتهمت آورنده و بدرستی

كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

که همه را تمام بدهد ایشانرا پروردگار تو جزاء عملهای ایشان را بدرستی که او بدانچه ایشان میکنند

خَبِيرٌ ۞ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا

آگاهست پس ثابت و راست باش همچنانک فرمودند ترا و آنک باز آمد با تو و از حد مگذرید

إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۞ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ

بدرستی که او بدانچه شما میکنید بیناست و میل مکنید بدانها که ستم کردند پس دریابد شمارا

النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

آتش و نیست مر شمارا از جز خدای هیچ دوستانی پس یاری کرده نشوید

السموات والارض الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما يريد واما الذين سعدوا ففي الجنة خالدين فيها ما دامت

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

وبپای دار نمازرا در دو کنارهٔ روز وبعضی از شب بدرستی که نیکوییها ببرند

السَّيِّئَاتِ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذَّاكِرِينَ • وَاصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ

بدیها را این قرآن پندیست مر پند گیرندگان را وصبر کن پس بدرستی که خدا

لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ • فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ

ضایع نکند مزد نیکو کاران را پس اگر نه چرا نبودند گروهانی که پیش

قَبْلِكُمْ اُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ اِلَّا قَلِيلًا

از شما بودند خداوند بقیتی نهی کردند ایشان را از تباهی کردن در زمین مگر اندکی

مِمَّنْ اَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا اُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا

از آنک برهانیدیم ما ایشان را و پیروی کردند آنهارا که ستم کردند آنچه متنعم کرده بودیم ما ایشان را در آن و بودند

مُجْرِمِينَ • وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَاَهْلُهَا

کافران و نه پروردگار تو هلاک کند اهل جمیع دیهها را بستم وظلم و اهل آن

مُصْلِحُونَ • وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا

کار باصلاح آورندگان باشند واگر خواستی پروردگار تو هراینه گرداندی مردمان را یک گروه بر یک دین

يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ اِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَ

وهمیشه اختلاف کنندگان بودند مگر آنرا که رحمت کرد پروردگار تو وبدین آفرید ایشان را

تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَاَمْلَاَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ •

وتمام شد سخن پروردگار تو که پر کنم دوزخ را از جنیان پری وآدمی همه

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ

وهمه را قصه میکوییم برتو از خبرهای رسولان تا ثابت بداریم بدان دل ترا

وَجَاءَكَ فِي هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ • وَ

وآمد بتو درین سوره حق وپند کرفتنی وپند دادنی مؤمنان را

قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَامِلُونَ •

وبکو مر آنان را که ایمان نمی آورند کار کنید بر خوی وعادت خود بدرستی که ما کار کنندگانیم

وَانْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ • وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ

وچشم دارید که ما با شما چشم دارندگانیم ومر خدا راست غیب آسمانها وزمین

اِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ

باو بازگردد کارها همه آن پس بپرست او را وتوکل کن برو ونیست پروردگار تو

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

غافل از آنچه شما میکنید

سورة يوسف عليه السلام ... [illegible]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدائی که مهربان است

الٓرٰ • تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ • اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا

ای انا الله اری آن نشانهای قرآنی بار وشن است بدرستی که فرو فرستادیم ما آنرا قرآنی بلغت عرب

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ • نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا

تا بود که شما استعمال عقل کنید ما قصه میکوییم برتو خوبترین قصهها را بدانچه

فواصلها لم تو

أوحينا إليك هذا القرآن وإن كنت من قبله لمن الغافلين
وحی کردیم ما بتو این قرآن و بدرستی که تو بودی از پیش این هرآینه از جملهٔ غافلان ازان
إذ قال يوسف لأبيه يا أبت إني رأيت أحد عشر كوكبا والشمس
چون گفت یوسف مر پدر خود را که ای پدر من بدرستی که من در خواب دیدم که یازده ستاره و آفتاب
والقمر رأيتهم لي ساجدين ۝ قال يا بني لا تقصص
و ماه را دیدم ایشانرا که مرا سجده میکردند گفت ای پسرک من بازمگوی
رؤياك على إخوتك فيكيدوا لك كيدا إن الشيطان
خواب خود را بر برادران خود پس کید سازند مر ترا کیدی بدرستی که دیو
للإنسان عدو مبين ۝ وكذلك يجتبيك ربك و
مر آدمی را دشمنی روشنست و همچنین برگزیند ترا پروردگار تو
يعلمك من تأويل الأحاديث ويتم نعمته عليك وعلى آل
و درآموزاند ترا از تعبیر خوابها و سخنها و تمام کند نعمت او بر تو و بر آل
يعقوب كما أتمها على أبويك من قبل إبراهيم وإسحق
یعقوب همچنانک تمام کرد آنرا بر پدر و جد تو از پیش ابرهیم و اسحق
إن ربك عليم حكيم ۝ لقد كان في يوسف وإخوته
بدرستی که پروردگار تو داناست محکم کار بدرستی که هست در قصهٔ یوسف و برادران او
آيات للسائلين ۝ إذ قالوا ليوسف وأخوه أحب إلى أبينا
نشانهای مر سوال کنندگان را چون گفتند که یوسف و برادر او دوست ترند پیش پدر ما

ابن یامین

منا ونحن عصبة إن أبانا لفي ضلال مبين ۝ اقتلوا يوسف
از ما و حال آنکه ما گروهی ایم بدرستی که پدر ما در گمراهی روشنست بکشید یوسف را
أو اطرحوه أرضا يخل لكم وجه أبيكم وتكونوا من بعده
یا اندازید او را بزمینی دور تا خالی مانده شمارا روی پدر او بینید و باشید از پس آن
قوما صالحين ۝ قال قائل منهم لا تقتلوا يوسف وألقوه في
گروهی نیکوکاران گفت گوینده از ایشان مکشید یوسف را و اندازید او را در
غيابت الجب يلتقطه بعض السيارة إن كنتم فاعلين
بن چاه تا برگیرد او را بعضی از کاروانیان اگر هستید شما کنندگان
حزب
قالوا يا أبانا ما لك لا تأمنا على يوسف وإنا له لناصحون
گفتند ای پدر ما چیست مر ترا که امین نمیداری ما را بر یوسف و بدرستی که ما او را نصیحت کنندگانیم
أرسله معنا غدا يرتع ويلعب وإنا له لحافظون ۝ قال إني
بفرست او را با ما فردا تا بچرد و بازی کند و ما او را نگهبانان باشیم گفت که
ليحزنني أن تذهبوا به وأخاف أن يأكله الذئب وأنتم
اندوهگین میگرداند مرا که ببرید او را و من میترسم که بخورد او را گرگ و شما
عنه غافلون ۝ قالوا لئن أكله الذئب ونحن عصبة إنا إذا
ازو غافلان باشید گفتند چون بخورد او را گرگ و ما گروهی ایم بدرستی که ما آنگه
لخاسرون ۝ فلما ذهبوا به وأجمعوا أن يجعلوه في غيابت
هرآینه زیانکاران باشیم پس چون بردند او را و گرد آمدند که بکنند او را در بن

الجب وأوحينا إليه لتنبئنهم بأمرهم هذا وهم لا يشعرون

چاه و وحی کردیم ما بوی که البته بیاگاهانی تو ایشانرا بکار ایشان این وایشان ندانند

وجاؤا أباهم عشاء يبكون • قالوا يا أبانا إنا ذهبنا نستبق

و آمدند بپدر خود شبانگاه بگریستند گفتند ای پدر ما برفتیم ما تیر می انداختیم

وتركنا يوسف عند متاعنا فأكله الذئب وما أنت بمؤمن

و بگذاشتیم یوسف را نزد رختها و کالای ما پس بخورد اورا گرگ و نیستی تو باور دارنده

لنا ولو كنا صادقين • وجاؤا على قميصه بدم كذب قال

مارا واگرچه هستیم ما راست گویان و آوردند بر پیراهن او را بخونی بدروغ گفت

بل سولت لكم أنفسكم أمرا فصبر جميل والله المستعان

بلکه بیاراست مر شمارا تنهاء اماره شما کاری را پس بر منست صبر کردنی نیکو و خداست که یاری ازو خواهند

على ما تصفون • وجاءت سيارة فأرسلوا واردهم فأدلى

بر آنچه صفت میکنید و آمدند کاروانیان پس بفرستادند آب آورنده خودرا پس فرو گذاشت

دلوه قال يا بشرى هذا غلام وأسروه بضاعة والله عليم

دلو خودرا گفت ای مژده باد این کودکیست و پنهان کردند اورا جهت بضاعتی و خدا داناست

بما يعملون • وشروه بثمن بخس دراهم معدودة وكانوا

بدانچه ایشان میکنند و بفروختند اورا بهای اندک بدرهمهای کهنه شمرده شده و بودند

فيه من الزاهدين • وقال الذي اشتراه من مصر لامرأته أكرمي

دران از جملهٔ بی رغبتان وگفت آنکسی که خریده بود اورا از شهر مصر مرزن خودرا که گرامی دار

مثواه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدا وكذلك مكنا

جایگاه اورا شاید بود که سود کند مارا یا فرا گیریم اورا بفرزندی و همچنین تمکین دادیم ما

ليوسف في الأرض ولنعلمه من تأويل الأحاديث والله غالب

مر یوسف را در زمین و تا در آموزانیم اورا از تعبیر خوابها و خدا غالبست

على أمره ولكن أكثر الناس لا يعلمون • ولما بلغ أشده

بر فرمان خود ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند و چون برسید بغایت قوت خود

آتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين • و

بدادیم ما اورا حکمت و دانش و همچنین پاداش نیکوکارانرا و

راودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الأبواب

درخواست اورا آن زنی که یوسف در خانهٔ وی بود از بهر تن خود جهت غرض شهوت را و ببست درهارا

وقالت هيت لك قال معاذ الله إنه ربي أحسن مثواي إنه

وگفت زلیخا فرا آی گفت خدا واداراد بدرستی که پروردگار من نیکو کرد جایگاه مرا بدرستی که

لا يفلح الظالمون • ولقد همت به وهم بها لولا أن رأى

رستگاری نیابند ستمکاران و بدرستی که قصد زلیخا بیوسف و او نیز بزلیخا اگر نه که می دید

برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء إنه من

حجت پروردگار خودرا همچنین تا بگردانیم از وی [illegible] و ناشایست بدرستی که او از جملهٔ

عبادنا المخلصين • واستبقا الباب وقدت قميصه من دبر وألفيا

بندگان ما بود خالص کاران و پیشی گرفتند بدر رفتن و بدرید پیراهن اورا از پس و بیافتند

سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ

عزیز را نزدیک درخانه گفت زلیخا چه بود پاداش آنکه خواسته بود باهل وعیال تو بدی مگر که در زندان کنی

أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا

یا عذابی دردناک گفت زلیخا درخواست مرا از بهر تن خود وگواهی داد گواهی دهنده از اهل زلیخا

إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

اگر هست پیراهن او دریده از پیش پس زلیخا راست میگوید واو از جملهٔ دروغ گویانست

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ

واگر هست پیراهن او دریده از پس پس زلیخا دروغ میگوید و یوسف از جملهٔ راست گویانست

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ ۖ إِنَّ كَيْدَكُنَّ

پس چون دیدند پیراهن او را دریده بود از پس گفت عزیز که این کید ومکر شما زنانست بدرستی که کید ومکر شما

عَظِيمٌ ۞ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا ۚ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ

بزرگست ای یوسف روی بگردان از این وآمرزش خواه مر گناه خودرا که تو بودی

مِنَ الْخَاطِئِينَ ۞ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ

از جملهٔ خطاکاران وگفتند زنان در شهر مصر که زن عزیز درخواسته است

فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۖ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

جوان خودرا از بهر تن خود بحقیقت که برسیده است دوستی او بمیان دل او بدرستی که ما می بینیم اورا در گمراهی روشن

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً

پس چون شنید مکر ایشانرا بفرستاد نزدیکیشان ومعد ساخت برای ایشان تکیه جای

وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ

وبداد هر یکی را از ان زنان کاردی وگفت بیرون آی برایشان

فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا

پس چون دیدند اورا بزرگ داشتند اورا ومی بریدند دستهای خودرا وگفتند حاش لله نیست این

بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ۞ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي

آدمی نیست این مگر فرشتهٔ نیکو گفت زلیخا پس آنست آنچه ملامت میکردید مرا

فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ

در حق او وبدرستی که درخواستم اورا از بهر تن خود پس نگه داشت خودرا وچنانچه اگر نکند

مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ۞ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ

آنچه فرمودم اورا هرآینه در زندان کنم وهرآینه باشد از جملهٔ خواران گفت یوسف ای پروردگار زندان دوست تر بمن

مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ

از آنچه میخوانند مرا بدان واگر بنگردانی از من کید این زنانرا میل کنم بدیشان

أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۞ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ

وباشم از جملهٔ نادانان پس اجابت نمود اورا پروردگار او پس بگردانید از او کید ایشانرا

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۞ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ

بدرستی که او شنوای داناست پس ظاهر شد مرایشانرا که از پس آنچه دیدند نشانها را

لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ۞ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ ۖ قَالَ أَحَدُهُمَا

که هرآینه در زندان کنند اورا تا هنگامی ودرآمدند با او در زندان دو جوان گفت یکی از ان دو مرد

إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا

که من در خواب میدیدم که می‌افشردم خمر را • وگفت آن دیگر که من در خواب میدیدم که نهاده بودم بالای سر خود نانی را

تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا

میخوردند مرغان ازان . آگاه کن ما را بتعبیر آن که ما می‌بینیم ترا از جملهٔ نیکوکاران • گفت نیاورند بشما

طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا

هیچ خورشی که بخورید آنرا مگر که آگاه کنم شما را بتعبیر آن پیش ازانکه آورند بشما آن

مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ

ازانچه بیست که درآموزانیده است مرا پروردگار من • بدرستی که من ترک کردم ملت گروهی را که نمی‌گروند بخدا و ایشان باخرت

هُمْ كَافِرُونَ ۝ وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

ایشانند کافران • و پیروی کردم ملت پدران خود را ابرهیم و اسحق و یعقوب

مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا

نبود ما را که انباز فرا داریم بخدا هیچ چیزی ازان از فضل خدا بر ما

وَعَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ

و بر مردمان و لیکن بیشترین مردمان شکر نمی‌کنند • ای دو یار من

السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ مَا تَعْبُدُونَ

در زندان ای خدایان پراکنده بهتر یا خدای یکتای یگانه قهرکننده • نمی‌پرستید

مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

از جز او مگر نامهایی که نام نهاده‌اید آنرا شما و پدران شما • انچه نفرستاد خدا

بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ

بدان هیچ حجتی • نیست حکم مگر خدا را • فرمود آنکه نپرستید الا مگر او

ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ

آنست دین راست • ولیکن بیشترین مردمان نمی‌دانند • ای دو یار من

السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ

در زندان یا یکی از شما پس سیاقی کند خواجهٔ خود را خمر • واما آن دیگر پس بردار کنند

فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ۝

پس بخورند مرغان از سر او • گزارده شد کار آنچه در آن فتوی میخواهید

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ

وگفت یوسف مر آنکسی را که بپنداشت که او ناجیست ازان هر دو یاد کنی مرا نزد خواجهٔ خود پس از یاد او ببرد دیو

ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَىٰ

یاد داد نزد خواجهٔ خود پس درنگ کرد در زندان هفت سال یا نه سال • وگفت پادشاه که من در خواب دیدم

سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ

هفت گاو فربه را که میخوردند ایشان را هفت گاو لاغر و هفت خوشه

خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا

سبز وآن دیگر خشک • ای اشراف فتوی دهید مرا در خواب من اگر هستید شما مر خواب را

تَعْبُرُونَ ۝ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ

تعبیر گویندگان • گفتند این خوابهای شوریده اند و نیستیم ما ای پیغمبر بخوابها دانایان

وقال الذي نجا منهما وادكر بعد امة انا انبئكم بتاويله

وگفت آنکسی که ناجی بود ازان دو مرد و بیاد آورد پس از مدتی که من بیاگاهانم شما را بتعبیر این

فارسلون • يوسف ايها الصديق افتنا في سبع بقرات

پس بفرستید مرا پیش یوسف ای راست گوی فتوی ده ما را در باب هفت گاو

سمان ياكلهن سبع عجاف وسبع سنبلات خضر واخر

فربه که خورند آنرا هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و دیگر

يابسات لعلي ارجع الى الناس لعلهم يعلمون • قال تزرعون

خشک تا بود که من بازگردم سوی مردمان تا بود که ایشان بدانند گفت زراعت کنید

سبع سنين دابا فما حصدتم فذروه في سنبله الا قليلا مما

هفت سال پیاپی پس آنچه بردارید شما از زروع پس بگذارید آنرا در خوشه آن مگر اندکی از آنچه

تاكلون • ثم ياتي من بعد ذلك سبع شداد ياكلن

بخورید پس آید از پس آن هفت سال سخت بخورید

ما قدمتم لهن الا قليلا مما تحصنون • ثم ياتي من بعد ذلك

آنچه فرا پیش داشته باشید شما مر آنها را مگر اندکی از آنچه بگذارید پس آید از پس آن

عام فيه يغاث الناس وفيه يعصرون • وقال الملك ائتوني به فلما

سالی که در آن سال باران بارانند مردمان را و در آن سال شیره گیرند وگفت پادشاه بیاورید بمن اورا پس چون

جاءه الرسول قال ارجع الى ربك فسئله ما بال النسوة اللاتي

آمد نزد او پیام گزار گفت بازگرد بسوی خواجه خود پس بازپرس از و که چه بود حال و کار آن زنانی که

قطعن ايديهن ان ربي بكيدهن عليم • قال ما خطبكن

که می بریدند دستهای خودرا بدرستی که پروردگار من بمکر ایشان داناست گفت عزیز چه بود حال و کار شما

اذ راودتن يوسف عن نفسه قلن حاش لله ما علمنا عليه من سوء

چون درخواستید یوسف را از بهر تن خود گفتند خدا را داد ندیدیم ما بر وی هیچ بدی

قالت امرات العزيز الان حصحص الحق انا راودته عن نفسه وانه

گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد حق من درخواسته بودم اورا از بهر تن خود و یوسف

لمن الصادقين • ذلك ليعلم اني لم اخنه بالغيب وان الله لا يهدي

از جمله راست گویانست آن نیاز کردم تا بداند عزیز که من خیانت نکردم با او در حالت غیبت او و آنکه خدا راه ننماید

كيد الخائنين • وما ابرئ نفسي ان النفس لامارة بالسوء

کید خیانت کنندگانرا و بری بیگناه ندانم تن خودرا بدرستی که نفس اماره فرماینده است مر آدمی را ببدی

الا ما رحم ربي ان ربي غفور رحيم • وقال الملك ائتوني به

مگر آنرا که رحمت کرده بود پروردگار من بدرستی که پروردگار من آمرزگار مهربانست وگفت پادشاه بیاورید بمن اورا

استخلصه لنفسي فلما كلمه قال انك اليوم لدينا مكين

تا خالص گردانم اورا از بهر تن خود پس چون سخن گفت با او گفت عزیز که تو امروز نزدیک ما با مکانت و

امين • قال اجعلني على خزائن الارض اني حفيظ عليم • و

با امانتی گفت یوسف گردان مرا بر خزینهاء زمین بدرستی که من نگهبان دانا ام و

كذلك مكنا ليوسف في الارض يتبوأ منها حيث يشاء نصيب

تمکین دادیم ما مر یوسف را در زمین تا فرود آید از آنجا هر کجا که بخواهد بهره رسانیم

الجزو ١٣

برحمتنا من نشاء ولا نضيع اجر المحسنين • ولاجر الاخرة خير

رحمت خود آنرا که خواهیم وضایع نکنیم مزد نیکوکارانرا ومزد آخرت بهتر

للذين امنوا وكانوا يتقون • وجاء اخوة يوسف فدخلوا عليه

مرآنهارا که بگرویدند وبودند پرهیزکاران وآمدند برادران یوسف پس در رفتند بر او

فعرفهم وهم له منكرون • ولما جهزهم بجهازهم قال

پس بشناخت ایشانرا وآنها مر اورا بشناختند وچون بساخت برای ایشان تهیه اسباب ایشان گفت

ائتوني باخ لكم من ابيكم الا ترون اني اوفي الكيل وانا

بیاورید برادری که مرشمار است از پدر شما آیا نمی بینید که من تمام میدهم کیل را ومن

خير المنزلين • فان لم تاتوني به فلا كيل لكم عندي ولا تقربون

بهترین فرود آرندگانم پس اگر نمی آورید اورا پس هیچ کیل نیست مرشمارا نزد من و فرا نزدیک من میائید

قالوا سنراود عنه اباه وانا لفاعلون • وقال لفتيانه اجعلوا

گفتند زود درخواهیم اورا از پدر او وبدرستی که ما هر آینه کنندگانیم وگفت مر ملازمان خود را که بنهید

بضاعتهم في رحالهم لعلهم يعرفونها اذا انقلبوا الى

بضاعتهای ایشانرا در بارهای ایشان تا بود که ایشان بشناسند آنرا چون بازگردند بسوی

اهلهم لعلهم يرجعون • فلما رجعوا الى ابيهم قالوا

کسان خود تا بود که ایشان زود باز آیند پس چون بازگشتند بسوی پدر خود گفتند

يا ابانا منع منا الكيل فارسل معنا اخانا نكتل وانا له لحافظون

ای پدر ما منع کرده شد از ما کیل پس بفرست با ما برادر مارا تا کیله زیاده کنیم وما او را نگهبانانیم

قال هل امنكم عليه الا كما امنتكم على اخيه من قبل

گفت ای چون ایمن گردانم شمارا بر او مگر همچنانکه ایمن گردانیدم شمارا بر برادر او از پیش

فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين • ولما فتحوا متاعهم

پس خدا بهترین نگهدارندگانست واو رحم کننده ترین رحم کنندگانست وچون گشودند کالای خودرا

وجدوا بضاعتهم ردت اليهم قالوا يا ابانا ما نبغي هذه

یافتند که بضاعتهای ایشانرا رد کرده بودند با ایشان گفتند ای پدر ما اینست

بضاعتنا ردت الينا ونمير اهلنا ونحفظ اخانا ونزداد

کالای ما که رد گردانیده اند با ما و کسان خودرا ومحافظت نمائیم برادر خودرا وزیاده کنیم

كيل بعير ذلك كيل يسير • قال لن ارسله معكم حتى

یک شتروار غله آن کیل آسانست گفت یعقوب هرگز نفرستم اورا با شما تا

تؤتون موثقا من الله لتاتنني به الا ان يحاط بكم فلما اتوه

آورید بمن عهدی از خدا که هر آینه اورا بیاورید بمن اورا مگر که هلاک کنند شمارا پس چون بدادند اورا

موثقهم قال الله على ما نقول وكيل • وقال يا بني لا تدخلوا

عهد خود گفت خدا بر آنچه میگوئیم کارسازست وگفت ای پسران من در مروید

من باب واحد وادخلوا من ابواب متفرقة وما اغني عنكم

از در یک دروازه مصر ودر روید از درهای پراگنده ونتوانم گریزانید از شما

من الله من شيء ان الحكم الا لله عليه توكلت وعليه فليتوكل

از خواست خدا هیچ چیزی نیست حکم مگر بخدا بر دست توکل من و برو باید که توکل کنند

ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ

توکل کنندگان و چون در رفتند از آنجا که فرموده بود ایشانرا پدر ایشان نبود

يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ

که بکار آید ازیشان از خواست خدا چیزی مگر حاجتی را در تن یعقوب

قَضَىٰهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

که بگزارد آنرا و براستی که او خداوند دانش بود آنچه در آموخته بودیم ما او را ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰٓ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّيٓ أَنَا أَخُوكَ

و چون در رفتند بر یوسف جای داد با خود برادر خود را گفت که من برادر توام

فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ

پس اندوه مخور بدانچه ایشان کردند پس چون ساز داد ایشانرا بسباب ایشان

جَعَلَ ٱلسِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا ٱلْعِيرُ

بنهاد صاع خود را در بار دان برادر خود پس آواز داد آواز دهنده که ای کاروانیان

إِنَّكُمْ لَسَٰرِقُونَ ۝ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ۝

براستی که شما دزدانید گفتند و روی فرا کردند بریشان که چه چیز گم کرده اید

قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ ٱلْمَلِكِ وَلِمَن جَآءَ بِهِۦ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِۦ زَعِيمٌ ۝

گفتند گم کرده ایم صاع پادشاه را و مر آنرا که آورد آنرا یک بار اشتر غله بود و من بدان کفیلم

قَالُوا تَٱللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي ٱلْأَرْضِ وَمَا كُنَّا

گفتند بحق خدا که میدانید شما که نیامدیم ما تا تباهی کنیم در زمین و نیستیم ما

سارقين

٤

سَٰرِقِينَ ۝ قَالُوا فَمَا جَزَٰٓؤُهُۥٓ إِن كُنتُمْ كَٰذِبِينَ ۝ قَالُوا جَزَٰٓؤُهُۥ

دزدان گفتند چه بود پاداشت آنکه اگر باشید شما دروغ گویان گفتند پاداشت او آنست

مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِۦ فَهُوَ جَزَٰٓؤُهُۥ كَذَٰلِكَ نَجْزِي ٱلظَّٰلِمِينَ ۝

که یافته باشند در بار او پس اوست پاداشت او همچنین پاداشت دهیم ستمکاران را

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَآءِ أَخِيهِ ثُمَّ ٱسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَآءِ

پس ابتدا کرد جوینده ببار دان ایشان دیگر از پیش از بار دان برادر یوسف پس بیرون آورد آنرا از بار دان

أَخِيهِ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ

برادر او همچنین تدبیر کردیم ما مر یوسف را تا فرا گیرد برادر خود را

فِي دِينِ ٱلْمَلِكِ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَٰتٍ مَّن نَّشَآءُ وَ

در دین پادشاهی مگر که خواستی خدا بلند کردانیم بمرتبه آنرا که خواهیم

فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوٓا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُۥ

و بالای هر خداوند دانش داناییست گفتند اگر دزدی کرد عجب نیست پس دزدی کرد برادر وی که او را

مِن قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِۦ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنتُمْ

بود از پیش پس پنهان داشت آنرا یوسف در تن خود و آشکارا نکرد ایشانرا گفت شما

شَرٌّ مَّكَانًا وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۝ قَالُوا يَٰٓأَيُّهَا ٱلْعَزِيزُ

بتریت بجایگاه و منزلت و خدا داناتر بدانچه صفت میکنید گفتند ای عزیز

إِنَّ لَهُۥٓ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُۥٓ إِنَّا نَرَىٰكَ

براستی که او را است پدری پیری بزرگ پس فرا گیر یکی را از ما بجایگاه او براستی که ما می بینیم ترا

مِنَ الْمُحْسِنِينَ ● قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اَنْ نَاْخُذَ اِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا
از نیکوکاران لفت معاذ الله واگیریم مگر آنرا کریافتیم مالی لای خود را

عِنْدَهُ اِنَّا اِذًا لَظَالِمُونَ ● فَلَمَّا اسْتَيْـَٔسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ
نزدیک او وما آنگاه از ستمکاران باشیم پس نومید شدند از برادران او باجای رفتند رازگویان لفت

كَبِيرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوا اَنَّ اَبَاكُمْ قَدْ اَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللّٰهِ وَ
بزرگ ایشان ای نه استید که پدر شما بدرستی که فرا گرفت از شما عهدی از خدا و

مِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰى يَاْذَنَ لِي
از پیش آنچه تقصیر کردید شما در حق یوسف پس هرگز فراتر نروم از زمین مصر تا دستوری دهد مرا

اَبِي اَوْ يَحْكُمَ اللّٰهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ● اِرْجِعُوا
پدر من یا فرمان دهد خدای مرا واو بهترین حکم کنندگانست باز گردید شما

اِلٰى اَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا اَبَانَا اِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا
بسوی پدر خویش بگویید ای پدر ما بدرستی که پسر تو دزدی کرد وگواهی نمیدهیم

اِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ● وَاسْـَٔلِ
مگر بدانچه دانیم ما ونیستیم ما علم غیب را نگهبانان وبپرس

الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي اَقْبَلْنَا فِيهَا
از اهل شهر که بودیم ما در انجا واز کاروانیان که روی آورده بودیم در انجا

وَاِنَّا لَصَادِقُونَ ● قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا
وما راست گویانیم گفت یعقوب بلکه بیاراست شما را تنهای شما پس زشت

فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَاْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا اِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ●
صبر کردنی نیکو شاید که خدا آورد آنرا بمن همه بدرستی که او دانای محکم کار است

وَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا اَسَفٰى عَلٰى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ
و برگشت از ایشان و گفت ای اندوها بر یوسف وسفید شده بود چشمهای او

مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ● قَالُوا تَاللّٰهِ تَفْتَؤُا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتّٰى
از اندوه پس او خشم فرو خورده بود گفتند بحق خدا که همیشه باشی یاد کنی تو یوسف را تا

تَكُونَ حَرَضًا اَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ● قَالَ اِنَّمَا اَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي
باشی مشرف بر هلاک یا باشی از هلاک شوندگان گفت که گله میکنم حدیث بی طاقتی واندوه خود را

اِلَى اللّٰهِ وَاَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ● يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا
با خدا ومیدانم از خدا آنچه نمیدانید شما ای پسران من بروید پس تجسس نمایید

مِنْ يُوسُفَ وَاَخِيهِ وَلَا تَيْـَٔسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِنَّهُ لَا يَيْـَٔسُ
از حال یوسف وبرادر او ونومید مباشید از رحمت خدای بدرستی که نومید نشوند

مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ● فَلَمَّا دَخَلُوا
از رحمت خدای مگر گروه کافران پس چون در رفتند

عَلَيْهِ قَالُوا يَا اَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَاَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا
برو گفتند ای عزیز برسید با وخانه اِن ما زیان و آوردیم ما

بِبِضَاعَةٍ مُزْجٰىةٍ فَاَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا
تجارتی رغبت نا کرده پس تمام کن برای ما کیل و صدقه کن بر ما

إن الله يجزي المتصدقين ۝ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف
بدرستی که خدا پاداش دهد صدقه کنندگان را گفت ای هیچ دانستید آنچه کردید با یوسف

وأخيه إذ أنتم جاهلون ۝ قالوا أإنك لأنت يوسف قال
و برادر او چون شما جاهلان بودید گفتند ای تویی یوسف گفت

أنا يوسف وهذا أخي قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر
منم یوسف و این برادر منست منت نهاد خدا بر ما بدرستی که هر که بپرهیزد و صبر کند

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين ۝ قالوا تالله لقد آثرك الله
پس خدا ضایع نکند مزد نیکوکاران را گفتند بحق خدا بدرستی که برگزید خدا ترا

علينا وإن كنا لخاطئين ۝ قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم
بر ما و بودیم بدرستیکه ما گناهکاران گفت هیچ عتابی نیست بر شما امروز بیامرزد خدا شما را

وهو أرحم الراحمين ۝ اذهبوا بقميصي هذا فألقوه على وجه أبي يأت
و او بهترین رحمت کنندگانست ببرید پیراهن مرا این پس اندازید آنرا بر روی پدر من تا آید

بصيرا وأتوني بأهلكم أجمعين ۝ ولما فصلت العير قال
بینا و بیارید بمن کسان شما همه و چون روان شدند گفت

أبوهم إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون ۝ قالوا تالله إنك
پدر ایشان که من یابم بوی یوسف را اگر چه بخرفی نسبت میکنید مرا گفتند بحق خدا که تو هر اینه

لفي ضلالك القديم ۝ فلما أن جاء البشير ألقاه على وجهه
در گمراهی دیرینه پس چون آمد بشیر انداخت بر روی او

فارتد بصيرا قال ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون ۝ قالوا
پس گشت بینا گفت ای نگفتم مر شما را که من میدانم از خدا آنچه شما نمیدانید گفتند

يا أبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئين ۝ قال سوف
ای پدر ما آمرزش خواه برای ما از گناهان ما بدرستی که ما بودیم گناهکاران گفت یعقوب زود

أستغفر لكم ربي إنه هو الغفور الرحيم ۝ فلما دخلوا على
آمرزش خواهم مر شما را از پروردگار خود بدرستی که اوست آمرزگار مهربان پس چون در رفتند بر

يوسف آوى إليه أبويه وقال ادخلوا مصر إن شاء الله آمنين
یوسف جای داد با خود پدر و مادر خود را و گفت در روید در مصر اگر خواهد خدا ایمنان

ورفع أبويه على العرش وخروا له سجدا وقال يا أبت هذا تأويل
و برنشاند پدر و مادر خود را بر تخت و بروی در افتادند برادران بسجود و گفت یوسف ای پدر اینست تعبیر

رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا وقد أحسن بي إذ أخرجني
خواب من از پیش براستی کرد آنرا پروردگار من بحق و بدرستی که نیکویی کرد بمن چون بیرون آورد مرا

من السجن وجاء بكم من البدو من بعد أن نزغ الشيطان
از زندان و آورد شما را از بیابان از پس آنکه وسوسه افکند دیو

بيني وبين إخوتي إن ربي لطيف لما يشاء إنه هو العليم
میان من و میان برادران من بدرستی که پروردگار من باریک بین است مر آنچه خواهد بدرستی که اوست دانای

الحكيم ۝ رب قد آتيتني من الملك وعلمتني من تأويل
محکم کار ای پروردگار من بدرستی که بدادی مرا از ملک پادشاهی و در آموختی مرا از تعبیر

خواب

الأحاديث فاطر السماوات والأرض أنت وليي في الدنيا والآخرة
خوابها ای تو آفریننده آسمانها و زمین تویی دوست من در دنیا و آخرت
توفني مسلما وألحقني بالصالحين ذلك من أنباء الغيب
بیران مرا مسلمان و در رسان مرا بزمرهٔ نیکوکاران آن از خبرهای غیبست
نوحيه إليك وما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون
که وحی میکنیم آنرا بتو و نبودی تو نزدیک ایشان چون جمع آمدند در کار خود و ایشان مکر میساختند
وما أكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين وما تسألهم
و نیستند بیشترین مردمان و اگرچه حریصی تو بایمان آوردن و نمیخواهی از ایشان
عليه من أجر إن هو إلا ذكر للعالمين وكأين من آية
بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست آن مگر پندی مر عالمیان را و چند از نشانها
في السماوات والأرض يمرون عليها وهم عنها معرضون
که در آسمانها و زمینست که میگذرند بر آن و ایشان از آن برگردندگانند
وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون أفأمنوا أن
و ایمان ندارند بیشترین ایشان بخدا مگر که ایشان انباز گیرندگانند ای پس ایمن شدند
تأتيهم غاشية من عذاب الله أو تأتيهم الساعة بغتة وهم
که آید بدیشان پوششی از عذاب خدا یا آید بدیشان قیامت ناگاه و ایشان
لا يشعرون قل هذه سبيلي أدعو إلى الله على بصيرة أنا ومن
ندانند بگو این راه منست که میخوانم مردمانرا بخدا من بر حجتی ام و هرکه

٤

اتبعني وسبحان الله وما أنا من المشركين وما أرسلنا
پیروی کرد مرا و پاکست خدا و نیستم من از جملهٔ انباز گیرندگان و نفرستادیم
من قبلك إلا رجالا نوحي إليهم من أهل القرى أفلم يسيروا
پیش از تو مگر مردانی را که وحی کردیم بدیشان از اهل دیهها ای پس نرفتند
في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من
در زمین پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنهائی که از
قبلهم ولدار الآخرة خير للذين اتقوا أفلا تعقلون
پیش ایشان بودند و هرآینه سرای آخرت بهتر مر آنهارا که بپرهیزیدند ای پس استعمال عقل نمیکنید
حتى إذا استيأس الرسل وظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم
تا چون نومید شدند رسولان و دانستند که ایشان بدروغ داشته شدند آمد بدیشان
نصرنا فنجي من نشاء ولا يرد بأسنا عن القوم المجرمين لقد
نصرت ما پس رهانیم آنرا که خواهیم و رد کرده نشود عذاب ما از گروه کافران هرآینه
كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب ما كان حديثا يفترى
بودست در قصهای ایشان عبرتی مر خداوندان خردها را نیست این قرآن سخنی بربافته
ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء و
ولیکن باور داشتنیست آنرا که در پیش آن بوده و هویدا کردن هرچیزیست

سورة الرعد [illegible]

هدى ورحمة لقوم يؤمنون
و راهی و رحمتی مر گروهی را که گرویدند

بسم الله الرحمن الرحيم

انا الله اعلم وارى

المر تلك آيات الكتاب والذي أنزل إليك من ربك الحق ولكن

اين نشانهاى كتاب قرآن و آنچه فرو فرستاده شده بتو از پروردگار تو حق و ليكن

أكثر الناس لا يؤمنون ۞ الله الذي رفع السموات بغير عمد

بيشترين مردمان ايمان نمى آورند خدا آن خداييست كه برافراشت آسمانها را بى ستونى

ترونها ثم استوى على العرش وسخر الشمس والقمر كل يجري

كه مى بينيد آنرا پس مستولى شد بر عرش و مسخر كرد آفتاب را و ماه را همه ميروند

لأجل مسمى يدبر الأمر يفصل الآيات لعلكم بلقاء ربكم

تا اجلى نام نهاده مى اندازد فرمانرا هويدا ميكند نشانهارا تا بود كه شما بباز رسيدن با پروردگار خود

توقنون ۞ وهو الذي مد الأرض وجعل فيها رواسي وأنهارا و

بيقين شويد و اوست آن خدايى كه بگسترانيد زمين را و بديد كرد در آنجا كوههاى ثابت و جويهاى

من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين يغشي الليل

از هر ميوه بديد كرد در آنجا دو صنف دو دو در مى پوشاند شب را

النهار إن في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۞ وفي الأرض

بروز بدرستى كه در آن مراينه نشانهاست مر گروهى را كه انديشه كنند و در زمين

قطع متجاورات وجنات من أعناب وزرع ونخيل صنوان

پارهاى است … و بستانهاى از انگور و كشت زرعها و خرما بستانها

وغير صنوان يسقى بماء واحد ونفضل بعضها على بعض في

و نه جز بسته در خورد داده ميشود بآبى يگانه و هويدا ميكنيم … بعضى آنرا بر بعضى در

الأكل إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون ۞ وإن تعجب

خورش بدرستى كه در آن مراينه نشانهاست مر گروهى را كه استعمال عقل كنند و اگر عجب ميدارى

فعجب قولهم أإذا كنا ترابا أإنا لفي خلق جديد ۞ أولئك

پس عجبست گفتار ايشان كه ميگويند اى چون باشيم ما خاكى اى ما در آفرينشى نو باشيم آن گروه

الذين كفروا بربهم وأولئك الأغلال في أعناقهم وأولئك

آنهاانند كه كافر شدند بپروردگار خود و آن گروه بندها بود در گردنهاى ايشان و آن گروه

أصحاب النار هم فيها خالدون ۞ ويستعجلونك بالسيئة

اصحاب آتش اند ايشان در آنجا هميشه باشند و بشتاب ميخواهند از تو بدى را

قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلات وإن ربك

پيش از نيكويى و بدرستى كه گذشت از پيش ايشان عقوبتهاى پيشينه و بدرستى كه پروردگار تو

لذو مغفرة للناس على ظلمهم وإن ربك لشديد العقاب

خداوند آمرزش است مردمانرا بر ستم كردن ايشان و بدرستى كه پروردگار تو هر آينه سخت عقوبت

ويقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه إنما أنت منذر

و ميگويند آنها كه كافر شدند چرا فرو فرستاده نشد برو نشانى از پروردگار او بدرستى كه تو بيم كننده

ولكل قوم هاد ۞ الله يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض

و مر هر گروهى را راه نماينده خدا ميداند آنچه باربرگيرد هر ماديه و آنچه باشد

الأرحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب و
رحمها وآنچه زیاد کند و هر چیزی نزد علم او باندازه است اوست داننده ناپیدا
الشهادة الكبير المتعال سواء منكم من أسر القول و
و پیدا بزرگوار از فرسته است یکسانست از شما آنکه پنهان کرد گفتار را
من جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار
و آنکه آشکارا کرد آنرا و آنکه او پنهان شب رونده است بروز
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله إن
او را از پیش او و از پس او نگه میدارند اورا از فرمان خدا بدرستی
الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وإذا أراد الله بقوم
که خدا تغییر ندهد آنچه بقومی بود تا تغییر دهند آنچه بتنهای ایشان بود و چون خواهد خدا بقومی
سوءا فلا مرد له وما لهم من دونه من وال هو الذي يريكم
بدی پس بازگردانیده نبود آنرا و نبود مر ایشانرا از جز او هیچ دوستی اوست آن خدائی که بازی نماید شمارا
البرق خوفا وطمعا وينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده
آتش ترسان و طمع داران و میفرستد ابرهای گران بارا و تسبیح میکند بانگ ابر بستایش او
والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء و
و فرشتگان از ترس او و میفرستد بانگهارا پس برساند بدان آنرا که خواهد
وهم يجادلون في الله وهو شديد المحال له دعوة الحق
و ایشان خصومت میکنند در دین خدا و او سخت عقوبتست مر او را خواندن بحق

والذين يدعون من دونه لا يستجيبون لهم بشيء إلا كباسط
آنهارا که میخوانند از جز او پاسخ نتوانند کرد ایشانرا بچیزی مگر همچنانک آنکه گسترانیده بود
كفيه إلى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه وما دعاء الكافرين إلا في
هر دو کف خودرا بآب تا برسد دهان اورا و نبود برسنده آن و نیست خواندن کافران مگر در
ضلال ولله يسجد من في السماوات والأرض طوعا وكرها و
گمراهی و مر خدا را سجده میکنند آنکه در آسمانها و زمینست برغبت و بی رغبت
سجده
ظلالهم بالغدو والآصال قل من رب السماوات والأرض قل الله
و سایهای ایشان ببامداد و شبانگاه بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا
قل أفاتخذتم من دونه أولياء لا يملكون لأنفسهم نفعا ولا
بگو ای پس فرا میگیرید شما از جز او دوستانی که قادر نباشند مر تنهای خودرا نه سودی و نه
ضرا قل هل يستوي الأعمى والبصير أم هل تستوي الظلمات
زیانی بگو ای هیچ یکسان باشند نابینا و بینا یا ای هیچ یکسان باشند تاریکیها
والنور أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه
و روشنائی یا بدید کردند مر خدا را انبازانی که آفریدند همچون آفریدن خدا پس مانند شد
الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار
آفرینش بریشان بگو خدا آفریدگار همه چیزی است و اوست یکتای قهر کننده
أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبدا
فرو فرستاد از آسمان آبی را پس برفت روذها باندازه پس برداشت سیل کفی

رابيا ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية او متاع زبد

وازآنچه برمی افروزید بر آن در آتش از بهر جستن زیوری یا برخورداری کفی

مثله كذلك يضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فيذهب

مثل آن همچنین میزند خدا مثلهای حق و باطل را پس اما کف

جفاء واما ما ينفع الناس فيمكث في الارض كذلك يضرب

واما آنچه سود کند مردمانرا پس درنگ کند در زمین همچنین میزند

الله الامثال للذين استجابوا لربهم الحسنى والذين لم

خدا مثلهارا مرآنهارا که پاسخ کردند مرفرمان پروردگارخودرا بهشت بود وآنها که

يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض جميعا ومثله معه

پاسخ نکردند مراورا اگر بودی مرایشانرا آنچه در زمینست همه ومانند آن باآن

لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب ومأويهم جهنم

خودرا خواستندی بازخرید بدان آن گروه مرایشانرا بود بدحسابی و جایگاه ایشان دوزخ بود

وبئس المهاد افمن يعلم انما انزل اليك من ربك الحق

وبد بازگشتیست دوزخ ای پس آنک داند که آنچه فرود فرستاده شد بتو از پروردگار تو حق است

كمن هو اعمى انما يتذكر اولوا الالباب الذين يوفون

چون آنکس بود که نابینا بود همه راستی پندگیرند خداوندان خردها آنها که وفا میکنند

بعهد الله ولا ينقضون الميثاق والذين يصلون ما امر الله به

بعهد خدا ونمی شکافند پیمانرا وآنها که میپیوندند بدانچه فرمود خدا که بدان

ان يوصل ويخشون ربهم ويخافون سوء الحساب والذين

که بپیوندند بدان ومی ترسند از پروردگار خود ومی ترسند از بدی حساب وآنها که

صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما

صبر کردند از بهر جستن رضای پروردگار خود وبپای داشتند نماز را ونفقه کردند از آنچه

رزقناهم سرا وعلانية ويدرؤن بالحسنة السيئة

روزی کردیم ایشانرا پنهان وآشکارا ودفع کردند بنیکویی بدی را

اولئك لهم عقبى الدار جنات عدن يدخلونها ومن

آن گروه مرایشانرا بود عاقبت آن سرای بستانهای اقامت درروند درآنجا ودرکه

صلح من آبائهم وازواجهم وذرياتهم والملائكة

کار باصلاح آورد از پدران ایشان وجفتان ایشان وفرزندان ایشان وفرشتگان

يدخلون عليهم من كل باب سلام عليكم بما

درآیند برایشان از همه دری که سلام باد برشما بدانچه

صبرتم فنعم عقبى الدار والذين ينقضون عهد الله من

صبر کردید شما پس نیکو بود عاقبت آن سرای وآنها که بازمی شکافند عهد خدارا از

بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون

پس استواری آن ومی برند آنچه فرمود خدا که بدان بپیوندند وتباهی میکنند

في الارض اولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار الله يبسط

درزمین آن گروه مرایشانرا بود لعنتی ومرایشانرا بود بدی آن سرای خدا فراخ میگستراند

الرزق لمن يشاء ويقدر وفرحوا بالحيوة الدنيا وما الحيوة الدنيا
روزی مرآنرا که خواهد وتنگ باز کرد وشاد شدند بزندگانی دنیا ونیست زندگانی دنیا
في الآخرة الا متاع ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه اية من
در جنب آخرت مگر برخورداری ومیگویند آنها که کافر شدند چرا فرو نفرستادیم برو نشانه از
ربه قل ان الله يضل من يشاء ويهدي اليه من اناب . الذين
پروردگار او بگو بدرستی که خدا گمراه کند آنرا که خواهد وراه نماید باخود آنرا که بازگردد باو باز آید آنها
امنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن
که بگرویدند وآرام گرفت دلهای ایشان بیاد خدا بدانکه بیاد کرد خدا آرام گیرند
القلوب . الذين امنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن
دلها آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند خوشا مر ایشانرا ونیکو
مٰاب كذلك ارسلناك في امة قد خلت من قبلها امم لتتلو
بازگشتن جای همچنین بفرستادیم ماترا درمیان گروهی که گذشتند پیش از آنها گروهان تا خوانی تو
عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون بالرحمن قل هو
بر ایشان آنچه وحی کردیم ما بتو وایشان کافر میشوند بخدای روزی دهنده بگو اوست
ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب . ولو ان قرانا
پروردگار من نیست خدای مگر او بر او توکل کردم وبدرگاه او باز آمدم واگر آنکه قرآنی بودی
سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى
که روان شدی بدان کوهها یا پاره پاره شدی بدان زمین یا سخن کنندی بدان مردگان

بل لله الامر جميعا افلم ييئس الذين امنوا ان لو يشاء الله لهدى
بلکه مر خدای راست فرمان همه آیا پس ندانستند آنها که بگرویدند که اگر خواستی خدا راه نمودی
الناس جميعا ولا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعة
مردمانرا همه وهمیشه آنها که کافر شدند برسد بدیشان بسبب آنچه ساختند داهیه کوبنده
او تحل قريبا من دارهم حتى ياتي وعد الله ان الله لا يخلف
یا فرود آید نزدیک سراهای ایشان تا آید وعده خدا بدرستی که خدا خلاف نکند
الميعاد . ولقد استهزئ برسل من قبلك فامليت للذين
وعده را وبدرستی که استهزا کرده شد برسولانی که پیش از تو بودند پس مهلت دادم مر آنها را
كفروا ثم اخذتهم فكيف كان عقاب . افمن هو قائم
که کافر شدند پس بگرفتم ایشانرا پس چگونه بود عقوبت من آیا پس آنکه او ایستاده ودانا
على كل نفس بما كسبت وجعلوا لله شركاء قل
بر هر تنی بآنچه اندوخته ونهادند مر خدا را انبازانی بگو
سموهم ام تنبئونه بما لا يعلم في الارض ام بظاهر من
نام نهید ایشانرا یا آگاه میکنید اورا بآنچه نداند در زمین یا بظاهری از
القول بل زين للذين كفروا مكرهم وصدوا عن السبيل و
گفتار بلکه آراسته شد مر آنها را که کافر شدند مکر ایشان وبرگشتند از راه خدا
من يضلل الله فما له من هاد لهم عذاب في الحيوة الدنيا
وهر که گمراه کند او را خدای پس نبود او را هیچ راه نماینده مر ایشانرا بود عذابی در زندگانی دنیا

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝ مَثَلُ الْجَنَّةِ
و هر آینه عذاب آخرت سخت تر و نبود مر ایشانرا از عذاب خدا هیچ نگه دارنده ۝ مثل بهشت
الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ
آنکه وعده داده شد پرهیزکارانرا رود از زیر آن جویها روان خورش آن دائمی بود
وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ۝
و سایه آن آنست عاقبت کار آنها که پرهیزیدند و عاقبت سرای کافران آتش بود
وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ
و آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب شادند بدانچه فرو فرستاده شد بتو و از
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا
گروهان کس هست که انکار میکند بعضی آنرا بگو بدرستی که فرموده اند مرا که بپرستم خدا را
أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ ۝ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ
و انباز نگردانم بدو باو خوانده شوم و باو است بازگشت من ۝ و همچنین بفرستادیم آنرا
حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ
حکمی بزبان عربی و هر آینه اگر پیروی کنی تو مرادهای ایشانرا پس از آنچه آمد بتو
مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
از دانش نبود مرترا از عذاب خدا هیچ دوستی و نه نگهدارنده ۝ و بدرستی که بفرستادیم
رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ
پیغمبرانرا پیش از تو بودند و بدیده کردیم ما برای ایشان همخوابه و فرزندانی و نبود

لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ۝ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ
هیچ رسولی را که آورد معجزه مگر بفرمان خدا مر هر اجلی را کتابیست ۝ محو کند خدا آنچه خواهد
وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ۝ وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ
و ثابت میدارد و نزد او است اصل کتابها ۝ و اگر بنماییم ترا بعضی آنچه وعده میدهیم ایشانرا
أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا
یا جان بستانیم ترا پس بدرستی که بر تست رسانیدن و بر ماست حساب کردن ۝ آیا ندیدند که ما
نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ
می آوریم فرمانرا بزمین بازکم میکنیم از اطراف آن و خدا حکم کند تعویق کننده نیست حکم ورا
وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ
و او زود شمار است ۝ و بدرستی که مکر ساختند آنها که پیش از ایشان بودند پس مر خدا راست مکر
جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ
همه میداند آنچه میاندوزد هر تنی و زود بدانند کافران
لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ۝ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ
که مر کراست عاقبت آن سرای ۝ و میگویند آنها که کافر شدند نیستی تو فرستاده بگو
كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ
بس است خدا گواه میان من و میان شما و کیست که نزدیک اوست علم کتاب

سورة ابراهيم عليه السلام اربع وخمسون آية

ياماله
لواها
ادم تظنو ضرك

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که می بینم

الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور

این کتابیست که فرو فرستادیم ما آنرا بتو تا بیرون آوری مردمانرا از تاریکیهای کفر بنور ایمان

باذن ربهم الى صراط العزيز الحميد ۝ الله الذى له ما فى السموات

بفرمان پروردگار ایشان براه خدای غالب ستوده خدا آن خدائیست که مر وراست آنچه در آسمانها

وما فى الارض وويل للكافرين من عذاب شديد ۝ الذين

وآنچه در زمینست ووای مرکافرانرا از عذابی سخت آنها

يستحبون الحيوة الدنيا على الاخرة ويصدون عن سبيل

که دوست تر داشتند زندگانی دنیارا بر آخرت وبر گشتند از راه

الله ويبغونها عوجا اولئك فى ضلال بعيد ۝ وما ارسلنا من

خدا وجستند آن راه کجی آن گروه در گمراهی دور از حق اند ونفرستادیم ما ترا هیچ

رسول الا بلسان قومه ليبين لهم فيضل الله من يشاء ويهدى

رسولی را مگر بزبان قوم او تا روشن کند مر ایشانرا پس گمراه کند خدا هر که خواهد وراه نماید

من يشاء وهو العزيز الحكيم ۝ ولقد ارسلنا موسى باياتنا

آنرا که خواهد واوست غالب محکم کار وبدرستی که بفرستادیم ما موسی را بنشانهای ما

ان اخرج قومك من الظلمات الى النور وذكرهم بايام الله

که بیرون آور قوم خودرا از تاریکیهای کفر بنور ویاد کن ایشانرا بعقوبات خدا

٨

ان فى ذلك لايات لكل صبار شكور ۝ واذ قال موسى لقومه اذكروا

بدرستی که در آن هرآینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را وچون گفت موسی مر قوم خودرا یاد کنید

نعمة الله عليكم اذ انجاكم من ال فرعون يسومونكم

نعمت خدا بر شما چون برهانید شمارا از آل فرعون در میچشانیدند شمارا

سوء العذاب ويذبحون ابناءكم ويستحيون نساءكم وفى

بدی عذاب ومیکشتند پسران شمارا وزنده میگذاشتند زنان شمارا ودر

ذلكم بلاء من ربكم عظيم ۝ واذ تاذن ربكم لئن شكرتم

آن آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ وچون اعلام کرد پروردگار شما که هرآینه اگر شکر کنید شما

لازيدنكم ولئن كفرتم ان عذابى لشديد ۝ وقال موسى

بزیادت کنم شمارا وهرآینه اگر کافر شوید شما بدرستی که عذاب من سختست وگفت موسی

ان تكفروا انتم ومن فى الارض جميعا فان الله لغنى

اگر کافر شوید شما وآنکه در زمینست همه پس بدرستی که خدا بی نیاز

حميد ۝ الم ياتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح وعاد

ستوده است ای نیامد بشما خبر آنها که از پیش شما بودند چون قوم نوح وقوم هود

وثمود والذين من بعدهم لا يعلمهم الا الله جاءتهم رسلهم

وقوم صالح وآنها که از پس ایشان بودند نداند ایشانرا مگر خدا که آمدند بدیشان رسولان ایشان

بالبينات فردوا ايديهم فى افواههم وقالوا انا كفرنا بما ارسلتم

بمعجزات پس گردانیدند دستهای خودرا در دهنهای خود وگفتند که ما کافر شدیم بدانچه فرستاده اید شما

بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ
بدان و بدرستی که ما هر آینه در شکی ایم از آنچه میخوانند ما را بدان نیک بشک شونده گفتند رسولان ایشان ای در حق خدا
شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ
بشکید که نو آفریننده آسمانها و زمینست میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را گناهان شما را
وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ
و تاخیر کنند شما را تا اجلی نام نهاده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما میخواهید
أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ
که برگردانید ما را از آنچه می پرستیدند پدران ما پس بیارید بما حجتی روشن
قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى حزب
گفتند مر ایشانرا رسولان ایشان نیستیم مگر آدمی مانند شما ولیکن منت نهد خدا بر
مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا
آنکه خواهد از بندگان خود و نبود ما را که آوریم شما هیچ حجتی مگر
بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ
بفرمان خدا و بر خدا باید که توکل کنند مومنان و چیست ما را که توکل نکنیم
عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ
بخدا و بحقیقت که راه نمود ما را راههای ما و هر آینه صبر کنیم بر آنچه رنجانیدید ما را و بر خدا
فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ
پس باید که توکل کنند توکل کنندگان و گفتند آنها که کافر شدند مر رسولان خود را هر آینه بیرون
کنیم شما را

مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
از زمین ما یا در آیید شما در دین خود پس وحی کرد بدیشان پروردگار ایشان که هر آینه هلاک کنیم
الظَّالِمِينَ ۝ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ
ستمکاران را و هر آینه ساکن گردانیم شما را در زمین از پس ایشان آنرا راست که ترسید
مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ۝ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۝
از مقام من و ترسید از وعده من و طلب فتح کردند و نومید شد هر گردنکش ستیهنده
مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۝ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ
که از پس او بود دوزخ و در خورد داده شود از آبی که از تن دوزخیان برود آشامد آنرا و نزدیک نبود
يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ
که بگوارانند آنرا و آید بدو مرگ از هر جایگاهی و نبود او بمیرنده و از پس او
عَذَابٌ غَلِيظٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ
عذابی بود درشت مثل آنها که کافر شدند به پروردگار خود عملهای ایشان همچون خاکستر بود
اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى
که سخت کرده بود آنرا باد در روزی سخت جهنده توانا نباشند از آنچه اندوخته باشند
شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
چیزی آنست آن گمراهی دور از حق ای نگرستی تو که خدا آفرید آسمانها را
وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذَلِكَ
و زمین را بحق اگر خواهد ببرد شما را و آورد خلقی نو را و نیست آن

عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَبَرَزُوا لِلّٰهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

برخدا دشوار ۝ وبیرون آیند برای جزاء اعمال مرخدا را همه پس گویند ضعیفان مر آنها که گردنکشی کردند

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ

بدرستی که بودیم ما مرشما پیروان پس آیا هیچ هستید شما بازدارندگان از ما از عذاب خدا هیچ چیزی

قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللّٰهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجَزِعْنَا أَمْ صَبَرْنَا

گویند اگر راه نمودی ما را خدا هرآینه راه نمودمانی شما را یکسانست برما [illegible] نمائیم یا صبر کنیم

مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللّٰهَ وَعَدَكُمْ

نیست ما را هیچ گریزگاهی ۝ و گوید دیو چون بگزارده کاری بدرستی که خدا وعده داد شما را

وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ

وعده بحق و وعده دادم شما را پس خلاف کردید شما و نبود مرا برشما

مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي

هیچ حجتی مگر آنکه خواندم شما را پس پاسخ کردید شما مرا پس ملامت مکنید مرا

وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي

و ملامت کنید تنهای خود را نیستم من فریادرس شما را و نیستید شما فریادرس من بدرستی که من

كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

کافر شدم بدانچه انباز گردانیدید مرا از پیش بدرستی که ستمکاران مرایشان را بود عذابی

أَلِيمٌ ۝ وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

دردناک ۝ و درآورد آنها را که بگرویدند و کردند کارهای نیک در بستانهای که رود از

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

زیر آن جویها روان همیشه باشند درآنجا بفرمان پروردگار خود تحیت ایشان درآنجا سلام بود

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ

ای نگریستی که چگونه بزد خدا مثلی همچون سخن پاک خوش چون درخت پاک

أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ۝ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ

که بیخ آن ثابت بود و شاخ آن در آسمان بود آورد بار خود را بهر هنگامی بفرمان

رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ

پروردگار خود و میزند خدا مثلها را برای مردمان تا بود که ایشان پند گیرند و مثل

كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

سخن پلید زشت همچون درخت پلید که برویده از بالای زمین

مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ

که نبود مرآن را هیچ قرارگاهی ثابت بدارد خدا آنها را که بگرویدند بگفتار ثابت در زندگانی

الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللّٰهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللّٰهُ مَا يَشَاءُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

دنیا و در آخرت و گمراه کند خدا ستمکاران را و بکند خدا آنچه خواهد ای ننگریستی

الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ۝ جَهَنَّمَ

بدانها که بدل کردند نعمت خدا را از ناسپاسی و فرود آوردند قوم خود را در سرای هلاکت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ وَجَعَلُوا لِلّٰهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ

درروند درآنجا پس بد قرارگاهیست و بدید کردند مرخدا را همتایانی تا برگردانند مردمان را از راه او

قُلْ تَمَتَّعُوا فَاِنَّ مَصِيرَكُمْ اِلَى النَّارِ • قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ اٰمَنُوا يُقِيمُوا

بگو برخورداری گیرید که باز گشت شما بآتش خواهد بود بگو بندگان مرا آنهای که بگروید تا بپای دارند

الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ اَنْ

نماز را و تا نفقت کنند از آنچه روزی کردیم ما ایشانرا پنهان و آشکارا از پیش آنکه

يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ • اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

آید روزی که هیچ خرید و فروختی نبود در آن روز و نه هیچ دوستی خدا آن خداییست که آفرید آسمانها و زمین

وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ

و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بدان از میوه‌ها روزی مر شما را و مسخر کرد برای شما

الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهَارَ وَسَخَّرَ

کشتی را تا میرود در دریا بفرمان او و مسخر کرد برای شما جویها را و مسخر کرد

لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَ

برای شما آفتاب و ماه را از پی یکدیگر در آینده‌گان و مسخر کرد مر شما را شب و روز را

اٰتٰيكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَاَلْتُمُوهُ وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوهَا

و بداد شما را از هرچه درخواستید آنرا و اگر خواهید که بر شمرید نعمت خدا را بر نتوانید شمرد آنرا

اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ • وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا

بدرستی که آدمی هرآینه ستمکار ناسپاس است و چون گفت ابرهیم ای پروردگار من بکن این

الْبَلَدَ اٰمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ اَنْ نَعْبُدَ الْاَصْنَامَ • رَبِّ اِنَّهُنَّ

شهر مکه را شهری ایمن و دور کردان مرا و پسران مرا که بپرستیم بتان را ای پروردگار من بدرستی که این

بتان

اَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَاِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَاِنَّكَ

گمراه گردانیدند بسیاری را از مردمان پس هرکه پیروی کند مرا پس او از من بود و هرکه عاصی شود در من پس تو

غَفُورٌ رَحِيمٌ • رَبَّنَا اِنِّي اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ

آمرزگار مهربانی ای پروردگار ما بدرستی که من ساکن گردانیدم بعضی از فرزندان خود را بوادی جز خداوند کشت و زرع نزدیک

بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ اَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ

خانه حرم تو ای پروردگار ما تا بپای دارند نماز را پس بکن دلهای مردمانرا

تَهْوِي اِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ •

که میل کنند بدیشان و روزی ده ایشانرا از میوه‌ها تا بود که ایشان شکر کنند

رَبَّنَا اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفٰى عَلَى اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ

ای پروردگار ما بدرستی که تو میدانی آنچه پنهان میکنیم و آنچه آشکارا میکنیم و پوشیده نمیشود بر خدا هیچ چیزی

فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ اِسْمٰعِيلَ

نه در زمین و نه در آسمان شکر و سپاس مر خدا را آن خدایی که بخشید مرا بر پیری اسمعیل

وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلٰوةِ وَمِنْ

و اسحق بدرستی که پروردگار من هرآینه شنونده دعاست ای پروردگار من بکن مرا بپای دارنده نماز را و از

ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ

فرزندان من نیز ای پروردگار ما و قبول کن خواندن مرا ای پروردگار ما بیامرز مرا و مادر و پدر مرا و مر مومنانرا روزی

يَقُومُ الْحِسَابُ • وَلَا تَحْسَبَنَّ اللّٰهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

که برخیزد حساب و مپندارید خدا را غافل از آنچه میکنند ستمکاران

إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ۝ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي

بدرستی که تاخیر میکند ایشانرا مر روزی را که خیره شوند درآن روز بینائیها

رُؤُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ وَأَنْذِرِ النَّاسَ

سرهای ایشان باز نگردد بدیشان ودلهای ایشان خالی اند وبیم کن مردمانرا

يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا

روزی که آید بدیشان عذاب پس گویند آنها که ستم کرده باشند ای پروردگار ما تاخیر کن مارا

إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ ۝ نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَوَلَمْ تَكُونُوا

تا اجلی نزدیک تا پاسخ کنم خواندن ترا وپیروی کنیم رسولانرا گوید خدا ای نبود دیده شما

أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ ۝ وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ

که سوگند میخوردید از پیش که نبود مر شمارا هیچ زوالی وساکن شدید در مسکنهای

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ

آنها که ستم کردند بر تنهای خود وروشن شد مر شمارا که چه کردیم ما بدیشان

وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ۝ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ

وبزدیم ما برای شما مثلهارا وبدرستی که مکر ساختند مکر ساختن ایشان ونزد خداست

مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝ فَلَا

جزاء مکر ایشان واز مکر کردن ایشان زایل شد ازان کوهها پس

تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝

مپندار خدارا خلاف کننده وعده خود رسولان خودرا بدرستی که خدا غالبست خداوند کینه کشیدن

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ

روزی که تغییر کرده شود این زمین بزمینی جز این وآسمانها نیز وبیرون آیند مر خدای یکتای

الْقَهَّارِ ۝ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

قهر کننده را وبینی تو کافرانرا آن روز گرد آورده باهم بستگان در بندها

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۝ لِيَجْزِيَ اللَّهُ

پیراهنهای ایشان از قطران بود وپوشانیده بود رویهای ایشانرا آتش تا پاداش دهد خدا

كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ هَذَا بَلَاغٌ

هر تنی را جزاء آنچه اندوخته بود بدرستی که خدا زود شمارست این قرآن رسانیدنی است

لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ

برای مردمان وتا پند گیرند بدان وتا بدانند که اوست خدای یکتا وتا پند گیرند

أُولُو الْأَلْبَابِ

خداوندان خردها

سورة الحجر تسع وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منم خدا بینم که می‌بینم

الر ۝ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۝ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

این نشانهای کتاب اند وقرآنی ظاهر الاعجاز بسا که آرزو کنند آنها که کافر شدند

لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ

که کاشکی بودندی منقادان بگذار ایشانرا تا میخورند وبرخورداری میگیرند ومشغول میکند ایشانرا آرزو

فواصله

الجزء الرابع عشر

فسوف يعلمون ۝ وما اهلكنا من قرية الا ولها كتاب معلوم
پس زود بدانند و هلاک نکردیم ما هیچ اهل دیهی را مگر که بود مرآنرا نامهٔ دانسته شده
ما تسبق من امة اجلها وما يستأخرون ۝ وقالوا يا ايها الذي نزل
پیشی نگیرد هیچ گروهی اجل خود را و باز پس نایستند و گفتند ای آنکسی که فرو فرستاده شد
عليه الذكر انك لمجنون ۝ لو ما تأتينا بالملائكة ان كنت من
بر و قرآن که تو دیوانهٔ چرا نیاوری بما فرشتگان را اگر هستی تو از
الصادقين ۝ ما ننزل الملائكة الا بالحق وما كانوا اذا
راست گویان فرو نفرستیم فرشتگان را مگر بحق و نباشند آنگه
منظرين ۝ انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون ۝ ولقد
زمان دادگان بدرستی که ما فرو فرستادیم مر آنرا و ما مر آنرا نگهبانانیم و بدرستی
ارسلنا من قبلك في شيع الاولين ۝ وما يأتيهم من رسول الا
که بفرستادیم ما پیش از تو در میان گروهان اولینان و نیاید بدیشان هیچ رسولی مگر
كانوا به يستهزءون ۝ كذلك نسلكه في قلوب المجرمين
که بودند بدان استهزا میکردند همچنین در آوردیم ما آنرا در دلهای کافران
لا يؤمنون به وقد خلت سنة الاولين ۝ ولو فتحنا عليهم بابا
که نمی گروند بدان و بدرستی که گذشت طریقت اولینان و اگر برگشودمانی بریشان دری
من السماء فظلوا فيه يعرجون ۝ لقالوا انما سكرت ابصارنا بل
از آسمان پس همیشه در آن ببالا بر رفتندی هر آینه میگویند که در بستی اند بیناییهای ما بلک

نحن قوم مسحورون ۝ ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها
ما گروهی هستیم جادو کرده شدگان و بدرستی که بدید کردیم ما در آسمان برجهای و بیاراستیم ما آنرا
للناظرين ۝ وحفظناها من كل شيطان رجيم ۝ الا من استرق
برای نگرندگان و نگه بداشتیم ما آنرا از هر دیوی رانده مگر آنکه
السمع فاتبعه شهاب مبين ۝ والارض مددناها والقينا فيها
شنودن را پس در پی او ایستد پاره آتش روشن و زمین را که بگستردیم ما آنرا و انداختیم ما در آنجا
رواسي وانبتنا فيها من كل شيء موزون ۝ وجعلنا لكم فيها
کوههای ثابت را و برویانیدیم ما در آنجا از هر چیزی موزون و بحکمت و بدید کردیم ما برای شما در آنجا
معايش ومن لستم له برازقين ۝ وان من شيء الا عندنا خزائنه
سبب معاشی و آنرا که نیستید شما مر او را روزی دهندگان و نیست هیچ چیزی مگر نزد ماست خزینهای آن
وما ننزله الا بقدر معلوم ۝ وارسلنا الرياح لواقح فانزلنا
و فرو نفرستیم ما آنرا مگر باندازهٔ دانسته و فرستادیم ما بادها را بارور پس فرو فرستادیم ما
من السماء ماء فاسقيناكموه وما انتم له بخازنين ۝ و
از آسمان آبی را پس در خورد دادیم ما آن شما را و نبودید شما مر آنرا نگه دارندگان
انا لنحن نحيي ونميت ونحن الوارثون ۝ ولقد علمنا المستقدمين
و بدرستی که ما زنده کنیم و بمیرانیم و ماییم میراث گیرندگان و بدرستی که میدانیم پیشی گیرندگان را
منكم ولقد علمنا المستأخرين ۝ وان ربك هو يحشرهم
از شما و بدرستی که میدانیم بازپسینان را و بدرستی که پروردگار تو او جمع کند ایشانرا

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ
بدرستی که او محکم کار داناست ۝ و بدرستی که آفریدیم ما آدمی را از گل خشک از لوش
مَسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ۝ وَإِذْ
بوی بگردانیده ۝ و پدر پریان را آفریدیم ما او را از پیش از آتش سموم ۝ و چون
قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ
گفت پروردگار تو فرشتگان را که من آفریننده ام آدمی از گل خشک از لوش بوی بگردانیده
فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ
پس چون راست اندام کنم او را و دردم در او از باد خود پس افتید او را بسجود
فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَنْ يَكُونَ
پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان همه ۝ مگر ابلیس که سر باز زد که باشد
مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ
با سجده کنندگان ۝ گفت خدا ای ابلیس چیست مر ترا که نبودی با سجده کنندگان
قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ
گفت نیستم که سجده کنم آدمی را که آفریدی او را از گل خشک از لوش بوی بگردانیده
قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ
گفت خدا که بیرون رو از جنت که تو رانده ۝ و بدرستی که بر تست لعنت من تا روز قیامت
قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ
گفت ای پروردگار من زمان ده مرا تا روز قیامت ۝ گفت خدا که تو از جمله زمان دادگانی

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ
تا روز وقت دانسته ۝ گفت ای پروردگار من بسبب آنچه گمراه گردانیدی مرا آراسته دارم ایشانرا
فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ
در زمین و هر آینه گمراه کردانم ایشان را همه ۝ مگر بندگان ترا یعنی از ایشان خالص کاران
قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ۝ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ
گفت خدا این راه منست راست ۝ بدرستی که بندگان من نیست مر ترا بر ایشان
سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ۝ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ
حجتی مگر آنکه پیروی کرد ترا از گمراهان بود ۝ و بدرستی که دوزخ هر آینه وعده گاه ایشانست همه
لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي
مر آنرا هفت در هاست مر هر دری را بود از ایشان جزوی قسمت کرده ۝ بدرستی که پرهیزکاران
جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ۝ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ
بهشتها و چشمها باشند ۝ گویند ایشانرا در روید در آنجا بسلامت ایمنان ۝ و بر کشیم ما آنچه در سینهای ایشانست
مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ۝ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا
از کینه حال آنکه برادران باشند بر تختهای روی با یکدیگر کنندگان ۝ نرسد بدیشان در آنجا رنجی و نباشند ایشان از آنجا
بِمُخْرَجِينَ ۝ نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ
بیرون آینده گان ۝ آگاه کن بندگان مرا بدرستی که منم آمرزنده مهربان ۝ و بدرستی که عذاب من آنست عذاب
الْأَلِيمُ ۝ وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا
دردناک ۝ و خبر ده ایشانرا از حال مهمانان ابراهیم ۝ چون در رفتند برو پس گفتند

سلاما قال انا منكم وجلون ۝ قالوا لا توجل انا نبشرك بغلام
سلام بود گفت که ما از شما ترسندگانیم گفتند مترس پس بدرستی که بشارت میدهیم ترا بفرزندی
عليم ۝ قال ابشرتموني على ان مسني الكبر فبم تبشرون
دانا گفت ای بشارت میدهید مرا بر آنکه رسیده است بمن پیری پس بچه بشارت میدهید مرا
قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين ۝ قال ومن يقنط
گفتند بشارت میدهیم ترا بحق پس مباش از جمله نومیدان گفت وکیست که نومید شود
من رحمة ربه الا الضالون ۝ قال فما خطبكم ايها المرسلون
از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان گفت پس چیست حال و کار شما ای رسولان
قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين ۝ الا آل لوط انا لمنجوهم
گفتند بدرستی که فرستاده اند ما را بقوم گناهکاران مگر آل لوط بدرستی که ما رهانندگانیم ایشان را
اجمعين ۝ الا امرأته قدرنا انها لمن الغابرين ۝ فلما جاء آل لوط
همه مگر زن او که تقدیر کردیم او را که از جمله هالکان بود پس چون آمدند بآل لوط
المرسلون ۝ قال انكم قوم منكرون ۝ قالوا بل جئناك
رسولان گفت بدرستی که شما گروهی اید که نمی شناسیم شما را گفتند بلکه آمدیم بتو
بما كانوا فيه يمترون ۝ واتيناك بالحق وانا لصادقون
بدانچه بود در آن بشک میشدند و آمدیم ما بتو بحق و بدرستی که ما راستگویانیم
فاسر باهلك بقطع من الليل واتبع ادبارهم ولا يلتفت منكم
پس ببر کسان خود را بپاره از شب و پیروی کن آرزوهای ایشان را و باید که باز نگردد از شما

احد وامضوا حيث تؤمرون ۝ وقضينا اليه ذلك الامر ان
هیچ یکی و بگذرید آنجا که فرموده اند شما را و بگذاردیم ما فرمان بسوی او و آن آنست حکم که
دابر هؤلاء مقطوع مصبحين ۝ وجاء اهل المدينة يستبشرون
اصل و نسل این گروه بریده خواهد شد در بامدادان و آمدند اهل شهر شادی میکردند
قال ان هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ۝ واتقوا الله ولا تخزون
گفت لوط که این جماعت مهمانان منند پس فضیحت مکنید مرا پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا
قالوا اولم ننهك عن العالمين ۝ قال هؤلاء بناتي ان كنتم
گفتند ای نهی نکردیم ما ترا از جمله عالمیان گفت لوط اینها دختران منند اگر هستید شما
فاعلين ۝ لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون ۝ فاخذتهم
کنندگان بسر زندگانی تو سوگند که ایشان در مستی خود سرگشته بودند پس بگرفت ایشان را
الصيحة مشرقين ۝ فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليهم
بانگی هایل در بامدادان پس گردانیدیم ما زبر آنرا زیر آن و بارانیدیم ما بر ایشان
حجارة من سجيل ۝ ان في ذلك لآيات للمتوسمين ۝ وانها لبسبيل
از سنگ گل بدرستی که در آن مرآینه نشانهاست مر بینندگان را و بدرستی که آن مرآینه راهیست
مقيم ۝ ان في ذلك لآية للمؤمنين ۝ وان كان اصحاب الايكة
جاودانه بدرستی که در آن مرآینه نشانیست مر مؤمنان را و بدرستی که بودند اصحاب شعیب
لظالمين ۝ فانتقمنا منهم وانهما لبامام مبين ۝ ولقد
مر ستمکاران پس کینه باز خواستیم ما از ایشان و بدرستی [illegible]

كذب اصحاب الحجر المرسلين ۝ وآتيناهم آياتنا فكانوا

كه دروغ داشتند اصحاب حجر رسولانرا ۝ و بداده بوديم ما ايشانرا نشانهاى ما پس بودند

عنها معرضين ۝ وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا آمنين

ازان بر كردندكان ۝ وبودند مى تراشيدند از كوهها خانهاى ايمن

فأخذتهم الصيحة مصبحين ۝ فما أغنى عنهم ما كانوا

پس بگرفت ايشانرا بانگى هايل در بامدادان ۝ پس باز نداشت ازيشان آنچه ايشان

يكسبون ۝ وما خلقنا السموات والأرض وما بينهما إلا بالحق

اندوخته بودند ۝ ونيافريديم ما آسمانها و زمين را و آنچه ميان آنهاست مگر بحق

وإن الساعة لآتية فاصفح الصفح الجميل ۝ إن ربك هو

و بدرستى كه قيامت هر آينده است ۝ پس دركذر و درگذشتنى نيكو ۝ بدرستى كه پروردگار تو اوست

الخلاق العليم ۝ ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرآن حزب

آفريننده دانا ۝ و بدرستى كه بداديم ما هفت آيه از فاتحه و قرآن

العظيم ۝ لا تمدن عينيك إلى ما متعنا به أزواجا منهم ولا تحزن

بزرگوار ۝ بر مداران مردو چشم تو با آنچه برخوردارى داديم بدان مهمانى را از ايشان ۝ و اندوه مخور

عليهم واخفض جناحك للمؤمنين ۝ وقل إني أنا النذير

بر ايشان ۝ و فرونه بال تواضع مؤمنانرا ۝ و بگو بدرستى كه من بيم كننده

المبين ۝ كما أنزلنا على المقتسمين ۝ الذين جعلوا القرآن

روشنم ۝ همچنانكه فرو فرستاديم آنرا بر [illegible] ۝ آنها كه بديد كردند و قرآنرا

عضين ۝ فوربك لنسألنهم أجمعين ۝ عما كانوا

پاره پاره ۝ پس بحق پروردگار تو كه هر آينه باز پرسيم ازيشان همه ۝ از آنچه ايشان

يعملون ۝ فاصدع بما تؤمر وأعرض عن المشركين ۝ إنا كفيناك

كرده باشند ۝ پس فرمان بردار شو بدانچه فرموده ترا ۝ و اعراض كن از بت پرستان ۝ بدرستى كه ما كفايت كنيم از تو

المستهزئين ۝ الذين يجعلون مع الله إلها آخر فسوف يعلمون

شر استهزاء كنندكانرا ۝ آنهاى كه ميگردند با خدا خداى ديگررا ۝ پس زود بدانند

ولقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون ۝ فسبح

و بدرستى كه ميدانيم كه تنگ مى آيد سينه تو بدانچه ميگويند ۝ پس تسبيح كن

بحمد ربك وكن من الساجدين ۝ واعبد ربك حتى يأتيك

بستايش پروردگار خود ۝ و باش از جمله سجود كنندكان ۝ و بپرست پروردگار خودرا تا آيد بتو

سورة النحل مائة و عشرون و ثمان آية مكية اليقين

اسباب مرگ

بسم الله الرحمن الرحيم

أتى أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون

آمد فرمان خداى ۝ پس بشتاب مخواهيد آنرا ۝ پاك و منزه است او ۝ و برتر است از آنچه انباز ميآرند بدو

ينزل الملائكة بالروح من أمره على من يشاء من عباده أن أنذروا أنه

فرو ميفرستد فرشتكانرا با جبرئيل از فرمان خود بر آنكه خواهد از بندكان خود ۝ كه بيم كنيد كه مر [illegible] آنست

لا إله إلا أنا فاتقون • خلق السموات والأرض بالحق تعالى
که نیست خدای مگر من پس بپرستید مرا آفرید آسمانها و زمین را بحق افزونست
عما يشركون • خلق الإنسان من نطفة فإذا هو خصيم مبين •
از آنچه انباز فرا میدارند بدو آفرید آدمی را از نطفه پس آنکه او خصومت کننده روشنست
والأنعام خلقها لكم فيها دفء ومنافع ومنها تأكلون •
و آفرید چهارپایان را برای شما در آنهاست و سودهای و از آنها میخورند
ولكم فيها جمال حين تريحون وحين تسرحون • وتحمل
و مر شما راست در آنها زینتی هنگامی که بچرا می برید و هنگامی که بنگاه میدارید و بر میدارند
أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بالغيه إلا بشق الأنفس إن
بارهای گران شما را شهر بشهری که نیستید رسنده بدان مگر بدشواری تنها بدرستی
ربكم لرءوف رحيم • والخيل والبغال والحمير لتركبوها
که پروردگار شما هر آینه مهربانست و رحمت کننده و آفرید اسبان و استران و خران را تا برمی نشینید برآنها
وزينة ويخلق ما لا تعلمون • وعلى الله قصد السبيل
و آرایشی و می آفریند آنچه نمیدانید و بر خداست قصد راه راست
ومنها جائر ولو شاء لهداكم أجمعين • هو الذي
و از آنها هست و اگر خواستی خدا هر آینه راه نمودی شمارا همه اوست آن خدائی
أنزل من السماء ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه تسيمون
که بفرستاد از آسمان آبی برای شما از آن هست آشامیدنی و از آن هست درختی که در آن

ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والأعناب ومن كل
برویانید ما برای شما بدان کشت زرع را و زیتون و خرمابنان و انگورستانها و از همه
الثمرات إن في ذلك لآية لقوم يتفكرون • وسخر لكم الليل
میوهای بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که اندیشه کنند و مسخر کرد برای شما شب را
والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره إن في ذلك
و روز را و آفتاب را و ماه را و ستارگان را رام کرده بفرمان خود بدرستی که در آن
لآيات لقوم يعقلون • وما ذرأ لكم في الأرض مختلفا ألوانه
هر آینه نشانهاست مر گروهی که استعمال عقل کنند و آنچه بپراکند برای شما در زمین مختلف رنگهای آن
إن في ذلك لآية لقوم يذكرون • وهو الذي سخر البحر
بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که پند گیرند و او آن خدائیست که مسخر کرد دریا را
لتأكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا منه حلية تلبسونها
تا خورید از آن گوشتی تازه و بیرون می آورید از آن زیوری که در پوشید آنرا
وترى الفلك مواخر فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم
و بینی تو کشتی را لنگر برکشیده در آنجا و تا بجوئید از فضل خود و تا بود که شما
تشكرون • وألقى في الأرض رواسي أن تميد بكم
شکر کنید و انداخت در زمین کوههای بیخ آور را که ثابت بدارد شمارا
وأنهارا وسبلا لعلكم تهتدون • وعلامات وبالنجم
و جویهای و راههای تا بود که شما راه یابید و نشانها و بستارگان

هُمْ يَهْتَدُونَ ۝ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
ایشان راه می برند ای پس آنکه آفریند همچون آنکس بود که نیافریند ای پس پند نمیگیرید
وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَاللَّهُ
واگر خواهید که برشمرید نعمت خدارا برشمردن نتوانید بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست وخدا
يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ
میداند آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکارا میکنید وآنها که میخوانند از
دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَ
جز خدا نتوانند آفرید چیزی وایشانرا آفریده اند ایشان مردگانند جز زندگان
مَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ
ونداند که کی برانگیخته شوند خدای شما یک خداست پس آنها
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ
که نمی گروند بآخرت دلهای ایشان منکرند وایشان گردنکشانند
لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ
حقا که خدا میداند آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکارا میکنید بدرستی که او دوست ندارد گردنکشانرا
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
وچون گویند مرایشانرا که چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما گویند این افسانهای پیشینیانست
لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ
تا بردارند بارهای گران ایشانرا تمام در روز قیامت واز بارهای آنها

يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ۝ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ
که گمراه میکنند ایشانرا بی دانشی بدان که بدست آنچه ایشان برمیدارند بدرستی که مکر ساختند آنها که
قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ
پیش از ایشان بودند پس آمد عذاب خدا بناهای ایشان را از بناهای ایشان پس افتاد بر ایشان سقفهای ایشان
مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ ثُمَّ
از بالای ایشان وآمد بدیشان عذاب از آنجا که ندانستند پس
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ
روز قیامت رسوا کند ایشانرا ومیگوید خدا که کجاست انبازان من آنها که بودید شما
تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ
خلاف میکردید در حق ایشان گویند آنها که بداده شد ایشانرا دانش بدرستی که رسوائی امروز وبدی
عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ
بر کافران بود آنها که جان بستانند ایشانرا فرشتگان در حالت که ستم کننده بودند بر تنهای خود
فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ
پس انداختند صلح را که نبودیم ما میکردیم هیچ بدی آری بدرستی که خدا داناست بآنچه شما
تَعْمَلُونَ ۝ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ
میکردید پس در روید از درهای دوزخ همیشه باشید در آنجا پس آینه بد بود
مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ
جایگاه گردنکشان وگویند مرآنها را که پرهیزیدند که چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما

قالوا خيرا للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة ولدار الآخرة

گویند خیری مر آنهارا که نیکوئی کردند در این دنیا نیکوئی بود یاداشت وبرای سرای آخرت

خير ولنعم دار المتقين جنات عدن يدخلونها تجري من

بهتر بود و هر آینه نیکو بود سرای پرهیزکاران بوستانهای اقامت که درروند درآنجا که رود

تحتها الانهار لهم فيها ما يشاؤن كذلك يجزي الله

از زیر آن جویهاروان مرایشانرا بود درآنجا آنچه ایشان خواهند همچنین پاداشت دهد خدا

المتقين الذين تتوفاهم الملئكة طيبين يقولون سلام

پرهیزکارانرا آنها که جان بستانند ایشانرا فرشتگان خوش عیشان گویند که سلام باد

عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون هل ينظرون

برشما درروید دربهشت بدانچه شما کردید در دنیا هیچ چشم نمیدارند

الا ان تأتيهم الملئكة او يأتي امر ربك كذلك فعل

مگر که آیند بدیشان فرشتگان تا آید فرمان پروردگار تو همچنین کردند

الذين من قبلهم وما ظلمهم الله ولكن كانوا انفسهم

مرآنهارا که از پیش ایشان بودند وستم نکرد ایشانرا ولیکن بودند برتنهای خود

يظلمون فاصابهم سيئات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا

ستم میکردند پس رسید بدیشان وبال بدیهای آنچه کرده بودند ودررسید بدیشان وفرود آنچه بودند

به يستهزءون وقال الذين اشركوا لو شاء الله ما عبدنا من

بدان استهزا میکردند وگفتند آنهارا که انباز فرا داشتند اگر خواستی خدا نپرستیدمانی ما از

دونه من شيء نحن ولا اباؤنا ولا حرمنا من دونه من شيء كذلك

جزاو هیچ چیزی نه ما و نه پدران ما وحرام نداشتمانی از جزاو هیچ چیزیرا همچنین

نصف

فعل الذين من قبلهم فهل على الرسل الا البلاغ المبين ولقد

کردند آنها که پیش از ایشان بودند پس رای هیچ بود بر رسول مگر گزاردن پیام روشن وبدرستی

بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت

که بفرستادیم ما در میان هرگروهی رسولیرا باینکه پرستند خدارا ودوری نمایند از پرستیدن بتان

فمنهم من هدى الله ومنهم من حقت عليه الضلالة

پس از ایشان کسیست که راه نمود اورا خدا وازیشان کسیست که واجب شد برو گمراهی

فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين

پس بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت بدروغ دارندگان

ان تحرص على هديهم فان الله لا يهدي من يضل وما لهم من

اگر حریصی تو بر راه نمودن ایشان پس بدرستی که خدا راه ننماید آنرا که گمراه کند ونبود مرایشانرا هیچ

ناصرين واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من

یاری کنندهٔ وسوگند خوردند بخدا سوگندان مغلظ ایشان که برنینگیزاند خدا آنرا

يموت بلى وعدا عليه حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون

که بمیرد آری وعده دادن بران حقست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند

ليبين لهم الذي يختلفون فيه وليعلم الذين كفروا انهم

تا روشن کند مرایشانرا آنچه اختلاف کردند درآن وتا خدا بازکند آنهارا که کافر شدند که ایشان

كانوا كاذبين ● إنما قولنا لشيء إذا أردناه أن نقول له كن
بودند دروغ گویان ● بدرستی که گفتار ما مر چیزی را چون خواهیم ما آنرا که گوییم آنرا که باش
فيكون ● والذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم
پس باشد ● و آنها که هجرت کردند در راه خدا از پس آنچه ستم کرده شدند هر آینه جای دهیم ایشانرا
في الدنيا حسنة ولأجر الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون ●
در دنیا نیکی و هر آینه مزد آخرت بزرگتر بود اگر ایشان بدانند
الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون ● وما أرسلنا من قبلك إلا
آنهانکه صبر کردند و بر پروردگار خود توکل کردند ● و نفرستادیم ما پیش از تو
رجالا نوحي إليهم فاسألوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون ●
مردانی را که وحی میکنیم ما بدیشان پس بپرسید از اهل پند اگر هستید شما که ندانید
بالبينات والزبر وأنزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل
بحجتها و بکتابها و فرو فرستادیم ما بتو قرآنرا تا روشن کنی برای مردمان آنچه فرو فرستاده شد
إليهم ولعلهم يتفكرون ● أفأمن الذين مكروا السيئات
بدیشان و تا بود که ایشان پند گیرند ● ای پس ایمن شدند آنها که ساختند بدیهارا
أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون ●
که فرو برد خدا ایشانرا بزمین یا آید بدیشان عذاب از آنجا که ندانند
أو يأخذهم في تقلبهم فما هم بمعجزين ● أو يأخذهم على
یا فرا گیرد ایشانرا در گردیدن ایشان پس نباشند ایشان عاجز کننده ● یا فرا گیرد ایشانرا بر
از عذاب خدا

تخوف فإن ربكم لرؤوف رحيم ● أولم يروا إلى ما خلق الله من شيء
ترسی پس بدرستی که پروردگار شما هر آینه مهربانست و بردبار ● ای نمی بینند بدانچه آفرید خدا از چیزی
يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل سجدا لله وهم داخرون
که در میگردد سایهای آن از راست و چپ سجود کنندگان مر خدایرا و ایشان خواران باشند
سجده
ولله يسجد ما في السموات وما في الأرض من دابة والملائكة
و مر خدایرا سجده کنند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست از جنبنده و فرشتگان
وهم لا يستكبرون ● يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون
و ایشان گردنکشی نمیکنند ● می ترسند از پروردگار خود از بالای ایشان و میکنند
سجده
ما يؤمرون ● وقال الله لا تتخذوا إلهين اثنين إنما هو إله
آنچه فرموده شد ایشانرا ● و گفت خدا که فرا مگیرید دو خدا را بخدایی بدرستی که او خدای یک
واحد فإياي فارهبون ● وله ما في السموات والأرض وله الدين
خدایست پس از من بترسید ● و مراورا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و مراورا است دین
واصبا أفغير الله تتقون ● وما بكم من نعمة فمن الله
تمام ● ای پس بجز از خدا می پرهیزید ● و آنچه با شماست از نعمت پس از نزد خدا
ثم إذا مسكم الضر فإليه تجأرون ● ثم إذا كشف الضر عنكم
پس چون برسید بشما زیان پس بسوی او زاری کنید و بازآیید ● پس چون بر دارد زیانرا از شما
إذا فريق منكم بربهم يشركون ● ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا
آنگه گروهی از ایشان بپروردگار خود انباز فرا دارند ● تا کافر شوند بدانچه بدادیم ما ایشانرا پس برخورداری گیرید

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۞ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا
پس زود بدانید و بدید میکنند مر آنچیزی را که نمیدانند بهره از آنچ
رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ۞ وَيَجْعَلُونَ
روزی کردیم مر ایشانرا بحق خدا که هر آینه بازپرسیده شوید از آنچه شما بر بافته باشید و بدید میکنند
لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ۞ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ
مر خدایرا دختران پاک و منزه است او و مر ایشانرا بود آنچه آرزو کنند و چون بشارت دهند یکی از ایشان
بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۞ يَتَوَارَى مِنَ
بمادینه گردد روی او سیاه و او خشم فرو خورنده بود دور شود از
الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي
قوم خود از بدی آنچ بشارت داده باشند او را ای نگه دارد آنرا بر خواری یا پنهان کند در
التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۞ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ
خاک بدان که بدست آنچه حکم میکنند مر آنانرا که بنمی گروند بسرای آخرت مثل
السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ
بد و مر خدایراست مثل از همه بلندتر و اوست غالب محکم کار و اگر فرا گیرد خدا
النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى
مردمانرا بسبب ظلم ایشان نگذاشتی بر روی زمین هیچ جنبنده را ولیکن تا خیر میکند ایشانرا
أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا
با اجل نام نهاده پس چون آید اجل ایشان بازپس نایستند یک ساعتی و نه

يَسْتَقْدِمُونَ ۞ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ ۞ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ
فرا پیش توانند رفت و بدید میکنند مر خدایرا آنچه کاره میدارند و صفت میکند زبانهای ایشان
الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَى لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ۞
دروغ را اینکه باشد مر ایشانرا بهشت حقا که مر ایشانرا بود آتش و اینکه ایشان افراط جویندگان بوند
تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
بحق خدا که بیستی که فرستادیم ما بگروهانی که پیش از تو بودند پس بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشان
فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ
پس او دوست ایشان بود امروز و مر ایشانرا بود عذابی دردناک و نفرستادیم ما بر تو
الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً
کتاب مگر تا روشن کنی ایشانرا آنچ اختلاف میکردند در آن و راهی و رحمتی
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۞ وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
مر گروهی را که بگروند و خدا فرستاد از آسمان آبی پس زنده کرد بدان زمین را پس از مرگ آن
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۞ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً
بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که بشنوند و بدرستی که مر شماراست در چهارپایان هر آینه عبرتی
نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا
در خورد دهیم شمارا از آنچ در شکمهای آنست از میان سرگین و خون شیری خالص گوارنده
لِلشَّارِبِينَ ۞ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا
مر آشامندگانرا و از میوها خرمابان و انگوربستانها که فرا میگیرید از آن مستی و روزی

حسنا إن في ذلك لآية لقوم يعقلون • وأوحى ربك إلى النحل

نیکو بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که استعمال عقل کنند و الهام داد پروردگار تو بنحل عسل

أن اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر ومما يعرشون • ثم

که فرا گیر از کوهها خانهائی و از درختان و از آنچه بر می‌افرازند پس

كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج

بخور از همه میوه‌ها پس بسپرید راههای پروردگار خودرا رام کرده بیرون آید

من بطونها شراب مختلف ألوانه فيه شفاء للناس إن في

از شکمهای آن آشامیدنی مختلف رنگهای آن در آن هست شفائی مر مردمان را بدرستی که در

ذلك لآية لقوم يتفكرون • والله خلقكم ثم يتوفاكم

آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که اندیشه میکنند و خدا آفرید شمارا پس جان میستاند شمارا

ومنكم من يرد إلى أرذل العمر لكي لا يعلم بعد علم شيئا إن

و از شما کس هست که باز کرده شود باخسیس ترین عمر تا بداند پس از دانش چیزی بدرستی

الله عليم قدير • والله فضل بعضكم على بعض في الرزق فما

که خدا داناست توانا و خدا افزونی نهاد بعضی شمارا بر بعضی در روزی پس نیستند

الذين فضلوا برادي رزقهم على ما ملكت أيمانهم فهم فيه سواء

آنها که افزونی نهاده شده‌اند رد کنندگان روزی خودرا بر آنچه قادر باشند دستهای ایشان پس ایشان در آن برابر

أفبنعمة الله يجحدون • والله جعل لكم من أنفسكم أزواجا

ای پس بنعمت خدا انکار میکنند و خدا پدید کرد برای شما از تنهای شما زنانی

وجعل لكم من أزواجكم بنين وحفدة ورزقكم من

و پدید کرد برای شما از زنان شما پسران و نوادگان و روزی داد شمارا از

الطيبات أفبالباطل يؤمنون وبنعمت الله هم يكفرون •

پاکیها ای پس بباطل میگروند و بنعمت خدا ایشان کافر میشوند

ويعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقا من السماوات

و می پرستند از جز خدائی آنچه قادر نیست مر ایشان را روزی دادن از آسمانها

والأرض شيئا ولا يستطيعون • فلا تضربوا لله الأمثال إن الله

و زمین چیزی را و توانائی ندارند پس بیمکنید مرخدا را مثلها بدرستی که خدا

يعلم وأنتم لا تعلمون • ضرب الله مثلا عبدا مملوكا

میداند و شما نمیدانید بزد خدا مثل بنده را که خرید باشند

لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا حسنا فهو ينفق منه

که توانائی ندارد بر چیزی و آنرا که روزی دهیم اورا از نزد خود روزی نیکو پس او نفقت کند از آن

سرا وجهرا هل يستوون ومن يأمر بالعدل وهو على صراط

پنهان و آشکارا ای یکسان باشد او و آنکه فرماید بعدالت و او بر راه

مستقيم • ولله غيب السماوات والأرض وما أمر الساعة إلا كلمح

راست بود و مرخدا راست غیب آسمانها و زمین و نبود کار قیامت مگر همچون گردیدن

البصر أو هو أقرب إن الله على كل شيء قدير • والله أخرجكم من

چشم یا آن نزدیکتر بود بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست و خدا بیرون آورد شمارا از

الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون • وضرب الله مثلا رجلين أحدهما أبكم لا يقدر على شيء وهو كل على مولاه أينما يوجهه لا يأت بخير هل يستوي هو

بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار

شکمهای مادران شما که نمیدانستید چیزی را و بیافرید مر شمارا شنوائی و بینائیها

والافئدة لعلكم تشكرون ● الم يروا الى الطير مسخرات في

و دلهائے نابود که شما شکر کنید ای نمی‌بینند بمرغان رام کرده در

جو السماء ما يمسكهن الا الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ●

میان آسمان نگه نمیدارد ایشانرا مگر خدا بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند

والله جعل لكم من بيوتكم سكنا وجعل لكم من

و خدا بیافرید برای شما از خانهای شما آرامگاه و بیافرید برای شما از

جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم

پوستهای چهارپایان خانهائی که سبک میدارید آنهارا روز سفر شما و روز اقامت شما

ومن اصوافها واوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الى حين ●

واز پشمهای آنها و از وبر آنها و مویهای آنها قماشی و برخورداری تا هنگامی

والله جعل لكم مما خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال

و خدا بیافرید برای شما از آنچه آفرید سایهائی و بیافرید مر شمارا از کوهها

اكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم الحر وسرابيل تقيكم

خانهائی و بیافرید برای شما پیراهنهائی که نگاه بدارد شمارا از گرما و پیراهنهائی که نگاه بدارد شمارا

بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم تسلمون ●

از کارزار شما همچنین تمام میکند نعمت خودرا بر شما نابود که شما منقاد شوید

فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين ● يعرفون نعمة الله ثم

پس اگر برگردند پس بدرستی که بر تست رسانیدن روشن می‌شناسند نعمت خدارا پس

ينكرونها واكثرهم الكافرون ● ويوم نبعث من كل

انکار میکنند آنرا و بیشترین ایشان کافرانند و روزی که برانگیزیم از هر

امة شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ●

گروهی گواهی را پس فرمان نه دهند مر آنهارا که کافر شدند و نه ایشانرا عذر قبول کنند

واذا راى الذين ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم

و چون ببینند آنها که ستم کرده باشند عذاب پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشانرا

ينظرون ● واذا راى الذين اشركوا شركاءهم قالوا ربنا

زمان دهند و چون ببینند آنها که انباز آورده شدند انبازان خودرا گویند ای پروردگار ما

هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فالقوا اليهم

اینهااند که انبازان ما بودند آنها که بودیم ما میخواندیم از غیر تو پس اندازند بایشان

القول انكم لكاذبون ● والقوا الى الله يومئذ السلم وضل

گفتار را که شما هر آینه دروغ گویانید و بیفکنند با خدا آنروز بیل صلح و گم شود

عنهم ما كانوا يفترون ● الذين كفروا وصدوا عن سبيل

از ایشان آنچه ایشان بربافته باشند آنها که کافر شدند و برگشتند از راه

الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما كانوا يفسدون ●

خدا برافزودیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بسبب آنچه ایشان تباهی کردند

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ
ویاد کن روزی که برانگیزیم از میان هر گروهی گواهی را برایشان از تنهای ایشان و آوردیم ما ترا
شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ
گواه برین اهل مکه و فرو فرستادیم ما برتو قرآن را برای روشن کردن هر چیزی
وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ • إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ
و راهی و رحمتی و بشارتی مر منقادان را بدرستی که خدا فرماید بعدل
وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
و نیکویی و نیکویی با خویشان نزدیک کردن و باز میدارد از شما ناشایست و منکر
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ • وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا
و ستم را پند میدهد شما را تا بود که شما پند گیرید و وفا کنید بعهد خدا چون
عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ
عهد ببندید شما و باز مشکنید سوگندها را پس از استواری آن و بدرستی که گردانیدید
اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا • إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ • وَلَا
خدا را برخود کارساز و کفیل مهمات بدرستی که خدا میداند آنچه شما میکنید و
تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ
مباشید همچون آن زنی که باز شکافت ریسمان خود را از پس قوت فرا میگیرید
أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا
سوگندان خود را حاجتی میان شما که باشند گروهی راه یابنده تر از گروهی بدرستی

يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ
که می آزماید شما را خدای بدان و هرآینه روشن کند مر شما را روز قیامت در آنچه بودید شما
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ • وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ
در آن اختلاف میکردید و اگر خواستی خدا هرآینه گردانیدی شما را یک گروه بر یک دین ولیکن
يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ
گمراه کند آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد و هرآینه باز پرسند از شما از آنچه شما
تَعْمَلُونَ • وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ
کرده باشید و فرا مگیرید سوگندان خود را حاجتی میان یکدیگر پس بلغزد
بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ
پس از ثابت شدن آن و تا در چشید بدی را بآنچه برگشتید شما از راه خدا و مر شما را بود
عَذَابٌ عَظِيمٌ • وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ
عذابی بزرگ و فرا مگیرید بعهد خدا بهای اندک را بدرستی آنچه نزدیک
اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ • مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ
خداست آن بهتر بود مر شما را اگر شما بدانید آنچه نزدیک شماست نیست شود
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا
و آنچه نزدیک خداست باقی ماند و هرآینه پاداشت دهیم آنها را مزد ایشان بنیکوتر آنچه ایشان
يَعْمَلُونَ • مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ
کرده باشند هر که کند کاری نیکو از نرینه یا مادینه و هو مؤمن بود پس هرآینه زنده گردانیم او را

صَبَرُوا
که صبر کردند

حیوة طیبة ولنجزینهم اجرهم باحسن ما كانوا یعملون

زندگانی خوش و هر آینه پاداشت دهیم ایشانرا مزد ایشان بنیکوتر آنچه ایشان کرده باشند

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم انه

پس چون تو خوانی قرآنرا پس پناه گیر بخدا از دیو رانده هر آینه

لیس له سلطان علی الذین آمنوا وعلی ربهم یتوكلون

نیست او را حجتی بر آنها که بگرویدند و بر پروردگار خود توکل کردند

انما سلطانه علی الذین یتولونه والذین هم به مشركون

هر آینه حجت او بر آنهاست که دوستی کردند با او و آنها که به ایشان بدو انباز فرا دارند گان

واذا بدلنا آیة مكان آیة والله اعلم بما ینزل قالوا انما

و چون بدل کنیم ما نشانی بجایگاه نشانی و خدا داناتر بدانچه فرو میفرستد گفتند هر آینه

انت مفتر بل اكثرهم لا یعلمون قل نزله روح

که تو از خود برباقته بلکه بیشترین ایشان نمیدانند بگو فرود آورد آنرا جبرئیل

القدس من ربك بالحق لیثبت الذین آمنوا وهدی وبشری

پاک مقدس از پروردگار تو بحق تا ثابت بدارد آنهارا که ایمان آوردند و راهی و بشارتی بود

للمسلمین ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر

مر منقادانرا و بدرستی که میدانیم که ایشان میگویند که در آموخته است او را آدمی

لسان الذی یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی

زبان آنک می بیچانند آنرا ای او عجمی و این قرآن بزبان عربیست

مراد سلمان فارسی است

٢١١

I

مبین ان الذین لا یؤمنون بآیات الله لا یهدیهم الله ولهم

روشن بدرستی که آنها که نمی گروند بنشانهای خدا راه ننماید ایشانرا خدا و مر ایشانرا بود

عذاب الیم انما یفتری الكذب الذین لا یؤمنون بآیات

عذابی دردناک بدرستی که برمی بافند دروغ را آنها که نمی گروند بنشانهای

الله واولئك هم الكاذبون من كفر بالله من بعد

خدا و آن گروه ایشانند دروغ دارندگان هر که کافر شود بخدا از پس

ایمانه الا من اكره وقلبه مطمئن بالایمان ولكن من

ایمان خود مگر آنک کراهت دارد آنرا و دل او آرامگیرنده بود با ایمان ولیکن آنک

شرح بالكفر صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم

برگشود بکفر سینه خود را پس بر ایشان بود خشمی از خدا و مر ایشانرا بود

عذاب عظیم ذلك بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی

عذابی بزرگ آن بسبب آنست که ایشان برگزیدند زندگانی دنیا را بر

الآخرة وان الله لا یهدی القوم الكافرین اولئك

آخرت و آنک خدا راه ننماید گروه کافرانرا آن گروه

الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك

آنها اند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوائیهای ایشان و بینائیهای ایشان و آن گروه

هم الغافلون لا جرم انهم فی الآخرة هم الخاسرون

ایشان باشند غافلان حقا که ایشان در آخرت ایشانند زیان کاران

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
پس بدرستی که پروردکار تو مر آنهارا که هجرت کردند از پس آنچه بفتنت افکنده شدند پس جهاد کردند
وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ
وصبر کردند بدرستی که پروردگار تو از پس آن مرآینه آمرزکار مهربانست روزی که آید هر
نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ
تنی خصومت کند از بهر تن خود وتمام بدهند هر تنی را جزا آنچه کرده بود وایشانرا
لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً
ستم نکنند وبزد خدا مثلی اهل دیهی که باشند ایمن آرامکیرنده
يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ
آمد بدانجا روزی او نوشش وخوشکوار از هر جانبی پس کافر شدند بنعمت خدا
فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝
پس درچشانید آنهارا خدا پوششی از کرسنکی وترس بدانچه ایشان ساختند
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ
وبدرستی که آمد بدیشان رسولی از جنس ایشان پس بدروغ داشتند اورا پس بگرفت ایشانرا عذاب
وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا
وایشان ستمکاران بودند پس بخورید از آنچه روزی کرد شمارا خدا حلال
طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا
پاک وشکر کنید نعمت خدارا اگر هستید شما اورا می پرستید بدرستی

حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ
که حرام کرد بر شما مرده را وخون را وکوشت خوک را وآنچه آواز برداشته باشند بجز
اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا
نام خدای بدان پس هرکه بناچار آرند اورا نه ستم کننده بر دیگری ونه از حد درگذرنده پس بدرستی که خدا آمرزکار مهربانست
تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا حَلَالٌ وَ
ومکوئید مر آنچیزی را که صفت میکنید زبانهای شما بدروغ که این حلال است و
هَٰذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ
این حرام تا برافید بر خدا دروغی بدرستی که آنها که بر می بافند
عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ
بر خدا دروغی رستکاری نیابند این برخورداری دنیا اندکست ومر ایشانراست عذابی
أَلِيمٌ ۝ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ
دردناک وبر آنها که جهود شدند حرام کردیم ما بر تو از پیش وستم نکردیم ما ایشانرا
وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ
ولیکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند پس بدرستی که پروردکار تو مر آنهارا
عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ
که کردند بدی را بنادانی پس بازآمدند از پس آن وکار با صلاح آوردند بدرستی
رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا
که پروردکار تو از پس آن مرآینه آمرزکار مهربانست بدرستی که ابرهیم بود بر دین اسلام فرمان بردار

ما قصصنا

لله حنيفا ولم يك من المشركين شاكرا لانعمه اجتبه و

مر خدا را مايل از باطل بحق ونبود او از جملهٔ انبازگيرندگان شكر گوينده بود مر نعمتهاى خدا را برگزيد او را

هديه الى صراط مستقيم وآتيناه في الدنيا حسنة وانه

وراه نمود او را با راه راست وبداديم ما او را در دنيا نيكى وبدرستى كه او

في الآخرة لمن الصالحين ثم اوحينا اليك ان اتبع ملة ابرهيم

در آخرت هر آينه از جملهٔ نيكوكاران بود پس وحى كرديم ما بتو كه پيروى كن ملت ابرهيم

حنيفا وما كان من المشركين انما جعل السبت على

مايل از باطل بحق ونبود او از جملهٔ انبازگيرندگان بدرستى كه گردانيده شد شنبه كردن را بر

الذين اختلفوا فيه وان ربك ليحكم بينهم يوم القيمة

آنها كه اختلاف كردند در آن وبدرستى كه پروردگار تو هر آينه حكم كند ميان ايشان روز قيامت

فيما كانوا فيه يختلفون ادع الى سبيل ربك بالحكمة

در آنچه بودند در آن اختلاف ميكردند بخوان مردمان را براه پروردگار خود بحكمت

والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن ان ربك هو

وپند دادن نيكوئى ومجادله نماى با ايشان بطريقى كه آن نيكوترست بدرستى كه پروردگار تو

اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين وان

داناترست با كسى كه گمره شد از راه او واو داناترست براه يابندگان واگر

عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرين

عقوبت كنيد شما پس عقوبت فرمائيد بمانند آنچه عقوبت كرده شديد شما بدان وهر آينه اگر صبر كنيد شما آن بهتر بود مر صابران را

واصبر وما صبرك الا بالله ولا تحزن عليهم ولا تك في ضيق مما

وصبر كن ونيست صبر تو مگر بخدا واندوه مخور بر ايشان ومباش در تنگى از آنچه

يمكرون ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون

مكر ميسازند بدرستى كه خدا با آنهاست كه پرهيزيدند وبا آنهاست كه ايشان نيكوكارانند

سورة بني اسرائيل مائة واحدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد

پاك ومنزه است آن خدائى كه برد بندهٔ خود را يكشب از مسجد مكه تا مسجد

الاقصى الذي باركنا حوله لنريه من آياتنا انه هو السميع

اقصى آن مسجدى كه بركت كرديم ما پيرامون آنرا تا باز نمائيم او را از نشانهاى ما بدرستى كه او است شنوا

البصير وآتينا موسى الكتاب وجعلناه هدى لبني اسرائيل

وبينا وبداديم ما موسى را كتاب توريه وگردانيديم ما او را راهنمونى مر بنى اسرائيل را

الا تتخذوا من دوني وكيلا ذرية من حملنا مع نوح انه كان

بانك فرا مگيريد از جز من كارسازى را فرزندان كه درنشانديم ما با نوح بدرستى كه او بود

عبدا شكورا وقضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن

بندهٔ پذيرنده ووحى كرديم ما بفرزندان يعقوب در كتاب كه تباهى كرديد

في الأرض مرتين ولتعلن علوا كبيرا ۝ فإذا جاء وعد أولاهما

در زمین دوبار و هرآینه افزونی جستید افزونی جستنی بزرگ پس چون آمد وعده اولین ایشان

بعثنا عليكم عبادا لنا أولي بأس شديد فجاسوا خلال

برانگیختیم ما بر شما بندگان مارا خداوندان حربی سخت پس

الديار وكان وعدا مفعولا ۝ ثم رددنا لكم الكرة عليهم

و بود آن وعده کرده شده پس بازگردانیدیم ما شمارا یکبار دیگر بر ایشان

وأمددناكم بأموال وبنين وجعلناكم أكثر نفيرا

و مدد کردیم ما شمارا بمالها و بپسران و بکردیم ما شمارا بیشتر بعدد

إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم وإن أسأتم فلها فإذا

اگر نیکوئی کنید شما نیکوئی کرده باشید ازبهر تنهای خود و اگر بدی کنید شما [illegible] پس چون

جاء وعد الآخرة ليسوءوا وجوهكم وليدخلوا المسجد كما

آید وعده آخرت بدود رویهای شمارا و تا در روند در مسجد همچنانک

دخلوه أول مرة وليتبروا ما علوا تتبيرا ۝ عسى ربكم أن

در رفتند آنجا اول بار و تا [illegible] آنچه افزونی جسته باشید [illegible] شاید بود که پروردگار شما

يرحمكم وإن عدتم عدنا وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا

رحمت کند شمارا [illegible] و بکردیم ما دوزخ را ازبرای کافران [illegible]

إن هذا القرآن يهدي للتي هي أقوم ويبشر المؤمنين الذين

بدرستی که این قرآن راه می نماید [illegible] راست‌تر و بشارت دهد مومنانرا آنها

يعملون الصالحات أن لهم أجرا كبيرا ۝ وأن الذين لا يؤمنون

که کردند نیکوییهارا آنکه مرایشانرا بود مزدی بزرگ و آنکه آنها که نمی گروند

بالآخرة أعتدنا لهم عذابا أليما ۝ ويدع الإنسان بالشر دعاءه

بسرای آخرت بساختیم ما برای ایشان عذابی دردناک و بخواند آدمی ببدی همچون خواندن او

بالخير وكان الإنسان عجولا ۝ وجعلنا الليل والنهار

بنیکوی و هست آدمی شتابنده و بکردیم ما شب و روز را

آيتين فمحونا آية الليل وجعلنا آية النهار مبصرة

دو نشانه پس محو کردیم ما نشانه شب و بکردیم ما نشانه روز را سبب بینائی

لتبتغوا فضلا من ربكم ولتعلموا عدد السنين و

تا بجویید فضلی از پروردگار شما و تا بدانید شمار سالهارا

الحساب وكل شيء فصلناه تفصيلا ۝ وكل إنسان

و شمار عددرا و هر چیزی [illegible] پیدا کردیم ما آنرا هویدا کردنی و هر آدمی

ألزمناه طائره في عنقه ونخرج له يوم القيامة كتابا

لازم گردانیدیم ما عمل او را [illegible] قلاده در گردن او و بیرون آوریم ما او را در روز قیامت نامه

يلقاه منشورا ۝ اقرأ كتابك كفى بنفسك اليوم

که خواند آنرا بازکرده گوییم بخوان نامه خودرا بسنده است تن تو امروز

عليك حسيبا ۝ من اهتدى فإنما يهتدي لنفسه ومن ضل

بر تو حساب کننده هرکه راه یافت پس بدرستی که سود راه یافتن او را بود و هرکه گمراه شد

فانما يضل عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى وما كنا معذبين
پس بدرستی که زیان گمراهی بران تن بود و برندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را و نبودیم ما عذاب کنندگان
حتى نبعث رسولا واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها
تا بفرستیم رسولانرا و چون خواهیم ما که هلاک کنیم اهل شهری را فرمایم منعمان آنجارا
ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا وكم
تا تباهی کنند درآنجا پس واجب شود بر آنها گفتار عذاب پس هلاک کردیم ما آنها را هلاک کردنی و بسا
اهلكنا من القرون من بعد نوح وكفى بربك
که هلاک کردیم ما از گروهانی که از پس نوح بودند و بس پروردگار تو
بذنوب عباده خبيرا بصيرا من كان يريد العاجلة
بگناهان بندگان خود آگاه و بینا هرکه خواهد بجزای عمت دنیا را
عجلنا له فيها ما نشاء لمن نريد ثم جعلنا له جهنم
بشتابیم ما مر اورا درآنجا آنچه خواهیم مرآنرا که خواهیم پس بکنیم مر اورا دوزخ
يصلاها مذموما مدحورا ومن اراد الآخرة وسعى لها
که در رود درآنجا نکوهیده رانده از رحمت و هرکه خواهد آخرت را و بشتابد درآنرا
سعيها وهو مؤمن فاولئك كان سعيهم مشكورا
شتافتن آن و او مؤمن بود پس آن گروه باشد سعی ایشان پذیرفته
كلا نمد هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربك وما كان
همه را مدد بکنیم این گروه را و آن گروه را از عطاء پروردگار تو و نیست

عطاء ربك محظورا انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض
بخشش پروردگار تو ممنوع نیست از مطیع و عاصی بنگر که چگونه برافزون کردیم ما بعضی ایشانرا بر بعضی
وللآخرة اكبر درجات واكبر تفضيلا لا تجعل مع الله
و هرآینه آخرت بزرگتر برتبه و منزلت و بزرگتر بافزونی نهادنی منه هیچکس با خدا
الها آخر فتقعد مذموما مخذولا وقضى ربك الا تعبدوا
خدای دیگر را پس نشینی مذمت کرده شده خوار و رسوا و حکم فرمود پروردگار تو که نپرستید
الا اياه وبالوالدين احسانا اما يبلغن عندك الكبر احدهما
مگر اورا و با مادر و پدر خود نیکوئی کنید اگر برسند نزد تو به پیری یکی از آن هردو
او كلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما
یا هردو ایشان پس مگو مر ایشانرا اف و باز مزن ایشانرا و بگو مر ایشانرا
قولا كريما واخفض لهما جناح الذل من الرحمة وقل
گفتاری نیکو و فرونه بال تواضع مر ایشانرا از رحمت و بگو
رب ارحمهما كما ربياني صغيرا ربكم اعلم بما في
ای پروردگار من رحمت کن ایشانرا همچنانکه پروردند مرا در حالت کودکی پروردگار شما داناترست به آنچه در
نفوسكم ان تكونوا صالحين فانه كان للاوابين غفورا
تنهای شماست اگر باشید نیکوکاران پس بدرستی که او هست مر بازگردندگان را آمرزگار
وآت ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل ولا تبذر
و بده خداوندان خویشی را حق آن و بیچاره را و راه گذر را و اسراف مکن

تبذيرا ۝ إن المبذرين كانوا إخوان الشياطين وكان الشيطان
اسراف کردنی هرآینه که مسرفان هستند برادران دیوان و هست دیو
لربه كفورا ۝ وإما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك
مر پروردگار خودرا ناسپاس واگر اعراض کنی از ایشان از بهر جستن رحمتی از پروردگار تو
ترجوها فقل لهم قولا ميسورا ۝ ولا تجعل يدك مغلولة
که امید میداری آنرا پس بگو مرایشانرا گفتاری مشتمل بر صواب و مگردان دست خودرا بسته
إلى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما
با گردن خود و فراخ مگستران آنرا هر گستردنی پس بنشینی ملامت زده
محسورا ۝ إن ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر إنه
باحسرت و اندوه بدرستی که پروردگار تو فراخ بگستراند روزی آنرا که خواهد و تنگ باز گیرد بدرستی که او
كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ولا تقتلوا أولادكم خشية
هست بحال بندگان خود آگاه بینا و مکشید فرزندان خودرا از ترس
إملاق نحن نرزقهم وإياكم إن قتلهم كان خطأ
درویشی ما روزی میدهیم ایشانرا و شمارا بدرستی که کشتن ایشان هست گناهی
كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنى إنه كان فاحشة وساء
بزرگ و فرا نزدیکی مروید زنارا بدرستی که آن هست ناشایستی و بد
سبيلا ۝ ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق ومن قتل
راهی و مکشید تن را آن تنی که حرام کرد خدا مگر بحق و هر که کشد

مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل إنه
مظلومی را پس بدرستی که بکردیم ما مر ولی قتیل اورا حجتی پس باید که اسراف نکند در قتل بدرستی که او
كان منصورا ۝ ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن
هست یاری کرده شده و فرا نزدیک مال یتیم مروید مگر بطریقتی که آن نیکوترست
حتى يبلغ أشده وأوفوا بالعهد إن العهد كان
تا برسند بغایت قوت خود و وفا کنید بعهد خدا بدرستی که عهد هست از آن
مسؤولا ۝ وأوفوا الكيل إذا كلتم وزنوا بالقسطاس
بازپرسیده شده و تمام کنید کیل را چون کیل کنید شما و برکشید براستی
المستقيم ذلك خير وأحسن تأويلا ۝ ولا تقف ما ليس لك
و عدالت ترازو را آن بهتر و نیکوتر بعاقبت و در پی مایست آنچه نیست مر ترا
به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه
بدان هیچ دانشی بدرستی که گوش و چشم و دلهای همه خلائق و آن گروه هست از آن
مسؤولا ۝ ولا تمش في الأرض مرحا إنك لن تخرق الأرض ولن
پرسیده شده و مرو در زمین نازان و شادان بدرستی که تو هرگز نتوانی درید زمین را و هرگز
تبلغ الجبال طولا ۝ كل ذلك كان سيئه عند ربك
نتوانی رسید بکوهها بدرازی همه آن هست بدی نزد پروردگار تو
مكروها ۝ ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة ولا تجعل
بکراهیت آن از آن چیزهاست که وحی کرد بسوی تو پروردگار تو از حکمت و مگردان

مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ فَتُلْقىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ۝ أَفَأَصْفٰكُمْ
با خدا خدای دیگر را پس انداخته شود در دوزخ ملامت زده زیان کار ای پس برگزید شمارا
رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ
پروردگار شما پسران و فرا گرفت از فرشتگان مادگانی بدرستی که شما هراینه میگویید
قَوْلًا عَظِيمًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا
گفتاری بزرگ و بدرستی که هویدا کردیم ما در این قرآن تا پند گیرند
وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ۝ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ
و نیفزاید ایشان را مگر رمیدنی بگو اگر بودی با او خدایانی همچنانک میگویند
إِذًا لَابْتَغَوْا إِلىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۝ سُبْحَانَهُ وَتَعَالىٰ عَمَّا يَقُولُونَ
آنگه هراینه جویند با خداوند عرش راهی پاک و منزه است او و او برتر از آنچه میگویند
عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمٰوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ
از برتری بزرگ تسبیح میکند مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین و آنک
فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُونَ
در آنهااند و نیست هیچ چیزی مگر که تسبیح میکند بستایش او ولیکن در نمی یابید
تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ
تسبیح ایشان را بدرستی که او هست بردبار آمرزگار و چون خوانی تو قرآن را
جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا
بکردیم ما میان تو و میان آنها که نمی گروند باخرت پرده پوشیده

وَجَعَلْنَا عَلىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا
و بکردیم ما بر دلهای ایشان پوششی که در نیابند آنرا و در گوشهای ایشان گرانی است
وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا
و چون یاد کنی تو پروردگار خود را در قرآن که یگانه است او برگردند بر پشتهای خود رمندگان
نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ
ما داناتریم بدانچه گوش باز میدارند بدان چون گوش باز میدارند بسوی تو و چون ایشان
نَجْوىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ۝
راز میگویند آنگه گویند ستمکاران پیروی نمیکنید مگر مردی جادو زده را
اُنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
بنگر که چگونه بزدند مر ترا مثلها پس گمراه شدند پس نیافتند
حزب سَبِيلًا ۝ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
راه را و گفتند ای چون باشیم ما استخوانهای پوسیده و ریزیده ای ما آمده و انگیخته شدگان باشیم
خَلْقًا جَدِيدًا ۝ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا
در آفریدنی نو بگو باشید سنگهای یا آهن پارهای یا خلقی
مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي
از آنچه بزرگ می آید در سینهای شما پس زود گویند که کیست که باز گرداند ما را بگو آن خدای
فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ
که بیافرید شمارا اول بار پس زود بر جنبانند بسوی تو سرهای خود را و میگویند

متى هو قل عسى أن يكون قريبا ○ يوم يدعوكم فتستجيبون

كى خواهد بود آن بگو شايد بود كه باشد نزديك روزى كه برخواند شمارا پس پاسخ كنيد

بحمده وتظنون إن لبثتم إلا قليلا ○ وقل لعبادي يقولوا

بستايش او وگمان بريد شما كه درنگ نكرديد شما مگر اندكى وبگو مر بندگان مرا كه گويند

التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم إن الشيطان كان

بطريقتى كه آن نيكوترست بدرستى كه ديو وسوسه افكند ميان ايشان بدرستى كه ديو هست

للإنسان عدوا مبينا ○ ربكم أعلم بكم إن يشأ يرحمكم

مر آدمى را دشمنى روشن پروردگار شما داناترست بشما اگر خواهد رحمت كند شمارا

أو إن يشأ يعذبكم وما أرسلناك عليهم وكيلا ○ و

يا اگر خواهد عذاب كند شمارا ونفرستاديم ترا بر ايشان نگهبان اعمال و

ربك أعلم بمن في السماوات والأرض ولقد فضلنا بعض

پروردگار تو داناترست بآنكه در آسمانها وزمينست وبدرستى كه افزونى نهاديم ما بعضى

النبيين على بعض وآتينا داود زبورا ○ قل ادعوا الذين زعمتم

پيغمبرانرا بر بعضى وبداديم ما داود را كتاب زبور بگو برخوانيد آنهارا كه دعوى كرديد شما

من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا ○ أولئك

از خداى پس قادر نباشند بر داشتن زيانى از شما ونه بگردانيدن آن گروه

الذين يدعون يبتغون إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب و

آنها اند كه ميخوانند ايشانرا تا بجويند بسوى پروردگار خود وسيلتى كه كدام از ايشان نزديكترند

يرجون رحمته ويخافون عذابه إن عذاب ربك كان محذورا

اميد ميدارند رحمت اورا وميترسند از عذاب او بدرستى كه عذاب پروردگار تو هست ازان حذر كرده شده

وإن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيامة أو معذبوها

ونيست هيچ اهل دهى مگر ما هلاك كننده ايم آنرا پيش از روز قيامت يا عذاب كننده ايم آنرا

عذابا شديدا كان ذلك في الكتاب مسطورا ○ وما

عذابى سخت هست آن در لوح المحفوظ نوشته وثابت

منعنا أن نرسل بالآيات إلا أن كذب بها الأولون و

ومانع نشد مارا كه بفرستيم نشانها را مگر آنكه بدروغ داشتند آنرا اولينان

آتينا ثمود الناقة مبصرة فظلموا بها وما نرسل بالآيات

وبداديم ما قوم صالح را ناقه سبب بينايى معجزه پس بگشتند اورا ونفرستيم ما نشانهارا

إلا تخويفا ○ وإذ قلنا لك إن ربك أحاط بالناس وما جعلنا

مگر از بهر ترسيدنى وچون گفتيم ما مرترا كه پروردگار تو دانا است بحال مردمان ونكرديم ما

الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس والشجرة الملعونة في القرآن

خواب ترا آن خوابى كه ديدى مگر سبب آزمايشى مردمانرا ودرخت لعنت كرده شده در قرآن

ونخوفهم فما يزيدهم إلا طغيانا كبيرا ○ وإذ قلنا

وميترسانيم ايشانرا پس نمى افزايد ايشانرا مگر طغيانى بزرگ وچون گفتيم ما

للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس قال أأسجد لمن

مر ملائكه را كه سجده كنيد مر آدم را پس سجده كردند مگر ابليس گفت اى سجده كنم مرانرا

خلقت طينا ۝ قال أرأيتك هذا الذي كرمت علي لئن أخرتن إلى يوم
که آفریدی تو از گل گفت ابلیس ای دیدی تو این را آنک گرامی کردی بر من اگر تاخیر کنی مرا تا روز
القيامة لأحتنكن ذريته إلا قليلا ۝ قال اذهب فمن تبعك
قیامت برانم گمراه گردانم فرزندان آن او را مگر اندکی گفت خدا برو تو بکار خود پس هر که پیروی کند ترا
منهم فإن جهنم جزاؤكم جزاء موفورا ۝ واستفزز
از ایشان پس بدرستی که دوزخ پاداشت شما بود پاداشتی تمام و بلغز آن
من استطعت منهم بصوتك وأجلب عليهم بخيلك
آنرا که توانائی داشته باشی از ایشان باواز خود و برنشان برایشان سواران
ورجلك وشاركهم في الأموال والأولاد وعدهم وما يعدهم
و پیادگان خود را و انباز گردان ایشانرا در مالها و فرزندان و وعده ده ایشانرا و وعده نمیدهد ایشانرا
الشيطان إلا غرورا ۝ إن عبادي ليس لك عليهم سلطان
دیو مگر فریب بدرستی که بندگان من نیست مر ترا بریشان حجتی
وكفى بربك وكيلا ۝ ربكم الذي يزجي لكم الفلك
و بس است پروردگار تو بکارسازی پروردگار شما آن خدا است که میراند برای شما کشتی را
في البحر لتبتغوا من فضله إنه كان بكم رحيما ۝ وإذا
در دریا تا بجویید از فضل او بدرستی که او هست بشما مهربان و چون
مسكم الضر في البحر ضل من تدعون إلا إياه فلما نجاكم
برسد بشما زیانی در دریا گم شود آنک میخوانند مگر او را پس چون برهانید شما را

إلى البر أعرضتم وكان الإنسان كفورا ۝ أفأمنتم أن
سوی خشکی برگردید شما و هست آدمی ناسپاس ای پس ایمن شدید شما که
يخسف بكم جانب البر أو يرسل عليكم حاصبا ثم لا تجدوا
فرو برد شما را بجانب خشکی یا بفرستد بر شما سنگباران پس نیابید
لكم وكيلا ۝ أم أمنتم أن يعيدكم فيه تارة أخرى
٥ مر شما را کارسازی یا نه که ایمن شدید که بازگرداند شما را در آن یکبار دیگر
فيرسل عليكم قاصفا من الريح فيغرقكم بما كفرتم
پس بفرستد بر شما شکننده از باد پس غرق کند شما را بدانچه کافر شدید شما
ثم لا تجدوا لكم علينا به تبيعا ۝ ولقد كرمنا بني آدم
پس نیابید مر شما را بر ما بدان پیروی و بدرستی که گرامی کردیم ما فرزندان آدم را
وحملناهم في البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم
و برنشاندیم ما ایشانرا در خشکی و دریا و روزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها و افزونی نهادیم ما ایشانرا
على كثير ممن خلقنا تفضيلا ۝ يوم ندعو كل أناس
بر بسیاری از آنک آفریدیم ما افزونی نهادنی روزی که خوانیم همه گروه آدمیان را
بإمامهم فمن أوتي كتابه بيمينه فأولئك يقرءون كتابهم
به پیشوای ایشان پس هر که بدهند نامه او را بدست راست او پس آن گروه خوانند نامه خود را
ولا يظلمون فتيلا ۝ ومن كان في هذه أعمى فهو في الآخرة
و ستم کرده نشوند مقدار فتیله و هر که باشد در این دنیا بی بصیرت پس او در آخرت

أعمى وأضل سبيلا ۝ وإن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا

بی بصیرت تر بود و گمراه تر براه و بدرستی که نزدیک بود که بفتنت افکنند ترا از آنچه وحی کردیم ما

إليك لتفتري علينا غيره وإذا لاتخذوك خليلا ۝ ولولا أن

بتو تا بربافی بر ما جز آنرا و آنگه مر آینه فرا گیرند ترا بدوست و اگر نه آن بودی

ثبتناك لقد كدت تركن إليهم شيئا قليلا ۝ إذا

که ثابت بداشتمانی ترا بدرستی که میل بکردی بدیشان چیزی اندک آنگه

لأذقناك ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك

هر آینه درچشانیدمانی ترا دو بهره از زندگانی و دو بهره از مرگ پس نیافتی مر ترا

علينا نصيرا ۝ وإن كادوا ليستفزونك من الأرض ليخرجوك

بر ما یاری کنی و بدرستی که نزدیک بود که بلغزانند ترا از زمین تا بیرون کنند ترا

منها وإذا لا يلبثون خلافك إلا قليلا ۝ سنة من قد أرسلنا

از آن و آنگه درنگ نکردندی از پس تو مگر اندکی وضع طریقتی کردیم ترا همچنانک طریقتی که فرستادیم

قبلك من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا ۝ أقم الصلوة

پیش از تو از پیغمبران ما و نیابی تو مر طریقت ما را بگردیدنی بپای دار نماز را

لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان

مر برگشتن آفتاب را تا تاریک شدن شب و قرآن خواندن در نماز بامداد بدرستی که قرآن خواندن در نماز بامداد

مشهودا ۝ ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يبعثك

فرشتگان حاضر درا و بعضی از شب پس نماز تهجد گزار عطا زیادتی مر ترا شاید بود که برانگیزاند ترا

ربك مقاما محمودا ۝ وقل رب أدخلني مدخل صدق و

پروردگار تو بجایگاهی ستوده که عوامت و بگو ای پروردگار من درآور مرا در آوردنی نیکو

أخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا

و بیرون آور مرا بیرون آوردنی نیکو و بکن مرا از نزدیک خود حجتی

نصيرا ۝ وقل جاء الحق وزهق الباطل إن الباطل كان

یاری کننده و بگو آمد حق و نیست گشتند بتان بدرستی که بت باشد

زهوقا ۝ وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين

نیست شونده و فرو میفرستیم از قرآن آنچه آن شفاست و رحمت مر مومنان را

ولا يزيد الظالمين إلا خسارا ۝ وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونا

و نیفزاید ستمکاران را مگر زیانکاری و چون نعمت کنیم بر آدمی برگرداند و باز دور

بجانبه وإذا مسه الشر كان يئوسا ۝ قل كل يعمل على

کند خود را و چون برسد بدو بدی باشد نومید بگو هر یکی کار کنید بر

شاكلته فربكم أعلم بمن هو أهدى سبيلا ۝ ويسئلونك

خو و عادت خود پس پروردگار شما داناتر است بآنکه او راه یابنده تر است براه و می پرسند از تو

عن الروح قل الروح من أمر ربي وما أوتيتم من العلم إلا قليلا

از جان بگو جان از آن چیزهاست که متعلق است بعلم پروردگار من و نداده اند شما را از دانش مگر اندکی

ولئن شئنا لنذهبن بالذي أوحينا إليك ثم لا تجد لك به علينا

و اگر خواهیم هر آینه ببریم آنچه وحی کردیم ما بتو پس نیابی تو بدان بر ما

وكيلا ۝ الا رحمة من ربك ان فضله كان عليك كبيرا ۝ قل

كارسازى مكر رحمتى از پروردگار تو بدرستى كه فضل اوست بر تو بزرگ بگو

لئن اجتمعت الانس والجن على ان يأتوا بمثل هذا القرآن لا يأتون

اگر جمع شوند آدمى و پرى برآنكه آورند مانند اين قرآنرا نتوانند آوردن

بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا ۝ ولقد صرفنا للناس

مانند آن واگرچه باشند بعضى ايشان مر بعضى را هم پشت وبدرستى كه گوناگون بيان كرديم براى مردمان

في هذا القرآن من كل مثل فابى اكثر الناس الا كفورا

در اين قرآن از همه مثلى پس سر باز زدند بيشترين مردمان مگر ناسپاسى

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا ۝ او تكون

وگفتند باور نداريم مر ترا تا روان كنى براى ما از زمين چشمه يا باشد

لك جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا

مر ترا بستانى از خرما بنانى و انگورستانهاى پس روان كنى جويها را درميان آن روان كردنى

او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا او تأتي بالله

يا اندازى آسمانرا همچنانكه دعوى كردى تو بر ما پاره پاره يا آورى خدا

والملائكة قبيلا ۝ او يكون لك بيت من زخرف او ترقى في السماء

و فرشتگانرا روى باروى يا باشد مر ترا خانه از جواهر يا بالا روى در معارج آسمان

ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه قل سبحان

وهرگز باور نداريم بر شدن ترا تا فرود آورى بر ما كتابى كه بخوانيم آنرا بگو پاكست

ع

ربي هل كنت الا بشرا رسولا ۝ وما منع الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم

پروردگار من نيستم من مگر آدمى فرستاده برسالت ومنع نكرد مردمانرا كه بگروند چون آمد باو

الهدى الا ان قالوا ابعث الله بشرا رسولا ۝ قل لو كان

راه راست مگر آنكه گفتند اى برفرستاده است خداى آدمى را برسالت بگو اگر بودندى

في الارض ملائكة يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء

در زمين فرشتگان كه رفتندى آرامگيرندگان هر آينه فرو فرستاديمى بر ايشان از آسمان

ملكا رسولا ۝ قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم انه

فرشته را برسالت بگو بس است خدا گواه ميان من و ميان شما بدرستى كه او

نصف كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ومن يهد الله فهو المهتد ومن

هست بحال بندگان خود آگاه و بينا و هركه راه نمايد او را خدا پس او راه يابنده بود وهركه

يضلل فلن تجد لهم اولياء من دونه ونحشرهم يوم القيمة

كه گمراه كند پس هرگز نيابى مر ايشانرا دوستانى از جز او و حشر كنيم ايشانرا روز قيامت

على وجوههم عميا وبكما وصما مأويهم جهنم كلما

بر رويهاى ايشان كوران و گنگان و كران جايگاه ايشان دوزخ بود هرگاه

خبت زدناهم سعيرا ۝ ذلك جزاؤهم بانهم كفروا بآياتنا

كه ساكن شود بزياده كنيم ايشانرا آتش افروخته آنست پاداشت ايشان بسبب آنكه ايشان كافر شدند بنشانهاى ما

ورفاتا وقالوا ءاذا كنا عظاما ءانا لمبعوثون خلقا جديدا

وگفتند اى چون باشيم ما خاكى و استخوانهاى آيا ما برانگيختگان باشيم در آفريدن نو

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلٰى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

ای نبینند که خدا آن خدایست که آفرید آسمانها و زمین را تواناست بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا

وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ۝ قُلْ

و بدید کرد برای ایشان اجلی که هیچ شکی نیست در آن پس سر باز زدند ستمکاران مگر ناسپاسی بگو

لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ

اگر شما قادر می بودید خزینهای رحمت پروردگار مرا آنگه لازمه امساک میکردید شما از ترس درویشی

وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسٰى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ

و هست آدمی بغایت بخیل و بدرستی که بدادیم ما موسی را نه معجزهٔ روشن

فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ

پس بپرس از فرزندان یعقوب چون آمد به ایشان پس گفت مر او را فرعون که من گمان می برم ترا

يَا مُوسٰى مَسْحُورًا ۝ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ

ای موسی جادو گفت بدرستی که دانی تو که فرو نفرستاد اینها را مگر پروردگار

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ۝ فَأَرَادَ

آسمانها و زمین سبب بینائی دلها و بدرستی که من یقین میدانم ترا ای فرعون از جملهٔ هالکان پس خواست

أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا ۝ وَقُلْنَا مِنْ

که بلغزاند ایشانرا از زمین پس غرق کردیم ما او را و هر که با او بود همه و گفتیم ما از

بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا

پس او مر بنی اسرائیل را ساکن شوید در زمین پس چون آید وعدهٔ آخرت آوریم ما

بِكُمْ لَفِيفًا ۝ وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا

شما را همه با هم و بحق آنکه فرود آوردیم قرآنرا و بحق آنچه فرود آمد و نفرستادیم ما ترا مگر بشارت دهنده

وَنَذِيرًا ۝ وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلٰى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ

و بیم کننده و قرآنی را فاروق میان حق و باطل تا خوانی آنرا بر مردمان بر درنگی و فرو فرستادیم ما قرآنرا

تَنْزِيلًا ۝ قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ

فرو فرستادنی بگو بگروید بدان یا نگروید بدرستی که بداده شد ایشانرا دانش از پیش آن

إِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ۝ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

چون خوانده میشود بر ایشان بروی در افتند سجود کنندگان و میگویند پاک و منزه است پروردگار ما

إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ۝ وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ

بدرستی که هست وعدهٔ پروردگار ما روان کرده شده و بروی در افتند و گریند و بزیادت شود ایشانرا

خُشُوعًا ۝ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

خضوع بگو برخوانید خدا را یا برخوانید خدای روزی دهنده را بهر کدام نام که خواهید برخوانید پس مر او راست نامهای نیکو

وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلًا ۝ وَقُلِ

و بلند نخوان در نماز خود و آهسته بگوی آنرا و بجوی میان این و آن راهی و بگو

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ

سپاس مر خدا را آن خدای که فرا نگرفت فرزندی را و نبود مر او را انبازی در پادشاهی

يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ۝ ٥

و نبود مر او را هیچ دوستی از خواری و بزرگی یاد کن او را به بزرگی یاد کردنی

سجده وقف

سورة الكهف مائة وعشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای روزی دهنده مهربان

الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا
شکر وسپاس مر خدایرا آن خدائی که فرو فرستاد بر بنده خود محمد قرآنرا ونکرد آنرا کژی
قیما لینذر باسا شدیدا من لدنه ویبشر المؤمنین الذین یعملون
دین راست تا بیم کند بر پلیدی سخت از نزدیک او وبشارت دهد مومنانرا آنهائی که کردند
الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماکثین فیه ابدا وینذر
کارهای نیک بآنک باشد مر ایشانرا مزدی نیکو درنگ کنندگان در آنجا همیشه وبیم کند
الذین قالوا اتخذ الله ولدا ما لهم به من علم ولا لآبائهم
آنهارا که گفتند فراگرفت خدا فرزندی نیست مر ایشانرا بدان هیچ دانشی ونه پدران ایشانرا
کبرت کلمة تخرج من افواههم ان یقولون الا کذبا
بزرگ کلمه ایست که بیرون آید از دهنهای ایشان نمیگویند مگر دروغی
فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث
پس مگر تو هلاک کننده تن خودرا بر اثرهای ایشان اگر نگروند بدین سخن قرآن
اسفا انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایهم
بدردی بدرستی که بکردیم ما آنچ بر روی زمینست زینتی مر اهل آنرا تا بیازمائیم ایشانرا که کدام ایشان

احسن عملا وانا لجاعلون ما علیها صعیدا جرزا ام حسبت ان
نیکوتر عمل وبدرستی که ما کننده ایم آنرا آنچ بر روی زمینند خاکی بی نبات یا پنداشتی تو که
اصحاب الکهف والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا اذ اوی الفتیة الی
اصحاب غار وشکاف در کوه بودند از نشانهای ما شگفت چون پناه بردند جوانمردان بسوی
الکهف فقالوا ربنا آتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا
غار پس گفتند ای پروردگار ما بده مارا از نزد خود رحمتی وآسان کردن مارا از کارها
رشدا فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم
صوابی پس بخوابانیدیم ما ایشانرا در غار سالهای شمرده پس
بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا نحن نقص
بیدار کردیم ما ایشانرا تا بدانیم که کدامین از دو گروه شمرده ترند آنچه درنگ کردند غایتی را ما قصه میکنیم
علیک نبأهم بالحق انهم فتیة آمنوا بربهم وزدناهم هدی
بر تو خبر ایشانرا بحق بدرستی که ایشان جوانانی بودند که گرویده بودند بپروردگار خود وبیفزودیم ما ایشانرا راه
وربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض
ودل بستیم ما بر دلهای ایشان چون برخواستند پس گفتند که پروردگار ما پروردگار آسمانها وزمینست
لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا هؤلاء قومنا اتخذوا
هرگز نخوانیم از جز او خدائی را بدرستی که گفته باشیم آنگه دروغی این گروه قوم ما فرا گرفتند
من دونه آلهة لولا یأتون علیهم بسلطان بین فمن اظلم ممن
از جز او خدایانی را چرا نیاورند بر ایشان حجتی روشن پس کیست ستمکارتر از آنک

افترى على الله كذبا ۝ وإذ اعتزلتموهم وما يعبدون إلا الله

بربافت بر خدا دروغی / وچون باکسوی شدید ازیشان وآنچه می پرستیدند مگر خدا را

فأووا إلى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من

پس پناه دهید باغار تا پراگند مر شما را پروردگار شما از رحمت خود وآسان گرداند مر شما را از

أمركم مرفقا ۝ وترى الشمس إذا طلعت تزاور عن كهفهم

کار شما یاری و موافقت / و بیندی آفتاب را که چون بر می آید بر می تابد از غار ایشان

ذات اليمين وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال وهم في فجوة منه

از دست راست و چون فرو شد بر می آمد از جانب چپ و ایشان در تنگنائی بودند ازان

ذلك من آيات الله من يهد الله فهو المهتد ومن يضلل فلن

آن از نشانهای خداست آنرا که راه نماید خدا پس او راه یابنده بود و هر کرا که گمراه کنی پس هرگز

تجد له وليا مرشدا ۝ وتحسبهم أيقاظا وهم رقود

نیابی او را دوستی باصواب / و پنداشتی تو ایشانرا بیداران و ایشان خفتگان بودند

ونقلبهم ذات اليمين وذات الشمال وكلبهم باسط

و می گردانیدیم ما ایشانرا از جانب راست و از جانب چپ و سگ ایشان گستراننده بود

ذراعيه بالوصيد ۝ لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا

هر دو کف دست خود را باستانه در / اگر مطلع شدی برایشان برگشتی برگردیدی ازیشان که بگریختی

ولملئت منهم رعبا ۝ وكذلك بعثناهم ليتساءلوا بينهم

و پر آیند در خود ... ازیشان ترسی / وهمچنین که خوابانیده بودیم ما بیدار کردیم ما ایشانرا از یکدیگر پرسند ایشان

قال قائل منهم كم لبثتم قالوا لبثنا يوما أو بعض يوم قالوا

گفت گوینده از ایشان که چند درنگ کردید شما گفتند درنگ کردیم روزی یا بعضی از روز گفتند

ربكم أعلم بما لبثتم فابعثوا أحدكم بورقكم هذه إلى

پروردگار شما داناتر است بدانچه درنگ کردید پس بفرستید یکی را از شما بدین درم شما بسوی

المدينة فلينظر أيها أزكى طعاما فليأتكم برزق منه وليتلطف

نصف القرآن باعتبار الحروف

شهر پس باید که بنگرد که کدام چیز از طعامها پاکیزه تر است پس بیاورد شما را روزی ازان و باید که نرمی گوید

ولا يشعرن بكم أحدا ۝ إنهم إن يظهروا عليكم يرجموكم

و مطلع نگرداند بحال شما هیچ کس را / بدرستی که ایشان اگر مطلع شوند برشما سنگسار کنند شما را

أو يعيدوكم في ملتهم ولن تفلحوا إذا أبدا ۝ وكذلك

یا در آورند شما را در دین خود / و رستگاری نیابید آنگه همیشه / وهمچنین

أعثرنا عليهم ليعلموا أن وعد الله حق وأن الساعة لا ريب

پدید کردیم ما ایشان را تا بدانند بدرستی که وعده خدا حق است و آنکه قیامت در آن هیچ شکی نیست

فيها إذ يتنازعون بينهم أمرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا

در آن چون خصومت میکردند میان یکدیگر در کار خود پس گفتند بنا نهید بر ایشان بنا نهادنی

ربهم أعلم بهم قال الذين غلبوا على أمرهم لنتخذن عليهم

پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنها که غلبه کردند بر کار ایشان که هرآینه فرا گیریم بر ایشان

مسجدا ۝ سيقولون ثلاثة رابعهم كلبهم ويقولون

زیارتگاهی / زود گویند که سه بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود و میگویند

خمسة سادسهم كلبهم رجما بالغيب ويقولون سبعة

که پنج بودند ششم ایشان سگ ایشان بود انداختنی ناپیدا و میگویند که هفت بودند

وثامنهم كلبهم قل ربي أعلم بعدتهم ما يعلمهم إلا

وهشتم ایشان سگ ایشان بود بگو پروردگار من داناترست بشمار ایشان نداند ایشانرا مگر

قليل فلا تمار فيهم إلا مراء ظاهرا ولا تستفت فيهم منهم

اندکی پس جنگ مباش در حق ایشان مگر جنگ آشکار و فتوی مخواه در حق ایشان از ایشان

أحدا ولا تقولن لشيء إني فاعل ذلك غدا إلا أن يشاء الله

هیچ یکی را و مگوئید مر هیچ چیزی که من کننده ام آنرا فردا مگر که خواهد خدای

واذكر ربك إذا نسيت وقل عسى أن يهدين ربي لأقرب من

و یاد کن پروردگار خود را چون فراموش کنی و بگو شاید بود که راه نماید مرا پروردگار من نزدیکتر از

هذا رشدا ولبثوا في كهفهم ثلاث مائة سنين وازدادوا

این راه بصواب و درنگ کردند در غار خود سیصد سال و بزیادت کردند

تسعا قل الله أعلم بما لبثوا له غيب السماوات والأرض أبصر

نه سال دیگر را بگو که خدا داناترست بدانچه درنگ کردند مر اوراست غیب آسمانها و زمین بینا

به وأسمع ما لهم من دونه من ولي ولا يشرك في حكمه أحدا

بدو و شنوا نیست ایشانرا از جز او هیچ دوستی و انباز و انداز در حکم خود هیچ یکی را

واتل ما أوحي إليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته

و برخوان آنچه وحی کرده میشود بتو از کتاب پروردگار تو بدل کننده نیست مر سخنان او را

ولن تجد من دونه ملتحدا واصبر نفسك مع الذين يدعون

و هرگز نیابی از جز او پناهگاهی و صبر کن تن خود را با آنها که میخوانند

ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك

پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای او را و در مگذراناد دو چشم تو

عنهم تريد زينة الحياة الدنيا ولا تطع من أغفلنا قلبه

از ایشان میخواهی زینت زندگانی دنیا را و فرمان مبر آنرا که غافل کردانیدیم ما دل او را

عن ذكرنا واتبع هواه وكان أمره فرطا وقل الحق من

از یاد کرد ما و پیروی کرد هوای نفس را و بود کار او در ضایع و بگو حق از

ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر إنا أعتدنا للظالمين

برای ظالمان

پروردگار شماست پس هر که خواهد گو ایمان آور و هر که خواهد گو کافر شو بدرستی که ما ساختیم

نارا أحاط بهم سرادقها وإن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

آتشی را که گرد درآید بدیشان سراپردهای آن و اگر فریاد خواهند فریاد رسند ایشانرا بآبی همچون مس گداخته

يشوي الوجوه بئس الشراب وساءت مرتفقا إن الذين

که بریان کند رویها را بد بدست آن آشامیدنی و بد آرامگاهی بدرستی که آنها

آمنوا وعملوا الصالحات إنا لا نضيع أجر من أحسن عملا أولئك

که بگرویدند و کردند کارهای نیک بدرستی که ما ضایع نکنیم مزد آنرا که نیکو کرد عمل کار را آن گروه

لهم جنات عدن تجري من تحتها الأنهار يحلون فيها من أساور

مر ایشانرا بستانهای اقامت میرود از زیر آن جویها روان زیور در برکنند درانجا دستورنجهای

من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا من سندس واستبرق متكئين
از طلا و درپوشند جامهای سبز از سندس و استبرق تکیه زنندگان
فيها على الارائك نعم الثواب وحسنت مرتفقا ۝ واضرب
در آنجا بر تختها چه نیکو بود آن ثواب و چه نیکو بود تکیه جای و بزن
لهم مثلا رجلين جعلنا لاحدهما جنتين من اعناب
برای ایشان مثل دو مرد که کرده بودیم ما مر یکی را از ایشان دو بستان از انگور
وحففناهما بنخل وجعلنا بينهما زرعا ۝ كلتا الجنتين
و در نشانده بودیم در آن … خرما بنان و … کرده میان آن هردو کشت زرعی آن هردو بستان
اتت اكلها ولم تظلم منه شيئا وفجرنا خلالهما نهرا
میدادند بار خود را و … نمیکردند ازان چیزی و روان کرده بودیم در میان آن هردو جوییکه
وكان له ثمر فقال لصاحبه وهو يحاوره انا اكثر
و بود مر آنرا میوه پس گفت مر یار خود را و او خصومت میکرد با او که من بیشترم
منك مالا واعز نفرا ۝ ودخل جنته وهو ظالم لنفسه قال
از تو بمال و عزیز بنفر و در رفت در بستان خود و او ظالم بود بر تن خود گفت
ما اظن ان تبيد هذه ابدا ۝ وما اظن الساعة قائمة ولئن رددت
گمان نمی برم که نیست گردد این هرگز و گمان نمی برم قیامت را بودنی و اگر باز گردانیده شوم
الى ربي لاجدن خيرا منها منقلبا ۝ قال له صاحبه وهو يحاوره
با … پروردگار من … یابم بهتر ازان بازگشتن جای گفت مر او را یار او و او خصومت میکرد با او

حزب

اكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سوىك رجلا
ای کافر شدی بدان خدایی که آفرید ترا از خاک پس از نطفه پس راست اندام کرد ترا بصورت مردی
لكنا هو الله ربي ولا اشرك بربي احدا ۝ ولولا اذ دخلت جنتك
لیکن اوست خدا پروردگار من و انباز ندارم بپروردگار خود هیچ کس را و چرا چون در آمدی تو در بستان خود
قلت ما شاء الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منك مالا وولدا
نگفتی که آنچه خواسته بود خدای بشود هیچ قوتی نیست مگر بخدا اگر می بینی تو مرا کمتر از خود بمال و فرزند
فعسى ربي ان يؤتين خيرا من جنتك ويرسل عليها حسبانا من
پس شاید بود که پروردگار من بدهد مرا بهتر از بستان تو و بفرستد بران … از
السماء فتصبح صعيدا زلقا ۝ او يصبح ماؤها غورا فلن
آسمان پس گردد … یا گردد آب آن بزمین فرو شده پس
تستطيع له طلبا ۝ واحيط بثمره فاصبح يقلب كفيه على
نتوانی آنرا طلب کردنی و فرو گرفته شد میوه او پس بامداد کرد … دست
ما انفق فيها وهي خاوية على عروشها ويقول يا ليتني لم اشرك
بر آنچه خرج کرده بود در آنجا و آن افتاده بود بر سقفهای آن و گفت ای کاشکی من انباز نگرفتمی
بربي احدا ۝ ولم تكن له فئة ينصرونه من دون الله وما كان
بپروردگار خود هیچ یکی را و نبود مر او را گروهی که یاری کنند او را از جز خدا و نبود
منتصرا ۝ هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا وخير عقبا
داد ستاننده آنجا که ولایت مر خدای را … او بهتر بثواب و بهتر بعاقبت

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَآءٍ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَآءِ

و بزن برای ایشان مثل زندگانی دنیا همچون آبی که فرو فرستادیم آنرا از آسمان

فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ

پس مخلوط شد بدان رستنی زمین پس گشت ناچیز که پراکنده کند آنرا بادها و هست

اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ۝ اَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيٰوةِ

خدا بر همه چیزی قادر و توانا مال دنیا و پسران زینت زندگانی

الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ اَمَلًا

دنیا اند و نمازهای پنج گانه و اعمال صالحه بهتر نزد پروردگار تو بثواب و بهتر بامید

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْاَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ

و یاد کن روزی را که روان کنیم کوهها را و بینی تو زمین را شکفته و گرد آوریم ایشان را پس باز نگذاریم

مِنْهُمْ اَحَدًا ۝ وَعُرِضُوا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ

از ایشان هیچ یکی را و عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف صف هر آینه آمدید بما همچنانکه آفریدیم شما را

اَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتَابُ

اول بار بلکه گمان بردید شما که نه پدید نکنیم مر شما را وعده جایی و بنهند نامه اعمال را

فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هٰذَا

پس بینی تو کافران را ترسندگان از آنچه بود در آن و گویند ای وای بر ما چیست این

الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً اِلَّا اَحْصٰيهَا

نامه را که نگذاشته است نه کوچک و نه بزرگ را مگر که بر شمرده است آنرا

وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ۝ وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ

و یابند آنچه کرده باشند حاضر و ستم نکند پروردگار تو بر هیچ یکی را و چون گفتیم ما مر فرشتگان را

اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوا اِلَّا اِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ

سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که بود از دیوان پس نافرمانی کرد از فرمان

رَبِّهِ اَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

پروردگار خود ای پس فرا میگیرید او را و فرزندان او را دوستان از جز من و ایشان مر شما را دشمن

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۝ مَا اَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلَا

بد است مر ستمکاران را بدلی حاضر نکردانیدم ایشان را با آفرینش آسمانها و زمین و نه

خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ

با آفرینش تنهای ایشان و نیستم من فراگیرنده گمراهان را بیاری دهنده و روزی

يَقُولُ نَادُوا شُرَكَآئِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا

که گوید خدا بخوانید انبازان من آنها که دعوی کردید شما پس برخواندند ایشان را پس پاسخ نکنند

لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۝ وَرَاَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا اَنَّهُمْ

مر ایشان را و پدید کنیم میان ایشان حایلی و ببینند کافران آتش را پس بدانند که ایشان

مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ

در رفتنی اند در آنجا و نیابند از آن بگردیدنی و بدرستی که صفت کردیم در این قرآن

لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ۝ وَمَا

برای مردمان از هر مثلی و هست آدمی بیشتر چیزی مجادله کننده

مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُؤْمِنُوا اِذْ جَاءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ اِلَّا

و منع نکرد مردمانرا که بگروند چون آمد بدیشان راه و آمرزش خواهند از پروردگار مگر

اَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِينَ اَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا • وَمَا

که آید بدیشان طریقت پیشینیان یا آید بدیشان عذاب روی باروی

نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ اِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و نفرستادیم ما رسولانرا مگر بشارت دهندگان و بیم کنندگان و خصومت کردند آنهاکه کافر شدند

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا اٰيَاتِي وَمَا اُنْذِرُوا هُزُوًا •

بباطل تا نیست کنند بدان حق را و فرا گرفتند نشانهای مرا و آنچه بیم کرده شدند باستهزا

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيَاتِ رَبِّهِ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا

و کیست ستمکارتر از انکه پند داده شود بنشانهای پروردگار خود پس برگردد از آن و فراموش کند آنچه

قَدَّمَتْ يَدَاهُ اِنَّا جَعَلْنَا عَلٰى قُلُوبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوهُ

از پیش داشته باشد دو دست او هر آینه که بکردیم ما بر دلهای ایشان پوششی که در نیابند آنرا

وَفِي اٰذَانِهِمْ وَقْرًا • وَاِنْ تَدْعُهُمْ اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَهْتَدُوا

و در گوشهای ایشان گرانیت و اگر خوانی ایشانرا با راه پس هرگز راه نیابند

اِذًا اَبَدًا • وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا

آنگه همیشه و پروردگار تو آمرزگارست خداوند رحمت اگر فرا گیرد ایشانرا بدانچه

كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ

اندوخته باشند هر آینه شتافتی مر ایشانرا عذاب بلکه مر ایشانراست وعده گاهی که نیابند از جز او

مَوْئِلًا • وَتِلْكَ الْقُرٰى اَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا

پناهگاهی و آن اند اهل شهرها که هلاک کردیم ما ایشانرا چون ستم کردند و بکردیم ما

لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا • وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِفَتَاهُ لَا اَبْرَحُ حَتّٰى اَبْلُغَ

مر هلاک ایشانرا وعده گاهی و چون گفت موسی مر جوان خود را یوشع بن نون هرگز نروم تا برسیم

مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا • فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا

مجمع البحرین و اگر چه روم هشتاد سال پس چون برسیدند بمجمع البحرین فراموش کردند

حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا • فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ

ماهی خود را پس فرا گرفت ماهی راه خود را در دریا شگفتی پس چون بگذشتند گفت مر جوان خود را

اٰتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا • قَالَ اَرَاَيْتَ

که بیار بما چاشت ما بدرستی که رسید بما از سفر ما این رنجی گفت ای دیدی تو

اِذْ اَوَيْنَا اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا اَنْسَانِيهُ اِلَّا الشَّيْطَانُ

چون جای گرفتیم ما بسوی سنگ پس من فراموش کردم ماهی را و از یاد من نبرد آنرا مگر دیو

اَنْ اَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا • قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا

که یاد کنم آنرا و فرا گرفت ماهی راه خود را در دریا بتعجب گفت آنست که بودیم

نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا • فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا

جوییم پس برگشتند بر اثرهای خود قصه گویان پس یافتند بنده را از بندگان ما

اٰتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا • قَالَ لَهُ مُوسٰى هَلْ

که بداده بودیم ما او را رحمتی از نزد ما و در آموخته بودیم او را از نزدیک خود دانشی گفت مر او را موسی

أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۝ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
ای پیروی کنم ترا بر آنک در آموزانی مرا از آنچه در آموخته اند ترا صوابی کفت خضر که تو نتوانی با من

صَبْرًا ۝ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ۝ قَالَ
صبر کردن و چگونه صبر کنی بدانچه نرسیدی بدان با آگاهی کفت موسی

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ۝ قَالَ
زود یابی مرا اگر خواهد خدا صبر کننده و نا فرمانی نکنم مر ترا در هیچ کاری کفت خضر

فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
پس اگر پیروی میکنی مرا پس مپرس از من از هیچ چیزی تا روشن کنم مر ترا از آن پندی

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
پس برفتند تا چون برنشستند در کشتی بشکست آنرا خضر کفت ای بشکستی آنرا

لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ
تا غرق شوند اهل آن بدرستی که آمدی تو بچیزی عجب کفت خضر ای نکفتم که تو

تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي
نتوانی با من صبر کردن کفت فرا مگیر مرا بدانچه فراموش کردم و مگیر مرا

مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ۝ فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ
از کار من دشواری پس چون برفتند تا چون برسیدند بکودکی پس بکشت خضر او را کفت

أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا
ای بکشتی تنی را پاک بی آنک بکشته بودی دیگری را بدرستی که آمدی بچیزی منکر

الجزء ١٦

نصف القرآن باعتبار الحروف

أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ
ای نکفتم مر ترا که تو نتوانی با من صبر کردن کفت موسی اگر در خواهم از تو از

شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ۝ فَانْطَلَقَا
چیزی پس ازین پس مصاحبت مکن با من بدرستی که برسیده باشی از نزدیک من بعذر بر گرفتی پس برفتند

حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا
تا چون آمدند بر اهل دهی که خوانا بی داشتند پس سر باز زدند که مهمانی کنند ایشان را پس یافتند

أَهْلَهَا

فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ
در آنجا دیواری که نزدیک بود که بیفتد پس راست بداشت آنرا کفت اگر میخواستی فرا بگرفتی بر آن

أَجْرًا ۝ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ
مزدی کفت خضر اینست فراق میان من و میان تو زود باگاهانم ترا بتفسیر آنچه

تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۝ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ
نتوانستی با من بران صبر کردن اما کشتی پس بود مر بیچارگانرا

يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ
که کار میکردند در دریا پس خواستم که عیبناک کردانم آنرا و بود از پس ایشان پادشاهی

يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ۝ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ
که فرا میگرفت هر کشتی را بغصب و اما کودک پس بودند پدر و مادر او

مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۝ فَأَرَدْنَا
مومن پس بترسیدیم ما که بگیرد آنهارا از طغیان و ناسپاسی پس خواستیم ما

أن يبدلهما ربهما خيرا منه زكوة وأقرب رحما ۝ وأما الجدار

که بدل کنه ایشانرا پروردکار ایشان بهتر ازان بپاکی و نزدیکتر براءت وامّا دیوار

وكان لغلامين يتيمين في المدينة وكان تحته كنز

پس بود مر دو کودک یتیم را در شهر و بود در زیر آن گنجی

لهما وكان أبوهما صالحا ۝ فأراد ربك أن يبلغا أشدهما

مر ایشانرا و بود پدر ایشان مردی نیکو پس خواست پروردکار تو که برسند بجای قوت خود

ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك وما فعلته عن

و بیرون آورند گنج خودرا رحمتی از پروردکار تو و نکردم آنرا از

أمري ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرا ۝ ويسئلونك

پیش خود آنست تاویل آنچه توانایی نداشتی بر آن صبر کردن و می پرسند ترا

عن ذي القرنين قل سأتلوا عليكم منه ذكرا ۝ إنا مكنا

از حال اسکندر بگو زود برخوانم بر شما از آن پندی بدرستی که ما تمکین داده بودیم

له في الأرض وآتيناه من كل شيء سببا ۝ فأتبع سببا ۝ حتى إذا

مر اورا در زمین و بداده بودیم ما اورا از هر چیزی سببی پس پیروی کرد آن سبب را تا چون

بلغ مغرب الشمس وجدها تغرب في عين حمئة ووجد عندها

برسید بجای فرو شدن آفتاب یافت آنرا که فرو میرفت در چشمهٔ گرم و یافت نزدیک آن

قوما ۝ قلنا يا ذا القرنين إما أن تعذب وإما أن تتخذ

گروهی گفتیم ما ای اسکندر یا آنکه عذاب کنی و یا آنکه فرا گیری

فيهم حسنا ۝ قال أما من ظلم فسوف نعذبه ثم يرد إلى

در میان ایشان نیکویی گفت اما آنکه ستم کرد پس زود عذاب کنیم اورا پس ردکرده شود سوی

ربه فيعذبه عذابا نكرا ۝ وأما من آمن وعمل صالحا

خدای پروردکار خود پس عذاب کنند اورا عذابی منکر و اما آنکه بگروید و کارهای نیکو کرد

فله جزاء الحسنى وسنقول له من أمرنا يسرا ۝ ثم أتبع سببا

پس مر اورا پاداشت بهشت بود و زود گوییم مر اورا از فرمان ما آسانی پس پیروی کرد سبب

حتى إذا بلغ مطلع الشمس وجدها تطلع على قوم لم نجعل

تا چون برسید بجای برآمدن آفتاب یافت آنرا که بر می آید بر گروهی که نکرده بودیم

لهم من دونها سترا ۝ كذلك وقد أحطنا بما لديه

مر ایشانرا از جز آن پرده همچنین دانایم بدانچه نزد او بود

خبرا ۝ ثم أتبع سببا ۝ حتى إذا بلغ بين السدين وجد من

آگاهی پس پیروی کرد سببی را تا چون برسید میان دو بند یافت از

دونهما قوما ۝ لا يكادون يفقهون قولا ۝ قالوا يا ذا

جز ایشان گروهی را که نزدیک نبود که دریابند گفتاری را گفتند ای

القرنين إن يأجوج ومأجوج مفسدون في الأرض فهل

اسکندر بدرستی که یاجوج و ماجوج تباهی کنندگانند در زمین پس آیا

نجعل لك خرجا على أن تجعل بيننا وبينهم سدا ۝ قال

کنیم مر ترا خرجی بر آنکه کنی میان ما و میان ایشان بندی گفت

مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ

آنچه تمکین داد مرا دران پروردگار من بهتر پس مدد دهید مرا بقوتی تا بدید کنم میان شما و

بَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ

میان ایشان بند سدی بیاورید مرا پاره آهن را تا چون

قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

گفت در دمید تا چون گرداند آنرا آتشی گفت بیاورید تا بریزم بران پاره مس را

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۝

پس توانای ندارند که برآیند بران و توانای نداشته باشند مر آنرا سوراخ کردن

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ

گفت این رحمتیست از پروردگار من پس چون آید وعده پروردگار من بکند آنرا خورد ود

وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۝ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ

هست وعده پروردگار من بحق و بگذاریم ما بعضی ایشانرا آنروز که روند

فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ۝ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ

در میان بعضی و در دمند در صور پس جمع کردیم ما ایشانرا همه و عرض کنیم ما دوزخ را

يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۝ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي

آنروز مر کافرانرا عرض کردنی آنهائی که بود چشمهای ایشان در

غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝ أَفَحَسِبَ

پوشش از یاد کردن من و بودند توانائی نداشته باشند شنودن را ای پس پنداشتند

الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا

آنها که کافر شدند که فراگیرند بندگان مرا جز از من مددیاران بدرستی که بیچاردیم ما

جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ

دوزخ را برای کافران معدی بگو ای بیاکاهانم شمارا بزیانکارترین

أَعْمَالًا ۝ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ

عملها آنهااند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان پنداشتند

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ

که ایشان نیکوئی میکنند آن گروه آنهااند که کافر شدند بنشانهای پروردگار خود

وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و بباز رسیدن باو پس باطل شد عملهای ایشان پس ننهیم مرایشانرا روز قیامت

وَزْنًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي

وزنی آن پاداشت دادیم ما ایشانرا دوزخ بسبب آنچه کافر شدند و فرا گرفتند نشانهای مرا

وَرُسُلِي هُزُوًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ

و پیغمبران مرا بافسوس بدرستی که آنها که بگروند و کردند کارهای نیک باشد

لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا

مر ایشانرا بهشت فردوس منزلگاهی همیشه باشند در آنجا نجویند از ان

حِوَلًا ۝ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ

گردیدنی بگو اگر بودی دریاها مداد مر سخنان پروردگار من هر اینه نافد شدی دریاها پیش

نوشته شدنی

أن تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا ۝ قل إنما

از انکه نافد شوند سخنان پروردگار من واگرچه آوریم مانند آنرا بمدد بگو جز این نیست

أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فمن

که من آدمی‌ام مانند شما وحی کرده میشود بمن که خدای شما یکیست پس هر که

كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك

هست امید دارد بازرسیدن پروردگار خود پس باید که کند کاری نیکو و انباز فرا نارد

بعبادة ربه أحدا

پرستیدن پروردگار خود هیچ کی را

سورة مريم عليها السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

كهيعص ۝ ذكر رحمت ربك عبده زكريا ۝ إذ نادى

این یاد کرد رحمت پروردگار تو بر بنده خود زکریا چون بخواند

ربه نداء خفيا ۝ قال رب إني وهن العظم مني واشتعل

پروردگار خودرا خواندنی پنهان گفت ای پروردگار من بدرستی که سست شد استخوان از من و برافروخته شد

الرأس شيبا ۝ ولم أكن بدعائك رب شقيا ۝ وإني

موی سر بپیری ونبودم بخواندن تو ای پروردگار من بی نصیب و بدرستی که من

خفت الموالي من ورائي وكانت امرأتي عاقرا ۝ فهب لي من

می ترسم از خویشاوندان که از پس من باشند وهست زن من نازاینده پس ببخش مرا از

لدنك وليا ۝ يرثني ويرث من آل يعقوب واجعله رب

نزد خود دوستی که میراث گیرد از من و میراث گیرد از آل یعقوب و بکن اورا ای پروردگار من

رضيا ۝ يا زكريا إنا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل

پسندیده ای زکریا بدرستی که ما بشارت میدهیم ترا بفرزندی که نام او یحیی بود نکرده ایم

له من قبل سميا ۝ قال رب أنى يكون لي غلام وكانت

اورا از پیش هم نامی گفت ای پروردگار من از کجا بود مرا فرزندی وهست

امرأتي عاقرا ۝ وقد بلغت من الكبر عتيا ۝ قال كذلك

زن من نازاینده و بدرستی که برسیدم من به پیری گفت جبرئیل همچنین است

قال ربك هو علي هين وقد خلقتك من قبل ولم تك شيئا

گفت پروردگار تو آن بر من آسانست و بدرستی که آفریدم ترا از پیش ونبودی تو چیزی

قال رب اجعل لي آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلث

گفت ای پروردگار من بکن مرا نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نکوئی با مردمان سه

ليال سويا ۝ فخرج على قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا

روز بیماری پس بیرون آمد بر قوم خود از پیش محراب پس وحی کرد بدیشان که تسبیح گوئید

بكرة وعشيا ۝ يا يحيى خذ الكتاب بقوة وآتيناه

بامداد و شبانگاه ای یحیی فراگیر کتاب را از قوت وبدادیم ما اورا

الحكم صبيا ۝ وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا

حکمت در حالت کودکی ومهربانی از نزدیک ما و پاکی وبود پرهیزکار

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا • وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ
و نیکوکار بمادر و پدر خود و نبود گردنکش عاصی و سلام بر و باد روزی
وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا • وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
که زاییده شد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب
مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا • فَاتَّخَذَتْ
مریم را چون بایکسو شد از کسان خود بجایگاهی شرقی پس فراگرفت
مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا
از جز ایشان پرده پس فرستادیم بسوی او جبرئیل را پس نمانده شد او را بصورت مردی
سَوِيًّا • قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا
تمام خلقت گفت مریم هر آینه من پناه میگیرم بخدا از تو اگر هستی تو پرهیزکار
قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا • قَالَتْ أَنَّىٰ
گفت جبرئیل جز این نیست که من رسول پروردگار تو تا ببخشم مر ترا فرزندی پاک گفت مریم از کجا بود
يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا • قَالَ
مرا فرزندی و حال آنکه نرسیده است بمن آدمی و نبودم من ستمکار گفت
كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ
همچنین است که تو میگویی گفت پروردگار تو آن بر من آسانست و تا بکنیم او را نشانی برای مردمان
وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا • فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ
و رحمتی بود از ما و هست فرمانی گزارده شده پس باردار شد بعیسی پس بایکسو شد

بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا • فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ
او را بجایگاهی دور پس آمد نزد درد زاییدن بزیر تنه خرما بن گفت مریم
يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا • فَنَادَاهَا
ای کاشکی من مرده بودم پیش ازین و میبودم فراموش کرده و منسی پس برخواند مریم را
مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا • وَهُزِّي
آنکه در زیر او بود بانگ که اندوه مخور که گردانید پروردگار تو در زیر تو مهتری را و بجنبان
إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا • فَكُلِي
سوی تنه درخت خرما بن تا فرو ریزد بر تو خرماهای چیده پس بخور
وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا • فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي
و بیاشام و روشن چشم باش پس اگر ببینی تو از آدمی هیچ یکی را پس بگو که من
نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا • فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا • فَأَتَتْ
نذر کردم مر خدای را روزه داشتن پس سخن نگویم امروز با هیچ آدمی پس آمد
بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا • يَا
بنزد قوم او که برداشته بود او را گفتند ای مریم هر آینه که آمدی تو بچیزی شنیع ای
أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ
خواهر هارون نبود پدر تو مردی بد و نبود
أُمُّكِ بَغِيًّا • فَأَشَارَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ
مادر تو بدکار

سوء وما كانت امك بغيا • فاشارت اليه قالوا كيف
پس اشارت کرد مریم بسوی عیسی گفتند که چگونه
نكلم من كان في المهد صبيا • قال اني عبد الله
سخن گوییم با آنکه هست در گهواره کودک گفت که من بنده خدایم
اتاني الكتاب وجعلني نبيا وجعلني مباركا اينما
بداد مرا کتاب انجیل وگردانید مرا پیغمبر وگردانید مرا خجسته ومبارک هر کجا که
كنت واوصاني بالصلوة والزكوة ما دمت حيا • وبرا بوالدتي
باشم وفرمود مرا بنماز وزکات مادام که باشم زنده ونیکوئی کننده با مادر خود
ولم يجعلني جبارا شقيا • والسلام علي يوم ولدت ويوم
ونکرد وانساخت مرا گردنکش بدبخت وسلام باد برمن روزی که زاییده شدم وروزی
اموت ويوم ابعث حيا • ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي
که بمیرم وروزی که برانگیخته شوم زنده کردم آنست عیسی پسر مریم گفتار بحق آنچه
فيه يمترون • ما كان لله ان يتخذ من ولد سبحانه
در آن شک میشوند نبود مر خدا را که فرا گیرد هیچ فرزندی پاک ومنزه است او
اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون • وان الله ربي وربكم
چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مرآنرا که بباش پس بباشد وبدرستی که خدا پروردگار من وشما

فاعبدوه هذا صراط مستقيم • فاختلف الاحزاب من
پس بپرستید اورا که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از
بينهم فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم • اسمع
میان ایشان پس وای مرآنانرا که کافر شدند از حاضر شدن روزی بزرگ بشنوم
بهم وابصر يوم ياتوننا لكن الظالمون اليوم في
بدیشان ومی بینم روزی که آیند بما لیکن ستمکاران امروز در
ضلال مبين • وانذرهم يوم الحسرة اذ قضي الامر
گمراهی روشن باشند وبیم کن ایشانرا روز اندوه وحسرت چون گزارده شد فرمان
وهم في غفلة وهم لا يؤمنون • انا نحن نرث الارض
وایشان در غفلتی اند وایشان نمی گروند بدرستی که ما میراث برگیریم زمین را
ومن عليها والينا يرجعون • واذكر في الكتاب
وانکه بر اوست وبا جز ما بازگردانیده شوند ویاد کن در کتاب
ابرهيم انه كان صديقا نبيا • اذ قال لابيه يا ابت
ابرهیم را بدرستی که بود راست گو پیغمبری چون گفت ابرهیم مر پدر خود را ای پدر من
لم تعبد ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا • يا ابت
چرا می پرستی آنچه نشنود ونه بیند ونه بسنده باشد از تو چیزی ای پدر من
اني قد جاءني من العلم ما لم ياتك فاتبعني اهدك صراطا
بدرستی که آمد بمن از دانش آنچه نیامد بتو پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا براه

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا • وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ

ونیکوکار بمادر و پدر خود ونبود گردنکش عاصی وسلام بر و باد روزی

وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا • وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

که زاییده شد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب

مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا • فَاتَّخَذَتْ

مریم را چون بایکسوی شد از کسان خود بجایگاهی شرقی پس فرا گرفت

مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا

از جز ایشان پرده پس بفرستادیم سوی او جبرئیل ما را پس مانند شد او را بصورت مردی

سَوِيًّا • قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

تمام خلقت گفت مریم بدرستی که من پناه میگیرم بخدا از تو اگر هستی تو پرهیزکار

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا • قَالَتْ أَنَّىٰ

گفت بدرستی که غیر رسول پروردگار تو تا ببخشم مر ترا فرزندی پاک گفت مریم از کجا بود

يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا • قَالَ

مرا فرزندی وحال آنکه نرسیده است بمن آدمی و نبودم من ستمکار گفت

كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ

همچنین است که تو میگویی گفت پروردگار تو آن بر من آسان است و تا بکنیم او را نشانی برای مردمان

وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا • فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ

و رحمتی بود از ما و هست فرمانی گزارده شده پس باردار شد بعیسی پس بایکسوی

بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا • فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ

او را بجایگاهی خالی پس آمد نزدیک درد زاییدن بزیر تنه خرما بن گفت مریم

يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا • فَنَادَاهَا

ای کاشکی من نمی‌مردم پیش از ین و می‌بودم فراموش کرده و نسی پس برخواند مریم را

مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا • وَهُزِّي

آنکه در زیر او بود بانگ اندوه مخور که گردانید پروردگار تو در زیر تو مهتری را و بجنبان

إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا • فَكُلِي

سوی تنه درخت خرما بنان تا فرو ریزد بر تو خرماهای چیده پس بخور

وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا • فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا • فَقُولِي إِنِّي

و بیاشام و روشن چشم باش پس اگر بینی تو از آدمی هیچ یکی را پس بگو که من

نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا • فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا • فَأَتَتْ

نذر کردم مر خدای روزی بخشنده را روزه داشتن پس سخن نگویم امروز با هیچ آدمی پس آمد

بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا • يَا

بنزد قوم او که برداشته بود او را گفتند ای مریم بدرستی که آمدی تو بچیزی شنیع ای

أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ

خواهر هارون نبود پدر تو مردی بد و نبود

أُمُّكِ بَغِيًّا • فَأَشَارَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ

مادر تو بدکار

سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا ۝ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ

پس اشارت کرد مریم بسوی عیسی کنند که چگونه

نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۝ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ

سخن گوییم با آنک هست در گهواره کودک گفت که من بنده خدایم

آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَمَا

بداد مرا کتاب انجیل وگردانید مرا پیغمبر وگرداند مرا خجسته ومبارک هرکجا که

كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَوٰةِ وَالزَّكَوٰةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۝ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي

باشم وفرمایم بنماز وزکات مادام که باشم زنده ونیکوئی کننده با مادر خود

وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ۝ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ

ونگردانید مرا گردنکش بدبخت وسلام باد بر من روزی که زاییده شدم وروزی

أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۝ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي

که بمیرم وروزی که برانگیخته شوم زنده گردم آنست عیسی پسر مریم گفتار بحق آنچه

فِيهِ يَمْتَرُونَ ۝ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ

در آن بشک میشوند نبود مر خدا را که فرا گیرد هیچ فرزندی پاک ومنزه است او

إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ

چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مر آنرا که بباش پس بباشد وبدرستی که خداست پروردگار من وشما

فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ

پس بپرستید او را که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از

بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ أَسْمِعْ

میان ایشان پس وای مر آنها را که کافر شدند از حاضر شدن روزی بزرگ چه شنوا

بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَٰكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي

بدیشان وچه بینا روزی که آیند با ما لیکن ستمکاران امروز در

ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ

گمراهی روشن باشند وبیم کن ایشان را روز اندوه وحسرت چون گزارده شد فرمان

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ

وایشان در غفلتی اند وایشان نمی گروند بدرستی که ما بمیراث برگیریم زمین را

وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

وانکه بر آنست وباجزاء ما بازگردانیده شوند ویاد کن در کتاب

إِبْرَٰهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ

ابرهیم را بدرستی که بود راست گوی پیغمبری چون گفت ابرهیم مر پدر خود را ای پدر من

لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۝ يَا أَبَتِ

چرا می پرستی آنچه نشنود ونه بیند وبسنده گرداند از تو چیزی ای پدر من

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا

بدرستی که آمده بمن از دانش آنچه نیامده بتو پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا بر راه

سَوِيًّا • يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ

راست • ای پدر من مپرست دیو را بدرستی که دیو هست مر خدا را

عَصِيًّا • يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَتَكُونَ

عاصی • ای پدر من بدرستی که من می ترسم که برسد بتو عذابی از خدای روزی دهنده پس باشی

لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا • قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرٰهِيمُ

دیو را دوست • گفت آزر ای رغبت بگردانیده تو از خدایان من ای ابرهیم

لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا • قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ

آزر اگر باز نایستی از این آزرده سنگسار کنم ترا و دوری گزین از من بسیاری • گفت سلام وداع باد بر تو

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا • وَأَعْتَزِلُكُمْ

زود آمرزش خواهم ترا از پروردگار خود که او هست بمن مهربان • و با یکسوی شوم از شما

وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسٰى أَلَّا أَكُونَ

و آنچه میخوانند شما از جز خدای و میخوانم پروردگار خود شاید که نباشم

بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا • فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

بخواندن پروردگار خود بدبخت • پس چون با یکسوی شد از ایشان و آنچه می پرستیدند از جز

اللّٰهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ٥

خدای بخشودیم ما مر اورا اسحق را و اسحق را یعقوب و همه را بکردیم ما پیغمبران

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

و بخشودیم ما مر ایشان را از رحمت خود و گردانیدیم ما مر ایشان را زبانی راست افراشته

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسٰى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا

و یاد کن در قرآن موسی را بدرستی که او بود خالص کار و بود رسولی

نَبِيًّا • وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

پیغمبر • و بر خواندیم ما اورا از جانب کوه طور ایمن و نزدیک گردانیدیم ما اورا بهم رازی

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هٰرُونَ نَبِيًّا • وَاذْكُرْ

و بخشودیم ما مر اورا از رحمت ما برادر اورا هارون پیغمبری • و یاد کن

فِي الْكِتَابِ إِسْمٰعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ

در قرآن اسمعیل بدرستی که او بود راست کننده وعده و بود

رَسُولًا نَبِيًّا • وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ

رسولی پیغمبر • و بود که میفرمود اهل خود را بنماز و زکات

وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا • وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ

و بود نزدیک پروردگار خود پسندیده • و یاد کن در قرآن ادریس را

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا • وَ

بدرستی که او بود راست گوی پیغمبری • و

رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا •

و بر افراشتیم ما اورا بمکان و جایگاهی عالی و بلند مرتبه

مكانا عليا ○ أولئك الذين أنعم الله عليهم من النبيين
آن گروه آنهااند که نعمت کرد خدای بریشان از پیغمبران
من ذرية آدم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية إبراهيم و
از فرزندان آدم و آزانکه درکشتی برداشتیم با نوح و از فرزندان ابراهیم
إسرائيل وممن هدينا واجتبينا إذا تتلى عليهم
و یعقوب و آزانکه راه نمودیم ما و برگزیدیم ایشانرا چون خوانده شود بریشان
آيات الرحمن خروا سجدا وبكيا ○ فخلف من بعدهم خلف
نشانهای خدای بروی درافتند سجود کننده و گریه کنند پس درپی ایشان واقع شدند از پس ایشان فرزندان بد
سجده
أضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا ○ إلا
که ضایع کردند نمازرا و پیروی کردند آرزوهای نفس را پس زود افتاده شوند در گمراهی
من تاب وآمن وعمل صالحا فأولئك يدخلون الجنة
مگر آنکه توبه کرد و بگروید و کاری نیکو کرد پس آن گروه درروند در بهشت
ولا يظلمون شيئا ○ جنات عدن التي وعد الرحمن عباده بالغيب
و ستم کرده نشود چیزی در بستانهای اقامت باشند آنکه وعده داد خدا بندگان خودرا بناپیدا
إنه كان وعده مأتيا ○ لا يسمعون فيها لغوا إلا سلاما
بدرستی که هست وعده او آینده نشنوند درآنجا هیچ ناخوشی مگر گفتار سلامتی
ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا ○ تلك الجنة التي
ومرایشانرا بود روزی ایشان درآنجا بامداد و شبانگاه آنست بهشت آنکه

نورث من عبادنا من كان تقيا ○ وما نتنزل إلا بأمر ربك
میراث دهیم بندگان خودرا آنرا که باشد پرهیزکار و فرود نیاییم مگر بفرمان پروردگار تو
له ما بين أيدينا وما خلفنا وما بين ذلك وما كان ربك
داو راست آنچه در پیش ماست و آنچه از پس ماست و آنچه میان آنست و نیست پروردگار تو
نسيا ○ رب السموات والأرض وما بينهما فاعبده واصطبر
فراموش کار پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست پس بپرست اورا و صبر نمای
نصف
لعبادته هل تعلم له سميا ○ ويقول الإنسان أإذا ما مت
بر پرستیدن اورا ای هیچ میدانی اورا همنام و میگوید آدمی ای چون بمیرم
لسوف أخرج حيا ○ أولا يذكر الإنسان أنا خلقناه من قبل
هرآینه زود بیرون آورده شوم زنده ای یاد نمیکند آدمی که ما آفریدیم اورا از پیش
ولم يك شيئا ○ فوربك لنحشرنهم والشياطين ثم
و نبود او چیزی پس بحق پروردگار تو که جمع کنیم ایشانرا و دیوانرا پس
لنحضرنهم حول جهنم جثيا ○ ثم لننزعن من كل شيعة
هرآینه حاضر کردانیم ایشانرا پیرامون دوزخ بزانو درآیندگان پس بیرون آوریم از گروهی
أيهم أشد على الرحمن عتيا ○ ثم لنحن أعلم بالذين هم أولى
که کدام سختتر بودند برخدای سرکشی پس هرآینه ما داناتریم بآنانکه ایشان سزاوارترند
بها صليا ○ وإن منكم إلا واردها كان على ربك
بدان درآمدن و هیچ کس نبود از شما مگر که آینده بود پیرامون آن هست بر پروردگار تو

حتماً مقضياً • ثم ننجي الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثياً
وعده گزارده پس برهانیم آنها را که پرهیزیدند و بگذاریم ستمکاران را در آنجا برانو در آینده گان
وإذا تتلى عليهم آياتنا بينات قال الذين كفروا للذين
و چون خوانده شود بر ایشان نشانهای ما روشن گویند آنها که کافر شدند مر آنها را
آمنوا أي الفريقين خير مقاماً وأحسن ندياً • وكم
که بگرویدند که کدامیک از دو گروه بهترند بجایگاه و نیکوتر بانجمن و بسا
أهلكنا قبلهم من قرن هم أحسن أثاثاً ورئياً •
که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهان که ایشان نیکوتر بودند بتماش خانه
قل من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مداً • حتى إذا
بگو هر که باشد در گمراهی پس در کشد مر او را خدای در کشیدنی تا چون
رأوا ما يوعدون إما العذاب وإما الساعة فسيعلمون
ببینند آنچه وعده داده شدند یا عذاب و یا قیامت پس زود بدانند
من هو شر مكاناً وأضعف جنداً • ويزيد الله الذين اهتدوا
که کیست که او سخت زشت تر بجایگاه و ضعیف تر بلشکر و زیادت کند خدا آنها که راه یافتند
هدى ط والباقيات الصالحات خير عند ربك ثواباً وخير
راستی و نمازهای پنج گانه و اعمال صالحه بهتر نزد پروردگار تو ثواب و بهتر
مرداً • أفرأيت الذي كفر بآياتنا وقال لأوتين مالاً وولداً
بعاقبت ای دیدی آنکسی را که کافر شد بنشانهای ما و گفت هر آینه داده شوم مالی و فرزندی

أطلع الغيب أم اتخذ عند الرحمن عهداً لا كلا سنكتب
ای مطلع شده است بر غیب یا فرا گرفته است نزد خدای عهدی حقا که زود باز نویسیم
ما يقول ونمد له من العذاب مداً لا ونرثه ما يقول ويأتينا
آنچه میگوید و مدد کنیم مر او را از عذاب مدد کردنی و میراث دهیم او را آنچه بگوید و آید بما
فرداً • واتخذوا من دون الله آلهة ليكونوا لهم عزاً لا
تنها و فرا گرفتند از جز خدا خدایانی را تا باشند مر ایشان را عزتی
كلا سيكفرون بعبادتهم ويكونون عليهم ضداً
حقا که زود کافر شوند بپرستیدن ایشان و باشند بر ایشان معاندان
ألم تر أنا أرسلنا الشياطين على الكافرين تؤزهم أزاً لا
ای ننگریستی تو که بفرستادیم ما دیوان را بر کافران در میجنبانند ایشان را در جنبانیدنی
فلا تعجل عليهم إنما نعد لهم عداً • يوم نحشر
پس شتاب مکن بر ایشان بدرستی که ما بر شمردیم ایشان را بر شمردنی روزی که جمع کنیم
المتقين إلى الرحمن وفداً • ونسوق المجرمين إلى جهنم
پرهیزکاران را با خدای روزی دهنده سواران و برانیم کافران را بسوی دوزخ بر شال
ورداً • لا يملكون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً
شتران تشنه قادر نباشند بهیچ خواهشی مگر آنکه فرا گرفته بود نزد خدای عهدی
وقالوا اتخذ الرحمن ولداً • لقد جئتم شيئاً إداً لا تكاد
و گفتند فرا گرفته است خدای فرزندی هر آینه که آمدید شما بچیزی منکر نزدیک بود

السموات يتفطرن منه وتنشق الأرض وتخر الجبال هدا

که آسمانها شکافته شوند ازان و شکافته گردد زمین و بیفتادند کوهها خورد و مرد شدنی

أن دعوا للرحمن ولدا ۝ وما ينبغي للرحمن أن يتخذ ولدا

بانگ خواندند خدای روزی دهنده را فرزندی و نسزد خدا را که فرا گیرد فرزندی

إن كل من في السموات والأرض إلا آتي الرحمن عبدا

نیستند همه آنکه در آسمانها و زمینست مگر که آینده اند بخدای روزی دهنده به بندگی

لقد أحصاهم وعدهم عدا ۝ وكلهم آتيه يوم

بدرستی که بشمرد ایشانرا و بشمرد ایشانرا بشماردنی و همه ایشان آینده اند بدو در روز

القيمة فردا ۝ إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات

قیامت تنها بدرستی که آنانکه بگرویدند و کردند کارهای نیک

سيجعل لهم الرحمن ودا ۝ فإنما يسرناه بلسانك لتبشر

زود بکند مر ایشانرا خدای روزی دهنده پس بدرستی که آسان کردیم ما این قرآنرا بزبان عربی تا بشارت دهی

به المتقين وتنذر به قوما لدا ۝ وكم أهلكنا

بدان پرهیزکارانرا و بیم کنی بدان گروهی که خصومتند و بسا که هلاک کردیم ما

قبلهم من قرن هل تحس منهم من أحد أو تسمع لهم ركزا

پیش ازیشان از گروهان ای می بینی ازیشان هیچ یکی یا می شنوی مر ایشانرا آوازی نرم

سورة طه مائة وخمس وثلثون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

طه ۝ ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى ۝ إلا تذكرة لمن

ای طاهر ای هادی فرو نفرستادیم ما بر تو قرآنرا تا رنجه شوی مگر پندیست مر آنرا

يخشى ۝ تنزيلا ممن خلق الأرض والسموات العلى

که بترسد فرو فرستادنیست از آن خدایی که آفرید زمین و آسمانها را از بلند و عالی

الرحمن على العرش استوى ۝ له ما في السموات وما في الأرض

خدای روزی دهنده بر عرش مستولیست مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست

وما بينهما وما تحت الثرى ۝ وإن تجهر بالقول فإنه

و آنچه میان آن هر دوست و آنچه در زیر خاکست واگر آشکارا کنی گفتاررا پس بدرستی که او

يعلم السر وأخفى ۝ الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى

میداند پنهان را و پنهان تررا خدا نیست خدای مگر او مر اوراست نامهای نیکو

وهل أتاك حديث موسى ۝ إذ رأى نارا فقال لأهله امكثوا

و بدرستی که آمد بتو قصه موسی چون دید آتشی را پس گفت مر کسان خودرا که درنگ کنید

إني آنست نارا لعلي آتيكم منها بقبس أو أجد على النار

که من دیدم آتشی را تا بود که من آورم بشما ازان پاره یا اطلاع یابم بر آتش

هدى ۝ فلما أتاها نودي يا موسى ۝ إني أنا ربك فاخلع نعليك

راهی پس چون آمد بدانجا ندا کرده شد که ای موسی بدرستی که منم پروردگار تو بیرون کن نعلین خودرا

إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۝ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى
بدرستی که تو بوادی پاکی که نام آن طویست ومن برگزیدم ترا پس گوش باز دار مر آنرا که وحی کرده میشود
إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي ۝ وَأَقِمِ الصَّلَوٰةَ لِذِكْرِي
بدرستی که منم خدا نیست خدائی مگر من پس بپرست مرا وبپای دار نماز را مر یاد کرد مرا
إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ
بدرستی که قیامت آینده است نزدیکست که ظاهر کنم آنرا تا پاداش داده شود هر تنی
بِمَا تَسْعَىٰ ۝ فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
بدانچه سعی کرده بود پس برمگرداناد ترا از آن آنکه نگرویده بدان وپیروی کرد هوای نفس خودرا
فَتَرْدَىٰ ۝ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ۝ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا
پس برگشت وچیست آن که بدست راست تست ای موسی گفت آن عصای منست که تکیه میکنم
عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ ۝ قَالَ
بر آن ومیپرانم بدان گوسپندان خودرا ومراست در آن حاجتهای دیگر گفت خدا
أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ ۝ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ۝ قَالَ خُذْهَا
بینداز آنرا ای موسی پس انداخت آنرا پس آنگه آن ماری بود می شتافت گفت خدا بگیر آنرا
وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ۝ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ
ومترس زود باز آوریم آنرا بطریق اول وضم گردان دست خودرا
جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ۝ لِنُرِيَكَ مِنْ
با گریبان خود تا بیرون آید سپید از عیبی نشانی دیگر بود تا باز نمائیم ترا از

آيَاتِنَا الْكُبْرَى ۝ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۝ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي
نشانهای ما بزرگتر برو بسوی فرعون که او طاغیست گفت ای پروردگار من برگشا
صَدْرِي ۝ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ۝ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا
سینه مرا بعلم وآسان گردان مرا کار من وبرگشا گره ولکنتی که واقعست در زبان من تا دریابند
قَوْلِي ۝ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي
گفتار مرا وبدیه یکی بهر من وزیری از کسان من هارون که برادر منست محکم گردان بدو پشت من
وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي ۝ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ
وانباز گردان اورا در کار من تا بپاکی یاد کنیم ترا بسیاری و یاد کنیم ترا
كَثِيرًا ۝ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ۝ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ
بسیاری بدرستی که تو هستی بحال ما بینا گفت خدا بدادم حاجت ترا ای موسی
وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ۝ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ
وبدرستی که منت نهادیم ما بر تو یکبار دیگر چون وحی کردیم ما بمادر تو آنچه وحی کرده شد
أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ
که در فکن اورا در تابوتی پس بینداز اورا در دریا پس باید که اندازد اورا دریا
بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۝ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً
بکناره تا فراگیرد اورا دشمنی که مراست ودشمنی که مر اوراست وانداختم بر تو محبتی
مِنِّي ۝ وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ۝ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ
از من چون میرفت خواهر تو پس میگفت ای دلالت کنم شمارا

عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ
برانکه پایندانی کند اورا پس بازگردانیدیم ترا سوی مادر تو تا روشن شود چشم او و اندوه نخورد
وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ
و بکشتی تو تنی را پس برهانیدیم ترا از غم و اندوه آن و آزمودیم ترا آزمودنی پس درنگ کردی
سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى ● وَ
سالها در میان اهل مدین پس آمدی بر قدری ای موسی و
اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ● اذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا
برگزیدم ترا از بهر رسالت خود برو تو و برادر تو بنشانهای من
تَنِيَا فِي ذِكْرِي ● اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ● فَقُولَا لَهُ
و سستی مکنید در یاد کرد من بروید سوی فرعون بدرستی که او طاغیست پس بگوئید مر او را
قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى ● قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا
گفتاری نرم تا بود که او پند گیرد یا بترسد گفتند ای پروردگار ما بدرستی
نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى ● قَالَ لَا تَخَافَا إِنَّنِي
که ما می ترسیم ما که بشتابد برما یا آنکه طاغی شود گفت خدا مترسید که من
مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى ● فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ
با شما ام می شنوم و می بینم پس بروید سوی او پس بگوئید که ما دو پیغمبر پروردگار توایم
فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ
پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب مکن ایشان را بدرستی که آمدیم با تو بمعجزه

مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى ● إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ
از پروردگار تو و سلام باد برانکه پیروی کرد راه او را بدرستی که وحی کرده شد بما که
الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ● قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى ●
عذاب برانکس بود که بدروغ داشت و برگشت گفت فرعون کیست پروردگار شما ای موسی
قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى ● قَالَ
گفت پروردگار ما آن خدائیست که بداد هر چیزی را آفرینش آن پس راه نمود گفت فرعون
فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى ● قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ
پس چه بود حال گروهان زمانه پیشین گفت موسی علم آن نزد پروردگار منست در لوح المحفوظ
لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ● الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ
بضلالت نیفتد پروردگار من و نه فراموش کند آن خدائی که بگرد برای شما زمین را بمثابت گهواره و پدید کرد
لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا
برای شما در آنجا راههای و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بدان جفتهائی را
مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى ● كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
از گیاهی پراکنده گفتیم ما بخورید و بچرانید چهارپایان خود را بدرستی که در آن نشانهاست
لِأُولِي النُّهَى ● مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا
خداوندان خردها را از آنجا آفریدیم ما شما را و در آنجا بازگردانیم شما و از آنجا
نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ● وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى
بیرون آوریم شما را یکبار دیگر و بدرستی که بازنمودیم او را نشانهای ما همه آن پس بدروغ داشت و باز کرد

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ۝ فَلَنَأْتِيَنَّكَ
گفت ای آمدی بما تا بیرون کنی ما را از زمین ما بسبب جادوی خود ای موسی پس هر آینه آوریم تو
بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ
جادوی مانند آن پس بکن میان ما و میان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آن را نه ما
وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۝ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَ
و نه تو بجا نگاهی گفت وعده جای شما روز عید است
أَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ۝ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى
و آنکه جمع آیند مردمان چاشتگاه پس برگشت فرعون پس جمع کرد کید خود را پس آمد
قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ
گفت مر ایشان را موسی وای بر شما بر مبافید بر خدا دروغ را پس درهشانه شما را
بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ۝ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ
بعذابی و بی‌بهره شد که نومید شد آنکه دروغ بر بافته بود پس مخالف کردند در کار خویش میان یکدیگر
وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ۝ قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ
و پنهان کردند راز را گفتند که این دو جادوانند میخواهند که بیرون کنند شما را
مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى
از زمین شما بسبب جادوی خود و ببرند طریقت شما را پیشینه
فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى
پس گرد کنید کید خود را پس بیائید صف صف و بدرستی که رستگاری یافت امروز آنکه تفوق جست

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۝ قَالَ
گفتند ای موسی یا باشی تو اندازنده و یا باشیم ما اول آنکه اندازد گفت موسی
بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ
بلکه شما اندازید پس آنکه رسنهای ایشان و عصاهای ایشان می‌نمود او را از سحر ایشان
أَنَّهَا تَسْعَى ۝ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ۝ قُلْنَا لَا تَخَفْ
که آن می‌شتافت پس در تن خویش گذاشت ترسی را موسی گفتیم ما مترس
إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ۝ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا
بدرستی که تو توئی بلندتر و بینداز آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه کردند بدرستی
صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ۝ فَأُلْقِيَ
آنچه کردند کید ساحر است و رستگاری نیابد ساحر هرجا که آید پس در افتادند
السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ۝ قَالَ آمَنْتُمْ
ساحران سجود کنندگان گفتند بگرویدیم ما بپروردگار هرون و موسی گفت فرعون ای بگرویدید شما
لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ
مر او را پیش از آنکه فرمایم شما را بدرستی که او بزرگ شماست آنکه در آموخت شما را سحر
فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ
پس هر آینه ببرم دستهای شما را و پایهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بردار کنم شما را
فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ۝ قَالُوا لَنْ
در تنه خرمابن و هر آینه بدانند که کدامین سخت‌تر بعذاب و باقی‌تر گفتند بر

نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ
برگزینیم ترا بر آنچه آمد بما از حجتهای و آن خدای که بیافرید مارا پس بکن آنچه کننده تو

إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا
بدرستی که حکم کنی تو درین زندگانی دنیا بدرستی که بگرویدیم بپروردگار ما تا بیامرزد مارا گناهان ما

وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ إِنَّهُ
و آنچه باکراه برداشتی تو مارا بر آن از سحر و خدا بهترست و باقی تر بدرستی

مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ
که هرکه آید بپروردگار خود کافر پس بدرستی که او را بود دوزخ نمیرد درانجا و نه زید

وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ
وهرکه آید بوی مومن بدرستی که کرده باشد کارهای نیک پس آن گروه مر ایشانرا بود مرتبهای

الْعُلَىٰ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
او برتر بستانهای اقامت که رود از زیر آن جویها همیشه باشند

فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ
درانجا و آنست پاداشت آنکه پاک شد و بدرستی که وحی کردیم بموسی که شب

أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ
ببر بندگان مرا پس بزن ایشان را راهی در دریا خشک نترسی تو

دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم
از دریافتن فرعون و نترسی از غرق شدن پس در پی ایشان استاد فرعون با لشکرهای خود پس پوشانید ایشانرا

مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
از دریا آنچه پوشانید ایشانرا و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود گفتیم ای بنی اسرائیل

قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ
بدرستی که برهانیدیم ما شمارا از دشمنان شما و وعده دادیم شمارا از جانب کوه طور

الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ
ایمن و فرو فرستادیم ما بر شما ترنگبین را و مرغ را گفتیم بخورید از پاکیهای

مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي
آنچه روزی کردیم ما شمارا و طاغی مشوید دران پس فرود آید بر شما خشم من

وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن
وهرکه فرود آید برو خشم من پس بدرستی که هلاک شود و بدرستی که من بهراینه آمرزنده ام مر آنرا

تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ
که باز آید و بگرود و کار نیکو کند پس باشد راه یافته و چه بشتافت ترا از قوم تو

يَا مُوسَىٰ قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ
ای موسی گفت موسی ایشانرا این قوم بر اثر من اند و بشتافتم بتو ای پروردگار من تا خشنود شوی

قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ
گفت خدا پس بدرستی که آزمودیم ما قوم ترا از پس تو و گمراه کرد ایشانرا سامری

فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ
پس باز گشت موسی با قوم خود خشمگین و اندوهگین گفت ای قوم من ای نه وعده داد شمارا پروردگار شما

وَعْداً حَسَناً أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ
وعدهٔ نیکو ای دراز گشت بر شما مدت دیدن شما را یا خواستید شما که فرود آید
عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي قَالُوا
بر شما خشمی از پروردگار شما پس خلاف کردید شما در وعدهٔ من گفتند
مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلَكِنَّا حُمِّلْنَا أَوْزَاراً مِنْ
خلاف نکردیم ما وعدهٔ ترا باختیار ما ولیکن برداشته بودیم ما بارهایی را از
زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ فَأَخْرَجَ
زینت قوم پس انداختیم ما آنرا و همچنین انداخت سامری پس بیرون آورد
لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوَارٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ
ایشانرا گوساله تنی که او را بود بانگی پس گفتند اینست خدای شما و خدای
مُوسَى فَنَسِيَ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلاً وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ
موسی پس فراموش کرد ای ندیدند که باز نمیگردد با ایشان گفتار و نمی دارد مر ایشانرا
ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ
زیانی و نه سودی و بدرستی که گفته بود مر ایشانرا هارون از پیش که
يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ
ای قوم من بدرستی که فتنت افکندند شما را بدان و بدرستی که پروردگار شما خدای روزی دهنده است پس پی روی کنید مرا
أَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ
و فرمان برید در کار من گفتند همیشه بران مقیم شوندگان باشیم تا باز گردد

إِلَيْنَا مُوسَى قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا أَلَّا
با ما موسی گفت موسی ای هارون چه منع کرد ترا چون دیدی ایشانرا که برگشتند که از
تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا
پس من نیامدی ای خلاف کردی در فرمان من گفت ای پسر مادر من فرا مگیر ریش من و نه
بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ
سر من بدرستی که من ترسیدم که گویی تو فرقت افکندی میان من و بنی اسرائیل و نگه
تَرْقُبْ قَوْلِي قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ قَالَ بَصُرْتُ
نداشتی گفتار مرا گفت موسی پس چیست کار تو ای سامری گفت سامری دیدم
بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا
آنچه ندیدی تو آنرا پس برگرفتم قبضهٔ خاک از اثر سم اسب جبرئیل پس انداختم آنرا
وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ
و همچنین بیاراست مرا تن من گفت موسی پس برو تو پس بدرستی که ترا است در زندگانی دنیا
أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِداً لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ إِلَى إِلَهِكَ
که گویی لا مساس و بدرستی که ترا است وعده جایی که خلاف نکند از آن و بنگر بخدای خود
الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفاً لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ
آن خدای که همه روز بران مقیم شونده بودی هر اینه بسوزانیم آنرا پس هر اینه باد بر دهیم آنرا در دریا
نَسْفاً إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً
باد در دادنی بدرستی که خدای شما خدا است آن خدای که نیست خدایی مگر او فرا رسیده است بهمه چیزی بدانش

كذلك نقص عليك من انباء ما قد سبق وقد اتيناك من لدنا
همچنین بازمیگوئیم ما برتو از خبرهای آنچه گذشت و بدرستی که بدادیم ما ترا از نزدیک ما

ذكرا ۝ من اعرض عنه فانه يحمل يوم القيمة وزرا
پندی هر که برگردد ازان پس بدرستی که او بردارد روز قیامت باری را

خالدين فيه وساء لهم يوم القيمة حملا ۝ يوم ينفخ
جاوید بود دران و بد بود ایشانرا روز قیامت باری . ازروز در دمند

في الصور ونحشر المجرمين يومئذ زرقا ۝ يتخافتون بينهم
در صور و حشر کنیم کافرانرا ازروز گرچشمان درنگ گویند سخن را که میان ایشان

ان لبثتم الا عشرا ۝ نحن اعلم بما يقولون اذ يقول امثلهم
درنگ نکردید شما مگر ده روز ما داناتریم بدانچه میگویند چون گوید فاضلترین ایشان

طريقة ان لبثتم الا يوما ۝ ويسئلونك عن الجبال فقل
بگفتار درنگ نکردی شما مگر روزی و می پرسند از تو حال کوهها پس بگو

ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا صفصفا ۝ لا ترى
باد برد پهد ازا پروردگار من بباد دادنی پس بگذارد از زمین هاموں نرم نه بینی تو

فيها عوجا ولا امتا ۝ يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له
دران هیچ کژی و نه پشته ازروز پس روی کنند داعی را کژی نبود ازا

وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا ۝ يومئذ لا تنفع
وخاضع شوند خداوندان آوازها مر خدای روزی دهنده را پس نشنوی تو مگر آوازی نرم ازروز سود نکند

الشفاعة الا من اذن له الرحمن ورضي له قولا ۝ يعلم ما بين
شفاعت مگر آنرا که دستوری داده باشد اورا خدای بخشنده و او بگفتار داند آنچه در پیش

ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما ۝ وعنت
ایشان بود و آنچه درپس ایشان بود و در نرسند بدو بدانش وخاضع شوند

الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝ ومن يعمل
خداوند رویها مر زنده پاینده را و بدرستی که نومید شد آنکه بر داشت ظلمی و هرکه کند از کارها

من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ۝ وكذلك
نیکو و او مؤمن بود پس نترسد از کاهش ثواب و نه از عذاب و همچنین

انزلناه قرانا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون
فرو فرستادیم ما این قرآن را بلغت عربی و وعید کردیم ما دران از گفتار وعید تا مگر بود که ایشان بپرهیزند

او يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك الحق ولا
یا پدید آورد مر ایشان را پندی پس او برتر است خدا پادشاه بحق

تعجل بالقران من قبل ان يقضى اليك وحيه وقل رب
بشتاب مخوان قرآن را از پیش آنکه بگذارند بتو وحی آن را و بگوی ای محمد پروردگار من

زدني علما ۝ ولقد عهدنا الى ادم من قبل فنسي ولم نجد
بزیادت کن مرا دانش و بدرستی که فرمودیم ما بآدم از پیش پس فراموش کرد و نیافتیم

له عزما ۝ واذ قلنا للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس
اورا عزمی و چون گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس

أَبَىٰ وَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا
که سرباز زد پس گفتیم ما که ای آدم بدرستی که این دشمنست مر ترا و مر زن ترا پس بیرون نیارد شمارا
مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ وَأَنَّكَ
از بهشت پس تو رنجور شوی بدرستی که مر تراست که گرسنه نشوی در آن و نه برهنه شوی و آنکه
لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ
تشنه نشوی در آن و نه گرما یابی پس وسوسه کرد اورا شیطان گفت
يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ فَأَكَلَا
ای آدم ای راه نمونی کنم ترا بر درخت جاویدی و ملکی که کهنه نشود پس بخوردند
مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا
ازان پس ظاهر شد مرایشان را عورات ایشان و در ایستادند می دوسانیدند بر خود
مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ
از برگ درخت بهشت و خلاف کرد آدم فرمان پروردگار خود را پس بنادانی ماند پس برگزید اورا
رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا
پروردگار او پس بپذیرفت توبه او و راه نمود بصواب گفت خدای پایین برید ازان همه
بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ
که بعضی شما مر بعضی را دشمن باشند پس اگر آید بشما از من راهی پس هر که
اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي
پس روی کرد راه مرا پس نه گمراه شود و نه بدبخت شود و هر که برگردد از یاد کردن من

فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ قَالَ
پس بدرستی که او را باشد زیستنی تنگ و حشر کنیم او را روز قیامت کور گوید
رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَٰلِكَ
ای پروردگار من چرا برانگیختی مرا کور و بدرستی که بودم من بینا گوید همچنین است
أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ وَكَذَٰلِكَ
آمدند بتو پس فراموش کردی تو آنرا و همچنین امروز ترک کنند ترا از رحمت و همچنین
نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ
پاداشت دهیم آنرا که اسراف کرد و نگروید بنشانهای پروردگار خود و هر آینه عذاب آخرة سخت تر
وَأَبْقَىٰ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ
و باقی تر آیا پس روشن نشد ایشان را که بس که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از
الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ
گروهان میرفتند در مسکنهای خویش بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست
لِأُولِي النُّهَىٰ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا
مر خداوندان خردهارا و اگر نه سخنی بودی پیشی گرفته از پروردگار تو هر آینه بودی عذابی لازم
وَأَجَلٌ مُسَمًّى فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ
و اجلی نام نهاده شده پس صبر کن برانچه میگویند و تسبیح کن بستایش پروردگار خود پیش
طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ
از برآمدن آفتاب و پیش از فرو شدن آن و از ساعتهای شب پس تسبیح کن و در کنارهای

النهار لعلك ترضى ۝ ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به
روز تا بود مگر که تو راضی شوی و در مکذار دو چشم تو با نچه برخورداری دادیم ما بدان
ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم فيه و
صنفهای از ایشان را آرایش زندگانی دنیا تا بیازمائیم ما ایشانرا در آن
رزق ربك خير وابقى ۝ وأمر اهلك بالصلوة واصطبر عليها
و روزی پروردگار بهتر و باقی تر و بفرمای اهل خودرا بنماز و بپای دار بر آن
لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى ۝ وقالوا
نخواهیم از تو روزی را ما روزی میدهیم ترا و عاقبت مر پرهیزکاران را بود و گفتند
لولا يأتينا بآية من ربه اولم تأتهم بينة ما في الصحف الاولى
چرا نیاورد ما را نشانی را از پروردگار خود آیا نیامد بدیشان حجت آنچه در صحف او لینست
ولو انا اهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا
واگر هلاک میکردانیدیم ما ایشان را بعذابی از پیش آن هر اینه گفتندی ای پروردگار
لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك من قبل ان نذل
چرا فرو نفرستادی تو بما رسولی را تا پس روی کردیمی نشانهای ترا از پیش آنکه خوار
ونخزى ۝ قل كل متربص فتربصوا فستعلمون من
شدیمی و رسوا شدیمی بگو ای محمد همه چشم دارنده ایم پس چشم دارید پس زود بدانید که کیست
اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى
اصحاب راه راست و آنکه راه یافت

الجزو ١٧

سورة الانبياء عليهم السلام مائة واثنتي عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ۝ ما يأتيهم
نزدیک شد مردمان را حساب ایشان و ایشان در غفلتی اند برگردندگان نیاید بدیشان
من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون
هیچ پندی از پروردگار ایشان نو مگر که شنیدند آنرا و ایشان بازی میکردند
لاهية قلوبهم واسروا النجوى الذين ظلموا هل هذا الا بشر
غافل بودند دلهای ایشان و پنهان کردند رازرا آنها که ستم کردند میگفتند نیست این مگر آدمی
مثلكم افتأتون السحر وانتم تبصرون ۝ قال ربي يعلم القول
مانند شما ای پس می آیند بسحر و شما میدانید بگو ای محمد پروردگار من داند گفتار را
في السماء والارض وهو السميع العليم ۝ بل قالوا اضغاث
در آسمانها و زمین و اوست شنوا و دانا بلکه گفتند این خوابهای
احلام بل افتريه بل هو شاعر فليأتنا بآية كما ارسل الاولون
شوریده اند آری برساخت آنرا بلکه او شاعر است پس باید که آورد بما نشانی چنانکه فرستاده شدند اولینان
ما امنت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۝ وما ارسلنا
نگرویدند پیش از ایشان هیچ اهل دهی که هلاک کردیم ما آنرا ای ایشان بگروند و نفرستادیم ما

قبلك
پیش از تو

الا رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون
پیغمبرانی را مگر مردانی را که وحی کردیم بدیشان پس درخواهید از اهل پند اگر هستید شما که نمیدانید

وما جعلناهم جسدا لا يأكلون الطعام وما كانوا
و نکردیم ما ایشان را تنی که نخورند طعام را و نباشند ایشان

خالدين ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم ومن نشاء و
جاویدان پس راست کردیم ما ایشان را وعده پس برهانیدیم ما ایشان را و انرا که خواستیم

اهلكنا المسرفين لقد انزلنا اليكم كتابا فيه
و هلاک کردیم ما گزافکاران را بدرستی که فرو فرستادیم ما بشما کتابی را که در انست

ذكركم افلا تعقلون وكم قصمنا من قرية كانت
پندی مر شمارا ای پس در نمی یابید و بسا که هلاک کردیم ما از اهل دهی که بودند

ظالمة وانشأنا بعدها قوما اخرين فلما احسوا بأسنا اذا
ستمکاران و افریدیم ما از پس آن قومی دیگر را پس چون یافتند عذاب ما را انگه

هم منها يركضون لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه
ایشان از ان میگریختند مگریزید و باز گردید با آنچه متنعم داشتند شما را در ان

ومساكنكم لعلكم تسئلون قالوا يا ويلنا انا كنا
و مسکنهای شما تا مگر بود که شما را باز پرسند گویند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما

ظالمين فما زالت تلك دعويهم حتى جعلناهم حصيدا
ستمکاران پس همیشه آن بود خواندن ایشان تا بکردیم ما ایشان را درود

خامدين وما خلقنا السماء والارض وما بينهما لاعبين
مردگان نیافریدیم ما آسمانها را و زمین را و آنچه میان ایشانست بازی کنندگان

لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان كنا فاعلين
اگر خواستمانی که فرا گیریم ما فرزندی را هرآینه فرا گرفتمانی از نزدیک ما اگر بودمانی ما کنندگان

بل نقذف بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق
آری میزنیم حق را بر باطل پس نیست کند او را پس انگه آن نیست شونده بود

ولكم الويل مما تصفون وله من في السموات
و مر شمارا بود ویل از آنچه صفت میکنید و او راست آنچه در آسمانهاست

والارض ومن عنده لا يستكبرون عن عبادته ولا يستحسرون
و زمین و آنکه نزدیک اویند گردنکشی نمیکنند از پرستیدن او و مانده نمی شوند

يسبحون الليل والنهار لا يفترون ام اتخذوا الهة
تسبیح میکنند شب و روز سست نمی شوند یا فرا گرفتند خدایانی را

من الارض هم ينشرون لو كان فيهما الهة الا الله
از زمین که ایشان را آفرینند اگر بودندی در آسمان و زمین خدایانی جز خدای

لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما يصفون لا يسئل
هرآینه تباه شدندی پس پاکی و منزهست خدای پروردگار عرش از آنچه صفت میکنند نپرسند

عما يفعل وهم يسئلون ام اتخذوا من دونه الهة قل
از آنچه او کند و از ایشان باز پرسند یا فرا گرفتند از جز خدای خدایانی را بگوی ای محمد

هاتوا برهانكم هذا ذكر من معي وذكر من قبلي بل اكثرهم
بیارید حجت خود را این پندیست از انکه با منست و پندی از انکه پیش از من بود بلکه بیشتری ایشان
لا يعلمون الحق فهم معرضون ۞ وما ارسلنا من قبلك من
نمیدانند حق را پس ایشان برگردندگانند و نفرستادیم ما از پیش تو هیچ
رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون ۞ وقالوا اتخذ
رسولی را مگر که وحی کردیم بوی که امر اینست که خدای نیست مگر من پس بیگانگی پرستید مرا و گفتند فرا گرفت
الرحمن ولدا سبحانه بل عباد مكرمون ۞ لا يسبقونه بالقول
خدای روزی دهنده فرزندی را پاکی و منزه است او بلکه این بندگان اند گرامی کردگان پیشی نگیرند اورا بگفتار
وهم بامره يعملون ۞ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم
وایشان بفرمان او کار میکنند میداند انچه در پیش ایشانست وانچه از پس ایشانست
ولا يشفعون الا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون
و شفاعت نکنند مگر انرا که بپسندد وایشان از ترس او ترسندگانند
ومن يقل منهم اني اله من دونه فذلك نجزيه جهنم
وهرکه گوید از ایشان که من خدائم جز او پس آنچنین پاداشت دهیم اورا دوزخ
كذلك نجزي الظالمين ۞ اولم ير الذين كفروا ان السموات
همچنین پاداشت دهیم ستمکاران را ای ندیدند آنها که کافر شدند که آسمانها
والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء
وزمین بودند بسته وبگشودیم ما آن هردو را وبکردیم ما از آب

كل شيء حي افلا يؤمنون ۞ وجعلنا في الارض رواسي ان تميد
هر چیزی را زنده پس نمی گروند وبکردیم ما در زمین کوههای بیخ آور را تا نجنباند
بهم وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون ۞ وجعلنا
ایشان را وبکردیم ما دران راههای فراخ را تا مگر بود که ایشان راه یابند وبکردیم ما
السماء سقفا محفوظا وهم عن اياتها معرضون ۞
آسمان را سقفی نگه داشته وایشان از نشانهای آن برگردندگانند
وهو الذي خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل
واوست آن خدائی که بیافرید شب وروز را وآفتاب را وماه را همه
في فلك يسبحون ۞ وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد افان مت
در فلک شناب میروند وبکردیم ما هیچ آدمی را از پیش تو جاویدی پس اگر بمیری تو
فهم الخالدون ۞ كل نفس ذائقة الموت ونبلوكم
پس ایشان جاوید خواهند بودن هر تنی چشنده مرگ بود ومی آزمائیم شمارا
بالشر والخير فتنة والينا ترجعون ۞ واذا راك الذين
ببد ونیکی ازمودنی وبما گردانند شمارا وچون ببینند ترا آنها
كفروا ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي يذكر الهتكم
که کافر شدند فرا نگیرند ترا مگر بافسوس ای اینست آنکه یاد میکند خدایان شمارا
وهم بذكر الرحمن هم كافرون ۞ خلق الانسان من عجل
وایشان بیاد کرد خدای ایشانند کافران آفریده شد آدمی از شتابزدگی

سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ
زود باز نمایم شمارا نشانهای خود پس شتاب مکنید ومیگویند که کی خواهد بود این وعد
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ
اگر هستید شما راست گویان اگر بدانند آنها که کافر شدند آن هنگام باز ندارند از
وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ
رویهای ایشان آتش را ونه از پشتهای ایشان ونه ایشان را یاری کنند
بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا
بلکه آید بدیشان ناگاه پس حیران کند ایشان را پس توانائی ندارند رد کردن آن را
وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ
ونه ایشان را زمان دهند وبدرستی که استهزا کردند برسولان از پیش تو
فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
پس برسید بآنها که کافر شدند از ایشان آنچه بدان استهزا میکردند
قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ بَلْ هُمْ
بگوای محمد کیست که نگه دارد شما را بشب وروز از عذاب خدای بلکه ایشان
عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ
از یاد کرد پروردگار خود برگردندگانند یا ایشان را اند خدایانی که منع کنند ایشان را
مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ
از جز ما توانائی ندارند که یاری کنند تنهای خود را ونه ایشان را از ما که توانند داشت

بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ
بلکه برخورداری دادیم ما اینگروه را وپدران ایشان را تا دراز گشت بر ایشان مدت آیا پس نمیدیدند
أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۝ قُلْ
که ما وا به کردیم سراهای دشمنان ما را از طرفها آیا پس ایشان باشند غالبان بگو ای محمد
إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ
بدرستی که بیم میکنم شما را بوحی ونشنود کر خواندن را چون بیم کنند ایشان را
وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا
واگر برسد بدیشان نوعی از عذاب پروردگار تو هراینه گویند ای وای بر ما بدرستی
كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ
که بودیم ما ستمکاران ونهیم ما ترازوها بعدل وداد از برای روز قیامت پس ستم نکنند
نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا
هیچ تنی را چیزی واگر باشد مثقال حبه از سپندان خرد آوریم آن را
وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ
وکافی هستیم ما حساب کنندگان وبدرستی که بدادیم ما موسی را وهارون را کتاب فرقان
وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ
وروشنائی وپندی مر پرهیزکاران را آنها که میترسند از پروردگار خود بنادیده
وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ۝ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ
وایشان از قیامت ترسندگانند واین پندیست مبارکه

أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ • وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرٰهِيمَ رُشْدَهُ
که فرو فرستادیم ما آنرا ای شما آنرا منکر آیید • و بدرستی که بدادیم ما ابرهیم را راه صواب او

مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ • إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هٰذِهِ التَّمَاثِيلُ
از پیش و بودیم ما بدو دانایان • چون گفت مر پدر خودرا و قوم خودرا چیستند این تمثیلها

الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ • قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ
آنکه شما آنرا پرستندگانید • گفتند یافتیم ما پدران خودرا بران پرستندگان

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
گفت ابرهیم بدرستی که شما و پدران شما در گمراهی روشن اند

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ • قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ
گفتند ای آمدی نزد ما بحق یا تو از جمله بازی کنندگانی • گفت ابرهیم بلکه پروردگار شما پروردگار

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ
آسمانهاست و زمین آن خدای که بنوی بیافریدشان را و من ای آنان از جمله گواهی دهندگانم

وَتَاللّٰهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ
و بحق خدای که هر اینه کید سازم بتان شما پس از آنکه برگردید پشت کنندگان

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ
پس بگردانید ایشانرا پاره پاره مگر بزرگ ایشان را تا مگر بود که ایشان باو گردند

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ • قَالُوا سَمِعْنَا
گفتند که کرد این را بخدایان ما بدرستی که او از جمله ستمکارانست • گفتند شنیدیم ما

حزب

۳

فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرٰهِيمُ • قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ
جوانی را که یاد میکند ایشانرا میگویند اورا ابرهیم • گفتند پس بیارید اورا بر چشمهای

النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ • قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هٰذَا بِآلِهَتِنَا
مردمان تا بود مگر که ایشان گواهی دهند • گفتند ای تو کردی این را بخدایان ما

يَا إِبْرٰهِيمُ • قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هٰذَا فَاسْأَلُوهُمْ
ای ابرهیم • گفت بلکه کرد آنرا بزرگ ایشان اینست پس بپرسید ازیشان

إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ • فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ
اگر ایشان سخن میگویند • پس بازگشتند با تنهای خود پس گفتند بدرستی که شما

أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ • ثُمَّ نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هٰؤُلَاءِ
شمائید ستمکاران • پس بازگردیدایشان بر سر کفر خود بدرستی که دانستی تو که این گروه

يَنْطِقُونَ • قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا
سخن نگویند • گفت ابرهیم ای آیا می پرستید از جز خدای آنچه نه سود کند شمارا چیزی

وَلَا يَضُرُّكُمْ • أُفٍّ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَفَلَا
و نه زیان کند شمارا • زشت باد شمارا و آنچه می پرستید شما از جز خدای ای پس

تَعْقِلُونَ • قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
اشنا را عقل نمیکنید • گفتند بسوزانید اورا و یاری کنید خدایان خودرا اگر هستید شما

فَاعِلِينَ • قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرٰهِيمَ • وَأَرَادُوا بِهِ
کنندگان • گفتیم ما ای آتش باش سرد و سلامت باد بر ابرهیم • و خواستند بدو

كيدا فجعلناهم الأخسرين ۝ ونجيناه ولوطا إلى الأرض التي
كيدى را پس بكرديم ايشانرا زيانكاران وبرهانيديم اورا ولوطرا بزمين انكه
باركنا فيها للعالمين ۝ ووهبنا له إسحق ويعقوب
بركت كرديم دران مرجهانيانرا وبخشيديم اورا اسحق ويعقوب
نافلة وكلا جعلنا صالحين ۝ وجعلناهم أئمة
زيادتى وهمه را كرديم نيك مردان وبكرديم ايشانرا پيشروانى
يهدون بأمرنا وأوحينا إليهم فعل الخيرات وإقام
راه مى برند بفرمان ما ووحى كرديم بديشان كردن نيكيها وبپاى داشتن
الصلوة وإيتاء الزكوة وكانوا لنا عابدين ۝ ولوطا
نماز وبدادن زكوة وبودند مارا پرستندگان ولوط را
آتيناه حكما وعلما ونجيناه من القرية التي كانت
بداده بوديم ما حكمى ودانشى وبرهانيديم ما اورا از ديه آن ديهى
تعمل الخبائث إنهم كانوا قوم سوء فاسقين ۝ و
كه ميكردند زشتيهارا بدرستى كه ايشان بودند گروهى بد نافرمانان
أدخلناه في رحمتنا إنه من الصالحين ۝ ونوحا إذ نادى
ودراورديم اورا در رحمت خود بدرستى كه او از جمله نيكوكاران بود ويادكن نوح را چون برخواند
من قبل فاستجبنا له فنجيناه وأهله من الكرب العظيم
از پيش پس پاسخ كرديم ما اورا وبرهانيديم ما اورا واهل اورا از اندوه بزرگ

ونصرناه من القوم الذين كذبوا بآياتنا إنهم كانوا
ويارى كرديم ما اورا از گروه آنها كه بدروغ داشتند نشانهاى مارا بدرستى كه ايشان بودند
قوم سوء فأغرقناهم أجمعين ۝ وداود وسليمان إذ
گروه بد پس غرق كرديم ما ايشان همه ويادكن داودرا وسليمان چون
يحكمان في الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم وكنا
حكم كردند در كشت زرع قوم چون بشب چرا كرده بودند دران گوسفندان قوم وبوديم ما
لحكمهم شاهدين ۝ ففهمناها سليمان وكلا آتينا
مر حكم ايشانرا دانايان پس فراخى داديم ما آن حكم را سليمان را وهمه را بداده بوديم ما
حكما وعلما وسخرنا مع داود الجبال يسبحن والطير وكنا
حكمى ودانشى ومسخر كرديم ما با داود كوههارا كه تسبيح ميكردند ومرغان را وهستيم ما
فاعلين ۝ وعلمناه صنعة لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم
كنندگان ودرآموخته بوديم ما اورا صنعت زره گرى مر شمارا تا نگاه دارد شمارا از كارزار شما
فهل أنتم شاكرون ۝ ولسليمان الريح عاصفة تجري
آيا هستيد شما شكركنندگان ومر سليمانرا مسخر كرده بوديم ما باد را سخت جهنده ميرفت
بأمره إلى الأرض التي باركنا فيها وكنا بكل شيء عالمين
بفرمان او بزمين آن زمينى كه بركت كرده بوديم ما دران وهستيم ما بهمه چيزى دانايان
ومن الشياطين من يغوصون له ويعملون عملا دون ذلك
واز ديوان بود آنكه غواصى ميكردند اورا وميكردند عملى جز آن

وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۝ وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ

وهستیم ما مرایشان را نگه دارندگان ویاد کن ایوب را جون برخواند پروردگار خودرا بانکه برسید بمن زیان

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ

وتو رحمت کنن رحمت کنندگانی پس پاسخ کردیم ما اورا وبرداشتیم ما بدو انجه بود

ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ

از زیان وبدادیم ما اورا واهل اورا وماننداشان باایشان رحمتی از نزدیک ما

ذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ

وپندی مر پرستندگان را واسمعیل وادریس وذا الکفل

كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ

همه بودند ازجملهٔ صبرکنندگان ودرآوردیم ما ایشان را در رحمت ما بدرستی که ایشان

مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ

ازجملهٔ نیکوکاران بودند وذوالنون جون برفت خشم فروخورده پس گمان برد که تنگ

نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ

بازنگیریم برو پس برخواند در تاریکیها که نیست خدای مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

پاک ومنزهی تو بدرستی که هستم من ازجملهٔ ستمکاران پس پاسخ کردیم ما اورا وبرهانیدیم ما اورا

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ

از غم وهمچنین برهانیم مومنان را ویاد کن زکریا را جون برخواند

رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ

پروردگار خودرا که ای پروردگار من بمگذار مرا تنها وتوی بهترین میراث گیرندگان پس پاسخ کردیم ما اورا

وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا

وبخشودیم ما اورا یحیی وباصلاح اوردیم اورا جفت او بدرستی که ایشان

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا

می شتافتند در نیکیها ومیخواندند مارا از سر رغبت وترسی وبودند

لَنَا خَاشِعِينَ ۝ وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا

مارا خاضعان وآن زنی که بداشت عورت خودرا پس دردمیدیم ما درو

مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ۝ إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ

از باد ما وبکردیم ما اورا وپسر اورا نشانی مر جهانیان را بدرستی که این دین شما

أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ۝ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ

یکی دینست ومنم پروردگار شما پس بپرستید مرا وپراکنده شوید در کار خویش

بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ ۝ فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ

میان یکدیگر همه باما بازگردندگانند پس هرکه کند از کارهای نیک

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ۝ وَحَرَامٌ

واو مومن بود پس بازپوشانیدنی نبود مرسعی اورا بدرستی که ما اورا نویسندگانیم وحرامست

عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ

بر اهل دهی که هلاک کردیم ما انرا که ایشان بازنگردند تا جون گشوده شود سد

يأجوج ومأجوج وهم من كل حدب ينسلون ۝ واقترب

ياجوج وماجوج وايشان از هر سربالائى مى پايند ونزديك شد

الوعد الحق فاذا هى شاخصة ابصار الذين كفروا ياويلنا

وعدهٔ حق پس انگه دران خيره شوند چشمهاء آنها كه كافر شدند گويند اى واى برما

قد كنا فى غفلة من هذا بل كنا ظالمين ۝ انكم

بدرستى كه بوديم ما در غفلتى ازان بلكه بوديم ما ستمكاران بدرستى كه شما

وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون

وانچه مى پرستيد از جز خداى هيزم دوزخ اند شما دران آيندگانيد

لو كان هؤلاء الهة ما وردوها وكل فيها خالدون

اگر بودندى اين گروه خدايانى نيامدندى دران وهمه دران جاودان باشند

لهم فيها زفير وهم فيها لا يسمعون ۝ ان الذين

ايشان راست درانجا ناليدنى وايشان درانجا هيچ نشنوند بدرستى كه آنها

سبقت لهم منا الحسنى اولئك عنها مبعدون

كه پيشى گرفت مرايشان را ازما بهشت آن گروه ازان دور گردندگان باشند

لا يسمعون حسيسها وهم فى ما اشتهت انفسهم

نشنوند آواز آن وايشان را بود درانجا انچه آرزو كند تنهاى ايشان

خالدون ۝ لا يحزنهم الفزع الاكبر وتتلقيهم الملئكة

هميشه اندوهگين نكند ايشانرا ترس بزرگتر وپيش ايشان بازآيند ملائكه

هذا يومكم الذى كنتم توعدون ۝ يوم نطوى السماء

گويندگان اينست روز شما آن روزى كه شما را وعده ميدادند آن روز درنورديم ما آسمان را

كطى السجل للكتب كما بدأنا اول خلق نعيده وعدا

همچون درنورديدن دبيرنامه را جائكه بابتدا بيافريديم ما اول آفريدن بازگردانيم اورا وعده دادنى

علينا انا كنا فاعلين ۝ ولقد كتبنا فى الزبور

برما بدرستى كه هستيم ما كنندگان وبدرستى كه نوشتيم ما در كتاب

من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادى الصالحون

از پس پند كه زمين بميراث بگيرند آنرا بندگان من نيك مردان

ان فى هذا لبلاغا لقوم عابدين ۝ وما ارسلناك الا رحمة

بدرستى كه در آن هرآينه رسانيدنى مرگروه پرستندگان را ونفرستاديم ما ترا اى محمد مگر رحمتى

للعالمين ۝ قل انما يوحى الى انما الهكم اله واحد فهل

مر جهانيان را بگوى اى محمد بدرستى كه وحى كرده ميشود مرا خداى شما يك خدا است پس آيا هيچ

انتم مسلمون ۝ فان تولوا فقل اذنتكم على سواء وان

شما اورا منقادان پس اگر برگردند پس بگو دستورى دادم شما را بر يكسانى ونميدانم

ادرى اقريب ام بعيد ما توعدون ۝ انه يعلم الجهر

اى نزديكست يا دور انچه وعده ميدهند شما را كه او ميداند آواز بلند را

من القول ويعلم ما تكتمون ۝ وان ادرى لعله فتنة لكم

از گفتار وميداند انچه بازمى پوشانيد ونميدانم آن مگر آزمايشى است مر شما را

وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ● قَالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ

و برخورداری تا هنگامی بگوای محمد ای پروردگار من حکم کن بحق و پروردگار ما خدای روزی دهنده است آنکه یاری خواهند ازو

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

بر آنچه صفت میکنند

سورة الحج ثمان وسبعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردمان بترسید از پروردگار شما پرستی که زلزلهٔ قیامت چیزی بزرگست

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ

آنروز که ببینند آنرا هر شیر دهنده از آنچه شیر داده باشد و بنهد

كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ

هر خداوند بار بار خود را و بینی تو مردمان را مستان و نباشند ایشان

بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ● وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

مستان ولیکن عذاب خدای سخت بود و از مردمان کسی هست آنکه

يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

خصومت میکند در حق خدای بی دانشی و پس روی میکند هر شیطانی را

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ

نوشته شد برو که امر شان آنست که هر که دوستی کند با او پس او گمراه کند او را و راه نماید او را با عذاب

نصف

السَّعِيرِ ● يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

افروخته ای مردمان اگر هستید شما در شکی از برانگیختن پس بدرستی

خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

که ما آفریدیم شما را از خاک پس از نطفه پس از خون بسته پس

مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

از گوشت پاره صورت بدید کرده و نه صورت بدید کرده تا روشن کنیم مر شما را و آرام دهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

در رحمها آنچه خواهیم تا اجلی نام نهاده شده پس بیرون آوریم شما را طفل پس

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ

تا برسید بغایت قوت خود و از شما کس هست که جان ستانند او را و از شما کس هست آنکه

يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا

رد کرده میشود باخسیس ترین عمر تا نداند از پس دانستن چیزی را

وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ

و بینی تو زمین را مرده پس چون فرو فرستیم ما بران آب را در جنبد

وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ● ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ

و بالا گیرد و برویاند از هر صنفی زیبا آن بسبب آنست که خدای او

هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

حق و آنکه او زنده میکند مردگان را و آنکه او بر همه چیزی تواناست

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ
وانکه قیامت آینده است هیچ شکی نیست دران وانکه خدا برانگیزد انرا که در گورها اند
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا
واز مردمان کسی هست که خصومت میکند در حق خدای بی دانشی ونه راهی ونه
كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝ ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
کتابی روشن بگرداننده دوش خود تا برگرداند مردمانرا از راه خدا
لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ
اورا بود در دنیا خواری ودر چشانیم اورا روز قیامت عذاب سوزناک
ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝
آن بسبب آنست که فراپیش داشت دو دست تو وانکه خدا نیست ظلم کننده مر بندگان خودرا
وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ
واز مردمان کسی هست که می پرستد خدایرا بر کناره پس اگر برسد بدو نیکی
اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ
ارام گیرد بدو واگر برسد بدو آزمایشی برگردد بر روی خود زیان کار اند
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۝ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ
در دنیا واخرت آن آنست آن زیانکاری روشن خواند از جز خدای
مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝ يَدْعُو
انچه زیان کند اورا ونه سود کند اورا آن آنست گمراهی دور از حق خواند

لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ
مرانرا که زیان او نزدیکتر است از سود او هرآینه بد یاریست وهرآینه بد همنشینی است بدرستی که خدا
يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
درآورد انها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند در بستانهای که رود از زیر آن
الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ
جویها بدرستی که خدا بکند آنچه خواهد هر که گمان برد که
يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ
یاری نکند خدای اورا در دنیا واخرت پس گو بیاویز خودرا برسنی از آسمان
ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَكَذَلِكَ
پس باید که ببرد محمد وباید که بنگرد ای نبرد کید او آنچه بخشم آورد وهمچنین
أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۝ إِنَّ
فرو فرستادیم مانرا نشانهای روشن را وانکه خدای راه نماید انرا که خواهد بدرستی که
الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ
انها که بگرویدند وآنها که جهود شدند واز دینی بدینی شوندگان وترسایان وگبران
وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ
وآنها که انباز فرا داشتند بدرستی که خدای حکم کند میان ایشان روز قیامت بدرستی که خدا
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
بر همه چیزی گواه وحاضر است ای ندیدی تو که خدای سجود میکنند اورا انکه در آسمانهاست

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ
واانکه در زمینست وخورشید وماه وستارگان وکوهها ودرختان
الدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ
وجنبندگان وبسیاری از مردمان وبسیاری واجب شد برو عذاب
وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ
سجده
وهرکه خوار کند اورا خدای پس نبود اورا هیچ گرامی کننده بدرستی که خدای بکند انچه خواهد
هَٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ
این دو گروه خصومت میکنند خصومت میکنند درحق پروردگار خود پس انها که کافر شدند ببریدند
لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ٥
مرایشانرا جامهای از اتش افروخته بریزند از بالای سرهای ایشان اب گرم
يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ
بگدازند انچه در شکمهای ایشان بود وپوستها وایشانرا باشند گرزهای از اهن
كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا
هرکه که خواهند که بیرون آیند ازان از غم بازگردانند ایشانرا دران
وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
وچشید عذاب اتش سوزان را بدرستی که خدا درآورد انها که بگرویدند وکارهای
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
نیکو کردند دربستانهای که رود از زیر ان جویهای روان زیور برکنند ایشانرا دران از

أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَ
دست رنجن از زر ومروارید ولباس ایشان درانجا حریر بود
هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَىٰ صِرَاطِ الْحَمِيدِ
وراه نمایند ایشانرا با پاکی از گفتار وراه نمایندانرا براه خدای ستوده
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ
بدرستی انها که کافر شدند وبرگشتند از راه خدای ومسجد
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ
الحرام ان مسجدی که بکردیم ماانرا ازبهر مردمان یکسانست مقیم دران وآینده
وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ وَإِذْ بَوَّأْنَا
وهرکه خواهد دران بحسیدن بظلم درچشانیم اورا از عذاب دردناک وچون جای دادیم
لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ
مر ابرهیم را بجایگاه خانه باکه انباز فرا مدار بمن چیزی را وپاک دار خانه مرا
لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ
مر طواف کنندگان وایستادگانرا درکوع وسجود کنندگان را وآوازه ده در میان مردمان
بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
بحج کردن تا آیند بتو پیادگان وبر هر شتری باریک میان آیند از هر راه دور
لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ
تا حاضر آیند بمنفعت جای خود ویاد کنند نام خدایرا در روزها دانسته شده

علی ما رزقهم من بهیمة الانعام فکلوا منها واطعموا
بر انچه روزی دادیشان را از بسته زبانها چهارپایان پس بخورید ازان وطعام دهید
البائس الفقیر ۝ ثم لیقضوا تفثهم ولیوفوا نذورهم
درویش را و سخت درویش را پس باید که بگذارند عبادت جایهای خود وباید که وفا کنند بنذرهای خود
ولیطوفوا بالبیت العتیق ۝ ذلک ومن یعظم حرمات الله
وباید که طواف کنند بخانه دیرینه آنست فرمان وهرکه بزرگ دارد عبادت جایهای خدا
فهو خیر له عند ربه واحلت لکم الانعام الا ما یتلی
پس آن بهتر بود مراورا نزدیک پروردگار او وحلال کردند شما را چهارپایان مگر انچه میخوانند
علیکم فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور
بر شما پس دور شوید از پرستیدن بتان ودور شوید از گفتار دروغ
حنفاء لله غیر مشرکین به ومن یشرک بالله فکانما
میل کنندگان مر خدا را جز انباز فرا دارندگان بدو وهرکه انباز فرا دارد بخدای پس گوییا که
خر من السماء فتخطفه الطیر او تهوی به الریح فی مکان
بیفتاد از آسمان پس در ربودندش مرغان یا ببرد اورا باد در جایگاهی
سحیق ۝ ذلک ومن یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب
دور آنست فرمان وهرکه بزرگ دارد نشانهای خدا را پس پرستی که آن از ترس دلهاست
لکم فیها منافع الی اجل مسمی ثم محلها الی البیت العتیق
مر شمارا است در آن سودهای تا اجلی نام نهاده پس فرود آمدن آن تا بخانه دیرینه است

ولکل امة جعلنا منسکا لیذکروا اسم الله علی ما
ومر هر گروهی را بکردیم ما عبادت جایهایی تا یاد کنند نام خدا را بر انچه
رزقهم من بهیمة الانعام فالهکم اله واحد
روزی دادیشان را از بسته زبانهای چهارپایان پس خدای شما یک خدا است
فله اسلموا وبشر المخبتین ۝ الذین اذا ذکر الله وجلت
پس اورا منقاد شوید وبشارت ده منقادان را انهاکه چون یاد کنند نام خدا را بترسد
قلوبهم والصابرین علی ما اصابهم والمقیمی الصلوة ومما
دلهایشان وانهاکه صبر کردند بر انچه رسید بدیشان وبپای دارندگان نماز وازانچه
رزقناهم ینفقون ۝ والبدن جعلناها لکم من
مالک کردانیدیم ما ایشان را نفقه میکنند وشتران قربان بکردیمها آن مر شمارا از
شعائر الله لکم فیها خیر فاذکروا اسم الله علیها
نشانهای خدای شمارا است در انجا چیزی پس یاد کنید نام خدا را برآن
صواف فاذا وجبت جنوبها فکلوا منها واطعموا القانع
شتران که دست وپا بسته ایستاده باشند پس چون بیفتند بپهلوی خود پس بخورید ازان وطعام دهید خواهنده را
والمعتر کذلک سخرناها لکم لعلکم تشکرون
ونخواهنده را همچنین مسخر کردیم ماها را برای شما تا مگر بود که شما شکر کنید
لن ینال الله لحومها ولا دماؤها ولکن یناله التقوی منکم
نرسد بخدای گوشت آن ونه خون آن ولیکن برسد پرهیزکاری از شما

كذلك سخرها لكم لتكبروا الله على ما هدىكم وبشر المحسنين
بجنين مسخر كرد آن مر شما را تا ببزرگی یاد کنید خدای را بر راه نمود شما را وبشارت ده نیکوکاران را
ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور
بدرستی که خدای دفع کند از آنها که بگرویدند بدرستی که خدا دوست ندارد هر خیانت کننده را ناسپاس را
اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير
دستوری دادند مر آنها را که کارزار میکنند با کافران بانکه ایشان ستم کردند ولکه خدا را یاری کردن ایشان هر آینه توانا است
الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله
آنها که بیرون کردند ایشان را از سرایهای ایشان بناحق مگر آنکه گویند که پروردگار خدا است
ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و
واگر نه دفع کردن خدای بودی مردمان را بعضی ایشان ببعضی هر آینه خراب کردندی صومعها را
بيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا
وکلیساها را وکنشتها را ومسجدهائی که یاد کنند دران نام خدای را بسیاری
ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز • الذين ان
وهر آینه یاری کند خدای آن را که یاری کند دین او را بدرستی که خدا هر آینه توانا است ولی غالب آنها که اگر
مكنا هم في الارض اقاموا الصلوة واتوا الزكوة وامروا
تمکینی دادمانی ایشان را در زمین بپای داشتندی نماز را وبدادندی زکوة را وفرمودندی
بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور • وان
بنیکوئی وباز داشتندی از ناشایست ومر خدای راست عاقبت کارها واگر

يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم
بدروغ دارند ترا پس بدرستی که بدروغ داشتند پیش ایشان قوم نوح را وقوم هود وقوم صالح وقوم
ابرهيم وقوم لوط واصحاب مدين وكذب موسى فامليت
ابراهیم ابراهیم را وقوم لوط لوط را واصحاب شعیب ویدروغ داشتند موسی را پس مهلت دادم
للكافرين ثم اخذتهم فكيف كان نكير • فكاين
مر کافران را پس بگرفتیم ما ایشان را پس چگونه بود عقوبت کردن من پس بس
من قرية اهلكناها وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها
از کردهان که هلاک کردیم ما انرا واهل آن ستمکار بودند پس آن افتاده بودند بر سقفهای آن
وبئر معطلة وقصر مشيد • افلم يسيروا في الارض فتكون
وچاهی فروگذاشته وکوشکی افراشته ای پس نرفتند در زمین پس باشد
لهم قلوب يعقلون بها او اذان يسمعون بها فانها لا تعمى
مر ایشان را دلهائی که دریابند بدان یا گوشهای که شنوند بدان پس بدرستی که آن نه کورند
الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور و
چشمها ولیکن کورند دلهای آن دلها که در سینه اند
يستعجلونك بالعذاب ولن يخلف الله وعده وان يوما عند
ومی شتابند ترا بعذاب وبخلاف نکند خدای وعده خود را وبدرستی که روز بود نزدیک
ربك كالف سنة مما تعدون • وكاين من قرية
پروردگار تو چون هزار سال از آنچه شمرید شما وبسا از اهل دیهها

أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝ قُلْ يَا أَيُّهَا
که مهلت دادم ازا وازا اهلش ظالم بودند پس بگرفتیم اهل آنرا وبا منست بازگشت بگو ای مردمان
النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
مردمان بدرستی که من شمارا بیم کننده روشنم پس آنها که بگرویدند وکردند
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي
کارهای نیکو مرایشانرا بود آمرزش وروزی نیکو وآنها که شتافتند در
آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ
نشانهای ما عاجز کنان آن گروه اصحاب دوزخ باشند ونفرستادیم ما از
قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ
پیش تو هیچ رسول را ونه پیغمبری را مگر چون خواند انداخت شیطان در خواندن
فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ
پس نیست کند خدا آنچه اندازد شیطان پس روشن کند محکم خدا نشانهای خود وخدا
عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي
داناست وحکم کار تا بکند آنچه اندازد شیطان آزمایشی مرآنهارا که در
قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ
دلهاشان است در بیماری وسخت شدند دلهاشان وبدرستی که ستمکاران هراینه در خلاف اند
بَعِيدٍ ۝ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا
دور از حق وتا بدانند آنها که بداده شد ایشانرا دانش که آن حق است از پروردگار تو پس بگروند

بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ
دلهای ایشان وبدرستی که خدا هراینه راه نماینده است آنهارا که بگرویدند باراه راست
مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّىٰ
وهمیشه باشند آنها که کافر شدند در شکی ازان تا
تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ
آید بدیشان قیامت ناگاه یا آید بدیشان عذاب روزی
الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا
پادشاهی آنروز مرخدارا بود حکم کند میان ایشان پس آنها که بگرویدند
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
وکارهای نیکو کردند در بهشتهای پر نعمت وآنها که کافر شدند ودروغ داشتند
بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي
نشانهای مارا پس آن گروه مرایشانرا بود عذابی خوار کننده وآنها که هجرت کردند در
سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا
راه خدای پس کشته شدند یا بمردند هراینه روزی دهد ایشانرا خدای روزی نیکو
وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ
وبدرستی که خدا هراینه اوست بهترین روزی دهندگان هراینه درآورد ایشانرا درآوردنی که خشنود باشند ازو
وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ
وبدرستی که خدا هراینه داناست وبردبار

ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ • ذٰلِكَ
هراینه یاری کند او را خدای بدرستی که خدا هراینه درگذرنده است و آمرزنده آن

بِأَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ
بسبب آنست که خدا در می آورد شب را در روز و در می آورد روز را در شب و آنکه

اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ • ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
خدا شنوا است و بینا آن بسبب آنست که خدا اوست بحق و آنرا که خوانند از جز او

هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ • أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ
آن باطلست و آنکه خدا اوست برافراشته بزرگوار ای ندیدی تو که خدا

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ
فرو فرستاد از آسمان آبی را پس گشت زمین سبز بدرستی که خدا مهربانست

خَبِيرٌ • لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ
داناست مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و بدرستی که خدا هراینه اوست بی نیاز

الْحَمِيدُ • أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ
ستوده ای ندیدی تو که خدای مسخر کرد مر شما را آنچه در زمینست و کشتی را که

تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
میرود در دریا بفرمان او و نگه میدارد آسمانرا تا نیفتد بر زمین مگر

بِإِذْنِهِ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ • وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ
بفرمان او بدرستی که خدا بمردمان هراینه مهربانست و رحمت کننده و او آن خدائیست که زنده کرد شمارا

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
پس زنده کند شما را

١٦

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ • لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا
پس بمیراند شما را بدرستی که آدمی هراینه ناسپاس است مر هر گروهی را بگردیم ما عبادت جایی

هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ
که ایشان عبادت کنندگانند در ان پس نباید که کنند خصومت در فرمان و برخوان پروردگار خود را بدرستی که تو هراینه

هُدًى مُسْتَقِيمٍ • وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ
بر راه راستی و اگر خصومت کنند با تو پس بگو که خدا داناترست بآنچه میکنید

اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ
خدا حکم کند میان شما روز قیامت در آنچه بودید شما در ان

تَخْتَلِفُونَ • أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
خلاف کنندگان ای ندانی تو که خدای میداند آنچه در آسمانهاست و در زمینست

إِنَّ ذٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ • وَيَعْبُدُونَ
بدرستی که آن در کتابست بدرستی که آن بر خدا آسانست و می پرستند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا
از جز خدای آنچه فرو نفرستادند بدان حجتی را و نیست مر ایشان را بدان دانشی و نیست

لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ • وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ
مر ستمکاران را هیچ یاری کننده و چون خوانند بریشان نشانهای ما را روشن

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ
شناسی تو در رویهای آنها که کافر شدند انکار کردنی نزدیک بود که در آویزند

٥

بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ
بانهاکه میخوانند برایشان نشانهای مارا بگوای محمد ای یا کافران شمارا ببدتر از ایشان
النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ • يَا أَيُّهَا
آتش وعده داد آنرا خدای آنهارا که کافر شدند و بد بازگشتیست یعنی دوزخ ای
النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
مردمان زده شد مثلی پس گوش بازدارید مرانرا بدرستی که آنها میخوانند از جز
اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ
خدای نیافرینند مگسی را واگرچه جمع شوند مر انرا واگر در رباید ازایشان مگسی
شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ
چیزی را نتوانید رهانیدن آنرا ازو ضعیفست طالب و مطلوب
مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ • اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ
نشناختند خدارا سزای شناختن او بدرستی که خدا ایشه باقوتست و پیروزمند خدای برگزید از
الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ • يَعْلَمُ
فرشتگان رسولانی را و از مردمان بدرستی که خدا شنواست و بینا میداند
مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ • يَا أَيُّهَا
آنچه در پیش ایشانست وآنچه از پس ایشانست و با خداست بازگشت کارها ای
الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ
آنها که بگرویده اید رکوع کنید و سجود کنید و بپرستید پروردگار خود را

٩

سجده عند الشافعي

وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ • وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ
و نیکوکاری کنید تا مگر بود که شما رستگاری یابید و جهاد کنید در راه خدای سزای
جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ
جهاد کردن آن او برگزید شمارا و نکرد بر شما در دین هیچ
حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ
تنگی ملازم باشید دین پدر خود را ابرهیم او نام نهاد شمارا منقادان از
قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا
پیش یعنی خدای نام نهاد شمارا درین قرآن تا باشد رسول گواه بر شما و باشید شما
شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا
گواهان بر مردمان پس بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و چنگ در زنید
بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ
بدین خدای اوست خداوند شما پس نیک خداوندیست و نیک یاری کننده

سورة المؤمنون مائة و ثماني عشر آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الجزو ١٨

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ • الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ • وَالَّذِينَ هُمْ
بدرستی که رستگاری یافتند مؤمنان آنها که ایشان در نماز خویش ترسندگانند وآنها که ایشان

عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ • وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوٰةِ فَاعِلُونَ • وَالَّذِينَ

از لغو برگردندگانند وآنها که ایشان مرزکوة را کنندگانند وانها

هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ • إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

که ایشان مر عورات خودرا نگه دارندگانند مگر برهم جفتان خویش یا مالک باشند

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ • فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ

دستهای ایشان بس بدرستی که ایشان جز ملامت کردگانند پس هر که جوید جز آن پس آن گروه

هُمُ الْعَادُونَ • وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

ایشانند از حد درگذرندگان وآنها که ایشان مر امانتهای خودرا وعهدهای خودرا نگه دارندگانند

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ • أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

وآنها که ایشان بر نمازهای خود محافظت کنندگانند آن گروه ایشانند میراث گیرندگان

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ • وَلَقَدْ خَلَقْنَا

آنهااند که بمیراث برگیرند فردوس را ایشان درانجا باشند همیشه وبدرستی که بیافریدیم

الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ • ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي

آدمی را از بگزیده از گل پس بکردیم ما ازرا نطفه در

قَرَارٍ مَكِينٍ • ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ

قرارگاهی پس بکردیم ما (ای جعلنا) نطفه را خونی بسته پس بکردیم ما علقه را

مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ

گوشت پاره پس بکردیم ما گوشت پاره را استخوانهایی پس درپوشانیدیم ما استخوانهارا گوشتی پس

أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ • ثُمَّ إِنَّكُمْ

افریدیم ما ازرا یکبار دیگر پس بزرگوارست خدای نیکوترین آفرینندگان پس بدرستی که شما

بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ • ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ • وَلَقَدْ

پس ازان هر آینه مردگان باشید پس بدرستی که شما روز قیامت برانگیختگان باشید وبدرستی

خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ

که افریدیم ما بالای شما هفت طبقهای آسمان را ونیستیم ما از آفریدن غافلان

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا

وفرو فرستادیم ما از آسمان آبی را باندازه پس آرام دادیم ما ازرا در زمین وبدرستی که ما

عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ • فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ

بر بردن آن هر آینه توانایانیم پس افریدیم مر شمارا بدان بستانهایی از

نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

خرمابنان وانگورستانها که شمارا است دران میوهایی بسیار وازان میخورید شما

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ لِلْآكِلِينَ

ودرختی که بیرون می آید از کوه طور سینا میرویاند روغن را وبآن خورشی مر خورندگان را

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَ

وبدرستی که مر شمارا است در چهارپایان هر آینه عبرتی در خورد میدهیم شمارا آنچه در شکمهای آنست

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ • وَعَلَيْهَا وَعَلَى

ومر شمارا است دران سودهایی بسیار وازان میخورید شما وبران وبر

الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ • وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ
کشتی می نشانند شمارا و بدرستی که بفرستادیم ما نوح را با قوم خود پس گفت ای قوم من

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ • فَقَالَ
بپرستید خدا را نیست مر شمارا هیچ خدائی جز او ای پس نمی پرهیزید پس گفتند

الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ
اشراف آنها که کافر بودند از قوم او نیست این مگر آدمی مانند شما میخواهد

أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا
که افزونی جوید بر شما و اگر خواستی خدای هر آینه فرو فرستادی فرشتگان را نشنیدیم ما

بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ • إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا
این را در پدران ما اولینیان نیست او مگر مردی که بدو دیوانگی است پس چشم دارید

بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ • قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ • فَأَوْحَيْنَا
بدو تا هنگامی گفت نوح ای پروردگار من یاری کن مرا بانچه بدروغ داشتند مرا پس وحی کردیم ما

إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ
بدو که بساز کشتی را بنگهداشت ما و وحی ما پس چون آمد فرمان ما و بر جوشید

التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا
تنور پس درآور دران از هر صنفی دو و اهل خویش را مگر

مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا
آنکه پیشی گرفت برو گفتار از ایشان و سخن مگوی در حق آنها که ستم کردند

مُغْرَقُونَ • فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
غرق کردگانند پس چون راست باستی تو و آنها که با تو اند در کشتی پس بگو سپاس و ستایش

الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ • وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا
آنکه برهانید ما را از گروه ستمکاران و بگوای محمد ای پروردگار من فرو آور مرا فرو آوردنی مبارک

وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ • إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ
و توئی بهترین فرو آورندگان بدرستی که دران هر آینه نشانهاست و بدرستی که هستیم ما هر آینه آزمایندگان

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ • فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ
پیدا کردیم ما از پس ایشان گروهی دیگر را پس بفرستادیم ما در میان ایشان رسولی را از ایشان

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ • وَ
که بپرستید خدا را نیست مر شمارا هیچ خدائی جز او ای پس نمی پرهیزید

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ
گفتند اشراف از قوم او آنها که کافر شدند و بدروغ داشتند باز رسیدن با وعده آخرت

وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ
و منعم گردانیدیم ما ایشان را در زندگانی دنیا نیست این مگر آدمی مانند شما میخورد

مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ • وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا
از آنچه شما میخورید از آن و می آشامید شما و هر آینه اگر فرمان برید شما آدمی را

مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ • أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ
مانند شما بدرستی که شما از جمله زیانکاران باشید ای وعده میدهد شمارا که شما چون بمیرید

وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون ۝ هيهات هيهات

وباشید شما خاکی واستخوانی بدرستی که شما بیرون آوردگان باشید دورا دورا

لما توعدون ۝ ان هي الا حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن

مرآنچه وعده میدهند شمارا نیست این مگر زندگانی دنیا بمیریم وزییم ونیستیم ما

بمبعوثين ۝ ان هو الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن

بر انگیختگان نیست او مگر مردی که بربافت بر خدا دروغ را ونیستیم ما

له بمؤمنين ۝ قال رب انصرني بما كذبون ۝ قال

اورا بگروندگان گفت ای پروردگار من یاری کن مرا بآنچه بدروغ میدارند مرا گفت خدای

عما قليل ليصبحن نادمين ۝ فاخذتهم الصيحة بالحق

از اندکی تا هرآینه گردند پشیمانان پس گرفت ایشانرا بانگ ابر بحق

فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين ۝ ثم انشانا

پس کردیم ما ایشانرا خاشاکی پس دوری وهلاکت باد مر گروه ستمکارانرا پس آفریدیم ما

من بعدهم قرونا آخرين ۝ ما تسبق من امة اجلها

از پس ایشان گروهی دیگر را پیشی نگیرد هیچ گروهی اجل خودرا

وما يستأخرون ۝ ثم ارسلنا رسلنا تترى كلما

وباز پس نایستند پس بفرستادیم ما رسولانرا پیاپی هرکه

جاء امة رسولها كذبوه فاتبعنا بعضهم بعضا

که آمد بگروهی رسول آن بدروغ داشتند اورا پس در پی داشتیم ما بعضی ایشانرا بعضی

وجعلناهم احاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون ۝ ثم ارسلنا

پس کردیم ما ایشانرا سخنانی پس دوری وهلاکت باد مر گروهی را که نمی گروند پس بفرستادیم ما

موسى واخاه هرون باياتنا وسلطان مبين ۝ الى

موسی وبرادر اورا هارون را بنشانها وحجتی روشن

فرعون وملائه فاستكبروا وكانوا قوما عالين

بفرعون واشراف او پس گردنکشی کردند وبودند قومی از حد درگذرندگان

فقالوا انؤمن لبشرين مثلنا وقومهما لنا عابدون

پس گفتند ای چون براست داریم ما دو آدمی را مانند ما وقوم ایشان مارا پرستندگانند

فكذبوهما فكانوا من المهلكين ۝ ولقد

پس بدروغ داشتند ایشانرا پس بودند از جمله هلاک کرده شدگان وبدرستی که

آتينا موسى الكتاب لعلهم يهتدون ۝ وجعلنا ابن مريم

بدادیم ما موسی را کتاب تا بود که ایشان راه راست یابند وبکردیم پسر مریم

وامه آية وآويناهما الى ربوة ذات قرار ومعين

ومادر اورا نشانی وجای دادیم ایشانرا ببالای خداوند آرامی وچشمه

يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا اني

گفتیم ما ای رسولان بخورید از پاکیها وبکنید کارهای نیکو بدرستی که من

بما تعملون عليم ۝ وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم

بدانچه میکنید شما داناست وبدرستی که این دین شما یک دین است ومن پروردگار شماام

فَاتَّقُونِ • فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ

پس بپرستید مرا پس خلاف کردند در فرمان خود میان یکدیگر گرویدگان هر گروهی

بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ • فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ

بدانچه نزدیک ایشانست شاد اند پس بگذار ایشانرا در مستی و جهالت ایشان تا هنگامی

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي

ای پندارند که مدد میکنیم ایشانرا بدان از مالی و پسران می شتابیم مر ایشانرا در

الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ • إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ

نیکیها بلکه ایشان نمیدانند بدرستی که آنها که ایشان از ترس پروردگار خود

مُشْفِقُونَ • وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ • وَ

ترسندگانند آنها که ایشان بنشانهای پروردگار خود بگرویدگانند

الَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ • وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا

و آنها که ایشان بپروردگار خود انبار فرا دارندگان • و آنها که بدهند آنچه بدهند

وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ • أُولَئِكَ

و دلهای ایشان ترسان باشند بآنکه ایشان با پروردگار خود بازگردندگانند آن گروه

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ • وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا

می شتابند در نیکیها و ایشان از آن پیشی گیرندگانند و تکلیف نفرمائیم هیچ تنی را

إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ •

مگر بقدر طاقت او و نزدیک ماست کتابی که سخن میگوید بحق و ایشانرا ستم نکنند

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

بلکه دلهای ایشان در پوشش اند ازان و مر ایشانرا بود عملهای از جز آن

هُمْ لَهَا عَامِلُونَ • حَتَّى إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ

ایشان آنرا کنندگانند تا چون بگیریم ما متنعمان ایشانرا بعذاب آنگه ایشان

يَجْأَرُونَ • لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ • قَدْ

زاری کنند گویند ایشانرا زاری مکنید امروز بدرستی که شمارا از ما یاری نکنند بدرستی

كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ •

که چون خوانند نشانهای من بر شما پس شما بر هر دو پی پای خود گردیده میگردیدند

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ • أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ

گردنکشان بدان حدیث کنندگان بیهوده میگفتند ای اندیشه نکردند در گفتار یا آمد بدیشان

مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ • أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ

آنچه نیامد به پدران ایشان اولینان یا نشناختند رسول خودرا پس ایشان اورا

مُنْكِرُونَ • أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ

منکرانند یا میگویند که بدوست دیوانگی بلکه آمد بدیشان بحق و بیشتر ایشان

لِلْحَقِّ كَارِهُونَ • وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ

مر حق را کارهانند و اگر پس روی کردی حق مرادهای ایشانرا هر آینه تباهی گرفتندی در آسمانها

الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ

و زمین و آنکه در ایشانست بلکه بدادیم ما ایشانرا پند ایشان پس ایشان از پند ایشان

مُعْرِضُونَ ۞ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
برگردندگانند یا میخواهی تو از ایشان مزدی بس مزد پروردگار تو بهتر و او بهترین روزی دهندگانست

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
و بدرستی که تو میخوانی ایشانرا بار راه راست و بدرستی که آنها که بنمی گروند

بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ۞ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا
بآخرت از راه راست هر آینه برگردندگانند و اگر رحمت کردمی ما ایشانرا و بردمی

مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۞ وَلَقَدْ
آنچه بدیشانست از زیان هر آینه سخت بایستادندی در گمراهی خود سرگشته شدندی و بدرستی

أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ
که بگرفتیم ما ایشانرا بعذاب بس زاری نکردند مر پروردگار خودرا و زاری نکردند

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ
تا چون برگشودیم ما بر ایشان دری از خداوند عذاب سخت آنگه ایشان در آن

مُبْلِسُونَ ۞ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ
نومید شوندگان بودند و او آن خدائیست که بیافرید مر شمارا شنوائیها و بینائیها

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۞ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي
و دلها اندکی شکر می کنید شما و او آن خدائیست که بیافرید شمارا در

الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۞ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ
زمین و باو حشر کنند شمارا و او آن خدائیست که زنده کند و بمیراند و اوراست اختلاف

حزب

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۞ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ
شب و روز ای بس استعمال عقل مکنید بلکه گفتند مانند آنچه گفتند اولینان

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
گفتند ای چون بمیریم ما و باشیم ما خاکی و استخوانی ای چون باشیم ما برانگیختگان

لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ
بدرستی که وعده دادند مارا و پدران مارا این از پیش نیست این مگر افسانهٔ

الْأَوَّلِينَ ۞ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
اولینان بگوای محمد مرکراست زمین و آنچه در آنست اگر شما میدانید

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۞ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ
زود گویند مر خدایرا بگو ای پس اندیشه نمی کنید بگوای محمد کیست پروردگار آسمانها

السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۞ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا
هفت گانه و پروردگار عرش بزرگ زود گویند که خدایست بگوای محمد ای پس

تَتَّقُونَ ۞ قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ
نمی پرهیزید بگوای محمد کیست که بدید قدرت اوست پادشاهی هرچیزی و او زنهار دهد و زنهار داده نشود

عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ
برو اگر هستید شما دانایان زود گویند مر خدایرا بگوای محمد پس چگونه فریفته میشوید

بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۞ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ
بلکه آمدیم بدیشان بحق و بدرستی که ایشان دروغ زنانند فرا نگرفت خدا هیچ فرزندی را

وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا

وبنود با او هيچ خداى آنگه هر اينه ببردى هر خداى بدانچه آفريدى وهر اينه

بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ عَالِمِ الْغَيْبِ

ازو بيشى جستندى بعضى ايشان بر بعضى پاكى و منزه است خداى ازانچه صفت ميكنند ۝ اوست داننده نابيدا

وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ قُلْ رَبِّ اِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ

و بيدا پس بزرگوار است و برتر است ازانچه انباز ميدارند بدو بگوى اى محمد اى پروردگار من اگر بازنماى …

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَاِنَّا عَلٰى اَنْ نُرِيَكَ مَا

اى پروردگار من پس مكن مرا با گروه ستمكاران وبدرستى كه ما بر انكه بازنماييم ترا

نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ۝ اِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ

وعده ميدهيم ايشانرا هر اينه توانا ياييم دفع كن بدان … كه آن نيكوترست

نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ۝ وَقُلْ رَبِّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ

ما داناتريم بدانچه صفت ميكنند وبگوى اى محمد اى پروردگار من پناه ميگيرم بتو از وسوسه

الشَّيَاطِينِ ۝ وَاَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ ۝ حَتّٰى اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ

ديوان وپناه ميدهم بتو اى پروردگار من كه حاضر آيند بمن تا چون آيد بيكى ازيشان

الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۝ لَعَلِّي اَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ

اسباب مرگ گويد اى پروردگار من بازگردان مرا تا مگر بود كه من بكنم كارى نيكو را درانچه ترك كردم

كَلَّا اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ

نه كه آن سخنى است كه او گوينده آنست و در پس ايشان مانعى بود تا بروزى

يُبْعَثُونَ ۝ فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا

كه برانگيزانند ايشانرا پس چون دردمند در صور پس نسبها نماند ميان ايشان ازروز و نپرسند

يَتَسَاءَلُونَ ۝ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

از نسبهاى ايشان پس هركه سنگين آيد ترازوى او پس آن گروه ايشانند رستگاران

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَاُولٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ فِي

وهركه سبك آيد ترازوى او پس آن گروه ايشانند كه زيان كار آمدند بر تنهاى خود ايشان

جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

دوزخ هميشه باشند بسوزاند رويهاى ايشانرا آتش وايشان درانجا ترشروى …

اَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

اى نشانهاى من نخوانند برشما پس شما ازا بدروغ مى داشتيد

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ۝ رَبَّنَا

گويند اى پروردگار ما غلبه كرد برما بدبختى ما وبوديم ما گروهى گمراهان اى پروردگار ما

اَخْرِجْنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظَالِمُونَ ۝ قَالَ اخْسَؤُا فِيهَا وَلَا

بيرون آر تو مارا ازان پس اگر باز گرديم پس بدرستى كه باشيم ستمكاران گويد خداى دور شويد دران ونگوييد

تُكَلِّمُونِ ۝ اِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا

سخن با من بدرستى كه بودند گروهى از بندگان من كه ميگفتند اى پروردگار ما بگرويديم

فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا

پس بيامرز مارا ورحم كن برما وتويى بهتر مرحمت كنندگان پس فرا گرفتيد شما ايشانرا بافسوس

حتى انسوكم ذكرى وكنتم منهم تضحكون
تا فراموش کردید شما پندی مرا و بودید شما از ایشان می خندیدید
اني جزيتهم اليوم بما صبروا انهم هم الفائزون قال
بدرستی که پاداشت دهم ایشان را امروز بدانچه صبر کردند بدرستی که ایشان ایشانند رستگاران گوید خدای
كم لبثتم في الارض عدد سنين قالوا لبثنا يوما
چند درنگ کردید شما در زمین شمار سالها گفتند درنگ کردیم ما روزی
او بعض يوم فسئل العادين قال ان لبثتم الا قليلا لو انكم
یا بعضی را از روز پس بپرس از شمرندگان گوید خدای درنگ نکردید شما مگر اندکی اگر شما بدانید
كنتم تعلمون افحسبتم انما خلقناكم عبثا
بدانید ای بپنداشتید شما که آفریدیم ما شما را بعبث
وانكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق لا اله الا
و آنکه شما با ما باز نگردید پس افراشته است خدای پادشاه بحق نیست خدای مگر
هو رب العرش الكريم ومن يدع مع الله الها اخر
او پروردگار عرش نیکو و هر که خواند با خدای خدای دیگر
لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا يفلح الكافرون
حجتی نبود او را بدان پس بدرستی که حساب او نزدیک پروردگار او بود بدرستی که او رستگاری نیابند کافران
وقل رب اغفر وارحم وانت خير الراحمين
و بگو ای پروردگار من بیامرز مرا و رحمت کن و توی بهترین رحمت کنندگان

سورة النور اربع وستون اية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فيها آيات بينات
این سوره ایست که فرو فرستادیم ما آن را و هویدا کردیم احکام آن را ای فصلنا و فرو فرستادیم دران نشانی روشن را ای بینة
لعلكم تذكرون الزانية والزاني فاجلدوا كل
تا مگر بود که شما پند گیرید زن زانیه و مرد زانی را پس بزنید هر
واحد منهما مائة جلدة ولا تاخذكم بهما رافة في
یکی را از ایشان صد تازیانه و نبرد که رحمت کند بدیشان که ضارب و مضروب اند مهربانی در
دين الله ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الاخر وليشهد عذابهما
دین خدای اگر هستید شما بگرویدگان بخدای و بروز آخرت و باید که حاضر آیند بعذاب کردن ایشان
طائفة من المؤمنين الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة
گروهی از مومنان مرد زانی باید که جماع نکند مگر با زن زانیه یا مشرکه
والزانية لا ينكحها الا زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين
و زن زانیه باید که جماع نکند با او مگر مردی زانی یا مشرک و حرام کردند آن بر مومنان
والذين يرمون المحصنات ثم لم ياتوا باربعة شهداء فاجلدوهم
و آنها که دشنام دهند زنان پارسا را پس نیابند بچهار گواه پس بزنید ایشان را

ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ
هشتاد تازیانه وقبول مکنید مر ایشان را گواهی هرگز وآن گروه

هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ
ایشانند فاسقان مگر آنها که توبه کردند از پس آن وکار باصلاح آوردند پس بدرستی

اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ
که خدای آمرزنده است ورحمت کننده وآنها که دشنام دهند زنان خود را ونباشند مر ایشان را

لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ
گواهان مگر تنهای ایشان پس گواهی یکی از ایشان چهار بار

شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝ وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ
گواهی دادن بود بخدای بدرستی که او هر آینه از جمله راست گویانست وگواهی پنجم که لعنت خدای باد

عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ
برو اگر هست از جمله دروغ زنان ودفع کند از آن زن عذاب را

أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ
اگر گواهی دهند چهار بار گواهی دادن بخدا بدرستی که او یعنی مرد از جمله دروغ زنانست

وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ
وگواهی پنجم که خشم خدای باد برآن زن اگر هست مرد از جمله راست گویان

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ
واگر نه فضل خدای بودی برشما ورحمت او وآنکه خدای توبه پذیرنده است حکیم کار

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ
بدرستی که آنها که آمدند بدروغ گروهی اند از شما مپندارید آن بد تر مر شما را

بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ
بلکه آن بهترست مر شما را تا هر مردی را بود از ایشان آنچه اندوخت از بزه

وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ
وآنکه قیام نمود بعظم آن دروغ از ایشان مر او را بود عذابی بزرگ چرا چون شنیدند آنرا

ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَٰذَا إِفْكٌ
گمان نبردند نیکوگمان مردان مؤمن وزنان مؤمنه بتنهای ایشان نیکی وگفتند این دروغی

مُبِينٌ ۝ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ
روشن چرا نیاوردند بر آن چهار گواه پس چون نیاوردند گواهان را

فَأُولَٰئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
پس آن گروه نزدیک خدای ایشانند دروغ زنان واگر نه فضل خدای بودی برشما

وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ
ورحمت او در دنیا وآخرت هر آینه برسیدی بشما در آنچه شروع کردید شما در آن

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ
عذابی بزرگ چون بر بافتید آنرا بزبانهای خود ومیگفتید بزبانهای خود

مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ
آنچه نبود مر شما را بدان دانشی وپنداشتید آنرا آسان وآن نزدیک خدای بزرگست

ولولا اذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا ان نتكلم بهذا سبحانك
وچرا چون شنیدید ازا نگفتید ای بهلا که نبود مارا که سخن گوییم بدین پاک و منزهی تو

هذا بهتان عظيم ۝ يعظكم الله ان تعودوا لمثله ابدا
این بهتانی بزرگست پند میدهد شمارا خدا که باز نگردید ای لا بمانند آن هرگز

ان كنتم مؤمنين ۝ ويبين الله لكم الآيات والله عليم
اگر هستید شما بگرویدگان وروشن میکند خدا مرشمارا نشانها وخدا داناست

حكيم ۝ ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين
ومحکم کار بدرستی که انها در انها

آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والآخرة والله يعلم
که بگرویدند مرایشانراست عذابی دردناک در دنیا واخرت وخدا میداند

وانتم لا تعلمون ۝ ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله
وشما نمیدانید واگر فضل خدای بودی برشما ورحمت او واکه خدای

رءوف رحيم ۝ يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان
مهربانست ورحمت کنن ای آنهاکه بگرویده اید پس روی مکنید مرادهای شیطان را

ومن يتبع خطوات الشيطان فانه يأمر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل
وهرکه پس روی کند مرادهای شیطان را پس بدرستی که او میفرماید ناشایست وبدی واگر فضل

الله عليكم ورحمته ما زكى منكم من احد ابدا ولكن الله
خدا بودی برشما ورحمت او پاک نشدی از شما هیچ یکی هرگز ولیکن خدا

يزكي من يشاء والله سميع عليم ۝ ولا يأتل اولو الفضل منكم
پاک کند ازانکه خواهد وخدا شنواست ودانا وباید که سوگند خورند خداوندان فضل از شما

والسعة ان يؤتوا اولي القربى والمساكين والمهاجرين
وتوانگری که بدهند خداوند خویشی را ومسکینانرا وهجرت کنندگانرا

في سبيل الله وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله
در راه خدای وباید که درگذرند وباید که جرم فروگذارند ای دوست نمیدارید که بیامرزد خدای

لكم والله غفور رحيم ۝ ان الذين يرمون المحصنات
مرشمارا وخدا امرزنده است ورحمت کنن بدرستی که انهاکه دشنام میدهند زنان پارسارا

الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة ولهم عذاب
غافله مؤمنه بلعنت کرده شدند در دنیا واخرت ومرایشانرا بود عذابی

عظيم ۝ يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما
بزرگ ازروز گواهی دهد برایشان زبانهای ایشان ودستهای ایشان وپایهای ایشان

كانوا يعملون ۝ يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق ويعلمون
بانچه ایشان کردند ازروز تمام بدهد ایشانرا خدا پاداشت عملهای ایشان بحق ودانند

ان الله هو الحق المبين ۝ الخبيثات للخبيثين والخبيثون
که خدای اوست حق روشن زنان پلید سزاوار مردان پلید باشند ومردان پلید

للخبيثات والطيبات للطيبين والطيبون للطيبات
سزاوار زنان پلید باشند وزنان پاک سزاوار مردان پاک باشند ومردان پاک سزاوار زنان پاک باشند

أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

آن گروه بری کرده‌اند از آنچه میگویند مرایشانرا بود آمرزشی و روزی نیکو

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا

ای آنها که بگرویده‌اید درمروید در خانها جز از خانهاء خود تا دستوری خواهید

وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و سلام کنید بر اهل آن آنان بهتر مر شمارا تامگر بوده که شما پند گیرید

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ

پس اگر نیابید درانجا هیچ یکی را پس مروید دران تا دستوری دهند مر شمارا

وَإِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ

و اگر گویند مر شمارا که بازگردید پس بازگردید آن پاکتر مر شمارا و خدا

بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ

بانچه میکنید شما داناست نیست بر شما هیچ بزه که در روید درخانهای که نه

مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

آرام گیرید دران چون بود مر شمارا برخورداری و خدا میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه

تَكْتُمُونَ ۝ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا

پنهان میکنید بگوای محمد مر مومنان را تا برهم نهند چشمهای خودرا و نگه بدارند

فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

عورتهای خودرا آن پاکتر مرایشانرا بدرستی که خدا آگاهست بانچه می کنید شما

٤

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

و بگوای محمد مر زنان مومنه را تا برهم نهند چشمهای خودرا و نگه دارند عورتهای خودرا

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ

و ظاهر نکنند زینت خودرا مگر آنچه ظاهرست ازان و باید که بر زنند چادرهای خویش

عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ

بر سرهای خویش و نباید که موضع زینت خودرا مگر بر شوهران خود یا بر پدران خود

أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ

یا بر پدران شوهران یا پسران خود یا پسران شوهران خود یا

إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ

برادران خود یا پسران برادر خود یا پسران خواهران خود یا زنان خود

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ

یا آنچه مالک باشند دستهای ایشان یا تابعان نه خداوندان حاجت بزنان از مردان

أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

یا کودکان آنها که مطلع نشده باشند بر عورات زنان و نباید که بزنند

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

پایهای خود را بر زمین تا بدانند آنچه پنهان کرده باشند از زینت ایشان و بازآیید بخدای

جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ

همه ای مومنان تامگر بوده که شما رستگار یابید و نکاح کنید با بیوه زنان

منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا
از شما ونيكوكاران از بندكان شما وكنيزكان شما اكر باشند
فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم وليستعفف
فقيران توانكر كرداند ايشانرا خداى از فضل خود وخداى فراخ رحمت ودانا وبايد كه دست بدارند
الذين لا يجدون نكاحا حتى يغنيهم الله من فضله
آنها كه نيابند مهرى را تا توانكر كرداند ايشانرا خداى از فضل خود
والذين يبتغون الكتاب مما ملكت ايمانكم فكاتبوهم
وانها كه طلب مكاتبت كنند از انچه مالك باشند دستهاى شما پس بازفروشيد ايشانرا
ان علمتم فيهم خيرا واتوهم من مال الله الذى اتيكم
اكر دانيد درايشان خيرى وبدهيد ايشانرا از مال خداى آن مال كه بداد شمارا
ولا تكرهوا فتياتكم على البغاء ان اردن تحصنا
وباكراه برمداريد كنيزكان خودرا بر زنا اكر خواهند خويشتن را نكه داشتن
لتبتغوا عرض الحيوة الدنيا ومن يكرههن فان الله من بعد
تا بجوييد كالاى زندكانى دنيارا وهركه باكراه بردارد ايشانرا پس بدرستى كه خداى از پس
اكراههن غفور رحيم ولقد انزلنا اليكم ايات
اكراه برداشتن ايشان امرزنده است ورحمت كنن وبدرستى كه فرو فرستاديم بشما نشانها
مبينات ومثلا من الذين خلوا من قبلكم وموعظة للمتقين
روشن را ومثلى از آنها كه كذشتند از پيش شما وپندى مر پرهيزكاران را

١٢

الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح
خداى راه نماينده اسمانها وزمينست مثل نور او چون مثل روزنى بود كه دران بود چراغى
المصباح فى زجاجة الزجاجة كانها كوكب درى
چراغ در قنديل ابكينه بود ابكينه كويا كه ان ستاره بود روشن
يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد
افروخته شود از درخت مبارك زيتون نه شرقى ونه غربى نزديك بود
زيتها يضىء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدى الله لنوره
كه روغن آن روشنى دهد واكرچه نرسيده باشد بدان آتش نورى بر نورى راه نمايد خداى بنور خود انرا
من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شىء عليم فى
كه خواهد وميزند خداى مثلهارا براى مردمان وخدا بهمه چيزى داناست در
بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها
خانهاى كه دستورى داد خداى كه برافرازند ويادكنند دران نام اورا تسبيح ميكنند مراورا درانجا
بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر
ببامداد وشبانكاه مردانى كه مشغول نكند ايشانرا تجارتى ونه بيعى از يادكرد
الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب
خداى وبرپاى داشتن نماز وبدادن زكوة ترسند از روزى كه بكردند
فيه القلوب والابصار ليجزيهم الله احسن ما عملوا
دران روز دلها وبينائيها تا پاداشت دهد ايشانرا خداى نيكوتر انچه كردند

وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
و تا بزیادت کند ایشان را از فضل خود و خدا روزی دهد ازا که خواهد بی حساب

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ
و آنها که کافر شدند عملهای ایشان همچو کوراتی بود بیابانی پندارد ازا تشنه

مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ
آبی تا چون آید بدان نیابد ازا چیزی و یابد خدای را نزدیک آن پس تمام دهد او را

حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ
بادافراه حساب او و خدا زود حسابست یا چون تاریکیهای بود که در دریا دور فرود پوشاند آن را

مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
موجی از بالای آن موجی از بالای آن بود ابری تاریکیها آن بعضی بالای

بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا
بعضی چون بیرون دست خود را نه نزدیک بود که بیند ازا و هر که نکند خدای او را نوری

فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
پس نبود او را هیچ نوری ای ندیدی تو که خدای را تسبیح میکند او را انکه در آسمانهاست و زمین

وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا
و مرغان صف زنندگان همه را دانست نماز او و تسبیح او و خدا داناست بآنچه

يَفْعَلُونَ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ
میکنند و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و با خداست بازگشت همه

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا
ای ندیدی تو که خدای میراند ابر را پس باهم می آورد میان آن پس میکند ازا بر هم نشاندن

فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ
پس بینی تو باران را که بیرون آید از میان آن و فرو می فرستد از آسمان مانند کوهها

فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ
در آنست از تگرگ پس برساند آن ازا که خواهد و بگرداند آن از انکه خواهد

يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ
نزدیک بود که ببرد بینائیها را همه میگرداند خدای شب

وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ
و روز را بدرستی که در آن هرآینه عبرتست خداوندان بینائیها را و خدا آفرید هر

دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ
دابه را از آبی پس ازیشان انکه میرود بر شکم خود و ازیشان هست انکه میرود

رِجْلَيْنِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ
بر هر دو پای و ازیشان هست انکه میرود بر چهار پای آفریند خدای آنچه خواهد بدرستی که خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَّقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي
بر همه چیزی تواناست بدرستی که فرو فرستادیم نشانها روشن و خدا راه نماید

مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
ازا که خواهد با راه راست و میگویند بگرویدیم بخدا و رسول

وأطعنا ثم يتولى فريق منهم من بعد ذلك وما أولئك

وفرمان برديم ما پس برگشتند گروهى از ايشان از پس آن ونيستند آن گروه

بالمؤمنين ۝ وإذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا

مؤمنان وچون خوانند ايشانرا باخداى ورسول او تا حكم كند ميان ايشان آن

فريق منهم معرضون ۝ وإن يكن لهم الحق يأتوا إليه

گروهى از ايشان برگردندگان باشند واگر باشد ايشانرا حق آيند بدو بدو

مذعنين ۝ أفي قلوبهم مرض أم ارتابوا أم يخافون أن

گردن نهندگان اى در دلهاى ايشان شكى است يا شك برسند كه ظلم كند بترسند كه

يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون

خداى بر ايشان ورسول او بلكه آن گروه ايشانند ستمكاران

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم

بدرستى كه گفتار مؤمنان چون خوانند ايشانرا باخداى ورسول او تا حكم كند

بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأولئك هم المفلحون

ميان ايشان آن بود كه گويند بشنيديم وفرمان برديم ما وآن گروه ايشانند رستگان

ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقه فأولئك هم

وهركه فرمان برد خداى را ورسول اورا وبترسد از خداى وبپرهيزد پس آن گروه ايشانند

الفائزون ۝ وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم

رستگاران وسوگند خوردند بخداى سوگندان غلاظ خود كه هرآينه اگر فرمائى تو ايشانرا

حزب

۹

ليخرجن قل لا تقسموا طاعة معروفة إن الله خبير بما تعملون

هرآينه بيرون آيند بگو كه سوگند مخوريد اگر فرمان بريد رسول خدا را بشناسكونى بهتر بدرستى كه خدا آگاهست بانچه ميكنيد

قل أطيعوا الله وأطيعوا الرسول فإن تولوا فإنما عليه ما حمل

بگواى محمد فرمان بريد خدايرا وفرمان بريد رسول را پس اگر برگردند پس بدرستى كه بروست آنچه نهادند برو

وعليكم ما حملتم وإن تطيعوه تهتدوا وما على الرسول

وبر شماست آنچه نهادند بر شما واگر فرمان بريد اورا راه يابيد ونيست بر رسول

إلا البلاغ المبين ۝ وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات

مگر رسانيدن روشن ووعده داد خدا آنهارا كه بگرويدن از شما وكارهاى نيكو كردند

ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم

هرآينه بخلافت بگمارد ايشانرا در زمين همچنانكه بخلافت بگماشت آنهارا كه از پيش ايشان بودند

وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد

وهرآينه بمكين دهد ايشانرا دين ايشان آن دينى كه پسنديد ايشانرا وهرآينه بدل كند ايشانرا از پس

خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر

ترس ايشان ايمنى پرستند مرا وانباز نيارند بمن چيزى را وهركه كافر شود

بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون ۝ وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة

پس از آن پس آن گروه ايشانند فاسقان وبپاى داريد نمازرا وبدهيد زكوة را

وأطيعوا الرسول لعلكم ترحمون ۝ لا تحسبن الذين كفروا

وفرمان بريد رسول را تا مگر بود كه بر شما رحمت كنند مپندار آنهارا كه كافر شدند

مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
عاجز کنندگان در زمین وجای ایشان آتش بود وبهرانیه بد بازگشتنی است ای آنها
آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا
که گرویده اید باید که دستوری خواهند آنها که مالک اند دستهای شمارا وآنها که نرسیده باشند
الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ
ببلاغت از شما سه وقت از پیش نماز بامداد وآن هنگام
تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ
که نهید جامهای خودرا از نیم روز واز پس نماز خفتن
ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ
سه وقت ظاهر بودن عورات شما نیست بر شما ونه بر ایشان بزه
بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ
پس ازان وقتها طواف کنندگان بر شما بعضی شما بر بعضی همچنین
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَإِذَا بَلَغَ
روشن میکند خدا مر شمارا نشانها وخدا داناست ومحکم کار وچون برسند
الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ
طفلان از شما ببلاغت پس باید که دستوری خواهند همچنانکه دستوری خواستند آنها
مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
که از پیش ایشان بودند همچنین روشن میکند خدای مر شمارا نشانهای خود وخدای داناست ومحکم کار

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ
وپیرزنان از زنان آن زنانی که امید ندارند نکاحی را پس نیست بر ایشان
جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ
بزه که بنهند چادرهای خودرا نه آراسته بیرون آن بزینت وآنکه خودرا نگه دارند
خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ
بهتر بود مرایشان را وخدا شنواست وداناست نیست برکور بزه ونه بر لنگ
حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ
بزه ونه بر بیمار بزه ونه بر نفسهای شما که بخورید شما از
بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
خانهای خود یا از خانهای پدران خود یا از خانهای مادران خود یا از خانهای
إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ
برادران خود یا از خانهای خواهران خود یا از خانهای برادران پدر خود
أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ
یا از خانها خواهران پدر خود یا از خانهای برادران مادر خود یا از خانهای خواهران مادر خود
أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
یا آنچه مالک باشید کلیدهای آنرا یا دوست شما بود نبود بر شما بزه
أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى
یا خورید با هم پراکنده پس چون در روید شما در خانهای پس سلام کنید

أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ

بر اهل خانه خود تحیتی از نزدیک خدای مبارک پاک بجهتی روشن میکند خدای شما را

الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

نشانها تا مگر بود که شما دریابید بدرستی که مومنان آنهااند که بگرویدند بخدای

وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ

و رسول او و چون باشند با او بر کاری جمع شونده نروند تا دستوری

يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

خواهند ازو بدرستی که آنها دستوری خواهند از تو آن گروه آنهااند که بگرویدند بخدای

وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ

و رسول او پس چون دستوری خواهند از تو مر بعضی کار خود را پس دستوری ده مر آنرا که خواهی

مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ لَا تَجْعَلُوا

از ایشان و آمرزش خواه از بهر ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده است رحمت کننده مکنید

دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ

خواندن رسول میان شما چون خواندن بعضی شما بعضی را بدرستی که میداند

اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ

خدای آنها را که در پسها پنهان میشوند از شما پناه داری پس باید که بترسند آنها که مخالفت میکنند

عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ أَلَا

از فرمان او که برسد بدیشان آزمایشی یا برسد بدیشان عذابی دردناک بدان

١٠

إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ

بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و زمین بدرستی که داند آنچه شما بر آنید و آن روز

يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

بازگردانند ایشان را او پس آگاه کند ایشان را بدانچه کردند و خدا بهر چیزی داناست

سورة الفرقان سبع وسبعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بزرگوارست آنخدای که فرو فرستاد کتاب فرقان را بر بنده خود تا باشد مر جهانیان را بیم کننده

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ

آنخدای که اوراست پادشاهی آسمانها و زمین و فرا نگرفت فرزندی را و نباشد اورا انبازی

فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا وَاتَّخَذُوا مِنْ

در پادشاهی و بیافرید هر چیزی را پس اندازه کرد او را اندازه کردنی و فرا گرفتند از

دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

جز او خدایانی را نیافرینند چیزی را و ایشان را آفریدند و آنها که قادر نباشند

لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا

مر تنهای خود را زیانی و نه سودی و قادر نباشند مرگی را و نه زندگانی را و نه

نشورا ۝ وقال الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه واعانه
زنده شدن را وگفتند آنها که کافر شدند نیست این مگر دروغی بربافته است از محمد و یاری کرد اورا
عليه قوم اخرون فقد جاءو ظلما وزورا ۝ وقالوا اساطير
بران قومی دیگران پس بدرستی که آمدند بگناهی و بدروغی وگفتند این افسانهای
الاولين اكتتبها فهي تملى عليه بكرة واصيلا ۝ قل
اولینست که بازنوشته است از ای پس آن املا کرده اند برو بامداد و شبانگاه بگو ای محمد
انزله الذي يعلم السر في السموات والارض انه كان غفورا
فرو فرستاد ازا خدای که میداند پنهانرا در آسمانها و زمین بدرستی که او هست آمرزنده
رحيما ۝ وقالوا مال هذا الرسول ياكل الطعام و
رحمت کنند وگفتند چیست این رسول را که میخورد طعام را
يمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك فيكون معه نذيرا
و میرود در بازارها چرا فرو نفرستاد برو فرشته را پس بودی با او بیم کننده
او يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها وقال
یا چرا بینداختند بدو گنجی یا چرا هست او را بستانی که میخورد ازان وگفتند
الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ۝ انظر كيف
ظالمان پس روی می کنید مگر مردی را که جادو کرده اند بدو بنگر که چگونه
ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ۝ تبارك
زدند مرترا مثلها پس گمره شدند پس نیافتند راهی را بزرگواست

الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها
آنخدای که اگر خواهد بکند مرترا بهتر ازان بستانهای که روند از زیر آن
الانهار ويجعل لك قصورا ۝ بل كذبوا بالساعة واعتدنا
جویها وبکند مرترا کوشکهای بلکه بدروغ داشتند قیامت را و بساختیم
لمن كذب بالساعة سعيرا ۝ اذا راتهم من مكان بعيد
مرانها را که بدروغ داشتند قیامت را آتش افروخته چون ببیند ایشانرا از جایگاهی دور
سمعوا لها تغيظا وزفيرا ۝ واذا القوا منها مكانا ضيقا
بشنوند ازا بخشم اوردن و نالیدن وچون بیفکنند ازا جایگاهی تنگ کردن را
مقرنين دعوا هنالك ثبورا ۝ لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا
بستگان خوانند آنجایگاه واهلاکاه گویند ایشانرا مخوانید امروز واهلاکاه یکی
وادعوا ثبورا كثيرا ۝ قل اذلك خير ام جنة الخلد التي
و خوانید واهلاکاه بسیاری بگو ای محمد آن بهتر یا بهشت جاوید آنکه
وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا ۝ لهم فيها
وعده داده شد پرهیزکاران را باشد ایشان را پاداشتی و بازگشتن جایی مرایشان را بود درآنجا
ما يشاءون خالدين كان على ربك وعدا مسئولا ۝ ويوم
آنچه خواهند جاویدان هست بر پروردگار تو وعده پرسیده وآن روز
يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم اضللتم
حشر کنیم ایشانرا وآنچه می پرستیدند از جز خدای پس گوید خدای آیا شما گمراه کردانیدید

عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ
از پرسیدن ما من یا ایشان خود گمراهی را اختیار کردند گویند بیغمبران پاک و منزهی تو نسزد

يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ
ما را که فرا گیریم از جز تو هیچ دوستانی را ولیکن برخورداری دادی ایشان را

وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۝ فَقَدْ
و پدرانشان را تا فراموش کردند پند را و بودند قومی ناکسان پس بدرستی که

كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا
بدروغ میدارند شما را معبودان شما بآنچه میگویند پس نتوانائی ندارند برگردانیدنی و نه یاری کردنی

وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ
و هر که ستم کند از شما درچشانیم اورا عذابی بزرگ و نفرستادیم پیش از تو

مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي
هیچ رسول را مگر که ایشان هرآینه میخوردند طعام را و میرفتند در

الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ
بازارها و کردیم ما بعضی شما را مر بعضی را آزمایشی ای اصبروا صبر کنید و هست

رَبُّكَ بَصِيرًا ۝ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ
پروردگار تو بینا و گفتند آنها که امید نداشتند بازرسیدن وعدهٔ ما چرا فرو نفرستادند

عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
بر ما فرشتگان یا می‌بینیم پروردگار خود را بدرستی که گردنکشی کردند در تنهای خود

الجزو ۱۹

وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ۝ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ
و در گذشتند در گذشتنی بزرگ آن روز ببینند فرشتگان را گویند بشارتی نیست امروز

لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ۝ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ
مر کافران را و گویند حرامی حرام کرده و فرا پیش داریم آنچه کرده باشند از

عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ۝ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ
عملی پس بکنیم آنرا گردی پراکنده اصحاب بهشت آن روز بهتر باشند

مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ۝ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ
بآرامگاه و نیکوتر بموضع قیلوله آن روز شکافته شود آسمان با بر

وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ۝ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ
و فرو فرستاده شوند فرشتگان فرستادنی پادشاهی بحق آن روز مر خدای رحمن را بود و باشد

يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ
آن روز بر کافران دشخوار و آن روز گزد دست خود ستمکار

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ۝ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي
گوید که ای کاشکی من فرا گرفتمی با رسول راهی ای وای بر من ای کاشکی من

لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۝ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ
فرا نگرفتمی فلان را بدوستی بدرستی که برگردانید مرا از پند پس از آنکه

إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۝ وَقَالَ
آمد بمن و هست شیطان مر آدمی را فرو گذارنده و گفت

الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا ۝ و
رسول ای پروردگار من بدرستی که قوم من فرا گرفتند این قران را بیهوده
كذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين وكفى بربك
و همچنین بکردیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از کافران و کفی بتو پروردگار تو
هاديا ونصيرا ۝ وقال الذين كفروا لولا نزل عليه
هادی و یاری کننده و گفتند آنها که کافر شدند چرا فرو نفرستادند برو
القرآن جملة واحدة كذلك لنثبت به فؤادك
قران را جمله یکبار همچنین فرو فرستادیم تا ثابت داریم بدان دل ترا
ورتلناه ترتيلا ۝ ولا يأتونك بمثل الا جئناك بالحق واحسن
و هوید اخواندیم ما ازا خواندنی و نیاورند بتو مثلی را مگر که اوریم ما بتو جواب ازا بحق و نیکوتر
تفسيرا ۝ الذين يحشرون على وجوههم الى جهنم اولئك
بتفسیر آنها که حشر کنند ایشان را بر رویهای ایشان با دوزخ آن گروه
شر مكانا واضل سبيلا ۝ ولقد آتينا موسى الكتاب
بترند بجایگاه و برگردیده تر براه و بدرستی که بدادیم ما موسی را کتاب
وجعلنا معه اخاه هارون وزيرا ۝ فقلنا اذهبا الى القوم
و بکردیم ما باو برادر اورا هارون وزیری پس گفتیم ما بروید بقوم
الذين كذبوا بآياتنا فدمرناهم تدميرا ۝ وقوم نوح
آنها که بدروغ داشتند نشانهای مارا پس هلاک کردیم ما ایشان را هلاک کردنی و قوم نوح

لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس آية و
چون بدروغ داشتند رسولان را غرق کردیم ما ایشان را و بکردیم ما ایشان را از بهر مردمان نشانی
اعتدنا للظالمين عذابا اليما ۝ وعادا وثمود واصحاب الرس
و بساختیم ما مر ستمکاران را عذابی دردناک و هلاک کردیم ما قوم هود و قوم صالح را و اصحاب چاه
وقرونا بين ذلك كثيرا ۝ وكلا ضربنا له الامثال وكلا
و گروهانی میان آن بسیاری و همه را اوکش کردیم ما اورا مثلها و همه را
تبرنا تتبيرا ۝ ولقد اتوا على القرية التي امطرت مطر السوء
هلاک کردیم ما هلاک کردنی و بدرستی که آمدند بر اهل دیه انکه بارانیدن بر ایشان باران بد
افلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون نشورا ۝ واذا رأوك
ای ندیدند ان را بلکه ایشان امید نداشتند زنده شدن و چون بینند ترا
ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي بعث الله رسولا ۝ ان
فرا نگیرند ترا مگر بافسوس ترا گویند این است انکه بفرستاد خدای اورا رسولی
كاد ليضلنا عن آلهتنا لولا ان صبرنا عليها وسوف يعلمون
نزدیک بود که برگرداند مارا از خدایان ما اگر نه پای بداشتمانی بران و زود بدانند
حين يرون العذاب من اضل سبيلا ۝ ارأيت من اتخذ الهه
آن هنگام که ببینند عذاب که کیست گمراه تر از راه ای دیدی تو انکه فرا گرفت خدای خود را
هواه افانت تكون عليه وكيلا ۝ ام تحسب ان اكثرهم
هوای خود ای هستی تو برو نگهبان یا پنداری تو که بیشترین ایشان

يسمعون او يعقلون ان هم الا كالانعام بل هم اضل

میشنوند یا درمی یابند نیستند ایشان مگر همچون چهارپایان بلکه ایشان گمراه تر

سبيلا ۝ الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا

براه ای ننگریستی تو بصنع پروردگار خود که چگونه بکشید سایه را و اگر خواستی هرآینه کردی آنرا دایم

ثم جعلنا الشمس عليه دليلا ۝ ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا

پس بکردیم ما آفتاب را بران دلیلی پس فرا گرفتیم آنرا ما براه آسان اندک

وهو الذي جعل لكم الليل لباسا والنوم سباتا وجعل

و او آن خدایست که بکرد شما را شب را لباسی و خواب را ببرد راحتی و بکرد

النهار نشورا ۝ وهو الذي ارسل الرياح بشرا بين يدي

روز را ... و او آن خدایست که بفرستاد بادها را بشارت دهنده پیش از

رحمته وانزلنا من السماء ماء طهورا ۝ لنحيي به بلدة ميتا

رحمت خود و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی را پاک تا زنده کنیم بدان زمین مرده را

ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا ۝ ولقد

و در خورد میدهیم ما آنرا از آنچه آفریدیم ما و چهارپایانی و مردمان بسیار را و بدرستی که

صرفناه بينهم ليذكروا فابى اكثر الناس الا كفورا

روشن کردیم ما آنرا میان ایشان تا پند گیرند پس سر باز زدند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی

ولو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيرا ۝ فلا تطع الكافرين

و اگر خواستمانی ما هرآینه برانگیختمانی ما در هر دیهی بیم کننده پس فرمان مبر کافران را

وجاهدهم به جهادا كبيرا ۝ وهو الذي مرج البحرين

و جهاد کن با ایشان بدان جهاد کردنی بزرگ و او آن خدایست که برهم گشود دو دریا را

هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج وجعل بينهما برزخا

این خوش خوش و آن شوری تلخ و بکرد میان ایشان دومانعی

وحجرا محجورا ۝ وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا

و ... حرام کرده و او آن خدایست که بیافرید از آب آدمی را پس بکرد ازان خداوند نسبی

وصهرا وكان ربك قديرا ۝ ويعبدون من دون الله ما لا

و سبب ... و هست پروردگار تو توانا و می پرستند از جز خدای آنچه

ينفعهم ولا يضرهم وكان الكافر على ربه

سود نکند ایشان را و نه زیان کند ایشان را و هست کافر بر پروردگار خود

ظهيرا ۝ وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ۝ قل ما اسئلكم عليه

خوار و نفرستادیم ما ترا ای محمد مگر بشارت دهنده و بیم کننده بگوی ای محمد نمیخواهم از شما بران

من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا ۝ وتوكل على

هیچ مزدی مگر آنکه خواهد که فرا گیرد با پروردگار خود راهی و توکل کن بر

الحي الذي لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده

خدای زنده آن خدای که هرگز نمیرد و تسبیح کن بستایش او و بسنده است او بگناهان بندگان خود

خبيرا ۝ الذي خلق السموات والارض وما بينهما في ستة ايام ثم

آگاه آن خدای که بیافرید آسمانها را و زمین را و آنچه میان ایشانست در شش روز پس

استوى على العرش الرحمن فسئل به خبيرا ۝ واذا قيل لهم
مستولی شد بر عرش خدای روزی دهنده پس بپرس ازان از خدای آگاه ۝ وچون گویند ایشان را

اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن انسجد لما تامرنا وزادهم
که سجود کنید مر خدای روزی دهنده را گفتند وکیست خدای آیا سجود کنیم ما آنچه میفرماید مارا وبزیاده ایشان را

سجده واجب

نفورا ۝ تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها
رمیدنی بزرگوارست آن خدای که بکرد در آسمانها برجها را وبکرد دران

سراجا وقمرا منيرا ۝ وهو الذي جعل الليل والنهار خلفة
چراغی را وماهی روشن را واو آن خدائیست که بکرد شب وروز را ازپی یکدیگر

لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا ۝ وعباد الرحمن الذين
مرانرا که خواهد که پند گیرد یا خواهد شکر کردنی وبندگان خدای آنها

يمشون على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما
که میروند بر زمین باآسانی وچون سخن گویند باایشان جاهلان گویند صوابی

والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما ۝ والذين يقولون
وآنها که شب بکنند مر پروردگار خود سجود کنندگان وایستادگان وآنها که گویند

ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما
ای پروردگار ما بگردان ازما عذاب دوزخ را بدرستی که عذاب آن هست لازم

انها ساءت مستقرا ومقاما ۝ والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا
بدرستی که آن بدست بارام گاه وبجایگاه ۝ وآنها که چون نفقت کنند اسراف نکنند وتنگ بازنگیرند

وكان بين ذلك قواما ۝ والذين لا يدعون مع الله الها اخر
وباشند میان این وآن ایستاده بر وآنها که نمیخوانند با خدا خدایی دیگر را

ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق ولا يزنون ومن يفعل
ونمیکشند تن را آن تنی که حرام کرد خدا مگر بحق وزنا نکنند وهرکه کند

ذلك يلق اثاما ۝ يضاعف له العذاب يوم القيمة ويخلد فيه
آن در افتد در بزه دوچندان کرده شود مر اورا عذاب روز قیامت وهمیشه بماند در آنجا

مهانا ۝ الا من تاب وامن وعمل عملا صالحا فاولئك يبدل
خوار مگر آنکه بازآمد وبگروید وکار کرد کاری نیکو پس آن گروه بدل کند

الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفورا رحيما
خدا بدیهای ایشان را بنیکوییها وهست خدا آمرزگار مهربان

ومن تاب وعمل صالحا فانه يتوب الى الله متابا ۝ والذين
وهرکه توبه کند وبازآید وبکند کاری نیکو پس بدرستی که بازآمده بود بدرگاه خدا بازآمدنی وآنها

لا يشهدون الزور واذا مروا باللغو مروا كراما و
که گواهی ندهند بدروغ وچون بگذرند بناجوانمردی بگذرند کریمانه وآنها

الذين اذا ذكروا بايت ربهم لم يخروا عليها صما
وآنها که چون پند داده شدند بنشانهای پروردگار خود نیفتند بر آن کران

وعميانا ۝ والذين يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا
وکوران وآنها که میگویند ای پروردگار ما بخشش ما را از زنان جفت ما

ذريتنا قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ۝ اولئك
فرزندان ما روشنائی چشمی و بکن ما را برای پرهیزکاران پیشوائی آن گروه
يجزون الغرفة بما صبروا ويلقون فيها تحية وسلاما
پاداشت داده شوند بغرفهاء جنت بدانچه صبر کردند و داده شوند در آنجا درود و سلامی
خالدين فيها حسنت مستقرا ومقاما ۝ قل ما يعبؤا بكم
همیشه باشند در آنجا چه نیکو بود بارامگاه و جایگاه بگو
ربي لولا دعاؤكم فقد كذبتم فسوف يكون
پروردگار من اگر خواندن شما بودی پس بدرستی که بدروغ داشتید شما پس زود بود

لزاما
عذاب لازم

سورة الشعراء مائتان و سبع و عشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بحق طسم
طسم ۝ تلك آيات الكتاب المبين ۝ لعلك باخع نفسك
و ملک سمع این نشانها کتاب روشنند مگر تو هلاک کننده نفس خودرا
الا يكونوا مؤمنين ۝ ان نشأ ننزل عليهم من السماء آية
تا نگه ایشان ایمان نمی آرند اگر خواستیمی فرو فرستادمی بر ایشان نشانی
فظلت اعناقهم لها خاضعين ۝ وما يأتيهم من ذكر من
پس گشتی گردنهای ایشان مر آنرا خاضعان و نیامد بدیشان هیچ پند

حزب

الرحمن محدث الا كانوا عنه معرضين ۝ فقد كذبوا
خدای روزی دهنده نو مگر که بودند از آن برگردندگان پس بدرستی که دروغ داشتند
فسيأتيهم انبؤا ما كانوا به يستهزءون ۝ اولم يروا الى الارض
پس زود آید بدیشان خبرهای آنچه بودند بدان استهزا میکردند ای ندیدند بسوی زمین
كم انبتنا فيها من كل زوج كريم ۝ ان في ذلك لآية
که چند برویانیدیم ما در آنجا از هر صنفی نیکو بدرستی که در آن هر آینه نشانیست
وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز
و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان و بدرستی که پروردگار تو او است غالب
الرحيم ۝ واذ نادى ربك موسى ان ائت القوم الظالمين
مهربان و چون ندا کرد بموسی که برو بسوی گروه ستمکاران
قوم فرعون الا يتقون ۝ قال رب اني اخاف ان يكذبون
قوم فرعون که آیا نمی پرهیزند گفت ای پروردگار من بدرستی که من میترسم که بدروغ دارند مرا
ويضيق صدري ولا ينطلق لساني فارسل الى هرون ۝ و
و تنگ می آید سینه من و گویا نیست زبان من پس بفرست بسوی هارون و مر
لهم علي ذنب فاخاف ان يقتلون ۝ قال كلا فاذهبا
ایشانرا بر من حق خونیست پس می ترسم که بکشند مرا گفت نه خطا که بروید
بآياتنا انا معكم مستمعون ۝ فأتيا فرعون فقولا انا رسول رب العالمين
بنشانهای ما بدرستی که ما با شما گوش داریم پس بیائید بسوی فرعون پس گفته که ما رسول پروردگار جهانیانیم

أن أرسل معنا بني إسرائيل ۝ قال ألم نربك فينا وليدا ولبثت فينا
بفرست با ما بني اسرائيل را گفت فرعون ای پرورانیدیم ترا در میان خود در حالت کودکی و درنگ کردی
من عمرك سنين ۝ وفعلت فعلتك التي فعلت وأنت
از عمر خویش سالها در میان ما وکردی تو آنچه فعل کرکردی و تو
من الكافرين ۝ قال فعلتها إذا وأنا من الضالين
از جمله ناسپاسانی گفت کردم آنرا انگه ومن از جمله بی خبران بودم
ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما
پس بگریختم از شما چون ترسیدم از شما پس ببخشود مرا پروردگار من علمی
وجعلني من المرسلين ۝ وتلك نعمة تمنها علي أن عبدت
وگردانید مرا از جمله رسولان وآن نعمتی که منت می نهی آنرا بر من که به بندگی گرفتی
بني إسرائيل ۝ قال فرعون وما رب العالمين ۝ قال رب
بنی اسرائیل را گفت فرعون چیست پروردگار جهانیان گفت موسی پروردگار
السموات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين ۝ قال
آسمانهاست و زمین و آنچه میان ایشانست اگر هستید شما بی گمان شوندگان گفت فرعون
لمن حوله ألا تستمعون ۝ قال ربكم ورب آبائكم الأولين
آنانرا که گرد او بودند ای نمی شنوید گفت پروردگار شماست و پروردگار پدران شما اولینان
قال إن رسولكم الذي أرسل إليكم لمجنون ۝ قال
گفت به درستی که رسول شما آنکه فرستاده شد بشما هر آینه دیوانه است گفت

رب المشرق والمغرب وما بينهما إن كنتم تعقلون ۝ قال
پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن هر دو است اگر هستید شما استعمال عقل میکنید گفت
لئن اتخذت إلها غيري لأجعلنك من المسجونين ۝ قال أولو جئتك
هرآینه اگر فرا گیری تو خدای را جز از من هرآینه گردانم ترا از جمله زندان کردگان گفت ای وا اگرچه آمده باشم بتو
بشيء مبين ۝ قال فأت به إن كنت من الصادقين ۝ فألقى
بچیزی روشن گفت پس بیار آنرا اگر هستی تو از جمله راست گویان پس انداخت
عصاه فإذا هي ثعبان مبين ۝ ونزع يده فإذا هي بيضاء
عصای خود را پس آنگه آن اژدهای بود روشن و بیرون آورد دست خود را پس آنگه آن سپید بود
للناظرين ۝ قال للملإ حوله إن هذا لساحر عليم ۝ يريد
و نگرندگان را گفت مر اشراف را بدرستی که این هرآینه جادوی داناست میخواهد
أن يخرجكم من أرضكم بسحره فماذا تأمرون ۝ قالوا
که بیرون کند شما را از زمین شما بسبب جادوی خود پس چه میفرمایید گفتند
أرجه وأخاه وابعث في المدائن حاشرين ۝ يأتوك بكل سحار
نگه دار او را و برادر او را و بفرست در شهرها جمع کنندگان تا آورند بتو هر جادوی
عليم ۝ فجمع السحرة لميقات يوم معلوم ۝ وقيل للناس
دانا را پس جمع آمدند جادوان مر وعده جای روز دانسته را و گفته شد مردمان را
هل أنتم مجتمعون ۝ لعلنا نتبع السحرة إن كانوا هم
ای هیچ هستید شما جمع شوندگان تا بود که ما پیروی کنیم جادوان را اگر باشند ایشان

الْغَالِبِينَ ● فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا

غالبان پس چون آمدند جادوان گفتند مر فرعون را ایا هیچ باشد ما را مزد

إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ● قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ

اگر باشیم ما غالبان گفت آری و بدرستی که شما آنگه از جمله

الْمُقَرَّبِينَ ● قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ● فَأَلْقَوْا

نزدیکان باشید گفت مر ایشان را موسی بیندازید آنچه شما اندازنده کانید پس انداختند

حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ

ریسمانهای خود و چوب دستیهای خود را و گفتند بعزت فرعون که ما هرآینه باشیم غالبان

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ● فَأُلْقِيَ

پس انداخت موسی عصای خود را پس انگه آن فرو برد آنچه ایشان بربافته بودند پس بروی درافتادند

السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ● قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ● رَبِّ مُوسَى

جادوان بسجود کنندگان گفتند بگرویدیم ما بپروردگار عالمیان پروردگار موسی

وَهَارُونَ ● قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ

و هرون گفت فرعون ای بگرویدید شما مر او را پیش از انکه دستوری دهم شما را بدرستی که او

لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

هرآینه بزرگ شماست انکه درآموخت شما را جادو پس زود بدانید

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ

هرآینه ببرم دستهای شما و پایهای شما را از خلاف یکدیگر و بردار کنم شما را

أَجْمَعِينَ ● قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ● إِنَّا نَطْمَعُ

همه گفتند هیچ سرزنی نیست بدرستی که ما با پروردگار خود بازگردندگانیم بدرستی که طمع داریم ما

أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ● وَأَوْحَيْنَا إِلَى

که بیامرزد ما را پروردگار ما گناهان ما که هستیم ما اول بگروندگان و وحی کردیم ما

مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ● فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي

بموسی که بشب بر بندگان مرا که شما متبوعان خواهید بودن پس بفرستاد فرعون در

الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ● إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ● وَإِنَّهُمْ

شهرها جمع کنندگان بدرستی که این گروه هرآینه جمعی اندکند و بدرستی که ایشان

لَنَا لَغَائِظُونَ ● وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ● فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ

ما را بخشم آورندگانند و بدرستی که ما همه جمعی ترسندگانیم پس بیرون کردیم ما ایشان را از

جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ● وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ● كَذَلِكَ

بستانها و چشمها و گنجها و مقامی نیکو همچنین

وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ● فَأَتْبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ● فَلَمَّا تَرَاءَى

بمیراث دادیم ما آن را بنی اسرائیل پس در پی ایشان ایستادند در وقت بامدادان پس چون دیدند

الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ● قَالَ كَلَّا إِنَّ

دو لشکر یکدیگر را گفت اصحاب موسی که ما را در می یابند گفت موسی حاشا که

مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ● فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ

با منست پروردگار من زود راه نماید مرا پس وحی کردیم ما به موسی که بزن عصای خود را بر دریا نیل

فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم ۝ وازلفنا

پس شکافته شد پس بود هر شکافتی همچون کوه بزرگ ونزدیک گردانیدیم ما

ثم الآخرين ۝ وانجينا موسى ومن معه اجمعين ۝ ثم اغرقنا

پس آنجا آن دیگرانرا ورهانیدیم موسی را وانکه با او بودند همه پس غرق کردیم ما

الآخرين ۝ ان في ذلك لآية وما كان اكثرهم

دیگرانرا بدرستی که در آن هر آینه عبرتیست ونبودند بیشتر ایشان

مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ واتل عليهم

مؤمنان وبدرستی که پروردگار تو هرآینه اوست غالب مهربان وبرخوان بر ایشان

نبا ابراهيم ۝ اذ قال لابيه وقومه ما تعبدون ۝ قالوا نعبد اصناما

خبر ابراهیم را چون گفت مر پدر خود را وقوم خود را چه چیزی پرستید شما گفتند می پرستیم بتان را

فنظل لها عاكفين ۝ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ۝ او ينفعونكم

پس همیشه مر آنها را مقیم شونده کان گفت هیچ می شنوند شمارا چون میخوانند ایشانرا یا سود دهند شمارا

او يضرون ۝ قالوا بل وجدنا آباءنا كذلك يفعلون ۝ قال افرايتم ما كنتم

یا زیانی می توانند رسانید گفتند بلکه یافتیم پدران خود را همچنین میکردند گفت ای پس می بینید شما آنچه بودید شما

تعبدون ۝ انتم وآباؤكم الاقدمون ۝ فانهم عدو لي الا رب

می پرستیدید آنرا شما و پدران شما پیشینگان پس بدرستی که ایشان دشمن منند مگر پروردگار

العالمين ۝ الذي خلقني فهو يهدين ۝ والذي هو

جهانیان آن خدایی که آفرید مرا پس او راه نماید مرا و آن خدایی که او

يطعمني ويسقين ۝ واذا مرضت فهو يشفين ۝ والذي يميتني

که خورش دهد مرا و آب دهد مرا وچون بیمار شوم پس او شفا دهد مرا و آن خدایی که بمیراند مرا

ثم يحيين ۝ والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين ۝ رب

پس زنده کرداند مرا و آن خدایی که طمع دارم که بیامرزد مرا گناه مرا در روز جزا ای پروردگار

هب لي حكما والحقني بالصالحين ۝ واجعل لي لسان

ببخش مرا حکمتی و در رسان مرا بزمره نیکوکاران وبکن مرا زبان

صدق في الآخرين ۝ واجعلني من ورثة جنة النعيم

راست در ملت باز پسینان وبکن مرا از میراث گیرنده کان بهشت پر نعمت

واغفر لابي انه كان من الضالين ۝ ولا تخزني يوم يبعثون

وبیامرز پدر مرا بدرستی که او بود از جمله گمراهان ورسوا مگردان مرا روزی که برانگیخته شوند

يوم لا ينفع مال ولا بنون ۝ الا من اتى الله بقلب سليم ۝ وازلفت

روزی که سود نکند مال ونه پسران مگر آنکه آید بخدا بدل بسلامت ونزدیک کرده شود

الجنة للمتقين ۝ وبرزت الجحيم للغاوين ۝ وقيل لهم

بهشت مر پرهیزکارانرا وتابانیده شود دوزخ مر گمراهانرا وگوید مر ایشانرا

اينما كنتم تعبدون ۝ من دون الله هل ينصرونكم او

کجاست آنچه شما می پرستیدید از جز خدا ای هیچ یاری می توانند کرد شمارا یا

ينتصرون ۝ فكبكبوا فيها هم والغاوون ۝ وجنود

داد بستانند پس بروی در افتاده شوند در آنجا ایشان وگمراهان ولشکرهای

إبليس أجمعون ۝ قالوا وهم فيها يختصمون ۝ تالله إن كنا
ابلیس را همه گفتند وایشان در آنجا باهم خصومت کنند که بحق خدا که بودیم ما
لفي ضلال مبين ۝ إذ نسويكم برب العالمين ۝ وما أضلنا
در گمراهی روشن چون برابر کردانیدیم شما را بپروردگار جهانیان وگمراه نکردند ما را
إلا المجرمون ۝ فما لنا من شافعين ۝ ولا صديق حميم ۝ فلو
مگر کافران پس نیست ما را هیچ شفاعت کنندگان ونه دوستی خویشاوند پس اگر
أن لنا كرة فنكون من المؤمنين ۝ إن في ذلك لآية
ما را بازگشتنی با دنیا بودی پس بودمانی از جمله مؤمنان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست
وما كان أكثرهم مؤمنين ۝ وإن ربك لهو
ونبودند بیشترین ایشان مؤمنان وبدرستی که پروردگار تو او
العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم نوح المرسلين ۝ إذ قال لهم
غالب مهربان بدروغ داشتند قوم نوح رسولانرا چون گفت مرایشانرا
أخوهم نوح ألا تتقون ۝ إني لكم رسول أمين ۝ فاتقوا
برادر ایشانرا نوح ای نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی باامانتم پس بپرهیزید
الله وأطيعون ۝ وما أسألكم عليه من أجر إن أجري إلا
از خدا وفرمان بریدمرا ونمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر
على رب العالمين ۝ فاتقوا الله وأطيعون ۝ قالوا أنؤمن لك نصف
بر پروردگار جهانیان پس بپرهیزید از خدا وفرمان بریدمرا گفتند ای بگرویم مر ترا

واتبعك الأرذلون ۝ قال وما علمي بما كانوا يعملون ۝ إن
وپیروی کرده اند ترا ارذالها گفت هیچ دانشی نیست مرا بدانچه ایشان کردند نیست
حسابهم إلا على ربي لو تشعرون ۝ وما أنا بطارد المؤمنين ۝ إن أنا
حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر میدانید ونیستم من راننده مؤمنانرا نیستم من
إلا نذير مبين ۝ قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من المرجومين ۝
مگر بیم کننده روشن گفتند هرآینه اگر باز نایستی ای نوح هرآینه باشی از جمله سنگسارشدگان
قال رب إن قومي كذبون ۝ فافتح بيني وبينهم فتحا
گفت ای پروردگار من بدرستی که قوم من بدروغ میدارند مرا پس حکم کن میان من ومیان ایشان حکم کردنی
ونجني ومن معي من المؤمنين ۝ فأنجيناه ومن معه في
ورهان مرا وآنرا که با منند از مؤمنان پس برهانیدیم او را وآنکه با او بود در
الفلك المشحون ۝ ثم أغرقنا بعد الباقين ۝ إن في ذلك لآية
کشتی پرکرده پس غرق کردیم ما پس از آن باقی ماندگانرا بدرستی که در آن هرآینه نشانیست
وما كان أكثرهم مؤمنين ۝ وإن ربك لهو العزيز
ونبودند بیشترین ایشان مؤمنان وبدرستی که پروردگار تو اوست غالب
الرحيم ۝ كذبت عاد المرسلين ۝ إذ قال لهم أخوهم هود ألا
مهربان بدروغ داشتند قوم هود رسولانرا چون گفت مرایشانرا برادر ایشان هود ای
تتقون ۝ إني لكم رسول أمين ۝ فاتقوا الله وأطيعون
نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی باامانتم پس بپرهیزید از خدا وفرمان بریدمرا

وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين
و نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان
اتبنون بكل ريع اية تعبثون وتتخذون مصانع
ای بنا مینهید بهر سر راهی نشانی و فرا میگیرید جایهای محکم
لعلكم تخلدون واذا بطشتم بطشتم جبارين
مگر که شما همه جاوید مانید و چون بگیرید شما بگیرید گردنکشان
فاتقوا الله واطيعون واتقوا الذي امدكم بما تعلمون
پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و بترسید از آن خدای که مدد کرد شما را بدانچه میدانید
امدكم بانعام وبنين وجنات وعيون اني اخاف
مدد کرد شما را به چهارپایان و پسران و بستانهای و چشمه‌های بدرستی که من میترسم
عليكم عذاب يوم عظيم قالوا سواء علينا اوعظت
بر شما عذاب روز بزرگ گفتند یکسانست بر ما ای اگر پند میدهی تو
ام لم تكن من الواعظين ان هذا الا خلق الاولين وما
یا نیستی از جمله پند دهندگان نیست این مگر آفرینش اولینیان و نباشیم
نحن بمعذبين فكذبوه فاهلكناهم ان في ذلك
ما عذاب کردگان پس به دروغ داشتند او را پس هلاک کردیم ما ایشان را بدرستی که در آن
لاية وما كان اكثرهم مؤمنين وان ربك لهو العزيز
هر آینه نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب

الرحيم كذبت ثمود المرسلين اذ قال لهم اخوهم صالح
مهربان به دروغ داشتند قوم صالح رسولان را چون گفت مر ایشان را برادر ایشان صالح
الا تتقون اني لكم رسول امين فاتقوا الله واطيعون وما
ای نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی با امانم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا
اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا على رب العالمين
و نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان
اتتركون فيما ها هنا امنين في جنات وعيون وزروع
ای ترک کرده شوید درآنجا ایمنان در بستانها و چشمه‌هائی و کشت زرعها
ونخل طلعها هضيم وتنحتون من الجبال بيوتا فارهين
و خرما استانها پرکرده و انبوه و می تراشید از کوهها خانها را محکم کرده
فاتقوا الله واطيعون ولا تطيعوا امر المسرفين الذين يفسدون
پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و فرمان مبرید کار و فرمان گزاف کاران را آنها که تباهی میکنند
في الارض ولا يصلحون قالوا انما انت من المسحرين ما انت الا بشر
در زمین و کار با صلاح نمی آورند گفتند بدرستی که تو از جمله جادوانی نیستی تو مگر آدمی
مثلنا فات باية ان كنت من الصادقين قال هذه ناقة لها
مانند ما پس بیار معجزه اگر هستی تو از جمله راست گویان گفت صالح این ناقه ایست که مر آنراست
شرب ولكم شرب يوم معلوم ولا تمسوها بسوء فياخذكم
آبشخوری و مر شماراست آبشخور روزی دانسته و مرسانید آنرا بدی پس بگیرد شما را

عذاب يوم عظيم • فعقروها فاصبحوا نادمين • فاخذهم
عذاب روزى بزرگ پس بكشتند آنرا پس گشتند پشيمانان پس بگرفت ايشانرا
العذاب ط ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين
عذاب بدرستى كه در آن هرآينه نشانيست و نبودند بيشترين ايشان مؤمنان
وان ربك لهو العزيز الرحيم • كذبت قوم لوط المرسلين
و بدرستى كه پروردگار تو هرآينه اوست غالب مهربان بدروغ داشتند قوم لوط رسولانرا
اذ قال لهم اخوهم لوط الا تتقون • انى لكم رسول
چون گفت مر ايشانرا برادر ايشان لوط اى نمى پرهيزيد بدرستى كه من مر شمارا رسولى
امين • فاتقوا الله واطيعون • وما اسئلكم عليه من اجر
باامانتم پس بترسيد از خدا و فرمان بريد مرا و نميخواهم از شما بر تبليغ رسالت هيچ مزدى
ان اجري الا على رب العالمين • اتاتون الذكران من العالمين
نيست مزد من مگر بر پروردگار جهانيان آيا مى آييد بنرينگان از عالميان
وتذرون ما خلق لكم ربكم من ازواجكم بل انتم
و ميگذاريد آنچه آفريد براى شما پروردگار شما از همجفتان شما بلكه شما
قوم عادون • قالوا لئن لم تنته يا لوط لتكونن من المخرجين
گروهى از حد درگذرندگانيد گفتند هرآينه اگر باز نايستى اى لوط يا باشى از جملهٔ شهربدر كردگان
قال انى لعملكم من القالين • رب نجني واهلي مما يعملون
گفت بدرستى كه من عمل شمارا از منكرانم اى پروردگار من برهان مرا و كسان مرا از آنچه ميكنند

فنجيناه واهله اجمعين • الا عجوزا في الغابرين • ثم دمرنا
پس برهانيديم ما اورا و كسان اورا همه مگر پيره زنى كه از هالكان بود پس هلاك كرديم ما
الاخرين • وامطرنا عليهم مطرا فساء مطر المنذرين
ديگرانرا و بارانيديم ما بر ايشان بارانيدنى پس بد بود بارانيدنى بيم كردگان
ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم مؤمنين • وان
بدرستى كه در آن هرآينه نشانيست و نبودند بيشترين ايشان مؤمنان و بدرستى
ربك لهو العزيز الرحيم • كذب اصحاب الايكة المرسلين
پروردگار تو اوست غالب مهربان بدروغ داشتند اصحاب شعيب رسولانرا
اذ قال لهم شعيب الا تتقون • انى لكم رسول امين
چون گفت مر ايشانرا شعيب اى نمى پرهيزيد بدرستى كه من شمارا رسولى باامانتم
فاتقوا الله واطيعون • وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري
پس بترسيد از خدا و فرمان بريد مرا و نميخواهم از شما بر تبليغ رسالت هيچ مزدى نيست مزد من
الا على رب العالمين • اوفوا الكيل ولا تكونوا من المخسرين
مگر بر پروردگار جهانيان تمام كنيد كيلرا و مباشيد از بازكاهندگان
وزنوا بالقسطاس المستقيم • ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا
و بركشيد بترازوى راست و بازمكاهانيد مردمانرا چيزهاى ايشان
تعثوا في الارض مفسدين • واتقوا الذي خلقكم والجبلة
و مشتابيد در زمين تباهى كنندگان و بترسيد از آن خدايى كه آفريد شمارا و گروهان

الأولين ۝ قالوا إنما أنت من المسحرين ۝ وما أنت إلا بشر مثلنا
پیشینه را ۝ گفتند بدرستی که تو از جمله جادو شدگانی ۝ و نیستی تو مگر آدمی مانند ما
وإن نظنك لمن الكاذبين ۝ فأسقط علينا كسفا من السماء
و بدرستی که گمان می بریم ترا از جمله دروغ گویان ۝ پس انداز بر ما پاره پاره از آسمان
إن كنت من الصادقين ۝ قال ربي أعلم بما تعملون ۝ فكذبوه
اگر هستی تو از جمله راست گویان ۝ گفت پروردگار من داناترست بانچه شما میکنید ۝ پس دروغ داشتند او را
فأخذهم عذاب يوم الظلة إنه كان عذاب يوم عظيم
پس بگرفت ایشان را عذاب روز تاریکی بدرستی که آن بود عذاب روزی بزرگ
إن في ذلك لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ۝ وإن
بدرستی که در آن هر آینه نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان ۝ و بدرستی
ربك لهو العزيز الرحيم ۝ وإنه لتنزيل رب العالمين ۝ نزل
که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان ۝ و بدرستی که این قرآن فرو فرستاده ایست از پروردگار جهانیان ۝ فرو آورد
به الروح الأمين ۝ على قلبك لتكون من المنذرين ۝ بلسان
آنرا جبرئیل با امانت ۝ بر دل تو تا باشی از بیم کردگان ۝ بزبانی
عربي مبين ۝ وإنه لفي زبر الأولين ۝ أولم يكن لهم آية
عربی روشن ۝ و بدرستی که آن هر آینه در کتابها پیشینیانست ۝ ای نبود مر ایشان را نشانی
أن يعلمه علماء بني إسرائيل ۝ ولو نزلناه على بعض الأعجمين
که داننده آنرا علماء بنی اسرائیل ۝ و اگر فرو فرستادمانی آنرا بر بعضی عجمیان

فقرأه عليهم ما كانوا به مؤمنين ۝ كذلك سلكناه
پس خواندی آنرا بریشان آنچه بودند بدان بگرویدگان ۝ همچنین درآوردیم آنرا
في قلوب المجرمين ۝ لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الأليم
در دلهای کافران ۝ که نگروند بدان تا چون بینند عذاب دردناک را
فيأتيهم بغتة وهم لا يشعرون ۝ فيقولوا هل نحن
پس آید بدیشان ناگاه و ایشان ندانند ۝ پس گویند ای هیچ باشیم ما
منظرون ۝ أفبعذابنا يستعجلون ۝ أفرأيت إن متعناهم
زمان داده گان ۝ ای پس بعذاب ما شتاب میکنند ۝ ای پس دیدی اگر برخورداری دادیم ایشان را
سنين ۝ ثم جاءهم ما كانوا يوعدون ۝ ما أغنى عنهم
سالها ۝ پس آید بدیشان آنچه بودند ایشان را وعده میدادند ۝ چه بکار آمد ایشان را
ما كانوا يمتعون ۝ وما أهلكنا من قرية إلا لها
آنچه برخورداری کرده بودند ۝ و هلاک نکردیم ما هیچ اهل دیهی را مگر که مر آنرا بود
منذرون ۝ ذكرى وما كنا ظالمين ۝ وما تنزلت به
بیم کنندگان ۝ از بهر پند ۝ و نبودیم ما ستمکاران ۝ و فرود نیاورده اند بدان
الشياطين ۝ وما ينبغي لهم وما يستطيعون ۝ إنهم عن
دیوان ۝ و نسزد مر ایشان را و توانائی ندارند ۝ بدرستی که ایشان از
السمع لمعزولون ۝ فلا تدع مع الله إلها آخر فتكون
شنوانیدن معزولانند ۝ پس مخوان با خدا خدائی دیگر را پس باشی

من المعذبين ۝ وأنذر عشيرتك الأقربين ۝ واخفض جناحك لمن

از جمله عذاب کرده شدگان ۝ و بیم کن اهل قبیله خود را نزدیکان ۝ و فرو نه بال تواضع را آن را

اتبعك من المؤمنين ۝ فإن عصوك فقل إني بريء مما تعملون

که پیروی کرد ترا از جمله مؤمنان ۝ پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو که من بیزارم از آنچه شما میکنید

وتوكل على العزيز الرحيم ۝ الذي يراك حين تقوم ۝ و

و توکل کن بر خدای غالب مهربان ۝ آن خدائی که می بیند ترا هنگامی که برمیخیزی

تقلبك في الساجدين ۝ إنه هو السميع العليم ۝ هل أنبئكم

و گردیدن تو در میان سجود کنندگان ۝ بدرستی که او است شنوای دانا ۝ ای آیا آگاه سازم شما را

على من تنزل الشياطين ۝ تنزل على كل أفاك أثيم ۝

که بر که فرود آیند دیوان ۝ فرود آیند بر هر دروغ بافنده بزهکار

يلقون السمع وأكثرهم كاذبون ۝ والشعراء يتبعهم

می اندازند شنودن را ۝ و بیشترین ایشان دروغ گویانند ۝ و شاعران پیروی میکنند ایشان را

الغاوون ۝ ألم تر أنهم في كل واد يهيمون ۝ وأنهم يقولون

گمراهان ۝ ای ندیدی تو که ایشان در هر وادی در میروند ۝ و آنکه ایشان میگویند

ما لا يفعلون ۝ إلا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وذكروا

آنچه نمیکنند ۝ مگر آنها که بگرویدند و کردند کارهای نیک و یاد کردند

الله كثيرا وانتصروا من بعد ما ظلموا وسيعلم الذين

خدا را بسیار ۝ و داد بستدند از پس آنچه ستم کرده شدند ۝ و زود بدانند آنها

عب

ظلموا أي منقلب ينقلبون

سورة النمل ثلث و تسعون آية

که ستم کردند که بکدام بازگشتن جای باز میگردند

بسم الله الرحمن الرحيم

طس ۝ تلك آيات القرآن وكتاب مبين ۝ هدى وبشرى

طس این نشانهای قرآن و کتابی ظاهر الاعجاز است ۝ راه نمونی و بشارتی

للمؤمنين ۝ الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم

مر مؤمنان را ۝ آنهائی که بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان

بالآخرة هم يوقنون ۝ إن الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا لهم

بسرای آخرت ایشان بیقین شوند ۝ بدرستی که آنها که نمیگروند بآخرت بیاراستیم برای ایشان

أعمالهم فهم يعمهون ۝ أولئك الذين لهم سوء العذاب

عملهای ایشان پس ایشان سرگشته شوند ۝ آن گروه آنهااند که مر ایشان را بود بدی عذاب

وهم في الآخرة هم الأخسرون ۝ وإنك لتلقى القرآن من لدن

و ایشان در آخرت ایشانند زیان کاران ۝ و بدرستی که تو هر آینه فرا گیری قرآن را از نزد

حكيم عليم ۝ إذ قال موسى لأهله إني آنست نارا سآتيكم منها

محکم کار دانا ۝ چون گفت موسی مر اهل خود را که من دیدم آتشی را زود آورم شما را از آن

بخبر أو آتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما

خبری ۝ یا آورم بشما پاره آتش را تا بود که شما گرم شوید ۝ پس چون

جاءها نودي ان بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله
آمد نزد انجا ندا کرده شد که برکت باد آنرا که در آتش است وانکه پیرامون آنست وپاکی ومنزه است خدا

رب العالمين • يا موسى انه انا الله العزيز الحكيم • والق
پروردگار جهانیانست ای موسی بدرستی که من خدای غالب مهربان وبینداز

عصاك فلما راها تهتز كانها جان ولى مدبرا ولم يعقب
عصای خودرا پس چون دید آنرا میجنبید گوییا که آن ماری بود برگشت پشت برکننده وباز پس نگرست

يا موسى لا تخف اني لا يخاف لدي المرسلون • الا من ظلم
گفتیم ما ای موسی مترس بدرستی که نترسند نزد من رسولان مگر آنکه ستم کرد

ثم بدل حسنا بعد سوء فاني غفور رحيم • وادخل يدك
پس بدل کرد نیکوئی پس از بدی پس بدرستی که منم آمرزکار مهربانم ودرآور دست خودرا

في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء في تسع ايات
در گریبان خود تا بیرون آید سپید از جز بدی در نه معجزه

~~من الرهب فذانك برهانان من ر~~ الى فرعون وقومه
بسوی فرعون وقوم او

انهم كانوا قوما فاسقين • فلما جاءتهم اياتنا مبصرة
بدرستی که ایشان هستند گروهی فاسقان پس چون آمد بایشان نشانهای ما معجزه

قالوا هذا سحر مبين • وجحدوا بها واستيقنتها انفسهم
گفتند این جادوی روشنست وانکار کردند آنرا وبیقین دانستند آنرا تنهای ایشان

ظلما وعلوا فانظر كيف كان عاقبة المفسدين • ولقد
از ستم واز گردنکشی پس بنگر که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان وبدرستی

اتينا داود وسليمان علما وقالا الحمد لله الذي فضلنا
که بدادیم ما داود وسلیمانرا دانش وگویند سپاس مر خدارا آن خدائی که افزونی نهاد مارا

على كثير من عباده المؤمنين • وورث سليمان داود وقال
بر بسیاری از بندگان خود مؤمنان ومیراث گرفت سلیمان از داود وگفت

يا ايها الناس علمنا منطق الطير واوتينا من كل شيء
ای مردمان درآموختند مارا زبان مرغان ودیداده اند مارا از هر چیزی

ان هذا لهو الفضل المبين • وحشر لسليمان جنوده من الجن
بدرستی که این هر آینه آنست فضل روشن وجمع کرد سلیمان لشکرهای خودرا از دیو

والانس والطير فهم يوزعون • حتى اذا اتوا على واد النمل
وآدمی ومرغان پس ایشان می ترسیدند تا چون آمدند بر وادی مورچگان

قالت نملة يا ايها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم
گفت مورچه ای مورچگان در روید در مسکنهای خود هلاک نکنند شمارا

سليمان وجنوده وهم لا يشعرون • فتبسم ضاحكا من قولها
سلیمان ولشکرهای او وایشان ندانند پس تبسم کرد خنده کرد از سخن او

وقال رب اوزعني ان اشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى والدي
وگفت خداوندا ده مرا تا شکر گویم نعمت ترا آن نعمتی که کردی بر من وبر مادر وپدر من

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
وآنک کار کنم کاری نیکو که بپسندی آنرا ودرآور مرا برحمت خود در زمرۀ بندگان خود
الصَّالِحِينَ ۝ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ
نیکوکاران وطلب نمود مرغانرا پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهدرا
أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۝ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ
یا هست از جملۀ غائبان هرآینه عذاب کنم اورا عذابی سخت یا
لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ
یا بکشم اورا یا آورد بمن حجتی روشن پس درنگ کرد نه دور
فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ
پس گفت دیدم و رسیدم بدانچه نرسیدی تو بدان و آوردم بتو از شهر سبا خبری بیقین
إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
بدرستی که من یافتم زنی که پادشاهی میکند ایشانرا وداده اند اورا از هر چیزی ومراورا
عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ
عرش بزرگ یافتم اورا وقوم اورا سجده میکردند مرآفتاب را از
دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ
جز خدای و بیاراست مرایشانرا دیو عملهای ایشانرا پس برگردانید ایشانرا از
السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۝ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْ
راه پس ایشان راه نمی برند چرا سجده نمیکنند مر خدا را آن خدای که بیرون آورد

سجده

ءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ اللَّهُ
در آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید خدا
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ
نیست خدائی مگر او پروردگار عرش با عظمت گفت زود بنگریم ای راست میگوئی
أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ
یا هستی از جملۀ دروغ گویان برو بنامۀ من این پس بینداز آنرا بدیشان
ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۝ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي
پس برگرد از ایشان پس بنگر که چه باز میگردانند گفت بلقیس ای اشراف بدرستی
أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ
که انداخته شد بمن نامۀ نیکو که آن از سلیمان است و بدرستی که آن
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ
بنام خدای روزی دهنده مهربان بانگ از من شکی مجوئید برمن و بیائید بمن منقادان
قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ
گفت ای اشراف فتوی دهید مرا در کار من نیستم برنده کاری را تا
تَشْهَدُونِ ۝ قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ
حاضر آئید بمن گفتند ما خداوندان قوتیم وخداوندان حربی سخت و فرمان بتست
فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ۝ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
پس بنگر که چه میفرمائی مرا گفت بلقیس که پادشاهان چون درآیند در شهری

أفسدوها وجعلوا أعزة أهلها أذلة وكذلك يفعلون

تباهی کنند آنجا و بکنند عزیزترا اهل آنرا خواران و همچنین کنند

وإني مرسلة إليهم بهدية فناظرة بم يرجع المرسلون

و بدرستی که من فرستنده‌ام بدیشان تحفه پس نگرنده‌ام که بچه باز میگردند رسولان

فلما جاء سليمان قال أتمدونن بمال فما آتاني الله خير مما

پس چون آمد بسلیمان گفت ای مدد میکنید مرا بمالی پس آنچه بداده است مرا خدا بهتر از آنچه

آتاكم بل أنتم بهديتكم تفرحون ارجع

بداد شمارا بلکه شما بتحفه خود شادان میشوید بازگرد

إليهم فلنأتينهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم

بدیشان پس برآنه آوریم بدیشان لشکرهائی که هیچ دستی نبود ایشانرا بآنها و هرآینه بیرون کنیم ایشانرا

منها أذلة وهم صاغرون قال يا أيها الملأ أيكم

از آنجا خواران و ایشان خواران باشند گفت ای اشراف کدام کس است

يأتيني بعرشها قبل أن يأتوني مسلمين قال عفريت من

که آورد بمن تخت اورا پیش از آنکه آیند بمن منقادان گفت پیشتر از

الجن أنا آتيك به قبل أن تقوم من مقامك وإني عليه لقوي

دیو که من آورم بتو آنرا پیش از آنکه برخیزی از جای خود و بدرستی که من برآن

أمين قال الذي عنده علم من الكتاب أنا آتيك به قبل

با امانتم گفت آن کسی که نزد او بود دانشی از کتاب که من آورم بتو آنرا پیش

أن يرتد إليك طرفك فلما رآه مستقرا عنده قال هذا

از آنکه بازگردد بتو چشم تو پس چون دید اورا آرامگیرنده نزدیک او گفت این

من فضل ربي ليبلوني أأشكر أم أكفر ومن شكر فإنما

از فضل پروردگار منست تا صورت آزمایش نماید مرا ای شکر میکنم یا ناسپاسی میکنم و هرکه شکر کند پس

يشكر لنفسه ومن كفر فإن ربي غني كريم

شکر کردن مرتن اورا بود و هرکه کافر شود پس بدرستی که پروردگار من بی نیازست باکرامت

قال نكروا لها عرشها ننظر أتهتدي أم تكون من الذين

گفت بگردانید مراورا تخت او تا بنگریم ای راه یابد بازشناسد یا باشد از جمله آنها

لا يهتدون فلما جاءت قيل أهكذا عرشك قالت كأنه هو

که راه نیافته‌اند پس چون آمد گفته شد ای اینست تخت تو گفت گوئیا که این آنست

وأوتينا العلم من قبلها وكنا مسلمين وصدها

و بداده‌اند ما را دانش از پیش آن و بودیم ما منقادان و برگشت او

ما كانت تعبد من دون الله إنها كانت من قوم كافرين

آنچه بودند می پرستیدند از جز خدا بدرستی که او بود از گروه کافران

قيل لها ادخلي الصرح فلما رأته حسبته لجة وكشفت عن

گفته شد مراورا که درآی در آن کوشک پس چون دید آنرا پنداشت آنرا آب و برداشته شد از

ساقيها قال إنه صرح ممرد من قوارير قالت رب إني ظلمت

دو ساق او گفت که آن کوشکیست املس از قارورها گفت بلقیس ای پروردگار من بدرستی که من ستم کردم

نفسي واسلمت مع سليمن لله رب العالمين ۝ ولقد ارسلنا

بر تن خود دستشاد شدم با سلیمن مر خدا را که پروردگار عالمیانست و بدرستی که بفرستادیم

الى ثمود اخاهم صالحا ان اعبدوا الله فاذا هم فريقان

بقوم صالح برادر ایشان را صالح تا بگو بپرستید خدا را پس انگه ایشان دو گروه شدند

يختصمون ۝ قال يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل

خصومت میکردند گفت ای قوم چرا بشتاب میخواهید بدی را پیش

الحسنة لولا تستغفرون الله لعلكم ترحمون ۝ قالوا اطيرنا

از نیکویی چرا آمرزش نمیخواهید از خدا تا بود که شما رحمت کرده شوید گفتند فال بد گرفتیم ما

بك وبمن معك قال طائركم عند الله بل انتم قوم تفتنون

بتو و بدانکه با تو اند گفت فال بد گرفتیم ما بشما نزدیک خدا بلکه شما قومی بفتنه افکنده گان

وكان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الارض

و بودند در آن شهر نه قبیله که تباهی میکردند در زمین

ولا يصلحون ۝ قالوا تقاسموا بالله لنبيتنه واهله ثم

و کار باصلاح نمی آوردند گفتند سوگند خوردند بخدا که هلاک کنیم او را و کسان او را پس

لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله وانا لصادقون

بگوییم مر ولی دم او را که حاضر نبودیم ما بهلاک شدن اهل او و بدرستی که ما راست گوییم

ومكروا مكرا ومكرنا مكرا وهم لا يشعرون

و مکر ساختند مکر ساختنی و ساختیم ما مکافات مکر ایشان را و ایشان نمیدانستند

فانظر كيف كان عاقبة مكرهم انا دمرناهم وقومهم

پس بنگر که چگونه بود عاقبت مکر ایشان که هلاک کردیم ما ایشان را و قوم ایشان را

اجمعين ۝ فتلك بيوتهم خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية

همه پس آنند خانهای ایشان خراب شده بسبب آنچه ستم کردند بدرستی که در آن نشانهاست

لقوم يعلمون ۝ وانجينا الذين امنوا وكانوا يتقون و

مر گروهی را که بدانند و برهانیدیم ما آنها را که بگرویدند و بودند که می پرهیزیدند

لوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة وانتم تبصرون

و یاد کن لوط را چون گفت مر قوم خود را ای می آیید بناشایستی و شما می بینید

ائنكم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم

بدرستی که شما مر آینه می آیید بمردان بشهوت از جز زنان بلکه شما گروهی

تجهلون ۝ فما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا آل

جاهلانید پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید آل

لوط من قريتكم انهم اناس يتطهرون ۝ فانجيناه و

لوط را از دیه شما بدرستی که ایشان مردمانی اند که پاکی میجویند پس برهانیدیم ما او را و

اهله الا امراته قدرناها من الغابرين ۝ وامطرنا عليهم

و اهل او را مگر زن او را که تقدیر کرده بودیم ما او را از جمله هالکان و بارانیدیم ما بر ایشان

مطرا فساء مطر المنذرين ۝ قل الحمد لله وسلام على

بارانی پس بد بود باران بیم کردگان بگو ای محمد شکر و ستایش مر خدا را و سلام بر

الجزء ٢٠

عباده الذين اصطفى آلله خير اما يشركون • امن خلق
بندگان او آنان که برگزید آنها را ای خدا بهتر از آنچه انباز داشته اند یا کیست که آفرید
السموات والارض وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به
آسمانها و زمین و فرود آورد مر شما را از آسمان آب پس رویانیدیم بآن
حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها
باغها با خداوند زیبایی نبود مر شما را که برویانید درخت آنرا
ءاله مع الله بل هم قوم يعدلون • امن جعل الارض
ای خدایی دیگرست با خدا بلکه ایشان گروهی اند که برابری میکنند یا کیست که کرد زمین را
قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل لها رواسي وجعل
آرامگاه و بدید کرد در میان آنجا جویهای و بدید کرد مرآنرا کوههای ثابت و بدید کرد
بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل اكثرهم لا يعلمون
میان دو دریا مانعی ای خدایی دیگرست با خدا بلکه بیشترین ایشان نمیدانند
امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم
یا کیست که اجابت کند بیچاره را چون خواند آنرا و بردارد بدی را و میکند شمارا
خلفاء الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون • امن يهديكم
کاشتگان در زمین ای با خدا خدایی دیگرست اندکی آنچه پند میگیرید یا کیست که راه نماید شما را
في ظلمات البر والبحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدي
در تاریکیهای بیابان و دریا و کیست که فرستد بادها بشارت دهنده پیش از رحمت خود

رحمته ءاله مع الله تعالى الله عما يشركون • امن يبدؤا الخلق ثم
رحمت خود ای با خدا خدایی دیگرست برتر است خدا از آنچه انباز میآرند یا کیست که بیافرید آفرینش را پس
يعيده ومن يرزقكم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا
باز آفریند آنرا و کیست که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین ای با خدا خدایی دیگرست بگو بیاورید
برهانكم ان كنتم صادقين • قل لا يعلم من في السموات والارض
حجت خود را اگر هستید راست گویان بگو نداند آنکه در آسمانهاست و زمین
الغيب الا الله وما يشعرون ايان يبعثون • بل ادارك علمهم
علم غیب را مگر خدا و ندانند ایشان که کی برانگیخته شوند بلکه تمام شد علم ایشان
في الاخرة بل هم في شك منها بل هم منها عمون • وقال
در آخرت بلکه ایشان در شک اند ازان بلکه ایشان ازان کوردلانند و گفت
الذين كفروا ءاذا كنا ترابا وآباؤنا ائنا لمخرجون • لقد
آنانکه کافر شدند ای چون باشیم ما خاکی و پدران ما ای ما بیرون آیندگان باشیم از گورها بدرستی
وعدنا هذا نحن وآباؤنا من قبل ان هذا الا اساطير
که وعده داده شد ما را این ما و پدران مارا از پیش نیست این مگر افسانهای
الاولين • قل سيروا في الارض فانظروا كيف كان
پیشینیان بگو بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود
عاقبة المجرمين • ولا تحزن عليهم ولا تكن في ضيق مما يمكرون
عاقبت کافران و اندوه مخور بر ایشان و مباش در تنگی از آنچه مکر میسازند

ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين • قل عسى

ومیگویند که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو شاید بود

ان يكون ردف لكم بعض الذي تستعجلون • وان ربك

که باشد نزدیک کردانیم برای شما بعضی آنچه بشتاب میخواهید وبدرستی که پروردگار تو

لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم لا يشكرون

هرآینه خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نمیکنند

وان ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون • وما من

وبدرستی که پروردگار تو هرآینه میداند آنچه پنهان میکند سینهای ایشان وآنچه آشکارا میکنند وهیچ

غائبة في السماء والارض الا في كتاب مبين • ان هذا القرآن

پوشیده نشود نه در آسمان ونه در زمین مگر در کتاب روشن بدرستی که این قرآن

يقص على بني اسرائيل اكثر الذي هم فيه يختلفون

قصه باز میگوید بر بنی اسرائیل بیشترین آنچه ایشان درآن اختلاف کردند

وانه لهدى ورحمة للمؤمنين • ان ربك يقضي بينهم

وبدرستی که آن هرآینه راهنمونی است ورحمتی مر مومنانرا بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان

بحكمه وهو العزيز العليم • فتوكل على الله انك

بحکم خود واوست غالب دانا پس توکل کن بر خدا بدرستی که تو

على الحق المبين • انك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء

بر حقی روشنی بدرستی که تو نتوانی شنوانید مردکانرا ونتوانی شنوانید کرانرا خواندن

اذا ولوا مدبرين • وما انت بهادي العمي عن ضلالتهم ان تسمع

چون برگشتند پشت برکنندکان ونیستی تو رهنماینده کورانرا از کمراهی ایشان نتوانی شنوانید

الا من يؤمن باياتنا فهم مسلمون • واذا وقع القول عليهم

مگر آنکه بگرویده بنشانهای ما پس ایشان منقاد باشند وچون واقع شد گفتار بعذاب بر ایشان

اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ان الناس كانوا

بیرون آوردیم برای ایشان جنبنده از زمین که سخن بگوید با ایشان که مردمان بودند

باياتنا لا يوقنون • ويوم نحشر من كل امة فوجا ممن

بنشانهای ما بیقین نمیشدند وروزی که حشر کنیم از هر کروهی کروهی از آنکه

يكذب باياتنا فهم يوزعون • حتى اذا جاؤ قال اكذبتم

بدروغ داشتند نشانهای مارا پس ایشان بازداشته شوند تا چون آیند بآنجا گوید خدای آیا بدروغ داشتید

باياتي ولم تحيطوا بها علما اماذا كنتم تعملون • ووقع

نشانهای مرا ودر نرسیده بودید بدان بدانش یا چه بودید شما میکردید وواقع شد

القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون • الم يروا انا جعلنا

گفتار بعذاب بر ایشان بسبب آنکه ستم کردند پس ایشان گویا نباشند آیا نمیبینند که بکردیم

الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا ان في ذلك لايات

شب را تا آرام گیرند دران وروز را سبب بینایی بدرستی که درآن هرآینه نشانهاست

لقوم يؤمنون • ويوم ينفخ في الصور ففزع من في السموات

مرکروهی را که بگروند وروزی که دمیده شود در صور پس بترسید آنکه در آسمانهاست

وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

وآنکه در زمینست مگر آنچ خواسته بود خدا وهمه آیند برو در موضع ذل و انکسار

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ

وبینی تو کوهها را پنداری آنرا بی روح وآن گذرد همچون گذشتن ابر این قدرت خداست

الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ

آن خدایی که محکم گردانید هر چیزی را بدرستی که او آگاهست بدانچه شما میکنید هر که آید بنیکوئی

فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

پس مر او را بود بهتر از آن وایشان از ترس آن روز ایمن باشند وهر که آید ببدی

فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

ای بروی در اندازند ایشانرا در آتش هیچ پاداشت داده نشوند مگر بدانچه شما کرده باشید

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ

بدرستی که فرموده اند مرا که پرستم پروردگار این شهر مکه را آن شهری که حرم گردانید آنرا ودارد او را

كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ

همه چیزی وفرموده اند مرا که باشم از جمله منقادان وآنکه خوانم قرآنرا

فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ

پس هر که راه یافت پس بود راه یافتن مر تن او را وهر که گمره شود پس بگو که من از

الْمُنذِرِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ

بِغَافِلٍ عَمَّا **سورة القصص ثمان وثمانون آية** تَعْمَلُونَ

غافل از آنچه شما میکنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ نَتْلُو عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَ

بحق طول وسنا این نشانهای قرآن روشن که میخوانم بر تو از خبر موسی

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ

وفرعون براستی مر گروهی را که ایمان آرند بدرستی که فرعون گردنکشی کرد در زمین وگردانید

أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ

اهل آنرا گروهان مختلف ضعیف میشمرد گروهی را از ایشان میکشت پسران ایشانرا

وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ وَنُرِيدُ

وزنده میداشت زنان ایشانرا بدرستی که او بود از جمله تباهی کنندگان وخواستیم ما

أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ

که منت نهیم بر آنها که ضعیف داشته بودند در زمین وکنیم ایشانرا پیشوایان

نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ

وکنیم ایشانرا میراث بردگان وتمکین دادیم ما ایشانرا در زمین ونمائیم فرعون

وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ

وهامان ولشکر ایشان از ایشان آنچه بودند از آن می ترسیدند

الى ام موسى ان ارضعيه فاذا خفت عليه فالقيه في اليم ولا

بمادر موسى که شیرده اورا پس چون ترسی بر وی پس انداز اورا در دریا و

تخافي ولا تحزني انا رادوه اليك وجاعلوه من المرسلين

مترس واندوه مخور بدرستی که ما بازگرداننده اوییم سوی تو و کننده اوییم از جمله رسولان

فالتقطه آل فرعون ليكون لهم عدوا وحزنا ان فرعون

پس برداشتند اورا فرعونیان تا باشد مر ایشان را دشمنی و سبب اندوهی بدرستی که فرعون

وهامان وجنودهما كانوا خاطئين ۝ وقالت امرات

وهامان ولشکرهای ایشان بودند گناهکاران وگفت زن

فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى ان ينفعنا او نتخذه

فرعون این روشنای چشمست مرا وترا مکشید اورا شاید بود که سود کند ما را یا فرا گیریم اورا

ولدا وهم لا يشعرون ۝ واصبح فؤاد ام موسى فارغا ان كادت

بفرزندی وایشان ندانستند وگشت دل مادر موسی فارغ نزدیک بود که

لتبدي به لولا ان ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين ۝ وقالت

ظاهر کند آنرا اگر نه که بستیم ما بر دل او صبری تا باشد از جمله مؤمنان وگفت

لاخته قصيه فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون

مرخواهر خود را از پی او برو پس دیدید اورا از دور وایشان نمی دانستند

وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت هل ادلكم على اهل

وحرام کردیم ما بر وی شیر دایگان را از پیش پس گفت ای دلالت کنم شما را بر اهل

بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ۝ فرددناه الى امه

خانه که پایندانی کنند اورا برای شما وایشان مر اورا نیک خواهانند پس بازگردانیدیم ما اورا سوی مادر او

كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق ولكن

تا روشن شود چشم او و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا حقست ولیکن

اكثرهم لا يعلمون ۝ ولما بلغ اشده واستوى آتيناه

بیشترین ایشان نمی دانند وچون برسید بغایت قوت خود و نیرومند شد بدادیم ما اورا

حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين ۝ ودخل المدينة

حکمت ودانش وهمچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را ودر رفت در شهر مصر

على حين غفلة من اهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان

بهنگام غفلتی از اهل آن پس یافت در آنجا دو مرد را که یکدیگر را میکشتند

هذا من شيعته وهذا من عدوه فاستغاثه الذي من

این یکی از گروه موسی بود وآن دیگر از دشمنان او بود پس فریاد خواست از وی آنکه از

شيعته على الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال

گروه موسی بود بر آنکه از دشمن او بود پس سیلی زد اورا موسی پس بکشت اورا گفت

هذا من عمل الشيطان انه عدو مضل مبين ۝ قال رب

این کار دیو بود بدرستی که او دشمنست وگمراه کننده روشن گفت ای پروردگار من

اني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له انه هو الغفور الرحيم

بدرستی که من ستم کردم بر تن خود پس بیامرز مرا پس بیامرزید اورا بدرستی که او آمرزگار مهربانست

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ • فَأَصْبَحَ
گفت ای پروردگار من بسبب آنچه نعمت کردی بر من پس نباشم هم پشت پس در بامداد آمد
فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ
در شهر ترسان چشم بیداشت پس انگه آنکسی که یاری خواسته بود ازو دی فریاد خواست ازو
قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ • فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي
گفت مر او را موسی که تو گمره کننده روشنی پس چون خواست که درگیرد آنکسی که
هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ
او دشمن بود مر ایشان را گفت ای موسی ای میخواهی که بکشی مرا همچنانک بکشتی
نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ
تنی را دی روز نمیخواهی مگر آنک باشی گردنکشی در زمین و نمیخواهی
أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ • وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ
که باشی از کار باصلاح آورندگان و آمد مردی از نهایت شهر می شتافت
قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ
گفت ای موسی بدرستی که اشراف مشورت میکنند در کار تو تا بکشند ترا پس بیرون رو که من ترا
مِنَ النَّاصِحِينَ • فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ
از جمله نصیحت کنندگانم پس بیرون آمد از آنجا ترسان با نیز می نگریست گفت پروردگار من برهان مرا از
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ • وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَنْ
گروه ستمکاران و چون برسید بنزدیک شهر مدین گفت شاید بود که پروردگار

يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ • وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً
راه نماید مرا بارای راست و چون برسید باب مدین و یافت بر آنجا گروهی
مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ
از مردمان که آب میدادند مواشی خود را و یافت از جز ایشان دو زن را که ایستاده بودند
قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا
گفت چیست حال و کار شما گفتند آب ندهیم تا باز گردند شبانان و پدر ما
شَيْخٌ كَبِيرٌ • فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي
شیخی بزرگست پس آب داد مواشی ایشان را پس برگشت سوی سایه آمد پس گفت پروردگار
لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ • فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ
از آنچه فرستی بمن چیزی که سخت محتاجم پس آمد بدو یکی از آن دو دختر می آمد بر سر شرمی
قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ
گفت که پدر من میخواند ترا تا پاداشت دهد مزد آنچه آب دادی مواشی ما را پس چون آمد پیش شعیب
وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ •
و قصه خواند برو قصهای خود را گفت مترس برهانم ترا از گروه ستمکاران
قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ
گفت یکی از آن دو ای پدر من بمزدوری گیر او را بدرستی که بهترین آنکسی است که بأجرت گیری که نیرومند
الْأَمِينُ • قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ
با امانتست گفت شعیب که من میخواهم که بنکاح تو در آورم یکی از این دو دختر را اینها بر آنکه

تأجرني ثماني حجج فان اتممت عشرا فمن عندك وما اريد ان اشق
مزدوری کنی مرا هشت سال پس اگر تمام گردانی ده سال پس آن کرم بود از نزد تو و نمیخواهم که سخت کنم
عليك ستجدني ان شاء الله من الصالحين ۝ قال ذلك بيني
بر تو زود یابی مرا اگر خواهد خدا از جمله نیکوکاران گفت آنست عهد میان من
وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي والله على
و میان تو هر کدام ازین دو مدت که بگذارم آنرا پس هیچ دشمنی نبود بر من و خدا بر
ما نقول وكيل ۝ فلما قضى موسى الاجل وسار باهله
آنچه میگوییم کارساز است پس چون بگذارد موسی وعده را و ببرد کسان خود را
آنس من جانب الطور نارا قال لاهله امكثوا اني آنست
دید از جانب کوه طور آتشی را گفت کسان خود را درنگ کنید که من دیدم
نارا لعلي آتيكم منها بخبر او جذوة من النار لعلكم
آتشی را تا بود که من آورم بشما از آن خبری یا پاره از آتش تا بود که شما
تصطلون ۝ فلما اتاها نودي من شاطئ الواد الايمن في
گرم شوید پس چون آمد بدانجا ندا کرده شد از کنار وادی ایمن در
البقعة المباركة من الشجرة ان يا موسى اني انا الله
بقعه مبارکه از درخت عناب یا غرآن که ای موسی بدرستی که منم خدا
رب العالمين ۝ وان الق عصاك فلما رآها تهتز كانها
پروردگار جهانیان و آنکه بینداز عصای خود را پس چون دید آنرا بر خود میجنبید گویا که آن

جان ولى مدبرا ولم يعقب يا موسى اقبل ولا تخف انك من الآمنين
ماری بود برگشت پشت کننده و باز پس ننگرست گفتیم ما ای موسی روی فراکن و مترس بدرستی که تو از ایمنانی
اسلك يدك في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء واضمم
درآور دست خود را در گریبان خود تا برون آید سفید از جز بدی و ضم کن
اليك جناحك من الرهب فذانك برهانان من ربك الى فرعون
باخود دست خود را پس آن دو معجزه اند از پروردگار تو بسوی فرعون
وملائه انهم كانوا قوما فاسقين ۝ قال رب اني
و اشراف او بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان گفت ای پروردگار من بدرستی که من
قتلت منهم نفسا فاخاف ان يقتلون ۝ واخي هرون
بکشتم از ایشان تنی را پس من میترسم که بکشند مرا و برادر من هارون
هو افصح مني لسانا فارسله معي ردءا يصدقني اني
او فصیح تر است از من بزبان پس بفرست او را با من بیاری تا باور دارنده مرا بدرستی که من
اخاف ان يكذبون ۝ قال سنشد عضدك باخيك
میترسم که دروغ دارند مرا گفت خدا زود سخت کردانم دست ترا ببرادر تو
ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما باياتنا انتما
و بکنیم دو شما را حجتی پس نرسند بشما بآیتهای ما شما
ومن اتبعكما الغالبون ۝ فلما جاءهم موسى باياتنا بينات
و آنکه پیروی کند شما را غالبان باشند پس چون آمد بایشان موسی بآیتهای ما روشن

قالوا ما هذا الا سحر مفترى وما سمعنا بهذا في آبائنا
گفتند نیست این مگر جادوی کرده و نشنیدیم ما این را در میان پدران ما

الاولين وقال موسى ربي اعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن
پیشینه و گفت موسی پروردگار من داناتر است بآنکه آمد باراه از نزد او و هرکه

تكون له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون وقال فرعون
باشد برا او را عاقبت آن سرای بدرستی که رستگاری نیابند ستمکاران و گفت فرعون

يا ايها الملأ ما علمت لكم من اله غيري فاوقد لي يا هامان
ای اشراف نمیدانم در شمارا هیچ خدای جز از خود پس تافتن برای من ای هامان

على الطين فاجعل لي صرحا لعلي اطلع الى اله موسى واني
بر سر گل پس بنه برای من کوشکی تا بود که من مطلع شوم بخدای موسی و بدرستی که من

لاظنه من الكاذبين واستكبر هو وجنوده في
گمان می برم او را از جمله دروغ گویان و گردن کشی کرد او و لشکرهای او در

الارض بغير الحق وظنوا انهم الينا لا يرجعون فاخذناه
زمین بناحق و گمان بردند که ایشان بسوی ما باز گردانیده نشوند پس گرفتیم

وجنوده فنبذناهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة
پس انداختیم ایشان را

الظالمين وجعلناهم ائمة يدعون الى النار ويوم القيامة
و گردانیدیم ایشان را پیشوایانی که میخوانند بآتش و در روز قیامت

نصف

لا ينصرون واتبعناهم في هذه الدنيا لعنة ويوم القيامة
یاری کرده نشوند و ازپی آوردیم ایشان را در این دنیا لعنت و در روز قیامت

هم من المقبوحين ولقد آتينا موسى الكتاب من بعد
ایشان از رانده گان باشند و بدرستی که بدادیم ما موسی را کتاب از پس آنکه

ما اهلكنا القرون الاولى بصائر للناس وهدى ورحمة
هلاک کرده بودیم گروهها را پیشینه را سبب روشنایی برای مردمان و راهی و رحمتی

لعلهم يتذكرون وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا
تا بود که ایشان پند گیرند و نبودی تو از جانب مکان غربی چون گزاردیم ما

الى موسى الامر وما كنت من الشاهدين ولكنا انشأنا
سوی موسی فرمان را و نبودی تو از جمله حاضران و گواهان و لیکن آفریدیم ما

قرونا فتطاول عليهم العمر وما كنت ثاويا في اهل مدين
گروهانی را پس دراز شد بر ایشان مدت عمر و نبودی تو مقیم در میان اهل مدین

تتلوا عليهم آياتنا ولكنا كنا مرسلين وما كنت
تا خوانی بر ایشان نشانهای ما را و لیکن بودیم ما فرستنده گان و نبودی تو

بجانب الطور اذ نادينا ولكن رحمة من ربك لتنذر قوما
جانب کوه طور چون برخواندیم ما را و لیکن رحمتی بود از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را

ما اتاهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون ولولا ان
که نیامد بدیشان بیم کننده از پیش از تو تا بود که ایشان پند گیرند و اگر نه

تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ

برسیدی بریشان مصیبتی بدآنچه فرایش داشتند دستهای ایشان پس گویند ای پروردگار ما چرا نفرستادی

إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمُ

بما رسولی را پس پیروی کردمانی نشانهای ترا وبودمانی از جملهٔ مؤمنان پس چون آمد بدیشان

الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ ۝ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا

پیغمبر باکتاب از نزد ما گفتند چرا نداده اند اورا مانند آنچه بداده شد موسی را ای نه کافر

بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ

بدآنچه بداده شد موسی را از پیش گفتند این دو جادواند که ظاهر شداند و هم پشت گشته و گفتند که ما بهمه

كَافِرُونَ ۝ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِندِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا

کافرانیم بگو پس بیاورید بکتابی از نزدیک خدا که آن راه یابنده تر بود ازان هردو

أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا

تا پیروی کنیم آنرا اگر هستید شما راست گویان پس اگر پاسخ نکنند ترا پس بدان که

يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى

پیروی میکنند هواهای خودرا وکیست گمراه تر آزانکه پیروی کرد هوای نفس خودرا بی دانشی

مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ

از خدا بدرستی که خدا راه ننماید گروه ستمکارانرا وبدرستی که رسانیدیم ما برایشان قرآن که از گذارد عبد

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِن

تا بود که ایشان پند گیرند آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب از

٤

قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ

پیش آن ایشان بدان بگروند کانند وچون خوانده شود برایشان گویند بگرویدیم ما بدان بدرستی که آن حق

مِن رَّبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم

از پروردگار ما بدرستی که بودیم ما پیش ازین منقادان آن گروه بدهند مزدهای ایشان را

مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

دوباره بدآنچه صبر کردند ودفع کردند بنیکوئی بدی را وازآنچه روزی کردیم ما ایشانرا

يُنفِقُونَ ۝ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا

نفقت میکنند وچون شنوند ناسزا را برگردند ازان وگویند مارا ست عملهای ما

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ۝

ومرشمارا ست عملهای شما سلام تودیع باد برشما نمی خواهیم جاهلانرا یاری

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ

بدرستی که تو راه نتوانی نمود آنرا که دوست داری ولیکن خدا راه نماید مرانرا که خواهد واو

أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ

داناترست براه یابندگان وگفتند اگر پیروی کنیم راه را با تو در ربایند مارا

مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ

از زمین ما ای نه متمکن گردانیدیم ما ایشانرا حرمی ایمن از غارت که اختیار کرده شد در آن میوهای

كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَكَمْ

هر چیزی روزی از نزدیک ما ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند وبسا

اهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم

که هلاک کردیم از اهل دهها که نوع عیشان بود پس آینک مسکنهای ایشان

تسكن من بعدهم الا قليلا وكنا نحن الوارثين

که پس کن نشدند از پس ایشان مگر اندکی وبودیم ما میراث گیرندگان

وما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في امها رسولا يتلو

ونبود پروردگار تو هلاک کننده اهل دیها را تا بفرستد در معظم ترین آنجا رسولی را تا خواند

عليهم اياتنا وما كنا مهلكي القرى الا واهلها ظالمون

بر ایشان نشانهای ما را ونبودیم ما هلاک کننده اهل شهرها مگر که اهل آنجا ستمکاران بودند

وما اوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند

وآنچه بداده اند شمارا از چیزی پس برخورداری زندگانی دنیا وآرایش آن وآنچه نزد

الله خير وابقى افلا تعقلون ۞ افمن وعدناه وعدا حسنا فهو

خداست بهتر وباقی تر ای پس استعمال عقل نمیکنید ای پس آنکه وعده دادیم او را وعده نیکو پس او

لاقيه كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة

رسیده بود بدان همچون آنکس بود که برخورداری داده باشیم برخورداری در زندگانی دنیا پس او روز قیامت

من المحضرين ۞ ويوم يناديهم فيقول اين شركائي الذين كنتم

از حاضر کردگان باشد در عذاب ودروزی که برخواند ایشانرا پس گوید خدا که کجااند انبازان من آنها که بودید شما

تزعمون ۞ قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين اغوينا

دعوی کردید گویند آنها که واجب شد برایشان گفتار پروردگار ما این گروه آنهااند که گمراه کردیم

عذاب

اغويناهم كما غوينا تبرانا اليك ما كانوا ايانا يعبدون

گمراه کردانیم ایشانرا همچنانک گمراه گردانیده شدیم ما بیزار شدیم ما بسوی تو بازآمدیم نبودند که مارا پرستند

وقيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم وراوا

وگویند ایشانرا برخوانید انبازان خودرا پس برخوانند ایشانرا پس پاسخ نکنند مرایشانرا وببینند

العذاب لو انهم كانوا يهتدون ۞ ويوم يناديهم فيقول ماذا

عذاب را آرزو کنند کاشکی ایشان راه یافتگان بودندی ودروزی که برخواند ایشانرا پس گوید خدا چه چیز

اجبتم المرسلين ۞ فعميت عليهم الانباء يومئذ فهم

پاسخ کردید شما رسولانرا پس پوشیده شد برایشان خبرهای آنروز پس ایشان

لا يتساءلون ۞ فاما من تاب وامن وعمل صالحا فعسى ان يكون

از هم نپرسند پس آنکه توبه کرد وبگروید وکارهای نیکو کرد پس شاید بود که باشد

من المفلحين ۞ وربك يخلق ما يشاء ويختار ما كان لهم

از رستگاران وپروردگار تو می آفریند آنچه خواهد وبرگزیند نبود مرایشانرا

الخيرة سبحان الله وتعالى عما يشركون ۞ وربك يعلم

اختیاری پاک ومنزه است خدا وافرشته ازآنچه انبازها میدارند وپروردگار تو میداند

ما تكن صدورهم وما يعلنون ۞ وهو الله لا اله الا هو

آنچه پنهان میکنند سینهای ایشان وآنچه آشکارا میکنند واوست خدا نیست خدایی مگر او

له الحمد في الاولى والاخرة وله الحكم واليه ترجعون

مراوراست سپاس وستایش در دنیا ودرآخرت ومراوراست حکم وباخواو بازگردانیده شوید

قل ارايتم ان جعل الله عليكم اليل سرمدا الى يوم القيمة من

بگو ای چه بینید شما اگر بکند خدا بر شما شب را همیشه تا روز قیامت کیست

اله غير الله يأتيكم بضياء افلا تسمعون ۝ قل ارايتم ان

خدائی جز از خدا که آورد بشما روشنی را ای پس نمی شنوید بگو ای چه بینید شما اگر

جعل الله عليكم النهار سرمدا الى يوم القيمة من اله غيره

بکند خدا بر شما روز را همیشه تا روز قیامت کیست خدای جز از

الله يأتيكم بليل تسكنون فيه افلا تبصرون ۝ ومن

خدا که آورد بشما شب تا آرام گیرید در آن ای پس نمی بینید واز

رحمته جعل لكم اليل والنهار لتسكنوا فيه و

رحمت اوست که پدید کرد برای شما شب و روز را تا آرام گیرید در آن

لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ ويوم يناديهم

و تا بجوئید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید و روزی که بر خواند ایشان را

فيقول اين شركاءي الذين كنتم تزعمون ۝ ونزعنا من

پس گوید خدا که کجا شدند انبازان من آنها که بودید شما دعوی میکردید و بیرون آوریم از

كل امة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم فعلموا ان الحق

هر گروهی گواهی را پس گوئیم بیاورید حجت خود را پس بدانید که حق

لله وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ ان قارون كان

مر خدا راست و گم شود از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند بدرستی که قارون بود

١٠

من قوم موسى فبغى عليهم واتيناه من الكنوز ما ان مفاتحه

از قوم موسی پس ستم کرد بر ایشان و بدادیم ما او را از گنجها آنچه کلیدهای آن

لتنوء بالعصبة اولي القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا يحب

خداوندان قوت را چون گفتند او را قوم او شاد مباش بدرستی که خدا دوست ندارد

الفرحين ۝ وابتغ فيما اتيك الله الدار الاخرة ولا تنس نصيبك

شادشوندگان را وبجوی در آنچه بداد ترا خدا سرای آخرت و فراموش مکن بهره خود را

من الدنيا واحسن كما احسن الله اليك ولا تبغ الفساد

از دنیا و نیکوئی کن همچنانک نیکوئی کرد خدا با تو و مجوی تباهی را

في الارض ان الله لا يحب المفسدين ۝ قال انما اوتيته على علم

در زمین بدرستی که خدا دوست ندارد تباهی کنندگان را گفت که بداده اند از آن را دانشی

عندي اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون

که نزد منست ای ندانست که خدا بدرستی که هلاک کرد پیش از و از گروهانی

من هو اشد منه قوة واكثر جمعا ولا يسئل عن ذنوبهم

آنک او سخت تر بود از و بقوت و بیشتر بجمع کردن و نپرسند از گناهان ایشان

المجرمون ۝ فخرج على قومه في زينته قال الذين يريدون الحيوة

کافران پس بیرون آمد بر قوم خود در زینتی که او را بود گفتند آنها که میخواستند زندگانی

الدنيا يا ليت لنا مثل ما اوتي قارون انه لذو حظ عظيم

دنیا را ای کاشکی ما را بود مانند آنچه بداده اند قارون را بدرستی که او خداوند بهره بزرگست

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ
وگفتند آنها که بداده شد ایشانرا دانش وای برشما ثواب خدا بهتر مرانرا که بگرویدند
وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ • فَخَسَفْنَا بِهِ
وکارهای نیکو کرد و نرسند بدان مگر صبرکنندگان پس فرو بردیم ما اورا
وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ
وسرای اورا بزمین پس نبودند مراورا هیچ گروهی که یاری کنند اورا از جز
اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ • وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا
خدا ونبود از جمله دادستانندگان وگشتند آنها که آرزو کردند
مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
جایگاه اورا دی روز میگفتند ای وای برتو خدا فراخ میگستراند روزی
لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا
مرآنرا که خواهد از بندگان خود وتنگ بازگیرد اگر نه آن بودی که منت نهادی خدا بر ما فرو بردی مارا
وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ • تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا
وای برتو که اینست که رستگاری نیابند کافران آنست سرای آخرت بکنیم آنرا
لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا • وَالْعَاقِبَةُ
برای آنها که نمیخواهند از سرکشی در زمین ونه تباهی وعاقبت کار
لِلْمُتَّقِينَ • مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
مر پرهیزکارانرا بود هرکه آید بنیکوئی پس مراورا بود بهتر ازان وهرکه آید ببدی

فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ • إِنَّ
پس پاداشت داده نشوند آنها که کرده باشند بدیهارا مگر بدانچه ایشان کرده باشند بدرستی
الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ • قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ
که آن خدای که بفرستاد برتو قرآنرا مرآینه بازگرداننده است ترا بامدینه بگو پروردگار من داناتر
مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • وَمَا كُنْتَ
بانکه آمد باراه او وبانکه او در گمراهی روشن ونبودی تو
تَرْجُوا أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ
که امید داری که انداخته شود بتو کتاب مگر رحمتی بود از پروردگار تو پس مباش
ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ • وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ
هم پشت مر کافرانرا ونه بگردانند ترا از نشانهای خدا پس از آنچه فرو فرستاده شد
إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • وَلَا تَدْعُ
بتو وبر خوان مردمانرا باراه پروردگار خود ومباش از جمله انباز آرندگان ومخوان
مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ
با خدا خدای دیگر نیست خدای مگر او هر چیزی هلاک شونده است مگر ذات پاک او مر اوراست
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ •
حکم وبا خدا او بازگردانیده شوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حزب

الم ۝ احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون
منم خدای گویا آیا پندارند مردمان که ترک کرده شوند بانکه بگویند بگرویدیم و ایشان نیازموده شوند

ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا
و بدرستی که آزمودیم آنهارا که پیش از ایشان بودند پس هرآینه جدا بازکند خدا آنهارا که راست گفتند

وليعلمن الكاذبين ۝ ام حسب الذين يعملون السيئات
و هرآینه جدا بازکند دروغ گویانرا یا نه که پنداشتند آنها که کردند بدیهارا

ان يسبقونا ساء ما يحكمون ۝ من كان يرجوا لقاء
که پیشی گیرند بر ما بدست آنچه حکم میکنند هرکه هست امید میدارد باز دیدن

الله فان اجل الله لات وهو السميع العليم ۝ ومن جاهد
خدا پس بدرستی که وعده خدا هرآینه آینده است و اوست شنوای دانا و هرکه جهاد کند

فانما يجاهد لنفسه ان الله لغني عن العالمين ۝ والذين
پس بدرستی که سود جهاد کردن مرتن ویرا بود بدرستی که خدا هرآینه بی نیازست از عالمیان و آنها

امنوا وعملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم
که بگرویدند و کردند کارهای نیکو هرآینه بازپوشانیم از ایشان بدیهای ایشان

ولنجزينهم احسن الذي كانوا يعملون ۝ ووصينا
و هرآینه پاداشت دهیم ایشانرا نیکوتر آنچه ایشان کرده باشند و فرمودیم

الانسان بوالديه حسنا وان جاهداك لتشرك بي ما ليس لك
آدمی را با مادر و پدر نیکوی کردن و اگر خصومت کنند با تو تا انباز گیری با من آنچه نیست ترا

٩

به علم فلا تطعهما الي مرجعكم فانبئكم بما كنتم
بدان هیچ دانشی پس فرمان مبر ایشانرا بامنست بازگشت شما پس آگاه کنم شمارا بدانچه شما

تعملون ۝ والذين امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم في
کرده باشید و آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند هرآینه درآوریم ایشانرا در زمره

الصالحين ۝ ومن الناس من يقول امنا بالله فاذا اوذي في الله
نیکوکاران و از مردمان کس هست که میگوید بگرویدیم بخدا پس چون رنجانیده شود در راه خدا

جعل فتنة الناس كعذاب الله ولئن جاء نصر من ربك
کند آزمایش مردمانرا همچون عذاب خدا و هرآینه اگر آید نصرتی از پروردگار تو

ليقولن انا كنا معكم اوليس الله باعلم بما في صدور
هرآینه گویند که ما بودیم با شما آیا نیست خدا داناتر بدانچه در سینهای

العالمين ۝ وليعلمن الله الذين امنوا وليعلمن المنافقين
جهانیانست و هرآینه جدا بازکند خدا آنهارا که بگرویدند و هرآینه جدا بازکند منافقانرا

وقال الذين كفروا للذين امنوا اتبعوا سبيلنا ولنحمل خطاياكم
و گفتند آنها که کافر شدند مر آنهارا که بگرویده بودند پیروی کنید راه مارا و تا برداریم گناهان شمارا

وما هم بحاملين من خطاياهم من شيء انهم لكاذبون
و نباشند ایشان بردارندگان از بارهای گناهان ایشان هیچ چیزی بدرستی که ایشان دروغ گویانند

وليحملن اثقالهم واثقالا مع اثقالهم وليسئلن
و هرآینه بردارند بارهای گناهان خودرا و گرانیهای با گرانیهای خود و هرآینه بازپرسند

يوم القيمة عما كانوا يفترون ۞ ولقد ارسلنا نوحا

روز قیامت از آنچه بودند ایشان بر بافته بستند بدرستی که بفرستادیم ما نوح را

الى قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان

سوی قوم او پس درنگ کرد درمیان ایشان هزار سال مگر پنجاه سال پس بگرفت ایشانرا طوفان

وهم ظالمون ۞ فانجيناه واصحاب السفينة وجعلناها اية

وایشان ستمکاران بودند پس برهانیدیم ما اورا واصحاب کشتی را وبکردیم ما آنرا نشانی

للعالمين ۞ وابرهيم اذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه ذلكم

مر عالمیانرا ویاد کن ابرهیم را چون گفت مر قوم خودرا که بپرستید خدا را وبترسید ازو آن

خير لكم ان كنتم تعلمون ۞ انما تعبدون من دون الله اوثانا

بهتر بود مر شمارا اگر هستید شما میدانید بدرستی که آنچه می پرستید از جز خدا بتانی اند

وتخلقون افكا ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون

می بافند دروغی را بدرستی که آنها که می پرستند از جز خدای قادر نباشند

لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له

مر شمارا روزی پس بجوئید نزد خدا روزی را وبپرستید اورا وشکر گوئید مر اورا

اليه ترجعون ۞ وان تكذبوا فقد كذب امم من قبلكم

باجزاء او بازگردانیده شوید واگر بدروغ دارید پس بدرستی که بدروغ داشتند گروهانی که پیش از شما بودند

وما على الرسول الا البلاغ المبين ۞ اولم يروا كيف يبدئ الله

ونیست بر رسول مگر رسانیدنی روشن ای ندیدند که چگونه باز نماید باز آفرید خدا

الخلق ثم يعيده ان ذلك على الله يسير ۞ قل سيروا في الارض

خلق را پس باز آفریند آنرا بدرستی که آن بر خدا آسان

فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشاة الاخرة

پس بنگرید که چگونه بازنما بیافرید خلق را پس همان خدا باز آفریند

ان الله على كل شيء قدير ۞ يعذب من يشاء ويرحم من يشاء

بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست عذاب کند هر کرا خواهد ورحمت کند آنرا که خواهد

واليه تقلبون ۞ وما انتم بمعجزين في الارض ولا في السماء

وبا جزاء او بازگردانیده شوید ونیستید شما عاجز شوندگان در زمین ونه در آسمان

وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ۞ والذين كفروا بايات الله

ونیست مر شمارا از جز خدا هیچ دوستی ونه یاری گری وآنها که کافر شدند بنشانهای خدا

ولقائه اولئك يئسوا من رحمتي واولئك لهم عذاب اليم

وبباز رسیدن باو آن نومید اند از رحمت من وآن گروه مر ایشانرا بود عذابی دردناک

فما كان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه او حرقوه فانجاه

پس نبود جواب مگر آنکه گفتند بکشید اورا یا بسوزانید اورا پس برهانید اورا

الله من النار ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ۞ وقال انما

خدا از آتش بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروید وگفت بدرستی که آنچه

اتخذتم من دون الله اوثانا مودة بينكم في الحيوة الدنيا

فرا گرفتید شما از جز خدا بتانی اند دوستی میان شما در زندگانی دنیا

ثم يوم القيمة يكفر بعضكم ببعض ويلعن بعضكم بعضا
پس روز قیامت کافر شوید بعضی شما ببعضی ولعنت کنید بعضی شما بعضی را
ومأویكم النار وما لكم من ناصرین ۝ فامن له لوط
وجایگاه شما آتش بود ونبود مر شمارا هیچ یاری کننده پس راست داشت اورا لوط
وقال انی مهاجر الی ربی انه هو العزیز الحكیم ۝ ووهبنا له
وگفت که من هجرت کننده ام با پروردگار خود بدرستی که اوست غالب محکم کار وبخشودیم ما اورا
اسحق ویعقوب وجعلنا فی ذریته النبوة والكتاب
اسحق واسحق را یعقوب وپدید کردیم ما درمیان فرزندان او پیغمبری وکتاب
واتیناه اجره فی الدنیا وانه فی الاخرة لمن الصالحین ۝ و
وبدادیم ما اورا مزده او در دنیا وبدرستی که او در آخرت هراینه از جمله نیکوکاران بود
لوطا اذ قال لقومه انكم لتاتون الفاحشة ما سبقكم
وباد کن لوط را چون گفت مر قوم خود را ای شما هراینه می آیید بناشایستی که پیشی نگرفت بر شما
بها من احد من العالمین ۝ ائنكم لتاتون الرجال و
بدان هیچ یکی از عالمیان ای شما هراینه می آیید بمردان بشهوت
تقطعون السبیل وتاتون فی نادیكم المنكر فما كان
وهمی برید راه زه وزادراه ومی آیید در میان انجمن شما بناشایست پس نبود
جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان كنت من
جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیار بما عذاب خدا را اگر هستی تو از جمله

الصادقین ۝ قال رب انصرنی علی القوم المفسدین ۝ ولما جاءت
راست گویان را گفت ای پروردگار من یاری ده مرا بر گروه تباهی کنندگان وچون آمدند
رسلنا ابرهیم بالبشری قالوا انا مهلكوا اهل هذه القریة
رسولان ما بابرهیم ببشارت گفتند که ما هلاک کننده ایم اهل این دیه را
ان اهلها كانوا ظالمین ۝ قال ان فیها لوطا قالوا نحن
بدرستی که اهل آن هستند ستمکاران گفت بدرستی که درآنجا لوط هست گفتند که ما
اعلم بمن فیها لننجینه واهله الا امراته كانت من
داناتریم بدانکه درآنجا هست هراینه برهانیم اورا واهل اورا مگر زن اورا که بود از جمله
الغابرین ۝ ولما ان جاءت رسلنا لوطا سیء بهم وضاق
هالکان وچون آمدند رسولان ما بلوط بدآمد ایشانرا وتنگ شد
بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انا منجوك واهلك
ودرماند بدیشان وگفتند مترس واندوه مخور بدرستی که ما رهانندگانیم ترا واهل ترا
الا امراتك كانت من الغابرین ۝ انا منزلون علی اهل هذه
مگر زن تو که هست از جمله هالکان بدرستی که ما فرود فرستندگانیم بر اهل این
القریة رجزا من السماء بما كانوا یفسقون ۝ ولقد
دیه خواری از آسمان بسبب آنچه ایشان تباهی کردند وبدرستی
تركنا منها ایة بینة لقوم یعقلون ۝ والی مدین اخاهم
که بگذاشتیم ما از آنها نشانی روشن برای گروهی که دریابند وبفرستادیم ما بقوم شعیب برادر ایشان را

شعيبا فقال يا قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الآخر ولا تعثوا

شعیب پس گفت ای قوم من بپرستید خدارا وامید دارید بروز آخرت و مشتابید

في الأرض مفسدين ۝ فكذبوه فأخذتهم الرجفة فأصبحوا

در زمین تباهی کنندگان پس بدروغ داشتند اورا پس بگرفت ایشانرا زلزله پس گشتند

في دارهم جاثمين ۝ وعادا وثمود وقد تبين لكم من

در سراهای خود مردگان و یاد کن هود را و صالح را و بدرستی که روشن شد مر شمارا از

مساكنهم وزين لهم الشيطان أعمالهم فصدهم عن

مسکنهای ایشان و بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشان پس برگردانید ایشانرا از

السبيل وكانوا مستبصرين ۝ وقارون وفرعون وهامان

راه و بودند بینندگان و یاد کن قارون و فرعون و هامانرا

ولقد جاءهم موسى بالبينات فاستكبروا في الأرض

و بدرستی که آمد بدیشان موسی بمعجزات پس گردنکشی کردند در زمین

وما كانوا سابقين ۝ فكلا أخذنا بذنبه فمنهم

و نبودند پیشی گیرندگان بمعجزات پس همه را بگرفتیم ما بسبب گناهان ایشان پس از ایشان بود

من أرسلنا عليه حاصبا ومنهم من أخذته الصيحة

آنکه بفرستادیم ما برو سنگباران و از ایشان کسی بود که بگرفت اورا بانگ هایل

ومنهم من خسفنا به الأرض ومنهم من أغرقنا وما كان

و از ایشان بود آنکه فرو بردیم ما اورا بزمین و از ایشان کسی بود که غرق کردیم ما اورا

الله ليظلمهم ولكن كانوا أنفسهم يظلمون ۝ مثل

خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند مثل

الذين اتخذوا من دون الله أولياء كمثل العنكبوت اتخذت

آنها که فرا گرفتند از جز خدا دوستانی همچون مثل عنکبوت است که فرا گیرد

بيتا وإن أوهن البيوت لبيت العنكبوت لو كانوا يعلمون ۝

خانه‌ای بنسیج خود و بدرستی که سست ترین خانها خانه عنکبوت است اگر ایشان بدانند

إن الله يعلم ما يدعون من دونه من شيء وهو العزيز الحكيم ۝

بدرستی که خدا میداند آنچه میخوانند از جز او از چیزی و اوست غالب محکم کار

وتلك الأمثال نضربها للناس وما يعقلها إلا العالمون ۝ خلق

و آنست مثلها که میزنیم آنرا برای مردمان و در نیابند آنرا مگر دانایان آفرید

الله السموات والأرض بالحق إن في ذلك لآية للمؤمنين ۝ اتل

خدا آسمانها و زمینرا بحق بدرستی که در آن نشانی است مومنانرا برخوان

ما أوحي إليك من الكتاب وأقم الصلوة إن الصلوة تنهى عن

آنچه وحی کرده میشود بتو از قرآن و بپای دار نمازرا بدرستی که نماز باز دارد از

الفحشاء والمنكر ولذكر الله أكبر والله يعلم

ناشایست و منکر و هر آینه یاد کرد خدا بزرگتر و خدا میداند

ما تصنعون ۝ ولا تجادلوا أهل الكتاب إلا بالتي هي أحسن

آنچه شما میکنید و خصومت مکنید با اهل کتاب مگر بطریقی که آن نیکوترست

الجزو ٢١

ربع

إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

مگر آنها که ستم کردند از ایشان و بگویید بگرویدیم بدانچه فرو فرستاده شد بما و فرو فرستاده شد بشما

وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَا

و خدای ما و خدای شما یکیست و ما او را منقادانیم و همچنین فرو فرستادیم

إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ

بتو قرآن را پس آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب میگروند بدان

وَمِنْ هَٰؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

وازین گروه کس هست که میگرود بدان و انکار نمیکند نشانهای ما مگر کافران

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ

و نبودی تو که خوانی پیش از نزول قرآن هیچ کتابی و نتوانی نوشت آنرا

بِيَمِينِكَ إِذًا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ ۝ بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي

بدست راست خود که آنگاه بشک شدندی باطلکاران بلکه این قرآن آیاتی اند روشن در

صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

سینهای آنها که بداده شد ایشانرا دانش و انکار نکنند نشانهای ما مگر ستمکاران

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ

و گفتند چرا فرو نفرستادند برو نشانها از پروردگار او بگو بدرستی که نشانها نزدیک خداست

وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ

و بدرستی که من بیم کننده روشنم آیا کفایت نیست ایشانرا که فرو فرستادیم بر تو

الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ

کتاب که میخوانند بریشان بدرستی که درآن رحمتست و پندی مرگروهی را

يُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي

که گروند بگو بس است خدا میان من و میان شما گواهی میداند آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ

آسمانهاست و زمین و آنها که بگرویدند ببهتان و کافر شدند بخدا آن گروه

هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى

ایشانند زیانکاران و بشتاب میخواهند از تو عذاب و اگر نه اجلی بودی نام نهاده

لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

هر آینه آمدی بدیشان عذاب و هر آینه آمدی بدیشان ناگاه و ایشان ندانستندی

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

بشتاب میخواهند از تو عذاب و بدرستی که دوزخ گرد درآینده است بکافران

يَوْمَ يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ

روزی که بپوشاند ایشانرا عذاب از بالای ایشان واز زیر پایهای ایشان و گوید خدا

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ

بچشید آنچه بودید شما میکردید ای بندگان من آنها که بگرویدند زمین من فراخست

فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ ۝ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

پس مرا پس پرستید هر تنی چشنده مرگست پس بما بازگردانید

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي
وآنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند هرآینه جای دهیم ایشانرا از بهشت غرفهای که میرود
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ الَّذِينَ
از زیر درختهای آن جویبارها همیشه باشند در آنجا نیکو بود مزد کارکنندگان آنها
صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ
که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل کنند وبس از جنبنده که طاقت ندارد
رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَلَئِنْ
روزی خودرا خدا روزی میدهد آنهارا وشمارا واوست شنوا ودانا واگر
سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
پرسی تو ازیشان که کی آفرید آسمانها وزمین وسخر کرد آفتاب را وماه را
لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
هرآینه گویند که خدا پس چگونه برگردانیده میشوند از حق خدا فراخ میکند روزی مرآنرا که خواهد
مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَلَئِنْ
از بندگان خود وتنگ بازکرد مرآنرا بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست واگر
سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ
پرسی تو ازیشان که کی فرو فرستاد از آسمان آبی پس زنده گردانید بدان زمین را پس از
مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
مرگ آن هرآینه گویند که خدا بگو سپاس مرخدایرا بلکه بیشترین ایشان در نمی یابند

وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ
ونیست این زندگانی دنیا مگر نازوخای وبازی وبدرستی که سرای آخرت آنست محل جاویدی
لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
اگر بدانند پس چون نشینند در کشتی برخوانند خدارا خالص کنندگان مراورا دین
فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ
پس چون برهاند ایشانرا بخشکی آنگه ایشان انباز آرند تا کافر شوند بدانچه بدادیم ما ایشانرا
وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا
وتا برخورداری گیرند در دنیا پس زود بدانند ای ندیدند که بدید کردیم ما مقامی با حرمت وایمن از غارت
وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ
وا ربوده میشوند مردمان از پیرامون ایشان ای پس بباطل میگروند وبنعمت خدا
يَكْفُرُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ
کافر میشوند وکیست ستمکارتر ازانکه بربافت بر خدا دروغ را یا دروغ داشت حق را
لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
چون آمد بدو ای نیست در دوزخ جایگاه مرکافرانرا وآنها که جهاد کردند
فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ۝
در راه ما هرآینه راه نمائیم ایشانرا براههای ما وبدرستی که خدا با نیکوکارانست

سورة الروم ستون ايه وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ۝ غلبت الروم في ادنى الارض وهم من بعد غلبهم سيغلبون

غلبه کرده شوند اهل روم در اقرب زمین عرب واهل روم از پس غلبه کردن ایشان زود غالب آیند

في بضع سنين ۝ لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح

در بازی سالهای تا نه سال مر خدایراست فرمان حکم از پیش آن قتال وازپس وامروز که روم غالب آیند شاد شوند

المؤمنون ۝ بنصر الله ينصر من يشاء وهو العزيز الرحيم ۝

مؤمنان بنصرت خدا یاری کند آنرا که خواهد واو غالب مهربانست

وعد الله لا يخلف الله وعده ولكن اكثر الناس لا يعلمون

وعده خدا خلاف نکند خدا وعده خودرا ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند

يعلمون ظاهرا من الحيوة الدنيا وهم عن الاخرة هم

میدانند ظاهری از زندگانی این دنیا وایشان از آخرت ایشان

غافلون ۝ اولم يتفكروا في انفسهم ما خلق الله السموات

غافلانند ای اندیشه نکردند در تنهای خود که بیافرید خدا آسمانها

والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى وان كثيرا من

وزمینرا وآنچه میان آن هردواست مگر بحق وتا اجلی نام نهاده وبدرستی که بسیاری از

الناس بلقاء ربهم لكافرون ۝ اولم يسيروا في الارض

مردمان بباز دیدن با وعده پروردگار خود مرآنرا کافرانند ای نرفتند در زمین

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا

پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند

اشد منهم قوة واثاروا الارض وعمروها اكثر مما عمروها

سخت تر از ایشان بقوت وکسب کردن در زمین وزندگانی یافتند بیشتر از آنچه زندگانی یافتند ایشان

وجاءتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن

وآمدند بدیشان رسولان ایشان بحجتها پس نخواست خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن

كانوا انفسهم يظلمون ۝ ثم كان عاقبة الذين اساءوا

بودند بر تنهای خود ستم کردند پس بود عاقبت آنها که بدی کردند

السوءى ان كذبوا بايات الله وكانوا بها يستهزءون ۝

بدی که بدروغ داشتند نشانهای خدارا وبودند آنرا استهزا میکردند

الله يبدؤا الخلق ثم يعيده ثم اليه ترجعون ۝ ويوم تقوم

خدا ابتدا بیافریند خلق را پس باز آفریند آنرا پس با جزاء او بازگردانیده شوید وروزی که برخیزد

الساعة يبلس المجرمون ۝ ولم يكن لهم من شركائهم شفعاء

قیامت متحیر و نومید شوند کافران ونبود مرایشانرا هیچ انبازانی که شفاعت کنند ایشانرا

وكانوا بشركائهم كافرين ۝ ويوم تقوم الساعة يومئذ

وباشند بانباز فرا داشتن ایشان کافران وروزی که برخیزد قیامت آن روز

يتفرقون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات فهم في روضة

جدا شوند مؤمنان از کافران پس اما آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند پس ایشان در بوستان بهشت

يحبرون ۝ واما الذين كفروا وكذبوا بآياتنا ولقاء الآخرة
شادان باشند وأما آنها که کافر شدند ودروغ داشتند نشانهای ما را وبباز رسیدن بآخرت
فأولئك في العذاب محضرون ۝ فسبحان الله حين تمسون
پس آن گروه در عذاب حاضر کردگان باشند پس پاکی ومنزه است خدا هنگامی که شبانگاه میکنید
وحين تصبحون ۝ وله الحمد في السماوات والأرض وعشيا
وهنگامی که بامداد میکنید ومر او راست ستایش در آسمانها وزمین ودر آخر روز
وحين تظهرون ۝ يخرج الحي من الميت ويخرج الميت من
وهنگامی که در نماز پیشین در آیند بیرون می آورد زنده را از مرده وبیرون می آورد مرده را از
الحي ويحيي الأرض بعد موتها وكذلك تخرجون ۝ ومن
زنده وزنده میکند زمین را پس از مرگ آن وهمچنین بود بیرون آمدن از گور واز
آياته أن خلقكم من تراب ثم إذا أنتم بشر تنتشرون
نشانهای اوست که آفرید شما را از خاک پس آنگه شما آدمیانید پراکنده میشوید
ومن آياته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها
واز نشانهای اوست که آفرید شما را از تنهای شما همجفتانی را تا آرام گیرید بآنها
وجعل بينكم مودة ورحمة إن في ذلك لآيات لقوم
وپدید کرد میان شما دوستی ورحمتی بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را
يتفكرون ۝ ومن آياته خلق السماوات والأرض واختلاف
که اندیشه کنند واز نشانهای اوست آفریدن آسمانها وزمین واختلاف

فسبحان الله حين تمسون آيت كريمه سن
تخرجون وارنجه بر كمسه بر كيجه
اوقه اول كون وردني
قضا ايتمش اولور تنبيه فاحش
بو آيت كريمه نك آخرنده
بو ليله يازمشدر
قضاء ما فات
ايتمش اولور
ديو بيورمشلر
منه

ألسنتكم وألوانكم إن في ذلك لآيات للعالمين
زبانهای شما ورنگهای شما بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر جهانیان را
ومن آياته منامكم بالليل والنهار وابتغاؤكم من فضله
واز نشانهای اوست خواب شما بشب وبروز وجستن شما معاش را از فضل او
إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون ۝ ومن آياته يريكم البرق
بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بشنوند واز نشانهای اوست که بازمی نماید آتش
خوفا وطمعا وينزل من السماء ماء فيحيي به الأرض بعد موتها
ترسان وطمع داران وفرو میفرستد از آسمان آبی پس زنده میکند بدان زمین را پس از مرگ آن
إن في ذلك لآيات لقوم يعقلون ۝ ومن آياته أن تقوم
بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که دریابند واز نشانهای اوست که ایستاده است
السماء والأرض بأمره ثم إذا دعاكم دعوة من الأرض إذا
آسمان وزمین بفرمان او پس چون بخواند شما را خواندنی از زمین آنگه
أنتم تخرجون ۝ وله من في السماوات والأرض كل له
شما بیرون آیندگان باشید از گورها ومر او راست آنکه در آسمانهاست وزمین همه مر او را
حزب قانتون ۝ وهو الذي يبدأ الخلق ثم يعيده وهو أهون عليه
فرمان برداران واوست آن خدایی که ابتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا وآن کار اعادت آسانترست برو
وله المثل الأعلى في السماوات والأرض وهو العزيز الحكيم
ومر او راست مثل ووصف بالاتر در آسمانها وزمین واوست غالب محکم کار

ضرب لكم مثلا من انفسكم هل لكم من ما ملكت ايمانكم
بدید کرد برای شما مثلی را از تنهای شما هیچ ای هست مر شمارا ازانچه قادر باشند دستهای شما
من شركاء في ما رزقناكم فانتم فيه سواء تخافونهم
از انبازانی درآنچه روزی کردیم ما شمارا پس شما [illegible] می ترسید ازیشان
كخيفتكم انفسكم كذلك نفصل الايات لقوم يعقلون
همچون ترسیدن شما مر اهالی تنهای شمارا همچنین هویدا میکنیم نشانهارا برای گروهی که دریابند
بل اتبع الذين ظلموا اهواءهم بغير علم فمن يهدي من اضل
بلک بروی کردند آنها که ستم کردند مرادهای خودرا بی دانشی پس کیست که راه نماید
الله وما لهم من ناصرين • فاقم وجهك للدين حنيفا
ونبود مرایشانرا هیچ یاری کننده پس متوجه گردان قصد خودرا برای دین اسلام مایل از باطل بحق
فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك
لازم باشید آفرینش خدارا آن دینی که بیافرید مردمانرا بران بدل کننده نیست مر آفرینش خدارا آنست
الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون • منيبين
دین راست درست [illegible] حال آنکه راجع باشند
اليه واتقوه واقيموا الصلوة ولا تكونوا من المشركين • من الذين
باطاعت خدا و بترسید ازو وبپای دارید نمازرا و مباشید ازجمله انباز آرندگان ازانها
فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون
که جدا کردند دین خودرا وبودند گروهان هر گروهی بدانچه نزدیک ایشانست شادان باشند

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم
وچون برسد بآدمی زیانی بخوانند پروردگار خودرا حال آنکه راجع باشند باطاعت او پس چون درچشانیم ایشانرا
منه رحمة اذا فريق منهم بربهم يشركون • ليكفروا بما
ازقبل خود رحمتی آنگه گروهی ازیشان بپروردگار خود انباز قرار دارند تا کافر شوند بدانچه
اتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون • ام انزلنا عليهم سلطانا
بدادیم ما ایشانرا پس برخورداری گیرند پس زود بدانند یا فرو فرستادیم بر ایشان حجتی
فهو يتكلم بما كانوا به يشركون • واذا اذقنا الناس رحمة
پس آن سخن میکند بدانچه ایشان بدان انباز میآرند وچون درچشانیم مردمانرا رحمتی
فرحوا بها وان تصبهم سيئة بما قدمت ايديهم اذا هم
شاد شوند بدان واگر برسد بدیشان بدی بدانچه فراپیش داشتند دستهای ایشان آنگه ایشان
يقنطون • اولم يروا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
نومیدان باشند آیا ندیدند که خدا فراخ بگستراند روزی مر آنرا که خواهد وتنگ گرداند
ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون • فات ذا القربى حقه والمسكين
بدرستی که درآن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند پس بده خداوند خویشی را حق او وبیچارگانرا
وابن السبيل ذلك خير للذين يريدون وجه الله فاولئك هم
وراهگذریانرا آن بهتر مر آنهارا که میخواهند رضای خدارا پس آن گروه ایشان
المفلحون • وما اتيتم من ربا ليربوا في اموال الناس فلا يربوا
رستگارانند وآنچه بدهید شما از افزونی مال تا بیفزاید در مالهای مردمان پس نیفزاید

عند الله وما آتيتم من زكوة تريدون وجه الله فأولئك هم
نزدیک خدا آنچه بدهید شما از حق مال میخواهید رضای خدارا پس آن گروه ایشانند
المضعفون ۝ الله الذي خلقكم ثم رزقكم ثم يميتكم ثم يحييكم
دو چندگردگان معبود بحق است که آفرید شمارا پس روزی داد شمارا پس بمیراند شمارا پس زنده کند شمارا
هل من شركائكم من يفعل من ذلكم من شيء سبحانه
ای هیچ هست از انبازان شما آنکه بکند از آن هیچ چیزی پاکی مر اوراست
وتعالى عما يشركون ۝ ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت
و از تنزه آنچه مشرکان میکویند پیدا شد انواع تباهی در خشکی و تری بآنچه اندوختند
أيدي الناس ليذيقهم بعض الذي عملوا لعلهم يرجعون
دستهای مردمان تا درچشاند ایشانرا بعضی آنچه ایشان کرده باشند تا بود که ایشان بازگردند
قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة الذين
بگو بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت آنها
من قبل كان أكثرهم مشركين ۝ فأقم وجهك
که پیش بودند بودند بیشترین ایشان انبازگیرندگان پس راست کن روی خود
للدين القيم من قبل أن يأتي يوم لا مرد له من الله يومئذ يصدعون
مر دین راست از پیش آنکه آید روزی که هیچ بازگردانیدنی نبود آنرا از حکم خدا آن روز متفرق شوند بعضی
من كفر فعليه كفره ومن عمل صالحا فلأنفسهم يمهدون
هرکه کافر شود پس بر وبود زیان کفر او وهرکه کند کاری نیکو پس تنهای خودرا آماده کردند

ليجزي الذين آمنوا وعملوا الصالحات من فضله إنه لا يحب الكافرين
تا پاداش دهد آنهارا که ... از فضل خود بدرستی که خدا دوست ندارد کافرانرا
ومن آياته أن يرسل الرياح مبشرات وليذيقكم من رحمته
واز نشانهای اوست که میفرستد بادهارا بشارت دهنده وتا درچشاند شمارا از رحمت خود
ولتجري الفلك بأمره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
و میرود کشتی بفرمان او و تا بجوئید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید
ولقد أرسلنا من قبلك رسلا إلى قومهم فجاءوهم بالبينات
و بدرستی که فرستادیم ما پیش از تو رسولانرا بقوم ایشان پس آمدند بدیشان بمعجزات
فانتقمنا من الذين أجرموا وكان حقا علينا نصر المؤمنين
پس کینه باز خواستیم ما از آنها که کافر شدند و هست واجب بر ما یاری کرد...
الله الذي يرسل الرياح فتثير سحابا فيبسطه في السماء كيف
خدا آن خداییست که میفرستد بادهارا پس برمی انگیزانند آن بادها ابررا پس فراخ بگستراند آنرا در آسمان چنانکه
يشاء ويجعله كسفا فترى الودق يخرج من خلاله فإذا
خواهد و میکند آنرا پاره پاره پس میبینی تو باران را که بیرون آید از میان آن پس آنگه
أصاب به من يشاء من عباده إذا هم يستبشرون ۝ وإن كانوا
برساند آن آنرا که خواهد از بندگان خود آنگه ایشان شادمان گشته ... و بدرستی که بودند
من قبل أن ينزل عليهم من قبله لمبلسين ۝ فانظر إلى آثار رحمت الله
از پیش آنکه فرو فرستاده شد بر ایشان از پیش آن از نومیدان پس بنگر بآثار رحمت خدا

كيف يحيي الأرض بعد موتها إن ذلك لمحيي الموتى وهو على كل

که چگونه زنده میکند زمین را پس از مرگ آن بدرستی که آن زنده کننده مردگانست واو بر همه

شيء قدير ۝ ولئن أرسلنا ريحا فرأوه مصفرا لظلوا من بعده

چیزی تواناست واگر بفرستادیمی بادی را پس ببینند آنرا زرد هر آینه گشتندی از پس آن

يكفرون ۝ فإنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا

کافران پس بدرستی که تو نتوانی شنوانید مردگانرا ونتوانی شنوانید کرانرا خواندن چون برگردند

مدبرين ۝ وما أنت بهادي العمي عن ضلالتهم إن تسمع إلا

پشت برکنندگان ونیستی تو راه نماینده کورانرا از گمراهی ایشان نتوانی شنوانید مگر

من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون ۝ الله الذي خلقكم من

آنرا که گروید بنشانهای ما پس ایشان منقادانند خدا آن خداییست که آفرید شمارا از

ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة

ضعیفی که حال طفولیت است پس بکرد از پس ضعیفی قوتی پس بکرد از پس قوت

ضعفا وشيبة يخلق ما يشاء وهو العليم القدير ۝ و

ضعیفی وپیری می‌آفریند آنچه خواهد واوست دانای توانا

يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة كذلك

روزی که برخیزد قیامت سوگند خورند کافران که درنگ نکردند جز ساعتی همچنین

كانوا يؤفكون ۝ وقال الذين أوتوا العلم والإيمان لقد

بودند که مصروف شدند از حق وگویند آنها که بداده شد ایشانرا دانش وایمان بتحقیق

لبثتم في كتاب الله إلى يوم البعث فهذا يوم البعث و

درنگ کردید شما در حکم وقضای خدا تا روز برانگیختن پس اینست روز برانگیختن

لكنكم كنتم لا تعلمون ۝ فيومئذ لا ينفع الذين

ولیکن شما بودید نمیدانستید پس آنروز سود نکند آنهارا

ظلموا معذرتهم ولا هم يستعتبون ۝ ولقد ضربنا للناس

که ستم کردند عذرخواستن ایشان ونه ایشانرا بخواستن قبول کنند وبدرستی که بیان کردیم برای مردمان

في هذا القرآن من كل مثل ولئن جئتهم بآية ليقولن

درین قرآن از هر مثلی واگر آوری بدیشان نشانی هرآینه گویند

الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون ۝ كذلك يطبع الله على

آنها که کافر شدند نیستید شما مگر باطل کاران همچنین مهر نهد خدا بر

قلوب الذين لا يعلمون ۝ فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفنك

دلهای آنها که نمیدانند پس صبر کن که وعده خدا حقست وسبک بر ندارد ترا کافران

الذين لا يوقنون ۝

آنها که یقین نمیشوند

سورة لقمان اربع وثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ۝ تلك آيات الكتاب الحكيم ۝ هدى ورحمة للمحسنين

این نشانهای کتابی باحکمت راهی وبخشایشی نیکوکارانرا

الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون ۝
آنها که بپای میدارند نمازرا و میدهند زکات را وایشان بسرای آخرت ایشان بیقین شوندگانند
اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون ۝ ومن
آن گروه بر راهی اند از پروردگار خود وآن گروه ایشان رستگارانند واز
الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم
مردمان کسیست که بدل میکند بقرآن اباطیل سخن را تا بر گرداند مردمانرا از راه خدا بناحق و نادانی
ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين ۝ واذا تتلى عليه
و فرا بگیرد آنرا باستهزا آن گروه مرایشانرا بود عذابی خوار کننده و چون خوانده شود برو
آياتنا ولى مستكبرا كأن لم يسمعها كأن في اذنيه
نشانهای ما را برگردد گردنکشنده گوییا که نشنوده است آنرا گوییا که در گوشهای او
وقرا فبشره بعذاب اليم ۝ ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات
گرانی است پس بشارت ده اورا بعذابی دردناک بدرستی که آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند
لهم جنات النعيم ۝ خالدين فيها وعد الله حقا وهو العزيز
مرایشانرا بود بستانهای پرنعمت همیشه باشند در آنجا وعده خدا حق است و اوست غالب
الحكيم ۝ خلق السموات بغير عمد ترونها والقى في الارض
محکم کار آفرید آسمانها را بی ستونی که می بینید آنرا و انداخت در زمین
رواسي ان تميد بكم وبث فيها من كل دابة وانزلنا
کوههای بلند ثابت تا در نجنباند شمارا و بپراکند در آنجا از هر جنبنده و فرو فرستادیم ما

نصف

من السماء ماء فانبتنا فيها من كل زوج كريم ۝ هذا
از آسمان آبی پس برویانیدیم ما در آنجا از هر صنفی نیکو اینست
خلق الله فاروني ماذا خلق الذين من دونه بل الظالمون في
آفریدن خدا پس بازنمایید که چه چیز آفریده اند آنها که از جز اواند بلکه ستمکاران در
ضلال مبين ۝ ولقد آتينا لقمان الحكمة ان اشكر لله
گمراهی روشنند و بدرستی که بدادیم ما لقمانرا حکمت بآنک شکر کن مر خدای را
ومن يشكر فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان الله غني حميد ۝
و هر که شکر کند پس سود شکر کردن مرتن اورا بود و هر که کافر شود پس خدا بی نیاز ستوده است
واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله ان
و چون گفت لقمان مر پسر خودرا و او پند میداد اورا که ای پسرک من انباز فرا مدار بخدا بدرستی
الشرك لظلم عظيم ۝ ووصينا الانسان بوالديه حملته
که انباز داشتن ظلمیست بزرگ و فرمودیم ما آدمی را بتعهد مادر و پدر خود برداشت اورا
امه وهنا على وهن وفصاله في عامين ان اشكر لي ولوالديك
مادر او حال آنکه ضعیف شد ضعفی بر سر ضعیفی و شیر دادن او در دو سال بود بآنک شکر کن مرا و مادر و پدر خودرا
الي المصير ۝ وان جاهداك على ان تشرك بي ما ليس لك
بمنست بازگشت شما و اگر جهاد کنند باتو برآنک انباز فرا داری بمن آنچه نیست مرترا
به علم فلا تطعهما وصاحبهما في الدنيا معروفا واتبع
بدان دانشی پس فرمان مبر ایشانرا و مصاحبت کن با ایشان در دنیا بنیکویی و پیروی کن

سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
راه آنرا که بازآمد بمن پس بمنست بازگشت شما پس آگاه کنم شما را بآنچه شما کرده باشید
يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ
ای پسرک من اگر آن چیز باشد بوزن یک دانه از سپندان خورد پس باشد آن در سنگی
أَوْ فِي السَّمٰوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ
یا در آسمانها یا در زمین آورد آنرا خدا بدرستی که خدا باریک بین آگاهست
يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ
ای پسرک من بپای دار نماز را و بفرما بنیکوئی و بازدار از ناشایست و صبر نمای بر
مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ
آنچه برسد بتو بدرستی که آنچه گفتیم از کارهای قویست و مایل مگردان روی خود را برای مردمان
وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ
و مرو در زمین بنازوشطاری بدرستی که خدا دوست ندارد هر خرامنده نازنده فخر نماینده
وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ
و میانه رو باش در رفتن تو و باز کن از آواز خود بدرستی که زشت ترین آوازها
لَصَوْتُ الْحَمِيرِ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا
آواز خرانست آیا نمی بینید که خدا مسخر کرد مر شما را آنچه در آسمانهاست و آنچه
فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ
در زمین است و تمام گردانید بر شما نعمت ظاهری و باطنی را و از مردمان

مَنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ وَإِذَا
کسی هست که خصومت میکند در دین خدا بی دانشی و بی راهی و بی کتابی روشن و چون
قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
گویند ایشان را پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا گویند بلکه پیروی کنیم آنچه یافتیم بران پدران خود را
أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ وَمَنْ يُسْلِمْ
آیا اگر باشد دیو خواند ایشان را بعذاب آتش افروخته پیروی خواهند کرد و هر که خالص گرداند
وَجْهَهُ إِلَى اللّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللّٰهِ
دین خود را خدا را و او نیکوکار بود پس بدرستی که در آویخته بود باصلی استوارتر و با خداست
عَاقِبَةُ الْأُمُورِ وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ
عاقبت کارها و هر که کافر شود پس اندوهگین مکناد ترا کفر او با ماست بازگشت ایشان
فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا
پس آگاه میکنیم ایشان را بآنچه ایشان کرده باشند بدرستی که خدا داناست براز سینها برخورداری میدهیم ایشان را
ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ
پس بناچار آریم ایشان را بسوی عذاب درشت و هر آینه اگر بپرسی از ایشان که آفرید آسمانها
وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ لِلّٰهِ
و زمین را هر آینه گویند که خدا بگو سپاس مر خدا را بلکه بیشترین ایشان نمیدانند مر خدا راست
مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَلَوْ أَنَّ مَا فِي
آنچه در آسمانهاست و زمین بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده و اگر هر چه در

الأرض من شجرة أقلام والبحر يمده من بعده سبعة أبحر ما نفدت

زمینست درختها بودی از هر یکی درخت قلمها بستی و دریا را مدد شدی آنرا هفت دریای دیگر منتهی نشود

كلمات الله إن الله عزيز حكيم ۝ ما خلقكم ولا بعثكم إلا كنفس

معلومات و سخنان خدا بدرستی که خدا غالب محکم کارست نیست آفرینش شما و نه برانگیختن شما مگر چون خلق

واحدة إن الله سميع بصير ۝ ألم تر أن الله يولج الليل في النهار

یک تن بدرستی که خدا شنوا و بیناست ای ندیدی که خدا در می آورد شب را در روز

ويولج النهار في الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري إلى

و در می آورد روز را در شب و مسخر کرد آفتاب و ماه را همه میروند تا

أجل مسمى وأن الله بما تعملون خبير ۝ ذلك بأن الله هو الحق

اجلی نام نهاده و آنکه خدا بدانچه شما میکنید آگاهست آن بسبب آنست که خدا اوست حق

وأن ما يدعون من دونه الباطل وأن الله هو العلي الكبير

و آنکه آنچه میخوانند از جز او باطلست و آنکه خدا اوست افرشته بزرگوار

ألم تر أن الفلك تجري في البحر بنعمة الله ليريكم من آياته

ای ندیدی که کشتی میرود در دریا بنعمت خدا تا بنماید شمارا از نشانهای او

إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور ۝ وإذا غشيهم

بدرستی که در آن نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را و چون بپوشد ایشانرا

موج كالظلل دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجاهم إلى

اضطراب دنیا موجی چون سایبانها بخوانند خدارا خالص کنندگان مر او را دین پس چون برهانید ایشان را

البر فمنهم مقتصد وما يجحد بآياتنا إلا كل ختار كفور

جانب خشکی پس از ایشان هست میانه نگه دارنده و انکار نکنند بنشانهای ما مگر هر غدار ناسپاس

يا أيها الناس اتقوا ربكم واخشوا يوما لا يجزي والد عن ولده

ای مردمان بترسید از پروردگار خود و بترسید از روزی که بکار نیاید هیچ پدری از فرزند خود

ولا مولود هو جاز عن والده شيئا إن وعد الله حق فلا تغرنكم

و نه هیچ فرزندی او گزارنده بود از پدر خود چیزی را بدرستی که وعده خدا راستست پس باید که مغرور نکند شمارا

الحياة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور ۝ إن الله عنده علم

زندگانی دنیا و مغرور نکناد شمارا بخدا دیو فریبنده بدرستی که خدا نزدیک اوست علم

الساعة وينزل الغيث ويعلم ما في الأرحام وما تدري

قیامت و فرو میفرستد باران را و میداند آنچه در رحمهاست و نداند هیچ

نفس ماذا تكسب غدا وما تدري نفس بأي أرض تموت

تنی که چه چیز اندوزد فردا و نداند هیچ تنی که بکدامین زمین بمیرد

إن الله عليم خبير ۝

بدرستی که خدا داناست آگاهست

سورة السجدة ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم ۝ تنزيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين ۝ أم يقولون

فرو فرستادن این قرآن هیچ شکی نیست در آن که از پروردگار جهانیانست ام میگویند

افتریه بل هو الحق من ربك لتنذر قوما ما اتیهم من نذیر من

که بر بافته است آنرا محمد بلکه آن حق است از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامد بدیشان هیچ بیم کننده

قبلك لعلهم یهتدون ● الله الذی خلق السموات والارض

پیش از تو تا بود که ایشان راه یابند خدا آن خدایست که آفرید آسمانها و زمین را

وما بینهما فی ستة ایام ثم استوی علی العرش ما لكم

و آنچه میان آن هر دوست در شش روز پس غالب و مستولی شد بر عرش نیست مر شمارا

من دونه من ولی ولا شفیع افلا تتذکرون ● یدبر

از جز او هیچ دوستی و نه شفیعی ای پس پند نمیگیرید تدبیر می فرماید

الامر من السماء الی الارض ثم یعرج الیه فی یوم كان

کارها را از آسمان تا زمین پس عروج می نماید آن عمل بطریق رجوع در روزی که باشد

مقداره الف سنة مما تعدون ● ذلك عالم الغیب والشهادة

مقدار آن هزار سال از آنچه بر شمرید آنک کننده این کار داننده ناپیدا و پیدا است

العزیز الرحیم ● الذی احسن كل شیء خلقه وبدأ خلق

خدای غالب مهربان آن خدایی که نیکو کرد هر چیزی را آفرینش آن و با بتدا بیافرید خلق را

الانسان من طین ● ثم جعل نسله من سلالة من ماء

آدمی را از گل پس گردانید نسل او را از خلاصه از آب

مهین ● ثم سویه ونفخ فیه من روحه وجعل لكم السمع

حقیر پس راست اندام گردانید او را و در دمید در و از باد قدرت خود و بیافرید مر شما شنوایی

والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون ● وقالوا ءاذا

و بینائیها و دلهای اندکی اید آنچه شکر کنید و گفتند مشرکان ای چون

ضللنا فی الارض ءانا لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربهم

غایب شویم ما در زمین و بمیریم ای ما هر آینه در آفرینش نو باشیم بلکه ایشان بباز رسیدن پروردگار خود

كافرون ● قل یتوفیکم ملك الموت الذی وکل بکم ثم

کافر اند بگو جان بستاند شما را فرشته مرگ آن فرشته که موکل کرده اند بر شما پس

الی ربکم ترجعون ● ولو تری اذ المجرمون ناکسوا رءوسهم

با جزاء پروردگار خود باز گردانیده شوید و اگر بدیدی تو که چون کافران نگونسار کرده شوند سرهای ایشان

عند ربهم ربنا ابصرنا وسمعنا فارجعنا نعمل صالحا انا

نزد پروردگار ایشان گویند ای پروردگار ما بدیدیم ما و شنیدیم ما پس باز گردان ما را تا بکنیم کاری نیکو بدرستی که ما

موقنون ● ولو شئنا لاتینا کل نفس هدیها ولکن

بیقین شوندگانیم و اگر خواستمانی بر شنا دادمانی هر تنی را راه راست آن ولیکن

حق القول منی لاملان جهنم من الجنة والناس اجمعین

واجب شد گفتار وعید از من که هر آینه پر کنم دوزخ را از پری و آدمی از همه جنس

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا انا نسینکم

پس گوید ایشان را بچشید بدانچه فراموش کردید شما باز رسیدن شما بدین روز بدرستی که ما فراموش کنیم شما را

وذوقوا عذاب الخلد بما کنتم تعملون ● انما یؤمن بایتنا

و گوید ایشان را بچشید عذاب جاوید را بدانچه بودید شما میکردید جز این نیست که می گروید بنشانهای ما

واجب
سجده

الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ

آنها که چون پند داده شوند بدان بروی در افتند سجود کنندگان و تسبیح کنند بستایش پروردگار خود و ایشان

لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

گردنکشی نکنند دوری میکنند پهلوهای ایشان از بسترهای خواب میخوانند پروردگار خود را

خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ

ترسان و طمع داران و از آنچه روزی کردیم ما ایشان را نفقه میکنند پس نداند هیچ تنی

مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنچه پنهان کرده اند مر ایشان را از آنچه روشنی چشم فزاید پاداشتی بدانچه ایشان کرده باشند

أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

ای پس آنکه باشد اهل ایمان همچون آنکس بود که باشد فاسق یکسان نیستند

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا

اما آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس مر ایشان را بود بستانهای معد مهیا آرامگاه

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا

بدانچه ایشان کرده باشند و اما آنها که فاسق بودند پس جایگاه ایشان آتش بود هرگاه

أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ

که خواهند که بیرون آیند از آن بازگردانیده شوند در آنجا و گفته شود مر ایشان را بچشید عذاب

النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ

آتش را آنچه بودید شما آن را بدروغ میداشتید و مر آینه در چشانیم ایشان را از عذاب نزدیکتر

دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ

جز عذاب بزرگتر تا بود که ایشان بازگردند و کیست ستمکارتر از آنک

ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنْتَقِمُونَ ۝

پند داده شود بنشانهای پروردگار خود پس برگردد از آن بدرستی که ما از کافران کینه باز خواهنده کانیم

لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ

و بدرستی که بدادیم ما موسی را توریة پس مباش در شکی از باز رسیدن با او و گردانیدیم ما او را

هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

راهنمونی مر بنی اسرائیل را و گردانیدیم ما از ایشان پیشوایانی که راه می برند بفرمان ما

لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ

چون صبر کردند و بودند بنشانهای ما بیقین شده بدرستی که پروردگار تو او حکم کند میان ایشان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ

در روز قیامت در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند ای راه ننمود مر ایشان را

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ

که چند هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهانی که میروند در مسکنهای خود

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى

بدرستی که در آن است هر آینه نشانها ای پس نشنوند ای ندیدند که ما میرانیم آب باران را بزمین

الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ

بی نبات پس بیرون می آوریم بدان کشت زرع را که میخورند از آن چهارپایان ایشان و تنهای ایشان

أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ای پس نمی بینند ومیگویند که کی خواهد بود این حکم بعذاب اگر هستید شما راست گویان

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ

بگو روز قیامت یا روز قضا سود نکند آنهارا که کافر شدند ایمان ایشان ونه ایشانرا

يُنْظَرُونَ ۝ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ

زمان دهند پس برگرد از ایشان وچشم دار که ایشان چشم دارندگانند

سورة الأحزاب ثلث وسبعون آية مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

ای پیغمبر بترس از خدا وفرمان مبر کافران ومنافقانرا بدرستی که خدا هست

عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

دانای محکم کار وپیروی کن آنچه وحی کرده میشود بتو از پروردگار تو بدرستی که خدا هست

بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

بدانچه شما میکنید آگاه وتوکل کن بر خدا وبس است خدا بکارسازی

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ

نگردانید خدا هیچ مردی را دو دل در اندرون او ونگردانید زنان شمارا

اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ

آن زنان که بجهت ظهار دوری میگزینید از ایشان مادران شما ونگردانید پسرخواندگان شمارا

أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ

پسران شما آن آن گفتار شما بدهنهای شما وخدا میگوید حق را و

هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ۝ ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ

او راه می نماید براه صواب بخوانید ایشانرا باپدران ایشان آن براستتر نزد خدا

فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَ

پس اگر ندانید پدران ایشانرا پس برادران شمااند در دین ودوستان شما

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَٰكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ

ونبود بر شما بزه در آنچه بخطا کرده باشید شما گفتار آن ولیکن بزه آنست که بعمد کرده باشند

قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ

دلهای شما وهست خدا آمرزگار مهربان پیغمبر سزاوارتر بمؤمنان

در نگاهداشت جانب او

مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ

از تنهای ایشان وزنان او مادران ایشانند وخداوندان رحمها بعضی ایشان

أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ

سزاوارترند بمیراث بعضی در قرآن یا لوح المحفوظ از مؤمنان وهجرت کنندگان مگر آنکه

تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ

نیکوئی کنید با دوستان شما نیکوئی هست آن در لوح المحفوظ

مسطورا ۝ واذ اخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك ومن نوح
نبشته ویاد کن چون فرا گرفتیم از پیغمبران عهد ایشان را و از تو و از نوح
وابرهيم وموسى وعيسى ابن مريم واخذنا منهم ميثاقا
وابرهیم وموسی وعیسی پسر مریم وفرا گرفتیم ما از ایشان عهدی
غليظا ۝ ليسـٔل الصادقين عن صدقهم واعد للكافرين
استوار تا بپرسد خدا راستگویان را از راستی ایشان و بیاماده برای کافران
عذابا اليما ۝ يايها الذين امنوا اذكروا نعمة الله عليكم
عذابی دردناک ای آنها که بگرویدید یاد کنید نعمت خدا را بر شما
اذ جاءتكم جنود فارسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها
چون آمدند بشما لشکرهائی پس فرستادیم ما بر ایشان بادی و لشکرهائی که نمیدیدید آنرا
وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ اذ جاءوكم من فوقكم
و هست خدا بدانچه شما میکنید بینا چون آمدند بشما از بالای شما
ومن اسفل منكم واذ زاغت الابصار وبلغت القلوب
و از فروتر از وادی شما و چون بازمانده از تحیر بینائیها و برسید دلها
الحناجر وتظنون بالله الظنونا ۝ هنالك ابتلي المؤمنون
بحنجرهای گردنها و گمان بردید شما بخدا گمانهای مختلف آنجا آزموده شدند مؤمنان
وزلزلوا زلزالا شديدا ۝ واذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم
و مضطرب کرده شدند اضطرابی سخت و چون گفتند منافقان و آنها که در دلهای ایشان

مرض ما وعدنا الله ورسوله الا غرورا ۝ واذ قالت طائفة منهم
بیماری شک نفاق بود وعده نداده است ما را خدا و رسول او مگر فریبی و چون گفتند گروهی از ایشان
يا اهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستاذن فريق
ای اهل مدینه هیچ اقامتی نیست مر شما را در حربگاه پس بازگردید و دستوری خواستند گروهی
منهم النبي يقولون ان بيوتنا عورة وما هي بعورة ان يريدون
از ایشان از پیغمبر میگفتند که خانهای ما در خللی اند و نبودند آن بخلل نمیخواستند
الا فرارا ۝ ولو دخلت عليهم من اقطارها ثم سئلوا الفتنة
مگر گریختنی و اگر در رفتندی بر ایشان از کنارهای آن پس درخواستندی فتنه را
لاتوها وما تلبثوا بها الا يسيرا ۝ ولقد كانوا عاهدوا الله
آمدندی بدان و درنگ نکردندی بدان مگر اندکی و بدرستی که بودند عهد بستند با خدا
من قبل لا يولون الادبار وكان عهد الله مسئولا ۝ قل لن
از پیش که برنگردانند پشتها را و هست عهد خدا پرسیده شده بگو هرگز
ينفعكم الفرار ان فررتم من الموت او القتل واذا لا تمتعون
سود نکند شما را گریختن اگر بگریزید شما از مرگ یا از کارزار و آنگاه بهره داده نشوید
الا قليلا ۝ قل من ذا الذي يعصمكم من الله ان اراد بكم سوءا
مگر اندکی بگو کیست آنکس که نگاه دارد شما را از عذاب خدا اگر خواهد بشما بدی
او اراد بكم رحمة ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا
یا اگر خواهد بشما رحمتی و نیابند مر ایشان را از جز خدا دوستی و نه یاری کننده

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ

بدرستی که میداند خدا تعویق کنندگان را از شما و گویندگان مر برادران خود را بیایند

إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ

نزد ما و بنزد او روید و حاضر نباید بکارزار مگر اندکی چه بخیلانند بر شما پس چون آید

الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي

ترس ببینی ایشان را نگرند بسوی تو بدشمنی حال آنکه می گردد چشمهای ایشان از دشمنی تو همچون آنکسی

يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ

که بیهوش بود از سکرات مرگ پس چون برود ترس قتال زود اندازند بشما

بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ

زبانهای تیز را چه بخیلانند بر مال غنیمت آن گروه نگرویدند پس باطل گردانید

اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ يَحْسَبُونَ

خدا عملهای ایشان و هست آن بر خدا آسان پندارند

الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ

گروهان منافق که نرفتند از مدینه از هزیمت گروهان بعد از ذهاب و اگر آیند گروهان آرزو کنند که کاشکی ایشان

بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ

بادیه نشینان بودندی در میان اعراب می پرسند از خبرهای شما و اگر بودندی در میان شما

مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

کارزار نکردندی مگر اندکی بدرستی که هست مر شما را در حق رسول خدا

أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

پی بردنی نیکو مر آن را که هست امید میدارد بخدا و بروز آخرت و یاد کرد خدا را بسیار

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَٰذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

و چون ببینند مؤمنان جنود مجتمعه کفار را گویند اینست آنچه وعده داد ما را خدا و رسول او

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ۝

و راست فرمود خدا و رسول او و نیفزود ایشان را مگر یقینی و گردن نهادنی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ

از مؤمنان مردانی هستند که راست گردانیدند نتایج عهد ببستند خدا را بر آن پس از ایشان کسی هست

قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ۝ لِيَجْزِيَ اللَّهُ

که وفا کرد بعهد و نذر خود و از ایشان کسی هست که منتظر می باشد یافتن شهادت را و بدل نکردند بدل کردنی تا پاداش دهد خدا

الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ

راستگویان را براست ایشان و عذاب کند منافقان را اگر خواهد یا سهل کند

عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا

بر ایشان بدرستی که خدا هست آمرزگار مهربان و باز گردانید خدای آنها را که کافر شدند

بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَ

بسبب خشم ایشان که نرسیدند بخیری و کفایت کرد خدا مومنان را بکارزار و

كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ۝ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

هست خدا نیرومند غالب و فرو فرستاد آنها را که مدد کردند کفار قریش را از جهودان قریظه که نقض عهد کرده

مِن صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ
از حصنهای ایشان وانگند در دلهای ایشان ترس را گروهی را میکشتند
وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَ
و اسیری میگرفتند گروهی را و میراث بداد شمارا زمین ایشان و سراهای ایشان
أَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
و مالهای ایشانرا و زمین که هنوز سلوک ننموده اید آنرا و هست خدا بر همه چیزی
قَدِيرًا ۞ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَوٰةَ
توانا ای پیغمبر بگو مر زنان خودرا اگر هستید شما میخواهید زندگانی
الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ
دنیارا و آرایش آنرا پس بیایید تا برخورداری دهم و رها دهم شمارا
سَرَاحًا جَمِيلًا ۞ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ
رها دادنی نیکو و اگر هستید شما میخواهند رضای خدارا و رسول اورا و سرای
الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا
آخرت را پس بدرستی که خدا بیجاده است برای نیکوکاران از شما مزدی بزرگ
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ
ای زنان پیغمبر هر که آید از شما بناشایستی روشن
يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ
دوچندان کرده شود مراورا عذاب دوچند گردانیدنی و هست آن

الجزو ٢٢

عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۞ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ
بر خدا آسان و هر که فرمان برد از شما مر خدارا و رسول اورا و بکند
صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا
کاری نیکو بدهیم اورا مزد او دوباره و بیجاریم ما برای او روزی نیکو
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ
ای زنان پیغمبر نیستید شما همچون یکی از زنان دیگر اگر بپرهیزید
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ
پس پس طمع کند آنکسی که در دل او بیماری شک و نفاقست و بگویند
قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۞ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
گفتاری نیکو و بنشینید در خانهای خود و بیرون میایید همچون بیرون آمدن
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَوٰةَ وَآتِينَ الزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ
اهل جاهلیت اول و برپای دارید نمازرا و بدهید زکات را و فرمان برید
اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
خدارا و رسول اورا بدرستی که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای اهل
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۞ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي
خانه پیغمبر و پاک گرداند شمارا پاک گردانیدنی و یاد کنید آنچه خوانده میشود در
بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا
خانهای خود از نشانهای خدا و حکمت بدرستی که خدا هست باریک بین آگاه

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ

بدرستی که مردان مسلمان وزنان همچنان ومردان مومن وزنان همچنان

الْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

ومردان فرمان بردار طاعت وزنان همچنان ومردان راست گوی وزنان همچنان

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ

ومردان صابر در بلا وزنان همچنان ومردان ترسکار وزنان همچنان

وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

ومردان صدقه دهنده وزنان همچنان ومردان روزه دار وزنان همچنان

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ

ومردان نگهدارنده عورتهای خود را وزنان همچنان ومردان یادکننده خدا را

كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

بسیار وزنان همچنان بیچارد خدا برای ایشان آمرزشی ومزدی

عَظِيمًا ۞ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ

بزرگ ونبود مردان مومن ونه زنان مومنه را که چون بکارد خدا

رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَ

ورسول او کاری را که باشد مر ایشان را بهتر از فرمان ایشان وهرکه عاصی شود خدا

رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ۞ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ

ورسول او پس بدرستی که گمره شده بود گمراهی روشن ویادکن چون گفتی تو مرانکسی را که نعمت کرده بود

اللَّهُ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي

خدای برو ونعمت کرده بودی تو برو نگه دار برتت نگه داشت زن تو وبترس از خدا وپنهان داشتی تو

نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ

در تن خود آنچه خدا آشکارا کننده آن بود ومی ترسیدی از مردمان وخدا سزاوارتر که ترسید ازو

فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى

پس چون بگزارد زید از زن خود حاجت را بزن تو کردانیدیم اورا تا نباشد بر

الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا

مومنان حرجی در خواستن زنان ایشان چون بگزارده باشند ازیشان حاجتی

وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۞ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ

وهست فرمان خدا کرده شده نبود بر پیغمبر هیچ حرجی

فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ

در آنچه فرض کردانید خدای مر اورا اینست طریقت خدا در حق آنها که گذشتند ازپیش وهست

أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ۞ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ

فرمان خدا اندازه وقت بدید کرده آنها که میرسانند رسالتهای خدا را

يَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

می ترسند ازو ونمی ترسند از هیچ کسی مگر از خدا وبس است خدا حساب کننده

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ

نیست محمد پدر هیچ یکی از مردان شما ولیکن رسول خداست

وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما ۝ يا ايها الذين

وخاتم پیغمبرانست وهست خدا بهمه چیزی دانا ای آنها

آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا ۝ وسبحوه بكرة

که بگرویده اید یاد کنید خدارا یادکردنی بسیار وتسبیح کنید اورا بامداد

واصيلا ۝ هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم

وشبانگاه اوست آن خدائی که رحمت میفرستد برشما وفرشتگان او دعا تا بیرون آورد شمارا

من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين رحيما

از تاریکیهای کفر بنور ایمان وهست خدا بمؤمنان مهربان

تحيتهم يوم يلقونه سلام واعد لهم اجرا كريما

تحیت ایشان درآن روز که بهم رسند سلام بود ومهیا کرده بود برای ایشان مزدی نیکو

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا ۝ وداعيا

ای پیغمبر بدرستی که بفرستادیم ترا گواهی دهنده وبشارت دهنده وبیم کننده وخواننده

الى الله باذنه وسراجا منيرا ۝ وبشر المؤمنين بان لهم

بارهٔ خدا بفرمان وچراغی روشن وبشارت ده مؤمنانرا بآنکه بود ایشانرا

من الله فضلا كبيرا ۝ ولا تطع الكافرين والمنافقين

از خدا فضلی بزرگ وفرمان مبر کافرانرا ومنافقان

ودع اذاهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا

وبگذار رنجانیدن ایشانرا وتوکل کن برخدا وبس است خدا کارساز

يا ايها الذين آمنوا اذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من

ای آنها که بگرویده اید چون بنکاح درآورید شما زنان مؤمنه را پس طلاق دهید ایشانرا از

قبل ان تمسوهن فما لكم عليهن من عدة تعتدونها

پیش آنکه رسیده باشید بدیشان پس نبود مرشمارا برایشان هیچ عده که برشمرید آنرا

فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا ۝ يا ايها النبي انا

پس نیکو دارید ایشانرا ورها دهید ایشانرا رها دادنی نیکو ای پیغمبر بدرستی

احللنا لك ازواجك اللاتي آتيت اجورهن وما ملكت

که حلال کردیم مرترا زنان ترا آن زنانی که بداده باشی ایشانرا مهرهای ایشان وآنچه قادر باشید

يمينك مما افاء الله عليك وبنات عمك وبنات

دستهای تو ازآنچه [illegible] خدا برتو ودختران عم تو ودختران

عماتك وبنات خالك وبنات خالاتك اللاتي هاجرن

عمهٔ تو ودختران خال تو ودختران خالهٔ تو آن زنانی که هجرت کردند

معك وامراة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي ان

باتو وزنی مؤمنه اگر ببخشد تن خود مرپیغمبررا اگر

اراد النبي ان يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين

خواهد پیغمبر که بنکاح درآورد ایشانرا خالص مرترا بود از جز مؤمنان

قد علمنا ما فرضنا عليهم في ازواجهم وما ملكت

بدرستی که دانستیم آنچه واجب کردیم برایشان در حق زنان ایشان وآنچه در باشید

لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ تُرْجِي

تا نباشد بر تو بزه وهست خدا آمرزگار مهربان جای دهی

مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ

آنرا که خواهی از ایشان وجای دهی بانجود آنرا که خواهی

عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ

پس بزه نبود بر تو آن نزدیکتر که تا روشن بود چشمهای ایشان واندوهگین نباشند

وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ

وخشنود باشند بدانچه بداده اند ایشانرا همه آن وخدا داند آنچه در دلهای شما

وَكَانَ اللهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ۝ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ

وهست خدا دانای محکم کار حلال نیست مرترا زنان از پس نه

وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا

ونه انک بدل کنی ایشانرا بزنانی دیگر واگرچه بشگفت آورد ترا حسن ایشان مگر

مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ۝ يَا أَيُّهَا

آنچه قادر باشند دستهای تو از کنیزکان وهست خدا بر همه چیزها نگهبان ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى

آنها که بگرویده اید در مروید درخانهای پیغمبر مگر که دستوری دهند مرشمارا بسوی

طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا

خورشی جز منگرندگان بسوی آن ولیکن چون برخوانند شمارا پس اندر وید

فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ

پس چون طعام خورده باشید پس پراکنده شوید ونه نشینید بسخن کردن بدرستی که آنشان

كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ

هست که برنجاند پیغمبررا پس شرم میدارد از شما وخدا شرم نمیدارد از

الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ

حق گفتن وچون درخواستید از ایشان کالای پس درخواهید از ایشان از پس پرده

ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ

آنشان پاکتر مردلهای شمارا ودلهای ایشانرا ونبود مرشمارا که

تُؤْذُوا رَسُولَ اللهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ

رنجانید رسول خدارا ونه انک بنکاح درآورند زنان اورا از پس او هرگز بدرستی

ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللهِ عَظِيمًا ۝ إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ

که آنشان هست نزدیک خدا گناهی بزرگ اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان کنید اورا

فَإِنَّ اللهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ

پس بدرستی که خدا هست بهمه چیزی دانا بزه نبود بریشان در حق پدران ایشان

وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءِ

ونه پسران ایشان ونه برادران ایشان ونه پسران برادران ایشان ونه پسران

أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللهَ إِنَّ اللهَ

خواهران ایشان ونه زنان ایشان ونه آنچه قادر باشند دستهای ایشان وبترسید از خدا بدرستی که خدا

كان على كل شيء شهيدا ۝ إن الله وملائكته يصلون على النبي

بدرستی که خدا گواه و حاضر است بر همه چیزی ۝ بدرستی که خدا و فرشتهای او رحمت و درود میفرستند بر پیغمبر

يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما ۝ إن الذين

ای آنها که بگرویده اید درود و دعا فرستید برو و سلام کنید سلامی ۝ بدرستی که آنها

يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا والآخرة وأعد لهم

که میرنجانند خدا را و رسول او را لعنت کرد ایشان را خدا در دنیا و در آخرت و مهیا کرد برای ایشان

عذابا مهينا ۝ والذين يؤذون المؤمنين والمؤمنات بغير

عذابی خوار کننده ۝ و آنها که میرنجانند مردان مومن را و زنان مومنه را بجز

ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا وإثما مبينا ۝

از آنچه اندوخته باشند پس بدرستی که برداشته باشند بهتانی و بزه روشن را

يا أيها النبي قل لأزواجك وبناتك ونساء المؤمنين

ای پیغمبر بگو مر زنان خود را و دختران خود را و زنان مومن را

يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك أدنى أن يعرفن فلا

برخود از چادرهای خویش آن نزدیکتر که شناخته شوند ایشان پس

يؤذين وكان الله غفورا رحيما ۝ لئن لم ينته المنافقون

رنجانیده نشوند و هست خدا آمرزگار مهربان ۝ مر آنکه اگر باز نایستند منافقان

والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة لنغرينك

و آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاقست و اراجیف اندازندگان در شهر مدینه

بهم ثم لا يجاورونك فيها إلا قليلا ۝ ملعونين أينما ثقفوا

بر ایشان پس همسایگی نکنند ترا در آنجا مگر اندکی ۝ بلعنت کرده شدگان هرکجا که یافته

أخذوا وقتلوا تقتيلا ۝ سنة الله في الذين خلوا

بگیرید و بکشید کشتنی ۝ اینست طریقت خدا در حق آنها که گذشتند

من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا ۝ يسألك الناس

از پیش و هرگز نیابی مر طریقت خدا را بدل کردنی ۝ می پرسند از تو مردمان

عن الساعة قل إنما علمها عند الله وما يدريك لعل

از حال قیامت بگو بدرستی که علم آن نزدیک خداست و چه دانی تو مگر که بود

الساعة تكون قريبا ۝ إن الله لعن الكافرين وأعد لهم

قیامت نزدیک ۝ بدرستی که خدا لعنت کرد کافران را و مهیا کرد برای ایشان

سعيرا ۝ خالدين فيها أبدا لا يجدون وليا ولا نصيرا ۝

آتشی افروخته جاوید باشند در آن همیشه نیابند نه دوستی و نه یاری کننده

يوم تقلب وجوههم في النار يقولون يا ليتنا أطعنا

روزی که گردانند رویهای ایشان را در آتش گویند ای کاشکی فرمان میبردیم

الله وأطعنا الرسولا ۝ وقالوا ربنا إنا أطعنا سادتنا و

خدا را و فرمان میبردیم پیغمبر را ۝ و گویند ای پروردگار ما بدرستی که فرمان بردیم مهتران و

كبراءنا فأضلونا السبيلا ۝ ربنا آتهم ضعفين من العذاب

بزرگان خود را پس گمراه کردانیدند ما را از راه ۝ ای پروردگار ما بده ایشان را دو چندان از عذاب

والعنهم لعنا كبيرا • يا ايها الذين امنوا لا تكونوا كالذين
ولعنت کن ایشان را لعنتی بزرگ ای آنها که بگرویده‌اید مباشید همچون آنها
اذوا موسى فبراه الله مما قالوا وكان عند الله وجيها
که رنجانیدند موسی را پس بیزار گردانید اورا خدا از آنچه گفتند و بود نزدیک خدا روشناس
يا ايها الذين امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا • يصلح لكم
ای آنها که بگرویده‌اید بترسید از خدا و بگویید گفتاری با صواب تا باصلاح آورد مر شما را
اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله و
عملهای شما و بیامرزد مر شما را گناهان شما و هر که فرمان برد خدا را
رسوله فقد فاز فوزا عظيما • انا عرضنا الامانة على
و رسول اورا پس بدرستی که رستگاری یافته بود رستگاری بزرگ بدرستی که عرض کردیم ما امانت را بر
السموات والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن
اهل آسمانها و زمین و کوهها پس سرباز زدند که بردارند آنرا و ترسیدند
منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا ليعذب
از آن و برداشت آنرا آدمی بدرستی که او هست ستمکار نادان تا عذاب کند
الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب
خدا مردان منافق و زنان منافق را و مردان بت پرست را و زنان مشرک را و سهل کند
الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيما
خدا بر مردان مومن و زنان مومنه و هست خدا آمرزکار مهربان

سورة سبا اربع وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده روزی
الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد
شکر و سپاس مر خدا را آن خدایی که مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و مر اوراست ستایش
في الاخرة وهو الحكيم الخبير • يعلم ما يلج في الارض
در آخرت و اوست محکم کار آگاه میداند آنچه در زمین
وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو
و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرو میفرستند از آسمان و آنچه بالا میرود در آن و اوست
الرحيم الغفور • وقال الذين كفروا لا تاتينا الساعة قل
مهربان آمرزگار و گفتند آنها که کافر شدند نیاید بما قیامت بگو
بلى وربي لتاتينكم عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة
آری و بحق پروردگار من که هر آینه آورد بشما داننده ناپیدا هیچ غایب نشود از و هم سنگ مورچه
في السموات ولا في الارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب
نه در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر مگر که در لوح یا در قرآن
مبين • ليجزي الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك لهم
روشنست تا پاداشت دهد آنها را که بگرویدند و کارهای نیکو کردند آن گروه مر ایشان را

مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ • وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ

آمرزشی و روزی نیکو و آنها که می شتابند در نشانهای ما عاجز کنندگان

أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ • وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي

آن گروه مرایشانرا بود عذابی از نوع خواری دردناک و ببینند آنها که داده شد ایشانرا دانش که

أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو آن حق است و راه نماید براه خدای غالب ستوده

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا

و گفتند آنها که کافر شدند ای دلالت کنیم شمارا بر مردی که آگاه کند شمارا چون

مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ • أَفْتَرَىٰ عَلَى

درهم پاره شوید هر درهم پاره بدرستی که شما هر آینه در آفرینش نو باشید ای بربافت بر

اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي

خدا دروغ را یا بدوست دیوانگی بلکه آنها که نمی گروند بسرای آخرت در

الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ • أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

عذاب و گمراهی دور از حق اند ای پس نمی بینند بآنچه در پیش ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ

و آنچه از پس ایشانست از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بریم ایشانرا بزمین

أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ

یا اندازیم بر ایشان پاره از آسمان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست هر

عَبْدٍ مُنِيبٍ • وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ

بنده بازگردنده بدرگاه آینده و بدرستی که دادیم داود را از ما فضیلتی گفتیم ای کوهها باز گردید با او

وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ

وای مرغان و نرم کردیم برای او آهن که بساز زرهای گشاده و اندازه نگاه دار در بافتن

وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ • وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا

و بکنید کار نیکو بدرستی که من بآنچه شما میکنید بینایم و مسخر کردیم سلیمانرا باد که رفتن آن

شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ

یکماه راه بود و بازگشتن آن یکماه و روان کردیم برای او چشمه مس گداخته و از دیوان آنکه

يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ

کار میکرد در پیش او بفرمان پروردگار او و هر که برگشت از ایشان از فرمان ما بچشانیم اورا

مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ • يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَ

از عذاب آتش افروخته کار میکردند برای او آنچه میخواست از محرابها و تندیسها

جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا

و کاسها همچون حوضها و دیگهای ثابت گفتیم کار کنید ای آل داود و شکر کنید

وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ • فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ

و اندکی از بندگان من شکر گزار پس چون تقدیر کردیم بر او مرگ دلالت نکرد ایشانرا

عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ

بر مرگ او مگر جنبنده زمین که خورده بود از عصای او پس چون بیفتاد دانستند دیوان

أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ● لَقَدْ

اگر بودندی دانستندی غیب را درنگ نکردندی در عذاب خواران بدرستی

كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا

که بود مر اهل سبا را در مسکنهای ایشان نشان دو بستان از جانب راست و جانب چپ بخورید

مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ

از روزی پروردگار شما و شکر گوئید او را این شهری خوش است و پروردگاری آمرزگار

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ

پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان رود عرم را و بدل کردیم ما ایشان را

بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ

دو بستان ایشان دو بستان خداوند شوره گز و خاریت و چیزی

مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي

از کنار اندکی آن پاداشت دادیم ما ایشان را بانچه کافر شدند و هیچ پاداش دهیم

إِلَّا الْكَفُورَ ● وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا

مگر ناسپاسان را و پدید کردیم ما میان ایشان و میان اهل دیهها آن دیههای که برکت کرده بودیم

فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ

در آنجا دیههای ظاهر را و اندازه کرده بودیم ما در آنجا رفتن را که بروید در آنجا شبها

وَأَيَّامًا آمِنِينَ ● فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا

و روزها ایمنان پس گفتند ای پروردگار ما دوری افکن میان سفرهای ما و ستم کردند

أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ

بر تنهای خود پس بکردیم ما ایشان را سخنانی و خورد و مرد کردیم ما ایشان را خورد و مرد کردنی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ● وَلَقَدْ صَدَّقَ

بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده و بدرستی که راست کرد

عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بر ایشان ابلیس گمان خود را پس پیروی کردند او را مگر گروهی از مؤمنان

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ

و نبود مر او را بر ایشان هیچ حجتی مگر تا جدا باز کنیم آن را که بگرود

بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

باخرت آن که او از آنجا در شکست و پروردگار تو بر همه چیزی نگهبانست

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

بگو بخوانید آنها را که دعوی کردید شما از جز خدا قادر نباشند هم سنگ مورچه

فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ

نه در آسمانها و نه در زمین و نبود مر ایشان را در آنها هیچ انبازی و نبود مر او را

مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ● وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ

از ایشان هیچ هم پشتی و سود نکند شفاعت نزد او مگر آن را که دستوری دهد

لَهُ حَتَّى إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ

مر او را تا چون ترس از دلهای ایشان گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق

وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمٰوَاتِ
واوست او فرشته بزرگوار بگو کیست که روزی دهد شما را از آسمانها
وَالْأَرْضِ قُلِ اللّٰهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ
و زمین بگو که خدا و بدرستی که ما و شما هرآئنه بر راه ایم یا در گمراهی
مُبِينٍ ۝ قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ
روشن بگو نپرسند شما از آنچه ما کرده باشیم و نپرسند از ما از آنچه شما کرده باشید
قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ
بگو جمع آورد میان ما پروردگار ما پس کند میان ما بحق و اوست حکم کننده
الْعَلِيمُ ۝ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ
دانا بگو باز نمائید بمن آنها را که داخل کرده بودید شما بدو انبازان حقا بلکه
هُوَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً
اوست خدای غالب محکم کار و نفرستادیم ترا مگر بهمه
لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
مردمان بشارت دهنده و بیم کننده ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند
وَيَقُولُونَ مَتىٰ هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ لَكُمْ
و میگویند که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو مر شما راست
مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
وعده جای روزی که باز پس نایستند ازان ساعتی و نه واپیش روند

نصف

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ
و گفتند آنها که کافر شدند نگرویم بدین قرآن و نه بدانچه در پیش
يَدَيْهِ وَلَوْ تَرىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ
آنست و اگر ببینی که چون ستمکاران ایستاده کان باشند نزد پروردگار خود باز گردند
بَعْضُهُمْ إِلىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ
بعضی ایشان با بعضی بگفتار گویند آنها که ضعیفان بوده باشند مر آنها را
اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ الَّذِينَ
که گردنکشی کرده باشند اگر نه شما می بودید هرآئنه می بودیم ما مومنان گویند آنها
اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدىٰ
که گردنکشی کرده باشند مر آنها را که ضعیفان بوده باشند ای ما برگردانیدیم شما را از راه راست
بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ
پس از آنچه آمد بشما بلکه شما کافران بودید و گویند آنها که
اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
ضعیف بوده باشند مر آنها را که گردنکشی کرده باشند بلکه ساختن شما بود بشب و روز
إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسَرُّوا
چون فرمودید ما را که کافر شویم بخدا و بدید کنیم مر او را همتایان و نهان کردند
النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ
پشیمانی را چون بینند عذاب را و بنهیم بندها و غلها در گردنهای

الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون • وما ارسلنا
آنها که کافر شدند ای هیچ پاداشت داده نشوید مگر بر آنچه ایشان کرده باشید • و نفرستادیم ما
في قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون
در هیچ دیهی بیم کننده مگر که گفتند متنعمان آنجا بدرستی که ما بدانچه فرستاده اند شما را بدان کافرانیم
وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين • قل
و گفتند ما بیشتریم بمال و فرزندان و نباشیم ما عذاب کردگان • بگو
ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر
بدرستی که پروردگار من فراخ بگستراند روزی مرا ورا که خواهد و تنگ بازگیرد و لیکن بیشترین
الناس لا يعلمون • وما اموالكم ولا اولادكم بالتي
مردمان نمیدانند • و نیستند مالهای شما و نه فرزندان شما بطریقی که
تقربكم عندنا زلفى الا من آمن وعمل صالحا فاولئك
نزدیک گرداند شما را نزدیک ما بمنزلت مگر آنکه بگروید و کاری نیکو کرد پس آن گروه
لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم في الغرفات آمنون
مر ایشان را بود پاداشت دو چندان بدانچه کردند و ایشان در غرفهای بهشت ایمن باشند
والذين يسعون في آياتنا معاجزين اولئك في العذاب
و آنها که می شتابند در نشانهای ما عاجز کنندگان آن گروه در عذاب
محضرون • قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له
حاضر کردگان باشند • بگو بدرستی که پروردگار من فراخ بگستراند روزی مرا ورا که خواهد از بندگان خود و تنگ باز گیرد مرا ورا

وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين • ويوم
و آنچه نفقه کنید شما از چیزی پس او باز پس دارد آن را و او بهترین روزی دهندگانست • و روزی
نحشرهم جميعا ثم نقول للملائكة اهؤلاء اياكم كانوا
که جمع کنیم ایشان را همه پس گوییم مر فرشتگان را ای این گروهند که شما را بودند
يعبدون • قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا
می پرستیدند • گویند پاک و منزهی تو توئی خداوند ما از جز ایشان بلکه بودند
يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون • فاليوم لا يملك
می پرستیدند دیوان را بیشترین ایشان بدانها بگرویدگان بودند • پس امروز قادر نباشند
بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا
بعضی شما مر بعضی را نه سودی و نه زیانی و گوییم مر آنها را که ستم کردند
ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون • واذا تتلى
در چشید عذاب آتش را آن آتشی که بودید شما آن را بدروغ میداشتید • و چون خوانده شود
عليهم آياتنا بينات قالوا ما هذا الا رجل يريد ان
بر ایشان نشانهای ما روشن گویند نیست این مگر مردی که میخواهد که
يصدكم عما كان يعبد آباؤكم وقالوا ما هذا الا
باز گرداند شما را از آنچه بودند می پرستیدند پدران شما و گفتند نیست این مگر

إفك مفترى وقال الذين كفروا للحق لما جاءهم إن هذا إلا
دروغی برباقته وگفتند آنها که کافر شدند حق را چون آمد بدیشان نیست این مگر
سحر مبين ● وما آتيناهم من كتب يدرسونها وما أرسلنا
جادوئی روشن ونداده‌ایم ایشان را هیچ کتابهائی که درس کنند آنرا ونفرستادیم
إليهم قبلك من نذير ● وكذب الذين من قبلهم وما
بدیشان پیش از تو هیچ بیم کننده وبدروغ داشتند آنها که پیش از ایشان بودند و
بلغوا معشار ما آتيناهم فكذبوا رسلي فكيف
وبر نرسیدند به دهکی آنچه بداده‌ایم ایشان را پس دروغ داشتند رسولان مرا پس چگونه
كان نكير ● قل إنما أعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى
بود عقوبت من بگو بدرستی اندرز میدهم شما را یک پند که بایستید مرخدا را دو دو
وفرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة إن
وتنها پس اندیشه کنید که نیست بصاحب شما هیچ دیوانگی نیست
هو إلا نذير لكم بين يدي عذاب شديد ● قل ما سألتكم
او مگر بیم کننده مر شما را از پیش عذاب سخت بگو هر چه خواستم از شما
من أجر فهو لكم إن أجري إلا على الله وهو على كل شيء
بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی پس آن مر شما را باد نیست مزد من مگر بر خدا واو بر همه چیزی
شهيد ● قل إن ربي يقذف بالحق علام الغيوب ● قل جاء
گواه است بگو که پروردگار من بیفکند حق را او دانندهٔ نهانیها بگو آمد

الحق وما يبدئ الباطل وما يعيد ● قل إن ضللت فإنما
حق ونتواند آفرید بت چیزی را وباز نتواند آورید بگو اگر گمراه شده باشم پس بدرستی
أضل على نفسي وإن اهتديت فبما يوحي إلي ربي إنه سميع
که زیان گمراهی برتن من بود واگر راه یافته‌ام پس بسبب آنچیست که وحی کرده میشود بمن پروردگار من بدرستی که او شنوای
قريب ● ولو ترى إذ فزعوا فلا فوت وأخذوا من مكان
نزدیکست واگر ببینی چون فزع نمایند پس فوت نشوند وگرفته شوند از جایگاهی
قريب ● وقالوا آمنا به وأنى لهم التناوش من مكان
نزدیک وگفتند بگرویدیم باو وازکجا بود مرایشان را از جایگاهی
بعيد ● وقد كفروا به من قبل ويقذفون بالغيب
دور وبدرستی کافر شدند بدان از پیش ومی اندازند بنادیده
من مكان بعيد ● وحيل بينهم وبين ما يشتهون
از جایگاهی دور ومانع شود میان ایشان ومیان آنچه آرزو کردند
كما فعل بأشياعهم من قبل إنهم كانوا في
همچنانکه کرده شد بگروهان ایشان از پیش بدرستی که ایشان بودند در
شك مريب ●
شک تهمت آورنده

سورة الملائكة خمس وأربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا

شکر و سپاس مر خدارا که نو آفریننده آسمانها و زمینست کرداننده فرشتکان رسولان

أولي أجنحة مثنى وثلث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء

خداوندان بالها دو دو و سه سه و چهار چهار زیادت کند در آفریدن آنچه خواهد

إن الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة

بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست آنچه برکشاید خدا برای مردمان از رحمت

فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز

پس نکه دارنده نبود مرآنرا و آنچه منع کند پس فرستنده نبود آنرا از پس او و اوست غالب

الحكيم يا أيها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل من

محکم کار ای مردمان یاد کنید نعمت خدارا برشما ای هست

خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا إله إلا هو فأنى

هیچ آفرینندکاری جز از خدا که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین نیست خدائی مکر او پس چکونه

تؤفكون وإن يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك

برکردانیده میشوید از حق و اکر بدروغ دارند ترا پس بدروغ داشتند رسولانی از پیش تو

وإلى الله ترجع الأمور يا أيها الناس إن وعد الله حق فلا

و باخدایست بازکشت کارها ای مردمان بدرستی که وعده خدا حقست پس

تغرنكم الحيوة الدنيا ولا يغرنكم بالله الغرور

مفریباناد شمارا زندکانی دنیا و مفریباناد شمارا بخدا فریفتنی

إن الشيطان لكم عدو فاتخذوه عدوا إنما يدعوا حزبه

بدرستی که دیو مر شمارا دشمنست پس فرا کیرید اورا بدشمن بدرستی که او میخواند کروه خودرا

ليكونوا من أصحاب السعير الذين كفروا لهم عذاب

تا باشند از اصحاب آتش افروخته آنانکه کافر شدند مرایشانرا بود عذابی

شديد والذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة

سخت و آنانکه بکرویدند و کردند کارهای نیک مرایشانرا بود آمرزشی

وأجر كبير أفمن زين له سوء عمله فرآه حسنا فإن

و مزدی بزرگ ای پس آنکه آراسته شد برای او بدی عمل او پس ببیند آنرا نیکو پس بدرستی

الله يضل من يشاء ويهدي من يشاء فلا تذهب نفسك عليهم

که خدا کمراه کند آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد پس مبرد تن تو برایشان

حسرات إن الله عليم بما يصنعون والله الذي أرسل الرياح

اندوهها بدرستی که خدا داناست بدانچه ایشان میسازند و خدا آن خدایست که فرستاد بادها

فتثير سحابا فسقناه إلى بلد ميت فأحيينا به الأرض بعد

پس برانکیزد ابر را پس درخورد دادیم آنرا بزمین مرده پس زنده کردیم بدان زمین را پس

موتها كذلك النشور من كان يريد العزة فلله

از مرک آن همچنین بود برانگیختن از کور هرکه میخواهد عزت پس مر خدارا است

العزة جميعا إليه يصعد الكلم الطيب والعمل

عزت همه باو برمیرود سخن پاک و کار

الصالح يرفعه والذين يمكرون السيئات لهم عذاب شديد
نیکو بر افرازد آنرا و آنها که میسازند بدیها را ایشانرا بود عذابی سخت
ومكر أولئك هو يبور ● والله خلقكم من تراب
و مکر ایشان آن گروه آنست که ضایع بود و خدا آفرید شما را از خاک
ثم من نطفة ثم جعلكم أزواجا وما تحمل من أنثى ولا تضع
پس از نطفه پس بیافرید برای شما جفتان و بار بر ندارد هیچ ماده و بار بنهد
إلا بعلمه وما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره إلا
مگر بعلم او و زندگانی داده نشود هیچ زندگانی داده شده و باز کاهانیده نشود از عمر او مگر
في كتاب إن ذلك على الله يسير ● وما يستوي البحران
در لوح ثابتست بدرستی که آن بر خدا آسانست و یکسان نیستند دو دریا
هذا عذب فرات سائغ شرابه وهذا ملح أجاج ومن كل
این خوش خوش گوارنده آشامیدن آن و این شور تلخ و از هر یکی
تأكلون لحما طريا وتستخرجون حلية تلبسونها و
میخورید گوشتی تازه و بیرون می آورید زیوری که در می پوشید آنرا
ترى الفلك فيه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
و می بینی کشتیها را در آن رونده تا بجویید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید
يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وسخر الشمس
در می آورد شب را در روز و در می آورد روز را در شب و مسخر کرد آفتاب

والقمر كل يجري لأجل مسمى ذلكم الله ربكم له
و ماه را همه میروند تا اجلی نام نهاده آنست خداست پروردگار شما مر اوراست
الملك والذين تدعون من دونه ما يملكون من قطمير
پادشاهی و آنها که میخوانند از جز او قادر نیستند هیچ
إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا ما استجابوا
اگر خوانی ایشانرا نشنوند خواندن شما را و اگر بشنوند پاسخ نکنند
لكم ويوم القيامة يكفرون بشرككم ولا ينبئك
مر شما را و در روز قیامت کافر شوند با انباز گردانیدن شما و نیاگاهاند ترا
مثل خبير ● يا أيها الناس أنتم الفقراء إلى الله والله
مانند خدای آگاه ای مردمان شما محتاجانید با خدا و خدا
هو الغني الحميد ● إن يشأ يذهبكم ويأت بخلق
اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و آورد خلقی
جديد ● وما ذلك على الله بعزيز ● ولا تزر وازرة وزر أخرى
نو و نیست آن بر خدا دشوار و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری
وإن تدع مثقلة إلى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذا
و اگر خواند باری گران بار برداشتن آن بر نتواند داشت از آن چیزی و اگرچه باشد خداوند
قربى إنما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب وأقاموا الصلاة
خویشی بدرستی که تو بیم کنی آنها را که ترسند از پروردگار خود بنادیده و بپا دارند نماز

وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهٖ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۝ وَمَا يَسْتَوِى الْاَعْمٰى
وهر که پاک شد پس سود پاک شدن مر او را بود و با خداست بازگشت کارها و یکسان نیستند نابینا
وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ۝ وَمَا
و بینا و نه تاریکیها و نه روشنائی و نه سایه و نه حرارت و گرما
يَسْتَوِى الْاَحْيَاۤءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاۤءُ وَمَا اَنْتَ
و یکسان نیستند زندگان و نه مردگان بدرستی که خدا شنوا کرداند آنرا که خواهد و نیستی تو
بِمُسْمِعٍ مَنْ فِى الْقُبُورِ ۝ اِنْ اَنْتَ اِلَّا نَذِيرٌ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ
شنواننده آنرا که در گورها اند نیستی تو مگر بیم کننده بدرستی که بفرستادیم ما ترا بحق
بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۝ وَاِنْ مِنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝ وَاِنْ يُكَذِّبُوكَ
بشارت دهنده و بیم کننده و نیستند هیچ گروهی مگر که گذشت در میان آنها بیم کننده و اگر دروغ دارند ترا
فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاۤءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
پس بدرستی که دروغ داشتند آنها که پیش از ایشان بودند که آمدند بدیشان رسولان ایشان بمعجزات
وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۝ ثُمَّ اَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ
و بکتابها و بکتابی روشن پس بگرفتیم آنهارا که کافر شدند پس چگونه
كَانَ نَكِيرِ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاۤءِ مَاۤءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ ثَمَرَاتٍ
بود عقوبت ای نگرنگرستی که خدا فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم ما بآن میوهایی
مُخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهَا
مختلف رنگهای آنرا و از کوهها سپید و سرخ مختلف رنگهای آن

وَغَرَابِيبُ سُودٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَاۤبِّ وَالْاَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ
و سیاهی سیاه و از مردمان و جنبندگان و چهارپایان مختلف رنگهای آن
كَذٰلِكَ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاۤءُ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۝
همچنین بدرستی که می ترسند از خدا از بندگان او دانایان بدرستی که خدا غالب آمرزگارست
اِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللّٰهِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوا مِمَّا
بدرستی که آنها که میخوانند کتاب خدارا و بپای میدارند نمازرا و نفقت میکنند از آنچه
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ۝ لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُورَهُمْ
روزی کردیم ما ایشانرا پنهان و آشکارا امید میدارند بازرگانی که کاسد نشود تا تمام بدهد ایشانرا مزدهای ایشان
وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّهٗ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِى اَوْحَيْنَا
و زیاده کند ایشانرا از فضل خود بدرستی که او آمرزگار شکرپذیرنده است و آنچه وحی کردیم ما
اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهٖ
بتو از کتاب آن حق است براست دارنده مر آنچه در پیش آنست بدرستی که خدا ببندگان
لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ
آگاه بیناست پس بمیراث بدادیم ما کتاب آنهارا که برگزیدیم ما از
عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهٖ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ
بندگان ما پس از ایشان هست ستم کننده بر تن خود و از ایشان هست میانه نگهدارنده و از ایشان هست پیشی گیرنده
بِالْخَيْرَاتِ بِاِذْنِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ جَنَّاتُ
بخیرات بفرمان خدا آنست آن فضل بزرگ بهشتهای

عدن يدخلونها يحلون فيها من اساور من ذهب ولؤلؤا

اقامت در روند درآنجا زیور در بر کنند درآنجا از دستورنجنهائی از طلا و مروارید

ولباسهم فيها حرير ۝ وقالوا الحمد لله الذي اذهب عنا

و پوشش ایشان درآنجا ابریشمینه بود و گویند بهشتیان سپاس مر خدا را آن خدایی که برد از ما

الحزن ان ربنا لغفور شكور ۝ الذي احلنا دار المقامة من

اندوه را بدرستی که پروردگار ما آمرزگار شکرپذیرنده است آن خدایی که فرود آورد ما را در سرای اقامت از

فضله لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب

فضل خود نرسد بما درآنجا هیچ رنجی و نرسد بما درآنجا هیچ کرفتی

والذين كفروا لهم نار جهنم لا يقضى عليهم فيموتوا

و آنها که کافر شدند مر ایشان را بود آتش دوزخ حکم کرده نشود بر ایشان که بمیرند

ولا يخفف عنهم من عذابها كذلك نجزي كل كفور

و سبک کرده نشود از ایشان از عذاب آن همچنین پاداشت دهیم مر ناسپاس را

وهم يصطرخون فيها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذي

و ایشان فریاد کنند درآنجا که ای پروردگار ما بیرون کن ما را ازین تا بکنیم کاری نیکو جز آنچه

كنا نعمل اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم

بودیم ما می کردیم گوید خدا ای نه زندگانی دادیم شما را که پند گیرد درآنجا آنکه پند گیرد و آمد بشما

النذير فذوقوا فما للظالمين من نصير ۝ ان الله عالم غيب السموات

بیم کننده کان پس درچشید پس نبود ستمکاران را هیچ یاری کننده بدرستی که خدا داننده ناپیداهای آسمانها

والارض انه عليم بذات الصدور ۝ هو الذي جعلكم خلائف

و زمین بدرستی که او داناست باسرار سینهها اوست آن خدایی که بکرد شما را کاشتنگان

في الارض فمن كفر فعليه كفره ولا يزيد الكافرين كفرهم

در زمین پس هر که کافر شود پس بر وی بود زیان کفر او و زیادت نکند کافران را کفر ایشان

عند ربهم الا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم الا خسارا

نزد پروردگار ایشان مگر شرمساری و زیادت نکند کافران را کفر ایشان مگر زیانکاری

قل ارايتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله اروني

بگو ای می بینید شما انبازان خود آنها که میخوانند از جز خدای باز نمائید مرا

ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ام اتيناهم كتابا

که چه چیز آفریدند از زمین یا مر ایشان راست انبازی در آسمانها یا بدادیم ما ایشان را کتابی

فهم على بينت منه بل ان يعد الظالمون بعضهم بعضا الا غرورا

پس ایشان بر حجتی اند از آن باک وعده نمیدهند ستمکاران بعضی ایشان بعضی را مگر فریفتنی

ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما

بدرستی که خدا نگه میدارد آسمانها و زمین که نیفتند و اگر زایل شوند نگه نتواند داشت آنها را

من احد من بعده انه كان حليما غفورا ۝ واقسموا بالله جهد

هیچ یکی از پس آن بدرستی که او هست بردبار آمرزگار و سوگند خوردند بخدا سوگندان

ايمانهم لئن جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم

سخت ایشان که اگر آمدی بدیشان بیم کننده هر آینه بودندی راه یابنده تر از یکی از دو گروه

فلما جاءهم نذير ما زادهم الا نفورا ۝ استكبارا في الارض

پس چون آمد بدیشان بیم کننده نیفزود ایشانرا مگر رمیدنی گردنکشی در زمین

ومكر السيء ولا يحيق المكر السيء الا باهله فهل

و بساختن بدی و نرسد ساختن بدی مگر باهل آن پس ای

ينظرون الا سنت الاولين ۝ فلن تجد لسنت الله تبديلا

هیچ منتظر گردند مگر بطریقت پیشینیان پس نیابی تو مر طریقت خدایرا بدل کردنی

ولن تجد لسنت الله تحويلا ۝ اولم يسيروا في الارض فينظروا

و هرگز نیابی مر طریقت خدایرا بگردیدنی ای نرفتند در زمین پس بنگرند

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا اشد منهم

که چگونه بود عاقبت آنها که پیش ازیشان بودند و بودند سخت تر ازیشان

قوة وما كان الله ليعجزه من شيء في السموات ولا في الارض

بقوت و نتواند خدایرا عاجز کرداند هیچ چیزی نه در آسمانها و نه در زمین

انه كان عليما قديرا ۝ ولو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا

بدرستی که او هست دانای توانا و اگر فرا گرفتی خدا مردمانرا بسبب آنچه اندوختند

ما ترك على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل

نگذاشتی بر روی زمین هیچ جنبنده را ولیکن تاخیر میکند ایشانرا تا اجلی

مسمى فاذا جاء اجلهم فان الله كان بعباده بصيرا

نام نهاده پس چون آید اجل ایشان پس خدا بحال بندگان خود بیناست

سورة يس ثلث وثمانون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

يس ۝ والقرآن الحكيم ۝ انك لمن المرسلين ۝ على صراط مستقيم ۝

بحق قرآن با حکمت و محکم که تو هر آینه از جمله رسولانی بر راه راستی

ای بهتر و مهتر رسولان

تنزيل العزيز الرحيم ۝ لتنذر قوما ما انذر اباؤهم فهم

فرو فرستاده [illegible] تا بیم کنی گروهی را که نیامد بیم کننده پدران ایشان پس ایشان

غافلون ۝ لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون ۝

غافلانند بدرستی که واجب شد گفتار وعید بر بیشترین ایشان پس ایشان نمی گروند

انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون ۝

بدرستی که گردانیدیم در گردنهای ایشان بندهای [illegible] پس ایشان [illegible]

وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا

و بکردیم ما از پیش ایشان بندی و از پس ایشان بندی

فاغشيناهم فهم لا يبصرون ۝ وسواء عليهم ءانذرتهم

پس بپوشانیدیم [illegible] پس ایشان نمی بینند و یکسانست بر ایشان [illegible]

ام لم تنذرهم لا يؤمنون ۝ انما تنذر من اتبع الذكر وخشي

یا بیم نکنی ایشانرا [illegible] بدرستی که بیم کنی آنرا که [illegible]

الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي

از خدای روزی دهنده بنابیدا پس بشارت ده او را بآمرزش ومزدی نیکو بدرستی که ما زنده کنیم

الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ

مردگان را وباز نویسیم آنچه در پیش داشته باشند وآنچه واپس داشته وهر چیزی برشمردیم آنرا در لوح المحفوظ

مُبِينٍ ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

روشن وبدید کن برای ایشان مثل اصحاب شهر انطاکیه چون آمدند بدانجا رسولان

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ

چون بفرستادیم ما بدیشان دو رسول را پس بدروغ داشتند آن دو را پس قوی کردانیدیم ما بسیوم رسول

فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

پس گفتند که ما بشما فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمیانی مانند ما

وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا

وفرو نفرستاده خدای روزی دهنده هیچ چیزی نیستید شما مگر دروغ میگوئید گفتند پروردگار ما

يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

میداند که ما بشما فرستادگانیم ونیست بر ما مگر پیغام رسانیدنی روشن

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ

گفتند که ما فال بد گرفتیم بشما والله اگر باز نایستید سنگسار کنیم شما را والله برسد بشما

مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ

از ما عذابی دردناک گفتند فال بد شما با شماست ای اگر پند دهند شما را بلکه شما

قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعٰى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا

گروهی گزاف کارانید وآمد از آخر شهر مردی می‌شتافت گفت ای قوم من پیروی کنید

الْمُرْسَلِينَ ۝ اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ

رسولان را پیروی کنید آنرا که نمیخواهد از شما هیچ مزدی وایشان راه یافتگانند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ

وچیست مرا که نپرستم آن خدائی که بیافرید مرا وبا خدای او بازگردانیده شوید ای فراگیرم از جز او

آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

خدایانی را اگر خواهد بمن خدای روزی دهنده زیانی نگزیرانند از من شفاعت ایشان چیزی را ونه

يُنْقِذُونِ ۝ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ

مرا توانند رهانید بدرستی که من آنگه در گمراهی روشن باشم بدرستی که من بگرویدم بپروردگار خود پس بشنوید

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ

گفته شد در رو در بهشت گفت حبیب نجار ای کاشکی قوم من بدانستندی بدانچه بیامرزید مرا پروردگار

جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ۝ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ

وگردانید مرا از جمله گرامی کردگان ونفرستادیم ما بر قوم او از پس او هیچ لشکری

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا

از آسمان ونبودیم ما فروفرستندگان نبود آن مگر یک بانگ زدنی پس آنگه

هُمْ خَامِدُونَ ۝ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

ایشان مردگان بودند ای اندوها بر بندگان نیامد بدیشان هیچ رسولی مگر

كانوا به يستهزءون ۝ الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون

که بدو استهزا میکردند ای ندیدند که چند هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهان

انهم اليهم لا يرجعون ۝ وان كل لما جميع لدينا محضرون

که ایشان با ایشان باز نمی گردند و نیست هیچ کس مگر همه ایشان نزدیک ما حاضر کردگان باشند

واية لهم الارض الميتة احييناها واخرجنا منها حبا فمنه

و نشانی است مر ایشان را زمین مرده که زنده میکردانیم آن را و بیرون آوردیم از آنجا دانه پس از آن

ياكلون ۝ وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا

میخورند و بکردیم ما در آنجا بستانها از خرما بستانها و انگور و روان کردیم

فيها من العيون ۝ ليأكلوا من ثمره وما عملته ايديهم

در آنجا از چشمها تا بخورند از میوه های آن و آنچه بکنند آن را دستهای ایشان

افلا يشكرون ۝ سبحان الذي خلق الازواج كلها

ای پس شکر نمیکنند پاک و منزه است آن خدایی که آفرید صنفها را همه آن

مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا يعلمون ۝ واية

از آنچه میرویاند زمین و از تنهای ایشان و از آنچه نمیدانند و نشانی است

لهم اليل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس

مر ایشان را شب که بیرون میاوریم ازان روز را پس آنگه ایشان در تاریکی بمانند و آفتاب

تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم ۝ والقمر قدرناه

میرود تا آرامگاهی که مر او راست آنست تقدیر خدای غالب دانا و ماه را که اندازه کردیم ما آن را

منازل حتى عاد كالعرجون القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها ان

منزلها تا گردد همچون چوب خشک دیرینه نه آفتاب را سزد که

تدرك القمر ولا اليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون

دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده بود بر روز و همه در فلک شناوری میکنند

واية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ۝ وخلقنا

و نشانی است مر ایشان را که ما برنشاندیم فرزندان ایشان را در کشتی پر کرده و آفریدیم

لهم من مثله ما يركبون ۝ وان نشا نغرقهم فلا صريخ لهم

مر ایشان را از مانند آن آنچه بر وی نشینند یعنی کشتی و اگر خواهیم غرق کردیمی ایشان را پس فریادرسی نبودی مر ایشان را

ولا هم ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا الى حين ۝ واذا

و نه ایشان را توانستندی رهانید مگر بخششی از ما و برخورداری تا هنگامی و چون

قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون

گویند مر ایشان را بترسید از آنچه در پیش شماست و آنچه از پس شما خواهد بود تا باشد که شما رحمت کرده شوید

وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين ۝ واذا

و نیاید بدیشان هیچ نشانی از نشانهای پروردگار ایشان مگر بودند ازان برگردندگان و چون

قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين

گویند مر ایشان را نفقه کنید از آنچه روزی کرد شما را خدا گویند آنها که کافر شدند مر آنها را

امنوا انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال

که گرویدند ای طعام دهیم آن را که اگر خواستی خدا طعام دادی او را نیستید شما مگر در گمراهی

مُبِينٍ • وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • مَا يَنْظُرُونَ

روشن ومیکویند کی خواهد بود این وعده اکر هستید شما راست کویان چشم نمیدارند

إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ • فَلَا

مکر یک بانک زدن را که فرا کیرد ایشانرا وایشان در خصومت باشند پس

يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ • وَنُفِخَ

توانائی ندارند وصیت کردنی ونه با اهل خویش باز کردیدنی ودردمند

فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ • قَالُوا

در صور پس انکه ایشان از کورها بسوی جزاء پروردکار خود پوینده کان باشند کویند

يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ

ای وای برما که برانکیزانید مارا از کورها اینست آنچه وعده داد خدای روزی دهنده وراست کفتند

الْمُرْسَلُونَ • إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ

رسولان نبود آن مکر یک بانک زدنی پس انکه ایشان

جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ • فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ

همه نزدیک ما حاضر کرده شدکان پس امروز ستم کرده نشود هیچ تنی چیزی وپاداش داده نشوید

إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ • إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ

مکر بدانچه شما کرده باشید بدرستی که اصحاب بهشت امروز در کارها باشند

فَاكِهُونَ • هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ

خوش عیشان ایشان وزنان ایشان در سایهای بر تختهای آراسته تکیه کنندکان

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ • سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ

وایشانرا بود در آنجا میوهائی ومرایشانرا بود آنچه خواهند کفتار سلامی از پروردکار

رَحِيمٍ • وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ • أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ

مهربان جدا شوید امروز ای کافران از مؤمنان ودکوبند ای نه عهد فرا کرفتم از شما

يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ای فرزندان آدم که مپرستید دیورا بدرستی که او مر شمارا دشمنی روشنست

وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ • وَلَقَدْ أَضَلَّ

وانکه بپرستید مرا که اینست راه راست وبدرستی که کمراه کرد

مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ • هَٰذِهِ

از شما کروهانی بسیار را ای پس نبستید که دریابید اینست

جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ • اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ

دوزخ آنکه شمارا وعده میدادند در روید در آنجا امروز بسبب آنچه شما

تَكْفُرُونَ • الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ

کافر شدید امروز مهر نهیم بر دهنهای ایشان وسخن کویند باما دستهای ایشان

وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ • وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا

وکواهی دهند پایهای ایشان بدانچه ایشان اندوخته باشند واکر خواستمی مهر نهادمی

عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ • وَلَوْ نَشَاءُ

بر چشمهای ایشان پس پیشی کرفتندی راه را پس چکونه ببینندی واکر خواستمی

لمسخناهم على مكانتهم فما استطاعوا مضيا ولا يرجعون

هر آینه مسخ کردمانی ایشان را بر جایگاههای ایشان پس توانایی نداشتند رفتنی و نه بازگشتنی

ومن نعمره ننكسه في الخلق أفلا يعقلون • وما علمناه

و هر که زندگانی دهیم اورا سرنگون کنیم اورا در میان خلق ای پس استعمال عقل نمیکنید و نیاموختیم ما اورا

الشعر وما ينبغي له إن هو إلا ذكر وقرآن مبين • لينذر

شعر و نسزد و لایق او نبود شعر گفتن نیست آن مگر پندی و قرآنی ظاهر الاعجاز تا بیم کند

من كان حيا ويحق القول على الكافرين • أولم يروا أنا

آن را که باشد زنده دل و درست شود گفتار وعید بر کافران ای نمی بینند که ما

خلقنا لهم مما عملت أيدينا أنعاما فهم لها مالكون

آفریدیم برای ایشان از آنچه کرده دستهای قدرت ما چهارپایانی پس ایشان مر آنها را مالکان اند

وذللناها لهم فمنها ركوبهم ومنها يأكلون • و

و رام گردانیدیم ما آنها را برای ایشان پس بعضی آنها را سوار میشوند و بعضی از آنها را میخورند

لهم فيها منافع ومشارب أفلا يشكرون • واتخذوا

و مر ایشان راست در آنها سودهائی و آشامیدنیهائی ای پس شکر نمیکنند و فرا گرفتند

من دون الله آلهة لعلهم ينصرون • لا يستطيعون نصرهم

از غیر خدای خدایانی تا بود که ایشان را یاری کنند توانائی نداشته باشند یاری کردن ایشان را

وهم لهم جند محضرون • فلا يحزنك قولهم إنا نعلم

و آن کفار مر آن اصنام را لشکری اند حاضران پس اندوهگین نکناد ترا گفتار ایشان هر آینه ما میدانیم

ما يسرون وما يعلنون • أولم ير الإنسان أنا خلقناه من

آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا میکنند ای نمی بیند آدمی که ما آفریدیم اورا از

نطفة فإذا هو خصيم مبين • وضرب لنا مثلا ونسي خلقه

نطفه پس آنگه او خصومت کننده درشت و بزد برای ما مثلی و فراموش کرد آفرینش خود را

قال من يحيي العظام وهي رميم • قل يحييها الذي أنشأها أول

گفت که زنده کند استخوانها را و آن پوسیده و ریزیده بود بگو زنده کند آن را آن خدایی که آفرید آن را اول

مرة وهو بكل خلق عليم • الذي جعل لكم من الشجر

بار و او بهمه آفریدنی داناست آن خدایی که پدید کرد برای شما از درخت

الأخضر نارا فإذا أنتم منه توقدون • أوليس الذي خلق

سبز آتش را پس آنگه شما از آن درخت گرد میکنید ای نیست آن خدایی که آفرید

السماوات والأرض بقادر على أن يخلق مثلهم بلى وهو

آسمانها و زمین را قادر و توانا بر آنکه آفریند مانند ایشان را آری قادر است و اوست

الخلاق العليم • إنما أمره إذا أراد شيئا أن يقول له كن

بسیار آفریدگار داناست بدرستی که فرمان او چون خواهد چیزی را که گوید مر آن را که باش

فيكون • فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء وإليه

پس میباشد پس پاک و منزه آن خدایی که بدست قدرت اوست پادشاهی همه چیزی و بدو

سورة الصافات ... مائة واثنتان وثمانون

ترجعون

بازگردانیده شوید

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده

والصافات صفا • فالزاجرات زجرا • فالتاليات ذكرا

بحق فرشتگان صف زننده صف زدنی پس بحق ملائکه بازدارنده ابررا بازداشتنی پس بحق خوانندگان پندرا

إن إلهكم لواحد • رب السماوات والأرض وما بينهما ورب

بدرستی که خدای شما یکیست پروردگار آسمانها و زمین است وآنچه میان آن هر دو است و پروردگار

المشارق • إنا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب • وحفظا

مشرق و مغربست بدرستی که بیاراستیم ما آسمان دنیارا بزینت ستارها و نگه داشتنی

من كل شيطان مارد • لا يسمعون إلى الملإ الأعلى ويقذفون

از هر دیوی رانده که گوش باز نتوانند داشت بکلام فرشتگان و رانده شوند

من كل جانب • دحورا ولهم عذاب واصب • إلا من خطف

از هر جهتی راندنی و مر ایشانراست عذابی دایم غیر منقطع مگر آنکه ربوده

الخطفة فأتبعه شهاب ثاقب • فاستفتهم أهم أشد

ربودنی پس در پی او ایستد پاره آتش سخت جهنده پس بپرس از کفار قریش ای ایشان سخت تر

خلقا أم من خلقنا إنا خلقناهم من طين لازب • بل

بآفرینش یا آنکه آفریدیم ما بدرستی که آفریدیم ما ایشانرا از گل چسبنده بلکه

عجبت ويسخرون • وإذا ذكروا لا يذكرون • وإذا رأوا

عجب میداری تو و مسخرگی میکنند و چون پند دهند ایشانرا پند نگیرند و چون بینند

حزب

آية يستسخرون • وقالوا إن هذا إلا سحر مبين • أإذا متنا

معجزه مبالغه نمایند در سخریت و گفتند نیست این مگر جادوئی روشن ای چون بمیریم ما

وكنا ترابا وعظاما أإنا لمبعوثون • أوآباؤنا الأولون • قل

و باشیم خاکی و استخوانها ای ما انگیختگان باشیم یا پدران ما اولینان بگو

نعم وأنتم داخرون • فإنما هي زجرة واحدة فإذا هم

آری و شما خار و شرمسار باشید پس بدرستی که آن یک نفخه بود پس آنگه ایشان

ينظرون • وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين • هذا يوم الفصل

نگرندگان باشند و گویند وای بر ما اینست روز جزا و حساب اینست روز حکم

الذي كنتم به تكذبون • احشروا الذين ظلموا وأزواجهم

آنچه بودید شما آنرا بدروغ میداشتید جمع کنید ای ملائکه آنهارا که ستم کردند و همجنسان ایشانرا

وما كانوا يعبدون • من دون الله فاهدوهم إلى صراط

و آنچه بودند می پرستیدند از غیر خدای پس راه نمایید ایشانرا بسوی

الجحيم • وقفوهم إنهم مسؤولون • ما لكم لا تناصرون

دوزخ و بازدارید ایشانرا که ایشان سوال کنند چیست مر شمارا که یاری یکدیگر نمیکنید

بل هم اليوم مستسلمون • وأقبل بعضهم على بعض يتساءلون

بلکه ایشان امروز گردن نهنده باشند بیکدیگر و روی فرا کنند یعنی ایشان بر بعضی از یکدیگر پرسند

قالوا إنكم كنتم تأتوننا عن اليمين • قالوا بل لم تكونوا مؤمنين

گویند بدرستی که شما بودید می آمدید بر ما از جانب راست گویند بلکه نبودید شما مؤمنان

وما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما طاغين

و نبود ما را بر شما هیچ حجتی بلکه بودید شما گروهی از حد درگذرندگان

فحق علينا قول ربنا إنا لذائقون • فأغويناكم إنا كنا غاوين

پس واجب شد بر ما گفتار خدای ما بعذاب بدرستی که ما درچشندگانیم پس گمراه گردانیدیم ما شما را بدرستی که بودیم ما از جمله گمراهان

فإنهم يومئذ في العذاب مشتركون • إنا كذلك

پس بدرستی که ایشان آن روز در عذاب انبازان باشند بدرستی که ما همچنین

نفعل بالمجرمين • إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله

کنیم بگناهکاران بدرستی که ایشان بودند چون گفته شد مر ایشان را نیست خدایی مگر خدا

يستكبرون • ويقولون أئنا لتاركوا آلهتنا لشاعر

گردنکشی کردند و گفتند ای ما هر آینه ترک کنندگان باشیم خدایان خود را از برای شاعری

مجنون • بل جاء بالحق وصدق المرسلين • إنكم لذائقوا العذاب الأليم

دیوانه بلکه آمد محمد بحق و راست داشت رسولان را بدرستی که شما درچشندگان عذاب دردناکید

وما تجزون إلا ما كنتم تعملون • إلا عباد الله المخلصين

و پاداشت داده نشوند مگر جزای آنچه شما کرده باشید مگر بندگان خدا مخلص کاران

أولئك لهم رزق معلوم • فواكه وهم مكرمون

آن گروه مر ایشان را بود روزی دانسته میوهای و ایشان گرامی داشتگان

في جنات النعيم • على سرر متقابلين • يطاف عليهم بكأس

در بهشتهای پرنعمت بر تختهای آراسته روی فرا یکدیگر کنندگان گردانید بر ایشان جامهای

من معين • بيضاء لذة للشاربين • لا فيها غول ولا هم عنها ينزفون

از چشمه هویدا خمری سپید با لذت مر آشامندگان را نه بینید در آنجا گرانی و نه ایشان از آن دردسر بینند

وعندهم قاصرات الطرف عين • كأنهن بيض مكنون

و نزدیک ایشان باشند زنان تنگ چشم که بجز بشوهران ننگرند گوییا که ایشان مروارید باشند پنهان داشته

فأقبل بعضهم على بعض يتساءلون • قال قائل منهم إني

پس روی فراکنند بعضی ایشان بر بعضی از هم پرسند گوید گوینده از ایشان که

كان لي قرين • يقول أئنك لمن المصدقين • أئذا متنا وكنا ترابا

بود مرا همنشینی میگفت که ای تو از جمله باوردارندگانی حشر را ای چون بمیریم ما و باشیم خاکی

وعظاما أئنا لمدينون • قال هل أنتم مطلعون • فاطلع فرآه

و استخوانهایی ای باشیم ما هر آینه جزا دادگان گوید آن گوینده ای هیچ شما دیده ور شوید پس دیده ور شود پس بیند آن قرین را

في سواء الجحيم • قال تالله إن كدت لتردين • ولولا نعمة

در میان دوزخ گوید آن قایل بحق خدا که میخواستی تو که هلاک گردانی مرا و اگر نه نعمت

ربي لكنت من المحضرين • أفما نحن بميتين • إلا موتتنا الأولى وما

پروردگار من بودی هر آینه بودمی از جمله حاضران در عذاب ای نباشیم ما که اهل بهشتیم مردگان مگر مردن ما اول بار و نباشیم

نحن بمعذبين • إن هذا لهو الفوز العظيم • لمثل هذا فليعمل

ما عذاب کردگان بدرستی که این نعیم دائم هر آینه آنست رستگاری بزرگ برای مانند این جزا پس باید که کار کنند

العاملون • أذلك خير نزلا أم شجرة الزقوم • إنا جعلناها فتنة

کارکنندگان ای این بهتر بمعد یا درخت زقوم بدرستی که گردانیدیم ما آن را سبب آزمایشی

لِلظَّالِمِينَ ۝ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۝ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ
مر ستمکاران را ۝ بدرستی که آن درختی بود بیرون آمده در میان دوزخ ۝ خوشه آن گوییا که
رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ۝ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا
سرهای دیوان باشند ۝ پس بدرستی که ایشان هر آینه خورندگان باشند از آن پس پر کنندگان باشند از آن
الْبُطُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ۝ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ
شکمها را ۝ پس بدرستی که ایشان را بود بر آن هر آینه آمیختنی از آب گرم ۝ پس بدرستی که بازگشت ایشان
لَإِلَى الْجَحِيمِ ۝ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ۝ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ
سوی دوزخ بود ۝ بدرستی که ایشان یافتند پدران خود را گمراهان ۝ پس ایشان بر اثرهای خود
يُهْرَعُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
می شتابند ۝ و بدرستی که گمراه شدند پیش از ایشان بیشتری از اولینان ۝ و بدرستی که فرستادیم
فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۝ إِلَّا
در میان ایشان بیم کنندگان را ۝ پس بنگر که چگونه بود عاقبت بیم کردگان ۝ مگر
عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ
بندگان خدا خالص کاران ۝ و بدرستی که بر خواند ما را نوح ۝ پس نیکو پاسخ کنندگانیم
وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ
و برهانیدیم ما او را و اهل او را از اندوه بزرگ ۝ و گردانیدیم ما فرزندان او را
هُمُ الْبَاقِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي
که ایشان بودند باقی ماندگان ۝ و بگذاشتیم ما بر نوح در میان امم بازپسین ۝ که سلام باد بر نوح در میان

الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
جهانیان ۝ بدرستی که ما همچنین پاداش دهیم نیکوکاران را ۝ بدرستی که او بود از جمله بندگان ما مؤمنان
ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ
پس غرق کردیم ما دیگران را ۝ و بدرستی که از تابعان نوح بود ابراهیم ۝ چون آمد پروردگار خود
بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ أَئِفْكًا
دلی با سلامت ۝ چون گفت مر پدر خود را و قوم خود را که چه چیز را می پرستید ۝ ای به دروغ
آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَنَظَرَ
خدایان جز خدا میخواهید ۝ پس چیست گمان شما به پروردگار جهانیان ۝ پس نظر کرد
نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۝ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ
نگرستنی در ستارگان ۝ پس گفت که من بیمارم ۝ پس برگشتند از او پشت برگنندگان
فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ
پس پنهان رفت بسوی بتان ایشان پس گفت ای نمیخورید ۝ چیست شما را که سخن نمیگویید
فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۝ قَالَ
پس حمله برد بر ایشان زدنی بدست راست ۝ پس روی آوردند بوی ۝ گفت
أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝ قَالُوا ابْنُوا لَهُ
ای می پرستید آنچه می تراشید ۝ و خدا آفرید شما را و آنچه میسازید ۝ گفتند بنا کنید برا
بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ
بنایی عالی پس اندازید او را در میان آتش ۝ پس خواستند بدو کیدی پس گردانیدیم ایشان را

الأسفلين ۝ وقال إني ذاهب إلى ربي سيهدين ۝ رب هب لي

زیر تریان و گفت که من روندهام سوی فرموده پروردگار خود زود راه نماید مرا ای پروردگار من ببخش مرا

من الصالحين ۝ فبشرناه بغلام حليم ۝ فلما بلغ معه السعي

فرزندی از جملهٔ صالحان پس بشارت دادیم اورا بفرزندی بردبار پس چون برسید باو بحد بلوغ

قال يا بني إني أرى في المنام أني أذبحك فانظر ماذا ترى ۝ قال

گفت ای پسرک من بدرستی که من در خواب میدیدم که میکشتم ترا پس بنگر که چه می بینی گفت

يا أبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصابرين

ای پدر من بکن آنچه فرموده اند ترا زود یابی مرا اگر خواهد خدا از جمله صابران

فلما أسلما وتله للجبين ۝ وناديناه أن يا إبراهيم ۝ قد صدقت

پس چون منقاد شدند و افکند اورا بر یکسوی پیشانی و برخواندیم اورا که ای ابرهیم بدرستی که راست کردی

الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين ۝ إن هذا لهو البلاء

خواب بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که آن هرآینه آزمایش بود

المبين ۝ وفديناه بذبح عظيم ۝ وتركنا عليه في الآخرين

روشن و بازخریدیم اورا بکشتنی بزرگ و بگذاشتیم ما بر وی ثنای نیکو در زبان پسینیان

سلام على إبراهيم ۝ كذلك نجزي المحسنين ۝ إنه من

که سلام باد بر ابرهیم همچنین پاداشت دهیم ما نیکوکاران را بدرستی که او بود از جمله

عبادنا المؤمنين ۝ وبشرناه بإسحق نبيا من الصالحين

بندگان ما مؤمنان و بشارت دادیم اورا باسحق پیغمبری از جملهٔ نیکوکاران

وباركنا عليه وعلى إسحق ومن ذريتهما محسن وظالم

و برکت کردیم ما بر او و بر اسحق و از فرزندان ایشان بودند نیکوکار و ستمکار

لنفسه مبين ۝ ولقد مننا على موسى وهرون ۝ ونجيناهما

بر تن خود روشن و بدرستی که منت نهادیم ما بر موسی و هارون و برهانیدیم ما ایشانرا

وقومهما من الكرب العظيم ۝ ونصرناهم فكانوا هم

و قوم ایشانرا از اندوه بزرگ و یاری کردیم ما ایشانرا پس بودند ایشان

الغالبين ۝ وآتيناهما الكتاب المستبين ۝ وهديناهما

غالبان و بدادیم ما ایشانرا کتاب توریة و بیان روشن و راه نمودیم ما ایشانرا

الصراط المستقيم ۝ وتركنا عليهما في الآخرين ۝ سلام

براه راست و بگذاشتیم ما بر ایشان ثنای نیکو در زبان پسینیان که سلام باد

على موسى وهرون ۝ إنا كذلك نجزي المحسنين ۝ إنهما من

بر موسی و هارون بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که ایشان از جمله

عبادنا المؤمنين ۝ وإن إلياس لمن المرسلين ۝ إذ قال لقومه

بندگان ما بودند مؤمنان و بدرستی که الیاس از جملهٔ رسولان بود چون گفت مر قوم خودرا

ألا تتقون ۝ أتدعون بعلا وتذرون أحسن الخالقين ۝ الله

ای آیا نمی پرهیزید ای میخوانید بتانرا و میگذارید نیکوترین آفریننده گانرا خدا است

ربكم ورب آبائكم الأولين ۝ فكذبوه فإنهم لمحضرون

پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان پس بدروغ داشتند اورا پس ایشان حاضران در عذاب

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ
مگر بندگان خدا خالص کاران ۝ وبگذاشتیم ما برو ثنای نیکو در زبان بازپسینیان که سلام باد
عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ مِنْ
بر الیاسین وآل پیغمبر بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که او بود از جمله
عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَ
بندگان ما مومنان وبدرستی که لوط از جمله رسولان بود چون برهانیدیم ما اورا
أَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ
واهل اورا همه مگر پیره زنی که از جمله بازماندگان در هلاکت بود پس هلاک کردیم دیگران را
وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ۝ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
وبدرستی که شما میگذشتید بر قوم لوط در وقت بامدادان وبشب ای پس استعمال عقل نمیکنید
وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ فَسَاهَمَ
وبدرستی که یونس هر آینه از جمله رسولان بود چون گریخت سوی کشتی پر کرده پس قرعه زد
فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۝ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ
پس بود از جمله مغلوبان بقرعه پس فرو برد اورا ماهی واو سزاوار ملامت بود
فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۝ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ
پس اگر نه آن بودی که از جمله تسبیح کنندگان بودی هر آینه درنگ کردی در شکم او تا روز
يُبْعَثُونَ ۝ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۝ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ
که برانگیخته شوندی خلایق را پس انداختیم ما اورا بمکانی خالی که سایه نبود واو بیمار بود وبرویانیدیم ما برو

نصف

شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ ۝ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ۝ فَآمَنُوا
درختی از کدو بجهت سایه وبفرستادیم ما اورا بسوی صد هزار تن یا زیاده پس بگرویدند
فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ۝ فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ
پس برخورداری دادیم ما ایشان را تا هنگامی پس خبر پرس از کفار مکه ای پروردگار تراست دختران ومر ایشان راست
الْبَنُونَ ۝ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ۝ أَلَا
پسران یا آفریدیم ما فرشتگان را مادگان وایشان حاضران بودند بدان
إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ۝ وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
بدرستی که از دروغ ایشانست هر آینه که میگویند فرزندی دارد خدا وایشان دروغ زنانند
أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ۝ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَفَلَا
ای برگزید دختران را بر پسران چیست مر شمارا چگونه حکم میکنند ای پس
تَذَكَّرُونَ ۝ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ۝ فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ
پند نمیگیرید یا مر شماراست حجتی روشن پس بیاورید حجت خودرا
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ
اگر هستید شما راست گویان وپدید کردند میان او ومیان ملائکه نسبتی وبدرستی
عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ إِلَّا
که دانستند ملائکه که ایشان حاضر کردگان باشند پاک ومنزه است خدا از آنچه صفت میکنند مگر
عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ۝ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ
بندگان خدا خالص کاران پس بدرستی که شما وآنچه می پرستید نیستید شما بر خدای گمراه کننده بندگان او را

الا من هو صال الجحيم ● وما منا الا له مقام معلوم ● وانا لنحن
مگر آن را که او در رونده بود در دوزخ و نیستند هیچ از ملائکه مگر که او را مقامی معلوم است و به درستی که مایم
الصافون ● وانا لنحن المسبحون ● وان كانوا ليقولون لو ان عندنا
صف کشیدگان و به درستی که مایم تسبیح کنندگان و به درستی که بودند که بگویند اگر بودی نزد یک ما
ذكرا من الاولين ● لكنا عباد الله المخلصين ● فكفروا
پندی از اولینان هر آینه بودمانی بندگان خدا خالص کاران پس کافر شدند
به فسوف يعلمون ● ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا
به خدا پس زود بدانند و به درستی که پیشی گرفت این کلمهٔ ما بر بندگان ما
المرسلين ● انهم لهم المنصورون ● وان جندنا لهم
رسولان فرستاده به درستی که ایشان هر آینه ایشانند منصوران و به درستی که لشکرهای ما ایشانند
الغالبون ● فتول عنهم حتى حين ● وابصرهم فسوف يبصرون
غالبان پس برگرد از ایشان تا هنگامی و چشم دار بدیشان پس زود بینند
افبعذابنا يستعجلون ● فاذا نزل بساحتهم فساء صباح
ای پس به عذاب ما شتاب میخواهند پس چون فرود آید پیش درسرای ایشان پس بد بود صباح
المنذرين ● وتول عنهم حتى حين ● وابصر فسوف يبصرون
بیم کردگان و برگرد از ایشان تا هنگامی و چشم دار پس زود بینند
سبحان ربك رب العزة عما يصفون ● وسلام على المرسلين
پاکی و منزهی است پروردگار تو پروردگار به عزت از آنچه صفت میکنند و سلام باد بر رسولان

والحمد لله سورة ص ثمان وثمانون رب العالمين
و سپاس و خدا را که پروردگار جهانیانست

بسم الله الرحمن الرحيم

صدق الله
ص والقرآن ذي الذكر ● بل الذين كفروا في عزة وشقاق
راست فرمود خدا به حق قرآن خداوند و شرف بلکه آنها که کافر شدند در غروری و بدبختی اند
كم اهلكنا من قبلهم من قرن فنادوا ولات حين
بسا که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهان پس برخواندند ما را و نبود آن هنگام
مناص ● وعجبوا ان جاءهم منذر منهم وقال الكافرون هذا
گریختن و عجب داشتند که آمد بدیشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران این
ساحر كذاب ● اجعل الالهة الها واحدا ان هذا لشيء
جادوی پس دروغ گوی است ای کرد آیا خدایان را یک خدا به درستی که این هر آینه چیزی
عجاب ● وانطلق الملا منهم ان امشوا واصبروا على الهتكم
عجب است و رفتند اشراف از قریش از حضرت رسول میگفتند با یکدیگر که بروید و صبر کنید بر خدایان خود
ان هذا لشيء يراد ● ما سمعنا بهذا في الملة الاخرة ان هذا
به درستی که این کار محمد چیزیست که خواسته اند نشنیدیم ما این را در ملت آخرین پیشینیان نیست این
الا اختلاق ● ءانزل عليه الذكر من بيننا بل هم في شك
مگر دروغی بربافته ای فرو فرستاده شد بر وی پند از میان ما بلکه ایشان در شکی اند

مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ • أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ
از یاد کردن بلکه نچشیده‌اند عذاب مرا یا نزد ایشانست خزینهای رحمت پروردگار تو

الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ • أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
خدای غالب بخشاینده یا مر ایشانراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آن هردوست

فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ • جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ
پس گو ببالا روند در معراج آسمانها لشکریانند در مقام عداوت که منهزم خواهند بود از گروهان

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ • وَثَمُودُ
بدروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح نوح را و قوم هود و فرعون خداوند میخها و قوم صالح

وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ • إِنْ كُلٌّ
و قوم لوط و اصحاب بیشه شعیب آن گروه جمعند بعداوت انبیا نبودند همه ایشان

إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ • وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً
مگر که بدروغ داشتند رسولانرا پس واجب شد عقوبت من و چشم نمیدارند این گروه مگر یک

٥
وَاحِدَةً مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ • وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ
بانگ زدنی نبود مر آنرا هیچ مهلتی و گفتند ای پروردگار ما تعجیل کن برای ما قصد نصیب ما پیش از روز شمار

اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ
صابر باش بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما را داود خداوند قوت در دین بدرستی که او بادرگاه آینده بود

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ • وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً
بدرستی که مسخر کرده بودیم ما کوهها را که با او تسبیح میکردند بشبانگاه و در بامدادان و مرغانرا مسخر کرده

كُلٌّ لَهُ أَوَّابٌ • وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ
همه مر او را بادرگاه آینده بودند و قوی گردانیده بودیم ما پادشاهی او را و براده بودیم ما او را حکمت و فصل حکومات با قدرت

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ • إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ
و بدرستی که آمد بتو دو مخاصم چون برآمدند بر دیوار محراب چون در رفتند بر داود

فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمْ
پس بترسید از ایشان گفتند مترس ما دو مخاصمیم ستم کرد بعضی از ما بر بعضی پس حکم کن

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ • إِنَّ هَذَا
میان ما بحق و جور مکن و راه نمای ما را با راه راست بدرستی که این

أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا
برادر من او را نود و نه گوسفندست و مرا یک گوسفندست پس گفت ضم گردان آنرا

وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ • قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ
و غلبه کرد با من در خطاب گفت داود بدرستی که ستم کرد بر تو بسؤال گوسفند تو با وجود گوسفندان خود

وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
و بدرستی که بسیاری از انبازان هر آینه ستم میکنند بعضی ایشان بر بعضی مگر آنها که

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ
گرویدند و کردند کارهای شایسته و اندکی اند ایشان و دانست داود که ما آزموده‌ایم او را

سجده
فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ • فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ
پس آمرزش خواست از پروردگار خود و بروی در افتاد رکوع کننده و بادرگاه آینده پس آمرزیدیم ما او را آن

وَاِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ • يَا دَاوُدُ اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً
و بدرستی که او را بود نزدیک ما مرتبه منزلتی و نیکو بازگشتن جائی ای داود بدرستی که ما کردانیدیم ترا خلیفه
فِي الْاَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ
در زمین پس حکم کن میان مردمان بحق و پیروی مکن هوا و داد نفس را پس گرداند ترا
عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ
از راه خدا بدرستی که آنانکه گمراه شده اند از راه دین خدا مر ایشانرا بود عذابی
شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ • وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْاَرْضَ
سخت بدانچه فراموش کردند روز حساب و شمار و نیافریدیم ما آسمان و زمین را
وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
و آنچه میان ایشانست باطل آنست گمان آنها که کافر شده اند پس وای مر آنها را که کافر شدند
مِنَ النَّارِ • اَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ
از آتش یا بکنیم آنها را که بگرویدند و کارهای نیکو کردند همچون تباهی کنندگان
فِي الْاَرْضِ اَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ • كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ
در زمین یا بکنیم پرهیزکارانرا همچون کافران این قرآنست که فرستادیم آنرا
اِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا اٰيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ اُولُوا الْاَلْبَابِ
بتو خجسته تا اندیشه کنند در نشانهای او و تا پند گیرند خداوندان خردها
وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ اِنَّهُ اَوَّابٌ • اِذْ عُرِضَ
و بخشیدیم ما داود را سلیمان نیکو بنده بدرستی که او بازگشته بود بادرگاه چون عرضه کرده شد

عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ • فَقَالَ اِنِّي اَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ
برو بشبانگاه اسپان نیک دوان پس گفت که من اختیار کردم دوستی سپاه را
عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ • رُدُّوهَا عَلَيَّ
از یاد کرد پروردگار خود تا نهان شد آفتاب در پرده حجاب بازگردانید آن خیل را بر من
فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْاَعْنَاقِ • وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
پس در ایستاد می برید بریدنی ساقها و گردنهای آن اسپانرا و بدرستی که آزمودیم ما سلیمان را
وَاَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ اَنَابَ • قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي
و انداختیم ما بر تخت او تنی را پس باز آمد بادرگاه ما گفت ای پروردگار من بیامرز مرا
وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِي اِنَّكَ اَنْتَ
و ببخش مرا پادشاهی که نرسد مر هیچ کسرا پس از من بدرستی که تو توئی
الْوَهَّابُ • فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِاَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ اَصَابَ
بسیار بخشنده پس مسخر کردیم او را باد میرفت بفرمان او نرم و خوش هرکجا که میخواست
وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ • وَاٰخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْاَصْفَادِ
و دیوانرا هر بنا کننده و بدریا فرو شونده و دیگرانرا بازبسته در بند کرده در قیدها
هٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ اَوْ اَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ • وَاِنَّ لَهُ عِنْدَنَا
این ملک و تسخیر شیاطین بخشش ما بود پس بده آنرا که خواهی یا باز دار بی حساب و بدرستی که او راست نزدیک
لَزُلْفَى وَحُسْنَ مَآبٍ • وَاذْكُرْ عَبْدَنَا اَيُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ
منزلتی و نیکو بازگشتن جائی و یاد کن بنده ما را ایوب چون بخواند پروردگار خود را

انی مسنی الشیطان بنصب وعذاب ۝ ارکض برجلك هذا
که رسید بمن ازدیو رنجی وعذابی گفتیم بزن پای خود را بزمین اینک آب
مغتسل بارد وشراب ۝ ووهبنا له اهله ومثلهم معهم
موضع غسل آوردست خنک وآشامیدنی باشد وبخشیدیم مر او را اهل او ومانند ایشان با ایشان
رحمة منا وذکری لاولی الالباب ۝ وخذ بیدك ضغثا فاضرب
رحمتی از ما وپندی مر خداوندان خردها را ودرگیر دست خود یک دسته گیاه پس بزن
به ولا تحنث انا وجدناه صابرا نعم العبد انه اواب
بآن خود را وبزه مشو … بدرستی که ما یافتیم او را صابر نیکو بنده بدرستی که او بازگردنده
واذکر عبادنا ابرهیم واسحق ویعقوب اولی الایدی
ویاد کن بندگان ما ابرهیم واسحق ویعقوب خداوندان قوت
والابصار ۝ انا اخلصناهم بخالصة ذکری الدار ۝ وانهم
وبیناها بدرستی که خالص گردانیدیم ایشان را … ویاد کرد آخرت …
عندنا لمن المصطفین الاخیار ۝ واذکر اسمعیل والیسع
نزد ما مرایشانند از جمله برگزیدگان اخیار باشند ویاد کن اسمعیل والیسع
وذا الکفل وکل من الاخیار ۝ هذا ذکر وان للمتقین
وذا الکفل وهمه بودند از برگزیدگان این قرآن پندیست وبدرستی که پرهیزکاران را
لحسن مآب ۝ جنات عدن مفتحة لهم الابواب ۝ متکئین فیها
مرایشانرا نیکو بازگشتنی بهشتهای اقامت گشوده مرایشانرا درها تکیه زنندگان در آنجا

حزب

یدعون فیها بفاکهة کثیرة وشراب ۝ وعندهم قاصرات
خواهند در آنجا میوهای بسیار را وآشامیدنی تمام ونزد ایشان بود زنان …
الطرف اتراب ۝ هذا ما توعدون لیوم الحساب ۝ ان هذا لرزقنا
ما له من نفاد ۝ هذا وان للطاغین لشر مآب ۝ جهنم یصلونها
فبئس المهاد ۝ هذا فلیذوقوه حمیم وغساق ۝ وآخر
من شکله ازواج ۝ هذا فوج مقتحم معکم لا مرحبا بهم
انهم صالوا النار ۝ قالوا بل انتم لا مرحبا بکم انتم قدمتموه لنا
فبئس القرار ۝ قالوا ربنا من قدم لنا هذا فزده عذابا ضعفا
فی النار ۝ وقالوا ما لنا لا نری رجالا کنا نعدهم من الاشرار
اتخذناهم سخریا ام زاغت عنهم الابصار ۝ ان ذلك لحق تخاصم

اهل النار ۞ قل انما انا منذر وما من اله الا الله الواحد القهار

اهل آتش بگو بدرستی که من بیم کننده ام ونیست هیچ خدائی مگر خدای یکتای قهر کننده

رب السموات والارض وما بينهما العزيز الغفار ۞ قل هو

پروردگار آسمانها وزمین وآنچه میان ایشانست خدای غالب آمرزگار بگو آن

نبؤا عظيم ۞ انتم عنه معرضون ۞ ما كان لي من علم بالملإ

خبری بزرگست که شما از آن برگردنده گانید نیست مرا هیچ دانشی بفرشتگان

الاعلى اذ يختصمون ۞ ان يوحى الي الا انما انا نذير مبين ۞ اذ قال

او فرشته چون خصومت میکردند در کار آدم وحی کرده نمیشود بمن مگر که من بیم کننده روشنم چون گفت

ربك للملئكة اني خالق بشرا من طين ۞ فاذا سويته و

پروردگار تو بفرشتگان که من آفریننده ام آدمی را از گل پس چون راست اندام گردانم ورا

نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ۞ فسجد الملئكة كلهم

و در دمم درو از جان پس بروی در افتید اورا بسجده تواضع وتکریم پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان

اجمعون ۞ الا ابليس استكبر وكان من الكافرين ۞ قال

بتمامی مگر ابلیس که گردنکشی کرد وبود از جمله کافران گفت خدا

يا ابليس ما منعك ان تسجد لما خلقت بيدي استكبرت ام كنت

ای ابلیس چه مانع شد ترا که سجده نکردی مرآنرا که آفریدم بدو دست قدرت خود ای گردنکشی کردی تو یا

من العالين ۞ قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين

بودی از جمله از فرشتگان گفت که من بهترم ازو آفریدی مرا از آتش و آفریدی ورا از گل

قال فاخرج منها فانك رجيم ۞ وان عليك لعنتي الى يوم الدين

گفت خدا بیرون رو از زمین که تو رانده و بدرستی که بر تو است لعنت من تا روز قیامت

قال رب فانظرني الى يوم يبعثون ۞ قال فانك من المنظرين ۞ الى

گفت ای پروردگار مرا زمان ده تا روزی که برانگیخته شوند گفت خدا که تو از جمله زمان دادگانی تا

يوم الوقت المعلوم ۞ قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين ۞ الا

روز وقت دانسته گفت ابلیس که بعزت وعظمت تو که بیراه گردانیدم ایشانرا همه مگر

عبادك منهم المخلصين ۞ قال فالحق والحق اقول ۞ لاملان

بندگان ترا بعضی از ایشانرا مخلصان گفت خدا پس حقست وحق میگویم که پر کنم

جهنم منك وممن تبعك منهم اجمعين ۞ قل ما اسئلكم

دوزخ را از تو واز آنکه پیروی کرده بود ترا از ایشان همه بگو نمیخواهم از شما

عليه من اجر وما انا من المتكلفين ۞ ان هو الا ذكر للعالمين

بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی ونیستم من از جمله تکلیف نمایندگان نیست آن مگر پندی مر جهانیانرا

ولتعلمن نباه بعد حين

سورة الزمر خمس وسبعون

وهر آینه بدانید خبر آنرا پس از هنگامی

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۞ انا انزلنا اليك

فرو فرستادن این قرآن از خدای غالب محکم کارست بدرستی که فرو فرستادیم با تو

الکتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین الا لله الدین الخالص

قرآن را بحق پس بپرست خدا را خالص کننده مر او را دین بیان کردم خدا راست دین خالص

والذین اتخذوا من دونه اولیاء ما نعبدهم الا لیقربونا

وآنها که فرا گرفتند از جز او دوستانی را گفتند نمی پرستیم ایشان را مگر که نزدیک گردانند ما را

الی الله زلفی ان الله یحکم بینهم فیما هم فیه یختلفون

بخدا بمنزلت و قربت بدرستی که خدا حکم کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند

ان الله لا یهدی من هو کاذب کفار لو اراد الله ان یتخذ ولدا

بدرستی که خدا راه ننماید آنرا که او دروغ گوی ناسپاس بود اگر خواستی خدا که فرا گیرد فرزندی

لاصطفی مما یخلق ما یشاء سبحانه هو الله الواحد القهار

برگزیدی از آنچه آفریند آنچه خواستی پاک و منزه است او اوست خدای یکتای یگانه قهر کننده

خلق السموات والارض بالحق یکور اللیل علی النهار ویکور

آفرید آسمانها و زمین را بحق در می پوشاند شب را بر روز و در می پوشاند

النهار علی اللیل وسخر الشمس والقمر کل یجری لاجل

روز را بر شب و مسخر کرد آفتاب و ماه را همه میروند تا اجلی

مسمی الا هو العزیز الغفار خلقکم من نفس واحدة

نام نهاده بدانکه او غالب آمرزگار آفرید شما را از یک تن که آدم است

ثم جعل منها زوجها وانزل لکم من الانعام ثمانیة ازواج

پس بیافرید از او زن او را و فرو فرستاد برای شما از چهارپایان هشت صنف

یخلقکم فی بطون امهاتکم خلقا من بعد خلق فی ظلمات

می آفریند شما را در شکمهای مادران شما آفریدنی از پس آفریدن در تاریکیهای

ثلث ذلکم الله ربکم له الملک لا اله الا هو فانی تصرفون

سه گانه آنست خدا پروردگار شما او راست پادشاهی نیست خدایی مگر او پس از کجا بر گردانیده میشوید از حق

ان تکفروا فان الله غنی عنکم ولا یرضی لعباده الکفر وان

اگر کافر شوید پس بدرستی که خدا بی نیاز است از شما و نپسندد مر بندگان خود را کفر و اگر

تشکروا یرضه لکم ولا تزر وازرة وزر اخری ثم

شکر کنید بپسندد آن مر شما را و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را پس

الی ربکم مرجعکم فینبئکم بما کنتم تعملون انه

با پروردگار شماست بازگشت شما پس آگاه کند شما را بدانچه شما کرده باشید بدرستی

علیم بذات الصدور واذا مس الانسان ضر دعا ربه منیبا

که او داناست بهرانچه در سینه‌ها و چون برسد با آدمی زیانی بخواند پروردگار خود را بازگشت کننده

الیه ثم اذا خوله نعمة منه نسی ما کان یدعوا الیه من

با او پس چون بر دادیم آنرا نعمتی از قبل او فراموش کند آنچه خوانده باشد با او از

قبل وجعل لله اندادا لیضل عن سبیله قل تمتع بکفرک

پیش و پدید کرد مر خدا را همتایان تا برگرداند مردمان را از راه او بگو برخورداری گیر بکفر خود

قلیلا انک من اصحاب النار امن هو قانت اناء اللیل ساجدا

اندکی بدرستی که تو از اصحاب آتش ای آنکس که او قیام نماینده بساعتهای شب سجده کننده

وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ
و ایستاده ترسد از عذاب آخرت و امید دارد برحمت پروردگار خود بگو ای یکسان باشند آنها
يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ
که میدانند و آنها که نمیدانند براستی که پند گیرند خداوندان خردها
قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ
بگو ای بندگان من آنها که بگرویده اید بترسید از پروردگار خود مر آنهارا که نیکوئی کردند در این
الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ
دنیا نیکوئی و زمین خدا فراخ است براستی که تمام بدهند صابرانرا مزد ایشان
بِغَيْرِ حِسَابٍ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ وَ
بی شمار بگو که فرموده اند مرا که بپرستم خدارا خالص کننده مراورا دین
أُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ
و فرموده اند مرا که باشم از اول منقادان بگو که من می ترسم اگر عاصی شوم
رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي فَاعْبُدُوا
در پروردگار خود از عذاب روزی بزرگ بگو خدارا می پرستم خالص کننده مراورا دین خود پس بپرستید
مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ
آنچه میخواهید شما از جز او بگو براستی که زیانکاران آنهااند که زیانکار آمدند بر تنهای خود
وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ
و اهل خود در روز قیامت بدان که آنست زیانکاری روشن

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ
مر ایشانرا بود از بالای ایشان سایه بانهائی از آتش و از زیر ایشان سایه بانهای آنست
يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ
که می ترساند خدا بدان بندگان خود را ای بندگان من پس بترسید از من و آنها که دوری نمودند از بتان
أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ
که بپرستید آنهارا و باز آمدند بارضاء خدا مر ایشانرا بشارت باد پس بشارت ده بندگان را آنها
يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ
که می شنوند گفتار شرع را پس پیروی میکنند نیکوتر آنرا آن گروه آنهااند که راه نمود ایشانرا
اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ
خدا و آن گروه ایشانند خداوندان خردها ای پس آنکه واجب شد برو سخن
الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا
بعذاب ای تو بتوانی رهانید آنرا که در آتش بود لیکن آنها که پرهیزیدند
رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
از عذاب پروردگار خود مر ایشانرا بود غرفهای که از بالای آن بود غرفهائی بنا کرده از یاقوت و زمرد که رود از زیر آن
الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ
جویها اینست وعده خدا خلاف نکند خدا وعده را ای نگرستی که خدا فرو فرستاد از
السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا
آسمان آبی را پس در آورد آنرا در چشمهائی در زمین پس بیرون می آورد بدان کشتهای مختلف

ألوانه ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يجعله حطاما إن في ذلك
رنگهای آن پس بکمال پوست برسد پس بینی آنرا زرد پس بکند آنرا ازرده بدرستی که در آن
لذكرى لأولي الألباب أفمن شرح الله صدره للإسلام
هراینه پندیست مرخداوندان خردهارا ای پس آنکه گشاده کرداند خدا سینهٔ اورا باسلام
فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله
پس او بر روشنی بود از پروردگار خود پس وای مرآنهارا که سخت شده اند دلهای ایشان از یاد خدا
أولئك في ضلال مبين الله نزل أحسن الحديث كتابا
آن گروه در گمراهی روشنند خدا فرو فرستاد نیکوترین سخن را کتابی
متشابها مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم
بهم مانند مکررات المواعظ منقبض در تعد میشود ازان پوستهای آنها که می ترسند از پروردگار خود
ثم تلين جلودهم وقلوبهم إلى ذكر الله ذلك هدى
پس نرم وساکن میشود پوستهای ایشان ودلهای ایشان … آنست راه
الله يهدي به من يشاء ومن يضلل الله فما له من هاد أفمن
خدا که راه می نماید بدان آنرا که خواهد وهرکرا که گمراه کند خدا پس نبود مراورا [هیچ] راهنماینده ای پس آنکه
يتقي بوجهه سوء العذاب يوم القيامة وقيل للظالمين
پرهیزاند روی خودرا برای بدترین عذاب روز قیامت وگویند ستمکارانرا
ذوقوا ما كنتم تكسبون كذب الذين من قبلهم
دربچشید آنچه بودید شما می اندوختید بدروغ داشتند آنها که پیش از ایشان بودند

فأتاهم العذاب من حيث لا يشعرون فأذاقهم الله الخزي
پس آمد بدیشان عذاب ازآنجا که ندانستند پس درچشانید ایشانرا خدا رسوائی
في الحياة الدنيا ولعذاب الآخرة أكبر لو كانوا يعلمون
در زندگانی دنیا وهراینه عذاب آخرت بزرگتر اگر ایشان بدانند
ولقد ضربنا للناس في هذا القرآن من كل مثل لعلهم
وبدرستی که زدیم ما برای مردمان دراین قرآن از هر مثلی تا بود که ایشان
يتذكرون قرآنا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون
پند گیرند قرآنی بلغت عرب غیر خداوند کژی تا بود که ایشان بپرهیزند
ضرب الله مثلا رجلا فيه شركاء متشاكسون ورجلا
بزد خدا مثلی مردی را که در ملکیت او انبازان باشند مختلف ومتنازع ومردی
سلما لرجل هل يستويان مثلا الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون
سلامت ویکی … ای … باشند مثل سپاس مرخدا را بلک بیشترین ایشان نمیدانند
إنك ميت وإنهم ميتون ثم إنكم يوم القيامة عند ربكم
بدرستی که تو بمیری وایشان نیز میرندگان باشند پس بدرستی که شما روز قیامت نزد پروردگار شما
تختصمون فمن أظلم ممن كذب على الله وكذب
خصومت کنندگان باشید پس کیست ستمکارتر ازانکه دروغ بست بر خدا وبدروغ داشت
بالصدق إذ جاءه أليس في جهنم مثوى للكافرين و
توحید با قرآن یا محمد را چون آمد بدو آیا نیست در دوزخ جایگاه مرکافرانرا و

الجزو ٢٤

الذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون لهم

آنکسی که آورد توحید باز آنرا و آنکه تصدیق کرد قول او را آن گروه ایشانند پرهیزکاران مر ایشانرا بود

ما یشاؤن عند ربهم ذلک جزاء المحسنین لیکفر الله

آنچه خواهند نزد پروردگار خود آنست پاداشت نیکوکاران تا باز پوشاند خدا

عنهم اسوأ الذی عملوا ویجزیهم اجرهم باحسن الذی

از ایشان بدیهای آنچه کرده باشند و پاداشت دهد ایشانرا نیکوتر آنچه

کانوا یعملون • الیس الله بکاف عبده ویخوفونک بالذین من

ایشان کرده باشند ای نیست خدا بسنده بندگان خود را و می ترسانند ترا بدانها که از

دونه ومن یضلل الله فما له من هاد • ومن یهد الله فما له من

جز او اند و هر که گمراه کند او را خدا نیست او را هیچ راهنماینده و هر که راه نماید او را خدا نیست مر او را

مضل الیس الله بعزیز ذی انتقام • ولئن سألتهم من

گمراه کننده ای نیست خدا غالب خداوند کینه کشیدن و هر آینه اگر پرسی تو از ایشان که

خلق السموات والارض لیقولن الله قل افرأیتم ما تدعون

آفرید آسمانها و زمین را هر آینه گویند که خدا بگو ای می بینید شما آنچه می خوانید

من دون الله ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره

از جز خدا اگر خواهد بمن خدا زیانی ای هیچ هستند ایشان بردارندگان زیان او را

او ارادنی برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله

یا اگر خواهد بمن رحمتی ای هیچ هستند باز دارنده رحمت او را بگو بسنده است مرا خدا

علیه یتوکل المتوکلون • قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم

بر او باید که توکل کنند توکل کنندگان بگو ای قوم من کار کنید بر عادت خود

انی عامل فسوف تعلمون • من یأتیه عذاب یخزیه ویحل علیه

بدرستی که من کار کننده ام پس زود بدانید که کیست که آید بدو عذابی که رسوا کند او را و فرود آید بدو

عذاب مقیم • انا انزلنا علیک الکتاب للناس بالحق فمن

عذابی جاودانه بدرستی که فرو فرستادیم ما بر تو قرآنرا برای مردمان بحق پس هر که

اهتدی فلنفسه ومن ضل فانما یضل علیها وما انت علیهم

راه یافت پس نبود در تن او را بود و هر که گمره شود پس هر آینه که گمره شده بود و زیان بر وی بود و نیستی تو بر ایشان

بوکیل • الله یتوفی الانفس حین موتها والتی لم تمت فی

کارگزار خدا قبض روح کند نفوس را هنگام مرگ آن و آن نفوس که قطع تعلق نکرده در

منامها فیمسک التی قضی علیها الموت ویرسل الاخری الی اجل

خواب آن پس باز میگیرد آن نفوس که حکم کرده است برو مرگ را و باز میفرستد بتن آن دیگر تا اجلی

مسمی ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون • ام اتخذوا

نام نهاده بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست هر گروهی را که اندیشه کنند یا فرا گرفتند

من دون الله شفعاء قل اولو کانوا لا یملکون شیئا ولا

از جز خدا شفیعانی را بگو ای و اگرچه شفاعت کنند که قادر نباشند چیزی را و

یعقلون • قل لله الشفاعة جمیعا له ملک السموات والارض

استعمال عقل نکنند بگو مر خدا راست شفاعت همه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

ثم إليه ترجعون ۝ وإذا ذكر الله وحده اشمأزت قلوب
پس باز خدا او باز گردانیده شوید وچون یاد کرده شود خدا را بیگانگی او ترسان شود دلهای
الذين لا يؤمنون بالآخرة وإذا ذكر الذين من دونه إذا
آنها که نمی گروند به آخرت وچون یاد کنند آنهارا که از جز او اند آنگاه
هم يستبشرون ۝ قل اللهم فاطر السموات والأرض عالم
ایشان شادی کنند بگو ای بار خدایا ای تو آفریننده آسمانها وزمین ای داننده
الغيب والشهادة أنت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه
ناپیدا وپیدا تو حکم کنی میان بندگان خود در آنچه بودند در آن
يختلفون ۝ ولو أن للذين ظلموا ما في الأرض جميعا ومثله
اختلاف میکردند واگر آنکه بودی مرآنهارا که ستم کردند آنچه در زمین است همه ومانند آن
معه لافتدوا به من سوء العذاب يوم القيمة وبدا لهم
با آن وخواستندی که خود را باز خرند بدان از بدیت عذاب روز قیامت وظاهر شد ایشانرا
من الله ما لم يكونوا يحتسبون ۝ وبدا لهم سيئات ما كسبوا وحاق
از خدا آنچه ایشان پنداشته باشند وظاهر شود ایشانرا بدیهای آنچه اندوخته بودند ودر
بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ فإذا مس الإنسان ضر
بدیشان وخانه آنچه بوده باشند بدان استهزا میکردند پس چون برسد به آدمی زیانی
دعانا ثم إذا خولناه نعمة منا قال إنما أوتيته على علم بل
بخواند ما را پس چون دهیم اورا نعمتی از قبل ما گوید که داده اند آنرا بر دانشی از من بلکه

هي فتنة ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ قد قالها الذين
آن آزمایشی است ولیکن بیشترین ایشان نمیدانند بدرستی که گفتند آنرا آنها
من قبلهم فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ فأصابهم
که پیش از ایشان بودند پس بنگزیرانیدند از ایشان آنچه بودند می اندوختند پس برسید ایشانرا
سيئات ما كسبوا والذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات
بدیهای آنچه اندوختند وآنها که ستم کردند ازان گروه زود برسد ایشانرا بدیهای
ما كسبوا وما هم بمعجزين ۝ أولم يعلموا أن الله يبسط
آنچه ایشان اندوختند ونباشند ایشان توانا شوند از عذاب خدا ای ندانستند که خدا فراخ میکند
الرزق لمن يشاء ويقدر إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون
روزی مرآنرا که خواهد وتنگ باز کند بدرستی که درآن مرنشانهاست مرگروهی را که بگروند
قل يا عبادي الذين أسرفوا على أنفسهم لا تقنطوا من رحمة
بگو ای بندگان من آنها که اسراف کردند بر تنهای خود نومید نشوند از رحمت
الله إن الله يغفر الذنوب جميعا إنه هو الغفور الرحيم
خدا بدرستی که خدا بیامرزد گناهان همه را بدرستی که اوست آمرزگار مهربان
وأنيبوا إلى ربكم وأسلموا له من قبل أن يأتيكم العذاب ثم
وباز آیید بادرگاه پروردگار خود وتسلیم شوید اورا پیش از آنکه آید بشما عذاب پس
لا تنصرون ۝ واتبعوا أحسن ما أنزل إليكم من ربكم
یاری کرده نشوید وپیروی کنید نیکوتر آنچه فرو فرستاده شد بشما از پروردگار شما

مِن قَبلِ اَن يَأتِيَكُمُ العَذابُ بَغتَةً وَاَنتُم لا تَشعُرُونَ

از پيش آنکه آيد بشما عذاب ناگاه وشما ندانيد

اَن تَقُولَ نَفسٌ يا حَسرَتىٰ عَلىٰ ما فَرَّطتُ فى جَنبِ اللّٰهِ وَاِن

تا نگويد هيچ تنی ای اندوها برآنچه تقصير کردم در فرمان وطاعت خدا وبدرستی

كُنتُ لَمِنَ السّاخِرِينَ ۝ اَو تَقُولَ لَو اَنَّ اللّٰهَ هَدانى لَكُنتُ مِنَ

که بودم برآئنه از افسوس دارندگان تا نگويد که اگر خدا راه نمودی مرا بودمی از

المُتَّقِينَ ۝ اَو تَقُولَ حِينَ تَرَى العَذابَ لَو اَنَّ لى كَرَّةً

پرهيزکاران تا نگويد هنگامی که ببيند عذاب اگر بودی مرا بازگشتی بدنيا

فَاَكُونَ مِنَ المُحسِنِينَ ۝ بَلىٰ قَد جاءَتكَ اٰياتى فَكَذَّبتَ بِها

پس بودمی از جمله نيکوکاران آری بدرستی که آمد بتو نشانهای من پس دروغ داشتی آنرا

وَاستَكبَرتَ وَكُنتَ مِنَ الكافِرِينَ ۝ وَيَومَ القِيٰمَةِ

وگردنکشی کردی وبودی از جمله کافران وروز قيامت

تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللّٰهِ وُجُوهُهُم مُسوَدَّةٌ اَلَيسَ فى

ببينی آنهارا که دروغ بستند بر خدا رویهای ايشانرا سياه آيا نيست در

جَهَنَّمَ مَثوًى لِلمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَيُنَجِّى اللّٰهُ الَّذِينَ اتَّقَوا بِمَفازَتِهِم

دوزخ جايگاه مر گردنکشانرا وبرهاند خدا آنهارا که پرهيزيدند برستگاری ايشان

لا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلا هُم يَحزَنُونَ ۝ اَللّٰهُ خالِقُ كُلِّ شَيءٍ

نرسد بديشان هيچ بدی ونه ايشان اندوهگين باشند خدا آفريدگار همه چيزهاست

وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ وَكِيلٌ ۝ لَهُ مَقالِيدُ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ

واو بر همه چيزی کارسازست اوراست کليدهای تصرف در آسمانها وزمين

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰياتِ اللّٰهِ اُولٰئِكَ هُمُ الخاسِرُونَ ۝

وآنها که کافر شدند بنشانهای خدا آن گروه ايشان زيانکارانند

قُل اَفَغَيرَ اللّٰهِ تَأمُرُونّى اَعبُدُ اَيُّهَا الجاهِلُونَ ۝ وَلَقَد

بگو ای پس بجز از خدا ميفرمائيد مرا که بپرستم ای جاهلان وبدرستی

اُوحِىَ اِلَيكَ وَاِلَى الَّذِينَ مِن قَبلِكَ لَئِن اَشرَكتَ لَيَحبَطَنَّ عَمَلُكَ

که وحی کرده ميشود بتو وبآنها که پيش از تو بودند که برآئنه اگر انباز قرار دادی برآئنه باطل شود عمل تو

وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الخاسِرِينَ ۝ بَلِ اللّٰهَ فَاعبُد وَكُن مِنَ

وبرآئنه باشيد از جمله زيانکاران بلکه خدارا بپرست وباش از جمله

الشّاكِرِينَ ۝ وَما قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدرِهِ وَالاَرضُ جَمِيعًا

شکرکنندگان ونشناختند خدارا سزای شناختن او وزمين همه

قَبضَتُهُ يَومَ القِيٰمَةِ وَالسَّمٰواتُ مَطوِيّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبحانَهُ

در قبض قدرت او بود روز قيامت وآسمانها مجموعات ودرنورديده شوند بقدرت او پاکی مر اوراست

وَتَعالىٰ عَمّا يُشرِكُونَ ۝ وَنُفِخَ فِى الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِى

وبرتر است از آنچه انباز فرا ميدارند ودردمند در صور پس بيهوش شود آنکه در

السَّمٰواتِ وَمَن فِى الاَرضِ اِلّا مَن شاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ اُخرىٰ

آسمانهاست وآنکه در زمينست مگر آنچه خواسته بود خدا پس دردمند درآن کرت ديگر

فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ۝ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ
پس آنگه ایشان ایستاده باشند نگرند ونورانی شود زمین بنور پروردگار خود ونهند
الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ
نامهٔ اعمال را وآورند پیغمبران را وگواهان را وحکم کرده شود میان ایشان بحق
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا
وایشان را ستم نکنند وتمام بدهند هر تنی را جزاء آنچه کرده بود واو داناتر بدانچه
يَفْعَلُونَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ
ایشان میکنند وبرانند آنها را که کافر شدند سوی دوزخ گروه گروه تا
إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ
چون آیند بدآنجا گشوده شود درهای آن وگویند مرایشان را خزنهٔ آن ای نیامد بشما رسولان
مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ
از شما تا خوانند بر شما نشانهای پروردگار خود را وبیم کنند شمارا
لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
بباز رسیدن شما بدین روز گویند آری ولیکن واجب شد سخن عذاب
عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا
بر کافران گویند در روید از درهای دوزخ همیشه باشند در آنجا
فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
پس بد بود جایگاه گردنکشان وبرانند آنها را که پرهیزیدند از عذاب پروردگار

إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ
سوی بهشت گروه گروه تا چون آیند بدآنجا وگشوده شود درهای آن وگویند مرایشان را
خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
خزنهٔ آنجا سلام باد بر شما خوشتان باد پس در روید در آنجا همیشه باشید
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
وگویند سپاس مر خدای را آن خدایی که راست فرمود مارا وعدهٔ خود ومیراث داد مارا زمین
نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ وَ
تا جای گیریم از بهشت هرجا که خواهیم پس نیکو بود مزد کارکنندگان
تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ
وبینی تو فرشتگان را صف زده گرد در آینده از پیرامون عرش تسبیح کنند بستایش پروردگار خود
وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وحکم کرده شود میان ایشان بحق وگویند بهشتیان سپاس وشکر مر خدای را که پروردگار جهانیانست

سورة المؤمن خمس وثمانون آية وهي مكية
الغافر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای مهربان

حم ۝ تَنزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ غَافِرِ الذَّنبِ وَ
فرو فرستادن این قرآن از خدای غالب داناست آمرزندهٔ گناهان
بود تنهارا

قابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه
قبول کننده توبه است سخت عقوبت خداوند عظمت و بزرکی نیست خدائی مکراو باز اوست
المصير ما يجادل في آيات الله الا الذين كفروا فلا يغررك
بازکشت خصومت نکنند در نشانهای خدا مکر آنها که کافر شدند پس مغرور بباید ترا
تقلبهم في البلاد كذبت قبلهم قوم نوح والاحزاب
کردیدن ایشان در شهرها دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح را و کروهان
من بعدهم وهمت كل امة برسولهم ليأخذوه وجادلوا
از پس ایشان و قصد کردند هر کروهی برسول خود که فرا کیرند اورا و خصومت کردند
بالباطل ليدحضوا به الحق فاخذتهم فكيف كان عقاب
بباطل تا نیست کردانند بدان سخن حق را پس بکرفتم ایشانرا پس چکونه بود عقوبت من
وكذلك حقت كلمت ربك على الذين كفروا انهم
و همچنین واجب شد سخن پروردکار تو بر آنها که کافر شدند که ایشان
اصحاب النار الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون
اصحاب آتش اند آنها از فرشتکان که حمله عرش اند و آنهائی که پیرامون آنند تسبیح میکنند
بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا ربنا
بستایش پروردکار خود و ایمان دارند بدو و آمرزش میخواهند مر آنهارا که بکرویده اند ای پروردکار ما
وسعت كل شيء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا واتبعوا
فرا رسیده تو بهمه چیزی برحمت و دانش پس بیامرز مر آنهارا که توبه کردند و پیروی کردند

سبيلك وقهم عذاب الجحيم ربنا وادخلهم جنات
راه ترا و باز دار از ایشان عذاب دوزخ را ای پروردکار ما در آور ایشانرا در بستانهای
عدن التي وعدتهم ومن صلح من آبائهم وازواجهم وذرياتهم
اقامت آنکه وعده دادی ایشانرا و آنرا که کار باصلاح آورد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان
انك انت العزيز الحكيم وقهم السيئات ومن تق السيئات
بدرستی که تو توئی غالب محکم کار و نکه دار ایشانرا از بدیها و هر که نکه داری تو او را از بدیها
يومئذ فقد رحمته وذلك هو الفوز العظيم ان الذين
آن روز پس بدرستی که رحمت کرده باشی او را و آنست آن رستکاری بزرک بدرستی که آنها
كفروا ينادون لمقت الله اكبر من مقتكم انفسكم
که کافر شدند ندا کنند ایشانرا که هر آینه دشمن داشتن خدا بزرکترست از دشمنی شما تنهای یکدیکر را
اذ تدعون الى الايمان فتكفرون قالوا ربنا امتنا اثنتين
چون میخواندند شمارا بسوی ایمان پس کافر شدید کویند ای پروردکار ما بمیرانیدی مارا دو بار
واحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل الى خروج من
و زنده کردانیدی مارا دو بار پس معترف شدیم بکناهان خود پس ای هست هیچ بیرون آمدنی از
سبيل ذلكم بانه اذا دعي الله وحده كفرتم وان
آتش آن بسبب آنست که چون خوانده شد خدا را که یکانه است او کافر شدید شما و اکر
يشرك به تؤمنوا فالحكم لله العلي الكبير هو الذي
انبازان آورده شد با او ایمان آورید پس حکم مر خدا راست برتر بزرکوار اوست آنکه

يريكم آياته وينزل لكم من السماء رزقا وما يتذكر إلا
بازی نماید شمارا نشانهای خود و فرو میفرستد برای شما از آسمان روزی و پند نگیرد مگر
من ينيب ۝ فادعوا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون
انکه باز آید بدرگاه او پس برخوانید خدا را خالص کننده مراورا دین واگرچه کاره دارند کافران
رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من أمره على من يشاء من
اوست برافرازنده مراتب مومنان خداوند عرش میرساند وحی را از فرمان خود بر آنکه خواهد از
عباده لينذر يوم التلاق ۝ يوم هم بارزون لا يخفى على
بندگان خود تا بیم کند از روز بهم رسیدن خلایق آن روز که ایشان ظاهر باشند بروی زمین پوشیده نماند بر
الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار ۝ اليوم
خدا از ایشان چیزی کراست پادشاهی امروز مر خدارا یکتای قهر کننده امروز
تجزى كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم إن الله سريع
پاداشت داده شود هر تنی بانچه اندوخته بود هیچ ستم نیست امروز بدرستی که خدا زود
الحساب ۝ وأنذرهم يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر
شمار است و بیم کن ایشانرا روز نزدیک قیامت چون دلها نزدیک حنجرهای گلوها باشند
كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع ۝ يعلم
خشمناک ترسناک نبود مر ستمکاران را هیچ دوستی و نه شفیعی که فرمان برد میداند
خائنة الأعين وما تخفي الصدور ۝ والله يقضي بالحق
نگریستن چشمهارا وانچه پنهان میکنند سینها و خدا حکم کند بحق

والذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء إن الله هو السميع
وآنها که میخوانند از جز او حکم نتوانند کرد بچیزی بدرستی که خدا اوست شنوای
البصير ۝ أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف
بینا ای نرفتند در زمین پس نگرند که چگونه
كان عاقبة الذين كانوا من قبلهم كانوا هم أشد
بود عاقبت آنها که بودند از پیش ایشان بودند ایشان سخت تر
منهم قوة وآثارا في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم وما كان
از ایشان بقوت و باثرهای عمارات عالیه در زمین پس بگرفت ایشانرا خدا بگناهای ایشان و نبود
لهم من الله من واق ۝ ذلك بأنهم كانت تأتيهم رسلهم
مر ایشانرا از عذاب خدا هیچ نگه دارنده آن بسبب آنست که ایشان بودند که آمدند بدیشان رسولان ایشان
بالبينات فكفروا فأخذهم الله إنه قوي شديد العقاب
بمعجزات پس کافر شدند پس بگرفت ایشانرا خدا بدرستی که او نیرومند وسخت عقوبت
ولقد أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين ۝ إلى فرعون و
و بدرستی که فرستادیم موسی را بنشانهای ما و بحجتی روشن سوی فرعون
هامان وقارون فقالوا ساحر كذاب ۝ فلما جاءهم
و هامان و قارون پس گفتند این جادوی دروغ گوی است پس چون آمد بدیشان
بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه واستحيوا
بحق از نزد ما گفتند بکشید پسران آنها که بگرویدند باو و زنده بگذارید

نسائهم وما كيد الكافرين الا في ضلال ● وقال فرعون
زنان ایشانرا ونبود کید کافرانرا مگر در ضایعی وگفت فرعون

ذروني اقتل موسى وليدع ربه اني اخاف ان يبدل دينكم
بگذارید مرا تا بکشم موسی را و تا بر خواند پروردگار خود را بدرستی که من میترسم که بگرداند دین شمارا

او ان يظهر في الارض الفساد ● وقال موسى اني عذت بربي و
یا آنکه ظاهر کند در زمین تباهی وگفت موسی بدرستی که من پناه گرفتم بپروردگار خود

ربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب ● وقال رجل
وپروردگار شما از هر متکبری که نمی گرود بروز حساب وگفت مردی

مؤمن من ال فرعون يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول
مومن از آل فرعون که پوشیده میداشت ایمان خود را ای میکشید مردی را که میگوید

ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم وان يك
که پروردگار من خداست وبدرستی که آمد بشما بمعجزات از پروردگار شما واگر باشد

كاذبا فعليه كذبه وان يك صادقا يصبكم بعض
دروغ گوی پس بر وی بود زیان دروغ او واگر باشد راست گوی برساند بشما بعضی

الذي يعدكم ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب
آنچه وعده میدهد شمارا بدرستی که خدا راه ننماید آنرا که او گزاف کار دروغ گوی است

يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الارض فمن ينصرنا
ای قوم مر شمارا است پادشاهی امروز ظاهر در زمین پس کیست که یاری کند مارا

من باس الله ان جاءنا قال فرعون ما اريكم الا ما ارى
از عذاب خدا اگر آید بما گفت فرعون نمی نمایم بشما مگر آنچه می بینم خود را

وما اهديكم الا سبيل الرشاد ● وقال الذي امن
وراه نمی نمایم شمارا مگر براه صواب وگفت آنکسی که بگرویده بود

يا قوم اني اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب ● مثل داب
ای قوم من بدرستی که من میترسم بر شما مانند روز طوایف مجتمع بر عداوت انبیا مانند خوی عادت

قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد
قوم نوح وقوم هود وقوم صالح وآنها که از پس ایشان بودند ونمی خواهد خدا

ظلما للعباد ● ويا قوم اني اخاف عليكم يوم التناد
ستم بر بندگان خود را وای قوم من بدرستی که من میترسم بر شما از روز ندا کردن یکدیگر
که قیامت

يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل
روزی که بگردید پشت برگردانندگان نیست شمارا از عذاب خدا هیچ نگاهدارنده وهرکه گمراه کند اورا

نصف

الله فما له من هاد ● ولقد جاءكم يوسف من قبل
خدای پس نبود مر اورا هیچ راه نماینده وبدرستی که آمد بشما یوسف از پیش

بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى اذا
بمعجزات پس همیشه بودید در شکی از آنچه آمد بشما بدان تا چون

هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك
هلاک شد گفتید شما هرگز نفرستاد خدا از پس او رسولی را همچنین

يضل الله من هو مسرف مرتاب • الذين يجادلون في ايات

گمراه کند خدا آنرا که او گزاف کار بشک شونده بود آنها که خصومت میکنند در نشانهای

الله بغير سلطان اتيهم كبر مقتا عند الله وعند الذين

خدا بی حجتی که آمده بدیشان چه بزرگست بدشمنی و بزه نزد خدا و نزد آنها

امنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار •

که بگرویده اند همچنین مهر نهد خدا بر دل هر تکبر نماینده گردنکش

وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي ابلغ الاسباب اسباب

وگفت فرعون ای هامان بنا کن برای من کوشکی تا بود که من برسم براهها راههای

السموات فاطلع الى اله موسى واني لاظنه كاذبا وكذلك

آسمانها پس دیده ور شوم بخدای موسی و بدرستی که من گمان می برم اورا دروغگوی و همچنین

زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما كيد

آراسته شد فرعون را بدی عمل او و برگشت از راه و نبود کید

فرعون الا في تباب • وقال الذي امن يا قوم اتبعون اهدكم

فرعون مگر در ضایعی وگفت آنکسی که بگرویده بود که ای قوم من پیروی کنید مرا تا راه نمایم شمارا

سبيل الرشاد • يا قوم انما هذه الحيوة الدنيا متاع و

با راه صواب ای قوم من بدرستی که این زندگانی دنیا برخورداری است

ان الاخرة هي دار القرار • من عمل سيئة فلا يجزى الا مثلها

و بدرستی که آخرت آنست سرای آرامگاه هر که کند بدی پس پاداشت داده نشود مگر بمانند آن

ومن عمل صالحا من ذكر او انثى وهو مؤمن فاولئك

و هر که کند کاری نیکو از نرینه یا مادینه و او مومن بود پس آن گروه

يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب • ويا قوم ما لي

در روند در بهشت روزی داده شوند درآنجا بی شمار وای قوم من چیست مرا

ادعوكم الى النجوة وتدعونني الى النار • تدعونني لاكفر

که میخوانم شمارا برستگاری و میخوانید مرا با آتش میخوانید مرا تا کافر شوم

بالله واشرك به ما ليس لي به علم وانا ادعوكم الى العزيز

بخدا و انباز قرار دهم بدو آنچه نیست مرا بدان دانشی و من میخوانم شمارا با خدای غالب

الغفار • لا جرم انما تدعونني اليه ليس له دعوة في الدنيا

آمرزگار حقا که آنچه میخوانید مرا بدان نیست مر آنرا خواندنی در دنیا

ولا في الاخرة وان مردنا الى الله وان المسرفين هم اصحاب

و نه در آخرت و آنکه بازگشت ما باخداست و آنکه گزاف کاران ایشان اصحاب

النار • فستذكرون ما اقول لكم وافوض امري الى

آتش اند پس زود پند گیرید و با یاد آورید آنچه من میگویم مر شمارا و باز گذاشتم کار خود را با

الله ان الله بصير بالعباد • فوقيه الله سيئات ما مكروا

خدا بدرستی که خدا بیناست بحال بندگان پس نگه داشت اورا خدا از بدیهای آنچه مکر ساختند

وحاق بال فرعون سوء العذاب • النار يعرضون عليها غدوا

و در رسید بفرعونیان بدی عذاب آتش عرض کنند بر آنها بامداد

وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ وَ

وشبانگاه ودروزی که برخیزد قیامت گویند در روید ای فرعونیان در سخت ترین عذابی

إِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا

وچون خصومت کنند در آتش پس گویند ضعیف داشتگان مرآنهارا که گردنکشی کرده باشند

كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

که ما بودیم مر شمارا پیروان پس ای هیچ هستید شما بازدارندگان از ما بهره آتش را

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ

گویند آنها که گردنکشی کرده باشند بدرستی که ما همه در آنیم بدرستی که خدا حکم کند

بَيْنَ الْعِبَادِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ

میان بندگان وگویند آنها که در آتش باشند مرخازنان دوزخ را برخوانید پروردگار خودرا

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ

تا سبک گرداند از ما روزی از عذاب گویند خزنه ای نیامدند بشما رسولان شما

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي

بمعجزات گویند آری گویند پس برخوانید ونبود خواندن کافران مگر در

ضَلَالٍ ۝ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

گمراهی بدرستی که ما یاری کنیم رسولان خودرا و آنهارا که بگرویدند در زندگانی دنیا

وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ

ودر روزی که برخیزند گواهان از ملائکه روزی که سود نکند ظالمانرا عذر ایشان

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ

ومرایشانرا بود لعنت ومرایشانرا بود بدی آن سرای وبدرستی که بدادیم ما موسی را راهی

وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ۝ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي

وبمیراث دادیم ما بنی اسرائیل را کتاب راهنمونی وپندی مرخداوندان

الْأَلْبَابِ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ

خردهارا پس صبر نمای بدرستی که وعده خدا حق است وآمرزش خواه مرترک اولای خودرا وتسبیح کن

بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ

بستایش پروردگار خود بشبانگاه وبامداد بدرستی که آنها که خصومت میکنند در نشانهای خدا

بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ ۙ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ

بی حجتی که آید بدیشان نیست در سینهای ایشان مگر تکبری نیستند ایشان

بِبَالِغِيهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ

رسنده بدان پس پناه گیر بخدا بدرستی که او شنوای بیناست هرآینه آفرینش آسمانها

وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

وزمین بزرگترست از آفریدن مردمان ولیکن بیشترین مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

نمیدانند ویکسان نباشند نابینا وبینا وآنها که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ ۚ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ إِنَّ السَّاعَةَ

وکارهای نیکو کردند ونه بدکاران اندکی اید آنچه پند میگیرید بدرستی که قیامت

لآتية لا ريب فيها ولكن أكثر الناس لا يؤمنون

هر آینه آینده است نیست هیچ شک در آن ولیکن بیشترین مردمان نمی گروند

وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن

و گفت پروردگار شما بخوانید مرا تا پاسخ کنم مر شما را بدرستی که آنانکه گردنکشی کردند از

عبادتي سيدخلون جهنم داخرين ۝ الله الذي جعل لكم

پرستیدن من زود در روند در دوزخ خواران خدا آن خدایست که بیافرید برای شما

الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا إن الله لذو فضل

شب را تا آرام گیرید در آن و روز را سبب بینایی بدرستی که خدا خداوند فضلست

على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون ۝ ذلكم

بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند آنشان

الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى تؤفكون

خدایست پروردگار شما آفریدگار همه چیزی نیست خدایی مگر او پس از کجا بدروغ داشته میشوید

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيات الله يجحدون ۝ الله

همچنین بدروغ برداشته آنها که بودند بنشانهای خدا انکار میکردند خدا

الذي جعل لكم الأرض قرارا والسماء بناء وصوركم

آن خدایست که کرد برای شما زمین را آرامگاهی و آسمان را بنایی و صورت نگاشت شما را

فأحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم الله ربكم

پس نیکو صورت نگاشت شما را و روزی داد شما را از پاکیها آنشان خدا پروردگار شما

فتبارك الله رب العالمين ۝ هو الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين

پس بزرگوارست خدا که پروردگار جهانیانست اوست زنده پاینده نیست خدایی مگر او پس بخوانید او را خالص کننده

له الدين ۝ الحمد لله رب العالمين ۝ قل إني نهيت أن أعبد

مر او را دین سپاس و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست بگو که نهی کرده اند مرا که بپرستم

الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات من ربي وأمرت

آنها را که میخوانند از جز خدای چون آمد بمن حجتها از پروردگار من و فرموده اند مرا

أن أسلم لرب العالمين ۝ هو الذي خلقكم من تراب ثم من

که منقاد باشم مر فرمان پروردگار جهانیان را اوست آن خدای که آفرید شما را از خاک پس

نطفة ثم من علقة ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا أشدكم

نطفه پس از خون بسته پس بیرون آورد شما را کودکان پس تا برسید بغایت قوت خود

ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل ولتبلغوا أجلا

تا باشید پیران و از شما کس هست که مرده شد از پیش و تا برسید با جلی

مسمى ولعلكم تعقلون ۝ هو الذي يحيي ويميت فإذا

نام نهاده و تا بود که شما استعمال عقل کنید اوست آن خدایی که زنده کند و بمیراند پس چون خواهد

قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ۝ ألم تر إلى الذين يجادلون في

کاری را کردن پس گوید مر آنرا که بباش پس باشد ای ننگرستی بآنها که خصومت کردند در

آيات الله أنى يصرفون ۝ الذين كذبوا بالكتاب وبما أرسلنا به

نشانهای خدا چگونه برگردانیده میشوند از حق آنها که بدروغ داشتند کتاب را و بانچه فرستادیم بانبیاء

رسلنا فسوف يعلمون ۝ إذ الأغلال في أعناقهم والسلاسل

رسولان خودرا پس زود بدانند چون بندها و غلها در گردنهای ایشان باشند و زنجیرها

يسحبون في الحميم ثم في النار يسجرون ۝ ثم قيل لهم

بکشند ایشانرا در آب گرم پس در آتش تابانیده شوند پس گویند مر ایشانرا

أين ما كنتم تشركون من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن

کو کجا شده اند شما که انباز دانستید از جز خدای گویند گم شدند از ما بلکه نبودیم

ندعوا من قبل شيئا كذلك يضل الله الكافرين ۝ ذلكم

که میخواندیم از پیش چیزی را همچنین گمراه کند خدا کافرانرا آنتان

بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحق وبما كنتم تمرحون

بسبب آنست که شما شادی میکردید در زمین بناحق و بسبب آنچه شما شادی میکردید

ادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين

در روید از درهای دوزخ جاوید باشید در آنجا پس بد جایگاهیست جای متکبران

فاصبر إن وعد الله حق فإما نرينك بعض الذي نعدهم

پس صبر کن که وعده خدا حقست پس اگر بازنمایم ترا بعضی آنچه وعده میدهیم ایشانرا

أو نتوفينك فإلينا يرجعون ۝ ولقد أرسلنا رسلا من

یا جان بستانیم ترا پس با نزد ما بازگردانیده شوند و بدرستی که بفرستادیم ما رسولانی را که

قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم من لم نقصص عليك

پیش از تو بوده از ایشان هست آنکه قصه کردیم ما بر تو و از ایشان هست آنکه قصه نکردیم ما بر تو

وما كان لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله فإذا جاء أمر الله

و نبود مر هیچ رسولی را که آورد نشانی و معجزه را مگر بفرمان خدا پس چون آید فرمان خدا

قضي بالحق وخسر هنالك المبطلون ۝ الله الذي جعل لكم

حکم کرده شود بحق و زیانکار آیند آن جایگاه باطل کاران خدا آن خدایست که بدید کرد برای شما

الأنعام لتركبوا منها ومنها تأكلون ۝ ولكم فيها

چهارپایانرا تا برمی نشینید بعضی از آنها را و بعضی از آنها را میخورید و مر شماراست در آنها

منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم وعليها وعلى

سودهائی و تا برسید بر آنها بحاجتی که در سینه‌های شماست و بر آنها و بر

الفلك تحملون ۝ ويريكم آياته فأي آيات الله تنكرون

کشتی برمی نشینید و باز می نماید شمارا نشانهای خود پس یکدام نشانهای خدا انکار میکنید

أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين

آیا پس نرفتند در زمین پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنها

من قبلهم كانوا أكثر منهم وأشد قوة وآثارا

که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و سخت تر بقوت و در انگیختن

في الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ فلما جاءتهم رسلهم

در زمین پس بکار نیامد از ایشان آنچه بودند می اندوختند پس چون آمدند بایشان رسولان ایشان

بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحاق بهم ما كانوا

بحجتها پس شاد شدند بدانچه نزد ایشان بود از دانش و در رسید بدیشان وبال آنچه بودند

حزب

بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ • فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا
بدان استهزا میکردند پس چون دیدند عذاب ما را گویند بگرویدیم بخدا که یگانه است او وکافر شدیم بانچه
كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ • فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
بودیم ما بدان انباز قرار دهندگان پس سود نکند ایشانرا ایمان ایشان چون ببینند عذاب ما را
سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ
اینست طریقت خدا آن طریقتی که گذاشت در میان بندگان خود و زیانکار آمدند آنجایگاه کافران

سوره حم سجده اربع وخمسون آیة وهی مکیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

حم ما هو کائن
حٰمٓ • تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ • كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا
این سوره فرو فرستاده است از خدای بخشاینده مهربان این کتابیست که جدا کرده اند احکام آنرا قرآنی
عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ • بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ
بلغت عرب برای گروهی که بدانند بشارت دهنده و بیم کننده پس برگشتند بیشترین ایشان
فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ • وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
پس ایشان نمی شنوند و گفتند دلهای ما در پوششی اند از آنچه میخوانید ما را بدان
وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ
و در گوشهای ما گرانی است و از میان ما و میان تو پرده ایست پس بکن آنچه خواهی که ما کار کننده گانیم

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ
بگو بدرستی که من آدمی ام مانند شما وحی کرده میشود بمن که خدای شما یک خداست
فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ • الَّذِينَ
پس متوجه شوید بسوی درگاه او و آمرزش خواهید از و و وای مر بت پرستانرا آنها
لَا يُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ • إِنَّ الَّذِينَ
که نمی دهند زکات را و ایشان ببرای آخرت ایشان کافرانند بدرستی که آنها
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ • قُلْ أَئِنَّكُمْ
که بگرویدند و کارهای نیکو کردند مر ایشانراست مزدی غیر منت نهاده بگو ای شما
لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا
هرآینه کافر میشوید بدان خدائی که آفرید زمین را در دو روز و میکنید مر او را همتایان
ذٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ • وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ
آنکه گفتیم پروردگار جهانیانست و بدید کرد در آنجا کوههای ثابت را از بالای آن و برکت کرد
فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ • ثُمَّ
در آنجا و مقسوم گردانید در آنجا ارزاق آنرا در چهار روز یکسانست در پرسندگان را پس
اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ
قصد کرد بآفریدن آسمان و آن بمثابت دود بود پس گفت مرانرا و مر زمین را بیائید یا برغبت
كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ • فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ
یا بی رغبت گفتند آمدیم ما فرمان برداران پس با قم بعدم آنها را هفت آسمانها در دو روز

واوحى في كل سماء امرها وزينا السماء الدنيا بمصابيح و

وتدبیر فرمود در هر آسمانی کار آنرا وبیاراستیم ما آسمان دنیارا بستارگان بمشابت چراغها

حفظا ذلك تقدير العزيز العليم ۝ فان اعرضوا فقل

ونگه داشتنی از سر دیوی آن اندازه کردن خدای غالب داناست پس اگر برگردند پس بگو

انذرتكم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود اذ جاءتهم

بیم کردم شمارا عذاب وحادثه نازل مانند عذاب قوم هود وقوم صالح چون آمدند بدیشان

الرسل من بين ايديهم ومن خلفهم الا تعبدوا الا الله

رسولان از پیش ایشان واز پس ایشان آنکه مپرستید مگر خدا را

قالوا لو شاء ربنا لانزل ملائكة فانا بما ارسلتم به كافرون

گفتند اگر خواستی پروردگار ما هر آینه فرو فرستادی فرشتگانرا پس ما بآنچه برفرستاده اند شمارا بدان کافرانیم

فاما عاد فاستكبروا في الارض بغير الحق وقالوا من اشد منا

پس اما قوم هود پس گردنکشی کردند در زمین بناحق وگفتند کیست سخت تر ازما

قوة اولم يروا ان الله الذي خلقهم هو اشد منهم قوة

بقوت آیا ندیدند که خدا آن خدائیست که آفرید ایشانرا او سخت تر از ایشان بقوت

وكانوا باياتنا يجحدون ۝ فارسلنا عليهم ريحا صرصرا

وبودند بنشانهای ما انکار میکردند پس برفرستادیم ما برایشان بادی سخت جهنده

في ايام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي في الحيوة الدنيا

در روزهای شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا

ولعذاب الاخرة اخزى وهم لا ينصرون ۝ واما ثمود فهديناهم

وهرآینه عذاب آخرت رسواتر وایشانرا یاری نکنند واما قوم صالح پس راه نمودیم ایشانرا

فاستحبوا العمى على الهدى فاخذتهم صاعقة العذاب

پس برگزیدند کوری را بر راه راست پس بگرفت ایشانرا بانگی از عذاب

الهون بما كانوا يكسبون ۝ ونجينا الذين امنوا وكانوا يتقون

خواری بسبب آنچه بودند می اندوختند وبرهانیدیم ما آنانرا که بگرویدند وبودند پرهیزید

ويوم يحشر اعداء الله الى النار فهم يوزعون حتى اذا ما جاءوها

وروزی که حشر کنند دشمنان خدارا با آتش پس ایشان سرمستان باشند تا چون آیند بآنجا

شهد عليهم سمعهم وابصارهم وجلودهم بما كانوا

گواهی دهد بر ایشان شنوائیهای ایشان وبینائیهای ایشان وپوستهای ایشان بدانچه ایشان

يعملون ۝ وقالوا لجلودهم لم شهدتم علينا قالوا انطقنا

کردند وگویند مر پوستهای خودرا چرا گواهی دادید بر ما گویند بسخن آورد مارا

الله الذي انطق كل شيء وهو خلقكم اول مرة واليه

خدا آن خدای که ناطق گردانید هر چیزی را واو آفرید شمارا اول بار وبا خدا

ترجعون ۝ وما كنتم تستترون ان يشهد عليكم

بازگردانیده شوید وآنچه بودید شما پنهان میداشتید آنکه گواهی دهند بر شما

سمعكم ولا ابصاركم ولا جلودكم ولكن ظننتم

شنوائیهای شما ونه بینائیهای شما ونه پوستهای شما ولیکن گمان بردید شما

أَنَّ اللّٰهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ • وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي

که خدا نداند بسیاری را از آنچه شما میکنید و آن شما گمان بردن شما بود آنک

ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدٰكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ • فَإِنْ

گمان بردید شما بپروردگار خود هلاک کرد شما را پس گشتید شما از جملهٔ زیانکاران پس اگر

يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ

صبر کردند پس آتش جایگاه مر ایشان را بود و اگر طلب رضا نمایند پس نباشند ایشان از اهل

الْمُعْتَبِينَ • وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

رضا و قرین کردانیدیم ما مر ایشان را امثالی از دیوان پس بیاراستند مر ایشان را آنچه در پیش ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ

و آنچه از پس ایشانست از اشتغال دنیا و واجب شد بر ایشان گفتار بعذاب در جملهٔ گروهانی که گذشتند

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

پیش از ایشان از پری و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیانکاران

الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

آنها که کافر شدند از دیوان و آدمیان

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهٰذَا الْقُرْآنِ

و گفتند آنها که کافر شدند مشنوید این قرآن را

وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ • فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

و سخن بیفایده گویید در آن تا بود که شما غالب آیید پس هر آینه در چشانیم آنها را که کافر شدند

عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ • ذٰلِكَ

عذابی سخت و هر آینه در جزا دهیم ایشان را بدتر آنچه ایشان کرده باشند آنست

جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا

پاداشت دشمنان خدا آتش مر ایشان را بود در آنجا سرای جاوید پاداشتی بدانچه بودند بنشانهای ما

يَجْحَدُونَ • وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا اللَّذَيْنِ أَضَلَّانَا

انکار میکردند و گویند آنها که کافر شده باشند ای پروردگار ما بنمای ما را آن دو کس را که گمراه کردند ما را

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

از پری و آدمی تا بکنیم ایشان را در زیر قدمهای ما تا باشند زیر تریان

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ

بدرستی که آنها که گفتند پروردگار ما خداست پس ثابت بودند بران بعمل صالح فرود آیند بر ایشان

الْمَلٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ

فرشتگان بوقت مرگ بانک مترسید و اندوه مخورید و بشارت باد بهشت آنکه بودید شما را

تُوعَدُونَ • نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

وعده میدادند مائیم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت

وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ • نُزُلًا

و مر شما را بود در آنجا آنچه آرزو کنند تنهای شما و مر شما را بود در آنجا آنچه خواهید عطائی

مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ • وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللّٰهِ وَعَمِلَ

از خدای آمرزگار مهربان و کیست نیکوتر بگفتار از آنکه خواند بازراه خدا و کار

صالحا وقال إنني من المسلمين ● ولا تستوي الحسنة ولا السيئة
نیکو کند و گوید مرا من از جملهٔ منقادانم ● و یکسان نیست نیکوئی و نه بدی
ادفع بالتي هي أحسن فإذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه
دفع کن بدی را بطریقی که آن نیکوترست ناگهان آنکه میان تو و میان او دشمنی بود گویا که او
ولي حميم ● وما يلقاها إلا الذين صبروا وما يلقاها إلا ذو
دوستی خویشاوند بود ● و نرسد آن مگر بآنها که صبر کردند و نرسد آن مگر بخداوند
حظ عظيم ● وإما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله
بهرهٔ بزرگ ● و اگر برسد بتو از دیو وسوسه پس پناه گیر بخدا
إنه هو السميع العليم ● ومن آياته الليل والنهار والشمس
بدرستی که او شنوای داناست ● و از نشانهای اوست شب و روز و آفتاب
والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي
و ماه ● سجده مکنید مر آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید مر خدا را آن خدائی
خلقهن إن كنتم إياه تعبدون ● فإن استكبروا فالذين
که آفرید آنها را اگر هستید شما اورا می‌پرستید ● پس اگر گردنکشی کنند پس آنها
عند ربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسأمون
که نزد پروردگار تواند تسبیح میکنند مر اورا بشب و روز و ایشان مانده نمیشوند
ومن آياته أنك ترى الأرض خاشعة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت
و از نشانهای اوست آنکه می‌بینی تو زمین را خاضع پس چون فرود فرستیم ما بر آن آب در جنبش آید

واجب سجده

وربت إن الذي أحياها لمحيي الموتى إنه على كل شيء قدير
و در ترقی شود ● بدرستی که آن خدائی که زنده گردانید آنرا زنده کننده مردگانست بدرستی که او بر همه چیزی تواناست
إن الذين يلحدون في آياتنا لا يخفون علينا أفمن يلقى في النار
بدرستی که آنها که کژی می‌نمایند در نشانهای ما نهان نمانند بر ما آیا پس آنکه انداخته شود در آتش
خير أم من يأتي آمنا يوم القيامة اعملوا ما شئتم إنه بما تعملون
بهتر بود یا آنکه آید ایمن در روز قیامت ● کار کنید آنچه میخواهید بدرستی که او بآنچه میکنید
بصير ● إن الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وإنه لكتاب
بیناست ● بدرستی که آنها که کافر شدند بقرآن چون آمد بایشان و بدرستی که آن نامه
عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم
غالب است که نیاید بوی سخن باطل نه از پیش آن و نه از پس آن فرو فرستاده است از خدای حکم کار
حميد ● ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك إن
ستوده ● نگویند مر تو را در باب دعوت تو مگر آنچه گفتند مر رسولان را که پیش از تو بودند بدرستی
ربك لذو مغفرة وذو عقاب أليم ● ولو جعلناه قرآنا
پروردگار تو صاحب آمرزش است و خداوند عقوبتی دردناک است ● و اگر گردانیدیما آنرا قرآنی
أعجميا لقالوا لولا فصلت آياته أأعجمي وعربي قل هو للذين
بلغت عجم مرآنه گفتندی چرا روشن کرده نشده آیتهای این قرآن عجمی و پیغمبری عربی بگو آن مرآنها را
آمنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في آذانهم وقر وهو
که گرویدند راهنموی است و شفائی ● و آنها که نمی‌گروند در گوشهای ایشان گرانیست و آن

عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ۝ وَلَقَدْ
برایشان پوشیده است آن گروه خوانده شوند از جایگاهی دور و بدرستی
آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ
که بدادیم ما موسی را توریة پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بودی پیشی گرفته از
رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝ مَنْ
پروردگار تو هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستی که ایشان هر آینه در شک اند از آن بشک شونده هر که
عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ
کند کاری نیکو پس سود مر تن او را بود و هر که بدی کند پس زیان آن بر وی بود و نیست پروردگار تو ستمکار
لِلْعَبِيدِ ۝ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَةٍ مِنْ أَكْمَامِهَا
مر بندگان خود را باز او گردد علم قیامت و بیرون نیاید هیچ میوه از خوشهای آن
وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِي
و بار بر ندارد هیچ ماده و بار ننهد مگر بمعلومی او و روزی که بخواند ایشان را کجا اند شریکان من
قَالُوا آذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ۝ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
گویند معلوم ترا ادا کردیم نیست از ما هیچ گواهی و گم شود از ایشان آنچه ایشان
يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ۝ لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ
میخواندند از پیش و بیقین دانند که نیست ایشان را هیچ گریزگاهی ملول نمیشود آدمی
مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ۝ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ
از خواستن مال و اگر برسد بدو بدی پس نومید بود و هر آینه اگر درچشانیم او را

الجزو ٢٥

رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ
رحمتی از قبل خود از پس زیانی که رسیده بود بدو هر آینه گوید این مرا است و گمان نمی برم قیامت
قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ
ایستاده بودنی و هر آینه اگر باز گردانیده شوم سوی خداوندگار خود بدرستی که مرا نزدیک او بود حالت نیکوتر پس هر آینه بیاگاهانیم
الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَإِذَا
آنهارا که کافر شدند بدانچه کردند و هر آینه درچشانیم ایشانرا از عذاب درشت دشوار و چون
أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو
نیکویی دهیم ما بر آدمی برگردد و باز دور افکند خود را و چون برسد بدو بدی خداوند
دُعَاءٍ عَرِيضٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ
خواندنی پهن بود بگو ای چون بینید اگر باشد قرآن از نزد خدا پس کافر شدید
بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي
بدان کیست گمراه تر از آنکه او در بدبختی دور از حق بود زود باز نمایم ایشانرا نشانهای ما در
الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ
اطراف زمین و در نفس ایشان تا روشن شود مر ایشانرا که او براستی حق است آیا کفایت نیست
بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ
پروردگار تو که او بر همه چیزی گواه و حاضر بدان بدرستی که ایشان در شک اند از دیدار
رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ
پروردگار خود باز دان که او بهمه چیزی داناست

سورة الشورى

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى روزى دهنده مهربان

حمعسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز

تقدير كرده بود اينها همچنين وحى كرده ميشود بتو و بدانها كه پيش از تو بودند خدا غالب

الحكيم له ما في السموات وما في الارض وهو العلي العظيم

حكم كارست مراوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمينست و اوست برتر بزرگوار

تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والملئكة يسبحون

نزديك بود كه آسمانها شكافته شوند از جهت فوقانى ايشان و فرشتگان تسبيح ميكنند

بحمد ربهم ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله هو

ستايش پروردگار خود و آمرزش ميخواهند آنرا كه در زمينند بدان كه خدا اوست

الغفور الرحيم والذين اتخذوا من دونه اولياء الله حفيظ

آمرزگار مهربان و آنها كه فرا گرفتند از جز او دوستانرا خدا نگهبانست

عليهم وما انت عليهم بوكيل وكذلك اوحينا

بر ايشان و نيستى تو بر ايشان كارساز و همچنين وحى كرديم

اليك قرانا عربيا لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم

بتو قرآنى بلغت عرب تا بيم كنى اهل مكه را و آنكه پيرامون آنست و بيم كنى بروز

الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ولو شاء الله

جمع آمدن قيامت كه هيچ شكى نيست در آن گروهى در بهشت برند و گروهى در دوزخ و اگر خواستى خدا

لجعلهم امة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمته

هرآينه گردانيدى ايشانرا يك گروه بر يك دين وليكن در آورد آنرا كه خواهد در رحمت خود

والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير ام اتخذوا من دونه اولياء

و ستمكاران نبود مر ايشانرا هيچ دوستى و نه يارى كنى يا فرا گرفتند از جز او دوستانرا

فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير وما

پس خدا اوست دوست بحق و او زنده كند مردگانرا و او بر همه چيزى تواناست و آنچه

اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله ذلكم الله ربي عليه توكلت

اختلاف كرديد شما در آن از چيزى پس حكم آن با خداست آنست خداى پروردگار من بر او توكل كردم

واليه انيب فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم

و بازگشتگاه او باد آدم اوست نوآفريننده آسمانها و زمين بيافريد براى شما از تنهاى شما

ازواجا ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء

جفتها و از چهارپايان جفتها پراكنده و بسيار ميكند شما را در آن نيست مانند او هيچ چيزى

وهو السميع البصير له مقاليد السموات والارض يبسط الرزق

و اوست شنواى بينا مراوراست كليدهاى خزائن آسمانها و زمين فراخ ميگرداند روزى

لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم شرع لكم من الدين

مر آنرا كه خواهد و تنگ باز گيرد بدرستيكه او بهمه چيزى داناست نمود شمارا از دين

ما وصى به نوحا والذي اوحينا اليك وما وصينا به ابراهيم وموسى

آنچه فرمود بدان نوح را و آنچه وحى كرديم بتو و آنچه فرموديم بدان ابراهيم و موسى

وَعِيسَىٰٓ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ
و عیسی را که راست بایستید دین اسلام را و متفرق مشوید در آن چه بزرگ است بر بت پرستان

مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ
آنچه میخوانید ایشان را بدان خدا برگزیند بار گاه خود آن را که خواهد و راه نماید با خود

مَنْ يُنِيبُ ۝ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا
آن را که بار درگاه او باز آید و متفرق نشدند مگر از پس آنچه آمد بدیشان دانش ستمی

بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُسَمًّى
میان ایشان و اگر نه سخنی بودی پیشی گرفته از پروردگار تو تا اجلی نام نهاده

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ
مرانه گزارده شدی کار میان ایشان و بدرستی که آنها که به میراث گرفتند از پس ایشان مرانه در شک

مِنْهُ مُرِيبٍ ۝ فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ
از آن بتهمت آورنده پس بدین دین بخوان خلائق را و ثابت باش چنانکه فرموده شدی و پیروی مکن

أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ
مرادهای ایشان را و بگو بگرویدم بدانچه فرو فرستاد خدا از کتاب و فرموده شدم تا عدالت کنم

بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ
میان شما خداست پروردگار ما و پروردگار شما ماراست عملهای ما و شماراست عملهای شما

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ
نیست حجتی میان ما و میان شما خدا جمع کند میان ما و باز اوست بازگشت

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ
و آنها که حجت میگویند در دین خدا از پس آنچه اجابت کرده باشند رسول را حجت ایشان

دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
باطل است نزد پروردگار ایشان و بر ایشان بود خشمی و مر ایشان را بود عذابی سخت

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ
خدا آنست که فرو فرستاد کتاب براستی و ترازو اعمال را و چه دانی تو که چه نزدیکست قیامت

قَرِيبٌ ۝ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ
نزدیکی بشتاب میخواهند آن را آنها که نمی گروند بدان و آنها که گرویدند ترسیگانند

مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ
از آن و میدانند که آن حق است بدان که آنها که بشک میشنوند از وقوع قیامت

لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ
مرانه در گمراهی دور از حق اند خدا مهربانست بکمال بندگان خود روزی دهد آن را که خواهد و او

الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ
نیرومند غالبست هر که خواهد عمل کشت زار آخرت را بزیادت کنیم او را در کشت او

وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ
و هر که خواهد کشت زار دنیا را بدهیم او را از آن و نبود مر او را در آخرت هیچ

نَصِيبٍ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ
بهره یا مر ایشان راست انبازانی که بیان کردند برای ایشان از اصول دین که نفرموده بدان خدا

وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

واگر نه سخنی بودی جداکرده هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستی که ستمکاران مرایشانرا بود عذابی

أَلِيمٌ ۝ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ

دردناک بینی تو ستمکارانرا ترسندگان از آنچه اندوخته باشند و آن واقع است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ

و آنهایی که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک در روضها و باغهای بهشت مرایشانرا بود

مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ ذَٰلِكَ

آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان آنست آن فضل بزرگ آنست

الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ

آنچه بشارت میدهد خدا بندگان خودرا آنهایی که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک بگو

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ

نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر دوست داشتن خویشان نزدیک مرا و هر که اندوزد

حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ

نیکویی زیادت کنیم او را در آنجا نیکو بدرستی که خدا آمرزگار شکرپذیرنده است میگویند

افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ

که بر بافت محمد بر خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دل تو و محو کند

اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

خدا باطل را و درست کرداند حق را بسخنان خود بدرستی که او باسرار سینها داناست

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ

واوست آن خدایی که قبول کند توبه را از بندگان خود و درگذرد از بدیها و

يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

میداند آنچه میکنید شما و اجابت کند آنهارا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝

و زیادت کند ایشانرا از فضل خود و کافران مرایشانرا بود عذابی سخت

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ

اگر کشاده کندی فراخ خدا روزی مر بندگان خودرا هر آینه ستم کردندی در زمین ولیکن فرو میفرستد باندازه

مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ

آنچنان که خواهد بدرستی که او بحال بندگان خود آگاه بیناست واوست آن خدایی که فرو میفرستد بارانرا از پس

مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

آنکه نومید شده باشند و پراکنده رحمت خودرا و او دوست ستوده و از نشانهای او آفریدن

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ

آسمانها و زمین و آنچه پراکنده در آن هردو از جنبندها و او بر جمع آوردن ایشان چون خواهد

قَدِيرٌ ۝ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ

تواناست و آنچه برسد بشما از مصیبتی پس بسبب آنچیزیست که اندوختند دستهای شما

وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ۝ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ

و درگذرد از بسیاری و نیستید شما فوت شونده در زمین و نبود مرشمارا از

حزب

دون الله من ولي ولا نصير ۝ ومن آياته الجوار في البحر كالأعلام

جز خدا هیچ دوستی و نه یاری کنی ۝ واز نشانهای اوست کشتیها در دریا میروند همچون کوهها

إن يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره إن في

اگر خواهد ساکن کند بادرا پس باشند ایستاده و ثابت و متمکن بر پشت آن بدرستی که در

ذلك لآيات لكل صبار شكور ۝ أو يوبقهن بما كسبوا

آن هر آینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را ۝ یا غرق و هلاک گرداند آنهارا بسبب آنچه اندوختند

ويعف عن كثير ۝ ويعلم الذين يجادلون في آياتنا ما لهم

و در گذرد از بسیاری ۝ و میداند آنهارا که خصومت میکنند در نشانهای ما نبود ایشانرا

من محيص ۝ فما أوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وما

هیچ گریزگاهی ۝ پس آنچه بداده اند شمارا از هر چیزی پس برخورداری زندگانی دنیاست و آنچه

عند الله خير وأبقى للذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون

نزد خداست بهتر و باقی تر مر آنهارا که بگرویدند و بر پروردگار خود توکل کردند

والذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش وإذا ما غضبوا هم

و آنها که دوری جستند از گناهان بزرگ و بزه و ناشایست و چون خشم گیرند ایشان

يغفرون ۝ والذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلوة و

در گذرند ۝ و آنها که پاسخ کردند مر فرمان پروردگار خودرا و بپای دارند نماز را

أمرهم شورى بينهم ومما رزقناهم ينفقون

و کار ایشان بمشورت بود میان یکدیگر ۝ و از آنچه روزی گردانیدیم مایشان را انفقت کردند

والذين إذا أصابهم البغي هم ينتصرون ۝ وجزاء سيئة سيئة

و آنها که چون برسد بایشان ستم ایشان داد بستانند ۝ و پاداشت بدی بدی بود

مثلها فمن عفا وأصلح فأجره على الله إنه لا يحب الظالمين ۝ و

مانند آن پس هرکه درگذرد و کار باصلاح آورد پس مزد او بر خدا بود بدرستی که او دوست ندارد ستمکاران را

لمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل ۝ إنما السبيل

و هرکه داد خود بستاند پس از آنکه ستم کرده شد پس آن گروه نبود بر ایشان هیچ راه عتابی بدرستی که راه

على الذين يظلمون الناس ويبغون في الأرض بغير الحق أولئك

بر آنها بود که ستم کردند بر مردمان و جهند و فساد کنند در زمین بناحق آن گروه

لهم عذاب أليم ۝ ولمن صبر وغفر إن ذلك لمن عزم الأمور

مر ایشانرا بود عذابی دردناک ۝ و مر آنرا که صبر کرد و عفو کرد از ظالم بدرستی که آن از کارهای بزرگ

ومن يضلل الله فما له من ولي من بعده ۝ وترى الظالمين لما رأوا

و هرکه گمراه کند اورا خدا پس نبود اورا هیچ دوستی از پس او ۝ و بینی تو ستمکاران را چون ببینند

العذاب يقولون هل إلى مرد من سبيل ۝ وتراهم يعرضون

عذاب گویند ای هست ما را هیچ باز گشتنی با دنیا ۝ و بینی تو ایشانرا که عرض کرده شوند

عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي ۝ وقال الذين

بر آن آتش خاضعان از خواری نگرند بتو از گوشه چشم پنهانی ۝ و گویند آنها

آمنوا إن الخاسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيمة

که بگرویدند بدرستی که زیانکاران آنهااند که زیانکار آمدند بر تنهای خود و کسان خود در روز قیامت

أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ • وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ
بدان که ستمکاران در عذاب جاودانه باشند ونبود مرایشانرا هیچ دوستانی
يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ • اسْتَجِيبُوا
که یاری کنند ایشانرا از جز خدای و هر که گمراه کند او را خدای پس نیست مر او را هیچ راه پاسخ کنید
لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ
مر فرمان پروردگار خود را از پیش انک آید روزی که بازگشتنی نبود مر آنرا از عذاب خدا نبود مر شما را هیچ پناهگاهی
يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ • فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ
آن روز ونبود مر شما را هیچ عقوبت کننده پس اگر برگردند پس نفرستادیم ما ترا بر ایشان
حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا
نگهبانی نیست بر تو مگر رسانیدن و بدرستی که ما چون درچشانیم آدمی را از فضل خود
رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ
رحمتی پس شاد شود بدان واگر برسد بایشان بدی بسبب آنچه از پیش داشتند دستهای ایشان پس بدرستی
الْإِنْسَانَ كَفُورٌ • لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
که آدمی ناسپاس است مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین بیافریند آنچه خواهد
يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ • أَوْ يُزَوِّجُهُمْ
ببخشد مرآنرا که خواهد مادینه و ببخشد مرآنرا که خواهد پسران یا بهم جفت گرداند ایشانرا
ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ
پسر و دختر وبکند آنرا که خواهد نازاینده بدرستی که او دانای توانا

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ
ونبود مر هیچ آدمی را که سخن گوید با او خدا مگر بپیغام وحی والهام یا از پس پرده‌ها و سواد
أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ • وَكَذَلِكَ
یا بفرستد رسولی را پس وحی آورد بفرمان خود آنچه خواهد بدرستی که او برتر است ومحکم کار وهمچنین
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا
وحی کردیم بتو جبرئیل را از فرمان ما نبودی تو که دریابی و دانی که چیست قرآن ونه
الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
شرط ایمانرا ولیکن گردانیدیم ما آنرا سبب روشنائی راه نماییم بدان آنرا که خواهیم از بندگان ما
وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ • صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ
و بدرستی که تو راه می نمائی با راه راست راه خدا آن خدائی که مراوراست
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ
آنچه در آسمانها وآنچه در زمینست بدان که با خدای بازگشت
الْأُمُورُ
کارها

سورة الزخرف تسع وثمانون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم ها بمعنی کاشف تقدیر کرده امد بودنیها

حم • وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ • إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
بحق قرآن با روشنائی بدرستی که بگردیدیم ما آنرا قرآنی بلغت عرب تا بود که شما دریابید

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ۝ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا

و هرستی آن در لوح المحفوظ نزدیک ما بزرک قدرست با حکمتی تمام ای مهمل کذاریم ازیشان از شما پند را

أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ

بانک هستید شما کروهی کزاف کاران وبس که فرستادیم ما از پیغمبران در میان امم پیشینه

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ فَأَهْلَكْنَا

و نیامد بدیشان هیچ پیغمبری مکر که بودند بدو استهزا میکردند پس هلاک کردیم ما

أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ

سخت تر از ایشان را بکرفتن وکذشت مثل اولینان و مرانه اکر پرسی تو ازیشان که

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

کرا آفرید آسمانها را و زمین را مرانه کویند آفرید آنها خدای غالب دانا

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

آن خدایی که کردانید برای شما زمین بمثابت کهواره و بنهاد برای شما در آنجا راههایی

لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ

تا بود که شما راه یابید وآن خدایی که فرو فرستاد از آسمان آبی را باندازه

فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ

پس زنده کردیم بسبب آن زمین مرده را همچنین بیرون آورده شوید از کورها وآن خدایی که آفرید صنفها

كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۝ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ

همه آن و کردانید برای شما از کشتی و چهارپایان آنچه بری نشینید تا قرار کیرید بر

ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ

پشتهای آن پس یاد کنید نعمت پروردکار خود را چون قرار کیرید شما بر پشت آن و

تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ

بکویید پاک و منزه است آن خدایی که مسخر کرد ما را این و نبودیم ما مر آنرا طاعت دارندکان

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ۝ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ

و هرستی که ما با پروردکار خود بازکردندکانیم و بنهادند برای خدا از بندکان او بهره هرستی

الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ۝ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم

که آدمی مرانه ناسپاسی روشنست یا بکرفت از آنچه می آفریند دختران و برکزید شما را

بِالْبَنِينَ ۝ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ

به پسران و چون بشارت دهند یکی را از ایشان بدانچه بدید کرد برای خدا بمثل کردد

وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَ

روی او سیاه واو خشمناک بود آیا آنکه تربیت یابد در زینت و نام

هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۝ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ

او در وقت مخاصمت نه ظاهر بود بر تقریر حجت و نام نهادند فرشتکان را آنها که ایشان بندکان

الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

خدایند مادکان آیا حاضر بودند بآفریدن ایشان زود باز نویسیم کواهی ایشان را و ازیشان باز پرسند

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ

و کفتند اکر خواستی خدای روزی دهنده نپرستیدمانی اصنام را نیست مر ایشانرا بدان هیچ دانشی نیستند

هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ اَمْ اٰتَيْنٰاهُمْ كِتٰابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ

ايشان مگر دروغ ميگويند يا بداديم ما ايشانرا كتابي پيش از قرآن پس ايشان بدان

مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ قٰالُوا اِنّٰا وَجَدْنٰا اٰبٰاءَنٰا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنّٰا عَلٰى

كار ميكنند بلكه گفتند بدرستيكه يافتيم ما پدران خودرا براين دين و ما بر

اٰثٰارِهِمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ مٰا اَرْسَلْنٰا مِنْ قَبْلِكَ فِي

اثرهاي ايشان راه يافتگانيم و همچنين نفرستاديم ما پيش از تو در هيچ

قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ اِلَّا قٰالَ مُتْرَفُوهٰا اِنّٰا وَجَدْنٰا اٰبٰاءَنٰا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنّٰا

ديهي هيچ بيم كننده را مگر كه گفتند متنعمان آنجا كه ما يافتيم پدران خودرا براين دين و ما

عَلٰى اٰثٰارِهِمْ مُقْتَدُونَ ۝ قٰالَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِاَهْدٰى مِمّٰا

بر اثرهاي ايشان اقتدا نمايندگانيم بگو اي پيغامبر واگرچه آوردم شمارا راه يابنده تر ازانچه

وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ اٰبٰاءَكُمْ قٰالُوا اِنّٰا بِمٰا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كٰافِرُونَ

يافتيد شما بران پدران خودرا گفتند كه ما بدانچه فرستاده اند شمارا بدان كافرانيم

فَانْتَقَمْنٰا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كٰانَ عٰاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

پس كينه باز خواستيم ما ازيشان پس بنگر كه چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان

وَاِذْ قٰالَ اِبْرٰهِيمُ لِاَبِيهِ وَقَوْمِهِ اِنَّنِي بَرٰاءٌ مِمّٰا تَعْبُدُونَ ۝ اِلَّا

و چون گفت ابرهيم مر پدر خودرا و قوم خودرا كه من بيزارم ازانچه شما مي پرستيد مگر

الَّذِي فَطَرَنِي فَاِنَّهُ سَيَهْدِينِ ۝ وَجَعَلَهٰا كَلِمَةً بٰاقِيَةً فِي

آن خدايي كه بيافريد مرا پس او زود راه نمايد مرا و گردانيد آنرا سخني باقي مانده در

عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ بَلْ مَتَّعْتُ هٰؤُلٰاءِ وَاٰبٰاءَهُمْ حَتّٰى

عقب خود تا بود كه ايشان بازگردند بلكه برخورداري دادم اين گروه را و پدران ايشانرا تا

جٰاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ ۝ وَلَمّٰا جٰاءَهُمُ الْحَقُّ قٰالُوا هٰذٰا

آمد بديشان كتاب و رسولي ظاهر الاعجاز و چون آمد بديشان پيغمبر با قرآن گفتند اين

سِحْرٌ وَاِنّٰا بِهِ كٰافِرُونَ ۝ وَقٰالُوا لَوْلٰا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ عَلٰى رَجُلٍ

جادويست و ما بدرستي كه ما بدان كافرانيم و گفتند چرا فرو فرستاده نشد اين قرآن بر مردي

مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ۝ اَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ

از ميان دو ديه بزرگ اي ايشان قسمت ميكنند رحمت پروردگار ترا ما

قَسَمْنٰا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيٰا وَرَفَعْنٰا

قسمت بكنيم ميان ايشان معيشت ايشانرا در زندگاني دنيا و برافراشتيم ما

بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجٰاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا

بعضي ايشانرا بالاي بعضي بدرجه و مرتبه تا فراگيرند بعضي ايشان بعضي را باستهزا

وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمّٰا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَوْلٰا اَنْ يَكُونَ النّٰاسُ اُمَّةً

و رحمت پروردگار تو بهتر ازانچه جمع ميكنند و اگر نه آن بودي كه گروهي مردمان

وٰاحِدَةً لَجَعَلْنٰا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ

بر يك دين كرداني مرانرا كه كافر شد بخدا مر خانهاي ايشانرا آسمانهائي از نقره

وَمَعٰارِجَ عَلَيْهٰا يَظْهَرُونَ ۝ وَلِبُيُوتِهِمْ اَبْوٰابًا وَسُرُرًا

و نردبانهايي كه بران بام برآيند و مر خانهاي ايشانرا درهاي و تختهاي

نصف

عليها يتكئون وزخرفا وإن كل ذلك لما متاع الحيوة الدنيا
مهتران تکیه زنند از مروارید وزبرجد ونبود آن مگر برخورداری زندگانی دنیا
والآخرة عند ربك للمتقين ومن يعش عن ذكر
وآخرت نزد پروردگار تو مر پرهیزکاران را بود وهرکه نابینا پیش آید خود را از یادکرد
الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين وإنهم ليصدونهم
خدای روزی دهنده بگماریم برای او دیوی پس آن دیو مر او را همسر و یار بود وبدرستی که ایشان برآرند برگردانند ایشان را
عن السبيل ويحسبون أنهم مهتدون حتى إذا جاءنا
از راه خدا وپندارند که ایشان راه یافتگانند تا چون آیند با ما
قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين
گوید ای کاشکی میان من ومیان تو دوری مشرق و مغرب پس بد مصاحبی تو
ولن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون
وهرگز سود نکند شما را امروز چون ستم کردید شما آنکه شما در عذاب انبازان باشید
أفأنت تسمع الصم أو تهدي العمي ومن كان في ضلال
ای پس تو بتوانی شنوانید کران را یا راه توانی نمود کوران را وآنکه باشد در گمراهی
مبين فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون أو نرينك
روشن پس اگر ببریم ترا با آخرت پس بدرستی که ما از ایشان کینه بازخواهندگانیم یا بازنمائیم ترا
الذي وعدناهم فإنا عليهم مقتدرون فاستمسك
آنچه وعده دهیم ما ایشان را پس بدرستی که ما بر ایشان توانائیم پس چنگ در زن

بالذي أوحي إليك إنك على صراط مستقيم وإنه لذكر
بدانچه وحی کرده میشود بتو بدرستی که تو بر راه راستی وبدرستی که این قرآن پندیست
لك ولقومك وسوف تسئلون واسئل من أرسلنا من قبلك
ترا ومر قوم ترا وزود باز پرسیدند از شما وبپرس آنها که بفرستادیم ما پیش از تو
من رسلنا أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون ولقد
از رسولان ما آیا بدید کردیم ما از جز خدای روزی دهنده خدایانی که پرستیدند وبدرستی
أرسلنا موسى بآياتنا إلى فرعون وملائه فقال إني رسول
که بفرستادیم ما موسی را بنشانهای ما سوی فرعون واشراف او پس گفت که من رسول
رب العالمين فلما جاءهم بآياتنا إذا هم منها يضحكون
پروردگار جهانیانم پس چون آمد بدیشان نشانهای ما آنگه ایشان ازان میخندیدند
وما نريهم من آية إلا هي أكبر من أختها وأخذناهم بالعذاب
وبازنمی نمودیم ایشان را هیچ نشانی مگر آن بزرگتر می بود از خواهر آن وبگرفتیم ما ایشان را بعذاب
لعلهم يرجعون وقالوا يا أيه الساحر ادع لنا ربك بما
تا بود که ایشان بازگردند وگفتند ای جادو برخوان برای ما پروردگار خود را بدانچه
عهد عندك إننا لمهتدون فلما كشفنا عنهم العذاب
عهد کرد نزد تو که ما راه یافتگان باشیم پس چون برداشتیم ما از ایشان عذاب را
إذا هم ينكثون ونادى فرعون في قومه قال يا قوم أليس لي
آنگه ایشان نقض عهد کردند وبرخواند فرعون قوم خود را پس گفت ای قوم من آیا نیست مرا

مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ

پادشاهی مصر واین جویها روان میرود از زیر قصر من ای پس نمی بینید

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ۝ فَلَوْلَا أُلْقِيَ

یا نه که من بهترم از اینک او خیر ترست و نه نزدیکست که روشن گوید پس چرا نیفکندند

عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

برو دستورنجانی از طلا یا چرا نیامدند با او فرشتگان از پی یکدیگر درآیندگان

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ فَلَمَّا

پس سبک برکرد قوم خود را پس فرمان بردند اورا بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان پس چون

آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ فَجَعَلْنَاهُمْ

بخشم آوردند ما را کینه بازخواستیم ما از ایشان پس غرق کردیم ما ایشان را همه پس کردیم ما ایشانرا

سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ۝ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ

مقتدایان در هلاک و مثلی برای متاخران و چون بیدید کردیم ما پسر مریم را مثلی آنگه قوم تو

مِنْهُ يَصِدُّونَ ۝ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا

از آن بر میگردند و گفتند ای خدایان ما بهتر یا او بدیدکردیم ما آن را مگر

جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

برای خصومتی بلک ایشان گروهی اند خصومت کنندگان نه بدرستی که او نیست مگر بنده که نعمت کردیم ما برو

وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ

و گردانیدیم ما اورا مثلی برای پسران یعقوب را و اگر خواستیمانی گردانیدیمی از شما

مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ۝ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

فرشتگانی در زمین که بجای شما بودندی و بدرستی که نزول عیسی نشانست بحال قیامت پس بشک مشوید اندر آن

وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ

و پیروی کنید مرا که اینست راه راست و بر مگرداناد شما را دیو

إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ

بدرستی که او مر شما را دشمنی روشنست و چون آمد عیسی بمعجزات گفت بدرستی

جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ

که آوردم شما را حکمتی یا شرائع و تا روشن کنم مر شما را بعضی آنچه اختلاف کردید در آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا بدرستی که خدا اوست پروردگار من و شما پس بپرستید اورا

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ

که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از میان ایشان پس وای

آن لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ

مر آنان را که ستم کردند از عذاب روزی دردناک ای هیچ خشم نمیدارند مگر قیامت را

أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ

که آید بدیشان ناگاه وایشان ندانند دوستان امروز بعضی ایشان بعضی را

عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ۝ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

دشمنان باشند مگر پرهیزکاران ای بندگان من هیچ ترس نبود بر شما امروز و نه شما اندوهگین باشید

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ

آنها که بگرویدند بنشانهای ما و بودند منقادان گوید ایشانرا درروید در بهشت شما

أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ

و همجفتان شما شادان کردانند بریشان کاسهای از طلا و کوزها

وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و در آنجا بود آنچه آرزو کند تنها و خوش شوند چشمها و شما در آنجا جاودان باشید

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ لَكُمْ

و آنست بهشت آن بهشتی که میراث دادیم آن شمارا بسبب آنچه شما کردید در دنیا مر شمارا بود

فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي

در آنجا میوهای بسیار از آن میخورید بدرستی که کافران

عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

عذاب دوزخ همیشه باشند تخفیف کرده از ایشان و ایشان در آن نومیدان باشند

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ وَنَادَوْا

و ستم نکردیم ما ایشانرا و لیکن بودند ایشان ستمکاران و برخوانند

يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ

ای مالک باید که حکم کند برما بموت پروردکار تو گوید مالک که شما درنگ کنندکانید بدرستی که آمدیم بشما

بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ أَمْ أَبْرَمُوا

بحق و لیکن بیشترین شما مر حق را نخواهندکان بودید بلکه محکم کردند

أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

کاری را پس ما حکم کنندکانیم یا نه که پندارند که ما نمی شنویم پنهان ایشانرا و راز ایشانرا

بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا

آری و ملائکه ما نزدیک ایشان باز می نویسند بگو اگر بودی مر خدای روزی فرزندی پس من

أَوَّلُ الْعَابِدِينَ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ

اول پرستندکان پاک و منزه است پروردکار آسمانها و زمین پروردکار عرش

عَمَّا يَصِفُونَ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ

از آنچه صفت میکنند پس بگذار ایشانرا تا شروع کنند و بازی کنند تا باز رسند بدان روز

الَّذِي يُوعَدُونَ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ

آنکه وعده میدهند ایشانرا و اوست آن خدایی که در آسمان خداست و در زمین خداست و او محکمکار

الْعَلِيمُ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ

داناست و بزرگوارست آن خدایی که او راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست و نزد او

عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

علم قیامت و با جزا او بازگردانیده شوید و قادر نباشند آنها که میخوانند از

دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ وَلَئِنْ

جز او شفاعتی را مگر آنکه گواهی داده بود بتوحید خدا و ایشان دانند و مر اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ

پرسی تو ازیشان که که آفرید ایشانرا گویند خدا پس چگونه برگردانیده میشوند از حق و گفتار او بود ای پروردکار

ان هؤلاء قوم لا يؤمنون • فاصفح عنهم وقل سلام فسوف

بدرستی که این اهل که گروهی اند که ایمان نمی آرند پس درگذر ازیشان وبگو سلام وداع باد بر شما پس زود

سورة الدخان تسع وخمسون آية

يعلمون

بدانند

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیر کرده اند بود بیان

حم • والكتاب المبين • انا انزلناه في ليلة مباركة

بحق قرآن با روشنائی بدرستی که فرو فرستادیم ما این قرآن را در شب بسیار خجسته

انا كنا منذرين • فيها يفرق كل امر حكيم

بدرستی که هستیم ما بیم کنندگان در آن شب مفصول و مکتوب شد هر کاری با حکمت

امرا من عندنا انا كنا مرسلين • رحمة من ربك انه

فرمانی از نزدیک ما بدرستی که هستیم ما فرستندگان رحمتی از پروردگار تو بدرستی که

هو السميع العليم • رب السموات والارض وما بينهما ان

او شنوای داناست اوست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن هر دو است اگر

كنتم موقنين • لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب

هستید شما بیقین شوندگان نیست خدای مگر او زنده کند و بمیراند پروردگار شما و

آبائكم الاولين • بل هم في شك يلعبون • فارتقب يوم تأتي

پدران شما پیشینیان بلکه ایشان در شکی اند بازی میکنند پس چشم دار روزی را که آید

السماء بدخان مبين • يغشى الناس هذا عذاب اليم • ربنا

آسمان بدودی ظاهر روشن بپوشاند مردمان را که اینست عذابی دردناک ای پروردگار

اكشف عنا العذاب انا مؤمنون • انى لهم الذكرى

بردار از ما عذاب بدرستی که ما بگرویدگانیم از کجا بود مرایشان را پند گرفتن

وقد جاءهم رسول مبين • ثم تولوا عنه وقالوا معلم

وبدرستی که آمد بدیشان رسولی روشن کننده پس برگشتند ازو و گفتند این آموخته است

مجنون • انا كاشفوا العذاب قليلا انكم عائدون • يوم

دیوانه بدرستی که ما بردارنده عذابیم اندکی بدرستی که شما بازگردنده اید با کفر روزی

نبطش البطشة الكبرى انا منتقمون • ولقد فتنا قبلهم

که بقهر بگیریم گرفتنی بزرگتر بدرستی که ما کینه بازخواهندگانیم و بدرستی که آزمودیم ما پیش از ایشان

قوم فرعون وجاءهم رسول كريم • ان ادوا الي عباد الله

قوم فرعون را وآمد بدیشان رسولی نیکو نام کرامت بانگ تسلیم کنید بمن بندگان خدا را

اني لكم رسول امين • وان لا تعلوا على الله اني آتيكم بسلطان

بدرستی که من مر شما را رسولی با امانم و آنکه تکبر و ترفع منمایید بر خدا که من آیم بشما بحجتی

مبين • واني عذت بربي وربكم ان ترجمون • وان لم تؤمنوا

روشن و بدرستی که من پناه گیرم بپروردگار خود و شما اگر بر کشید مرا یا برانید مرا و اگر نگروید

لي فاعتزلون • فدعا ربه ان هؤلاء قوم مجرمون • فاسر بعبادي

بمن پس دور شوید از من پس خواند پروردگار خود را که این گروه مصر برگناه اند پس فرمود که ببر بندگان مرا

لیلا انکم متبعون ۝ واترک البحر رهوا انهم جند مغرقون ۝

بشب بدرستی که شما شبروان خواهید بود وبگذار دریارا ساکن بدرستی که ایشان لشکری اند غرقه کردگان

کم ترکوا من جنات وعیون ۝ وزروع ومقام کریم ۝ و

بسا که بگذاشتند از بستانها وچشمها وکشت زارها ومقامی نیکو و

نعمة کانوا فیها فاکهین ۝ کذلک واورثناها قوما

نعمتی که بودند در آن خوش عیشان کار همچنان بود که بمیراث دادیم ما آنرا بگروه

آخرین ۝ فما بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین ۝

دیگران پس نگریست بر ایشان آسمان وزمین ونبودند زمان دادگان

ولقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المهین ۝ من فرعون انه

وبدرستی که برهانیدیم ما بنی اسرائیل را از عذابی خوارکننده از فرعون بدرستی که او

کان عالیا من المسرفین ۝ ولقد اخترناهم علی علم علی

بود افزونی از جمله گزاف کاران وبدرستی که برگزیدیم ما ایشانرا بر دانشی بر

العالمین ۝ واتیناهم من الآیات ما فیه بلاء مبین ۝ ان

اهل زمانه خود وبدادیم ما ایشانرا از نشانها آنچه در آن بود آزمایشی روشن بدرستی

هؤلاء لیقولون ان هی الا موتتنا الاولی وما نحن بمنشرین ۝

که این اهل مکه میگویند نیست این مگر مرگ ما اول بار ونباشیم ما زنده کرده شدگان

فاتوا بآبائنا ان کنتم صادقین ۝ اهم خیر ام قوم تبع والذین

پس بیاورید پدران مارا اگر هستید شما راست گویان ای ایشان بهتر اند یا گروه تبع

والذین من قبلهم اهلکناهم انهم کانوا مجرمین ۝ وما

و آنها که پیش از ایشان بودند هلاک کردیم ما ایشانرا بدرستی که ایشان بودند گناهکاران و

خلقنا السموات والارض وما بینهما لاعبین ۝ ما خلقناهما الا

نیافریدیم ما آسمانها وزمین را وآنچه میان آن هر دو است بازی نیافریدیم ما آن هر دورا مگر

بالحق ولکن اکثرهم لا یعلمون ۝ ان یوم الفصل

بحق ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند بدرستی که روز وحکم خلایق

میقاتهم اجمعین ۝ یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم

وعده گاه ایشانست همه آن روز باز ندارد هیچ دوستی از دوستی چیزی را ونه ایشان

ینصرون ۝ الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم ۝ ان شجرت

یاری کنند مگر آنرا که رحمت کرد خدای بدرستی که او غالب مهربانست بدرستی که درخت

الزقوم ۝ طعام الاثیم ۝ کالمهل یغلی فی البطون ۝ کغلی الحمیم ۝

زقوم خورش بزه کاران بود همچون مس گداخته جوشد در شکمها همچون جوشیدن آب گرم

خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ۝ ثم صبوا فوق راسه من عذاب

گویند بگیرید اورا پس ببرید اورا بسوی دوزخ پس بریزید از بالای سر او از عذاب

الحمیم ۝ ذق انک انت العزیز الکریم ۝ ان هذا ما کنتم به

آب گرم گویند بچش عذاب را بدرستی که تو بودی بعزت و گرامی نزد خود بدرستی که اینست آنچه شما آنرا

تمترون ۝ ان المتقین فی مقام امین ۝ فی جنات وعیون ۝

بشک میبودید بدرستی که پرهیزکاران در مقامهای ایمن باشند در بستانها وچشمها

يلبسون من سندس واستبرق متقابلين كذلك
در پوشند از دیبای ستبر و دیبای تنک روی فرا یکدیگر کنندگان همچنین
وزوجناهم بحور عين يدعون فيها بكل فاكهة امنين
و بجفت کردانیم ایشانرا بحور العینانی هرچه خواهند دران جنت باشد و هر میوهائی ایمن باشند از آفات
لا يذوقون فيها الموت الا الموتة الاولى ووقيهم عذاب
نچشند درانجا مرگ را مگر مرگ اول بار در دنیا و نگه بدارد ایشانرا از عذاب
الجحيم فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم فانما
دوزخ برای تفضلی از پروردگار تو آنست آن رستگاری بزرگ پس بدرستی
يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون فارتقب انهم
که آسان گردانیدیم ما قرآنرا بزبان تو تا بود که ایشان پند گیرند پس چشم دار هلاک ایشانرا که ایشان

سورة الجاثية سبع وثلثون آية

مرتقبون
چشم دارندگانند زوال کار را

بسم الله الرحمن الرحيم
[illegible]

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ان في السموات
فرستادن این کتاب از خدای غالب محکم کارست بدرستی که در آسمانها
والارض لايات للمؤمنين وفي خلقكم وما يبث من دابة
و زمین نشانهاست مر مؤمنانرا و در آفریدن شما و آنچه پراکند از جنبندها

ايات لقوم يوقنون واختلاف الليل والنهار وما انزل الله
نشانهاست مر گروهی را که بیقین شوند و در اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا
من السماء من رزق فاحيا به الارض بعد موتها وتصريف
از آسمان از روزی پس زنده گردانید بدان زمین را پس از مرگ آن و در گردیدن
الرياح ايات لقوم يعقلون تلك ايات الله نتلوها
بادها نشانهاست مر گروهی را که استعمال عقل کنند آنست نشانهای خدا که میخوانیم آنرا
عليك بالحق فباي حديث بعد الله واياته يؤمنون
بر تو بحق پس بکدام سخن پس از این سخن خدا و نشانهای او می گروند
ويل لكل افاك اثيم يسمع ايات الله تتلى عليه ثم
وای مر همه دروغ بر بافنده بزه کار را که شنود نشانهای خدا را که خوانند بر وی پس
يصر مستكبرا كان لم يسمعها فبشره بعذاب اليم
مصر باشد و مداومت نماید بر گز گوئیا که نشنوده است آنرا پس بشارت ده او را بعذابی دردناک
واذا علم من اياتنا شيئا اتخذها هزوا اولئك لهم
و چون بداند از نشانهای ما چیزی را فرا گیرد آنرا باستهزا آن گروه راایشانرا
عذاب مهين من ورائهم جهنم ولا يغني عنهم ما
عذابی خوار کننده از پس ایشان بود دوزخ بود و بسنده نباشد ازیشان آنچه
كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء ولهم
اندوخته باشند چیزی و نه آنچه فرا گرفتند از جز خدای دوستانی را و مر ایشانرا بود

عذاب عظيم ۝ هذا هدى والذين كفروا بآيات ربهم لهم
عذابی بزرگ این قرآن راه نمونیست وآنها که کافر شدند بنشانهای پروردگار خود مرایشانرا
عذاب من رجز أليم ۝ الله الذي سخر لكم البحر لتجري
بود عذابی از بدترین خواری دردناک خدا آن خدایست که مسخر کرد مر شمارا دریا تا ببرود
الفلك فيه بأمره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون
کشتی درآن بفرمان او وتا بجویید از فضل او وتا بود که شما شکر کنید
وسخر لكم ما في السماوات وما في الأرض جميعا منه إن
وسخر کرد مر شمارا آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست همه از نزد خدا براستی
في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ قل للذين آمنوا يغفروا
که درآن مرانه نشانهاست برای گروهی که اندیشه کنند بگو مرآنهارا که بگرویدند درگذرند
للذين لا يرجون أيام الله ليجزي قوما بما كانوا يكسبون
ازآنها که امید نمیدارند ثواب روزهای موعود خدا تا پاداشت دهد گروهی را بدآنچه اندوخته باشند
من عمل صالحا فلنفسه ومن أساء فعليها ثم إلى ربكم
هرکه کاری نیکو کند پس سود مرتن او را بود وهر بدی کند پس زیان بر و بود پس بجزا بپروردگار شما
ترجعون ۝ ولقد آتينا بني إسرائيل الكتاب والحكم والنبوة
باز گردانیده شوید وبدرستی که بدادیم ما فرزندان یعقوب را کتاب توریة وحکمت وپیغمبری
ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على العالمين
وروزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها وافزونی نهادیم ما ایشانرا برعالمیان زمان ایشان

العلم
وآتيناهم بينات من الأمر فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم
وبدادیم ما ایشانرا حجتهائی از فرمان پس اختلاف نکردند مگر از پس آنچه آمد بدیشان
بغيا بينهم إن ربك يقضي بينهم يوم القيامة فيما كانوا فيه
ازستم میان ایشان بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت درآنچه بودند دران
يختلفون ۝ ثم جعلناك على شريعة من الأمر فاتبعها ولا تتبع
اختلاف میکردند پس گردانیدیم ماترا برطریقی وسیرتی از کار دین پس پیروی کن آنرا وپیروی مکن
أهواء الذين لا يعلمون ۝ إنهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وإن
مرادهای آنهارا که نمیدانستند بدرستی که ایشان باز نتوانند داشت از تو از خواست خدا چیزی وبدرستی
الظالمين بعضهم أولياء بعض والله ولي المتقين ۝ هذا بصائر
که ستمکاران بعضی ایشان دوستان بعضی اند وخدا دوست پرهیزکارانست این قرآن سبب روشنائی دلهاست
للناس وهدى ورحمة لقوم يوقنون ۝ أم حسب الذين
برای مردمان وراه نمونی ورحمتی مرگروهی که بیقین شوند بلکه پنداشتند آنها
اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين آمنوا وعملوا
که اندوختند بدیهارا که کنیم ایشانرا همچون آنها که بگرویدند وکردند
الصالحات سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون
کارهای نیکو که یکسان باشد زیستن ایشان ومردن ایشان بدست آنچه حکم میکنند
وخلق الله السماوات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس بما
وآفرید خدا آسمانها وزمین را بحق وتا پاداشت داده شود هرتنی بدآنچه

كسبت وهم لا يظلمون ۝ أفرأيت من اتخذ إلهه هواه وأضله

اندوخته بود وایشانرا ستم نکنند ای پس دیدی آنرا که گرفت خدایان خودرا بهوا و مراد خود وگمراه کرد اورا

الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة

خدا بر دانشی و مهر نهاد بر شنوایی او ودل او وگردانید بر بینایی او پوششی

فمن يهديه من بعد الله أفلا تذكرون ۝ وقالوا ما هي إلا

پس کیست که راه نماید اورا از پس اضلال خدا ای پس پند نمیگیرید وگفتند نیست این مگر

حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا إلا الدهر وما لهم

زندگانی ما دنیا میمیریم وزییم وهلاک نکند مارا مگر روزگار ونبود ایشانرا

بذلك من علم إن هم إلا يظنون ۝ وإذا تتلى عليهم آياتنا

بدان هیچ دانشی نیستند ایشان مگر گمانی می برند وچون خوانند برایشان نشانهای ما

بينات ما كان حجتهم إلا أن قالوا ائتوا بآبائنا إن كنتم

روشن نبود حجت ایشان مگر آنکه گفتند بیاورید پدران خودرا اگر هستید شما

صادقين ۝ قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم إلى يوم

راستگویان بگو خدا زنده کند شمارا پس بمیراند شمارا پس جمع کند شمارا در روز

القيامة لا ريب فيه ولكن أكثر الناس لا يعلمون ۝ ولله ملك

قیامت که هیچ شکی نیست دران ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند ومر خدایرا پادشاهی

السماوات والأرض ويوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون

آسمانها و زمین وروزی که برخیزد قیامت آنروز زیانکار آنند باطل کاران

وترى كل أمة جاثية كل أمة تدعى إلى كتابها اليوم

وبینی تو هر گروهی را بزانو درآمدگان هر گروهی خوانند نامهٔ خودرا گویندشان امروز

تجزون ما كنتم تعملون ۝ هذا كتابنا ينطق عليكم

پاداشت داده شوید شما بدانچه کرده باشید این مکتوب ماست که ناطق است بر شما

بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ۝ فأما الذين

بحق بدرستی که بودیم ما میفرمودیم نوشتن آنچه میکردید شما پس اما آنها

آمنوا وعملوا الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك

که بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس درآورد ایشانرا پروردگار ایشان در رحمت خود آنست

هو الفوز المبين ۝ وأما الذين كفروا أفلم تكن آياتي تتلى

آن رستگاری روشن واما آنها که کافر شدند گویندشان ای نبودند نشانهای من که میخواندند

عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين ۝ وإذا قيل

بر شما پس گردنکشی کردید شما وبودید شما گروهی گناهکاران وچون گویند

إن وعد الله حق والساعة لا ريب فيها قلتم ما ندري

که وعدهٔ خدا حق است وقیامت هیچ شکی نیست دران گوئید شما نمیدانیم

ما الساعة إن نظن إلا ظنا وما نحن بمستيقنين ۝ وبدا لهم

که چیست قیامت گمان نمی بریم مگر گمان بردنی ونباشیم ما بیقین دارندگان وپدید بدیشان

سيئات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزئون ۝ وقيل

بدیهای آنچه کردند وبرسید بدیشان جزای آنچه ایشان بدان استهزا کرده باشند وگویند ایشانرا

اليوم ننسكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا ومأويكم

امروز فراموش کنیم از رحمت شمارا همچنانکه فراموش کردید شما بباز رسیدن شما بدین روز وجای شما

النار وما لكم من ناصرين • ذلكم بانكم اتخذتم

آتش بود ونبود مرشمارا هیچ یاری کننده — آن شمارا بسبب آنست که شما فراگرفتید

ايات الله هزوا وغرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون

نشانهای خدارا باستهزا وبفریفت شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون نیایند

منها ولا هم يستعتبون • فلله الحمد رب السموات

ازان عذاب ونه ایشانرا عذر قبول کنند پس مرخدایراست سپاس که پروردکار آسمانها

ورب الارض رب العالمين • وله الكبرياء في السموات والارض

وپروردکار زمینست وپروردکار جهانیانست ومراوراست بزرکواری در آسمانها وزمین

وهو العزيز الحكيم • سورة الاحقاف خمس وثلاثون

واوست غالب محکم کار

بسم الله الرحمن الرحيم

الجزو ٢٦

تنزیل کرده اند بودنها

حم • تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم • ما خلقنا

فروفرستادن این قرآن از خدای غالب محکم کارست نیافریدیم ما

السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين

آسمانها وزمین وآنچه میان ایشانست مکر بحق واجلی نام نهاده وآنها

كفروا عما انذروا معرضون • قل ارايتم ما تدعون من دون

کافرشدند از آنچه بیم کرده ایشانرا برکردندکانند بکو می بینید شما آنچه بیخوانید از جز

الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات

خدا بازنمایید مرا که چه چیز آفریدند از زمین یا مرایشانراست انبازی در آسمانها

ايتوني بكتاب من قبل هذا او اثارة من علم ان كنتم

بیاورید بمن کتابی آسمانی از پیش این قرآن یا بقیتی از علم اگر هستید شما

صادقين • ومن اضل ممن يدعوا من دون الله من لا يستجيب

راست کویان وکیست کمراه تر ازانکه خواند از جز خدای آنرا که پاسخ نکند

له الى يوم القيمة وهم عن دعائهم غافلون • واذا

اورا تا روز قیامت وایشان از پرستیدن ایشان غافلانند وچون

حشر الناس كانوا لهم اعداء وكانوا بعبادتهم

برانگیزانند مردمانرا باشند آن اصنام دشمنان ایشان وبوند بپرستیدن آن کوافر

كافرين • واذا تتلى عليهم اياتنا بينات قال الذين

کافران وچون خوانده شود بریشان نشانهای ما روشن کویند آنها

كفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبين • ام يقولون افتريه

که کافرشدند مرقرآنرا چون آمد بدیشان این جادویی روشنست یا میکویند برباقته است آنرا محمد

قل ان افتريته فلا تملكون لي من الله شيا هو اعلم بما

بکو اگر برباقته باشم اورا پس قادر نباشید مرا از عذاب خدا چیزی او داناترست بدانچه

تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ
شروع میکنید شما در آن بس است او کواه میان من و میان شما و اوست آمرزکار

الرَّحِيمُ • قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ
مهربان بگوای محمد نیستم من بدعت نهنده از میان رسولان و نمیدانم که چه کنند

بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ • قُلْ
بمن و نه بشما پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی کرده میشود بمن و نیستم من مگر بیم کننده روشن بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ
ای چه بینید شما اگر باشد این قرآن از نزد خدا و کافر شدید شما بدان و گواهی داد

شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ
گواهی دهنده از فرزندان یعقوب بر صحت آن پس ایمان آورد و گردنکشی کردید شما

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بدرستی که خدا راه ننماید گروه ستمکاران را و گفتند آنها که کافر شدند

لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا
مر آنهارا که بگرویدند اگر بودی بهتر از ما پیشی نگرفتندی بر ما بدان و چون راه نیافتند

بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ • وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ
بدان ظاهر شده عناد ایشان پس زود گویند این دروغی دیرینه است و از پیش آن بود کتاب موسی

إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَٰذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا
پیشوای و مقتدای و سبب رحمتی و این قرآن کتابیست براست دارنده بزبانی عربی
مر کتب متقدم را

لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ • إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا
تا بیم کند آنهارا که ستم کردند و بشارت ده مر نیکوکاران را بدرستی که آنها که گفتند

رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ •
پروردگار ما خداست پس ثبات نمودند بران پس هیچ ترسی نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
آن گروه اصحاب بهشت اند همیشه باشند در آنجا پاداشتی بدانچه ایشان کردند

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
و فرمودیم ما آدمی را بما در و پدر خود نیکوئی کردن برداشت اورا مادر او در حالت مشقت

وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ
و بنهاد اورا بمشقت و رحمت و برداشتن او و از شیر باز گرفتن او سی ماه بود تا

إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ
چون برسید بغایت قوت خود و برسید بچهل سالگی گوید ای پروردگار من الهام بخش مرا که

أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
شکر گویم نعمت ترا آن نعمتی که کردی بر من و بر مادر و پدر من و آنکه کنم

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
کاری نیکو که بپسندی آنرا و صلاح پدید آور در میان اولاد من بدرستی که من باز آمدم بتو و من از جمله

الْمُسْلِمِينَ • أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
منقادانم آن گروه آنها اند که قبول نمودیم از ایشان نیکوتر آنچه کردند

ونتجاوز عن سيئاتهم في اصحاب الجنة وعد الصدق الذي
ودر گذریم از بدیهای ایشان حال آنکه درجملهٔ اصحاب بهشت باشند این وعده راست آنکه
كانوا يوعدون ۝ والذي قال لوالديه اف لكما اتعدانني ان
ایشان را وعده میدهند وآنکس که گفت مر مادر و پدر خود را از دلتنگی و خشم شما را ای وعده میدهید مرا
اخرج وقد خلت القرون من قبلي وهما يستغيثان
که بیرون آورند مرا از گور و بدرستی که گذشتند گروهان از پیش من وآن مادر و پدر فریاد میخواستند
الله ويلك امن ان وعد الله حق فيقول ما هذا الا اساطير
از خدا که وای بر تو بگرو بدرستی که وعده خدا حق است پس میگوید نیست این مگر افسانهای
الاولين ۝ اولئك الذين حق عليهم القول في امم قد خلت
پیشینیان آن گروه آنهااند که واجب شد بر ایشان گفتار بعذاب در میان گروهانی که گذشتند
من قبلهم من الجن والانس انهم كانوا خاسرين
پیش از ایشان از پری و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیانکاران
ولكل درجات مما عملوا وليوفيهم اعمالهم وهم
و هر یکی را از مومن و کافر مراتب و منزلت بود از آنچه کرده باشند و تمام بدهند ایشان را عملهای ایشان و ایشان را
لا يظلمون ۝ ويوم يعرض الذين كفروا على النار اذهبتم
ستم نکنند و روزی که عرض کنند آنها را که کافر شدند بر آتش ببردید شما
طيباتكم في حياتكم الدنيا واستمتعتم بها فاليوم
لذات شما در زندگانی شما دنیا و برخورداری گرفتید شما بدان پس امروز

تجزون عذاب الهون بما كنتم تستكبرون في الارض بغير
پاداش داده شوند بعذابی خوار کننده بدانچه بودید شما گردنکشی کردید در زمین بنا
الحق وبما كنتم تفسقون ۝ واذكر اخا عاد اذ انذر قومه
حق و بدانچه بودید شما نافرمانی کردید و یاد کن هود را چون بیم کرد قوم خود را
بالاحقاف وقد خلت النذر من بين يديه ومن خلفه
که اهل وادی بودند و بدرستی که گذشتند بیم کنندگان از پیش او و از پس او
الا تعبدوا الا الله اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم
بانکه مپرستند مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ
قالوا اجئتنا لتافكنا عن الهتنا فاتنا بما تعدنا ان كنت
گفتند ای آمدی بما تا برگردانی ما را از خدایان ما پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی تو
من الصادقين ۝ قال انما العلم عند الله وابلغكم ما
از جملهٔ راست گویان گفت بدرستی که دانش آن نزد خداست و میرسانم شما را آنچه
ارسلت به ولكني اراكم قوما تجهلون ۝ فلما
فرستاده اند مرا بآن و لیکن من می بینم شما را گروهی نادانان پس چون
راوه عارضا مستقبل اوديتهم قالوا هذا عارض
دیدند آنرا ابری روی فرا آورنده بوادیهای ایشان گفتند این ابریست
ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اليم
که باران بارنده است ما را بلکه آنست آنچه بشتاب میخواستید شما آنرا بادی که در آن بود عذابی دردناک

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ
برمی کند هر چیزی را بفرمان پروردگار خود پس گشتند که نمی دیدند مگر مسکنهای خود را

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۞ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا
همچنین پاداشت دهیم گروه کافرانرا و بدرستی که تمکین دادیم ما ایشانرا در آنچه

إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَ
تمکین ندادیم شما را در آن و پدید کردیم برای ایشان شنوایی و بینایی ها و

أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ
و دلهایی پس بکار نیامد ازیشان شنوایی ایشان و نه

مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ
از عذاب خدا هیچ چیزی چون بودند انکار میکردند نشانهای خدا را و در رسید بدیشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۞ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ
آنچه بودند بدان استهزا میکردند و بدرستی که هلاک کردیم ما آنچه پیرامون شما بود

مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۞ فَلَوْلَا
از دیهها و هویدا میکردانیم ما نشانها را تا بود که ایشان باز گردند پس چرا

نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا
یاری نکردند ایشانرا آنها که فرا گرفتند از جز خدا قربانی را بخدایان بلکه گم شدند

عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۞ وَإِذْ صَرَفْنَا
از ایشان [illegible] ایشان بود و آنچه بودند بر می بافتند و چون بگردانیدیم ما

إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا
بسوی تو گروهی از دیوان می شنودند قرآنرا پس چون حاضر شدند بحضرت محمد میگفتند خاموش باشید

فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ۞ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا
پس چون وحی گزارده میشد برمیگشتند بسوی قوم خود بیم کنندگان میگفتند ای قوم ما بدرستی که ما

سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
می شنیدیم کتابی را که فرو فرستاده شد از پس موسی براست دارنده مر آنچه در پیش آن بود

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۞ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا
راه می نماید بحق و براه راست ای قوم ما پاسخ کنید

دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ
خواننده خدا را و بگروید بدو تا بیامرزد مر شما را گناهان شما و برهاند شما را

مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۞ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ
از عذابی دردناک و هر که پاسخ نکند خواننده خدا را پس نبود عاجز کننده در زمین

وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۞ أَوَلَمْ
و نبود مراورا از جز او دوستانی آن گروه در گمراهی روشن ایا

يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ
ندیدند که خدا آن خدایست که آفرید آسمانها را و زمین را و در نماند بآفریدن آنها

بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ وَيَوْمَ
تواناست بر آنکه زنده کند مردگانرا آری بدرستی که او بر همه چیزی تواناست و روزی

يعرض الذين كفروا على النار أليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا

كه عرض كنند آنها را كه كافر شدند بر آتش گويند شان اى نيست اين بحق گويند آرى بحق پروردگار

قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ● فاصبر كما

گويد خدا پس در چشيد عذاب را بسبب آنچه شما كافر شديد شما پس صبر كن همچنانكه

صبر أولوا العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كأنهم

صبر كردند خداوندان عزيمت رسل از رسولان و بشتاب مخواه مر ايشانرا گويا كه ايشان

يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

روزى كه بينند آنچه وعده دادند ايشانرا درنگ نكرده باشند مگر ساعتى از روز

بلاغ فهل يهلك إلا القوم الفاسقون

اين قرآن رسانيدنى است پس آيا هيچ هلاك كرده نشوند مگر گروه فاسقان

حزب

سورة محمد عليه السلام [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله أضل أعمالهم ● والذين

آنها كه كافر شدند و برگشتند از راه خدا باطل شود عملهاى ايشان و آنها

آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا بما نزل على محمد وهو

كه ايمان آوردند و كارهاى نيكو كردند [illegible] بآنچه فرود فرستاده بر محمد و آن

الحق من ربهم كفر عنهم سيئاتهم وأصلح بالهم ● ذلك

حق است از پروردگار ايشان باز پوشانند از ايشان بديهاى ايشانرا و باصلاح آورد كار ايشانرا آن بسبب

بأن الذين كفروا اتبعوا الباطل وأن الذين آمنوا اتبعوا الحق

آنست كه آنها كه كافر شدند پيروى كردند باطل را و آنكه آنها كه ايمان آوردند پيروى كردند حق را

من ربهم كذلك يضرب الله للناس أمثالهم ● فإذا لقيتم

از پروردگار خود همچنين ميزند خدا براى مردمان مثلهاى ايشان پس چون ببينيد شما

الذين كفروا فضرب الرقاب حتى إذا أثخنتموهم فشدوا

آنها را كه كافر شدند پس بزنند گردنهاشانرا تا چون كشته باشيد ايشانرا پس سخت كنيد

الوثاق ● فإما منا بعد وإما فداء حتى تضع الحرب أوزارها

بند هارا پس يا منت نهادنى بود پس ازان ويا باز خريد [illegible] تا بنهد كارزار

ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم ولكن ليبلو بعضكم

آن اينست فرمان واگر خواستى خدا هر آينه داد بستدى از ايشان وليكن تا آزمايش نمايد بعضى شما را

ببعض ● والذين قتلوا في سبيل الله فلن يضل أعمالهم

ببعضى و آنها كه كشته شدند در راه خداى پس هرگز ضايع نكند عملهاى ايشان را

سيهديهم ويصلح بالهم ● ويدخلهم الجنة عرفها لهم

زود راه نمايد ايشانرا و باصلاح آورد حال ايشانرا و در آورد ايشانرا در بهشتى كه [illegible] ايشانرا

يا أيها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم ويثبت أقدامكم

اى آنها كه گرويده ايد اگر يارى كنيد دين خدا را يارى كند شما را و ثابت بدارد قدمهاى شما را

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

وآنها که کافر شدند پس هلاکت باد مرایشانرا و باطل شود عملهای ایشان آن بسبب آنست که ایشان

كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

کاره داشتند آنچه فرو فرستاد خدا پس باطل شد عملهای ایشان ای پس نرفتند در زمین

فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ

پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند هلاک گردانید خدا

عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ

ایشانرا و مر کافرانرا بود مانند آنها آن بسبب آنست که خدا دوست آنهاست

آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ۝ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا

که گرویدند و آنکه کافران دوستی ندارد مرایشانرا بدرستی که خدا در آورد آنها که بگرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ

وکارهای نیکو کردند در بهشتهائی که رود از زیر آن جویها و آنها که

كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ

که کافر شدند برخورداری بگیرند و میخورند همچنانکه میخورند چهارپایان و آتش

مَثْوًى لَهُمْ ۝ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي

جایگاه ایشان بود و بسا از اهل دیهها که آنها سخت تر بودند بقوت از اهل دیه تو آن دیه

أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ۝ أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ

که بیرون کردند ترا هلاک کردیم ما ایشانرا پس یاری دهنده نیست مرایشانرا ای پس آنکه باشد بر

بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

حجتی بود از پروردگار خود همچون آنکسی بود که بیاراسته باشند او را بدی عمل او و پیروی کرده باشند مرادهای خود را

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ

مثل بهشت آن بهشتی که وعده داده اند پرهیزکارانرا در آنجا بود جویهائی از آبی جز طعم و رنگ گردانیده

وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ

و جویهائی از شیر که متغیر نبود طعم آن و جویهائی از خمر خوش لذتی دهد آشامندگانرا

وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ

و جویهائی بود از عسل صافی و مرایشانرا بود در آنجا از همه میوهای

وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا

و آمرزشی از پروردگار خود همچون آنکس بود که او همیشه در آتش بود و داده شوند

مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ۝ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ

از آبی گرم پس ببرد رودهای ایشانرا و از ایشان کسی هست که گوش باز نهد بسوی تو

حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

تا چون بیرون آیند از نزد تو گویند آنها را که داده شد ایشانرا دانش چه چیز گفت

آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

اکنون آن گروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و پیروی کردند مرادهای خود را

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ۝ فَهَلْ

و آنها که راه یافتند بیفزاید ایشانرا خدا راهی و بداد ایشان پرهیزکاری ایشانرا

ينظرون الا الساعة ان تأتيهم بغتة فقد جاء اشراطها
چشم میدارند مگر قیامت را که آید بدیشان ناگاه پس بدرستی که آمد علامات آن
فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله و
پس از کجا بود مر ایشانرا چون آید بدیشان پند گرفتن ایشان پس بدان که روشن آنست که نیست هیچ خدای مگر خدا
استغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم
و آمرزش خواه مر ترک اولای خود را و مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را و خدا میداند
متقلبكم ومثويكم ويقول الذين امنوا لولا نزلت سورة
گردیدن شما را و جایگاهای شما و میگویند آنها که گرویدند چرا فرو فرستاده نشد سورتی
فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال رايت
پس چون فرو فرستاده شود سورتی محکم کرده و یاد کرده شود در آنجا کارزار ببینی تو
الذين في قلوبهم مرض ينظرون اليك نظر المغشي عليه
آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاقست نگرند بسوی تو نگریستن پنهان از
من الموت فاولى لهم طاعة وقول معروف فاذا عزم الامر فلو
ترس مرگ پس سزاوار است مر ایشانرا فرمان برداری و گفتاری نیکو پس چون لازم شود کار قتال پس اگر
صدقوا الله لكان خيرا لهم فهل عسيتم ان توليتم
راست داشتندی خدا را هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا پس آیا هیچ شاید بود که شما اگر برگردیدید
ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين
تباهی کنید در زمین و ببرید رحمهای یکدیگر را آن گروه آنها اند

لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم افلا يتدبرون القرآن
لعنت کرد ایشانرا خدا پس کر گردانید ایشانرا و کور گردانید بینائیهای ایشانرا آیا پس اندیشه نمیکنند در قرآن
ام على قلوب اقفالها ان الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد
یا بر دلهای ایشان بندهاست بدرستی که آنها که برگشتند بر پشتهای خود از پس
ما تبين لهم الهدى الشيطان سول لهم واملى لهم
آنچه روشن شد مر ایشانرا راه دیو بیاراست مر ایشانرا و مهلت داد ایشانرا
ذلك بانهم قالوا للذين كرهوا ما نزل الله سنطيعكم
آن بسبب آنست که ایشان گفتند مر آنها را که کاره داشتند فرو فرستاده خدا را چیزی زود فرمان بریم شما را
في بعض الامر والله يعلم اسرارهم فكيف اذا توفتهم
در بعضی کارها و خدا میداند پنهان ایشانرا پس چگونه بود حال ایشان چون جان بستانند ایشانرا
الملئكة يضربون وجوههم وادبارهم ذلك بانهم
فرشتگان زنند بر رویهای ایشان و پشتهای ایشان آن بسبب آنست که ایشان
اتبعوا ما اسخط الله وكرهوا رضوانه فاحبط اعمالهم
پیروی کردند آنچه بخشم آورد خدا را و ناخواستند خشنودی او را پس باطل شد عملهای ایشان
ام حسب الذين في قلوبهم مرض ان لن يخرج الله اضغانهم
یا پنداشتند آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاقست که بیرون نیاورد خدا کینهای ایشانرا
ولو نشاء لارينكهم فلعرفتهم بسيماهم ولتعرفنهم
و اگر خواستیمی هر آینه بازنمودیمی تو ایشانرا پس شناختی تو ایشانرا بسیمای ایشان و هر آینه می شناختی تو ایشانرا

فی لحن القول والله یعلم اعمالکم ۝ ولنبلونکم حتی نعلم

گفتار وخدا میداند عملهای شمارا ودرآینه صورت آزمایش نمائیم شمارا تا جدا بازکنیم

المجاهدین منکم والصابرین ونبلوا اخبارکم ۝ ان الذین

جهاد کنندگانرا از شما وصابرانرا وبازمائیم خبرهای شمارا بدرستیکه آنها

کفروا وصدوا عن سبیل الله وشاقوا الرسول من بعد ما

که کافر شدند وبرگشتند از راه خدا وخلاف کردند رسول را از پس آنچه

تبین لهم الهدی لن یضروا الله شیئا وسیحبط اعمالهم

روشن شد مرایشانرا راه زیانی نتوانند کرد دین خدارا چیزی وزود باطل کند عملهای ایشانرا

یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول ولا تبطلوا

ای آنها که ایمان آورده اید فرمان برید خدارا وفرمان برید پیغمبررا وباطل مکنید

اعمالکم ۝ ان الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله

عملهای خود بدرستیکه آنها که کافر شدند وبرگشتند از راه خدا

ثم ماتوا وهم کفار فلن یغفر الله لهم ۝ فلا تهنوا

پس بمردند وایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد خدا مرایشانرا پس سست مشوید

وتدعوا الی السلم وانتم الاعلون والله معکم ولن

وبرخوانید بصلح وشما غالبان وزبردستان باشید وخدا باشماست وهرگز

یترکم اعمالکم ۝ انما الحیوة الدنیا لعب ولهو ۝ و

باطل نکند شمارا عملهای شما بدرستیکه زندگانی دنیا بازی وناخوشایست

ان تؤمنوا وتتقوا یؤتکم اجورکم ولا یسئلکم اموالکم

اگر بگروید وبپرهیزید بدهد شمارا مزدهای شما وباز نخواهد شمارا مالهای شما

ان یسئلکموها فیحفکم تبخلوا ویخرج اضغانکم

اگر خواهند از شما آنرا بخیلی کنید وبیرون آورد کینهای شمارا

ها انتم هؤلاء تدعون لتنفقوا فی سبیل الله فمنکم

اینکه شما این گروه میخوانند شمارا تا نفقت کنید در راه خدا پس از شما

من یبخل ومن یبخل فانما یبخل عن نفسه والله الغنی

کس هست که بخیلی میکند وهرکه بخیلی کند پس بدرستیکه زیان بخیلی تن اورا بود وخدا بی نیازست

وانتم الفقراء وان تتولوا یستبدل قوما غیرکم ثم

وشما محتاجانید واگر برگردید بدل کند شمارا بگروهی جز از شما پس

لا یکونوا امثالکم

نباشند مانند شما

سورة الفتح سبع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحیم

انا فتحنا لک فتحا مبینا ۝ لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک

بدرستیکه ما فتح کردیم برای تو فتحی روشن تا بیامرزد مر ترا خدا آنچه از پیش گذشت از ترک اولی تو

وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما

وآنچه از پس آید وتا تمام کند نعمت خودرا برتو وراه نماید ترا براه راست

وَيَنصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝ هُوَ الَّذِي أَنزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ
و یاری کند ترا خدا یاری غالب ارجمند اوست آن خدای که فرو فرستاد آرام خود در دلهای مؤمنان
لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ
تا بیفزایند یقین را با یقین خود و مر خدا راست لشکرهای آسمانها و زمین و هست
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ
خدا دانای محکم کار تا درآورد مردان مؤمن و زنان مؤمنه را در بستانها
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ
که رود از زیر آن جویها روان همیشه باشنده در آنجا و باز پوشاند از ایشان بدیهای ایشان
كَانَ ذَٰلِكَ عِندَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ
و هست آن نزدیک خدا رستگاری بزرگ و عذاب کند مردان منافق را
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ
و زنان منافقه را و مردان مشرک را و زنان مشرکه را گمان برندگان بخدا
ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ
گمان بد بر ایشان باد حادثه بد و خشم خدای بر ایشان و لعنت کرد
وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ
و بیجارد برای ایشان دوزخ و بد بازگشتیست آن و مر خدا راست لشکرهای آسمانها
وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا
و زمین و هست خدا غالب محکم کار بدرستی که ما فرستادیم ما ترا گواهی دهنده
بر خلایق

وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝ لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ
و بشارت دهنده و بیم کننده تا بگروید بخدا و پیغمبر او و واجب دارید او را و محترم دارید او را و تسبیح کنید خدا را
بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ
بامداد و شبانگاه بدرستی که آنها که بیعت کردند با تو جز این نیست که بیعت با خدا کرده اند دست قدرت خدا
فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا
بالای دستهای ایشانست پس هر که نقض عهد کند پس بدرستی که زیان شکستن عهد بر نفس او بود و هر که وفا کند بانچه
عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ
عهد بست بران با خدا پس زود بدهیم او را مزدی بزرگ زود گویند ترا بازماندگان
مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ
از اهل بادیه مشغول گردانید ما را مالهای ما و کسان ما پس آمرزش خواه برای ما میگویند
بِأَلْسِنَتِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَن يَمْلِكُ لَكُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا
بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان بگو پس کیست که قادر باشد شما را از عذاب خدا چیزی
إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا
اگر خواهد بشما زیانی یا خواهد بشما سودی بلکه هست خدا بانچه
تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ ظَنَنتُمْ أَن لَّن يَنقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ
شما میکنید آگاه بلکه گمان بردید شما که باز نگردد رسول و مؤمنان
إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ
با اهل خود هرگز و آراسته شد آن در دلهای شما و گمان بردید شما گمان بد

وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا
و بودید شما گروهی هالکان و هر که نگرود بخدا و رسول او پس بدرستی که ما آماده کردیم
لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ
برای کافران آتشی افروخته را و مر خدا راست ملک آسمانها و زمین بیامرزد
لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ سَيَقُولُ
مر آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان زود گویند
الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ
باز ماندگان چون بروید شما بسوی غنیمتها که فرا گیرید آنرا بگذارید که پی روی کنیم شما را
يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ
میخواهند که بدل کنند سخن خدا را بگو هرگز پی روی نکنید ما را همچنین
قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ
گفت خدا از پیش پس زود گویند بلکه حسد برید بر ما بلکه بودند در نیافتند
إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ
مگر اندکی بگو مر بازماندگان را از اهل بادیه زود برخوانده شوید با قومی
أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ
خداوند ترسی سخت کارزار میکنید با ایشان تا منقاد شوند پس اگر فرمان برید بدهد شما را
اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ
خدا مزدی نیکو و اگر برگردید همچنانک برگشتید شما از پیش عذاب کند شما را

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
عذابی دردناک نیست بر کور حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه بر
الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
بیمار حرجی و هر که فرمان برد خدا را و رسول او را درآورد او را در بستانهایی که رود
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَقَدْ
از زیر آن جویها و هر که برگردد عذاب کند او را عذابی دردناک بدرستی
رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ
که خشنود شد خدا از مومنان چون بیعت میکردند با تو در زیر درخت حدیبیه پس دانست
مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا
آنچه در دلهای ایشانست پس فرو فرستاد آرام خود را بر ایشان و مزد داد ایشان را فتحی نزدیک
وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
و غنیمتهای بسیار که فرا گیرند آنرا و هست خدا غالب محکم کار
وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ
وعده داد شما را خدا غنیمتهای بسیار که فرا گیرید آنرا پس بشتافت شما را این غنیمت
وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ
و باز داشت دستهای مردمان را از شما و تا باشد نشانی مومنان را و راه نماید شما را
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
براه راست و غنیمتی دیگر که توانایی نداشتید بران بدرستی که دانست خدا آنرا

وكان الله على كل شيء قديرا ولو قاتلكم الذين كفروا لولوا
وهست خدا بر همه چیزی توانا و اگر کارزار کنند با شما آنها که کافر شدند برگردانند
الأدبار ثم لا يجدون وليا ولا نصيرا سنة الله التي
پشتهارا پس نیابند هیچ دوستی ونه یاری کنی این است طریقت خدا آنکه
قد خلت من قبل ولن تجد لسنة الله تبديلا وهو الذي
گذشت از پیش وهرگز نیابی مر طریقت خدارا بدل کردنی واوست آن خدائی که
كف أيديهم عنكم وأيديكم عنهم ببطن مكة
که باز داشت دستهای ایشانرا از شما ودستهای شمارا از ایشان در اندرون مکه
من بعد أن أظفركم عليهم وكان الله بما تعملون
از پس آنکه ظفر داد شمارا بر ایشان وهست خدا بدانچه میکنید
بصيرا هم الذين كفروا وصدوكم عن المسجد الحرام
بینا ایشان آنانند که کافر شدند وبرگردانیدند شمارا از مسجد الحرام
والهدي معكوفا أن يبلغ محله ولولا رجال مؤمنون
وقربان بازداشته که برسد بمحل خود واگر نه مردانی مؤمن
ونساء مؤمنات لم تعلموهم أن تطئوهم فتصيبكم منهم
وزنانی مؤمنه بودندی نمیدانستید ایشانرا که پایمال کنید ایشانرا پس برسد شمارا از ایشان
معرة بغير علم ليدخل الله في رحمته من يشاء لو تزيلوا
دشواری بنادانستنی تا در آورد خدا در رحمت خود آنرا که خواهد اگر جدا شدندی

لعذبنا الذين كفروا منهم عذابا أليما إذ جعل الذين كفروا في
هرآینه عذاب کنیم آنهارا که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک چون کردانید آنهارا که کافر شدند در
قلوبهم الحمية حمية الجاهلية فأنزل الله سكينته على رسوله
دلهای ایشان حمیت چون حمیت اهل جاهلیت پس فرستاد خدا آرام خودرا بر رسول خود
وعلى المؤمنين وألزمهم كلمة التقوى وكانوا أحق بها
وبر مؤمنان ولازم کردانید ایشانرا کلمه پرهیزکاری وبودند سزاوارتر بآن
وأهلها وكان الله بكل شيء عليما لقد صدق
واهل آن وهست خدا بهمه چیزی دانا بدرستی که راست کردانید
الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله
خدا رسول خودرا خواب بحق وراست که هرآینه در روید شما در مسجد مکه اگر خواهد خدا
آمنين محلقين رءوسكم ومقصرين لا تخافون فعلم
ایمنان تراشندگان سرهای خودرا وتقصیر کنندگان که نترسید پس دانست
ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحا قريبا هو الذي أرسل
آنچه ندانستید شما پس کردانید از جز آن فتحی نزدیک اوست آن خدائی که فرستاد
رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله وكفى
رسول خودرا براه راست ودین بحق تا غالب کرداند دین اسلام بر همه دینها وبس است
بالله شهيدا محمد رسول الله والذين معه أشداء
خدا گواه که محمد رسول خداست وآنها که با اویند سخت ومانند

علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون

بر کافران رحیم دلانند میان یکدیگر بینی تو ایشان را رکوع کنندگان سجود کنندگان جویند

فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود

فضلی از خدا وخشنودی او سیمای ایشان در روی ایشان پیدا بود از اثر سجود

ذلك مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع

آنست مثل ایشان در توراة ومثل ایشان در انجیل چون کشت

اخرج شطأه فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب

که بیرون آورد

الزراع لیغیظ بهم الکفار وعد الله الذین امنوا وعملوا

برزیگران را تا بخشم آورد کافران را وعده داد خدا آنها را که گرویدند وکارهای

الصالحات منهم مغفرة واجرا عظیما

نیکو کردند از ایشان را آمرزشت ومزدی بزرگ

سورة الحجرات ثمانی عشرة آیة وهی مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین امنوا لا تقدموا بین یدی الله ورسوله واتقوا الله

ای آنها که بگرویده اید در نوازش فرمان خدا ورسول مایستید وبترسید از خدا

ان الله سمیع علیم ● یا ایها الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق

بدرستی که خدا شنواست ودانا ای آنها که ایمان آورده اید برمدارید آوازهای خود را بالای

صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض

آواز پیغمبر وبلند مگویید مر او را بگفتار همچون بلند گفتن بعضی شما مر بعضی را

ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ● ان الذین یغضون

که باطل شود عملهای شما وشما ندانید بدرستی که آنها که آهسته دارند

اصواتهم عند رسول الله اولئك الذین امتحن الله قلوبهم

آوازهای خود نزدیک رسول خدا آن گروه آنهااند که آزموده خدا دلهای ایشان را

للتقوی لهم مغفرة واجر عظیم ● ان الذین ینادونك

بپرهیزکاری مر ایشان را بود آمرزشی ومزدی بزرگ بدرستی که آنها میخوانند ترا

من وراء الحجرات اکثرهم لا یعقلون ● ولو انهم

از پس حجرها بیشترین ایشان استعمال عقل نمیکنند واگر آنکه ایشان

صبروا حتی تخرج الیهم لکان خیرا لهم والله غفور

صبر کردندی تا بیرون آمدی تو بر ایشان مر نه بودی بهتر مر ایشان را وخدا آمرزگار

رحیم ● یا ایها الذین امنوا ان جاءکم فاسق بنبأ فتبینوا ان تصیبوا

مهربانست ای آنها که ایمان آورده اید اگر آید بشما فاسقی بخبری

قوما بجهالة فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین ● واعلموا ان فیکم

کردی را بنادانی پس برگردید بر آنچه کرده باشید شما پشیمانان وبدانید که در میان شما

رسول الله لو يطيعكم في كثير من الامر لعنتم ولكن الله
رسول خداست اگر فرمان برد شمارا در بسیاری از فرمان ولیکن خدا
حبب اليكم الايمان وزينه في قلوبكم وكره اليكم
دوست داشت شمارا ایمان و بیاراست آنرا در دلهای شما و نخواست بشما
الكفر والفسوق والعصيان اولئك هم الراشدون فضلا
کفر و فاسقی و خروج از طاعت و عاصی شدن آن گروه ایشانند راه صواب جویندگان فضلی
من الله ونعمة والله عليم حكيم ● وان طائفتان من
از خدا و نعمتی و خدا داناست و حکیم کار و اگر دو طائفه از
المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احديهما على
مؤمنان کارزار کنند پس صلح افکنید میان ایشان پس اگر ستم کند یکی از آن هر دو بر
الاخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء الى امر الله فان فاءت فاصلحوا
دیگری پس کارزار کنند با آنکه ستم کرد تا باز آید با فرمان خدا پس اگر باز آیند پس صلح دهید
بينهما بالعدل واقسطوا ان الله يحب المقسطين
میان آن هر دو بعدالت و داد کنند بدرستی که خدا دوست دارد عادلان را
انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم
بدرستی که مؤمنان برادران اند پس صلح دهید میان برادران خود و بترسید از خدا تا بود که شما
ترحمون ● يا ايها الذين امنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا
رحم کرده شوید ای آنها که ایمان آورده اید باید که استهزا نکنند گروهی از گروهی شاید بود که باشند

حزب

خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا
بهتر از ایشان و نه زنان از زنان شاید بود که باشند بهتر از ایشان
تلمزوا انفسكم ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق
عیب نهای یکدیگر مجویید و یکدیگر را لقبهای بد منهید بدست نام فسق
بعد الايمان ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون ● يا ايها الذين
پس از ایمان و هر که توبه نکند پس آن گروه ایشان ستمکارانند ای آنها
امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا
که بگرویده اید دوری گزینید از بسیاری از گمان بدرستی که بعضی از گمان بزه بود و جست و جوی مکنید
ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه
و نباید که غیبت کنید بعضی شما بعضی را ای دوست میدارد یکی از شما که خورد گوشت برادر خود را
ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب رحيم ● يا ايها الناس انا
مرده پس کاره داشتید آنرا و بترسید از خدا بدرستی که خدا توبه پذیرنده مهربانست ای مردمان بدرستی که
خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوبا وقبائل
آفریدیم ما شمارا از نرینه و مادینه و بکردیم ما شمارا اشهانی و قبیلها
لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم ان الله عليم خبير
تا یکدیگر را بشناسند بدرستی که گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین است بدرستی که خدا داناست و آگاه
قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل
گفتند اهل بادیه بگرویدیم ما بگو ایمان نیاورده اید و لیکن بگویید مسلمان شدیم و هنوز در نیامده است

الإيمان في قلوبكم وإن تطيعوا الله ورسوله لا يلتكم من أعمالكم

ایمان در دلهای شما و اگر فرمان برید خدا را و رسول او را باز نکاهاند از عملهای شما

شيئا إن الله غفور رحيم ۝ إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله

چیزی بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست جز این نیست که مومنان آنهااند که بگرویدند بخدا

ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل

و رسول او پس بشک نشدند و جهاد کردند بمالهای خود و تنهای خود در راه

الله أولئك هم الصادقون ۝ قل أتعلمون الله بدينكم والله يعلم

خدا آن گروه ایشانند راست گویان بگو ای می آموزانید خدا را بدین خود و خدا میداند

ما في السماوات وما في الأرض والله بكل شيء عليم ۝ يمنون

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و خدا بهمه چیزی داناست منت می نهند

عليك أن أسلموا قل لا تمنوا علي إسلامكم بل الله يمن عليكم أن

بر تو که مسلمان شده اند بگو منت منهید بر من باسلام آوردن خود بلکه خدای منت می نهد بر شما که

هداكم للإيمان إن كنتم صادقين ۝ إن الله يعلم

راه نمود شما را بایمان اگر هستید شما راست گویان بدرستی که خدا میداند

غيب السماوات والأرض والله بصير بما تعملون

غیب آسمانها و زمین را و خدا بیناست بآنچه ایشان کرده باشند

سورة ق خمس وأربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ق ۝ والقرآن المجيد ۝ بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الكافرون

بحق کوه قاف و بحق قرآن با مجد و بزرگواری بلکه شگفت داشتند که آمد بدیشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران

هذا شيء عجيب ۝ أإذا متنا وكنا ترابا ذلك رجع بعيد

این چیزی عجیبست ای چون بمیریم ما و باشیم خاکی آن باز گردانیدن دور است

قد علمنا ما تنقص الأرض منهم وعندنا كتاب حفيظ

بدرستی که دانانیم آنچه کم میکند زمین از ایشان و نزدیک ماست کتابی که حافظ اعمال است

بل كذبوا بالحق لما جاءهم فهم في أمر مريج ۝ أفلم ينظروا

بلکه بدروغ داشتند حق را چون آمد بدیشان پس ایشان در کاری اند ای پس ننگریستند

إلى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها وما لها من

بسوی آسمان که بالای ایشانست که چگونه بنا نمودیم ما آن را و بیاراستیم ما آن را و نیست آن را هیچ

فروج ۝ والأرض مددناها وألقينا فيها رواسي وأنبتنا فيها

شکافی و زمین را گسترانیدیم ما آن را و انداختیم در آن کوههای ثابت را و برویانیدیم ما در آن

من كل زوج بهيج ۝ تبصرة وذكرى لكل عبد منيب

از هر صنفی زیبا از بهر بینش و پندی مر هر بنده بازگردنده

ونزلنا من السماء ماء مباركا فأنبتنا به جنات وحب الحصيد

و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی با برکت را پس برویانیدیم ما بدان بستانها و دانه درودنی

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ۝ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ
و خرما ایستاده‌ها [illegible] روزی مر بندگان خود را و زنده گردانیدیم ما بدان
بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
زمین مرده را بود بیرون آمدن از گور بدروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح را
وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
واصحاب چاه وقوم صالح وقوم هود وفرعون وبرادران لوط واصحاب
الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝ أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ
شعیب وگروه ملک یمن همه بدروغ داشتند رسولان را پس واجب شد وعده من ای پس عاجز گردانیدیم ما آنها را بآفریدن اول بار
بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ
بلکه ایشان در پوشیدگی اند از آفریدنی نو و بدرستی که آفریدیم ما آدمی را
وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ
و میدانیم آنچه وسوسه میدهد بدان تن او وما نزدیکتریم بدو از رگ دل
الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ
او بنده چون از جانب راست واز جانب چپ
مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ
نگوید هیچ لفظی مگر نزد دیگر او بود نگهبانی وآید سختی جان کندن
الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ
بحق آنست آنچه بودی ازان بیگانه بودی و در دمند در صور آنست

يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ
روز وعده گاه وآید هر تنی با او بود راننده وگواهی بدرستی که
كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ
بودی تو در غفلتی ازاین پس برداشتیم ما از تو پوشش را پس بینایی تو امروز
حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ
تیز بود وگوید یار همنشین او اینست آنچه نزد من بود دراندازید در دوزخ هر
كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ۝ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ
ناسپاس عناد ورزنده را منع کننده خیر از حد در گذرنده بشک شونده را آنکه پدید کرد با خدا
إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِ[illegible]اهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا
خدای دیگر را در عذاب سخت گوید همنشین او ای پروردگار ما
مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا
طاغی نکردم او را ولیکن بود او در گمراهی دور از حق گوید خدا خصومت مکنید
لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ
نزد من و بدرستی که پیش داشتم شما را وعده بدل کرده نشود گفتار نزد من
وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ
ونیستم من ستم کننده مر بندگان خود را روزی که گوییم مر دوزخ را که ای پر شدی وگوید آن
هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هَذَا مَا تُوعَدُونَ
ای هیچ زیادتی هست ونزدیک کرده شود بهشت برای پرهیزکاران جز دور [illegible] اینست آنچه وعده میدادند شما را

لكل اواب حفيظ ● من خشي الرحمن بالغيب وجاء بقلب منيب
مر هر بازگشت کننده نگهبان را انکه ترسید از خدا بنابینا و آمد بدلی باز گردنده
ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود ● لهم ما يشاءون فيها
در روید درانجا بسلامت آنست روز جاویدی مر ایشانراست آنچه خواهند درانجا
ولدينا مزيد ● وكم اهلكنا قبلهم من قرن هم
و نزدیک ماست زیاده نیز و بسا که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهها که ایشان
اشد منهم بطشا فنقبوا في البلاد هل من محيص ● ان في
سخت تر بودند از ایشان بگرفتن پس گشتند در شهرها ای هست هیچ گریزگاهی بدرستی که در آن
ذلك لذكرى لمن كان له قلب او القى السمع وهو شهيد ●
هرآینه پندیست مر آنرا که باشد مر او را دلی یا اندازد گوش و او حاضر بود
ولقد خلقنا السموات والارض وما بينهما في ستة ايام
و بدرستی که آفریدیم ما آسمانها را و زمین را و آنچه میان ایشانست در شش روز
وما مسنا من لغوب ● فاصبر على ما يقولون وسبح بحمد
و نرسید بما هیچ ماندگی پس صبر کنید بر آنچه میگویند و تسبیح کنید بستایش
ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب ● ومن الليل فسبحه
پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از فرو شدن آن و بعضی از شب پس تسبیح کن او را
وادبار السجود ● واستمع يوم يناد المناد من مكان قريب
و در اعقاب سجدها و گوش باز دار روزی که خواند خواننده از جایگاهی نزدیک

يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج ● انا نحن نحيي و
روزی که بشنوند بانگی بحق آنست روز بیرون آمدن از گور بدرستی که ما زنده کنیم
نميت والينا المصير ● يوم تشقق الارض عنهم سراعا ذلك
و بمیرانیم و بماست بازگشت روزی که بشکافد زمین از ایشان شتابان آن
حشر علينا يسير ● نحن اعلم بما يقولون ● وما انت عليهم
حشر کردن بر ما آسانست ما داناتریم بدانچه میگویند و نیستی تو بر ایشان
بجبار ● فذكر بالقران من يخاف وعيد ●
گردنکش پس پند ده بقرآن آنرا که بترسد از وعده من

سورة الذاريات ستون اية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والذاريات ذروا ● فالحاملات وقرا ● فالجاريات يسرا ● فالمقسمات
بحق بادهای خاک پاشنده خاک پاشیدنی پس بحق ابرهای بارنده بار انبارها پس بحق کشتیهای رونده بسهولت
امرا ● انما توعدون لصادق ● وان الدين لواقع ● والسماء
کارها را بدرستی که آنچه وعده داده میشوید شما راست است و بدرستی که جزا هر آینه واقعست و بحق آسمان
ذات الحبك ● انكم لفي قول مختلف ● يؤفك عنه من افك
خداوند راهها بدرستی که شما هر آینه در گفتاری مختلفید [illegible] ازان [illegible]

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ
لعنت کرده شدند دروغ دارندگان آنهایی که ایشان در مستی اند خوش عیشان می پرسند از تو که کی خواهد بود روز

الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا
جزا و قیامت روزی که ایشان بر آتش تابانیده شوند گویند ایشان را درچشید آزمایش خود را این است

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
آنچه شما بدان شتاب میخواستید بدرستی که پرهیزکاران در بستانها و چشمها باشند

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ
فرو گیرندگان آنچه بداد ایشان را پروردگار ایشان بدرستی که ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ
بودند اندکی از شب که خواب میکردند و بسحرگاهان ایشان آمرزش میخواستند

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ
و در مالهای ایشان حقی بود خواهنده و نخواهنده را و در زمین نشانها است مر بی گمان شوندگان را

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا
و در تنهای شما نیز ای پس نه بینید و در آسمان روزی شما است و آنچه

تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ
وعده میدهید پس بحق پروردگار آسمان و زمین بدرستی که آن حق است مانند آنچه شما سخن میکنید

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ
آیا آمد بتو سخن مهمانان ابراهیم گرامی کردگان چون در رفتند برو

فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ
پس گفتند سلام باد بر تو گفت سلام بر شما باد قومی ناشناخته که نشناسم شما را پس برفت بسوی اهل خویش پس آورد

بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ
گوساله فربه را پس نزدیک گردانید ایشان را گفت ای نمیخورید پس در دل خود گذاشت از ایشان

خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ
ترسی گفتند مترس و بشارت دادند او را بفرزندی دانا پس روی فرا کرد زن او

فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝ قَالُوا كَذَٰلِكِ
در اختلافی بود پس فرا کرد روی خود را و گفت من پیره زنی نازاینده ام گفتند همچنین است

قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا
گفت پروردگار تو که او [illegible] حکم کار دانا گفت پس چیست حال و کار شما ای

الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً
رسولان گفتند بدرستی که ما فرستاده شده ایم بگروه گناهکاران تا فرو فرستیم بر ایشان سنگها را

الجزء ٢٧

مِنْ طِينٍ ۝ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ
از گل نشان کرده نزدیک پروردگار تو برای گزافکاران پس بیرون آوردیم آنرا که بود

فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَ
در آنجا از مؤمنان پس نیافتیم در آنجا جز خانه از مسلمانان و

تَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي مُوسَىٰ
بگذاشتیم در آنجا نشانی آنانرا که میترسند از عذاب دردناک و در قصه موسی

إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ • فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ
چون بفرستادیم او را بسوی فرعون بحجتی روشن پس برگشت بدعای خود و گفت این جادوی است
أَوْ مَجْنُونٌ • فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ
یا دیوانه پس بگرفتیم او را و لشکرهای او را پس انداختیم ایشانرا در دریا و او سزاوار ملامت بود
وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ • مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ
و در قصه قوم هود چون بفرستادیم بریشان بادی سخت بهنده از بر بگنده نمی گذاشت هیچ چیزی که آمد
عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ • وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا
بر آن مگر که بگردانیدی آنرا همچون پوسیده و ریزیده و در قصه قوم صالح چون گفت مر ایشانرا بر خوردار باشید
حَتَّىٰ حِينٍ • فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ
تا هنگامی پس از حد در گذشتند از فرمان پروردگار خود پس بگرفت ایشانرا بانگی و ایشان
يَنْظُرُونَ • فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ
می نگریستند پس توانایی نداشتند هیچ ایستادنی و نبودند دادستانندگان
وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ • وَالسَّمَاءَ
و در قصه قوم نوح از پیش بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان و آسمان
بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ • وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ
بنا کردیم آنرا بقدرت و بدرستی که ما توانگریم و زمین را که گستردیم آنرا پس نیکو
الْمَاهِدُونَ • وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
گسترندگانیم و از هر چیزی آفریدیم دو صنف تا بود که شما پند گیرید

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ • وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا
پس در گریزید با خدا بدرستی که من مر شما را از او بیم کننده روشنم و بدید مکنید با خدای خدای
آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ • كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ
دیگر را بدرستی که من مر شما را از او بیم کننده روشنم همچنین نیامد بدانها که
قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ • أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ
پیش از ایشان بودند هیچ رسولی مگر که گفتند که او ساحر است یا دیوانه است […]
قَوْمٌ طَاغُونَ • فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ • وَذَكِّرْ فَإِنَّ
گروهی طاغیانند پس برگرد از ایشان پس نیستی تو ملامت زده و پند ده که
الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ • وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ
پند سود دهد مؤمنانرا و نیافریدم پری و آدمی را مگر که مرا بپرستند
مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ • إِنَّ اللَّهَ
نمیخواهم از ایشان هیچ روزی و نمیخواهم که طعام دهند مرا بدرستی که خدا
هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ • فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ
اوست روزی دهنده خداوند قوت محکم پس بدرستی که آنانرا که ستم کردند نصیبی مانند نصیبهای
أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ • فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ
اصحاب ایشان پس بشتاب مکنید پس وای مر آنهارا که کافر شدند
الَّذِي يُوعَدُونَ
آنکه وعده میداده شدند ایشانرا

سورة الطور تسع واربعون

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالطُّورِ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ
وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ مَا لَهُ مِنْ
دَافِعٍ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ
نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ أَفَسِحْرٌ
هَٰذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ
عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي
جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ

عَذَابَ الْجَحِيمِ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ مُتَّكِئِينَ
عَلَىٰ سُرُرٍ مَصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا
وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ
مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ
وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا
كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ
كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ
قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا
وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ فَذَكِّرْ

شاعر

فما انت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون ۝ ام يقولون

پس نیستی تو بنعمت پروردگار خود زانندکوی و نه دیوانه یا میگویند

نتربص به ريب المنون ۝ قل تربصوا فاني معكم من المتربصين

ما چشم میداریم بدو حادثهٔ زمانه را بگو چشم دارید که من با شما از جملهٔ چشم دارندگانم

ام تأمرهم احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون ۝ ام يقولون

یا میفرماید ایشانرا سوگندهای ایشان بدین یا ایشان گروهی طاغیانند یا میگویند

تقوله بل لا يؤمنون ۝ فليأتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين

از خود بربافته است بلکه نمی گروند پس باید که بیاورند سخنی مانند آن اگر هستند راست گویان

ام خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون ۝ ام خلقوا السموات

یا ایشانند آفرینندگان یا آفریدند آسمانها

والارض بل لا يوقنون ۝ ام عندهم خزائن ربك ام هم

و زمین را بلکه یقین نمیشوند یا نزدیک ایشانست خزینهای پروردگار تو یا ایشان

المسيطرون ۝ ام لهم سلم يستمعون فيه فليأت مستمعهم

یا مر ایشانراست نردبانهای که گوش باز میدارند در آن پس باید که آورد گوش دارنده ایشان

بسلطان مبين ۝ ام له البنات ولكم البنون ۝ ام تسئلهم

حجتی روشن را یا مر اوراست دختران و مر شماراست پسران یا میخواهی تو از ایشان

اجرا فهم من مغرم مثقلون ۝ ام عندهم الغيب فهم

مزدی پس ایشانند از آن تاوان گران بار شده یا نزد ایشانست علم غیب پس ایشان

يكتبون ۝ ام يريدون كيدا فالذين كفروا هم المكيدون

بازمی نویسند یا میخواهند کیدی و حیله پس آنها که کافر شدند ایشان کید میکنند

ام لهم اله غير الله سبحان الله عما يشركون ۝ وان يروا كسفا

یا مر ایشانراست خدائی جز از معبود بسزا پاک و منزه است خدا از آنچه انباز فرا میدارند و اگر بینند پاره افتاده

من السماء ساقطا يقولوا سحاب مركوم ۝ فذرهم حتى يلاقوا

از آسمان پاره گویند این ابریست برهم نشسته پس بگذار ایشانرا تا باز رسند

يومهم الذي فيه يصعقون ۝ يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئا

بروز ایشان آنروزی که در آن بیهوش اند آنروز بکار نیاید چیزی

ولا هم ينصرون ۝ وان للذين ظلموا عذابا دون ذلك ولكن

و نه ایشانرا یاری کنند و بدرستی که مر آنهارا که ستم کردند عذابی بود جز ازین و لیکن

اكثرهم لا يعلمون ۝ فاصبر لحكم ربك فانك باعيننا و

بیشترین ایشان نمی دانند پس صبر کن مر حکم پروردگار خودرا پس بدرستی که تو بنگاهداشت مائی

سبح بحمد ربك حين تقوم ۝ ومن الليل فسبحه وادبار

و تسبیح کن بستایش پروردگار خود هنگامی که برخیزی و بعضی از شب پس تسبیح کن اورا و از پس فرو

سورة النجم اثنتان وستون آية مكية

النجوم

سوره ستارگان

بسم الله الرحمن الرحيم

والنجم اذا هوى ۝ ما ضل صاحبكم وما غوى ۝ وما ينطق عن الهوى
بحق ستاره ... بضلالت منسوب نیست صاحب شما که محمد است و از سر خود سخن نگوید
ان هو الا وحی یوحی ۝ علمه شدید القوی ۝ ذو مرة فاستوی
نیست آن مگر وحی که وحی کرده میشود در آموخت او را جبرئیل سخت با قوت
وهو بالافق الاعلی ۝ ثم دنی فتدلی ۝ فکان قاب قوسین او ادنی
پس نزدیک شد پس بود
فاوحی الی عبده ما اوحی ۝ ما کذب الفؤاد ما رای ۝ افتمارونه
پس وحی کرد بسوی بنده خود آنچه وحی کرد دروغ نداشت دل محمد آنچه دید ای پیکار میکنید او را
علی ما یری ۝ ولقد راه نزلة اخری ۝ عند سدرة المنتهی
بر آنچه دید و بدرستی که دید نزدیک سدرة المنتهی
عندها جنة الماوی ۝ اذ یغشی السدرة ما یغشی ۝ ما زاغ البصر
نزدیک آن است بهشت جاوید
وما طغی ۝ لقد رای من ایات ربه الکبری ۝ افرایتم اللات
بدرستی که دید او از نشانهای پروردگار خود بزرگتر ای آیا دیدید
والعزی ۝ ومنوة الثالثة الاخری ۝ الکم الذکر وله الانثی
و عزی را و آن بت سیوم دیگر را ای مر شماست نرینه و مر او راست ماده
تلک اذا قسمة ضیزی ۝ ان هی الا اسماء سمیتموها انتم و
آنگه آن قسمتی ... نیستند آنها مگر نامهایی که نام نهاده اند آنرا شما

اباؤکم ما انزل الله بها من سلطان ان یتبعون الا الظن وما
و پدران شما آنچه فرو نفرستاد خدا بدان هیچ حجتی پیروی نمیکنند مگر گمانی را و آنچه
تهوی الانفس ولقد جاءهم من ربهم الهدی ۝ ام للانسان
آرزو کنند تنها و بدرستی که آمد بدیشان از پروردگار ایشان راه یا مر آدمی راست
ما تمنی ۝ فلله الاخرة والاولی ۝ وکم من ملک فی السموات
آنچه آرزو کند پس مر خدای راست آخرت و دنیا و بسا از فرشتگان که در آسمانها
لا تغنی شفاعتهم شیئا الا من بعد ان یاذن الله لمن یشاء
که بکار نیاید شفاعت ایشان چیزی مگر از پس آنکه دستوری دهد خدا آنرا که خواهد
ویرضی ۝ ان الذین لا یؤمنون بالاخرة لیسمون الملئکة تسمیة
و پسندد بدرستی که آنانکه نمی گروند بسرای آخرت هر آینه نام می نهند فرشتگان را نام
الانثی ۝ وما لهم به من علم ان یتبعون الا الظن وان الظن
مادینه و نبود مر ایشانرا بدان هیچ دانشی پیروی نمیکنند مگر گمانی را و بدرستی که گمان
لا یغنی من الحق شیئا ۝ فاعرض عن من تولی عن ذکرنا ولم یرد الا
بکار نیاید از حق چیزی را پس بگرد از آنکه برگشت از یاد ما و نخواست مگر
الحیوة الدنیا ۝ ذلک مبلغهم من العلم ان ربک هو اعلم بمن
زندگانی دنیا را آن است مبلغ ایشان از دانش بدرستی که پروردگار تو او داناتر است بآنکه
ضل — گمره شد
عن سبیله وهو اعلم بمن اهتدی ۝ ولله ما فی السموات وما فی
از راه او و او داناتر است بآنکه راه یافت و مر خدای راست آنچه در آسمانها است و آنچه در

الأرض ليجزي الذين أساؤوا بما عملوا ويجزي الذين أحسنوا

زمینست تا پاداشت دهد آنها را که بدی کردند بآنچه کردند و پاداشت دهد آنها را که نکوی کردند

بالحسنى ۝ الذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش إلا اللمم

بهشت که دوری جستند از گناهان بزرگ و ناشایست مگر گناه خورد

إن ربك واسع المغفرة ۝ هو أعلم بكم إذ أنشأكم

درستی که پروردگار تو فراخ آمرزش است داناترست بشما چون آفرید شما را

من الأرض وإذ أنتم أجنة في بطون أمهاتكم فلا تزكوا أنفسكم

از زمین و چون شما در شکمهای مادران خود بودید پس

هو أعلم بمن اتقى ۝ أفرأيت الذي تولى ۝ وأعطى قليلا وأكدى

او داناترست بآنکه پرهیزکاری نمود ای پس دیدی تو آنرا که برگشت و عطا داد اندکی

أعنده علم الغيب فهو يرى ۝ أم لم ينبأ بما في صحف موسى

ای نزد اوست علم غیب پس او می بیند یا آگاه نیده نشد بدانچه در صحف موسی است

وإبراهيم الذي وفى ۝ ألا تزر وازرة وزر أخرى ۝ وأن

و ابراهیم آنکه وفا نمود که برندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را وآنکه

ليس للإنسان إلا ما سعى ۝ وأن سعيه سوف يرى ۝ ثم يجزاه

نیست مرادمی را مگر آنچه سعی نمود وآنکه سعی او زود بود که ببینید پس پاداش دهند او را

الجزاء الأوفى ۝ وأن إلى ربك المنتهى ۝ وأنه هو أضحك وأبكى

پاداشتی تمام وآنکه با پروردگار تست نهان کار وانکه او بخندانید و گریانید

وأنه هو أمات وأحيا ۝ وأنه خلق الزوجين الذكر والأنثى

وآنکه او میرانید و زنده کردانید وآنکه او آفرید دو صنف را نرینه و مادینه

من نطفة إذا تمنى ۝ وأن عليه النشأة الأخرى ۝ وأنه هو أغنى

از نطفه که چون در رحم ریخته شود وآنکه بروست زنده کردن دیگر باره وآنکه او توانگر کرد

وأقنى ۝ وأنه هو رب الشعرى ۝ وأنه أهلك عادا الأولى ۝ وثمود

و درویش کند وآنکه اوست پروردگار ستاره [illegible] وآنکه او هلاک کرد عاد پیشینه را و قوم صالح را

فما أبقى ۝ وقوم نوح من قبل إنهم كانوا هم أظلم وأطغى ۝ و

پس باقی نگذاشت وقوم نوح را از پیش بدرستی که ایشان بودند ستمکارتر و طاغی تر

المؤتفكة أهوى ۝ فغشاها ما غشى ۝ فبأي آلاء ربك تتمارى

[illegible] پس بکدام نعمتهای پروردگار خود را بشک میشوید

هذا نذير من النذر الأولى ۝ أزفت الآزفة ۝ ليس لها من دون الله

این محمد بیم کننده ایست از بیم کنندگان پیشین [illegible] نزدیک قیامت نیست برانرا از جز خدا

كاشفة ۝ أفمن هذا الحديث تعجبون ۝ وتضحكون ولا

بردارنده ای پس ازین سخن عجب میدارند و میخندند

تبكون ۝ وأنتم سامدون ۝ فاسجدوا لله واعبدوا

نمی گریند وشما [illegible] پس سجده کنند مرخدا را و بپرستید

سنت سجده

سورة القمر خمس وخمسون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۝ وَاِنْ يَرَوْا اٰيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا

نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه واگر ببینند نشانی رو گردانند و گویند

سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ۝ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا اَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ اَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ

این جادوئی مستمر سخت است و دروغ دارند و پیروی کنند مرادهای خود را و هر کاری آرام گیرنده بود

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْاَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۝ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ

و بدرستی که آمد بدیشان از خبرهای آنچه در آن باز زدنی حکمتی رسنده

فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ اِلٰى شَيْءٍ نُكُرٍ

پس چه بکار آیند از بیم کنندگان پس برگرد از ایشان روزی که خواند خواننده بچیزی عجیب

خُشَّعًا اَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْاَجْدَاثِ كَاَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ

خاضع باشند بینائیهای ایشان بیرون آیند از گورها گوئیا که ایشان ملخهای پراکنده باشند

مُهْطِعِينَ اِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ۝ كَذَّبَتْ

شتابنده بسوی خواننده گویند کافران این روزی دشوار است بدروغ داشتند

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

پیش از ایشان قوم نوح پس بدروغ داشتند بنده ما را و گفتند دیوانه است و برانیدندش

فَدَعَا رَبَّهُ اَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ ۝ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

پس بخواند پروردگار خود را که من مغلوبم پس داد من بستان پس بگشودیم درهای آسمان را بآبی ریزنده

وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلٰى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ ۝ وَحَمَلْنَاهُ عَلٰى

و روان گردانیدیم ما در زمین چشمهای پس ملتقی شد آب و در نشاندیم ما او را بر

ذَاتِ اَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ۝ تَجْرِي بِاَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ۝ وَلَقَدْ

چوبهای صفا و تد میسمارها که میرفت بنگهداشت ما پاداشتی مرا آنرا که کافر شد و بدرستی

تَرَكْنَاهَا اٰيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَ

که بگذاشتیم آنرا برای نشانی پس ای هست هیچ پندگیرنده پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من

لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ

و بدرستی که آسان کردیم ما این قرآن را برای پند پس ای هست هیچ پندگیرنده بدروغ داشتند

عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا

قوم هود بیم کننده کان را پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من بدرستی که فرستادیم ما بر ایشان بادی سخت جهنده

فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ۝ تَنْزِعُ النَّاسَ كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ

در روزی شوم پاینده و دائم برمیکند مردمان را گوئیا که ایشان تنهای خرمابنان بودند افتاده

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ

پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من و بدرستی که آسان کردیم ما قرآن را برای پند پس ای

مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ۝ فَقَالُوا اَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا

هیچ پندگیرنده بدروغ داشتند قوم صالح بیم کننده کان را پس گفتند ای آدمی از ما یگانه بود

نَتَّبِعُهُ اِنَّا اِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۝ ءَاُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا

پیروی کنیم او را بدرستی که آنگه در گمراهیم و در دیوانگی ای انداخته شد پند برو از میان ما

بل هو كذاب اشر • سيعلمون غدا من الكذاب

بلک او سخت دروغ گوی بدکارست زود بدانند فردا قیامت که کیست دروغ گوی

الاشر • انا مرسلوا الناقة فتنة لهم فارتقبهم

بدکار بدرستی که ما فرستنده ایم ناقه را سبب آزمایش مر ایشانرا پس چشم دار ایشانرا

واصطبر • ونبئهم ان الماء قسمة بينهم كل شرب محتضر

و شکیبایی نمای و بیاگاهان ایشانرا که آب قسمتست میان ایشان هر گروهی را قسمت

فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر • فكيف كان عذابي ونذر

پس برخواندند صاحب خود را پس … پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من

انا ارسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر

بدرستی که بفرستادیم ما بر ایشان یک بانگ زدنی پس شدند همچون

ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر • كذبت

و بدرستی که آسان کردانیدیم ما قرآنرا از بهر پند گرفتن پس هست هیچ پند گیرنده بدروغ داشتند

قوم لوط بالنذر • انا ارسلنا عليهم حاصبا الا آل لوط

قوم لوط بیم کنندگانرا بدرستی که بفرستادیم ما بر ایشان سنگباران مگر کسان لوط

نجيناهم بسحر • نعمة من عندنا كذلك نجزي من شكر

که برهانیدیم ما ایشانرا بسحرگاهان نعمتی از نزدیک ما همچنین پاداش دهیم آنرا که سپاس گزارد

ولقد انذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر • ولقد راودوه

و بدرستی که بیم کرد ایشانرا گرفتن ما پس شک شدند در بیم کنندگان و بدرستی که ازو خواستند

عن ضيفه فطمسنا اعينهم فذوقوا عذابي ونذر

از مهمانان او پس محو کردیم ما چشمهای ایشانرا پس بچشید عذاب مرا و بیم کردن مرا

ولقد صبحهم بكرة عذاب مستقر • فذوقوا عذابي

و بدرستی که بگرفت ایشانرا در بامدادان عذابی آرامگیرنده پس بچشید عذاب مرا

ونذر • ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر • ولقد

و بیم کردن مرا و بدرستی که آسان کردیم ما قرآنرا از بهر پند گرفتن پس هست هیچ پند گیرنده و بدرستی

جاء آل فرعون النذر • كذبوا بآياتنا كلها فاخذناهم اخذ

که آمد بآل فرعون بیم کنندگان بدروغ داشتند نشانهای ما را همه آن پس بگرفتیم ما ایشانرا گرفتن

عزيز مقتدر • اكفاركم خير من اولئكم ام لكم براءة في

خدای غالب توانا ای کفار شما بهتر از ایشان یا مر شماراست بیزاری در

الزبر • ام يقولون نحن جميع منتصر • سيهزم الجمع ويولون الدبر

کتابها یا میگویند ما جمعی کینه کشیم زود بهزیمت کرده شوند همه و برگردانند پشتها را

بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر • ان المجرمين في

بلک قیامت وعده گاه ایشانست و قیامت سخت تر و تلخ تر بدرستی که کافران

ضلال وسعر • يوم يسحبون في النار على وجوههم ذوقوا مس سقر

در گمراهی باشند و آتش افروخته روزی که کشیده شوند در آتش بر رویهای ایشان بچشید رسیدن دوزخ

انا كل شيء خلقناه بقدر • وما امرنا الا واحدة كلمح

بدرستی که ما همه چیزی بیافریدیم آنرا باندازه و نیست فرمان ما مگر یکی

بِالْبَصَرِ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۝ وَكُلُّ
چشم و بدرستی که هلاک کردیم ما گروهان شما را پس آیا هست هیچ پند گیرنده و هر
شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ۝ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ۝ إِنَّ
چیزی کردند آنرا در صحیفه اعمال هر یک و هر کوچک و بزرگی نوشته است بدرستی
الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ۝ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ ۝
که پرهیزکاران در بهشتها و جویها باشند در جایگاهی خوب نزد پادشاه قادر توانا

سورة الرحمن عز وجل ثمان وسبعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای روزی دهنده مهربان
الرَّحْمَٰنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
خدای روزی دهنده در آموخت ... بقلم آفرید آدمی را در آموخت او را بیان سخن آفتاب و ماه
بِحُسْبَانٍ ۝ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ
بحساب میروند و ستارگان و درختان او را سجود میکنند و آسمان برافراشت آنرا و بنهاد
الْمِيزَانَ ۝ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ۝ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا
ترازو اعمال را تا آنکه ... در ترازو و برکشید ترازو را بعدالت و باز مکاهید
الْمِيزَانَ ۝ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ۝ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ
ترازو را و زمین بگسترانید آنرا در آنجا هست میوها و ... خرما بنها خداوند

نصف

الْأَكْمَامِ ۝ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
خوشها و دانه خداوند ... پس بکدام این نعمتها پروردگار خود
تُكَذِّبَانِ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۝ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ
دروغ میدارید ای جن و انس آفرید آدمی را از گل دو پخته همچون ... و آفرید ... از
مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ
زبانه از آتش پس بکدام این نعمتها دروغ میدارید اوست پروردگار مشرق
رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ
و پروردگار مغرب پس بکدامین دروغ میدارید برهم گشود دو دریا را
يَلْتَقِيَانِ ۝ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
که بهم رسیده میشوند میان ایشان ... پس بکدامین دروغ میدارید
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
بیرون آورد از آن دو دریا مروارید و مرجان و جواهرها پس بکدامین دروغ میدارید
وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
و مر او راست کشتیها بادبانها برکشیده در دریا همچون کوهها پس بکدامین دروغ میدارید
كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۝ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
هر که بر روی زمین است فانی گردد و باقی ماند ذات پاک پروردگار تو ... بزرگی و کرامت
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۝ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ
پس بکدامین دروغ میدارید ... ازو آنکه در آسمانهاست و زمین هر

يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ سَنَفْرُغُ

هر روزی او در شغلیست پس بکدامین نعمتهای پروردگار خود بدروغ میدارید زود فارغ شویم حساب

لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ يَا مَعْشَرَ

شما کنیم ای گروه جن وانس پس بکدامین بدروغ میدارید ای گروه

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

پری وآدمی اگر توانائی داشته باشید که از کنارهای آسمانها وزمین

فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس بیرون روید بیرون نتوانید رفت مگر بحجتی پس بکدامین نعمتهای پروردگار

تُكَذِّبَانِ ۞ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

بدروغ میدارید بفرستند بر شما زبانه از آتش و دود

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً

پس بکدامین بدروغ میدارید پس چون شکافته شود آسمان پس

كَالدِّهَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ

پس بکدامین بدروغ میدارید پس آن روز نپرسند

عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ يُعْرَفُ

از گناه او هیچ آدمی و نه پری پس بکدامین بدروغ میدارید شناخته شوند

الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

گناهکاران بنشان ایشان پس گرفته شوند بموی پیشانی و قدمها پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ ۞ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ۞ يَطُوفُونَ

بدروغ میدارید اینست دوزخ آنکه بدروغ میداشتند آنرا کافران گرد بر گردند

بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ وَلِمَنْ خَافَ

میان آن و میان آب گرم بغایت گرم پس بکدامین بدروغ میدارید و مر آنرا که بترسید

مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

پروردگار خود دو بوستان بود پس بکدامین

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس بکدامین بدروغ میدارید در آن دو بوستان دو چشمه روان باشند پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

بدروغ میدارید در آن دو باشد از همه میوهای دو نوع پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ ۞ مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى

بدروغ میدارید تکیه زنندگان باشند بر فرشها که آسترهای آن از استبرق باشد

الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ

بوستانها نزدیک بود پس بکدامین بدروغ میدارید در آنها زنان بازبسته

الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

چشم که نپسوده باشد ایشانرا هیچ آدمی پیش از ایشان و نه پری پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ ۞ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۞ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بدروغ میدارید گوئیا ایشان یاقوت اند و مرجان پس بکدامین بدروغ میدارید

هَلْ جَزَآءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • وَمِنْ

آیا هیچ بود پاداشت نیکو مگر نیکوئی پس بکدامین بدروغ میدارید واز

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • مُدْهَامَّتَانِ • فَبِأَيِّ

جز آن بستان دو بستان دیگر بود پس بکدامین بدروغ میدارید [illegible] پس

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ

بکدامین بدروغ میدارید در آن دو بستان دو چشمه باشد که از خود بر جوشد پس بکدامین

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ • فَبِأَيِّ آلَاءِ

بدروغ میدارید در آن دو میوها باشد و خرما بستانها و انار بستانها پس بکدامین

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

بدروغ میدارید در آن بستانها زنان نیکو و خوب روی باشند پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بدروغ میدارید حور العین [illegible] در خیمها پس بکدامین بدروغ میدارید

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

[illegible] پیش از ایشان و نه هیچ پری پس بکدامین بدروغ میدارید

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

تکیه زنندگان بر [illegible] سبز و [illegible] نیکو پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

بدروغ میدارید بزرگوار است نام پروردگار تو خداوند بزرگواری و کرامت

سورة الواقعة ست وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ • لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ • خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ

چون واقع شود واقعه قیامت نیست مر وقوع آنرا هیچ دروغی [illegible]

إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا • وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا • فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا

چون در جنبانیده شود [illegible] و روان کرده شوند کوهها روان [illegible] پس باشند

وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً • فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

و باشید شما صنفها سه گانه پس اصحاب دست راست چه نیکی باشند اصحاب دست راست

وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ • وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

و اصحاب دست چپ چه بدبخت باشند اصحاب دست چپ و پیشی گیرندگان بخیرات پیشی گیرندگان

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ • فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ • ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ • وَقَلِيلٌ

[illegible] نزدیکان باشند در بستانهای پر نعمت گروهی از اولینان و اندکی

مِنَ الْآخِرِينَ • عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ • مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ

از آخرینان بر تختهائی [illegible] تکیه زنندگان بر آن تختها روی با یکدیگر کنندگان

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ • بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ

گرد آیند بر ایشان کودکانی باقی [illegible] بکوزها و ابریقها و [illegible]

مِن مَّعِينٍ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا
از چشمهای بهشت درد سر نکشند از آن و میوه‌های بسیار از آنچه
يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ
اختیار کنند و گوشت مرغان از آنچه آرزو کنند و حور العینان همچون باشند
اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَا يَسْمَعُونَ
مروارید پنهان داشته در صدف پاداشت بدانچه ایشان کردند نشنوند
فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا وَأَصْحَابُ
در آنجا بیهوده ناگوهای و نه بزه مگر گفتار سلامی بر سلامی و اصحاب
الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ
دست راست چه نیکویی باشند اصحاب دست راست در
وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ
و سایه کشیده و آب ریخته و میوه‌های بسیار نه بازبریده
وَلَا مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ
و نه منع کرده از تناول آن و فرشها بر افراشته ما بیافریدیم آنها را آفریدنی پس گردانیدیم آنها را
أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَ
بکران شوی‌دوستان همسالان اصحاب دست راست گروهی از اولینیان
ثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي
و گروهی از آخرینان و اصحاب دست چپ چه بدبخت باشند اصحاب دست چپ در

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا
بادی گرم و آبی گرم باشند و سایه از دود نه سرد و نه بوم بدرستی که ایشان بودند
قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ
پیش از این در دنیا متنعمان و بودند مصری شدند بر گناه بزرگ
وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
و بودند میگفتند ای چون بمیریم و باشیم ما خاکی و استخوانهای آیا برانگیخته‌شدگانیم
أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ
یا پدران ما اولینیان بگو بدرستی خلق اولین و آخرین هرآینه جمع کردگان باشید
مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ
در میقات روز دانسته را پس بدرستی که شما ای گمراهان بدروغ دارندگان
لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ
هرآینه خورندگان باشند از درخت زقوم پس پر کنندگان از آن شکمها را آشامندگان
عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ
بر سر آن از آب گرم پس آشامندگان باشند این است روز
الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ
قیامت ما آفریدیم شما را پس چرا راست نمیدارید آیا می‌بینید آنچه
أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ
آیا شما آفریدید آنرا یا ما آفرینندگان ما تقدیر کردیم میان شما مرگ

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِيمَا

ونباشیم ما پیشی گرفتگان برآنک بدل کنیم مانند شما را وآفرینیم شما را در آنچه

لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

ندانستید شما وبدرستی که دانستید شما آفریدن اول را پس چرا پند نمیگیرید

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ۝ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ

لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ

مَحْرُومُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۝ أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ

الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا

تَشْكُرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ۝ أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ

شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا

لِلْمُقْوِينَ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

پس تسبیح کن بنام پروردگار بزرگوار پس سوگند میخورم

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ۝ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ

أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَا

إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ ۝ وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ ۝ وَنَحْنُ أَقْرَبُ

إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ۝ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ

مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

الْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ ۝ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ۝ وَأَمَّا إِنْ كَانَ

مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ ۝ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ۝ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۝ إِنَّ

هٰذا لهو حق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم

که این مرانه حقیقت دیقین پس تسبیح کن بنام پروردگار خود بزرگوار

سورة الحديد تسع وعشرون اية مدنية

بسم الله الرحمٰن الرحيم

روزی دهنده مهربان خدای بنام ۵

سبح لله ما في السمٰوات والأرض وهو العزيز الحكيم ۝ له ملك

پاکی یاد کرد مر خدایرا آنکه در آسمانها و آنکه در زمینست و اوست غالب محکم کار مر او راست پادشاهی

السمٰوات والأرض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۝ هو

در آسمانها و زمین زنده کند و بمیراند و او بر همه چیزی توانا است او

الأول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۝ هو

اول ابتدا و آخر انتها و ظاهر و پنهان و او بهمه چیزها داناست او

الذي خلق السمٰوات والأرض في ستة أيام ثم استوى على العرش

آن خدائی که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس غالب شد بر عرش

يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج

میداند آنچه در می آید در زمین و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرو میفرستند از آسمان و آنچه بالا میرود

فيها وهو معكم أين ما كنتم والله بما تعملون بصير ۝

در آن و او با شماست هر کجا که باشید شما و خدا بآنچه شما میکنید بیناست

له ملك السمٰوات والأرض وإلى الله ترجع الأمور ۝ يولج الليل في

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین و با خداست بازگشت کارها در می آورد شب را در

النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور ۝

روز و در می آورد روز را در شب و او داناست بسرائر سینها

آمنوا بالله ورسوله وأنفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه

بگروید بخدا و به پیغامبر او و نفقت کنید از آنچه کرد شما را کارشکنان در آن

فالذين آمنوا منكم وأنفقوا لهم أجر كبير ۝ وما لكم

پس آنانکه بگرویدند از شما و نفقت کردند مر ایشانرا بود مزدی بزرگ و چیست مر شما را

لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد

که نمی گروید بخدا و رسول میخواند شما را تا بگروید بپروردگار خود و بدرستی

أخذ ميثاقكم إن كنتم مؤمنين ۝ هو الذي ينزل على

که فرا گرفت عهد را از شما اگر هستید شما مؤمنان اوست آن خدائی که فرو میفرستد بر

عبده آيات بينات ليخرجكم من الظلمات إلى النور وإن الله

بنده خود نشانهای روشن را تا بیرون آورد شما را از تاریکیهای کفر بنور ایمان و بدرستی که خدا

بكم لرؤوف رحيم ۝ وما لكم ألا تنفقوا في سبيل الله ولله

بشما مرانه مهربانست و رحمت کننده و چیست مر شما را که نفقت نمیکنید در راه خدا و مر خدا راست

ميراث السمٰوات والأرض لا يستوي منكم من أنفق من قبل الفتح

میراث آسمانها و زمین یکسان نیستند از شما آنکه نفقت کرد پیش از فتح

وقاتل أولئك أعظم درجة من الذين أنفقوا من بعد وقاتلوا
و کارزار کرد آن بزرگترند بمرتبه و درجات از آنها که نفقه کرد از پس فتح و کارزار کرد
وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون خبير ● من ذا
و همه را وعده داد خدا بهشت و خدا بآنچه شما میکنید آگاهست کیست
الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له وله أجر
آنکه قرض دهد خدا را قرضی نیکو پس دو چندان گرداند آنرا برای او و مر او را بود مزدی
كريم ● يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين أيديهم
نیکو روزی که بینی مردان مؤمن و زنان مؤمنه را شتابد نور ایشان از پیش ایشان
وبأيمانهم بشراكم اليوم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين
و از جانب راست ایشان گویند ایشانرا بشارت باد شما را امروز ببستانهایی که رود از زیر آن جویها همیشه باشید
فيها ذلك هو الفوز العظيم ● يوم يقول المنافقون والمنافقات
در آنجا آنست آن رستگاری بزرگ روزی که گویند مردان منافق و زنان منافقه
للذين آمنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم
مر آنها را که بگرویده باشند بنگرید بما تا ما بهره گیریم از نور شما گویند ایشانرا باز گردید و بنگرید واپس خود
فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه
پس التماس کنید نوری را پس پدید کرده شود میان ایشان حائلی که مر آنرا بود دری که باطن آن در آن بود
الرحمة وظاهره من قبله العذاب ينادونهم ألم نكن
رحمت و ظاهر آن از پیش آن عذاب بود بخوانند ایشانرا ای نبودیم ما

معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم وتربصتم وارتبتم
با شما گویند آری و لیکن شما بودید که آزمودید تنهای یکدیگر را درکشیدید
وغرتكم الأماني حتى جاء أمر الله وغركم بالله الغرور ● فاليوم
و بفریفت شما را آرزوها تا آمد فرمان خدا و بفریفت شما را بخدا فریبنده پس امروز
لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا مأواكم النار هي
و انگیرند از شما بدلی و نه از آنها که کافر شدند و جایگاه شما آتش بود آنست
مولاكم وبئس المصير ● ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم
جایگاه شما و بد بازگشتیست دوزخ ای وقت نیامد مر آنها را که بگرویدند که خاضع شوند دلهای ایشان
لذكر الله وما نزل من الحق ولا يكونوا كالذين أوتوا الكتاب
بیاد کرد خدا و آنچه فرو فرستاد از حق و نباشند همچون آنها که بداده شد ایشانرا
من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم وكثير منهم
از پیش پس دراز شد بر ایشان امید پس سخت شد دلهای ایشان و بسیاری از ایشان
فاسقون ● اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها قد بينا لكم
فاسقانند بدانید که خدا زنده کند زمین را پس از مرگ آن بدرستی که روشن کردیم برای شما
الآيات لعلكم تعقلون ● إن المصدقين والمصدقات
نشانها را تا بود که شما استعمال عقل کنید بدرستی که مردان راستگوی و صدقه دهنده و زنان همچنان
وأقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم ولهم أجر كريم
و قرض دهند خدا را قرضی نیکو دو چندان گرداند مر ایشانرا و مر ایشانرا بود مزدی نیکو

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِندَ
وآنها که بگرویدند بخدا و رسولان او آن گروه ایشانند راست گویان وگواهان نزد
رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
پروردگار خود مرایشانرا بود مزد ایشان و روشنای ایشان وآنها که کافر شدند و دروغ داشتند نشانهای ما را
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ
آن گروه اصحاب دوزخ اند بدانید که زندگانی دنیا بازی و ناز و جاهلیت
وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ
وآرایش و فخر آوردن میان یکدیگر و بسیار کردن در مالها و فرزندان همچون مثل
غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا
بارانی که بشگفت آورد برزیگران را رستنی آن پس پس بینی آنرا زرد پس باشد درهم
وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ
و در آخرت عذابی سخت بود وآمرزشی از خدا و خشنودی او ونیست زندگانی
الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
دنیا مگر برخورداری فریفت پیشی گیرید بآمرزشی از پروردگار خود
وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا
وبهشتی که پهنای آن همچون پهنای آسمانها و زمین بود معد ساخته مرآنها را که بگرویدند
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
بخدا و رسولان او آنست فضل خدا بدهد آن آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست

مَا أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ
نرسید هیچ رسنده در زمین و نه در تنهای شما مگر که در لوح المحفوظ از پیش آن
أَن نَّبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ لِّكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا
ثبت که دیدیم آنرا بدرستی که آن بر خدا آسانست تا اندوه نخورید بر آنچه فوت شد از شما
تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ الَّذِينَ
وشاد نشوید بدانچه آمد بشما و خدا دوست ندارد هر خرامنده نازنده را آنها
يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ
که بخیلی میکنند و میفرمایند مردمانرا ببخیلی و هر که برگردد پس خدا اوست بی نیاز
الْحَمِيدُ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
پسندوده بدرستی که فرستادیم ما رسولان خود را بحجتها وفرو فرستادیم با ایشان کتاب را
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ
و ترازو را تا راست بایستند مردمان بعدالت و فرو فرستادیم ما آهن در آن هست حربی
شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ
سخت و سودهای مردمانرا و تا بداند خدا آنرا که یاری کند دین او و رسولان او را ناپدید
إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا
بدرستی که خدا توانا و غالبست و بدرستی که فرستادیم ما نوح را و ابراهیم را و بکردیم ما در فرزندان ایشان
النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُم مُّهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ
پیغمبری را وکتاب پس از ایشان بود راه یابنده و بسیاری از ایشان فاسقانند

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ

پس درپی داشتیم ما بر اثرهای ایشان رسولان مارا و درپی داشتیم ما عیسی را پسر مریم و بدادیم ما اورا انجیل

وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا

و بکردیم ما در دلهای آنها که پیروی کردند اورا مهربانی و رحمتی

مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ

ننوشتیم ما آنرا بر ایشان مگر از بهر جستن خشنودی از خدا پس رعایت نکردند آنرا

رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ

رعایت آن پس بدادیم ما آنهارا که بگرویدند از ایشان مزد ایشانرا و بسیاری از ایشان

فَاسِقُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ

فاسقان بودند ای آنها که بگرویدید بترسید از خدا و بگروید برسول او تا بدهد شمارا

كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ

دو بهره از رحمت خود و بدید کند مر شمارا نوری که بروند بدان و بیامرزد

لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ لِّئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا

مر شمارا و خدا آمرزگار مهربانست تا بدانند اهل کتاب که

يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ

توانا نیستند بر چیزی از فضل خدا و آنکه فضل و افزونی بقدرت خداست بدهد آن

مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست

سورة المجادلة

الجزو ٢٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ

بدرستی که بشنود خدا گفتار آن زن که مراجعت مینمود باتو درباب شوهر خود و شکایت مینمود سوی حکم خدا و خدا

يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم

می شنود سخن گفتن شما با یکدیگر بدرستی که خدا شنوای بیناست آنها که لفظ ظهار یاد میکنند از شما

مِّن نِّسَائِهِم مَّا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ

از زنان ایشان نیستند ایشان مادران ایشان نیستند مادران ایشان مگر آن زنانی که زادهاند ایشانرا

وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ

و بدرستی که ایشان هر آینه میگویند منکری از گفتار و دروغی و بدرستی که خدا جرم فروگذارنده

غَفُورٌ وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا

و آمرزگارست و آنها که لفظ ظهار یاد میکنند از زنان ایشان پس باز میگردانند آنچه گفتند

فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ

پس بر ایشان بود آزاد کردن برده از پیش آنکه بهم برسند آنست حکم که پند داده میشوید بدان و خدا

بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن

بدانچه میکنید آگاهست پس هرکه نیابد پس روزه بدارد دو ماه پیاپی از

قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ

پیش آنکه بهم برسند پس هرکه نتواند پس بر او بود طعام دادن شصت بیچاره آن

لِتُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
تا بگروید بخدا و رسول او و آنند حدهای خدا و مر کافرانرا بود عذابی
أَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ
دردناک بدرستی که آنها که مخالفت می نمایند با خدا و رسول او خار بادند همچنانکه خار شدند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
آنها که پیش از ایشان بودند و بدرستی که فرو فرستادیم ما نشانهای روشن را و مر کافرانرا بود عذابی
مُهِينٌ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ
خوار کننده یاد کن آن روز را که برانگیزاند خدا همه را پس آگاه کند ایشانرا بدانچه کرده باشند برشمرد آنرا
اللّٰهُ وَنَسُوهُ وَاللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ
خدای و فراموش کرده باشند آنرا و خدا بر همه چیزی گواه و حاضر و داناست ای نگرنگریستی که خدا
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ
میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست نباشد هیچ رازگفتنی سه کس
إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَٰلِكَ
مگر که او چهارم ایشان بود و نه پنج کس مگر که او ششم ایشان بود و نه کمتر از آن
وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا
و نه بیشتر مگر که او با ایشان بود هرجا که باشند پس آگاه کند ایشانرا بدانچه کرده باشند
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
روز قیامت بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست ای نگریستی بسوی آنها

نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ
که نهی کرده شدند از رازگفتن پس بازمیگردند بسوی آنچه نهی کرده شدند از آن و راز میگویند بموجب بزه
الْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ
و دشمنی و نافرمانی در رسول و چون آیند بتو پرسش نمایند ترا بدانچه پرسش ننمود ترا
بِهِ اللّٰهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللّٰهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ
بدان خدا و میگویند در تنهای خود چرا عذاب نکند مارا خدا بدانچه میگوییم بسنده است ایشانرا
جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ
دوزخ درآیند درآنجا پس بد بازگشتیست ای آنها که بگرویده اید چون رازگویید شما
فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا
پس رازمگویید ببزه و دشمنی و نافرمانی در رسول و رازگویید
بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ إِنَّمَا
بنیکویی و پرهیزکاری و بپرهیزید از خدا آن خدایی که بجزای او حشر کرده شوید بدرستی
النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
که رازگفتن از کار دیوست تا اندوهگین کرداند آنهارا که بگرویدند و نیست گزند رسانیدن ایشان
شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
چیزی را مگر بفرمان خدا و بر خدا باید که توکل کنند مؤمنان ای آنها که
آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ
ایمان آورده اید گویند مر شمارا فراخ بنشینید در مجلسها پس فراخ بنشینید تا فراخ کند خدا مر شمارا

وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ

وچون گويند كه برخيزيد پس برخيزيد تا برافرازد خدا آنهارا كه بگرويدند از شما وآنها كه

أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بداده شد ايشانرا دانش مرتبها ونيز آنهارا بود وخدا بدانچه ميكنيد آگاهست اى آنها كه

آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ

گرويديد چون راز گوييد شما با رسول پس فراپيش داريد در پيش راز گفتن شما

صَدَقَةً ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ

صدقه را آن بهتر بود مرشمارا وپاكيزه‌تر پس اگر نيابيد پس بدرستى

اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ

كه خدا آمرزگار مهربانست اى ترسيديد شما كه فراپيش داريد در پيش ميان راز گفتن شما

صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ

صدقها را پس چون نكنيد وتوبه بپذيرفت خدا بر شما پس بپاى داريد نمازرا

وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

وبدهيد زكوة را وفرمان بريد خدارا ورسول اورا وخدا آگاهست بدانچه شما ميكنيد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ

اى ننگريستى تو بدانها كه دوستى كردند با گروهى كه خشم گرفت خداى بريشان نيستند ايشان از شما

وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ أَعَدَّ

ونه از ايشان وسوگند ميخورند بر خدا بدروغ وايشان ميدانند بساخته است

اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

خدا براى ايشان عذابى سخت بدرستى كه بدست آنچه ايشان ميكنند

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ

فرا گرفتند سوگندان خودرا بمثابت سپرى پس بركشتند از راه خدا پس ايشانراست عذابى

مُهِينٌ ۝ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا

خوار كننده هرگز بنگزيرانند ازيشان مالهاى ايشان ونه فرزندان ايشان از عذاب خدا چيزى را

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ

آن گروه اصحاب آتش اند ايشان درآنجا هميشه باشند روزى كه برانگيزاند ايشانرا خدا

جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ

همه پس سوگند خورند مراورا همچنانك سوگند خورند مرشمارا وپندارند كه ايشان

عَلَى شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ

بر چيزى اند بدان كه ايشان دروغ گويانند مستولى وغالب شد بريشان ديو

فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ

پس از ياد ايشان ببرد ياد خدارا آن گروه گروه ديو اند بدان بدرستى

حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ

كه گروه ديو ايشان زيانكاران بدرستى كه آنها كه خلاف ميكنند با خدا

وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ۝ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي

ورسول او آن گروه در زمره خواران باشند نوشت خدا كه هرآينه غالب منم ورسولان من

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

بدرستی که خدا نیرومند غالبست نیابی تو گروهی را که بگرویده بخدا و بروز آخرت

يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ

که دوستی نمایند با کسی که خلاف کرد با خدا و رسول او واگرچه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان

أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ

یا برادران ایشان یا اهل قبیلهٔ ایشان آن گروه ثابت گردانید خدا در دلهای ایشان ایمانرا

وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

و نیرومند گردانید ایشانرا بانچه دل مرده را زنده گرداند و در آورد ایشانرا در بستانهایی که رود از زیر آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

جویها همیشه باشند در آنجا خشنود بود خدای از ایشان و خشنود باشند ازو

أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آن گروه گروه خدااند بدان که گروه خدا ایشانند رستگاران

سورة الحشر اربع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و او غالب محکم کار

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

اوست آن خدائی که بیرون کرد آنهارا که کافر شدند از اهل کتاب از سراهای ایشان

لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ

در اول بار جمع آمدن گمان نبردید شما که بیرون آیند و گمان بردند ایشان که مانع ایشان بشوند

حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ

باروهای ایشان از عذاب خدا پس آمد بدیشان عذاب خدا از آنجا که نپنداشتند و افکند

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

در دلهای ایشان ترس که خراب میکردند خانهای خودرا بدستهای خود و بدستهای مؤمنان

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ

پس عبرت گیرید ای خداوندان بینائیها واگر نه آن بودی که نوشته بودی خدا بر ایشان خروج از دیار خود

لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ذَٰلِكَ

هرآینه عذاب کردی ایشانرا در دنیا و مرایشانرا بود در آخرت عذاب آتش آن

بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

بسبب آنست که مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا پس بدرستی که خدا سخت

الْعِقَابِ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً

عقوبتست آنچه بریدید شما از خرمابنان یا باز گذاشتید آنرا ایستاده

عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ

بر تنهای آن پس بدستوری خداست و تا رسوا کند فاسقانرا و آنچه باز گردانید خدای

عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ

بر رسول خود از اموال آن جهود پس نه دوانیدید شما بر طلب آن هیچ اسپی و نه شتری

وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

ولیکن خدا مسلط گرداند رسول خود را بر آنکه خواهد و خدا بر همه چیزی

قَدِيرٌ ۝ مَا أَفَاءَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرٰى فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ وَ

توانا است آنچه غنیمت کرد خدا بر رسول خود از اهل دیهها که پس مر خدا راست و مر رسول را

لِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا

و خداوندان خویشی را و یتیمان را و مر بیچارگان را و راهگذریان را تا

يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ

نباشد میان توانگران از شما و آنچه بداد شما را رسول پس فرا گیرید آن را

وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ

و آنچه نهی کرد شما را از آن پس باز ایستید از آن و بترسید از خدا بدرستی که خدا سخت

الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

عقوبت است آن غنیمتها مر درویشان را بود هجرت کنندگان را آنها که بیرون آمدند از سرایهای خود

وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللّٰهَ

و مالهای خود ... گردند میجویند فضلی از خدا و خشنودی و یاری میکنند دین خدا را

وَرَسُولَهُ أُولٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ

و رسول او را ایشانند راست گویان و آنها که جای گرفتند بایثرب و ایمان

مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ

پیش از ایشان دوست میدارند آنرا که هجرت کرد با ایشان و نیابند در سینهای خود

حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلٰى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

تنگی آنچه داده شد و برگزینند ایشان را بر تنهای ایشان اگرچه بود بایشان درویشی

وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَالَّذِينَ جَاءُوا

و هر که نگه بدارد از بخل تن خود را پس آن گروه ایشانند رستگاران و آنها که آمدند

مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

از پس ایشان میگویند ای پروردگار ما بیامرز ما را و مر برادران ما را آنها که

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا

پیشی گرفتند بما بایمان و مگردان در دلهای ما بند و کینه مر آنها را که بگرویدند ای پروردگار ما

حزب

إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ

بدرستی که تو مهربان رحمت کننده ای ننگرستی بآنها که نفاق ورزیدند میگفتند مر برادران خود را

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ

آنها که کافر شدند از اهل کتاب مر آنه اگر بیرون کنند شما را از مدینه مر آنه بیرون آییم با شما

وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللّٰهُ

و فرمان نبریم در میان شما هیچ یکی را هرگز و اگر کارزار کنید شما مر آنه یاری کنیم شما را و خدا

يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ

گواهی میدهد که ایشان دروغ گویند مر آنه اگر بیرون روند بیرون نیایند با ایشان

وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ

و مر آنه اگر کارزار کنند یاری نکنند ایشان را و مر آنه اگر یاری کنند ایشان را مر آنه برگردانند پشتها را پس

لا ينصرون ۝ لأنتم أشد رهبة في صدورهم من الله ذلك
یاری کرده نشوند هرآینه شما مؤمنان سخت ترید که در وحشت جواز منافقان که از سینهای ایشان ترسی بود از خدا آن
بأنهم قوم لا يفقهون ۝ لا يقاتلونكم جميعا إلا في قرى
بسبب آنست که ایشان گروهی اند که درنمی یابند کارزار نتوانند کرد با شما همه مگر در دیههای
محصنة أو من وراء جدر بأسهم بينهم شديد
استوار یا از پس دیوارها و حجابها حرب ایشان میان یکدیگر سخت بود
تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قوم لا يعقلون
پنداری تو ایشان را که مجتمعند و دلهای ایشان پراکنده بود آن بسبب آنست که ایشان گروهی اند که درنمی یابند
كمثل الذين من قبلهم قريبا ذاقوا وبال أمرهم ولهم
مثل آنها همچون مثل آنهاست که پیش از ایشان بودند بدین نزدیکی که در چشیدند عاقبت کار خودرا و مر ایشانرا بود
عذاب أليم ۝ كمثل الشيطان إذ قال للإنسان اكفر فلما
عذابی دردناک و همچون مثل دیوست چون گفت مر آدمی را که کافر شو پس چون
كفر قال إني بريء منك إني أخاف الله رب العالمين ۝ فكان
کافر شد گوید که من بیزارم از تو هرآینه که من می ترسم از خدا که پروردگار جهانیانست پس بود
عاقبتهما أنهما في النار خالدين فيها وذلك جزاء الظالمين
عاقبت ضال و مضل آنکه ایشان هردو در آتش باشند همیشه باشند در آنجا و آنست پاداشت ستمکاران
يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا
ای آنها که بگرویدید و ایمان آوردید بپرهیزید از خدا و باید که بنگرد نفسی از نفسها که چه چیز فرستاده است برای فردای قیامت و بترسید

الله إن الله خبير بما تعملون ۝ ولا تكونوا كالذين نسوا الله
از خدا هرآینه که خدا آگاهست بدانچه شما میکنید و مباشید همچون آنها که فراموش کردند خدارا
فأنساهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون ۝ لا يستوي
پس فراموش کردانید اهتمام خلاص ایشانرا آن گروه ایشانند فاسقان یکسان نباشند
أصحاب النار وأصحاب الجنة أصحاب الجنة هم الفائزون
اصحاب آتش و اصحاب بهشت اصحاب بهشت ایشان مظفر و رستگارانند
لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا
اگر فرو فرستادمانی این قرآنرا بر کوهی هرآینه دیدندی آنرا خاشع شکافته و پاره شده
من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
از ترس خدا و آینده مثلها که میزنیم آنرا برای مردمان تا بود که ایشان اندیشه کنند
هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
اوست خدا آن خدای که نیست خدایی مگر او داننده ناپیدا و پیدا است اوست روزی دهنده
الرحيم ۝ هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام
مهربان اوست خدا آن خدای که نیست خدایی مگر او پادشاه پاک از عیبها ایمن کننده از آفات
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
ایمن کننده نگهبان هر چیزی غالب گردنکش بغایت تکبر کننده پاک و منزه است بدانچه انباز او میآرند
هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في
اوست خدا آفریننده آفریدگار صورت نگارنده مر او راست نامهای نیکو تسبیح میکنند مر او را آنچه در

السموات والأرض وهو العزيز الحكيم

آسمانهاست وزمین واوست غالب محکم کار

سورة الامتحان ثلث عشرة آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا عدوي وعدوكم أولياء تلقون

ای آنها که بگرویدید فرا مگیرید دشمنان مرا ودشمنان خودرا بدوستان میاندازید

إليهم بالمودة وقد كفروا بما جاءكم من الحق يخرجون

بسوی ایشان دوستی وبدرستی که کافر شدند بآنچه آمد بشما از سخن حق بیرون میکنند

الرسول وإياكم أن تؤمنوا بالله ربكم إن كنتم خرجتم

پیغمبررا وشمارا از وطنها شما بانکه گرویدید بخدا که پروردگار شماست اگر بیرون آمده اید شما

جهادا في سبيلي وابتغاء مرضاتي تسرون إليهم بالمودة

بهر جهاد کردن در راه من وازبهر جستن خشنودی من میفرستید بدیشان دوستی

وأنا أعلم بما أخفيتم وما أعلنتم ومن يفعله منكم فقد

ومن داناترم بآنچه پنهان میکنید شما وآنچه آشکارا میکنید وهرکه کند آنرا از شما پس بدرستی

ضل سواء السبيل إن يثقفوكم يكونوا لكم أعداء

که گمراه شده باشد از راستی راه اگر یابند شمارا باشند مرشمارا دشمنان

ويبسطوا إليكم أيديهم وألسنتهم بالسوء وودوا لو

وفراخ بگسترانند بشما دستهای خودرا وزبانهای خودرا ببدی وآرزو کردند که

تكفرون لن تنفعكم أرحامكم ولا أولادكم يوم

کافر شوید شما هرگز سود نکند شمارا خویشان شما که کافرند ونه فرزندان شما روز

القيامة يفصل بينكم والله بما تعملون بصير قد

قیامت خدا حکم کند وجدایی پدید آورد میان شما وخدا بآنچه میکنید بیناست بدرستی

كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا

که هست مرشمارا پی روی نیکو در حق ابرهیم وآنها که با او بودند چون گفتند

لقومهم إنا برآء منكم ومما تعبدون من دون الله كفرنا

مرقوم خودرا که ما بیزاریم از شما وازآنچه می پرستید از جز خدا کافر شدیم

بكم وبدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء أبدا حتى

بشما وظاهر شد میان ما ومیان شما دشمنی وخشم همیشه تا

تؤمنوا بالله وحده إلا قول إبراهيم لأبيه لأستغفرن

بگروید بخدا تنها مگر گفتار ابرهیم مر پدر خودرا که هراینه آمرزش خواهم

لك وما أملك لك من الله من شيء ربنا عليك توكلنا

ترا ونیستم دارنده ترا از خدا هیچ چیزی ای پروردگار ما برتست توکل ما

وإليك أنبنا وإليك المصير ربنا لا تجعلنا فتنة للذين

وبسوی تست بازگشت ما وبتست بازگشت همه ای پروردگار ما مگردان مارا آزمایشی مرآنها

كفروا واغفر لنا ربنا إنك أنت العزيز الحكيم • لقد كان
که کافر شدند و بیامرز مارا ای پروردگار ما هر آینه تو توئی غالب محکم کار بدرستی که هست
لكم فيهم أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم
شما را در حق ایشان پیروی نیکو مر آنرا که هست امید میدارد بخدا و بروز
الآخر ومن يتول فإن الله هو الغني الحميد • عسى الله أن
آخرت و هر که تولی کند پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده شاید بود که خدا
يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة والله
بکند میان شما و میان آنها که دشمنی می نمایید با شما از ایشان دوستی و خدا
قدير والله غفور رحيم • لا ينهاكم الله عن الذين
تواناست و خدا آمرزگار مهربانست نهی نمیکند شما را خدا از دوستی آنها
لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم أن
که کارزار نکردند با شما در دین و بیرون نکردند شما را از سراهای شما از اینکه
تبروهم وتقسطوا إليهم إن الله يحب المقسطين • إنما
نیکی کنید با ایشان و نصیب دهید ایشانرا از مالهای شما بدرستی که خدا دوست دارد عادلانرا بدرستی
ينهاكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين وأخرجوكم
که نهی کرد شما را خدا از دوستی آنها که کارزار کردند با شما در دین و بیرون کردند شما را
من دياركم وظاهروا على إخراجكم أن تولوهم ومن
از سراهای شما و هم پشت شدند بر بیرون کردن شما که دوستی کنید با ایشان و هر که

يتولهم فأولئك هم الظالمون • يا أيها الذين آمنوا إذا جاءكم
دوستی نماید با ایشان پس آن گروه ایشانند ستمکاران باشند ای آنها که بگرویده اید چون آیند بشما
المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله أعلم بإيمانهن
زنان مؤمنه هجرت کننده پس بیازمایید ایشانرا بسوگند خدا داناترست بایمان ایشان
فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن إلى الكفار لا هن
پس اگر دانید ایشانرا مؤمنه پس بازمگردانید ایشانرا بسوی کفار نه زنان
حل لهم ولا هم يحلون لهن وآتوهم ما أنفقوا ولا
حلالند مران کفار را و نه آن کفار حلالند مرایشانرا و بدهید ایشانرا عوض آنچه نفقه کرده اند و نه
جناح عليكم أن تنكحوهن إذا آتيتموهن أجورهن ولا
نبود بر شما که بزنی کنید ایشانرا چون بداده باشید ایشانرا مهرهای ایشان
تمسكوا بعصم الكوافر واسألوا ما أنفقتم وليسألوا ما أنفقوا
تمسک منمایید بعقود زنان کافرات و بخواهید عوض آنچه خرج کرده باشید شما و بخواهند کفار آنچه خرج کرده باشند
ذلكم حكم الله يحكم بينكم والله عليم حكيم • وإن
آنست حکم خداست حکم میکند میان شما و خدا داناست محکم کار و اگر
فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفار فعاقبتم فآتوا الذين
فوت شود از شما چیزی از زنان شما بسوی کفار پس غنیمت یافتید شما پس بدهید آنهارا
ذهبت أزواجهم مثل ما أنفقوا واتقوا الله الذي أنتم
که برده باشند زنان خود را مانند آنچه خرج کرده باشند و بترسید از خدا آنکه شما

به مؤمنون • يا ايها النبي اذا جاءك المؤمنات يبايعنك
بتو بگروند کانید ای پیغمبر چون آیند بتو زنان مؤمنه که بیعت کنند باتو
على ان لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن ولا يزنين ولا يقتلن
برآنکه انباز فرا ندارند بخدا چیزی و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند
اولادهن ولا يأتين ببهتان يفترينه بين ايديهن و
فرزندان خودرا و نیایند بهتانی که بربافته باشند آنرا از پیش دستهای خود
ارجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن واستغفر
و پایهای خود و نافرمانی نمایند ترا در هیچ کاری نیکو پس بیعت بستان ازیشان و آمرزش خواه
لهن الله ان الله غفور رحيم • يا ايها الذين امنوا لا تتولوا قوما
برایشان از خدا براستی که خدا آمرزگار مهربانست ای آنها که ایمان آورده اید دوستی مکنید با گروهی
غضب الله عليهم قد يئسوا من الاخرة كما يئس
که خشم گرفت خدای برایشان براستی که نومید شدند ایشان از آخرت همچنانکه نومید شدند
الكفار من اصحاب القبور

سورة الصف

کافران از حشر اهل گورها

بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم
تسبیح کرد مر خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و اوست غالب محکم کار

يا ايها الذين امنوا لم تقولون ما لا تفعلون • كبر مقتا عند
ای آنها که بگرویده اید چرا میگویید آنچه نمی کنید چه بزرگست از روی دشمنی تمام نزد
الله ان تقولوا ما لا تفعلون • ان الله يحب الذين يقاتلون
خدا که گویید آنچه نکنید براستی که خدا دوست دارد آنهارا که کارزار میکنند
في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص • واذ قال موسى نصف
در راه او صف صف گویا که ایشان بنای اند استوار شده گشادکی و چون گفت موسی
لقومه يا قوم لم تؤذونني وقد تعلمون اني رسول الله اليكم
مر قوم خودرا که ای قوم من چرا میرنجانید مرا و براستی که میدانید که من رسول خدام بشما
فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا يهدي القوم الفاسقين
پس چون میل کردانیدند از حق زیاده گردانید خدا میل دلهای ایشانرا و خدا راه ننماید گروه فاسقانرا
واذ قال عيسى ابن مريم يا بني اسرائيل اني رسول الله اليكم
و چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل براستی که من رسول خدام بشما
مصدقا لما بين يدي من التورية ومبشرا برسول يأتي من بعدي
براست دارنده مر آنچه در پیش من بوده از توریة و بشارت دهنده ام برسولی که می آید پس از من
اسمه احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين
که نام او احمد و محمد بود پس چون آمد بدیشان بمعجزات گفتند این جادویی روشنست
ومن اظلم ممن افترى على الله الكذب وهو يدعى الى الاسلام
و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافت بر خدا دروغ را و او میخوانند مردمانرا باسلام

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ

وخدا راه ننماید گروه ستمکاران را میخواهند که بنشانند نور خدا را

بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝

بدهنهای خود وخدا تمام کننده نور خودست واگرچه کاره دارند کافران

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

اوست آن خدائی که فرستاد رسول خودرا براه راست ودین بحق تا غالب گرداند دین اسلام را

الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ

بر همه دینها واگرچه کاره دارند بت پرستان ای آنها که ایمان آورده‌اید آیا

أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ

دلالت کنم شمارا بر بازرگانی که برهاند شمارا از عذابی دردناک بگروید

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ

بخدا ورسول او وجهاد کنید شما در راه خدا بمالهای خود

وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرْ

وتنهای خود آن شمارا بهتر بود مرشمارا اگر هستید میدانید تا بیامرزد

لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

مرشمارا گناهان شما ودرآورد شمارا در بهشتهائی که رود از زیر آن جویها

وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

وجایهای پاکیزه در بهشتهای اقامت آنست رستگاری بزرگ

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝

ونعمتی دیگر که دوست دارید آنرا نصرتی بود از خدا وفتحی نزدیک وبشارت ده مؤمنان را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

ای آنها که بگرویده‌اید باشید یاران دین خدا همچنانکه گفت عیسی پسر مریم

لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللّٰهِ

مر یاران خود را که کیست یاران من با دین خدا گفتند گازران مایم یاران دین خدا

فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا

پس بگرویدند گروهی از بنی اسرائیل وکافر شدند گروهی پس نیرو دادیم

الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ۝

آنهارا که بگرویدند بر دشمنان ایشان پس گشتند غالبان

سورة الجمعة احدى عشرة آية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

پاکی یاد میکند مر خدارا آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست پادشاه پاک ومنزه از عیبها غالب

الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

محکم کارست اوست آن خدائی که فرستاد در میان جماعتی که عرب رسولی را از جنس ایشان تا خواند بر ایشان

آياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل

نشانهاى خودرا وپاك گرداند ايشانرا ودر آموزاند ايشانرا كتاب وحكمت واگرچه بودند پيش ازين

لفى ضلال مبين ۝ وآخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز

هرآينه در گمراهى روشن وديگران از امتيان كه هنوز نرسيده اند بصحابه واوست غالب

الحكيم ۝ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

محكم كار آن از فضل خداست بدهد آن آنرا كه خواهد وخدا خداوند فضل

العظيم ۝ مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل

بزرگست مثل آنها كه تكليف كردند عمل باحكام تورية پس كار نكردند بدان همچون مثل

الحمار يحمل أسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات

خرست كه بردارد كتابهارا بدست مثل گروه آنها كه بدروغ داشتند نشانهاى

الله والله لا يهدى القوم الظالمين ۝ قل يا أيها الذين هادوا

خدارا وخدا راه ننمايد گروه ستمكارانرا بگو اى آنها كه جهود شده

إن زعمتم أنكم أولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت

اگر دعوى ميكنيد شما كه شما دوستانيد مر خدارا از جز مردمان پس آرزو كنيد مرگ را

إن كنتم صادقين ۝ ولا يتمنونه أبدا بما قدمت أيديهم والله

اگر هستيد شما راستگويان وآرزو نكنند آنرا هرگز بسبب آنچه فرا پيش داشتند دستهاى ايشان وخدا

عليم بالظالمين ۝ قل إن الموت الذى تفرون منه فإنه

داناست بحال ستمكاران بگو بدرستى كه مرگ آن مرگى كه ميگريزيد ازان پس بدرستى كه آن

ملاقيكم ثم تردون إلى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما

رسيده است شما پس باز گردانيده شمارا سوى جواد داننده ناپيدا وپيدا پس بياگاهاند شمارا بآنچه

كنتم تعملون ۝ يا أيها الذين آمنوا إذا نودى للصلوة من يوم الجمعة

شما كرده باشيد اى آنها كه بگرويد [illegible] شمارا نماز روز آدينه

فاسعوا إلى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم إن كنتم

پس بشتابيد بياد كرد خدا وبگذاريد خريد وفروخت را آن تان بهتر بود مر شمارا اگر شما

تعلمون ۝ فإذا قضيت الصلوة فانتشروا فى الأرض وابتغوا من

بيدانيد پس چون بگزارده باشيد نمازرا پس پراكنده شويد در زمين وبجوئيد از

فضل الله واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون ۝ وإذا رأوا

فضل خدا وياد كنيد خدارا بسيارى تا بود كه شما رستگارى يابيد وچون ببينند

تجارة أو لهوا انفضوا إليها وتركوك قائما قل ما عند الله

بازرگانى يا بعضى از ملاهى متفرق شويد سوى آن وبگذارند ترا ايستاده در خطبه بگو آنچه نزد خداست

خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين ۝

بهتر از بازى وازان تجارت وخدا بهترين روزى دهندگانست

سورة المنافقون احد عشر آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
چون آیند بتو مردان منافق بیگویند گواهی میدهیم که تو هرآینه رسول خدایی وخدا میداند
إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ۝ اتَّخَذُوا
که تو هرآینه رسول اویی وخدا گواهی میدهد که منافقان هرآینه دروغ گویانند فرا گرفتند
أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
سوگندان خودرا بمثابت سپری پس برگشتند از راه خدا بدرستی که ایشان بدست آنچه ایشان
يَعْمَلُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
میکنند آن بسبب آنست که ایشان بگرویدند پس کافر شدند پس مهر نهاده بر دلهای ایشان پس ایشان
لَا يَفْقَهُونَ ۝ وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ
درنمی یابند وچون ببینی ایشانرا بشگفت آورد ترا تنهای ایشان واگر گویند مستمع باشید
لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ
گفتار ایشانرا گویا که ایشان چوبهائی اند بدیوار بازنهاده میپندارند هر آوازی را
عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ
واقع برایشان ایشان دشمنان درخدا اند پس بپرهیز از ایشان بلعنت کرد ایشانرا خدا از کجا بدروغ داشته میشوند
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ
وچون گویند مر ایشانرا بیایید تا آمرزش خواهد مرشمارا رسول خدا بپیچانیدند سرهای خودرا
وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
وبینی تو ایشانرا برگردند از راه حق وایشان گردنکشانند یکسانست برایشان

أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا
ای اگر آمرزش خواهی مرایشانرا یا آمرزش نخواهی ایشانرا هرگز نبخشاید آمرزید خدا مرایشانرا بدرستی خدا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا
راه نماید گروه فاسقانرا ایشان آنانند که میگویند نفقت مکنید
عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ
بر آنکه نزد رسول خدا اند تا متفرق شوند ازو ومرخدا راست خزینهای آسمانها
وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ لَئِنْ
وزمین ولیکن منافقان درنمی یابند میگویند هرآینه اگر
رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ
بازگردیم ما بسوی مدینه هرآینه بیرون کند آن عزیزتر از آنجا آنکه ذلیل وخوارتر است ومرخدا راست عزت
لِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ومر رسول اورا ومر مؤمنانرا ولیکن منافقان نمی دانند ای آنها که
آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ
بگرویده اید باید که مشغول نکند شمارا مالهای شما ونه فرزندان شما از یاد کرد خدا
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ
وهرکه کند آن پس آن گروه ایشانند زیانکاران ونفقت کنید از آنچه روزی دادیم شمارا
مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ
از پیش آنکه آید یکی از شما اسباب مرگ پس گوید ای پروردگار چرا تاخیر نکردی مرا تا

أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ
اجلی نزدیک پس صدقه کردمی و بودمی از جمله نیکوکاران و هرگز مهلت ندهد خدا
نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
هیچ تنی را چون آید وقت وفات آن و خدا آگاهست بآنچه میکنید

سورة التغابن ثمان عشرة آية مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
بپاکی یاد میکند خدا را آنچه در آسمانهاست و آنکه در زمینست او راست پادشاهی و مر او راست ستایش و او
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ
بر همه چیزی تواناست اوست آن خدایی که آفرید شما را پس از شما هست کافر و از شما
مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
هست مؤمن و خدا بآنچه میکنید بیناست آفرید آسمانها و زمین را بحق
وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝ يَعْلَمُ
و صورت بنگاشت شما را پس نیکو صورت بنگاشت شما را و بدو است بازگشت همه میداند
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ
آنچه در آسمانهاست و زمین و میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید و خدا

عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
داناست بسرایر سینها آیا نیامد بشما خبر آنها که کافر شدند از پیش
فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ
پس چشیدند وخامت عاقبت کار خود را و مر ایشان راست عذابی دردناک آن بسبب آنست که آمدند
تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا
بایشان رسولان ایشان بحجتها پس گفتند آیا آدمی راه نمایند ما را پس کافر شدند
وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا
و برگشتند و خود بی نیازست خدا و خدا بی نیاز ستوده است دعوی کردند آنها که کافر شدند
أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَٰلِكَ
که هرگز برانگیخته نشوند بگو آری وحق پروردگار که برانگیخته شوید پس آگاهانیده شوید بآنچه کرده باشید و آن
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ
بر خدا آسانست پس بگروید بخدا و رسول او و نور قرآن آنکه فرو فرستادیم ما و خدا
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ
بآنچه میکنید آگاهست روزی که جمع کند شما را برای وقت حشر تمامت خلایق آن روز
التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ
زیانکاریست اشقیا را و هر که بگرود بخدا و بکند کاری نیکو بازپوشانیم ازو بدیهای او را
وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
و در آریم او را در بهشتها که میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا همیشه

رجب

ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولٰئِكَ

آنست رستگاری بزرگ وآنها که کافر شدند و بدروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه

أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ مَا أَصَابَ مِنْ

اصحاب آتش اند همیشه باشند درآنجا و بد بازگشتنی است نرسید هیچ

مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

رسیدنه مگر بفرمان خدا و هر که بگرود بخدا راه نماید دل اورا و خدا بهمه چیزی

عَلِيمٌ ۝ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا

داناست و فرمان برید خدا را و فرمان برید رسول را پس اگر برگردیدید شما پس بدرستی

عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

بر رسول ما رسانیدنی روشنست خدا نیست خدائی مگر او و بر خدا باید که توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا

مؤمنان ای آنها که بگرویده اید بدرستی که بعضی از زنان شما و فرزندان شما دشمنانند

لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ

مر شمارا پس بترسید از ایشان و اگر عفو کنید و جرم فرو گذارید و امرزش خواهید پس بدرستی

اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللّٰهُ

که خدا آمرزگار مهربانست بدرستی که مالهای شما و فرزندان شما سبب آزمایشی اند و خدا

عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا

نزد اوست مزدی بزرگ پس بترسید از خدا آن مقدار که توانید شما و بشنوید و فرمان برداری

وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وآنچه نفقت کنید از نیکی بود مر تنهای شمارا بود و هر که نگه دارد از بخل تن خود را پس آن گروه ایشانند رستگاران

إِنْ تُقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ

اگر قرض دهید خدا را قرضی نیکو دو چندان گرداند مر شمارا و بیامرزد مر شمارا و خدا

شَكُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

شکر پذیرنده بردبارست اوست داننده ناپیدا و پیدا خدای غالب محکم کارست

سُورَةُ الطَّلَاقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا

ای پیغمبر چون طلاق دهید شما زنان را پس طلاق دهید ایشان را برای زمان عده ایشان و بر شمرید

الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ

زمان عده را و بترسید از خدا که پروردگار شماست بیرون مکنید ایشان را از خانهای ایشان در زمان عده و بیرون نیایند آن زنان

إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ

مگر که آیند بفاحشه ناشایستی روشن و آینه حدهای خدا و هر که بگذرد از حدهای

اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذٰلِكَ أَمْرًا

خدا پس ستم کرده بود بر تن خود هیچ دانی شاید که بدید آورد خدا پس از آن تطلیق کاری

فاذا بلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف
پس چون برسید بوقت خود پس نگاه دارید ایشان را بنیکویی یا مفارقت کنید از ایشان بنیکویی
واشهدوا ذوي عدل منكم واقيموا الشهادة لله ذلكم
و گواه بر گیرید دو خداوند عدالت را از شما و بپای دارید گواهی دادن مر خدا را آنست
يوعظ به من كان يؤمن بالله واليوم الآخر ومن يتق الله يجعل له
که پند میدهد بدان آنرا که باشد ایمان دارد بخدا و بروز آخرت و هر که بترسد از خدا بکند مر او را
مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو
بیرون شدنی و روزی دهد او را از آنجا که نداند و هر که توکل کند بر خدا پس
حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا
بس است او را بدرستی که خدا رساننده است فرمان خود را بدرستی که بدید کرد خدا مر هر چیزی را اندازه
واللائي يئسن من المحيض من نسائكم ان ارتبتم فعدتهن
و آن زنانی که نومید شده اند از حایض شدن از زنان شما اگر بشک باشید شما پس عده ایشان
ثلثة اشهر واللائي لم يحضن واولات الاحمال اجلهن ان
سه ماه بود و آن زنانی که بحیض نرسیده اند خداوندان فرزندان در شکم عده ایشان آنست
يضعن حملهن ومن يتق الله يجعل له من امره يسرا ذلك
که بنهند بار خود را و هر که بپرهیزد از محارم خدا بدید کند برای او از کار او آسانی آنست
امر الله انزله اليكم ومن يتق الله يكفر عنه سيئاته ويعظم
فرمان خدا که فرو فرستادیم آنرا بشما و هر که بترسد از خدا بازپوشاند ازو بدیهای او و بزرگ گرداند

له اجرا ● اسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم
او را مزد دادن ساکن گردانید زنان مطلقه را از آن جا که ساکن شده باشید از وسع طاقت شان
ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات حمل
و مضرت مرسانید ایشان را در زمان عده تا تنگ گردانید بریشان کار را و اگر باشند خداوندان فرزندان در شکم
فانفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فان ارضعن لكم
پس نفقت کنید بریشان تا آن وقت که بنهند بارها خود را پس اگر شیر دهند طفل را از بهر شما
فآتوهن اجورهن وأتمروا بينكم بمعروف وان تعاسرتم
پس بدهید ایشان را مهرهای ایشان را و باید که فرمان برداری بود میان شما بنیکویی و اگر سختی نمایید شما
در باب ارضاع
فسترضع له اخرى ● لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه
پس زود شیر دهد مر او را دیگری و باید که نفقت کند از توانگری خود و هر که تنگ گرفته بود
رزقه فلينفق مما آتاه الله لا يكلف الله نفسا الا ما آتاها
روزی او را پس گو نفقت کن از آنچه داد او را خدای تکلیف نفرماید خدا هیچ تنی را مگر آنچه بداده است او را
سيجعل الله بعد عسر يسرا ● وكأين من قرية عتت
زود بکند خدا پس از دشواری آسانی و بسا از اهل شهری که تکبر نمودند
عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا وعذبناها
از فرمان پروردگار خود و رسولان خود پس حساب فرمودیم ما آنها را حسابی سخت و عذاب کردیم ما آنها را
عذابا نكرا فذاقت وبال امرها وكان عاقبة امرها خسرا
عذابی منکر پس در چشیدند عاقبت وبال کار خود را و بود عاقبت کار آن قریه زیانکاری

أَعَدَّ اللهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ

بیچاره خدای برای ایشان عذابی سخت پس بترسید از خدا ای خداوندان خردها آنها

آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ

که بگرویده‌اند بتحقیق که فرو فرستاد خدا بشما قرآنی برای پند گرفتن و رسولی تا خواند بر شما

آيَاتِ اللهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

نشانهای خدارا روشن تا بیرون آورد آنهارا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک

مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ

از تاریکیهای کفر بنور ایمان و هرکه بگرود بخدا و بکند کاری نیکو درآورد اورا

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ

در بستانهائی که رود از زیر آن جویها روان همیشه باشند در آنجا همیشه بدرستی

أَحْسَنَ اللهُ لَهُ رِزْقًا ۝ اللهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ

که نیکو کرد خدا مراورا روزی خدا آن خداییست که آفرید هفت آسمانهارا واز

الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللهَ عَلَى

زمین مانند آن فرو میفرستد فرمان خودرا میان آسمان و زمین تا بدانید که خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَأَنَّ اللهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

همه چیزی تواناست و آنکه خدا بتحقیق که داناست بهمه چیزی بدانش

سورة التحريم اثنتا عشرة آية مكية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

ای پیغمبر چرا حرام میگردانی آنچه حلال کرد خدا مر ترا میجویی خشنودی زنان خودرا

وَاللهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ قَدْ فَرَضَ اللهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللهُ

و خدا آمرزگار مهربانست بدرستی که خدا مشروع گردانید مر شمارا تحلیل سوگندهای شما و خدا

مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ

متولی امور کار شماست و اوست دانای محکم کار و چون پنهان گفت پیغمبر با بعضی

أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ

از زنان خود سخنی را پس چون آگاه گرداند حفصه عایشه را بدان و مطلع گردانید پیغمبر را خدای بر آن افشای تعریف کرد بعضی حفصه

وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هٰذَا قَالَ

و برگشت از بعضی از [illegible] پس چون آگاهانید حفصه را بآن افشا گفت حفصه که بآگاهانید ترا بدین گفت

نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ۝ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا

آگاهانید مرا [illegible] خدای دانای [illegible] اگر توبه کنید و بازآیید ای حفصه و عایشه بسوی طاعت خدا پس میل کرد [illegible] دلهای شما

وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ

و اگر معاونت نمایید بر آزار رسول پس خدا اوست متولی کار رسول و جبرئیل و نیکوکاران

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذٰلِكَ ظَهِيرٌ ۝ عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ

از اهل ایمان و فرشتگان پس از آنکه ذکر رفت معاونند شاید بود که پروردگار او اگر طلاق دهد شمارا

أن يبدله أزواجا خيرا منكن مسلمات مؤمنات قانتات

که عوض دهد او را زنانی بهتر از شما از اهل انقیاد اهل اخلاص فرمان بردار

تائبات عابدات سائحات ثيبات وأبكارا • يا أيها الذين

توبه کنندگان پرستندگان خدا را روزه داران شوی دیدگان و بکران ای آنها

آمنوا قوا أنفسكم وأهليكم نارا وقودها الناس والحجارة

که بگرویده اید نگه بدارید تنهای خود را و کسان خود را از آتشی که هیزم افروزه آن مردمان باشند و سنگ کبریت

عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم

که موکل باشند بر آن آتش فرشتگانی درشت خوی سخت دل نافرمانی نمایند خدا را آنچه فرمود ایشان را

ويفعلون ما يؤمرون • يا أيها الذين كفروا لا تعتذروا

بکنند آنچه فرموده اند ایشان را ای آنها که کافر شده اید عذر مخواهید

اليوم إنما تجزون ما كنتم تعملون • يا أيها الذين آمنوا

امروز جز این نیستی که پاداش داده شوید شما بدانچه کرده باشید شما ای آنها که بگرویده اید

توبوا إلى الله توبة نصوحا عسى ربكم أن يكفر عنكم

باز آیید بدرگاه خدا بازگشتنی خالص شاید بود که پروردگار شما باز پوشاند از شما

سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار

بدیهای شما را و درآورد شما را در بستانهائی که رود از زیر آن جویها

يوم لا يخزي الله النبي والذين آمنوا معه نورهم يسعى

آن روز رسوا نکند خدا پیغمبر را و آنها را که بگرویده اند با او نور ایشان بشتابد

بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا أتمم لنا نورنا

از پیش ایشان و از پیش ایشان گویند ای پروردگار ما برحالت کمال دار ما را نور ما

واغفر لنا إنك على كل شيء قدير • يا أيها النبي جاهد

و بیامرز ما را بدرستی که تو بر همه چیزی توانا هست ای پیغمبر جهاد کن

الكفار والمنافقين واغلظ عليهم ومأواهم جهنم وبئس

با کافران و منافقان و درشت خوی باش بر ایشان و جای ایشان دوزخ بود و بد

المصير • ضرب الله مثلا للذين كفروا امرأت نوح وامرأت

بازگشتیست بزد خدا مثلی مر آنها را که کافر شده چون زن نوح و زن

لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا صالحين فخانتاهما

لوط بودند در زیر دو بنده از بندگان ما نیکوکاران پس مخالفت نمودند با آن دو پیغمبر

فلم يغنيا عنهما من الله شيئا وقيل ادخلا النار مع الداخلين

پس نتوانستند که باز دارند از ایشان از عذاب خدای هیچ چیزی و گفته شد در روید در دوزخ با درروندگان

وضرب الله مثلا للذين آمنوا امرأت فرعون إذ قالت رب ابن لي

و بیدید کرد خدا مثلی مر آنها را که بگرویده چون زن فرعون چون گفت ای پروردگار من بنا کن برای من

عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني

نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و عمل او و برهان مرا

من القوم الظالمين • ومريم ابنت عمران التي أحصنت فرجها

از گروه ستمکاران و مریم را دختر عمران آنکه نگاه داشت عورت خود را

فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه
وكانت من القانتين

سورة الملك ثلثون اية

بسم الله الرحمن الرحيم

الجزو ٢٩

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير ۝ الذي خلق
الموت والحيوة ليبلوكم أيكم أحسن عملا وهو العزيز
الغفور ۝ الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى في خلق
الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ۝ ثم ارجع البصر
كرتين ينقلب إليك البصر خاسئا وهو حسير ۝ ولقد زينا
السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين

واعتدنا لهم عذاب السعير ۝ وللذين كفروا بربهم عذاب
جهنم وبئس المصير ۝ إذا ألقوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي
تفور ۝ تكاد تميز من الغيظ كلما ألقي فيها فوج سألهم
خزنتها ألم يأتكم نذير ۝ قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا
وقلنا ما نزل الله من شيء إن أنتم إلا في ضلال كبير
وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير
فاعترفوا بذنبهم فسحقا لأصحاب السعير ۝ إن الذين يخشون
ربهم بالغيب لهم مغفرة وأجر كبير ۝ وأسروا قولكم
أو اجهروا به إنه عليم بذات الصدور ۝ ألا يعلم من خلق

وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا

و او باریک بین آگاهست اوست آن خدائی که بگردانید برای شما زمین را مسخر و رام پس بروید

فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۝ ءَأَمِنْتُمْ

در جوانب و راههای آن و بخورید از روزی او و بحکم اوست برانگیختن همه ایمن شدید شما

مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ۝ أَمْ أَمِنْتُمْ

ازانکه در آسمانست از ملائکه موکل بعذاب که فرو برد شمارا زمین پس آنگه آن زمین متحرک و مضطرب بود یا نه که ایمن شدید

مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ

ازانکه در آسمانست از ملائکه موکل بعذاب که بفرستند بر شما بادی با سنگ ریزه پس زود بدانید که چگونه بود

نَذِيرِ ۝ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ

بیم کردن من و بدرستی که بدروغ داشتند آنهارا که پیش از ایشان بودند پس چگونه بود

نَكِيرِ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ

عقوبت من ای ننگریستید سوی مرغان که بالای ایشانند صف زننده بال بازگشاده و بهم می زنند

مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۝ أَمَّنْ هَذَا

نگه نمیدارد آن مرغان را مگر خدا بدرستی که او بهمه چیزی بیناست یا کیست آن

الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ

[illegible] او اعوانی اند مر شمارا که یاری نمایند شمارا از جز خدای روزی دهنده [illegible]

الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۝ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ

کافران مگر در فریب دیو یا کیست آنکه روزی دهد شمارا اگر بازگیرد

رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ۝ أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى

روزی خودرا بلکه دور شدند در تکبر و از حد در گذشتنی و رمیدن از حق ای پس آنکه رود بر روی خود راه یابنده تر

أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ

یا آنکه رود یکسان و راست بر راه راست بگو اوست آن خدائی که بیافرید شمارا

وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ

و بدید کرد برای شما شنوائی و بینائیها و دلهای اندکی باید آنچه شکر میکنید

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ

بگو اوست آن خدای که پراکند شمارا در زمین و بجزای او حشر کرده شوند و میگویند

مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ

که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو بدرستی که علم آن نزد خداست

وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ

و بدرستی که من بیم کننده روشنم پس چون ببینند آنرا ناگاه قبیح گردانیده شود روبهای آنها

كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

که کافر شدند و گویند اینست آنچه بودید که شمارا بدان میخواندید بگو ای چه بینید شما

إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ

اگر هلاک کند [illegible]

أَلِيمٍ ۝ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ

دردناک بگو اوست خدای روزی دهنده بگرویدیم باو و برو توکل کردیم ما پس زود بدانید

مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ

که کیست که او در گمراهی روشنست بگو ای چه بینید شما اگر گردد آب شما بزمین فرو شده پس کیست

يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

که آورد بشما آبی از چشمه

سورة القلم اثنان وخمسون

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۝ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

بحق دوات یا بحق ماهی بحق قلم که بلوح بیان نوشته شد و بحق آنچه می نویسند نیستی تو بنعمت پروردگار تو دیوانه

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ۝ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝ فَسَتُبْصِرُ

و بدرستی که ترا است مزدی بی منت نهاده و بدرستی که تو هر آینه بر خلق بزرگی پس زود بود که ببینی تو

وَيُبْصِرُونَ ۝ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ

و بینند ایشان که بکدام از شما جنونست بدرستی که پروردگار تو اوست داناتر بانکه گمره شد

عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

از راه او و او داناترست براه یابندگان پس فرمان مبر دروغ دارندگانرا

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ۝ وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ

دوست دارند که مساهله کنی با ایشان در کار دین پس ایشان نیز مساهله نمایند و فرمان مبر هر سوگند خورنده حقیر خوار را

هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ عُتُلٍّ بَعْدَ

عیب جوی رونده میان مردم بسخن چینی منع کننده مال از حد در گذرنده بزه کار غلیظ جافی پس

ذَلِكَ زَنِيمٍ ۝ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۝ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا

از این اوصاف بی صحت نسب برای آنکه هست خداوند مال و پسران چون خوانده شود بروی نشانهای ما

قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ۝ إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا

گفت این افسانهای پیشینیانست زود بود که داغ نهیم بر بینی او بدرستی که ما آزمودیم ایشانرا همچنانکه

بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝ وَلَا يَسْتَثْنُونَ

آزمودیم اصحاب بهشت را چون سوگند خوردند که هر آینه می برند آنرا در وقت بامداد و ان شاء الله نگفتند

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۝ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

پس گرد بر آمد بران بستان گردنده از پروردگار تو و ایشان خفتگان بودند پس گشت همچون چیزی که میوه ایش بریده باشد

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۝ أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ

پس آواز دادند یکدیگر را در بامدادان که روی آرید بر کشت زرع خود اگر هستید شما برندگان

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ۝ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ

پس رفتند و ایشان نهان میگفتند باید که در نیاید در آنجا امروز بر شما

مِسْكِينٌ ۝ وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا

هیچ بیچاره و گشتند بر منع خبر توانایان پس چون دیدند آنرا گفتند که ما

لَضَالُّونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا

هر آینه گمراهانیم بلکه ما منع کرده شدگانیم گفت فاضلترین و عادلترین ایشان آیا نگفتم مر شما را چرا

تُسَبِّحُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ فَأَقْبَلَ

بپاکی یاد نمی آرید خدا را گفتند پاک و منزه است پروردگار ما بدرستی که بودیم ما ستمکاران پس روی آورد

بعضهم على بعض يتلاومون ۝ قالوا يا ويلنا انا كنا طاغين ۝

بعضی ایشان بر بعضی ملامت میکردند یکدیگررا گفتند ای وای برما بدرستی که بودیم ما طاغیان

عسى ربنا ان يبدلنا خيرا منها انا الى ربنا راغبون ۝ كذلك

شاید بود که پروردگار ما عوض دهد مارا بهتر ازان که ما بارضای پروردگار خود رغبت کنندگانیم همچنین است

العذاب ولعذاب الآخرة اكبر لو كانوا يعلمون ۝

عذاب دنیا و هرآینه عذاب آخرت بزرگترست اگر ایشان بدانند

ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم ۝ افنجعل المسلمين كالمجرمين

بدرستی که پرهیزکارانرا نزد پروردگار خود بستانهای بانعمت ای پس بکنیم مسلمانانرا همچون کافران

ما لكم كيف تحكمون ۝ ام لكم كتاب فيه تدرسون

چیست مر شمارا چگونه حکم میکنید یا مر شمارا کتابی که در آن میخوانید

ان لكم فيه لما تخيرون ۝ ام لكم ايمان علينا بالغة

بدرستی که مر شمارا در آن کتاب آنچه اختیار میکنید یا مر شمارا سوگندانی برما رسیده

الى يوم القيامة ان لكم لما تحكمون ۝ سلهم ايهم بذلك

تا روز قیامت بدرستی که مر شمارا آنچه حکم میکنید بپرس ازیشان که کدامین ازیشان بدان حکم

زعيم ۝ ام لهم شركاء فليأتوا بشركائهم ان كانوا

کفیلست یا مر ایشانرا انبازانی پس باید که آرند انبازان خودرا اگر هستند

صادقين ۝ يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون

راست گویان روزی که برداشته شود از ساق وخوانده شوند ایشانرا با سجود پس توانایی ندارند

کنایت از کشف
سوق مخدرات

خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون الى السجود

حال انکه ذلیل باشند بینایهای ایشان که برسد بدیشان خواری و بتحقیق که میخواندند ایشانرا در دنیا بسجود

وهم سالمون ۝ فذرني ومن يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم

وایشان سالم الاعضا بودند پس بگذار مرا و آنکه بدروغ دارد این سخن را زود بگیریم ایشانرا

من حيث لا يعلمون ۝ واملي لهم ان كيدي متين ۝ ام تسئلهم

ازآنجا که ندانند و مهلت دادم مرایشانرا بدرستی که کید من محکمست یا میخواهی تو ازیشان

اجرا فهم من مغرم مثقلون ۝ ام عندهم الغيب فهم يكتبون

مزدی پس ایشان ازان تاوان خود گران بارانند یا نزد ایشانست علم غیب پس ایشان باز مینویسند

فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت اذ نادى وهو

پس صبر کن مر حکم پروردگار خودرا و مباش همچون یونس در شکم ماهی چون آواز داد و او

مكظوم ۝ لولا ان تداركه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو

خشم زده بود اگر نه آن بودی که دریافتی اورا نعمتی از پروردگار هرآینه انداختی اورا بکنار دریا و او

مذموم ۝ فاجتباه ربه فجعله من الصالحين ۝ وان يكاد الذين

نکوهیده و ملامت زده بود پس برگزید اورا پروردگار او پس گردانید اورا از جمله نیکوکاران و بدرستی که نزدیکست آنانکه

كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون

کافر شدند که زایل گردانند ترا ببینایهای ایشان چون شنودند قرآنرا و میگویند

انه لمجنون ۝ وما هو الا ذكر للعالمين ۝

که او دیوانه ایست و نیست آن مگر پندی مر جهانیانرا

سورة الحاقة اثنتان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحاقة ما الحاقة وما ادراك ما الحاقة كذبت ثمود
قیامت وچه بود قیامت وچه دانی تو که چه بود قیامت بدروغ داشتند قوم صالح
وعاد بالقارعة فاما ثمود فاهلكوا بالطاغية واما عاد
وقوم عاد قیامت را پس اما قوم صالح پس هلاک شدند بحادثه صعب واما قوم هود
فاهلكوا بريح صرصر عاتية سخرها عليهم سبع
پس هلاک کرده شدند بادی سخت جهنده از حد برگذرنده مسلط کرده بود آنرا برایشان هفت
ليال وثمانية ايام حسوما فترى القوم فيها صرعى كانهم
شب وهشت روز پیوسته پس میبینی گروه عاد را در آن افکندگان گویا که ایشان
اعجاز نخل خاوية فهل ترى لهم من باقية وجاء فرعون
تنهای درختهای خرما بودند پس آیا میبینی مر ایشان را هیچ بقیتی وآمد فرعون
ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة فعصوا رسول ربهم
وآنکه پیش از او بودند واهل قوم لوط بفعل خطا وبد پس نافرمانی کردند رسول پروردگار
فاخذهم اخذة رابية انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية
پس بگرفت ایشانرا گرفتنی سخت زیاده که چون طغیان کرد آب طوفان در نشاندیم شمارا در کشتی

لنجعلها لكم تذكرة وتعيها اذن واعية فاذا نفخ في الصور
تا گردانیم آنرا برای شما پندی وعبرتی ونگاه دارد آنرا گوشی نگاه دارنده پس چون دردمند در صور
نفخة واحدة وحملت الارض والجبال فدكتا دكة واحدة
یک دمیدنی وبرداشته شود زمین وکوهها پس خرد ومرد کرده شوند یکبار خرد کردنی
فيومئذ وقعت الواقعة وانشقت السماء فهي يومئذ
پس آن روز واقع شود واقعه قیامت وشکافته شود آسمان پس آن در آن روز
واهية والملك على ارجائها ويحمل عرش ربك فوقهم
سست وبی قوت بود وفرشتگان بر جوانب آن باشند وبردارند عرش پروردگار ترا بالای ایشان
يومئذ ثمانية يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية
آن روز هشت فرشته آن روز عرض دهند شمارا بر حساب پنهان نماند از احوال شما هیچ پوشیده
فاما من اوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرءوا كتابيه
پس اما هر که بدهند نامه اورا بدست راست او پس گوید فرا گیرید وبخوانید نامه مرا
اني ظننت اني ملاق حسابيه فهو في عيشة راضية في جنة
که من بیقین بودم که من رسنده ام بحساب خود پس او در عیشی بود پسندیده در بهشت
عالية قطوفها دانية كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم
بلند مرتبه میوه آن نزدیک بود بخورید وبیاشامید نوش گوارنده بانچه فراپیش داشتید
في الايام الخالية واما من اوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني
در روزهای گذشته واما هر که بدهند نامه اورا بدست چپ او پس گوید ای کاشکی

لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ۝ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ۝ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ

نه داده بودندی نامهٔ مرا ۔ وندانستمی که چیست حساب من ۔ ای کاشکی بودی موت

الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ۝ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ

که قاطع حیاتست ۔ چه باز نداشت از من مال من ۔ ضایع شد از من حجت من

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا

گویند بگیرید او را پس غل بر گردن نهید او را ۔ پس در دوزخ در برید او را ۔ پس در زنجیری که درازی آن

سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

هفتاد ارش بود پس درآورید او را ۔ بدرستی که او بود که نمی گروید بخدای بزرگوار

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا

و حریص نمیکرد دیگران را بر طعام دادن بیچارگان ۔ پس نبود مر او را امروز اینجا

حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

خویشی شفق ۔ و نه خورش مگر از خون و چرک دوزخیان ۔ نخورند آنرا مگر گنه کاران

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

پس سوگند میخورم بآنچه می بینید ۔ و بآنچه نمی بینید ۔ بدرستی که آن گفتار رسولی با کرامتست

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ۝ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ

و نیست آن بگفتار شاعری ۔ اندکی اید آنچه میگروید ۔ و نه بگفتار کاهنی

قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَوْ تَقَوَّلَ

اندکی اید آنچه پند می گیرید ۔ آن فرو فرستاده ایست از پروردگار عالمیان ۔ واگر افترا کردی

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

بر ما بعضی از گفتارها ۔ هر آینه فرا گرفتمانی او را بدست راست او ۔ پس هر آینه بریدیمانی از وی رگ دل او را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ

پس نبودی از شما هیچ یکی ۔ از آن قتل منع کنندگان ۔ و بدرستی که این قرآن پندیست مر پرهیزکاران را

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

و بدرستی که ما میدانیم که از شما هستند تکذیب نمایندگان ۔ و بدرستی که آن قرآن حسرت اندوهی بود بر کافران

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

و بدرستی که آن حق و یقینست ۔ پس بپاکی یاد کن نام پروردگار خود را بزرگوار

سورة المعارج اربع واربعون اية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ مِنَ اللَّهِ

درخواست خواهنده ۔ عذابی واقع ۔ مر کافران را ۔ نبود مر آنرا دفع کننده ۔ از خدا

ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

خداوند ۔ عروج ملائکه ۔ صعود میکنند فرشتگان ۔ و جبرئیل ۔ در روزی که باشد

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

مقدار آن ۔ پنجاه هزار سال ۔ پس صبر کن صبری نیکو ۔ بدرستی که ایشان می بینند

بعيدا ونراه قريبا ۝ يوم تكون السماء كالمهل ۝ وتكون
الجبال كالعهن ۝ ولا يسئل حميم حميما ۝ يبصرونهم يود
المجرم لو يفتدي من عذاب يومئذ ببنيه ۝ وصاحبته و
اخيه ۝ وفصيلته التي تؤويه ۝ ومن في الارض جميعا ثم
ينجيه ۝ كلا انها لظى ۝ نزاعة للشوى ۝ تدعوا من ادبر و
تولى ۝ وجمع فاوعى ۝ ان الانسان خلق هلوعا ۝ اذا مسه
الشر جزوعا ۝ واذا مسه الخير منوعا ۝ الا المصلين ۝ الذين
هم على صلاتهم دائمون ۝ والذين في اموالهم حق معلوم
للسائل والمحروم ۝ والذين يصدقون بيوم الدين ۝ والذين هم

من عذاب ربهم مشفقون ۝ ان عذاب ربهم غير مامون
والذين هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم او ما
ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين ۝ فمن ابتغى وراء ذلك
فاولئك هم العادون ۝ والذين هم لاماناتهم وعهدهم
راعون ۝ والذين هم بشهاداتهم قائمون ۝ والذين هم على
صلاتهم يحافظون ۝ اولئك في جنات مكرمون ۝ فمال الذين
كفروا قبلك مهطعين ۝ عن اليمين وعن الشمال عزين ۝ ايطمع
كل امرئ منهم ان يدخل جنة نعيم ۝ كلا انا خلقناهم
مما يعلمون ۝ فلا اقسم برب المشارق والمغارب انا لقادرون

عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا

بر آنکه بدل کنیم بهترین از ایشانرا و نباشیم ما پیشی گرفتگان پس بگذار ایشانرا تا شروع کنند

وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يَخْرُجُونَ

و بازی کنند تا بازرسند بروز ایشان آن روزی که وعده داده اند ایشانرا روزی که بیرون آیند

مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝ خَاشِعَةً

از گورها شتابان گوئیا که ایشان سوی نشانه می شتابند خاضع باشند

أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۝

بینائیهای ایشان رسد بدیشان خواری آنست آن روز آنچه ایشانرا وعده میداد

سورة نوح عليه السلام ثمان عشرة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای روزی دهنده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ

بدرستی که بفرستادیم ما نوح را سوی قوم او که بیم کن قوم خودرا پیش از آنکه آید بدیشان عذابی

أَلِيمٌ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ

دردناک گفت نوح ای قوم من بدرستی که من مر شمارا بیم کننده روشنم تا آنکه بپرستید خدارا و بترسید از او

وَأَطِيعُونِ ۝ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

و فرمان برید مرا تا بیامرزد مر شمارا گناهان شما و بازگذارد شمارا تا اجلی

مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ قَالَ

نام نهاده بدرستی که وعده خدا چون آید تاخیر کرده نشود اگر شما بدانید گفت نوح

رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۝ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

ای پروردگار من بدرستی که بر خواندم قوم خودرا بشب و روز پس بر نیفزود ایشانرا خواندن من مگر رمیدنی

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ

و بدرستی که من هرگاه که برخواندم ایشانرا تا بیامرزی تو مر ایشانرا کردانیدند انگشتهای خودرا در گوشهای خود

وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ۝

و بسر درکشیدند چادرهای خودرا و مصر شدند و گردنکشی کردند گردنکشی کردن

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ۝ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

پس بدرستی که من برخواندم ایشانرا آشکارا پس ظاهر کردم دعوت را بر ایشان و نهان کردم مر ایشانرا در نهانی

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۝ يُرْسِلِ

پس گفتم آمرزش خواهید از پروردگار خود بدرستی که او هست آمرزنده تا بفرستد

السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ

ابر آسمان را بر شما باران ریزان و مدد کند شمارا بمالها و پسران

وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ۝ مَا لَكُمْ

و پدید کند مر شمارا بوستانها و پدید کند مر شمارا جویها چیست مر شمارا

لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ

که امید نمیدارید مر خدارا عظمتی و بدرستی که بیافرید شمارا حالها نطفها آیا ندیدید که چگونه

خلق الله سبع سموات طباقا ۝ وجعل القمر فيهن نورا

آفرید خدا هفت آسمانها را مطبق بر زبر یکدیگر و بدید کرد ماه را در آنجا چون نوری

وجعل الشمس سراجا ۝ والله انبتكم من الارض نباتا

و بدید کرد آفتاب را بسان چراغی و خدا برویانید شما را از زمین رویانیدنی

ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا ۝ والله جعل لكم

پس بازگردانید شما را در آن و بیرون آورد شما را بیرون آوردنی و خدا گردانید برای شما

الارض بساطا لتسلكوا منها سبلا فجاجا ۝ قال نوح

زمین را مانند گستردنی تا بسپرید ازان راههای فراخ را گفت نوح

رب انهم عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خسارا

ای پروردگار من بدرستی که ایشان عاصی شدند مرا و پیروی کردند آنرا که نیفزود او را مال او و فرزندان او مگر زیانکاری

ومكروا مكرا كبارا ۝ وقالوا لا تذرن الهتكم ولا

و مکر ساختند مکری و کیدی بزرگ و گفتند مگذارید خدایان خود را و

تذرن ودا ولا سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ وقد اضلوا

مگذارید بتان نهود و نه سواع و نه یغوث و نه یعوق و نه نسر را و بدرستی که گمراه کردند

كثيرا ولا تزد الظالمين الا ضلالا ۝ مما خطيئاتهم اغرقوا

بسیاری را و زیاده مکن ستمکاران را مگر گمراهی از آنچه گناه کردند ایشان غرق کرده شدند

فادخلوا نارا فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا ۝ وقال

پس در آورده شدند در آتش پس نیافتند مر ایشان را یاری کننده و گفت

نوح رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا ۝ انك ان

نوح ای پروردگار من مگذار بر روی زمین از کافران هیچکس را بدرستی که تو اگر

تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا ۝ رب اغفر

بگذاری ایشان را گمراه کردانند بندگان ترا و نزایانند مگر کافری ناسپاس را ای پروردگار

لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات و

مرا و مادر و پدر مرا و مر آنرا که در آید در کشتی من که مومن بود و مردان مومن و زنان مومنه را

لا تزد الظالمين الا تبارا ۝

و زیاده مکن ستمکاران را مگر هلاکی

سورة نوح عليه السلام

نصف

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا

بگو وحی کرده میشود بمن که گوش داشتند گروهی از پریان پس گفتند که ما شنیدیم قرانی عجب

يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا ۝ وانه تعالى

که راه می نماید به صواب پس بگرویدیم بآن و انباز نگیریم به پروردگار خود هیچ کس را و آنکه بلند است

جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانه كان يقول سفيهنا

بزرگی پروردگار ما نگرفت زنی و نه فرزندی و آنکه بود میگفت بی خرد ما

على الله شططا ۝ وانا ظننا ان لن تقول الانس والجن على الله كذبا

بر خدا [illegible] و آنکه گمان بردیم که نگویند آدمی و پری بر خدا دروغ را

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ

وانکه بودند مردانی از آدمی پناه می بردند بمردانی از پری پس بزیادت شد ایشانرا

رَهَقًا ۝ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

کفر و تکبری وانکه ایشان گمان بردند همچنانک گمان بردید شما که هرگز برنینگیزاند خدا هیچ یکی را

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا

وآنکه ما طلب کردیم رسیدن بآسمان پس یافتیم ماآنرا که پرست از نگهبانان سخت و ستارگان

لَه وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ

وآنکه بودیم ما می نشستیم از آن قعود برای شنیدن غیب را پس هر که شنود اکنون یابد

لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ۝ وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ

برای پستاره نگهدارنده طریق وحی را و درستی که نمیدانیم ای بد خواستند بآنانک در زمینند یا خواست

بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ

بدیشان پروردگار ایشان صواب وآنکه از ما هستند نیکوکاران واز ما هستند جز آن

كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ

هستیم ما مذاهب متفرق وآنکه گمان بردیم ما که هرگز فوت نشویم از قدرت خدای در زمین و هرگز

نُعْجِزَهُ هَرَبًا ۝ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا

فوت نشویم از قدرت او که گریزان باشیم وآنکه چون شنیدیم ما راه را بگرویدیم ما بدان پس هر که بگرود بپروردگار خود

يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝ وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

پس نترسد از جزا نقص خیر ونه از جزا ظلم بر کسی وآنکه از ما هستند منقادان واز ما هستند جور کنندگان

فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا

پس هر که منقاد شود پس آن گروه آنانند که جستند صواب را واما جور کنندگان پس باشند

لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً

برای دوزخ را هیزمی وآنکه وحی کرده اند بمن که اگر ثابت باشند جن یا کفار مکه بر طریق اسلام هر آینه آب دهیم ایشانرا آبی

غَدَقًا ۝ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ

فراخ بسیار تا کنیم امتحان ایشانرا در آن و هر که بر گردد از یاد کرد پروردگار خود درآوریم او را

عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ

بعذابی سخت با مشقت وآنکه مسجدها مر خدایراست پس مخوانید با خدا هیچ یکی را وآنکه چون برخاست

عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو

بنده خدا یعنی محمد حال آنکه میخواند او را نزدیک بود که باشند بر او متراکم بهم بدرستی که من میخوانم

رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ۝ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

پروردگار خود را وانباز نگردانم بدو هیچ یکی را بگو که من قادر نیستم مر شما را نه زیانی و نه صوابی

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ إِلَّا

بگو که هرگز نرهاند مرا از عذاب خدا هیچ یکی و هرگز نیابم از جز او پناه گاهی مگر

بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

ادا و رسالت منهی از خدا و از دین پیامهای او را و هر که عاصی شود در خدا و در پس هست او را آتش دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۝ حَتَّى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ

جاوید بوده در آنجا همیشه تا چون ببینند آنچه وعده داده اند ایشانرا پس زود دانند که کیست

أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ۝ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ

لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۝ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ

مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝ لِيَعْلَمَ

أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ

شَيْءٍ عَدَدًا

سورة المزمل ست وعشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۝ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا

ثَقِيلًا ۝ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝ إِنَّ لَكَ

فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلَىٰ

مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ

وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا ذَا

غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ

كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا

أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا

وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ

فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا ۝ ان ربك يعلم انك تقوم ادنى
پس هرکه خواهد فراگیرد بپروردگار خود راهی بدرستی که پروردگار تو میداند که تو برمیخیزی کمتر از
من ثلثي الليل ونصفه وثلثه وطائفة من الذين معك والله
دو ثلث شب و نیمه آن و ثلث آن و گروهی
يقدر الليل والنهار علم ان لن تحصوه فتاب عليكم فاقرؤا
تعیین مقدار میکند دانست که هرگز ضبط اوقات شب نتوانید کرد پس سهل کرد بر شما پس بخوانند
ما تيسر من القران علم ان سيكون منكم مرضى واخرون
آنچه دست دهد از قرآن دانست که زود باشند از شما بیماران و دیگران
يضربون في الارض يبتغون من فضل الله واخرون يقاتلون في
که روند برای تجارت در زمین می جویند از و دیگران که کارزار کنند
سبيل الله فاقرؤا ما تيسر منه واقيموا الصلوة واتوا الزكوة
پس کار دید آنچه دست دهد از نماز شب
واقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لانفسكم من خير
و قرض دهند خدا را قرضی نیکو و آنچه فرا پیش دارید برای تنهای خود از نیکی
تجدوه عند الله هو خيرا واعظم اجرا واستغفروا الله
یابید آنرا نزد خدا آن بهتر و بزرگتر بمزد و ثواب و آمرزش خواهید از خدا
ان الله غفور رحيم ۝

سورة المدثر خمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها المدثر ۝ قم فانذر ۝ وربك فكبر ۝ وثيابك فطهر
ای در خود پیچیده بجامه برخیز پس بیم کن و پروردگار خود را پس بزرگی یاد کن و جامه خود را پاک دار
والرجز فاهجر ۝ ولا تمنن تستكثر ۝ ولربك فاصبر ۝ فاذا نقر في
و از نجاسات دوری گزین و عطا مده که طلب زیادتی کنی و بر پروردگار خود پس شکیبائی نمای پس چون دمیده شود
الناقور ۝ فذلك يومئذ يوم عسير ۝ على الكافرين غير
در صور اول پس آن وقت آن روز روزی دشوار بود بر کافران نه
يسير ۝ ذرني ومن خلقت وحيدا ۝ وجعلت له مالا ممدودا
آسان بود بگذار مرا و آنرا که آفریدم حال آنکه تنها بود و گردانیدم برای او مالی تمام
وبنين شهودا ۝ ومهدت له تمهيدا ۝ ثم يطمع ان ازيد ۝ كلا
و پسرانی اهل حضور در محافل و بگسترانیدم برای او گستردنی پس طمع دارد که زیادت کنم
انه كان لاياتنا عنيدا ۝ سارهقه صعودا ۝ انه فكر وقدر
فقتل كيف قدر ۝ ثم قتل كيف قدر ۝ ثم نظر ۝ ثم عبس
پس لعنت بر وباد چگونه تقدیر کرد پس لعنت بر وباد چگونه تقدیر کرد پس نظر کرد
وبسر ۝ ثم ادبر واستكبر ۝ فقال ان هذا الا سحر يؤثر ۝ ان

لا تبقی

هذا الا قول البشر • سأصليه سقر • وما ادريك ما سقر •

نیست این مگر گفتار آدمی • زود در اندازیم اورا در سقر • و چه دانی تو که چه بود آن سقر

ولا تذر • لواحة للبشر • عليها تسعة عشر • وما جعلنا اصحاب

و باقی نگذارد • بسوزنده است مر اعضای آدمی را • بر آن سقر نوزده فرشته موکل باشند • و نکردیم ما اصحاب

النار الا ملئكة • وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا

آتش را مگر فرشتگان • و نکردیم ما شمار ایشانرا مگر سبب آزمایش مر آنهارا که کافر شدند

ليستيقن الذين اوتوا الكتاب ويزداد الذين امنوا ايمانا

تا بیقین دانند آنها که بداده شد ایشانرا کتاب • و زیادت شود آنها را که بگرویدند یقینی

ولا يرتاب الذين اوتوا الكتاب والمؤمنون وليقول الذين

و بشک نشوند آنها که بداده شد ایشانرا کتاب و مؤمنان نیز • و تا بگویند آنها که

في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلا كذلك

در دلهای ایشان بیماری شک و نفاق است و کافران • که چه خواست خدا بدین مثل زدن • همچنین

يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء • وما يعلم جنود ربك

گمراه کند خدا آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد • و نداند عدد لشکر خلائق پروردگار ترا

الا هو • وما هي الا ذكرى للبشر • كلا والقمر • والليل

مگر او • و نیست این سوره مگر پندی مر آدمی را • حقا و بحق ماه • و بحق شب

لمن شاء منكم

اذ ادبر • والصبح اذا اسفر • انها لاحدى الكبر • نذيرا للبشر

چون تاریک شود • و بحق صبح چون روشن شود • بدرستی که آن سقر یکی از دواهی عظامست • بیم کننده مر خلق را

ان يتقدم او يتاخر • كل نفس بما كسبت رهينة

مر آنرا که خواهد از شما پیش ایستد در طاعت یا باز پس ایستد • هر تنی بدانچه اندوخته بود گروگان بود

الا اصحاب اليمين • في جنات يتساءلون • عن المجرمين • ما

مگر اصحاب دست راست • در بهشتها باشند • پرسند ایشان • از حال گناهکاران • که چه چیز

سلككم في سقر • قالوا لم نك من المصلين • ولم نك نطعم

در آورد شمارا درین دوزخ • گویند نبودیم از جمله نمازگزاریکان • و نبودیم که طعام دهیم

المسكين • وكنا نخوض مع الخائضين • وكنا نكذب بيوم

بیچارگان را • و بودیم ما شروع میکردیم در باطل با اباطیل گویان • و بودیم ما بدروغ میداشتیم روز

الدين • حتى اتينا اليقين • فما تنفعهم شفاعة الشافعين

قیامت را • تا آمد بما اسباب مرگ • پس سود نکند ایشانرا شفاعت شفاعت کنندگان

فما لهم عن التذكرة معرضين • كانهم حمر مستنفرة

پس چیست مر ایشانرا که از قرآن برگردنده اند • گوییا که ایشان خرانی اند وحشی رمنده

فرت من قسورة • بل يريد كل امرئ منهم ان يؤتى صحفا منشرة

که بگریزند از شیران • بلکه میخواهد هر مردی از ایشان که بدهند اورا کتابهای بازکرده

كلا بل لا يخافون الاخرة • كلا انه تذكرة • فمن شاء ذكره

حقا که نچنانست که میجویند • بلکه نمی ترسند از عذاب آخرت • حقا که آن پندیست • پس هرکه خواهد پند گیرد آنرا

وما يذكرون الا ان يشاء الله • هو اهل التقوى واهل

و پند نگیرند مگر آنکه خواهد خدا • اوست سزاوار آنکه ازو ترسند و اهل

سورة القيمة اربعون آية مكية

آمرزش از او امید میدارند

بسم الله الرحمن الرحيم

نه چنانست که کافران میگویند

لا أقسم بيوم القيمة ولا أقسم بالنفس اللوامة أيحسب

سوگند میخورم بروز قیامت و سوگند میخورم بنفس که او را کو ملامت کننده است ای پندارد

الإنسان أن لن نجمع عظامه بلى قادرين على أن نسوي بنانه

آدمی که باهم نیاوریم استخوانهای او را آری توانایانیم بر آنکه باهم آوریم سر انگشتان او را

بل يريد الإنسان ليفجر أمامه يسئل أيان يوم القيمة فإذا

بلکه میخواهد آدمی که ترک کند او را در باقی عمر می پرسد که کی خواهد بود روز قیامت پس آنگه

برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر يقول

که خیره شود چشم بینا و در گرفته شود روی نور کرده ماه و در گرد کرده شود آفتاب و ماه گوید

الإنسان يومئذ أين المفر كلا لا وزر إلى ربك يومئذ

آدمی آن روز کو کجاست گریزگاه حقا که هیچ گریزگاهی نبود بسوی پروردگار تو بود آن روز

المستقر ينبؤا الإنسان يومئذ بما قدم وأخر بل الإنسان

قرارگاه خلایق آگاه کرده شود آدمی آن روز بدانچه کرده بود از خیر و شر بلکه آدمی

على نفسه بصيرة ولو ألقى معاذيره لا تحرك به لسانك لتعجل به إن

بر نفس خود بیناست و اگر چه پیش آرد عذرهای خود را حرکت مده بتلاوت قرآن زبان خود را تا شتاب کنی خواندن آن

حزب

علينا جمعه وقرءانه فإذا قرأناه فاتبع قرءانه ثم إن علينا بيانه

که بر ماست جمع کردن آن و اثبات آن پس چون خوانیم ما آنرا پس پیروی کن خواندن آنرا پس بدرستی که بر ماست بیان آن

كلا بل تحبون العاجلة وتذرون الآخرة وجوه يومئذ

حقا بلکه دوست میدارید این دنیا را و بگذارید آخرت را روی‌ها باشند آن روز

ناضرة إلى ربها ناظرة ووجوه يومئذ باسرة تظن

تازه سوی پروردگار خود نگران و روی‌ها باشند آن روز با عبوس تمام گمان برد

أن يفعل بها فاقرة كلا إذا بلغت التراقي وقيل من

که کرده اند بدان داهیه عظیم حقا که چون برسد جان بچنبر گردن و گفته شود کیست

راق وظن أنه الفراق والتفت الساق بالساق إلى

افسون کننده و داند که آن حال موجب فراقست از دنیا و پیچیده شود ساق آن شخص بدیگر ساق با

ربك يومئذ المساق فلا صدق ولا صلى ولكن كذب

پروردگار تو بود آن روز راندن آن شخص پس براستی نداشت رسول و نماز نگزارد

وتولى ثم ذهب إلى أهله يتمطى أولى لك فأولى ثم أولى

و برگشت پس برفت سوی کسان خود میخرامید از کبر وای بر تو ای شخص پس وای پس وای

لك فأولى أيحسب الإنسان أن يترك سدى ألم يك نطفة

بر تو پس وای ای پندارد آدمی که بگذارند او را مهمل و معطل ای نبود نطفه

من مني يمنى ثم كان علقة فخلق فسوى فجعل منه

از آب منی که ریخته شود در رحم پس بود خونی بسته پس آفرید پس راست اندام کرد او را پس بیافرید از او

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ • أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ
دو صنف را نر و ماده ای نیست آن خدا قادر و توانا بر آنک زنده کند

الْمَوْتَىٰ • سورة الدهر احد وثلثون آية مكية
مردگان را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا
بدرستی که آمد بر آدمی هنگامی از روزگار که نبود چیزی یاد کرده شده

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا
بدرستی که آفریدیم ما آدمی را از آب مرد آمیخته با آب زن که خواسته بودیم امتحان او را پس گردانیدیم ما او را شنوا

بَصِيرًا • إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا
و بینا بدرستی که راه نمودیم ما او را راه راست و ضلال یا شکر گوینده بود و یا ناسپاس نعم

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا • إِنَّ
بدرستی که بیچاردیم ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتشی افروخته بدرستی

الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا • عَيْنًا
که نیکوکاران آشامند از خمری که باشد آمیزش آن کافور چشمه

يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا • يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ
که آشامند از آن بندگان خدای روان کنند آن چشمها را روان کردنی وفا کنندگان بنذر و ترسند

از هال خود هر کی که خواسته

يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا • وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ
از آنروزی که باشد مکروه آن عام و منتشر و خورش دادند خورشی بر دوستی خدا

مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا • إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ
بیچاره و یتیم و اسیر را گویندگان که ما طعام میدهیم شما را برای رضا خدا نمیخواهیم از شما

جَزَاءً وَلَا شُكُورًا • إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا • فَوَقَاهُمُ
پاداشتی و نه شکر پذیرفتنی بدرستی که می ترسیم ما از پروردگار ما روزی که ترش سخت بتلخی تمام پس نگه بداشت ایشان را

اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا • وَجَزَاهُمْ بِمَا
خدا از بدی آن روز و برسید بدیشان تازه رویی و شادی و پاداش داد ایشان را بدانچه

صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا • مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ
صبر کردند بهشتی و لباسهای ابریشمینه تکیه زنندگان باشند در آنجا بر تختها نبینند

فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا • وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ
در آنجا هیچ گرمایی و نه سرمایی و نزدیک کرده شد بریشان سایهای آنها و آسان گردانید

قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا • وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ
میوه آنها را آسان گردانیدنی و گردانند بریشان کوزهایی از نقره و کوزهای که

كَانَتْ قَوَارِيرَا • قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا • وَيُسْقَوْنَ
باشند از صفا قارورها قارورها از نقره که تقدیر کرده برای اهل بهشت تقدیر کردنی و خورد داده شوند

فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا • عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ
در بهشت با ناهای پر از خمر که باشد آمیزش آن چون زنجبیل چشمه بود در آنجا نام نهاده

سَلْسَبِيلًا ۝ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ

سلسبیل ودکرد برآیند بریشان کودکانی باقی کذاشته برحالت کودکی چون بینی توایشانرا

حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ۝ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا

پنداری ایشانرا مروارید اند پراکنده شده وچون بینی تو آنجا پس بینی تو نعمتی وپادشاهی

كَبِيرًا ۝ عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا

بزرگ بر بالای ایشان بود جامهایی از سندس سبز واستبرق وزیور دربر کنند

أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ۝ إِنَّ هَذَا

از دستورنجنها از نقره ودرخورد دهد ایشانرا پروردکار ایشان شرابی پاک پاکیزه کویند ایشانرا این

كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ۝ إِنَّا نَحْنُ

هست مرشمارا پاداشتی وهست سعی شما پذیرفته بدرستی که ما

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا

فرو فرستادیم برتو قرآنرا فرو فرستادنی پس صبر نمای مرحکم پروردکار خودرا

تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ۝ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً

وفرمان مبر ازایشان بزه کاری یا ناسپاسی را ویاد کن نام پروردکار خودرا بامداد

وَأَصِيلًا ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ۝ إِنَّ

وشبانکاه وبعضی ازشب پس سجود کن اورا وتسبیح کن اورا بشب دراز بدرستی

هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ۝

کاین کروه دوست میدارند این دنیارا ومیکذارند واپس پشت خود روزی کرانرا

نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا

ما آفریدیم ایشانرا ومحکم کردانیدیم ترکیب وخلقت ایشانرا وچون خواهیم ما بدل کنیم

أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ۝ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ

مانند ایشانرا بدل کردنی بدرستی که این سورة پندیست پس هرکه خواهد فرا کیرد با پروردکار خود

سَبِيلًا ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝

عشر

بطاعت والتیا دراهی ونخواهید شما مکر آنچه خواسته بود خدا بدرستی که خداست دانای محکم کار

يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝

درآورد آنرا که خواهد در رحمت خود وستمکارانرا بیجارد برای ایشان عذابی دردناک

سورة المرسلات خمسون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فواصلها عبرتم لنا

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ۝ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ۝ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ۝

بحق بادها فرستاده بتبلیغ اوامر پس بحق بادهای سخت جهنده بحق بادهای پراکنده کردانیده

فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا ۝ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ۝ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ

خمس

پس بحق ملائکه فاروق میان حق وباطل جدا کردنی پس بحق رسانندکان وحی را بنی ... تمام کردن مبطلانرا بدرستی که آنچه وعده میدهند شمارا

لَوَاقِعٌ ۝ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ۝ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۝ وَإِذَا الْجِبَالُ

عشر

هرآینه واقعیست پس چون ستارکان بی نور شوند وچون آسمان شکافته پاره پاره شود وچون کوهها

نُسِفَتْ ۝ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ ۝ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۝ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۝ وَمَا
متفرق وناچیز شوند و چون رسولان وقت شهادت برای کدام روز مهلت داده‌اند مر روز حکم را و چه
أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نُهْلِكِ خمس
دانی تو که چه بود روز حکم وای آن روز مر بدروغ دارندگان ایندا را آیا نه هلاک کردیم ما
الْأَوَّلِينَ ۝ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۝ كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ
اولینان را پس پی ایشان داشتیم آخرینان را همچنین کنیم بکافران
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ عشر
وای آن روز بدروغ دارندگان را آیا نه آفریدیم شما را از آب خیر و خوار
فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ۝ إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ ۝ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ
پس گردانیدیم ما آن را در آرامگاهی استوار تا مقداری دانسته پس اندازه کردیم ما پس نیکو
الْقَادِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا خمس
اندازه کنندگانیم وای آن روز بدروغ دارندگان آیا نه بکردیم ما زمین را جمع آرنده
أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً
از زندگان و از مردگان و پدید کردیم ما در آنجا کوههای بلند را و در خورده دادیم ما شما را آبی
فُرَاتًا ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ عشر
خوش وای آن روز بدروغ دارندگان را بروید بسوی آنچه شما آن را بدروغ دارندگان
انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ۝ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ عشر
بروید بسوی سایهٔ دوزخ که خداوند سه شعبه است نه با حرارت و نه باز دارد از زبانهٔ آتش

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ۝ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
بدرستی که آن آتش اندازد به ریزه‌ها همچون کوشکها گویا که آن شتران زرد مویند وای آن روز
لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ۝ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ خمس
مر بدروغ دارندگان را این آن روز است که سخن نگویند و دستوری نه دهند مر ایشان را که عذر خواهند
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ
وای آن روز مر دروغ دارندگان را این روز فصل حکومت جمع کردیم شما را و اولینان را
فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ إِنَّ
پس اگر هست مر شما را کیدی پس کید سازید وای آن روز مر دروغ دارندگان را بدرستی
الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ۝ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ كُلُوا عشر
که پرهیزکاران در سایه‌های بهشت و چشمه‌های و میوه‌های از آنچه آرزو کنند
وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ
بخورید و بیاشامید نوش و گوارنده بسبب آنچه کرده بودید در دنیا بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را
وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ
وای آن روز مر دروغ دارندگان را بخورید و برخورداری گیرید اندکی بدرستی که شما
مُجْرِمُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا
کافران بودید وای آن روز مر دروغ دارندگان را و چون گویند مر ایشان را رکوع کنند
لَا يَرْكَعُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ
رکوع نکنند وای آن روز مر دروغ دارندگان را پس بکدام سخن پس از این قرآن

يؤمنون

نمیگروند

بسم الله الرحمن الرحيم

عم يتساءلون ۝ عن النبإ العظيم ۝ الذي هم فيه مختلفون ۝

از چه چیز می پرسند از خبری بزرگ آنچه ایشان در آن اختلاف کنندگانند

كلا سيعلمون ۝ ثم كلا سيعلمون ۝ ألم نجعل الأرض

حقا که زود بدانند پس حقا که زود بدانند ای نه بکردیم ما زمین را

مهادا ۝ والجبال أوتادا ۝ وخلقناكم أزواجا ۝ وجعلنا

بمثابت گهواره و کوهها را بمنزلت میخهای و آفریدیم ما برای شما جفتان و بکردیم ما

نومكم سباتا ۝ وجعلنا الليل لباسا ۝ وجعلنا النهار

خواب شما را سبب آسایش و بکردیم ما شب را بمنزلت پوششی و بکردیم ما روز را

معاشا ۝ وبنينا فوقكم سبعا شدادا ۝ وجعلنا سراجا

سبب کسب معاش و بنیاد نهادیم بالای سر شما هفت آسمان سخت محکم را و بدید کردیم ما چراغی

وهاجا ۝ وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا ۝ لنخرج به حبا

بانور و فرو فرستادیم ما از ابرهای باران آبی ریزان تا بیرون آوریم بدان دانه

ونباتا ۝ وجنات ألفافا ۝ إن يوم الفصل كان ميقاتا ۝

و گیاهی را و بستانهای درهم پیچیده بدرستی که روز حکم هست وعده گاه

الجزو

خمس

عشر

يوم ينفخ في الصور فتأتون أفواجا ۝ وفتحت السماء فكانت

روزی که در دمند در صور پس آیند شما گروه گروه و گشوده شود آسمان پس باشد

أبوابا ۝ وسيرت الجبال فكانت سرابا ۝ إن جهنم كانت

درها و روان شود کوهها پس باشد مانند آبی بدرستی که دوزخ هست

مرصادا ۝ للطاغين مآبا ۝ لابثين فيها أحقابا ۝ لا يذوقون

طریقی و کمینگاهی مر ظالمان را مر طاغیان را جای بازگشتی درنگ کنندگان در آنجا سالهای بسیار نچشند

فيها بردا ولا شرابا ۝ إلا حميما وغساقا ۝ جزاء وفاقا ۝ إنهم

در آنجا نه نسیم سردی و نه آب آشامیدنی مگر آب گرم بغایت و زرداب ... پاداشتی موافق بدرستی که ایشان

كانوا لا يرجون حسابا ۝ وكذبوا بآياتنا كذابا ۝ وكل شيء

بودند که امید نداشتند حساب را و دروغ داشتند نشانهای ما را دروغ داشتنی و همه چیزی

أحصيناه كتابا ۝ فذوقوا فلن نزيدكم إلا عذابا ۝

برشمردیم ما آنرا در لوح محفوظ پس بچشید پس نیفزاییم شما را مگر عذابی

إن للمتقين مفازا ۝ حدائق وأعنابا ۝ وكواعب أترابا ۝

بدرستی که پرهیزکاران راست رستگاری بوستانها و انگورستانها و زنان ... همزادان

وكأسا دهاقا ۝ لا يسمعون فيها لغوا ولا كذابا ۝

و جامهای پر کرده نشنوند در آنجا هیچ بیهوده و نه دروغی

جزاء من ربك عطاء حسابا ۝ رب السموات والأرض وما بينهما

پاداشتی از پروردگار تو بخششی بحساب پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است

الرحمن لا يملكون منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملئكة
خدای روزی دهنده قادر نباشند نزد خدا سخن را روزی که برخیزد جبریل و فرشتگان
صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ۝
صف صف سخن نتوانند کرد مگر آنرا که دستوری دهد اورا خدای و گوید صواب
ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مابا ۝ انا انذرناكم
آنست روز بحق پس هر که خواهد که فرا گیرد با پروردگار خود بازگشتن جای براستی که ما بیم کردیم شمارا
عذابا قريبا ۝ يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر
بعذابی نزدیک آنروز ببیند مرد آنچه از پیش داشته باشند دو دست او و گوید کافر
يا ليتني كنت ترابا
ای کاشکی که من خاکی بودی

سورة النازعات

بسم الله الرحمن الرحيم

والنازعات غرقا ۝ والناشطات نشطا ۝ والسابحات سبحا ۝
بحق ملائکه بیرون کشنده ارواح کافران بسختی بحق ملائکه بیرون آورنده ارواح انبیا را بآسانی بحق ملائکه روندهٔ
فالسابقات سبقا ۝ فالمدبرات امرا ۝ يوم ترجف
پس بحق پیشی گیرندگان کار پیشی گرفتنی پس بحق تدبیر کنندگان کار کاری را روزی که بلرزد زمین
الراجفة ۝ تتبعها الرادفة ۝ قلوب يومئذ واجفة ۝
بلرزیدنی در پی آن در آید رجفهٔ دوم دلها آن روز ترسان و لرزان

ابصارها خاشعة ۝ يقولون ائنا لمردودون في الحافرة ۝
بینائیهای آن خاضع و کند گویند ای براستی که ما هر آینه بازگردنده باشیم در آن حالت نخستین
ائذا كنا عظاما نخرة ۝ قالوا تلك اذا كرة خاسرة ۝ فانما هي
ای چون باشیم ما استخوانهای پوسیده و ریزیده گفتند آن رجعت را بطریق استهزا آنگه که چنان بود رجعت بود با خسارت منکرانرا پس آن حالت
زجرة واحدة ۝ فاذا هم بالساهرة ۝ هل اتك حديث
یک نفخه بود پس آنگه ایشان و همه خلائق منکشف باشند هیچ آمد بتو قصه
موسى ۝ اذ ناداه ربه بالواد المقدس طوى ۝ اذهب الى فرعون
موسی چون بر خواند پروردگار خود او را بوادی مقدس و پاک که نام آن طوی است که برو بسوی فرعون
انه طغى ۝ فقل هل لك الى ان تزكى ۝ واهديك الى ربك فتخشى ۝
که او طاغیست پس بگو ای هیچ میل هست ترا با آنکه پاک شوی و راه نمایم ترا بسوی پروردگار تو پس بترسی
فاريه الاية الكبرى ۝ فكذب وعصى ۝ ثم ادبر يسعى ۝
پس باز نمود او را نشان بزرگتر پس بدروغ داشت و عاصی شد پس پشت بر کرد میکوشید ... اژدها
فحشر فنادى ۝ فقال انا ربكم الاعلى ۝ فاخذه الله نكال
پس جمع کرد او را پس بر خواند آنها پس گفت که منم پروردگار شما پس بگرفت او را خدا بعقوبت
الاخرة والاولى ۝ ان في ذلك لعبرة لمن يخشى ۝ ءانتم اشد
آخرت و دنیا بدرستی که در آن هر آینه عبرتست مر آنرا که بترسد ای شما سخت تر بید
خلقا ام السماء بنها ۝ رفع سمكها فسوىها ۝ واغطش ليلها
بآفرینش یا آسمان که بنا فرمود آنرا برافراشت ارتفاع آنرا پس برابر ساخت آنرا و تاریک گردانید شب آنرا

وَأَخْرَجَ ضُحٰيهَا • وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰيهَا • أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا
و بیرون آورد چاشت آنرا و زمین را پس از آن بگسترانید آنرا بیرون آورد از آن آب آنرا

وَمَرْعٰيهَا • وَالْجِبَالَ أَرْسٰيهَا • مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ
و چراگاه آنرا و کوهها ثابت گردانید آنرا برخورداری مر شما را و مر چارپایان شما را

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرٰى • يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعٰى
پس چون آید داهیه بزرگتر آن روز یاد آورد آدمی آنچه سعی نموده باشد

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرٰى • فَأَمَّا مَنْ طَغٰى • وَآثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا • فَإِنَّ
و نمایانیده شود دوزخ برای آنکه ببیند پس اما آنکه از حد تجاوز نمود و اختیار کرد زندگانی دنیا را پس

الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوٰى • وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ
دوزخ آنست جایگاه او و اما آنکه ترسید از ایستادن با وعده پروردگار خود و باز داشت نفس اماره را از

الْهَوٰى • فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوٰى • يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ
آرزوها پس براستی که بهشت آنست جایگاه او می پرسند از تو از حال قیامت که کی خواهد بود

مُرْسٰيهَا • فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرٰيهَا • إِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰيهَا • إِنَّمَا
اثبات آن در چه کاری تو از یاد کردن آن با پروردگار تست نهایت علم آن جز این نیست

أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشٰيهَا • كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
که تو بیم کننده آنرا که بترسد از آن درنگ نکرده باشند مگر

عَشِيَّةً • سورة عبس اثنتان واربعون آية • أَوْ ضُحٰيهَا
شبانگاهی یا چاشت آن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلّٰى • أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمٰى • وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّٰى • أَوْ يَذَّكَّرُ
روی ترش کرد و برگشت پیغمبر چون آمد بدو نابینا و چه دانی تو شاید بود که او پاک شود از گناه یا پند گیرد

فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرٰى • أَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى • فَأَنْتَ لَهُ تَصَدّٰى
پس سود کند پند دادن اما آنکه بی نیازی نمود پس تو مر او را متعرض میشوی

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكّٰى • وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعٰى • وَهُوَ يَخْشٰى • فَأَنْتَ
و نیست بر تو اگر پاک نشود از کفر و اما آنکه آمد بتو می شتافت بخیر و او می ترسید از خدا پس تو

عَنْهُ تَلَهّٰى • كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ • فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ • فِي صُحُفٍ
از او اشتغال می نمائی حقا که این سوره پندیست پس هر که خواهد پند گیرد از آن در نامهای

مُكَرَّمَةٍ • مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ • بِأَيْدِي سَفَرَةٍ • كِرَامٍ بَرَرَةٍ • قُتِلَ
برافراشته گرامی کرده از مس دیوان بدستهای نویسندگان پاکان و نیکان لعنت

الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ • مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ • مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ
بر آدمیان چه ناسپاس است او از چه چیز آفریده شده است از نطفه آفرید او را

فَقَدَّرَهُ • ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ • ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ • ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ
پس مستعد انسانی گردانید او را پس راه صلاح آسان کرد پس بمیرانید او را پس در قبر نهاد او را پس چون خواهد زنده گرداند او را

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ • فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلٰى طَعَامِهِ • أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ
حقا که بجای نیاورد آدمی آنچه فرموده بود او را پس باید که بنگرد آدمی بسوی طعام خود که ما بریزانیدیم آب باران را

صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا

بارانیدنی پس بشکافتیم ما زمین را بشکافتنی پس برویانیدیم ما در آنجا دانه و انگور و سپستهایی و اسپست

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا

و درخت زیتون و خرماستانها و بلبغهای با انبوهی درختها و میوه‌ها و میوه‌های دیگر را و چراگاه را برخورداری

لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ

مر شما را و مر چهارپایان شما را پس چون آید قیامت آن روز گریزد آدمی

مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ

از برادر خود و از مادر و از پدر خود و از زن خود و از پسران خود مر هر مردی را بود

مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ

از ایشان آن روز کاری که باز دارد او را از غیر او روی‌ها باشند آن روز تازه خندان

مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا

شادان و روی‌ها باشند آن روز که بر آن بود غباری برسد بدان

قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

کردی آن گروه ایشانند کافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

چون آفتاب بی نور گردانیده شود و چون ستارگان فرو ریخته شوند و چون کوهها روان شوند

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

و چون شتران ده ماهه آبستن را مهمل گذارند و چون حیوانات برانگیخته شوند و چون دریاها خشک شوند

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

و چون ارواح مقرون شوند با جسدها و چون از حال دختران زنده گور کرده سوال کنند که بکدام گناه کشته شدند

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَإِذَا

و چون نامهٔ اعمال بازکرده شود و چون آسمان بریده بشود از روی بهشت و چون

الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ

دوزخ تابانیده و گرم شود و چون بهشت نزدیک گردانیده شود داند هر تنی آنچه کرده بود از خیر و شر

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ

پس سوگند میخورم به ستارگان که رجوع میکنند روان نهان شونده و بحق شب چون در آید تاریک گردد

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ

و بحق صبح چون دم زند در شعاع آفتاب بدرستی که این قرآن پیام گزاریست با کرامت خداوند توانایی نزدیک

ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ وَلَقَدْ

خداوند عرش با مکانت مقبول سخن آنجا استوار در اداء وحی و نیست صاحب شما محمد هیچ دیوانگی و بدرستی که

رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

دید رسول جبرئیل را بکنارهٔ آسمان روشن و نبود او بر علم غیب متهم و نیست او بگفتار

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ

دیو رانده پس کجا میروید شما کفار نیست آن مگر پندی مر جهانیان را مر آنرا که خواهد

مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ۝ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ
از شما که ثابت بود بر راه راست ونخواهید شما مگر آنچه خواسته بود خدا که پروردگار

الْعَالَمِينَ
جهانیانست

سورة الانفطار تسع وعشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ ۝ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ۝ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ
چون آسمان شکافته شود وچون ستارگان پراکنده شوند وچون دریاها روان کرده شوند

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝ يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ
وچون اهل گورها بیرون آورده شوند از گورها داند هر تنی آنچه از پیش فرستاده بود از طاعت و معصیت ای آدمی

مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ
چه چیز فریفت ترا به پروردگار تو که موصوف بکرمست آن خدایی که آفرید ترا پس راست اندام کرد ترا پس معتدل کرد ترا

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۝ وَإِنَّ
در صورتی که خواست ترکیب کرد ترا حقا بلکه شما دروغ میدارید قیامت را وبدرستی

عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ
که بر شما هستند نگهبانان با کرامت نویسندگان میدانند آنچه میکنید

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ۝ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ
بدرستی که نیکوکاران در ناز و نعمت باشند وبدرستی که کافران در آتش دوزخ باشند در روند در آنجا روز جزا

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ
ونباشند ایشان از آنجا غایبان وچه دانی تو که چه بود روز جزا پس چه دانی تو که چه بود

مَا يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ
روز جزا روزی بود که قادر نباشد هیچ تنی مر هیچ تنی را چیزی و فرمان آن روز خدا را

سورة المطففين ست وثلثون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ
وای مر کم پیمانه کان را آنهائی که بر کشند کیل را ستانند بر مردمان تمام قبض کنند

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ۝ أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ
وچون کیل ایشان بود برای دادن بمردم یا بر کشند ایشان باز کاهانند ای گمان نمی برند آن گروه

أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ
که ایشان برانگیختگان باشند در روزی بزرگ را روزی که برخیزند مردمان مر خداوند پروردگار

الْعَالَمِينَ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ
عالمیان را حقا بدرستی که نامه کافران مرانه در سجین بود وچه دانی تو

مَا سِجِّينٌ ۝ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ
که چه بود سجین موضع نامه ایست نوشته که وای آن روز مر دروغ دارندگان انبیا را

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

آنها که بدروغ میدارند قیامت را ۝ و بدروغ نمی دارد آنرا مگر از حد درگذرنده بزه کار

إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ كَلَّا بَلْ رَانَ

چون خوانده شود بروی نشانهای ما گوید این افسانهای پیشینیانست حقا که غالب شود

عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ كَلَّا إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ

بر دلهای ایشان ظلمت و کدورت آنچه ایشان اندوخته باشند حقا بدرستی که ایشان از ثواب پروردگار خود

يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا

آن روز پوشیده باشند پس بدرستی که ایشان درروندهٔ دوزخ پس گویند این است

الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ

آنچه شما آنرا بدروغ میداشتند حقا بدرستی که نامهٔ نیکوکاران هرآینه در علیین بود

وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ۝ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

و چه دانی تو که چه بود علیین موضع نامهٔ ایست نوشته که حاضر آیند بدان نزدیکان

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ

بدرستی که نیکوکاران در ناز و نعمت باشند بر تختهای آراسته نگرند شناسید در رویهای ایشان

نَضْرَةَ النَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ مَّخْتُومٍ ۝ خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي

تازگی ناز و نعمت آخورده شود ایشانرا از خمر صافی مهر کرده که طعم آن چون مشک بود و در

ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ۝ وَمِزَاجُهُ مِن تَسْنِيمٍ ۝ عَيْنًا

آن خرا پس باید که رغبت کنند رغبت کنندگان و آمیزش آن از تسنیم بود چشمه

يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

که آشامند آن نزدیکان بدرستی که آنها که گناه کردند بودند از آنها که بگرویده بودند

يَضْحَكُونَ ۝ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ۝ وَإِذَا انقَلَبُوا

میخندیدند و چون بگذشتندی بر ایشان چشمک بهم میزدند و چون بازگشتندی

إِلَىٰ أَهْلِهِمُ انقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ

بسوی کسان خود باز میگشتند خوش عیشان و چون بدیدندی ایشانرا بگفتندی که این گروه

لَضَالُّونَ ۝ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا

هرآینه گمراهان اند و حال آنکه نفرستاده اند ایشانرا بر ایشان نگهبانی پس امروز آنها که بگرویدند

مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۝ عَلَى الْأَرَائِكِ يَنظُرُونَ ۝ هَلْ ثُوِّبَ

از کافران خندند بر تختهای آراسته نگرند آیا جزا داده شد

الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

کافران بدانچه ایشان کرده باشند

سورة الانشقاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ۝ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

چون آسمان شکافته شود و فرمان برد پروردگار خود را و سزاوار گردد فرمان را و چون زمین کشیده شود

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ

و بیرون اندازد آنچه در آن بود و خالی اند و فرمان برد پروردگار خود را و سزاوار بود ای آدمی

إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ۝ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
ای آدمی که تو جهد نماینده سوی پروردگار خود جهد نمودنی پس دریابنده جزاء آن عمل پس اما هرکه بدهند نامه اورا
بِيَمِينِهِ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۝ وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ
بدست راست او پس زود حساب کرده شود حسابی آسان وباز گردد سوی کسان خود
مَسْرُورًا ۝ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُو
شادان واما هرکه بدهند نامه اورا واپس پشت او پس زود بر خواند
ثُبُورًا ۝ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ إِنَّهُ
واهلاکاه ودر رود بآتش افروخته بدرستی که او بود در میان اهل خود شادان بدرستی که او
ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ ۝ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ
گمان برد که هرگز باز نگردد آری بدرستی که پروردگار او هست بحال او بینا پس سوگند میخورم بسرخی که در افق
وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ
وبحق شب وآنچه بپوشاند وبحق ماه چون نور او تمام شود هر آینه برنشینید حالی را پس از حالی
فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۩ بَلِ
پس چیست مرایشان را که ایمان نمی آورند وچون خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه
الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۝ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ
آنها که کافر شدند بدروغ می دارند ترا وخدا داناتر است بآنچه باز می پوشانند پس بشارت ده ایشانرا بعذابی
أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ
دردناک مگر آنها که بگرویدند وکردند کارهای نیک مرایشانرا بود مزدی نه منت نهاده شده

سُورَةُ الْبُرُوجِ اثْنَتَانِ وَعِشْرُونَ آيَةً مَكِّيَّةٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۝ قُتِلَ
بحق آسمان خداوند برجها وبحق روز موعود که قیامت است وبحق گواهی دهنده ودر آورده شده لعنت
أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۝ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ۝ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝
بر اصحاب اخدود که شکاف بیکردند در زمین بآتشی خداوند هیمه چون ایشان برآتش نشسته بودند
وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۝ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا
وایشان بر آنچه میکردند بمومنان گواهان بودند وعیب ندیدند از ایشان مگر
أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
که بگرویده بودند بخدای غالب ستوده آن خدائی که مر او راست ملک آسمانها وزمین
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
وخدا بر همه چیزی گواه حاضر بدرستی که آنها که رنجانیدند مردان مومن وزنان مومنه را
ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
پس توبه نکردند پس مرایشانرا بود عذاب دوزخ ومرایشانرا بود عذاب سوزناک بدرستی که آنها
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ
که بگرویدند وکردند کارهای نیک مرایشانرا بود بهشتهائی که رود از زیر آن جویها آنچه

الْفَوْزُ الْكَبِيرُ • إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ • إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ • وَهُوَ

رستگاری بزرگ · بدرستی که گرفتن پروردگار تو سخت بود · بدرستی که او بابتدا بیافرید و باز آفرید آن داد

الْغَفُورُ الْوَدُودُ • ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ • فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ • هَلْ أَتَاكَ

آمرزگار · دوست دار مطیعان · خداوند عرش بلند رتبت · کننده آنچه خواهد · بدرستی که آمد تو

حَدِيثُ الْجُنُودِ • فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ • بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

سخن و قصه لشکرهای · فرعون · و قوم صالح · بلکه آنها که کافر شدند · در دروغ داشتن

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ • بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ • فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

و خدا · از پس تکذیب داشتن ایشان داناست · بحالشان · بلکه آن قرآنی است بلند رتبت · مکتوب در لوح المحفوظ

سورة الطارق سبع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ • وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ • النَّجْمُ الثَّاقِبُ

بحق آسمان · بحق ستاره که بشب آید · و چه دانی تو · که چه بود · آن ستاره · ستاره بود درخشنده

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ • فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ • خُلِقَ

نیست · هر تنی · که بر آن بود · نگهدارنده · پس باید که بنگرد · آدمی · که از چه چیز آفریده شد · آفریده شد

مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ • يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ • إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

از آبی · جهنده · که بیرون می آید · از میان صلب پشت مرد · و استخوانهای سینه زن · بدرستی که خدا · بر باز گردانیدن او · تواناست

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ • فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ • وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

روزی که آشکارا شود نهانیها · پس نبود مر او را · هیچ قوتی · و یاری کنی · و بحق آسمان · خداوند · باران

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ • إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ • وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ • إِنَّهُمْ

و بحق زمین · خداوند · نبات و گیاه · بدرستی که این قرآن · گفتاریست جداکننده میان حق و باطل · و آن نیست · بمسخرگی و هزل · بدرستی که ایشان

يَكِيدُونَ كَيْدًا • وَأَكِيدُ كَيْدًا • فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ

کید و حیله میسازند · و جیلت میسازند · و من جیلت میسازم · مجازات کید ایشان را در انتظار این حق · پس مهلت ده · کافران را

أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا

مهلت · دادنی · اندک

سورة الطارق تسع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى • الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى • وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

تسبیح کن · بنام پروردگار خود · او برتر · آن خدای که آفرید کائنات · پس راست اندام کرد آدمی را · و آن خدای که تقدیر نمود · پس راه نمود

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى • فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى • سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسَى • إِلَّا

و آن خدای · که بیرون آورد از عدم گشت زرع را · پس گردانید او را گیاه خشک · زود · قرآن خوان گردانیم · تا باز پس فراموش نکنی · مگر

مَا شَاءَ اللَّهُ • إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى • وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى • فَذَكِّرْ

آنچه خواسته بود خدا · بدرستی که او میداند آشکارا · و آنچه نهانست · و آسان گردانیم مر ترا · طریقت آسانی · پس پند ده

إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى • سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَى • وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى • الَّذِي

بدرستی که سود کند · پند دادن · زود · پند گیرد · آنکه ترسد · و دوری جوید از آن بدبخت ترین آنکسی

يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۝ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيٰى ۝ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

که در رود در آتش بزرگتر پس بمیرد در آنجا و نه بزید بدرستی که رستگاری یافت آنکه

تَزَكّٰى ۝ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى ۝ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

تزکیه نمود نفس خود را و یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گزارد بلکه برمیگزینید زندگانی دنیا

وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقٰى ۝ إِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولٰى ۝ صُحُفِ

و آخرت بهتر و باقی تر بدرستی که این قرآن هرآینه در کتابهای پیشینیانست نامهای

إِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى ۝

ابرهیم و موسی

سورة الغاشية عشرون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتٰيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ عَامِلَةٌ

بدرستی که آمد بتو سخن و خبر داهیهٔ پوشنده بخلائق رویها باشند آن روز ترسان خاضع کار کنندگان

نَاصِبَةٌ ۝ تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً ۝ تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ۝ لَيْسَ لَهُمْ

با تعب از کشیدن زنجیرها در آیند در آتش گرم در خورد داده شوند از چشمهٔ بغایت گرم نبود مر ایشان را

طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۝ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ

خورشی مگر از خار خشک نه فربه کند و نه بازدارد از گرسنگی رویها باشند آن روز

نَاعِمَةٌ ۝ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ لَا تَسْمَعُ فِيهَا

با تنعم مر سعی خود را راضی باشند در بهشتی عالی بلند مرتبه نشنوند در آنجا

لَاغِيَةً ۝ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۝ وَأَكْوَابٌ

کژی در آنجا باشد چشمهٔ روان در آنجا تختهای برافراشته و کوزهای

مَوْضُوعَةٌ ۝ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝ أَفَلَا يَنْظُرُونَ

بنهاده و نیز بالشهای بر هم نشسته و بساطهای فاخر گسترده آیا پس نمی نگرد

إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝

بسوی شتر که چگونه آفریده شده است و بسوی آسمان که چگونه برافراشته شد

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ

و بسوی کوهها که چگونه برپای کردانیده شد و بسوی زمین که چگونه

سُطِحَتْ ۝ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۝ لَسْتَ عَلَيْهِمْ

گسترده شد پس پند ده بدرستی که تو پند دهنده ای نیستی تو بر ایشان

بِمُصَيْطِرٍ ۝ إِلَّا مَنْ تَوَلّٰى وَكَفَرَ ۝ فَيُعَذِّبُهُ اللّٰهُ الْعَذَابَ

مسلط مگر آنکه برگشت و کافر شد پس عذاب کند اورا خدا بعذابی

الْأَكْبَرَ ۝ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۝

بزرگتر بدرستی که بما است بازگشت ایشان پس بدرستی که بر ماست حساب ایشان

سورة الفجر ثلثون آية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

نصف

وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ

بحق بامداد و بحق شبهای دهه ذی الحجه و بحق آنچه زوجست و بحق آنچه فردست و بحق شب چون بگذرد

هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

ای هیچ هست در آن سوگندی خداوند خرد را ای ننگریستی که چه کرد پروردگار تو

بِعَادٍ ۝ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝ وَثَمُودَ

بقوم هود که قبیله ایشان ارم بود خداوند ستونهای بلند که آفریده نشد مانند آن در شهرها و بقوم صالح

الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَغَوْا

آنها که بریدند سنگها را بوادی و بفرعون خداوند میخها آنها که طاغی شدند

فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ

در شهرها پس بسیار کردند در آنجا تباهی را پس بریخت بر ایشان پروردگار تو

سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ

تازیانه عذاب بدرستی که پروردگار تو هر آینه بکمینگاهست پس اما آدمی چون آزمایش کند او را

رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا

پروردگار او پس گرامی کند او را و نعمت دهد او را پس گوید پروردگار من گرامی کرد مرا و اما

إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ

چون آزمایش کند او را پس تنگ کرد بر او روزی او را پس گوید پروردگار من خوار کرد مرا

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ

حقا بلکه گرامی نمیدارید یتیم را و بر یکدیگر نمی‌انگیزید خود را بر طعام مسکین

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

و میخورید میراث را خوردنی بسیار و دوست میدارید مال را دوستی بسیار

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا

حقا چون خورد و مرد کرده شود زمین خورد کردنی دوباره و آید فرمان پروردگار تو و فرشتگان صف

صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

صف و آورده شد در آن روز دوزخ را آن روز پند گیرد آدمی

وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ

و از کجا بود مر او را پند گرفتن گوید ای کاشکی من فرستادمی پیش از برای زندگانی پس آن روز

لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ

عذاب نکند چون عذاب او هیچ کی و بند نکند چون بند کردن او هیچ کی ای نفس

الْمُطْمَئِنَّةُ ۝ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي

مطمئنه آرام گیرنده باز گرد سوی ثواب پروردگار خود خشنود و پسندیده پس در رو

فِي عِبَادِي ۝ وَادْخُلِي جَنَّتِي

در میان بندگان من و در رو در بهشت من

سورة البلد عشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

نه چنانست که کافران میگویند

لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ

سوگند میخورم بحق این شهر مکه و حال آنکه تو فرود آمده بدین شهر بحق آدم و آنچه از و زاد

لقد خلقنا الانسان في كبد ۝ ايحسب ان لن يقدر عليه

بدرستی که آفریدیم ما انسان را در رنج کشیدن بجهت اسباب معاش ای پندارد که قادر نشود بر

احد ۝ يقول اهلكت مالا لبدا ۝ ايحسب ان لم يره

هیچ بگوید نیست گردانیدم مالی بسیار در عداوت محمد ای پندارد که نبیند او را

احد ۝ الم نجعل له عينين ۝ ولسانا وشفتين ۝ و

هیچ یکی ای نه بدید کردیم ما مر او را دو چشم و زبانی و دو لب

هديناه النجدين ۝ فلا اقتحم العقبة ۝ وما ادراك

و راه نمودیم ما او را طریق خیر و شر پس نگذشته است آدمی از عقبه و چه دانی تو ای محمد

ما العقبة ۝ فك رقبة ۝ او اطعام في يوم ذي مسغبة

که چه بود عقبه آزاد کردن بنده بود با طعام دادن در روزی خداوند تنگی

يتيما ذا مقربة ۝ او مسكينا ذا متربة ۝ ثم كان

یتیم را خداوند نزدیکی یا بیچاره را خداوند فقر و حاجت پس باشد

من الذين امنوا وتواصوا بالصبر وتواصوا بالمرحمة

از آنها که بگرویدند و فرمودند یکدیگر را بصبر کردن و فرمودند یکدیگر بمهربانی با خلق

اولئك اصحاب الميمنة ۝ والذين كفروا باياتنا هم

آن گروه اصحاب دست راستند و اما آنها که کافر شدند بنشانهای ما ایشان

اصحاب المشئمة ۝ سورة الشمس عليهم نار مؤصدة

اصحاب دست چپ باشند بر ایشان باد آتشی منطبقة الابواب

بسم الله الرحمن الرحيم

والشمس وضحاها ۝ والقمر اذا تلاها ۝ والنهار اذا جلاها

بحق آفتاب و چاشت آن بحق ماه چون از پی آن درآید بحق روز چون روشن شود

والليل اذا يغشاها ۝ والسماء وما بناها ۝ والارض وما

بحق شب چون تاریک شود بحق آسمان و آن خدای که بنا فرمود آنرا و بحق زمین و آنکه

طحاها ۝ ونفس وما سواها ۝ فالهمها فجورها وتقواها

که گسترانیده آنرا بحق نفس و آن حکیمی که کامل کرد پس فرا دل داد او را طریق بی سامانی آن و پرهیز آنرا

قد افلح من زكاها ۝ وقد خاب من دساها ۝ كذبت

بدرستی که رستگاری یافت آنکه پاک گردانید آنرا و بدرستی که نومید شد آنکه پنهان گردانید آنرا بدروغ داشتند

ثمود بطغواها ۝ اذ انبعث اشقاها ۝ فقال لهم رسول الله

قوم صالح بسبب طغیان خود چون عزم کرد سوی عقر ناقه بدبخت ترین آن قبیله پس گفت مر ایشان را صالح رسول خدا

ناقة الله وسقياها ۝ فكذبوه فعقروها ۝ فدمدم

که این ناقه خداست حذر کنید از آبشخور آن پس بدروغ داشتند او را پس بکشتند آن ناقه را پس هلاک کرد

عليهم ربهم بذنبهم فسواها ۝ ولا يخاف عقباها

ایشان را پروردگار ایشان بسبب گناهان ایشان پس متساوی گردانید و نترسید از عاقبت آن

سورة الشمس خمس عشرة اية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

بحق شب چون تاریک شود · وبحق روز چون روشن شود · وبحق آنچه آفرید جدا از نرینه وماده

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۝ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ

بدرستی که سعی شما متفرقست ومختلف · پس اما آنکه عطا داد · وبپرهیزید · وباور داشت بهشت را

فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ۝ وَكَذَّبَ

پس زود آسان گردانیم اورا طریقت آسانی · واما آنکه بخیلی کرد · وبی نیازی نمود · وبدروغ داشت

بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۝ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ

بهشت را · پس زود آسان گردانیم اورا طریقت دشواری · وچه بکار آید ازو مال او

إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ۝ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ

چون برگشت · بدرستی که برماست براینه راه نمودن · وبدرستی که مراست براینه آخرت ودنیا

فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ

پس بیم کردم شمارا از آتشی · که زبانه زنده · در نرود درآنجا مگر بدبخترین · آنکه بدروغ داشت

وَتَوَلَّىٰ ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ۝ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝ وَمَا

وبرگشت · وزود دور کرده شود پرهیزکارترین · آنکه بداد مال خودرا که تا پاک شود تن او · ونبود

لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ۝ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ

هیچ یکی را نزدیک او · هیچ نعمتی که پاداش داده شود · مگر از بهر جستن رضای پروردگار خود · از بلندتر

وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

سورة الضحى احدى عشرة

وبراینه زود راضی شود او

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝ وَلَلْآخِرَةُ

بحق چاشتگاه · وبحق شب چون درآید · ترک نکرد ترا پروردگار تو · ودشمن نداشت · وبراینه آخرت

خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝ أَلَمْ يَجِدْكَ

بهتر است ترا از دنیا · وبراینه زود عطا دهد ترا پروردگار تو · پس راضی شوی · ای نه یافت ترا

يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ

بی پدر پس جای داد · ویافت ترا بی معرفت شریعت پس راه نمود · ویافت ترا درویش پس توانگر کرد بمال خدیجه

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ

پس اما یتیم را · پس قهر مکن · واما خواننده را پس باز مزن · واما بنعمت

رَبِّكَ فَحَدِّثْ

پروردگار خود · پس سخن گو

سورة الانشراح ثمان آيات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝ الَّذِي أَنقَضَ

ای نه برگشودیم ترا سینه تو بنور معرفت · وبنهادیم از تو · بارگران ترا · آن باری که گران بار میکرد

در شفا نویسد خیر القرآن

ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

پشت ترا وبرافراشتیم ترا یاد کرد تو پس بدرستی که با دشواری آسانی است بدرستی که با دشواری

يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ

آسانی است پس چون فارغ شوی از عبادت پس رنجه شو بعبادتی دیگر و بسوی پروردگار خود پس رغبت کن

سورة التين ثمان آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ

بحق انجیر و درخت زیتون و بحق کوه طور سینا و بحق این شهر مکه ایمن بدرستی

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

که بیافریدیم انسان را در نیکوترین صورت و خلقتی پس بازگردانیدیم او را بحالت پیری فروترین فرودینان

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

مگر آنها که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک پس مر ایشان را بود مزدی نه منت نهاده

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

پس چه بدروغ میدارند ترا پس از این دین ای نیست خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان

سورة العلق ثمان آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ

برخوان بنام پروردگار خود آن خدایی که آفرید چیزها را آفرید آدمی را از خون بسته برخوان بحق پروردگار

الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ كَلَّا

گرامی تر آنکه درآموخت خط را بقلم درآموخت آدمی را آنچه ندانست حقا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ

که آدمی مرآینه طاغی میشود چون دید خود را مستغنی و توانگر بدرستی که با پروردگار تست بازگشت

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ

ای دیدی تو آنرا که نهی میکند بنده مارا چون نماز میگزارد ای چه بینی تو ای ابوجهل اگر باشد بر راه راست

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ

یا فرمود بپرهیزکاری ای چه بینی تو اگر بدروغ داشت و برگشت ای نمیداند که خدا می بیند

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ

حقا که مرآینه اگر باز نایستد از کفر مرآینه تو بگیریم او را بموی پیشانی او موی پیشانی دروغ گوی گنه کار

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ

پس باید که برخواند اهل انجمن خود را زود برخوانیم زبانیه را حقا که فرمان مبر او را و سجود کن

وَاقْتَرِبْ

و نزدیک شو

سورة القدر ثمان آية

سنت سجده

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ

بدرستی که فرو فرستادیم ما این قرآن را در شب قدر و چه دانی تو که چه بود شب قدر شب

الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

قدر بهتر از هزار ماه بود فرود آیند فرشتگان و جبریل در آن شب بفرمان

رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

پروردگار خود از هر کاری بسلامت بود آن شب تا بر آمدن بامداد

سورة البينة احدی عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ

نبودند آنها که کافر شدند از اهل کتاب و بت پرستان مقیم شوندگان

حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

تا آمد بدیشان معجزه رسول از پیش خدا تا خواند نامها و اوراق پاک از باطل

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ

در آن هست کتابهای راست و متفرق الکلمه نشدند آنها که بداده شد ایشان را کتاب مگر از پس

مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ ۝ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

آنچه آمد بدیشان حجتی روشن و نفرمودند مگر که پرستند خدا را خالص کننده مر او را دین

حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ۚ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ

مایلان از باطل بحق و بپای داشتند نماز را و بدادند زکوة را و آنست دین راست

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ

بدرستی که آنها که کافر شدند از اهل کتاب و بت پرستان در آتش

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

دوزخ باشند همیشه باشند در آنجا آن گروه ایشانند بدترین آفریدگان بدرستی که آنها که بگرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ۝ جَزَاؤُهُمْ عِندَ

و کردند کارهای نیک آن گروه ایشان بهترین آفریدگان پاداشت ایشان نزد

رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

پروردگار ایشان بستانها اقامت بود که رود از زیر آن جویها روان جاوید باشند در آنجا

أَبَدًا ۖ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

همیشه خشنود بود خدا از ایشان و خشنود باشند ازو آن مر آنرا است که ترسد از پروردگار خود

سورة الزلزال

بسم الله الرحمن الرحيم

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنسَانُ

چون در جنبانیده شود زمین در جنبانیده شدنی و بیرون اندازد زمین بارهای گران را و گوید آدمی

مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا يَوْمَئِذٍ

چیست این را آن روز سخن گوید زمین با خلایق خبرهای خود را بآن که پروردگار تو الهام کرده بود مر او را آن روز

يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

باز گردند مردمان از قبور سوی موقف پراکنده تا ببینند عملهای خود را پس هر که کنده هم سنگ مورچه

خَيْرًا يَرَهُ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

نیکی ببیند آن را و هر که کند هم سنگ مورچه بدی ببیند آن را

سورة العاديات احدى عشرة آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

دوندی — آتش بیرون آوردنی

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا فَأَثَرْنَ

بحق اسبان دونده در جهاد پس بحق آتش بیرون آرندگان بحوافر پس بحق اسبان غارت کننده در بامداد پس برانگیزند

بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ

بدان وقت گردی بمیان در آیند در آن وقت همه میان جمع اعدا بدرستی که آدمی مر پروردگار خود را ناسپاس است و بدرستی که او

عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا

بر آن گواست و بدرستی که او مر دوست داشتن مال را سخت بخیل است ای پس نمیداند که چون

بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ

برانگیخته شود آنچه در گورهاست و تمیز کرده شود آنچه در سینههاست بدرستی که پروردگار ایشان بدیشان آن روز

لَّخَبِيرٌ

آگاه بود

سورة القارعة احدى عشرة آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ يَوْمَ يَكُونُ

قیامت و چه بود قیامت و چه دانی تو که چیست قیامت روزی بود که باشند

النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ

مردمان همچون پرندها چراغ یا همچون ملخهای منتشر و باشند کوهها همچون پشم رنگین واژده

فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ

پس هر که گران آید ترازوی او بطاعت پس او در عیشی بود پسندیده و اما هر که

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ نَارٌ

سبک آید ترازوی او بطاعت پس جای او هاویه بود و چه دانی تو که چه بود هاویه آتشی بود

حَامِيَةٌ

بغایت گرم رسیده

سورة التكاثر ثمان آيات مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

أَلْهَٰكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

مشغول كردانيد شما را تفاخر بكثرت اموال در حال زيارت كرديد شمار بر گورستانها حقا كه زود بدانيد

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

پس حقا كه زود بدانيد حقا كه اگر بدانيد دانستن بيقين احوال معاد را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

هرآينه ببينيد دوزخ را پس هرآينه ببينيد آنرا ديدني بي گمان پس هرآينه باز پرسند از شما

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن روز از حال نعمتها

سورة العصر ثلث آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

بنماز ديگر بدرستي كه آدمي هرآينه در زيانكاريست مگر آنهاي كه بگرويدند و كردند

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

كارهاي نيك و در موندند يكديگر را بكار كردن بتوحيد و در موندند يكديگر را بصبر كردن

سورة الهمزة تسع آيات وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ

واي مر هر بدگوي عيب جوي را آنكه گرد كرد مالي را و شمرد آنرا از حرص پنداشت

أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ كَلَّا لَيُنبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ

كه مال او هميشه خواهد بود حقا كه هرآينه انداخته شود در حطمه و چه داني تو اي محمد

مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ إِنَّهَا عَلَيْهِم

كه چه بود حطمه آتش خداست برافروخته شده آن آتشي كه برسد از آن بدلها بدرستيكه آن آتش برايشان

مُّؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ

مغلق الابواب بود در ستونهاي بازكشيده

سورة الفيل خمس آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قصد خرابي كعبه داشتند

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

اي نديدي كه چه كرد پروردگار تو باصحاب پيل اي نه بكرد كيد ايشان را

فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ

در ضايعي و بفرستاد بر ايشان مرغاني بسيار گروها مي انداختند بر ايشان سنگها

مِّن سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ

از سنگ گل پس كرد ايشانرا سجين كاهي كه ستوران آنرا خورند

سورة قريش اربع آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

لإيلاف قريش إيلافهم رحلة الشتاء والصيف فليعبدوا

از بهر الفت دادن قریش بود الفت دادن ایشان سفر کردن ایشان در زمستان سوی یمن و تابستان سوی شام پس باید که پرستند

رب هذا البيت الذي أطعمهم من جوع وآمنهم

پروردگار این خانهٔ کعبه را آن خدائی که طعام داد ایشان را از گرسنگی و ایمن کرد ایشان را

سورة الماعون سبع آية مكية

من خوف

از ترس یعنی غارت

بسم الله الرحمن الرحيم

أرأيت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم ولا

ای دیدی آنکسی را که دروغ داشت قیامت را پس آن مکذب آنست که منع میکند یتیم را

يحض على طعام المسكين فويل للمصلين الذين هم

و بر نمی انگیزد خود را بر طعام مسکین پس وای نمازگزارندگان را آنهائی که ایشان

عن صلاتهم ساهون الذين هم يراءون ويمنعون الماعون

از نمازهای خود کاهلان و غافلانند آنهائی که ایشان بروی و ریا میکنند و منع میکنند از هم قماش خانه را

سورة الكوثر ثلث آيات مكية

472

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا أعطيناك الكوثر فصل لربك وانحر إن شانئك

بدرستی که ما عطا دادیم ترا چشمهٔ کوثر پس نماز بگزار و شتر قربان کن بدرستی که دشمن تو

سورة الكافرون ست آية مكية

هو الأبتر

اوست دنبال بریده

بسم الله الرحمن الرحيم

قل يا أيها الكافرون لا أعبد ما تعبدون ولا أنتم عابدون

بگو ای کافران نمی پرستم آنچه می پرستید شما و نه شما پرستنده اید

ما أعبد ولا أنا عابد ما عبدتم ولا أنتم عابدون ما أعبد

آنچه من می پرستم و نه من پرستنده ام آنچه شما می پرستید و نه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم

سورة النصر ... آية مكية

لكم دينكم ولي دين

مر شما راست دین شما و مرا است دین من

بسم ... الرحمن الرحيم

إذا جاء نصر الله والفتح ورأيت الناس يدخلون في دين الله

چون آید نصرت خدا و فتح مکه و بینی تو مردمان را که درآیند در اسلام در دین خدا

افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا

گروه گروه پس تسبیح کن بستایش پروردگار خود وآمرزش خواه ازو که اوست توبه پذیرنده

سورة الحطب خمس آيات وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

وهلاک شد / یدا

تبت يدا ابي لهب وتب ما اغنى عنه ماله وما كسب سيصلى

زیانکار باد دو دست ابی لهب چه بکار آید ازو مال او وآنچه اندوخت زود در رود

نارا ذات لهب وامراته حمالة الحطب في جيدها حبل

در آتشی خداوند زبانه زدنی وزن او کشنده هیزم بود در گردن او بود ریسمانی از لیف

من مسد

خرما تافته

سورة الاخلاص اربع آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن

بگو اوست آنکه خدا یکیست خدا پناه نیازمندان نه زاید و نه زاییده شد ونباشد

له كفوا احد

مر او را همتا و مانند هیچ یکی

سورة الفلق خمس آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا

بگو پناه میگیرم به پروردگار سپیده دم از بدی آنچه آفرید وازبدی شب چون درآید

وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا

وازبدی زنان دمنده در گرهها وازبدی حسد برنده چون

حسد ٥

حسد برد

سورة الناس ست آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من

بگو پناه میگیرم بپروردگار مردمان پادشاه مردمان خدای مردمان از

شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس

بدی دیو وسوسه دهنده آن دیوی که وسوسه دهد در سینهای مردمان

من الجنة والناس ٥

از پری و آدمی

I

هرکه از قرآن کند فال خویش • بی شکی واقف شود بر حال خویش • با پرسش کردن طهارت از نخست • مصحفی بس اول آنگه درست •
فاتحه برخوان تو از اول سه بار • سورهٔ اخلاص و نیت پیش آر • چون نیت کردی بر او بنگاه ای • این دعا برخوان و مصحف برگشای •

اللهم انی تفألت بکتابک • و توکلت علیک • فارنی ما هو المکتوم • فی سرک المکنون • فی غیبک • اللهم انت الحق • انزلت الحق • علی محمد الحق • برحمتک یا ارحم الراحمین •

سطر اول تا بهفتم برشمر • گشت باید حرف اول خیر و شر • اینچنین بود است فال انبیا • هم بوین رفتند جمله اولیا •
لیک چون تو فال را ای بنگری • زانچه گوید حرف باید نگذری •

ا چون آ آمد بفال اندر کتاب • ابتدای کار شد خیر و صواب • ب به نیکویی بیابی راحتی • منفعت یابی ز صاحب دولتی •
ت بتوبه بازگردی از خطا • گردی صدقه بود دفع بلا • ث اگر آید بفال اندر کلام • گردی اندر دین و دنیا نیکنام •
ج جهد و جهد بکن در کار خویش • گشت در آیند با کسان دولت پیش • ح زخویشان توتیا بی قوی • از بلا و رنج و غم ایمن شوی •
خ نبانی خالی از خوف و خطر • با خدا باش و زمر دگر حذر • د در دولت باشدت با عز و ناز • دست تو بر هر غرض باشد دراز •
ذ دشمن قهر یابد شاد باش • از غم و اندوه و ترس آزاد باش • ر بفال اندر نشان مهتری • هم ز عز و هم ز دولت برخوری •
ز بکار خویش درمانی بجان • عاقبت یابی از آن بختی امان • س سعادت باشدت در دو سرای • هم بیابی هر چه خواهی از خدای •
ش ز دشمن می نماید ترس و بیم • باید از دشمن حذر کردن مقیم • ص صبر کرد باید بر مراد • چونکه کردی صبر کارت برگشاد •
ض روزی چند غمخواری شوی • بی شک اندر جهت کاری شوی • ط اگر آید بفال ای خوب کار • در ره خالق شوی پرهیزکار •
ظ برآید وارهی از درد و رنج • حق دهد بهتر ترا انعام و گنج • ع اگر آید بفال اندر زمان • آشکارا گردد ترا از نهان •
غ چیزی داد باید خواسته • چون بدادی کار شد آراسته • ف اگر آید بفال ای هوشیار • جمع گردد مال و گردی کامکار •
ق اگر آید شوی مقبول قول • بی شکی ایمن شوی از بیم و هول • ک بیم آن بود گزند گهان • دو خصومت ایمنی باشد از آن •
ل چون آید بفال ای مرد خاص • از غم و اندوه دل یابی خلاص • م از کاری طاعت باید او • یا به دشمن بازگردد یا بدو •
ن در آن کاری که رنج برده • خیر یابی از آنکه بس آزرده • و از خلقان تو گردی بی نیاز • سازدت کار دو عالم کارساز •
ه هلاک دشمنان آید بفال • بازرست از گفت و گوی و قیل و قال • لا امد بفال آن یکی • کار او شوریده گردد انکی •

ی ز غیب آیدش اخبار خوش •
تا بگیری در کنارش شاد خوش •

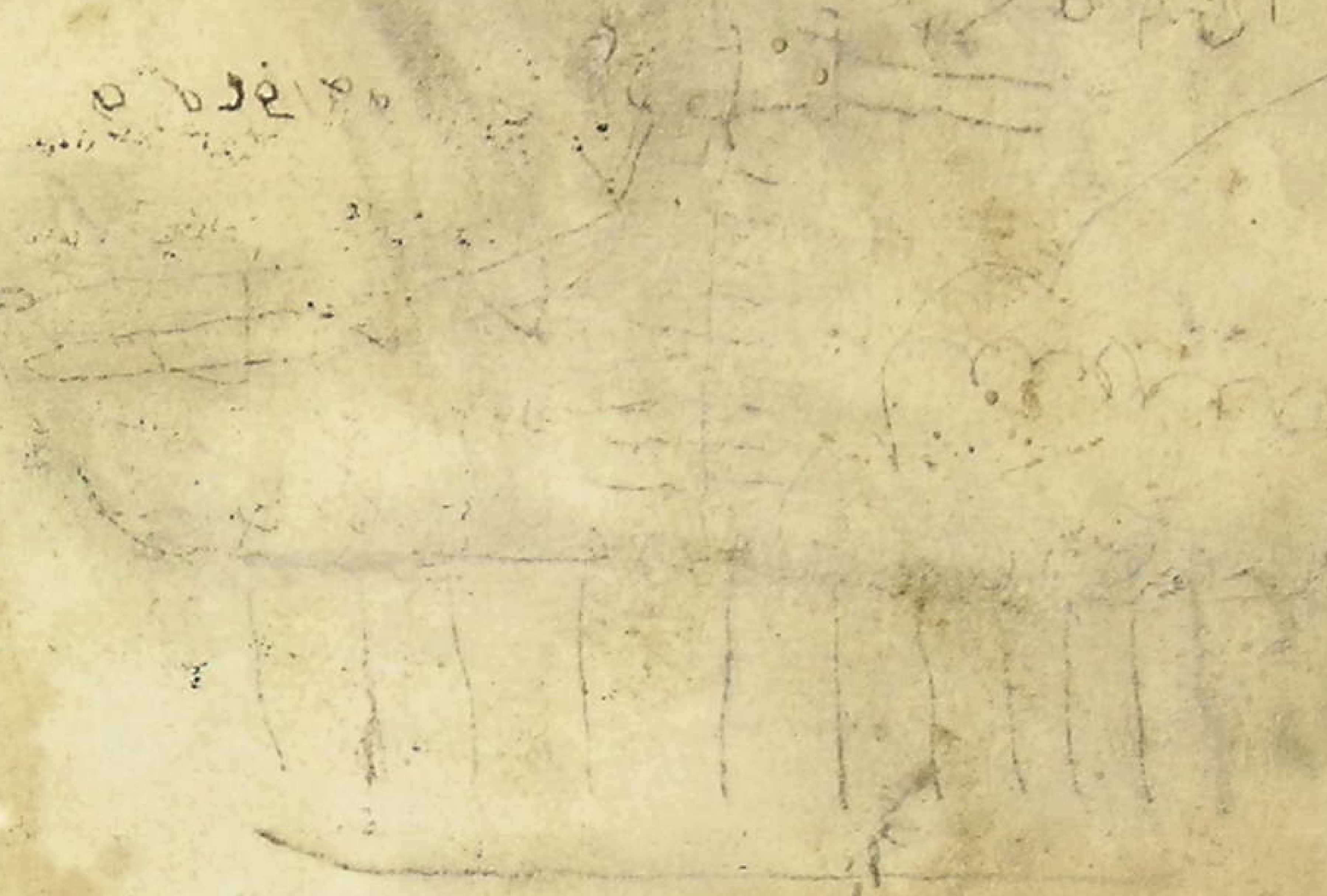
قال باعبس بادو ویل و الهیکم
جو قطع تبنیه تبت دولانت او

اللهم انی اسألک اخبات المخبتین و اخلاص الموقنین و مرافقة الابرار و استحقاق حقایق الایمان و الغنیمة من کل بر و السلامة من کل اثم و عزایم مغفرتک و وجوب رحمتک والفوز بالجنة والخلاص من النار

7 حاجات و بیرون امدن از غم و اندوه و مقهور شدن دشمنان و طلبی که داری بخیر و دی زود بر اید و اسباب بهتری از دید بیرون ...
و لیکن تو شخصی که طبیعتی ملون داری و بهر دم دو رنگی و لیکن از امروز تا هفت روز دیگر از این اندیشه که در دل گرفته ...
II تو شادمان شوی دل خوش دار که فال که بطالع تو بر امده است دلالت میکند بر مقهوری دشمنان و حاصل شدن مراد و بیرون
امدن از غم و در میان تو هیچ نیکی تمام معروف شوی و انچه در دل داری بیابی ان شاء الله تع حرف ثی چون در فال تو ثی
امدن باز نیست و لیکن هیچ سودی در میان نیست همیشه هم کوش نیت حذر کن و لیکن تعجیل کردن همچنان نیست بصبر
و صابری حاصل شود کار از این نیکو ترم شرح و بیان نیست مکن تعجیل زنهار ان در این کار بشنو این پند را کر کوشت کران نیست
ای خداوند فال این فالی میانه است که بطالع تو بر امده است زبان خود بکار ار و متحمل باش تا از دست و زبان خود بشیمان شوی
و طلب چیزی که میکنی بدست اور و لیکن تعجیل مکن تا کار خود بزبان نبر و از شخصی شمع رنگ چشم بلند احتراز نمای تا انچه
در دل داری بیابی و از خود باکس مکو و متحمل باش تا مرادی که داری بصبر و صول یابد و از اندوه و غم فارغ شوی و بکام
دل برسی و خوابی که بینی با هیچ اثر بد مکوی که بهتر بود و در این نیت صلوات بر رسول فرست تا بکام دل برسی بکوان شاء
الله تع حرف سین چون سین امد سعادت یار گردد عنوده بخت تو بیدار گردد چو سین امد مکن یک خصلت بد کزان خصلت
خرد بیمار گردد مکو با هیچ کس راز دل خویش که تا درد تو را تیمار گردد چون سین امد سفر کردن بود سود اگر خواهی
که زر بسیار گردد ای خداوند فال بشارت باد ترا بخیری و ظفر یافتن بر دشمنان و بیرون امدن از غم و شفا یافتن
از رنج و امیدی که بکسی بسته بزودی زود وصول یابد و اگر چنانچه نیت سفر داری برو که بغایت نیکوست و از سفر مال
بدست اوری و از هیچ رو بشمانی ندارد و لیکن اندیشه بسیار بخاطر خود راه مده که از امروز تا ده روز دیگر عظیم خرم و
شادمان شوی و لیکن بر تو باد که از شخصی سرخ و سفید میانه بالا احتراز نمائی تا با تو مکری بکار نکند صلوات بر رسول فرست
تا انچه در دل داری بیابی ان شاء الله تع حرف شین چون شین امد نفارت می نماید شراب و شعر و شکر کردن نشاید
چون شین امد بر و شوری مینگیز که از شر هیچ شیر نیاید چو در فال شین امد از دشمن حذر کن و رنه اندوهت
فزاید در این نیت مکن تعجیل ای دوست صبوری کن که تا کارت بر اید ای خداوند فال در این نیت که کرده صبر کن تا کارت
بر اید و بزبان اشیری بدان و اگاه باش که این فال که بطالع بر امده است دلالت میکند که از امروز تا سه روز دیگر زبان خود را نگاه
دار تا از گفتار خود پشیمان نشوی و تفرقه و دغدغه بخود راه مده چنانکه می بینم که اخرش می ترسی که ترا از ان هیچ بیمی نیست
و دشمنان نتوانند رفیقان تو اند و راز خود از خلق بپوشیده دار تا کارها بموجب دلخواه شود و انچه در دل داری وصول یابد
بیقین خود را درست دار تا مراد برسی بکوی ان شاء الله تع حرف صاد چون صاد امد صبوری کن صبوری کز ان صبرت زیانی نیست
چو نسود بهر کاری که گاهی گشت مشغول بصبر ان کار بهتر گردد آن زود در این نیت اگر صبری نمائی مرادت میدهد
شاد معبود ای خداوند فال این فال که بطالع تو بر امده است فالی صاحب دولتانه است و از عیسی پیغمبر است مرتبه ات بلند
شود و کارها بجمع بر نیات رنده شود و در وجه بهتر کاری که بیاری ... بیشتر بهتری و مال از ... بدست اوری که ترا گمان نباشد
و از امروز تا شش روز دیگر عظیم خرم شوی اما چنان می بینم که کسی نسبت خوبشی با تو ... ترا نصیحت میکند و قطعا سخن
وی نمی شنوی و بر خود شفقت نداری از سخن و صواب دید او بیرون مرو که تو بهتر باشد ان شاء الله تع حرف ضاد چو ضاد
امد بفال ای برادر عجایب فال باشد نیک نیکو چو ضاد امد بفال خود نکه دار دل خود در غم و اندوه مبر کم بهر کار خوابیده و کم

در اقسام حروف از نیک و بد و میانه که کدام است

آن حروفی که اید انور فال . بشنو حکم آن برون ز سه حال . یا میانه است یا نکو یا بد . غیر از این نیست داتی واحد .
بود آنها که باشد از وی بیم . ت و خ عین و شین و کاف و میم . و انکه باشد میان خوف و رجا . ضاد و غین است و زا و ها و دلا .
دیگر که مانده است جز این . همه نیکوست لاعلی الیقین .



88

زور بکن تعجیل و کار خود بدر بر که حرف ضاد باشد بس مبارک درین نیت ز عمر خویش برخوری ای خداوند فال اندیشه کاری کو کرده
بغایت نیکوست جد و جهد بنمای تا از پیش ببری و این حرف که بطالع تو برآمده است فالی صاحب دولتانه است و تعلق بستاره
قمر دارد چنان می بینم که شخصی متردد احوالی و بیکجا قرار نمیگیری و هر دم دل داری و فکری با خود میکنی و اگر نیت سفر
داری عظیم نیکوست دل خوش دار که آنچه در دل داری زود برسی بیابی بگوی ان شاء الله تع حرف طی چو طی آمد طهارت کن طهارت بیرون دی
کن تو دمها را نیارت چو طی آمدت وجودت کن مطهر ز عصیان و ز جرم و ز شقاوت بشو شیخ خدا کارت برآید غم مخور چون که نیت آمد بضاعت تو را
جمله گناهان پاک گردد بس ای بندهٔ زهد و عبادت ای خداوند فال بشارت باد ترا که طالعت از زندان بیرون آمد و دولت و سعادت روی بتو
آورد و از امروز تا نه روز دیگر از ضمیر خود واقف شوی ای خداوند فال از شخصی که صاحب تیغ و سلاح باشند حذر کن تا با تو مکری در کار نکند
زینهار زینهار که اگر بر ایشان اعتبار کنی خود از وی پوشیده دار و اندیشه اینکار که کرده ای آنچه دلخواه تو است بدست آوری و لیکن در طلب تقصیر مکن
وجد و جهد بنمای تا از پیش ببری صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تع حرف ظی چو ظی آمد مرادت حاصل آمد [illegible]
دعوی دشمن باطل آمد بگو والسلام [illegible] درست نه فال کو دکان غافل آمد بنالی هر که حرف ظی بیامد یقین میدان که از ماه و مشتری آمد درین نیت
و این فال ز بهر حرف کار مقصود تو لابد بر آید ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این فال که بطالع تو برآمده است از هیچ باب اندیشه مدار
در تو دکار [illegible] و دوست و دشمن ترا بر تو احتیاج خواهد بود دل خود خوش دار که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند
به برآمدن حاجات و بیرون آمدن از غم و اندوه و درین دو سه روز گذشته ملالی بخاطر تو رسیده بود [illegible] بر تو آسان شده بود
بخیر و خوشی مبدل شد دل خوش دار که امانت بهتر از سالها گذشته میباید صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله
حرف عین چو عین آمد عی رغم بداندیش بکن عیش و نشاط و نوش بی تشویش درین نیت که کردی سعی بنمای بکن تعجیل و دم [illegible]
چو عین آمد بفال عمر بادی [illegible] بجاه با کام دل خویش ای خداوند فال مژده باد ترا که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت فالی نیکوست
بدان فال نها دیگر هیچ مانند اول دلالت میکند [illegible] حرکت و سفر کردن که پیش آید که باید که بکجا باشی که بغایت نیکوست و از هیچ
باب تشویش ندارد و از امروز تا ده روز دیگر [illegible] واقف شوی و از شخصی سرخ و سفید میانه بالا [illegible] منتظر
ضرر شوی بغایت که بهر کوی کان نه بر ده باشی تو که [illegible] بهوس دکار نکن تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تع حرف غین
چو غین آمد مشو زین کار غمگین فراغت بنشین کن دل شاد بنشین اگر در فال قرآن صدق داری نوازش کن تو باد و بین و مسکین تو کار کن به
ایزد و انگهی رود بر او بخت و دولت با تو زینهار برو دنبال این نیت که نیکست درین نیت بخواهی بود غمگین ای خداوند فال چنان می بینم که از چیزی
می ترسی و طلب چیزی میکنی دل خوش دار که آنچه دلخواه تست بدست بیاوری و روز بروز که بگذرد کارت نیکوتر شود و بر سانی که بیش از این
بطالع خود داشتی بکار از طالعت بیرون رفت و از امروز تا ده روز دیگر از این نیت که در دل گرفته [illegible] باد که سر داده
[illegible] که روی و تی نشانی باشد [illegible] تا با تو مکری در کار نکند صلوات بر رسول فرست تا مرادی که داری
بیابی حرف فی چو فی آمد بفالت کام یابی میان سرفرازان نام یابی چو فی آمد [illegible] خواهد بود [illegible] انعام یابی همه کام بر شادمان
شوی جمع ز غایب آگهی یابی [illegible] و درین نیت سفر کردن شاید دگر هر کار خواهی کام یابی ای خداوند این فال که بطالع تو برآمده است
[illegible] تعلق دارد دلالت میکند [illegible] شادی و عیش فراوان روی آورد هر کار که میل داری از پیش ببری و از شخصی سرخ و زرد حذر کن
[illegible] بیابی و کارت بالا بسر برود که خواب پریشان دیدی [illegible] نیکو بتو رسد و اگر نیت سفر داری [illegible]
بدست شد و روز تعبد کن که بعد از این کارت نیکو شود صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تع حرف قاف چو قاف آمد ز فال تو قاف آمد اخبار مست

ترا خاطر جمله در زیر بار است چو قاف آمد تو ز خلق گردی درین نیت منگر ای شمار است چو قاف آمد قدم در نه
درین کار بکن سعی و نه وقت انتظار است در تو مانند شخصی [illegible] ای جان که او از جان ترا هم دوست دارست
ای خداوند فال مژده باد ترا که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند که آنچه دلخواه تست بدست [illegible]
و شادی بسیار روی بتو آورده دل خوش دار که درین نیت که کرده دلالت میکند بر تفرقه تن [illegible] و شد
و شادی بسیار روی بتو آورد دل خوش دار که درین نیت که کرده در خیری بر روی تو بکشاید و اسبابت بهتر از
سالها گذشته می نماید صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی انشاء الله تع حرف کاف چو کاف آمد
کدورت می نماید خصومت خصومت می نماید چو کاف آمد اگر سعی بنمایی بامر هم عبودت می نماید مکن [illegible]
وعده قرض کن اینجا سود در زنهار [illegible] مکن سعی اندرین کار ای پسر در یقین می دان [illegible]
خداوند فال اندیشه این کار و نیت کرده و تعجیل مکن تا از عمر و کردار خود پشیمان [illegible]
اندیشه و نیت که کرده شروع کنی ملالت بخاطر برسد تا نامی باید که کار [illegible]
حالی که باشی با دشمن زیرا عاقل مشورت کنی تا پشیمان نشوی و از شخصی که صاحب [illegible]
پریشان خاطر نشوی و تا هفت روز دیگر روزی بهر کار که بیاوری از پیش ببری [illegible]
نیکو نشود ان شاء الله حرف لام چو لام آمد [illegible] فرخنده کرده بهره کار باید زنده گردد از این نیت که لام آمد بفالت
یقین این طالعت فرخنده کرده [illegible] که عداوت باشد و رزد بدان کز خان و مان آواره گردد ای خداوند فال بدان و آگاه
باش که این فال که بطالع تو برآمده است بر فالی صاحب دولتانه است دلیل میکند برآنکه از امروز تا شش روز دیگر از سر ضمیر
خود واقف گردی و مرادی که داری حاصل شود و از غم و اندوه خلاص شوی زینهار که دست از این نیت باز نداری که عظیم
نیکوست و مراد خود را زود بگیری و یقین خود را درست دار که [illegible] مطلب بود و دست تمیداد بعد از این مرادت
حاصل شود بگو انشاء الله تع حرف میم چو میم آمد [illegible] بملامت بکشتیم شرح فالت را تمامت از این نیت حذر کن ورنه
بی شک ملامت یا ندامت [illegible] مکن دعوی مکن چون [illegible] دعوی [illegible] علامت حذر کن از چنین کار ای برادر
چو میم آمد نمی بینم سلامت ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند که مدت چهار
ماه باشد که در کار خود شکسته و پریشانی دلخوش دار که بعد از این کار [illegible] شود و [illegible] این فال [illegible]
بصبر بنگر اما درین نیت که کرده صبر کن تا کار خود بر پای ببری و بر تو بار که از شخصی زرد رنگ ترش روی حذر کن [illegible]
با کسی مکن تا آنچه در دل داری بیابی بگو ان شاء الله تع حرف نون درین نیت چو [illegible] نوشت [illegible] عالمان کریم که چون
نون آمد [illegible] دولت [illegible] نوشت [illegible] آمد بفال [illegible] دشمن زبون دولت [illegible]
[illegible] ای خداوند فال بشارت باد [illegible] شادی و خرمی و عیش و ذوق و راحت [illegible]

[illegible]

[illegible] سخن راست [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حرف واو است [illegible]

[illegible] دلالت میکند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حرف ج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حرف لام [illegible]

[illegible] شرح [illegible]

[illegible] دلالت میکند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]